باسمه تعالی
فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات
شماره ثبت: ۳۹۱۷۲
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲ م ۲۸۱ ز ۱۳۱۹
سرشناسه: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.
عنوان قراردادی:
عنوان: زاد المعاد + ضمیمه صحیفه کامله
کاتب: تاریخ کتابت:
محل نشر: اصفهان ناشر: مطبعه میرزا ابراهیم تاریخ نشر: ۱۳۱۹ق
صفحه شمار: ۵۶۹ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان: فارسی ابعاد: ۲۱×۳۴ نوع خط: نسخ و نستعلیق
روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☑ خریداری☐ ارسالی☐
توضیحات: آیت الله نخبة الفقهائی تاریخ ثبت: آبان ۱۳۸۹
یادداشتها: ۱. شرح ضمائم: صحیفه کامله سجادیه (حاشیه) / امام سجاد (ع)
۲. در انتها فهرست ادعیه آمده است.
موضوع(ها): ۱. دعاها. ۲. زیارتنامه ها. ۳. علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. صحیفه سجادیه
شناسه(های) افزوده: الف. علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. صحیفه سجادیه. ب. نخبة الفقهائی، محمدحسن، ۱۲۸۵ - ۱۳۶۹، اهدا کننده. ج. عنوان.
فهرستنگار: اسماعیل تاریخ فهرستنگاری: آبان ۱۳۸۹

اهدائی الحاج سید محمدحسن میرجهانی
بکتابخانه نخبة الفقهائی ۶/۵/۱۳۴۰
[illegible]
کتابخانه عمومی نخبة الفقهائی
فهرستستان لار

قال الله تعالی

فی کتابه الکریم (قل ما یعبؤ بکم

ربی لولا دعاؤکم) یعنی بگو ای پیغمبر خداوند

اعتنا و نظر رحمت بشما بندگان نمیفرمود اگر چنانچه دعا

کردن شماها بدرگاه خدا نبود خلاصه اینکه اگر بندگان بخواهند خداوند

نظر رحمت بآنها بفرماید بایستی بدرگاه خداوند تعالی بروند و دعا کنند

تا اینکه رحمت خدا شامل حال آنها بشود و باز در قرآن عظیم میفرماید (وسارعوا الی

مغفرة من ربکم) یعنی سرعت و شتاب کنید بسوی کارهائیکه باعث آمرزش شماها میشود

از مفاد این دو آیه کاملا اهمیت دعا معلوم میشود و تاثیر شتاب کردن در دعا والبته

بهترین دعاها از دعاهائیست که ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار میخوانده اند

و بمؤمنین دستور داده اند که مهمترین آنها را مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب

مستطاب زاد المعاد ذکر فرموده و چون این کتاب برایگان در دسترس عموم نبود لهذا در

این زمان نجابت عمدة التجار آقای حاج سید عبد الرسول زید توفیقه ابن مرحوم مغفور حاج

سید عبد الکریم رحمه الله المعروف برحیم زاده غفر له گوی سعادت ربوده و موفق به نشر

و طبع شدند و چون یکی از شرایط مهم دعاها صحیح خواندن است لذا امر تصحیح آنرا در عهده

بندگان سرحلقه فقهاء و ادباء و اتقیاء این زمان آقای حاج میرزا علی آقا شیرازی ادام الله افضاله تفویض

نمودند تا اینکه بحمد الله بزیور حسن خط و طبع صحیح و غیره آراسته شد امید است که برادران ایمانی

موفق بفیوضات قرائت این نسخه شریفه بشوند و سایرین مخصوصا

صاحبان خیرات و صدقات جاریه را از دعای خیر فراموش

نفرمایند بتاریخ اول شهر رجب المرجب

۱۳۶۴ قمری مطابق ماه خرداد ماه

۱۳۲۴ شمسی خود را دعا بفرمایند

اهدائی الحاج سید محسن ... بکتابخانه نخبة الفقهائی ۱۳۴۰/۵/۶
کتابخانه عمومی نخبة الفقهائی
... لار

قال الله تعالی
فی کتابه الکریم (قل ما یعبؤ بکم
ربی لولا دعاؤکم) یعنی بگو ای پیغمبر خداوند
اعتنا و نظر رحمت بشما بندگان نمیفرمود اگر چنانچه دعا
کردن شماها بدرگاه خدا نبود خلاصه اینکه اگر بندگان بخواهند خداوند
نظر مرحمت بآنها بفرماید بایستی بدرگاه خداوند تعالی بروند و دعا کنند
تا اینکه رحمت خدا شامل حال آنها بشود و باز در قرآن عظیم میفرماید (وسارعوا الی
مغفرة من ربکم) یعنی سرعت و شتاب کنید بسوی کارهائیکه باعث آمرزش شماها میشود
از مفاد این دو آیه اولا کمال اهمیت دعا معلوم میشود و ثانیا شتاب کردن در دعا والبته
بهترین دعاها از دعاهائیستکه ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار میخوانده اند
و بمؤمنین دستور داده اند که مهمترین آنها را مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب
مستطاب زاد المعاد ذکر فرموده و چون این کتاب برایگان در دسترس عموم نبود لهذا در
این زمان جناب عمدة التجار آقای حاج سید عبد الرسول زید توفیقه ابن مرحوم مغفور حاج
سید عبد الرحیم غفر له المعروف برحیم زاده غفر له گوی سعادت ربوده و موفق بنوشتن
و مقابله و طبع شدند و چون یکی از شرایط مهم دعاها صحیح خواندنست لذا امر تصحیح آنرا در عهده
بندگان سر حلقه فقهاء و ادباء و اتقیا این زمان آقای حاج میرزا علی آقا شیرازی ادام الله افضاله تفویض
نمودند تا اینکه بحمد الله بزیور حسن خط و طبع صحیح و غیره آراسته شد امید است که برادران ایمانی
موفق بفیوضات قرائت این نسخه شریفه بشوند و سایرین مخصوصا
اصحاب خیرات و صدقات جاریه را از دعای خیر فراموش
نفرمایند بتاریخ اول شهر رجب المرجب
۱۳۶۴ قمری مطابق ماه خرداد ماه
۱۳۲۴ خورشیدی

کتاب مستطاب زاد المعاد
علامه مجلسی اعلی الله مقامه الشریف

ذخیرة المعاد منتخبا

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی والصلوة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی **اما بعد** بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما ابر الواح ارواح صفا فیه برادران ایمانی واخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزد تعالی شانه برای هدایت گمکشتگان وادی جهالت و ضلالت طریق صوم وصلوة ودعا وعبادات که اشرف طاعات واقرب طرق نیل سعادات است مقرر گردانیده واز حضرت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین ادعیه واعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحون است از آنها واینجانب در اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد کرده ام واکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه وغیرها تحصیل آنها وعمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال وفضائل ایام ولیالی شریفه واعمال آنها که باسانید صحیحه ومعتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند وشاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند ومسمی گردانیدم آنرا بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا الی سبیل الرشاد و چون

انمام این رساله وآغاز وانجام این عجاله در زمان دولت عدالت ثمر واوان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان وسرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت ودین نقاوه احفاد سید المرسلین آب ورنگ گلستان مصطفوی چشم وچراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم وخاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که تیغ ابدارش برای سرهای کفار نهر بیست بسوی دار البوار وحسام آتش بارش برای حیات مخالفان ومعاندان مصدر وقهر یرسل علیکما شواظ من نار در دستهای اعیان مزید رفعت سادات استان رفیع البنیان باکف الخضیب هم دستان وخروش صوفیان صفوف نشان بزمزمه دعای خلود دولت بدتوامان با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید بر خود بلرزید وهر که چهار آینه نفاق در برکشید صورت مرگ خود را در آن دید گره جبین فهرش عقده گشای گرهها کار بستگان کشادگی کف دربار نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان مؤسس قواعد ملت ودین مروج شریعت آباء طاهرین جبل ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین زمان لبریز وخواقین دوران در صحن مرد عزت وجلالش ترزبان بینک اند مسنا الضر ایها العزیز السلطان الاعظم الخاقان الاعدل الاکرم ملجأ الاکاسرة وملاذ القیاصرة مجیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان شاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لا زالت رایات دولته مرفوعة وهامات اعدائه مقموعة میسر گردید بتحفه آن بارگاه خلایق امید گاه گردانیدم امید که مقبول طبع اشرف گردد وآن اعلیحضرت از فوائد آن منتفع گردد بمحمد واله الطاهرین والله الموفق والمعین وآن مشتمل است بر چهارده باب وخاتمه **باب اول** در فضائل واعمال ماه رجب است وآن مشتمل بر پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضائل این ماه وعبادات است **بدانکه** این ماه وماه شعبان ورمضان بهترین ماههای سالند واز حضرت رسالتپناه صلی الله علیه واله منقول است که هر که حرمت ماه رجب وشعبان را بدارد ووصل نماید روزه این دو ماه را بروزه ماه مبارک رمضان این ماهها در روز قیامت گواهان او خواهند بود در نزد حق تعالی ودر آن روز منادی از افق اعلی ندا کند ای رجب وشعبان ورمضان چگونه بوده است عمل این

بنده در شبها و طاعت او از برای خدا همه اینها همها گویند که این بنده تو توشه گرفت در ماهها برای طاعت تو و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلند بر اینماهها که یافتیم این بنده را مگر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و امید وار برحمت و امرزش تو و انچه نهی کرده بودی ترک کرد و از انچه از او طلبیده بودی بسوی انها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و چشم و گوش و سایر جوارح او از انچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را به تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را بتعب افکند از برای بندگی تو و تصدق بفقراء و مساکین بسیار کرد و احسانات باینشان بسیار نمود و با اینماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکوئی کرد و بعد از رفتن اینها پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حقتعالی میفرماید که ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه بتحفه ها و کرامتها و او را بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرائیکه جوانان پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی ان زوال ندارد و هرگز ایشان راتعب نمیباشد و از عذاب ایمن میکردند و مشقت حساب نیست بر ایشان و ایضا از انحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی بحرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال با کافران در اینماه حرامست و رجب ماه خدا است و شعبان ماه منست و رمضان ماه امت منست کسیکه یکروز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بروی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هرکه یکروز از ماه رجب را روزه بدارد اتش جهنم یکساله راه از او دور شود و هرکه سه روز از ان روزه دارد بهشت او را واجب گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و هرکه یکروز از ماه رجب را روزه دارد البته از ان نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار طلب امرزش کنید در اینماه که خدا امرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بگوئید استغفر الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق

منقولست که هرکه یکروز از ماه رجب را روزه بدارد اتش جهنم یکساله راه از او دور شود و هرکه سه روز از ان روزه بدارد بهشت او را واجب گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و هرکه یکروز از ماه رجب را روزه دارد البته از ان نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار طلب امرزش کنید در اینماه که خدا امرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بگوئید استغفر الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هرکه سه روز از ماه رجب را روزه دارد هر روز ثواب یکسال روزه از برای او بنویسند و هرکه هفت روز او را روزه دارد هفت در جهنم بروی او بسته گردد و هرکه هشت روز او را روزه دارد هشت در بهشت بروی او گشاده گردد و هرکه پانزده روز او را روزه دارد خدا حساب او را اسان گرداند و هرکه جمیع ماه رجب را روزه دارد حقتعالی خوشنودی خود را از برای او بنویسد و هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع در اواخر ماه رجب که چند روز از ان مانده بود چون نظر مبارک انحضرت بر من افتاد پرسید که ایا روزه گرفته در اینماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود انقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر انرا بغیر از خدا کسی نمیداند و بدرستیکه اینماهیست که خدا او را فضیلت داده بر ماههای دیگر و حرمت انرا عظیم گردانیده و برای روزه داشتن ان گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا بن رسول الله اگر در باقی مانده اینماه روزه بدارم ایا بعضی از ثواب روزه داران انرا دریابم فرمود ای سالم هرکه یکروز از اخر اینماه را روزه دارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هرکه دو روز از اخر اینماه را روزه بدارد از صراط اسان بگذرد و هرکه سه روز از اخر اینماه را روزه دارد ایمن شود از ترس بزرگ روز قیامت و از شدائد و اهوال ان روز و برات بیزاری از اتش جهنم از برای او بنویسند و ایضا از حضرت امیر المومنین روایت کرده است که هرکه یکروز از اول یا وسط یا از اخر او را روزه دارد گناهان گذشته او

امرزیده کردد و هرکه سه روز از اول یا میان یا اخر ماه رجب را روزه دارد کناهان کذشته و اینده او امرزیده کردد و هرکه یکشب را احیا کند حقتعالی او را از عذاب جهنم ازاد کرداند و قبول کند شفاعت او را در حق هفتاد مرد کناهکار و هرکه در این ماه تصدق از برای خدا کند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده و کوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از جانب عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس کروهی برخیزند که نور روی ایشان جمیع محشر را روشن کند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بمروارید و یاقوت و با هریک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که کوارا باد ترا کرامتهای حقتعالی ای بندهٔ خدا پس خداوند رحمن ندا کند ایشان را ای بندکان و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوکند یاد میکنم که شما را در ماوای نیکوئی ساکن کردانم و عطاهای شما را بزرک کردانم و عطا کنم از بهشت غرفهائیکه همیشه در زیر انها جاریست و همیشه دران غرفها باشید و مزد نیکو نیست مزد کارکنان از برای من بی انکه واجب کردانم بر شما روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمتش را عظیم کردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ایملئکه من بندکان و کنیزان مرا داخل بهشت کردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها از برای کسیکه چیزی از ماه رجب را روزه بدارد اکرچه یکروز باشد از اول یا میان یا اخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هرکه یکروز اول ماه رجب را روزه دارد حقتعالی در قیامت از او خشنود باشد و هرکه دو روز را روزه دارد حقتعالی بغایت از او خشنود و راضی باشد و او را خشنود کرداند و هرکه سه روز او را روزه دارد خداوند کریم از او راضی کردد و خصمان او را از او راضی کرداند در قیامت و هرکه هفت روز او را روزه دارد چون بمیرد درهای هفت اسمان بر روح او کشاده کردد تا بملکوت اعلا برسد و هرکه هشت روز او را روزه دارد درهای هشت بهشت بروی او کشاده کردد و هرکه پانزده روز او را روزه دارد هر حاجت که از حق تعالی بخواهد بر اورد مکر انکه سوال او از برای کناهی یا متضمن قطع رحم باشد هرکه

ماه را روزه دارد از کناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از اتش جهنم ازاد کردد و داخل بهشت کردد با برکزیدکان و نیکوکاران و احادیث در باب فضیلت ماه رجب بسیار است و این رساله کنجایش ذکر انها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمالیستکه شخصی از روزه داشتن عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض ان عمل اورد و در بعضی روایات معتبره وارد شده استکه بدل روزهٔ مستحبی یک درهم تصدق کند که موافق زرهای این زمان تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایتی دیکر عوض روزه یکمد کندم یا جو وارد شده است و احوط در مد صد درم شاه است و ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و روایت وارد شده در خصوص ماه مبارک رجب که تسبیح بخواند اکر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پیر باشد و قادر بر مد و درهم نباشد و ایضا در خصوص روزهٔ ماه رجب از حضرت رسول وارد شده استکه اکر بعوض روزه که قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیح را بخواند تا ثواب روزه را بیابد سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِیلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَکْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ و بروایت معتبر دیکر وارد شده است هرکه بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزهٔ سنت کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از روزه داشتن است هفتاد برابر و اکر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است برابر یکسال روزه است و زن را روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما انستکه روزه سنت مملوک بی اذن مالک باطل است و همچنین روزهٔ سنت زن بی اذن شوهر صحیح نیست و دیکر روزه فرزند اکر سنت باشد مکروهست بی اذن پدر و مادر و روزه سنتی بکذارد و دیکر روزهٔ سنت مهمان بی اذن میزبان نیز خلاف است و احوط انستکه مهمان و میزبان بی رخصت یکدیکر روزهٔ مستحبی را ندارند اکرچه اظهر انست که مکروهست **فصل سیم** در بیان اعمال

بیان اعمال

هر شب و هر روز ماه رجب است بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را می خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن این دعا

یَا مَنْ یَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِینَ وَیَعْلَمُ ضَمِیرَ الصَّامِتِینَ لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ

ای آنکه دارائی خواهشهای خواهشمندانرا ومیداند ضمیر خاموشانرا برای هر خواهشی

مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِیدٌ اَللّٰهُمَّ وَمَوَاعِیدُكَ الصَّادِقَةُ

از تو گوشی مهیاست وپاسخی آماده خداوندا ووعدهای تو که راستست

وَاَیَادِیكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی

ونعمتهایت که افزونست ورحمت تو که فروگیرنده است پس درخواهم که رحمت فرمائی بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ حَوَائِجَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ

محمد وال محمد واینکه بر آوری خواهشهای دنیا وآخرترا بدرستیکه تو بر هر چیز

قَدِیرٌ و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در خَابَ الْوَافِدُونَ عَلٰی

توانائی هر روز از ماه مبارک رجب این دعا را میخواندند ناکام شدند فرود آمدگان بر

غَیْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلَّا لَكَ وَضَاعَ الْمُلِمُّونَ اِلَّا بِكَ وَاَجْدَبَ

غیر تو وزیان کردند متوجهان مگر بسوی تو ونابود شدند سعی بازافکنان مگر بتو ونیافتند

الْمُنْتَجِعُونَ اِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِینَ وَخَیْرُكَ

جویندگان مگر آنکه جست افزونی ترا درگاه تو بازاست برای مایلان وخوبی تو

مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِینَ وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِینَ وَنَیْلُكَ مُتَاحٌ

بخشیده شده بخواهندگانست وافزونی تو مباح بر خواهش مندانست وعطایت آماده

لِلْاٰمِلِینَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

برای آرزومندان وروزیت پهن شده برای آنکه نافرمانی کرد وبردباری تو فراهمست برای آنکه چشم داشت

عَادَتُكَ الْاِحْسَانُ اِلَی الْمُسِیئِینَ وَسَبِیلُكَ الْاِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ

طریقه تو نیکی بگناهکارانست وراه تو واگذاشتن از حد گذشتگانست

اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنِی هُدَی الْمُهْتَدِینَ وَارْزُقْنِی اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِینَ وَلَا

خدایا پس بنما مرا راه راه یافتگان وروزی کن مرا کوشش کوشش کنندگان ونه

در روز ماه رجب

تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ الْمُبْعَدِینَ وَاغْفِرْ لِی یَوْمَ الدِّینِ وایضا بسند معتبر

گردانمرا از بیخبران دور افتاده وبیامرز مرا در روز جزا منقولستکه محمد

بن ذکوان بخدمت حضرت صادق عرض کرد که فدای تو شوم اینماه رجبست مرا دعائی

تعلیم نما که حقتعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمودند که در یَا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ

هر روز ماه رجب در صبح وشام و بعد از نمازهای شب وروز این دعا را بخوان ای آنکه امید دارم او را برای هر

خَیْرٍ وَاٰمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ یَا مَنْ یُعْطِی الْكَثِیرَ بِالْقَلِیلِ یَا مَنْ یُعْطِی

خیری وایمنم خشم او را نزد هر بدی ای آنکه عطا کند بسیار را بآندک ای آنکه بخشش کند

مَنْ سَئَلَهُ یَا مَنْ یُعْطِی مَنْ لَمْ یَسْئَلْهُ وَمَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ

هر که سوال کند او را ای آنکه میدهد هر که سوال نکند او را وهر که نشناسد او را مهربانی از اوست و

رَحْمَةً اَعْطِنِی بِمَسْئَلَتِی اِیَّاكَ جَمِیعَ خَیْرِ الدُّنْیَا وَجَمِیعَ خَیْرِ الْاٰخِرَةِ

رحمة بده مرا بسوال من ترا همه نیکی دنیا وهمه نیکی آخرت را

وَاصْرِفْ عَنِّی بِمَسْئَلَتِی اِیَّاكَ جَمِیعَ شَرِّ الدُّنْیَا وَشَرِّ الْاٰخِرَةِ فَاِنَّهُ

وبگردان از من بسوال کردن من ترا همه بدیهای دنیا وبدی آخرترا پس بدرستیکه او

غَیْرُ مَنْقُوصٍ مَا اَعْطَیْتَ وَزِدْنِی مِنْ فَضْلِكَ یَا كَرِیمُ پس حضرت

کم نکند آنچه بدهی وزیاد کن مرا از افزونی خود ای بزرگوار ریش مبارک

خود را بدست چپ گرفتند وانگشت سبابه دست راست خود را بجانب چپ وراست

حرکت میدادند وبا انکسار تمام یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ یَا ذَا النَّعْمَاءِ وَ

این دعا را حضرت میخواندند ای صاحب جلال وبزرگواری ای صاحب نعمتها و

الْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ حَرِّمْ شَیْبَتِی عَلَی النَّارِ ودست از ریش خود

بخشش ای صاحب عطا واحسان حرام کن پیریمرا بر آتش برنداشت تا آب

دیده مبارکش تر شد وشیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق

بمعلی پسر خنیس گفت که در ماه اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِینَ

مبارک رجب این دعا را بخوان خداوندا بدرستیکه میخواهم ترا شکیب شکرگذاران

لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِینَ مِنْكَ وَیَقِینَ الْعَابِدِینَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

مر ترا وکردار ترسناکان از تو ویقین پرستندگان مر ترا خدایا توئی

بیان اعمال رجب

العلیّ العظیم وانا عبدك البائس الفقیر وانت الغنیّ الحمید

بلندمرتبه بزرگ ومنم بندهٔ تو بدحال محتاج وتوئی بی نیاز ستوده

وانا العبد الذلیل اللهمّ صلّ علی محمّد وآله وامنن بغناك

ومنم بنده خوار بارخدایا رحمت فرست برمحمد وآل او ومنت بنه بر بی نیازی خود

علی فقری وبحلمك علی جهلی وبقوّتك علی ضعفی یا قویّ یا

برفقر من وبردباری خود برنادانی من وبتوانائی خود برناتوانی من ای توانا ای

عزیز اللهمّ صلّ علی محمّد وآله الاوصیاء المرضیّین واکفنی

ارجمند بارخدایا رحمت فرست برمحمد وآل او که اوصیاء پسندیده گانند ودفع کن مرا

ما اهمّنی من امر الدّنیا والآخرة یا ارحم الرّاحمین واز روایت

آنچه غمگین نماید مرا از کار دنیا وآخرت ای بخشنده مهربان سید ابن طاوس

ظاهر میشود که این دعا جامع ترین دعاها است در همه اوقات میتوان خواند وشیخ طوسی وسید ودیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که سنت است در هر روز از روزهای ماه رجب این دعا را بخوانند انشاء الله

اللهمّ انّی اسئلك بالمولودین فی رجب محمّد بن علیّ الثّانی وابنه علیّ

خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا بحق دو زائیده شدگان در رجب محمد بن علی دوم وپسر او علی

ابن محمّد المنتجب واتقرّب بهما الیك خیر القرب یا من الیه

پسر محمد برگزیده شده ونزدیکی جویم بسبب ایشان بتو بهترین نزدیکی ای آنکه بسوی او

المعروف طلب وفیما لدیه رغب اسئلك سؤال مقترف مذنب

نیکی طلب شده ودر آنچه نزد اوست رغبت شده میخواهم از تو خواستن عاجز گناهکار

قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه و

که بسته باشد او را گناه او وبند کرده باشد او را عیبهای او بطول انجامد برگناهان کوشش او و

من الرّزایا خطوبه یسئلك التّوبة وحسن الاوبة والنّزوع

از مصیبتها امور عظیمه او میخواهد ترا توبه ونیکی رجوع وباز ایستادن

عن الحوبة ومن النّار فکاك رقبته والعفو عمّا فی ربقته فانت

از گناهان وازآتش آزادی گردن او وبخشش از آنچه در گردن او است بس تو

روزهای ماه رجب

یا مولای اعظم امله وثقته اللهمّ واسئلك بمسائلك

ای آقای من بزرگترین امید او وامیدگاه او خدایا میخواهم ترا بحق مسئلهای

الشّریفة ووسائلك المنیفة ان تتغمّدنی فی هذا الشّهر

بلند ووسیلهای با رفعت اینکه بپوشانی مرا در این ماه رجب

برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة

برحمتی از خود فراگیرنده ونعمتی بازدارنده ونفسی بآنچه روزی داده ای او را قانع

الی نزول الحافرة ومحلّ الآخرة وما هی الیه صائرة واز حضرت رسول منقول

تا فرود آمدن حفره ومقام آخرت وآنچه بسوی او عاید گردد

در جمیع ماه رجب در هر بامداد وپسین هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب الیه پس دستها را بسوی آسمان بردارد وبگوید اللهمّ اغفر لی وتب علیّ واین استغفار در جمیع ایام سال سنت است وهزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یکروز بخواند واگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد واینهم منقول است که هر که هزار مرتبه لا اله الّا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه از برای او نوشته شود وحقتعالی در بهشت از برای او صد شهر بنا کند ودر هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الّا الله وارد شده است وصد مرتبه این استغفار نیز منقول است واگر در جمیع ماه چهارصد مرتبه بخواند ثواب بسیار دارد استغفر الله الّذی لا اله الّا هو وحده لا شریك له واتوب الیه واز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول ص فرمود که هر که یاد در هر شب یا هر روز این ماه وشعبان ورمضان سه مرتبه سوره حمد وآیة الکرسی وقل یا ایّها الکافرون وقل هو الله احد وقل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ النّاس سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله

وسه مرتبه بگوید منزه است خدا وسپاس مخصوص اوست ونیست خدائی مگر خدا وخدا

اکبر ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم وایضا سه مرتبه بگوید

بزرگتر است ونیست حرکتی ونه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وسه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

خداوندا رحمت فرست بر محمد وال محمد خداوندا بیامرز مردان گرونده

وَالْمُؤْمِنَاتِ وچهارصد اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ گناهانش را خدا

وزنان گرونده مرتبه بگوید امرزش میخواهم از خدا وباز میگردم بسوی او بیامرزد اگرچه بعدد

قطرهٔ باران وبرگ درختان وکف دریاها باشد ودر روز عید حقتعالی اورا ندا کند که براستی تو دوست منی وهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در حق برادران و خواهران مؤمن تو وحضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این عمل اورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو کرامت فرماید که هر حسنهٔ ازان سنگین تر باشد از جمیع کوههای دنیا وهفتصد حاجت اورا در وقت مردن وهفتصد حاجت اورا در قبر وهفتصد حاجت اورا در وقت بیرون آمدن از قبر ومثل این در وقت پرواز کردن نامهای اعمال ونزد سنجیدن اعمال در میزان ونزد صراط براورد واورا در زیر عرش خود جا دهد وحساب اورا اسان کند وهفتاد هزار ملک اورا مشایعت کنند تا داخل بهشت شود وباو عطا فرماید انچه که هیچ چشمی ندیده وهیچ گوشی نشنیده باشد **فصل چهارم** در بیان فضایل اعمال شب و روز اولست تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل سنتست ومنقولست که هر که در شب اول ماه رجب وشب پانزدهم وشب اخران غسل کند از گناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد ودر وقت دیدن ماه دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است وهفت مرتبه سوره حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد ودر هر ماهی اینعمل سنتست و منقولستکه چون اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ

ماه نو ببینند بگوید خداوند طالع گردان برما ماهرا باسودگی وایمان وسلامتی

وَالْاِسْلَامِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ ودر شب اول وروز اول زیارت

واسلام پروردگار من وپروردگار تو خدا عز وجل است امام حسین علیه السلام فضیلت

بسیار دارد ودر حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب انحضرت را زیارت کند البته بهشت اورا واجب گردد واحیای شب اول سنتست واز حضرت صادق منقولستکه

تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید ماه رمضان وشب عید قربان وشب اول محرم وروز عاشورا وشب اول رجب وشب نیمه شعبان ودر این شبها دعا ونماز وتلاوت قران بسیار بکن وبسند معتبر از امام محمد باقر منقولستکه در شب اول ماه رجب بعد از نماز عشا این اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ

دعا را بخوانند خداوندا بدرستیکه میخواهم ترا باینکه تو پادشاهی واینکه تو بر هر چیزی

مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ

توانائی واینکه میخواهی از هر کاری میشود خدایا بدرستیکه من روی میاورم بسوی تو

بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ

به پیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت رحمتهای تو براو وبرال او ای محمد ای فرستاده

اللّٰهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُنْجِحَ لِي بِكَ طَلِبَتِي اَللّٰهُمَّ

خدا من روی اوردم بسوی خدا پروردگار من وپروردگار تو براورد برای من بسبب تو حاجت مرا خداوندا

بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِي

به پیغمبر تو محمد درود فرستد خدا با براو وبر ال او وبه پیشوایان از خانواده او براور حاجت مرا

پس حاجات خود را طلب نماید وبیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت حمد ویکمرتبه قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا وعذاب اخرت ایمن گردد وشیخ ودیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی در شب اول ماه رجب بعد از انکه از نماز شب فارغ میشد این دعا را در سجده میخواند

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْمَحْمَدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ

خدایا مر تراست ستودن اگر فرمان برداری کنیم ترا ومر تراست حجت اگر نافرمانی کنیم ترا نیست کاری

لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي اِحْسَانٍ اِلَّا بِكَ يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ

مرا ونه غیر مرا در نیکی مگر بتو ای موجود پیش از هر چیزی وای پدید اورنده هر

شَيْءٍ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ

چیزی بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا من پناه میبرم بتو از شیطان

عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْاَزِفَةِ

وقت مرگ واز شر بازگشت در قبرها واز پشیمانی روز خشم

فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاَنْ تَجْعَلَ عِيشَتِي عِيشَةً
پس سوال میکنم ترا که رحمت فرستی بر محمد و آل او و اینکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی
نَقِيَّةً وَمِيتَتِي مِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا
پاکیزه و مردن مرا مردن درست و بازگشت مرا بازگشت گرامی غیر خواری و نه
فَاضِحٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَ
رسوا کننده خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان چشمهای دانش و
اُولِي النِّعْمَةِ وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَاعْصِمْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَاْخُذْنِي
صاحبان نعمت و کانهای عصمت و نگاه دار مرا بایشان از هر بدی و نگیر مرا
عَلٰى غِرَّةٍ وَلَا عَلٰى غَفْلَةٍ وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ اَعْمَالِي حَسْرَةً وَارْضَ عَنِّي
بر فریفتگی و نه بر غفلت و نگردان واپس کارهای مرا اندوه و خشنود شو از من
فَاِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ
پس بدرستیکه آمرزش تو مر ستمکاران راست و منم از ستمکاران خدایا بیامرز مرا چیزیکه ضرر نرساند ترا
وَاَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ فَاِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَ
و بده مرا آنچه کم نکند ترا پس بدرستیکه تو وسیع رحمتی بی نظیر درست کردار و
اَعْطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالنُّجُوعَ وَالْقُنُوعَ وَ
بده مرا فراخی و رفاهیت و ایمنی و صحت و فرونی و قناعت و
الشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوٰى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلٰى
شکر نمودن و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راستی بر تو و بر
اَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاَعْمِمْ بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي
دوستان تو و آسانی و شکر نمودن و فرو گیر با این ای پروردگار من کسان مرا و فرزندان مرا و برادران مرا
فِيكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
در تو و آنکه دوست دارم و دوست دارد مرا و زائیده ام و زائیده شده ام از مردان مسلم
وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وايضاً بسند معتبر منقول است که مستحب
و زنان مسلمه و مردان و زنان مؤمنه ای پروردگار جهانیان
است که بعد از سلام گفتن از نماز وتر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ وَ
چنانکه نشناسانید غار انجوانند ستایش مر خدائی راکه بپایان نمیرسد گنجهای او

وَلَا يَخَافُ آمِنُهُ رَبٌّ اِنِ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذٰلِكَ ثِقَةٌ بِكَرَمِكَ
و نمیترسد آنکه با من او ست پروردگار من اگر بجا آورم گناهان را پس این اعتماد من است بکرم تو
اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ
که تو میپذیری توبه را از بندگان و میگذری از بدیهای ایشان و میآمرزی
الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَاَنَا تَائِبٌ اِلَيْكَ
لغزشهای را بدرستیکه تو جواب دهنده مر خواننده خودی و از او است نزدیکی پس من بازگردنده ام بتو
مِنَ الْخَطَايَا وَرَاغِبٌ اِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا يَا خَالِقَ
از خطاها و رغبت کننده ام بتو در وافر بودن بهره من از بخششها ای آفریننده
الْبَرَايَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ
بندگان ای رهاننده من از هر سختی ای پناه من از هر
مَحْذُورٍ وَفِّرْ عَلَيَّ السُّرُورَ وَاكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْاُمُورِ
زیادی زیاد کن بر من شادیرا و بس باز من بدی آواخر کارها را
فَاَنْتَ اللّٰهُ عَلٰى نَعْمَائِكَ وَجَزِيلِ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ
پس بدرستیکه توئی خدا بر نعمتهای خود و وافری عطای تو شکر کرده شده است
وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ وایضاً از حضرت امام علی نقی منقول است
و برای هر نیکی ذخیره شده که بعد از نماز وتر این دعا بخوان
يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي
ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان کننده دریاها ای برانگیزاننده هر که در
الْقُبُورِ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَكَنْزِي حِينَ تُعْجِزُنِي
قبرها است ای پناه من وقت ماندن از راهها و گنج من وقتیکه عاجز کند مرا
الْمَكَاسِبُ وَمُونِسِي حِينَ تَجْفُونِي الْاَبَاعِدُ وَتَمَلُّنِي
کسبها و مونس من در وقتیکه ستم کنند مرا دوران و ملول کنند مرا
الْاَقَارِبُ وَمُنَزِّهِي بِمُجَالَسَةِ اَوْلِيَائِهِ وَمُرَافَقَةِ اَحِبَّائِهِ
خویشان و پاک کننده من بهمنشینی دوستان خود و رفاقت دوستان خود
فِي رِيَاضِهِ وَسَاقِيَّ بِمُوَانَسَتِهِ مِنْ نَمِيرِ حِيَاضِهِ وَرَافِعِ
در بوستانها و آب دهنده من بانس خود از آبهای حوضهای خود و بلند کننده

مجاورتهم من ورطة الذنوب الی ربوة التقریب و مبدلی بولایته
همسایگی خود از نشیب گناهان بسوی فراز نزدیکی و بدل کننده من بدوستی خود
عزة العطایا من ذلة الخطایا اسئلک یا مولای بالفجر و اللیالی
ارجمندی عطاها از خواری خطاها درمیخواهم ترا ای آقای من بصبح و شبهای
العشر و الشفع و الوتر و اللیل اذا یسر و بما جری به قلم الاقلام
ده گانه و جفت و طاق و شب چون در گذرد و آنچه بان روان شده خامه خامها
بغیر کف و لا ابهام و باسمائک العظام و بحججک علی جمیع الانام
بدون کف و انگشت بزرگ و بنامهای بزرگ تو و برهان های تو بر همه مردمان
علیهم منک افضل السلام و بما استحفظتهم من اسمائک
بر ایشان از تو بهترین درود و بانچه نگاهداری ایشان را از نامهای بزرگوار
الکرام ان تصلی علیهم و ترحمنا فی شهرنا هذا و ما بعده من
بزرگوار خود اینکه رحمت فرستی بر ایشان و رحمت کنی ما را در این ماه و آنچه بعد از آنست از
الشهور و الایام و ان تبلغنا شهر الصیام فی عامنا هذا و
ماهها و روزها و اینکه برسانی ما را بماه رمضان در این سال ما و
فی کل عام یا ذا الجلال و الاکرام و المنن الجسام و علی محمد
در هر سال ای صاحب بزرگواری و گرامی و منت بزرگ و بر محمد
و آله منا افضل السلام
و آل او از ما بهترین درود

و اعمال و ادعیهٔ این شب بسیار است و روزهٔ روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز اول ماه رجب نوح بکشتی سوار شد و امر کرد جن و انس را که با او بودند در کشتی روزه بدارند و هر کس این روز را روزه بدارد آتش جهنم یکسال راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب را از برای رغبت در ثواب خداوند تعالی بهشت او را واجب شود و هر که یک روز از وسط این ماه را روزه بدارد حقتعالی شفاعت او را قبول کند در مانند ربیعه و مضر که دو قبیلهٔ عظیمند از قبائل عرب و هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد حقتعالی او را از

پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله و جمیع همسایگان و آشنایان او و هر چند همه مستوجب جهنم شده باشند در کیفیت نماز سلمان شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم خدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه بار قل یا ایها الکافرون بخواند البته حقتعالی محو کند از نامهٔ عمل او هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حقتعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روز آن ماه ثواب شهیدی از شهدای جنگ بدر را از برای او با سمان برند و هر روز که در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند نمایند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و میان منافقان زیرا که این نماز را منافقان نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت نماز بجا بیاوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه بار قل یا ایها الکافرون بخوانی و بعد از هر سلام لا اله الا الله وحده لا شریک له دست بسوی آسمان بلند میکنی و میگوئی
نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را
له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
مر او را پادشاهی است و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیرد بدست او نیکی
و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما
و او بر همه چیزی تواناست خداوندا نیست مانعی مر آنچه عطا کنی و نه عطا کنی مر آنچه
منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را بر روی خود میکشی و در
باز داری و نه سودی صاحب بزرگوار را از تو بزرگواری است

روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا میاوری و بعد از هر سلام دستها
بسوی اسمان بلند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ

میکنی و میگوئی — نیست خدائی مگر خدای یگانه نه شریکیست مر اورا مر او راست پادشاهی و مر او را

اَلْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ

سپاس زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی

شَیْءٍ قَدِیرٌ اِلٰهاً وَاحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً

چیزی تواناست در حالتیکه خدائیست یکی یگانه تنها مقصود در حوائج نگرفته همسری مر او را و نه فرزند

پس دستها را بروی خود میکشی و در روز اخر ماه ده رکعت بهمان نحو بجا میاوری و بعد از هر سلام
دستها را بسوی اسمان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ

بلند میکنی و میگوئی — نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را پادشاهی و مر او را

اَلْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ

سپاس زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیزی

قَدِیرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِینَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

تواناست و رحمت خدا بر محمد و آل او که پاکانند و نیست حرکت و قوتی مگر

بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ پس دستها را بروی خود بمال و حاجت خود را طلب نما که
بخدای بلند مرتبه بزرگ — البته بر اورده است و حقتعالی میان تو و جهنم هفت
خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین اسمان و زمین بوده باشد
و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو بنویسند و برات بیزاری از اتش
جهنم و گذشتن بر صراط را برای تو بنویسند و منقولست که هر که در روز جمعه
ماه رجب صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند حقتعالی در قیامت باو نوری عطا
فرماید که بان نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد
باقر علیه السلام در روز جمعهٔ اول ماه رجب متولد شده است و موجب زیادتی شرف
این روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام
در روز دویم ماه رجب واقع شده است و بروایتی دیگر در روز سیم ماه رجب واقع شده است

و بروایت ابراهیم بن هاشم وفات انحضرت در روز سیم واقع شده است و ابن
عیاش گفته است که ولادت انحضرت در پنجم اینماه واقع شده است و ولادت
حضرت امام محمد تقی علیه السلام در دهم اینماه واقع شده است و بعضی از روایات
در فضیلت خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب
رجب احادیث معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که فضیلت سه ماه را حق
تعالی باین امت داده است که باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و
ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر
نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت
داده است که مثل انها با امتهای پیش نداده است سورهٔ یس و سوره تبارک
الذی بیده الملک و سورهٔ توحید پس هر که جمع کند میان این سه
فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه
جمع کنند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار
رکعت بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را نیز
بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجای اورد بسه سلام و در هر
رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را
بیابد و جمیع گناهانش امرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حقتعالی هر روزی
عبادت یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمان باز دارد که هیچ
بیم و خوف نداشته باشد و مشهور انستکه ولادت باسعادت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و از ده سال قبل
از مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه و اله و علی بن ابراهیم گفته است
که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام نیز در روز سیزدهم ماه رجب بوده در

سال دویست وچهارده از هجرت وشب پانزدهم از لیالی متبرکه است وغسل
دران سنت است واحیاء ان بعبادت فضیلت بسیار دارد واز حضرت رسول
صلی الله علیه واله منقولست که در شب نیمه رجب حقتعالی امر میکند ملئکه
راکه هر گناهیکه در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند وایضاً ازان حضرت
منقولست که هر که روز سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم رجب را روزه دارد ودر
شبهای انها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح وهر که انروز
را روزه داشته هفتاد گناه کبیره او امرزیده شده وهفتاد حاجت او برآورده
شود در وقتیکه از قبر بیرون اید ونزد میزان ونزد صراط وچنان باشد
که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل ازاد کرده باشد وشفاعت او را قبول
کنند در حق هفتاد نفر از اهل بیت وخویشان او که مستحق جهنم شده باشند
وحق تعالی بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر ودر هر شهری
هفتاد هزار قصر بوده باشد ودر هر قصری هفتاد هزار حوریه باشند وهر حوریه
هزار خادم داشته باشند وشیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز بجا میاوری
یعنی شش سلام با حمد وهر سوره که خواهی وچون فارغ شوی هر یک از حمد ومعوذتین
وتوحید وایة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ پس میگوئی اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّی لَا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً وَ
مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ودر شب وروز زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام سنت مؤکد است وبسند صحیح از ابی نصر منقولست که از حضرت
امام رضا علیه السلام سؤال کردم که زیارت امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است
فرمود که در نیمه رجب ونیمه شعبان ودر روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بهمان
کیفیتی که ذکر شد وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در این روز چهار رکعت نماز کرد ودستهای خود را گشود واین
دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی وغمی مبتلا شود واین دعا را بخواند البته

کرب وشدت او زایل میگردد واین چهار رکعت را بدو سلام میکند ودر هر
سوره که خواهد اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ یَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ اَنْتَ
میخوانند ودعا این است خدایا ای خوارکننده هر متکبر ای عزیز دارنده گروندگان تو
کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِی رَحْمَةً بِی وَقَدْ
پناه منی چون عاجز کنند مرا راهها وتوئی پدیدارنده خلقت من از رحمت مهربانی بمن وبتحقیق
کُنْتَ عَنْ خَلْقِی غَنِیّاً وَلَوْلَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِینَ وَاَنْتَ
بودی تو از خلقت من بی نیاز واگر نبود رحمت تو هراینه بودم من از هلاک شوندگان وتوئی
مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلٰی اَعْدَائِی وَلَوْلَا نَصْرُکَ اِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ
تقویت دهنده من بیاری بر دشمنان من واگر نبود یاری تو مرا هراینه بودم از رسوا شدگان
یَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا یَا مَنْ
ای فرستنده رحمت از معدنهای او وپدید اورنده برکت از جاهای او ای انکه
خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یَا مَنْ
مختص کرد به بزرگی وبلندی پس دوستان او بعزت او عزیزاند ای انکه
وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰی اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ
گذاشته‌اند [illegible]
خَائِفُونَ اَسْئَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَائِکَ وَ
ترسناکند [illegible]
اَسْئَلُکَ بِکِبْرِیَائِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِکَ وَاَسْئَلُکَ
سؤال میکنم ترا ببزرگی تو که بیرون اوردی آنرا از ارجمندی خود وسؤال میکنم ترا
بِعِزَّتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِهَا عَلٰی عَرْشِکَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِیعَ خَلْقِکَ
بعزت تو که استیلا دادی بان بر عرش خود پس آفریدی بان همه آفریدگان خود
فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجات خود
پس ایشان مر ترا خاضعانند اینکه رحمت فرستی بر محمد واهل خانه او را از حقتعالی
طلب نماید وبدانکه عمده اعمال نیمه رجب دعای ام داود است که ابن بابویه

وشیخ طوسی وسید بن طاوس ره بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای امدن
حاجات وکشف کربات ودفع ظلم ظالمان مجربست ومجمل روایتش اینستکه
فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده امام حسن مجتبی دایهٔ حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم بود وبشیر داود ان حضرت راشیر داده بود وچون محمد بن عبد
الله بن الحسن در مدینه خروج کرده بود ومنصور دوانقی لشکر فرستاد و
اورا کشتند وابرهیم برادر محمد را نیز شهید نمودند وعبد الله بن الحسن
وجمعی از سادات حسنی را باغل وزنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان
انها بود ام داود گفت که چون مدتی از جلس فرزند من کذشت وازاو بمن خبری
نمیرسید پیوسته تضرع میکردم واز صلحا ونیکان وبرادران مؤمن استدعای دعا
مینمودم وایشان تقصیر نمیکردند ومطلقا اثر استجابت نمییافتم وکاهی
خبر بمن میرسید که داود را کشتند وکاهی میکفتند که با پسران عم او در
زیر عمارت زنده کذاشتند وروز بروز مصیبت من زیاد تر واندوه من عظیم
تر میشد تا انکه از غم کداختم وپیر شدم واز ملاقات او ناامید کردیدم
تا انکه روزی شنیدم که حضرت صادق علیه السلم را علتی عارض شده بعیادت
انحضرت رفتم چون احوال کرفتم ودعا کردم خواستم بر کردم حضرت فرمود
که از داود چه خبر داری ومن شیر داود را بانحضرت داده بودم چون نام داود
را شنیدم کریستم وکفتم فدای تو شوم داود کجاست واو در عراق محبوس است
ومن از ملاقات او قطع امید کرده ام واز شما التماس میکنم که اورا دعا کنید
که او برادر رضاعی شما است حضرت فرمودند چرا غافلی از دعای استفتاح
ودعای اجابت ونجاح وان دعائی است که درهای اسمان برای او کشوده میشود
شود وملئکه استقبال میکنند خواننده از او وبشارت میدهند اورا باجابت
وان دعائی است که از حضرت مجیب الدعوات محجوب نمیکردد وخواننده
از ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود کفت ای فرزند طاهرین وراستکویان
چکونه استاندعا حضرت فرمودند ای ام داود ماه محرم نزدیک ماه رجب

نزدیک شده است وان ماهی است مبارک وحرمت ان عظیم است دعاها در
ان مستجابست چون ان ماه در اید سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم که انها را ایام البیض
کویند روزه بدار پس حضرت کیفیت ان عمل را تعلیم او نمود وفرمود که این
دعا را حفظ کن وبهمه کس تعلیم مکن که مبادا بدست کسی افتد که برای
امر باطلی ونامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریف
است ومشتمل است بر اسم اعظم الهی که هرکه بخواند البته حاجتش براورده
میشود واکر درهای اسمان وزمین بسته شده باید درها حایل باشد میان
تو وحاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حقتعالی اسان میکرداند
رسیدن ترا بمطلب تو وحاجت ترا بر میاورد وهرکه این دعا را بخواند
خدا مستجاب میکرداند خواه مرد وخواه زن باشد واکر جن وانس همه دشمن
فرزند تو باشند خداوند قادر متعالی کفایت شر ایشان را مینماید وزبان
ایشان را می بندد وایشان را منقاد فرزند تو میکرداند ام داود کفت که
این دعا را او برای من نوشت وبخانه بر کشتم چون ماه رجب داخل شد بنحوی که
ان حضرت فرمود بعمل اوردم ودر شب شانزدهم نماز شام وخفتن را اداکردم
واز روزه افطار کردم وقدری عبادت کردم وبخواب رفتم در خواب دیدم
جمیع ملئکه وپیغمبران وشهدا وعبادرا که من بر ایشان صلوات فرستاده
بودم وحضرت رسول مرا خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این
جماعت که می بینی همه یاوران وبرادران وشفیعان تواند واز برای تو طلب
امرزش مینمایند وبشارت میدهند ترا باینکه حقتعالی حاجت ترا براورده است
پس بشارت باد ترا بامرزش خدا وخشنودی خدا وخدا ترا جزای خیر دهد
شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ میکند وبتو بر میکرداند انشاء الله
ام داود کفت که از خواب بیدار شدم وبعد از ان بقدر انکه سوار شود روی
از عراق بمدینه اید داود نزد من امد وکفت ای مادر من در عراق در کنج
زندان بسیار تنگ وبند وزنجیر سنکینی بودم وناامید بودم از

اعمال شب و روز پانزدهم رجب

خلاص شدن چون شب نیمه رجب گردید در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و نزاد دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوش روتر بود و خوشبوتر و جامهای پاکیزه در بر داشت گمان کردم که حضرت رسالت پناه جد منست خطاب کرد بمن ای فرزند عجوزه صالحه بشارت باد ترا که حقتعالی دعای مادر تو را در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد تا زنجیرها را برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب این زمان بمن عطا نمود و گفت که مرا بر شتر راهواری سوار نمایند و بسرعت تمام بیاورند بمدینه آمدم داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق علیه السلام بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که باو فرمود رها کن فرزندم را و اگر نکنی ترا در آتش میاندازم چون نظر کرد دریای آتش در زیر پای خود دید و از وحشت بیدار گردید و از کرده خود پشیمان شد و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفته که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در وقت زوال روز پانزدهم غسل بکن و در روایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال بعمل بیاور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آوری پس نماز فریضه ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز بکن هر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِیْنَ و هشت رکعت نافله عصر را با آداب بجا میاوری و در بعضی روایات وارد شده که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و یکمرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده که رو بحصیر پاکیزه بنشین و

صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را یکمرتبه بخوان سوره انعام و کهف و بنی اسرائیل و لقمان و الم سجده و یس و والصافات و حم سجده و حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت الواقعه و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و هل اتی و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر نداند و نتواند این سورهای مخصوص را بخواند صد بار سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوی سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ و بعد از آیة الکرسی صد بار بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و اگر آیة الکرسی را نیز نتواند درست بخواند صد مرتبه سوره حمد و هزار بار قل هو الله احد بخواند پس این دعا بخواند و آیة الکرسی را بهتر آنست که تا هم فیها خالدون بخواند و دعا این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ صَدَقَ اللّٰهُ

بنام خداوند بخشنده مهربان راستگو خدای

الْعَظِیْمُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ الرَّحْمٰنُ

بزرگست که نیست خدائی مگر او زنده پاینده صاحب بزرگواری و کرم بخشاینده

الرَّحِیْمُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ الَّذِیْ لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ الْعَلِیْمُ

مهربان بردبار بزرگوار آنکه نیست مانند او چیزی و او شنونده بینای دانای

الْخَبِیْرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

آگاهست گواهی داده است خدا که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش که برپا دارنده عدالت

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرَامُ وَاَنَا عَلٰی ذٰلِکَ

نیست خدائی مگر او غالب درست کردار و رسانیده اند پیغمبران بزرگوار و من بر این

مِنَ الشَّاهِدِیْنَ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الْمَجْدُ وَلَکَ الْعِزُّ وَلَکَ الْفَخْرُ

از گواهانم خداوندا ترا است ستایش و تراست بزرگواری و تراست عزت و تراست فخر

وَلَکَ الْقَهْرُ وَلَکَ النِّعْمَةُ وَلَکَ الْعَظَمَةُ وَلَکَ الرَّحْمَةُ وَلَکَ الْمَهَابَةُ

و تراست غلبه و تراست نعمت و تراست بزرگی و تراست رحمت و تراست ترسانیدن

دعاء ام داود

ولك السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح و

و تراست پادشاهی و تراست نیکویی و تراست انعام و تراست تسبیح و

لك التقديس ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا

تراست تنزیه و تراست تهلیل و تراست تکبیر و تراست آنچه دیده شود و تراست آنچه

يرى ولك ما فوق السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون

دیده نشود و تراست آنچه بالای آسمانها بلند و تراست آنچه در زیر خاک است و تراست زمینهای

السفلى ولك الآخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء والحمد

پست و تراست آن جهان و این جهان و تراست آنچه پسندی از ستودن و ستایش

والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على وحيك و

و شکر و نعمت خداوندا رحمت فرست بر جبرئیل امین تو بر وحی تو

القوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك

توانا بر امر تو و اطاعت کرده شده در آسمانها و جاهای نوازش تو بردارنده کلمات تو

الناصر لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك

یاری کننده پیغمبران تو هلاک کننده دشمنان خدایا رحمت فرست بر میکائیل فرشته

رحمتك والمخلوق لرافتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم

رحمت تو و آفریده بمهربانی تو و آمرزش خواه یاری کننده مر اهل طاعت تو خداوندا

صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك و

رحمت فرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و صاحب صور انتظار برنده مر امر تو و

الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض ارواح جميع

ترسنده مهربان از ترس تو خداوندا رحمت فرست بر عزرائیل گیرنده روحهای همه

خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى ملئكة الذكر اهل

خلق تو خداوندا رحمت کن بر بردارندگان عرش که پاکند

التامين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين

آمین گویندگان بر دعای مؤمنان و بر ... گرامی نیکوکاران پاکیزگان

در ماه رجب

وعلى ملئكتك الكرام الكاتبين وعلى ملئكة الجنان وخزنة

و بر فرشتگان تو ... نویسندگان و بر فرشتگان بهشت تو و خازنان

النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام

دوزخ و بر فرشته مرگ و مددکاران ای صاحب جلال و بزرگواری

اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي اكرمته بسجود

خداوندا رحمت فرست بر پدر ما آدم آفریده تو که گرامی داشتی او را بسجود

ملئكتك واباحته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة

فرشتگان تو و حلال گردانیدی بهشت را خدایا رحمت فرست بر مادر ما حوا پاک کرده

من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين

محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود و

جاهای پاکیزه خدایا رحمت فرست بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و

صالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط

ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين

و لوط و شعیب و ایوب و موسی و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین

ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان

وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ وارميا وحيقوق ودانيال وعزير

و زکریا و شعیا و یحیی ... و حیقوق و دانیال و عزیر

وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة

و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریین و اتباع و خالد و حنظله

ولقمان اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك

و لقمان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد را و آل محمد را و مبارک کن

التحمید

دعای ام داود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَ

بر محمد و آل محمد همچنانکه رحمت فرستادی و ترحم نمودی و برکت دادی بر ابراهیم و

آلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْصِيَاۤءِ وَالسُّعَدَاۤءِ

آل ابراهیم که تو ستوده بزرگواری خدایا رحمت فرست بر اوصیا و نیک بختان

وَالشُّهَدَاۤءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ وَالْاَوْتَادِ وَ

و شهیدان و پیشوایان هدایت خدایا رحمت فرست بر ابدال و اوتاد

السُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ

و سیاحان و عابدان و خالصان و زاهدان و اهل سعی و کوشش

وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ

و مخصوص گردان محمد و خاندان او را بهترین رحمتهای خود و افزونترین نوازشهای خود

وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَ

و برسان روح او را و جسد او را از من درود و سلام و زیاد کن او را افزونی و شرف و

كَرَمًا حَتّٰى تُبَلِّغَهُ اَعْلٰى دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

کرم تا برسانی او را به بلندترین درجهای اهل شرف از پیغمبران و فرستاده شدگان

وَالْاَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ

و فاضل ترین مقربان اند خداوندا و رحمت فرست بر آنکه نام بردم و آنکه نام نبردم از

مَلٰۤئِكَتِكَ وَاَنْبِيَاۤئِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاَوْصِلْ صَلَوَاتِي

فرشتگان تو و پیغمبران تو و فرستادگان تو و اهل طاعت تو و برسان درودهای مرا

اِلَيْهِمْ وَاِلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْوَانِي فِيكَ وَاَعْوَانِي عَلٰى

بسوی ایشان و بروح ایشان و بگردان ایشان را برادران من در راه تو و یاوران من بر

دُعَاۤئِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلٰى كَرَمِكَ وَ

خواندن تو خدایا بدرستیکه من شفاعت میجویم بتو بسوی تو و بکرم تو بسوی بخشش تو و

بِجُودِكَ اِلٰى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طَاعَتِكَ اِلَيْكَ

بجود تو بسوی جود تو و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل فرمان برداری تو بسوی تو

لله

در ماه رجب

وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَئَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ

و میخواهم از تو خدایا بهر چه درخواسته است از تو کسی از ایشان از خواستن شریف

غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ

که برنگردید و بانچه که خواندند تو را از خواندن اجابت شده است که محروم نشده است ای خدا ای بخشاینده

يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا

ای مهربان ای بردبار ای کریم ای بزرگ ای بزرگوار ای عطا دهنده ای نیکو ای ضامن ای

وَكِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مَنِيعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا

ای وکیل ... ای پناه ای آگاه ای روشن کننده ای هلاک کننده ای بلند مرتبه ای ... ای ...

كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا بَرُّ يَا طُهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ

بزرگ ای توانا ای بینا ای جزا دهنده ای نیکوکار ای پاکیزه ای غالب ای هویدا ای نهان

يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيظُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ

ای پوشنده ای فرا گیرنده ای توانا ای نگاه دارنده ای بزرگ ای نزدیک ای دوست ای ستوده

يَا مَجِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا

ای بزرگوار ای پدید آورنده ای بازگرداننده ای گواه ای نیکوکار ای با جمال ای نعمت دهنده ای با فضل ای

قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ

گیرنده ای گشاینده ای راهنما ای فرستنده ...

يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا مُرْتَاحُ يَا مَنْ بِيَدِهِ

ای رفع کننده ای بر زوال ای نگاه دار ای آفریننده ای بخشنده ای توبه دهنده ای گشاینده ای مژده دهنده ای آنکه بدست اوست

كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَاحُ يَا نَفَّاعُ يَا رَؤُفُ يَا عَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي

هر کلیدی ... او سود بخش ای مهربان ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای عافیت دهنده

يَا مُكَافِي يَا وَفِيُّ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا اَحَدُ

ای با وفا ای نگهبان ای ارجمند ای کار ساز ای بزرگوار ای درود ای ایمنی ای یگانه

يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُونِسُ يَا بَاعِثُ يَا

ای بی نیاز ای روشن ای تدبیر کننده ای تنها ای یکتا ای پاکیزه ای یاری کننده ای مونس ای برانگیزاننده ای

الصلوة

دعاء ام داود

وارث یا عالم یا حاکم یا بادی یا هادی یا متعالی یا مصوّر یا مسلّم

وارث ای دانا ای حکم کننده ای پدیدارنده ای رهنما ای بلند ای صورت نگار ای سلامتی ده

یا متحبّب یا قائم یا دائم یا علیم یا حکیم یا جواد یا باری یا بارّ یا سارّ

ای دوستی کننده ای ایستاده ای همیشه ای دانا ای حکم کننده ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکار ای مسرور کن

یا عدل یا فاضل یا دیّان یا حنّان یا منّان یا سمیع یا بدیع یا خفیر یا

ای با انصاف ای فاضل ای جزادهنده ای مهربان ای منت گذار ای شنوا ای تازه سازنده ای پناه ده

معین یا ناشر یا غافر یا قدیم یا مسهّل یا میسّر یا ممیت یا محیی یا نافع یا

ای یاری کننده ای نشر دهنده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموار کننده ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای سود ده

ضارّ یا رازق یا مقتدر یا مسبّب یا مغیث یا مغنی یا مقنی یا خالق یا راصد

ای ضرر رساننده ای روزی ده ای توانا ای سبب سازای فریادرس ای بی نیاز ای نگاهدار ای آفریننده

یا واحد یا حاضر یا جابر یا حافظ یا شدید یا غیاث یا عائد یا قابض یا

ای یگانه ای حاضر ای جابر ای نگاهدارنده ای توانا ای فریادرس ای برگرداننده ای گیرنده ای

منیب یا مبین یا ظاهر یا مجیب یا متفضّل یا مستجیب یا عادل یا بصیر

پذیرنده ای هویدا ای آشکار ای جواب ده ای بخشنده ای قبول کننده ای دادخواه ای بینا

یا مؤمّل یا مسدی یا اوّاب یا وافی یا راشد یا ملک یا ربّ یا مذلّ یا معزّ

ای خواهنده ای خیرخواه ای بخشنده ای وفاکن ای راهنما ای پادشاه ای پروردگار ای خوار کننده ای عزیز کن

یا ماجد یا رازق یا ولیّ یا فاضل یا سبحان یا من علا فاستعلی فکان

ای بزرگوار ای روزی ده ای یار ای فاضل ای پاک ای آنکه بلند است پس قبول بلندی کرد پس هست

بالمنظر الاعلی یا من قرب فدنی وبعد فنای وعلم السرّ واخفی

در دیدبان بلند ای آنکه نزدیک است پس نزدیک شد و دور است پس دور بوده و دانسته آشکار و نهان است

یا من الیه التدبیر وله المقادیر یا من العسیر علیه سهل یسیر

ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مر او را اندازه ای آنکه دشوارها بر او آسان است آسان و

یا من هو علی ما یشاء قدیر یا مرسل الریاح یا فالق الاصباح یا باعث

ای آنکه او بر آنچه میخواهد توانا است ای فرستنده بادها ای شکافنده صبحها ای برانگیزاننده

در ماه رجب

الارواح یا ذا الجود والسماح یا رادّ ما قد فات یا ناشر الاموات

روحها ای صاحب جود وجوانمردی ای برگرداننده آنچه فوت شده ای زنده سازنده مردها

یا جامع الشتات یا رازق من یشاء بغیر حساب یا فاعل ما یشاء کیف

ای فراهم آورنده پراکندها ای روزی دهنده هر که خواهی بی حساب ای کننده آنچه را که خواهد چنانکه

یشاء یا ذا الجلال والاکرام یا حیّ یا قیّوم یا حیّ حین لا حیّ یا حیّ یا محیی

خواهد ای صاحب جلال و بزرگی ای زنده ای پاینده ای زنده که نیست زنده ای زنده ای زنده کننده

الموتی یا حیّ لا اله الا انت بدیع السموات والارض یا الهی وسیدی

مردها ای زنده که نیست خدائی مگر تو پدید آورنده آسمانها و زمین ای خدای من ای سید من

صلّ علی محمّد وآل محمّد وارحم محمّدا وآل محمّد وبارک علی محمّد و

رحمت فرست بر محمد وآل محمد ورحم کن محمد وآل محمد را وبرکت ده بر محمد و

آل محمّد کما صلّیت وبارکت ورحمت وترحّمت علی ابرهیم وآل ابرهیم

آل محمد چنانچه رحمت فرستادی وبرکت دادی ورحم نمودی بر ابراهیم وآل ابراهیم

انّک حمید مجید وارحم ذلّی وفاقتی وفقری وانفرادی ووحدتی

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری ورحم کن خواری ودرویشی وتنهائی مرا وبیکسی مرا

وخضوعی بین یدیک واعتمادی علیک وتضرّعی الیک ادعوک

وفروتنی مرا در پیش تو واعتماد مرا بر تو وزاری مرا بسوی تو میخوانم ترا

دعاء الخاضع الذلیل الخاشع الخائف المشفق البائس المهین الحقیر

خواندن فروتن خواری با ناله ترسان بیمناک محتاج ضعیف حقیر

الفقیر العائذ المستجیر المقرّ بذنبه المستغفر منه المستکین لربّه دعاء

محتاج پناه برنده زنهارخواه اقرار نماینده گناه خود آمرزش خواه آنانکه خوار گشته نزد پروردگار خود

من اسلمته ثقته ورفضته احبّته وعظمت فجیعته دعاء حرق

کسی که واگذاشته او را اعتماد او و ترک نموده او را دوستان او و بزرگ شده مصیبت او خواندن سوخته

حزین ضعیف مهین بائس مستکین بک مستجیر اللهمّ واسئلک بانّک

محزون ضعیف ناتوان حاجتمند درویش بتو پناه برنده خدایا ومیخواهم از تو بآنکه تو

دعاء ام داود

مليك وانك ما تشاء من امر يكن وانك على ما تشاء قدير واسالك

پادشاهی وانکه ای هرچه خواهی از امری میشود وانکه تو بر هرچه میخواهی توانائی ومیخواهم ترا

بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن و

بحرمت اینماه حرام وخانه حرام وشهر حرام ورکن و

المقام والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه واله السلام يا من

مقام وجاهای عبادت بزرگ وبحق پیغمبر تو محمد بر او وآل او درود ای آنکه

وهب لادم شيثا ولابرهيم اسمعيل واسحق ويا من رد يوسف على

بخشید مرآدم را شیث ومرابراهیم را اسمعیل واسحق وای آنکه برگردانید یوسف را بر

يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه و

یعقوب وای آنکه برداشت بعد از امتحان بلاء بدحالی ایوب را ای رد کننده موسی بمادرش و

يا زائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى

ای افزاینده خضر در دانائی او وای آنکه بخشید بداود سلیمان را وبزکریا یحیی را

ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد ام موسى اسئلك

وبمریم عیسی را ای نگاه دارنده دختر شعیب وای کارگذار فرزند مادر موسی میخواهم از تو

ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من

آنکه رحمت فرستی بمحمد وآل محمد وآنکه بیامرزی برای من گناهانم را همه آنها را وپناه دهی مرا از

عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك

شکنجه خودت ولازم کنی برای من خوشنودی خود را وامان خود واحسان خود وآمرزش خود

وجنانك واسئلك ان تفك عني كل حلقة ضيق بيني وبين من

وبهشت خود ومیخواهم از تو آنکه بازداری از من هر حلقه تنگ را میان من ومیان آنکه

يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير

اذیت میکند مرا وبگشائی برای من هر دری را ونرم سازی برای من هر مشکل را وآسان کنی برای من هر دشوار را

وتخرص عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت لي كل

وزبان ببندی از من هر سخنگوی بد را وبازداری از من هر تجاوز کننده را وخوار سازی برای من هر

در ماه رجب

عدو لي وحاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول

دشمن مرا وبدخواه وبازداری از من هر ستمکاری وبکفایت کنی مرا از هر مانعی که حایل شود

بيني وبين حاجتي ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك و

میان من ومیان حاجت من وقصد کند که جدائی اندازد میان من ومیان طاعت تو و

يثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة

وبازدارد مرا از بندگی تو ای آنکه دهنه زد بر سرکشان را وغلبه کرد دیوان خود

الشياطين واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن

سر شیاطین را وخوار کرد گردنهای متکبران را وبرگردانید مکر دست یافتگان را از

المستضعفين اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما

ناتوانان درمیخواهم از تو بتوانائی تو برآنچه خواهی وآسان کردنت برای

تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء پس بسجده رود و

خواهی هرگونه که خواهی آنکه بگردانی برآوردن حاجت من را درآنچه خواهی وروی خود را بر خاک نهد

اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي وفاقتي واجتهادي و

خداوندا مر ترا سجده کردم وبتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا ودرویشی مرا وکوشش مرا و

وتمسكني وفقري اليك يا رب پس حضرت تضرع وگریه کند که اب از دیدهٔ

ودرویشی مرا واحتیاج مرا بتو ای پروردگار من تو بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده

باشد که آن علامت اجابت دعا است ودر روایت دیگر وارد شده است که در سجده

این دعا را اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي وخضوعي بين

بخواند خداوندا مر ترا سجده کردم وبتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا وفروتنی مرا در برابر

يديك وفقري وفاقتي اليك وارحم انفرادي وخشوعي واجتهادي

دو دست تو واحتیاج مرا ودرویشی مرا بسوی تو ورحم کن تنهائی مرا وفروتنی مرا وکوشش مرا

بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح وبك استنجح

در پیش روی تو وتوکل مرا بر تو خدایا بتو درگشایش میجویم وبتو کامیابی میجویم

وبمحمد عبدك ورسولك واله اتوجه اليك اللهم سهل لي كل

وبمحمد بنده تو وفرستادهٔ تو وآل او روی آورم بسوی تو خدایا آسان کن برای من هر

حَزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِی کُلَّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنِی مِنَ الْخَیْرِ اَکْثَرَ مِمَّا اَرْجُوا وَ

ناهمواریرا دخوارکن برای من هرمشکلی را وبده مرا از نیکی بیشتر ازانچه امید دارم و

عَافِنِی مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ وبروایت دیکر صلع ریته

عافیت ده مرا ازبدی وبکردان ازمن بدیرا در سجده بکو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ اِقْضِ حَاجَتِی بِلُطْفِکَ یَا خَفِیَّ الْاَلْطَافِ

ای برارنده حاجتهای حاجتمندان براور حاجت مرا بلطف خود ای انکه پنهانست الطاف تو

ودر روایت معتبر وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد ای سید واقای من ایا این دعارا درغیر ماه رجب میتوان خواند فرمود بلی درروز عرفه میتوان خواند واکر موافق افتد که روز جمعه باشد فارغ نمی شود صاحبش مکر انکه خدا اورا میامرزد ودر هرماه که باشد ایام البیض ان ماه را روزه دارد ودر روز پانزدهم این دعارا بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش براورده میشود ودر روایت دیکر وارد است که حضرت فرمود که درروز عرفه وهرروز یکه این دعارا بخواند حاجتش براورده میشود **مؤلف کوید** که ازاین احادیث ظاهر میشود که درهرماه ایام البیض را یعنی سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم ازا روزه دارد ودر روز پانزدهم این عمل رابجا اورد بمطلوب فائز میکردد ودور نیست که اکر در روز عرفه و جمعه وسایر ایام متبرکه نیز اینعمل را بدون روزه بجا اورد خوب باشد واکر درغیر اشهر حرم که ذی القعده وذی الحجه ومحرم وماه رجبست این دعارا بخواند بجای حرمة هذا الشهر بکوید بحرمة شهر الحرام وهذا را بیندازد بهتر باشد

فصل پنجم در بیان فضایل واعمال نصفه اخر ماه رجبست شیخ طوسی ودیکران رحمة الله علیهم کفته اند که درروز هجدهم اینماه ابرهیم پسر رسول خدا ازدنیا رفت پس حزن واندوه ولعن برانهائیکه در اینمصیبت شماتت کرده اند مناسبست خصوصاً عایشه وابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است کفته که حضرت فاطمه علیها السلام دربیست ویکم ماه رجب بعالم قدس رحلت نمود دیر

شادی شهور است اما لعن بر قاتلان وظالمان انحضرت کو شهر حضرت رسالت کعید انها لعمر بن الخطاب ثواب دارد وزیارت انحضرت الحال مناسب است چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی وشیخ مفید ره کفته است که در بیست ودوم ماه وفات مثبته است ومستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت ودر روز بیست وسیم اینماه خارجیان خنجر زهر الود بران حضرت امام حسن علیه السلام زدند بزیارت ولعن بر قاتلان وظالمان انحضرت مناسبست ودر روز بیست وچهارم اینماه فتح خیبر است بمعجزهای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام جار شد ومرحب یهودی بدست ان حضرت کشته شد وکفته اند که روزه این روز بشکر این نعمت وزیارت انحضرت مستحبست وشیخ ره ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در روز بیست وپنجم ماه رجب واقع شده است اما احادیث بسیار در فضیلت این روز وثواب روزه اش وارد شده است ودر روایتی نقل کرده اند از ابن بابویه وغیر او که حضرت رسالت در روز بیست وهفتم ماه رجب مبعوث برسالت شد واین مخالف مشهور واحادیث بسیار است که بعد ازین مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که روزه اش کفاره دویست سال کناه است وبسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هرکه روز بیست وپنجم ماه رجب را روزه دارد حق تعالی روزه اورا کفاره هفتاد سال کناه کرداند وایضاً از انحضرت منقولست که هرکه روز بیست وششم ماه رجب را روزه دارد حقتعالی روزه اورا کفاره هشتاد سال کناه کرداند ودر روز بیست وهفتم اینماه از جمله اعیاد عظیمه است ودر این روز حضرت رسول صلی الله علیه واله در ان روز برسالت بر امت مبعوث کردیده وجبرئیل بر پیغمبری بانحضرت نازل شد وشبش نیز بسیار شب مبارکیست وبسندهای بسیار معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم ازانچه افتاب بران میتابد وان شب بیست وهفتم اینماه است ودر صبح ان شب حضرت رسول برسالت مبعوث شد وکسیکه عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال

عبادت خدا با وعطا کند پرسیدند که عمل آنشب چیست فرمود که چون نماز خفتن
کردی بخواب پس هر وقت که از شب بیدار شوی خواه پیش از نصف و خواه بعد از نصف
باشد برخیز و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بکو و در هر رکعت بعد
از حمد یکسوره از سورهای کوچک و بعدش کن را بخوان و چون فارغ شوی چنانکه
نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس
این دعا را بخوان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَریكٌ فِی الْمُلْكِ
سپاس مر خدا را که فرا نگرفت فرزندی و نباشد مر او را شریکی در پادشاهی

وَلَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبیراً اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ
و نباشد مر او را ولیی از خواری و بزرگ دان او را بزرگ دانستنی خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا

بِمَعاقِدِ عِزِّكَ عَلی اَرْكانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ
بجای بستگی عزت تو بر ارکان عرش تو و نهایت رحمت از کتاب تو

وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْاَعْلَی الْاَعْلی
و بنام تو که بزرگتر بزرگتر بزرگتر است و ذکر تو که بلند تر بلند تر

الْاَعْلی وَبِكَلِماتِكَ التّامّاتِ كُلِّها اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ
بلند تر است و بکلمات تو که تمامست همه از آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بکنی

بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ پس هر حاجت که خواهی بطلب که هر چه طلب کنی مستجاب
بمن آنچه تو سزاوار آنی
میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان
را طلب کنی و روز آنرا روزه بدار که از برای تو حساب میشود بروزه یکسال
و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلم منقولست که در شب
و هفتم ماه رجب هر وقت که باشد دوازده رکعت نماز بجا آور و در هر رکعت بعد
از حمد چهار مرتبه قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
احد بخوان و چون از دوازده رکعت نماز لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ
فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر و حمد و سپاس

لِلّٰهِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ پس هر
مر خدا را و منزه است خدا و نیست حرکت و نه قوت مگر بخدای بلند مرتبه بزرک حاجت
که خواهی بطلب که برآورده است ان شاء الله مؤلف این کتاب گوید که هر یک از این دو
روایت را عمل نماید خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز نصف شب ماه رجب را
که بسند صحیح مذکور شد در اینجا آورد خوبست و در آن روایت وارد شده است
که در اینشب نیز بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که غسل در آنشب مستحب است و
زیارت حضرت رسول الله و حضرت امیر المؤمنین علیهما السّلام در اینشب مناسبست و این دعا
نیز وارد شده اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ
که در اینشب میخوانند خدایا من میخواهم ترا بتجلیه بزرگ در این شب

مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَالْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ
از ماه بزرگوار و فرستاده گرامی آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنا ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا یا مَنْ یَعْلَمُ وَلا یَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ
محمد و آنکه بیامرزی ما را آنچه تو داناتری بآن از ما ای آنکه میداند و ندانسته شد خدایا

بارِكْ لَنا فی لَیْلَتِنا هٰذِهِ الَّتی بِشَرَفِ الرِّسالَةِ فَضَّلْتَها وَبِكَرامَتِكَ
مبارک کن برای ما در شب ما اینشب که بشرافت پیغمبری زیادتی دادی او را و بکرامت خود

اَجْلَلْتَها وَبِالْمَحَلِّ الشَّریفِ اَحْلَلْتَها اَللّٰهُمَّ فَاِنّا نَسْاَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّریفِ
بزرگ کردی او را و بجایگاه شریف خود که فرود آوردی او را خدایا پس بدرستیکه ما میخواهیم ترا بحق مبعث بزرگوار

وَالسَّیِّدِ اللَّطیفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفیفِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ
و آقای مهربان پاکیزه و اصل پرهیزکاری اینکه رحمت بر محمد و آل او و اینکه بگردانی

اَعْمالَنا فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَفی سائِرِ اللَّیالی مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنا مَغْفُورَةً
کردار ما را در این شب و در سایر شبهای پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده

وَحَسَناتِنا مَشْكُورَةً وَسَیِّئاتِنا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ
و نیکیهای ما را جزا داده شده و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را بخوبی گفتار

مَسْرُورَةً وَاَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ بِالْیُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَری
شاد شده و روزیهای ما را از نزد تو باسانی روان شده خدایا بدرستیکه تو میبینی

اعمال نصف

وَلا تُرى وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلى وَاَنَّ اِلَيْكَ الرُّجْعى وَالْمُنْتَهى وَ

ودیده نشوی و تو با دیدار بلندی و بدرستیکه بسوی تست بازگشت و نهایت و

اَنَّ لَكَ الْمَماتَ وَالْمَحْيا وَاَنَّ لَكَ الْاخِرَةَ وَالْاُولى اَللّهُمَّ اِنّا نَعُوذُ

بدرستیکه مر تراست میرانیدن و زنده کردن و بدرستیکه مر تراست جهان واپسین و جهان نخستین خدایا بدرستیکه ما پناه میبریم

بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزى وَاَنْ نَأْتِىَ ما عَنْهُ تَنْهى اَللّهُمَّ اِنّا نَسْئَلُكَ

بتو که ذلیل و خوار گردیم و آنکه بجا آوریم آنچه از او نهی کردی خدایا ما میخواهیم از تو

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعيذُ بِكَ مِنَ النّارِ فَاَعِذْنا مِنْها بِقُدْرَتِكَ

بهشت برحمت تو و پناه میبریم بتو از آتش پس پناه بده ما را از آن آتش بتوانائی خود

وَنَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعينِ فَارْزُقْنا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِنا

و میخواهیم از تو از حور العین پس روزی ده ما را بعزت خود و بگردان وسیع تر روزی ما را

عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنا وَاَحْسَنَ اَعْمالِنا عِنْدَ اقْتِرابِ اٰجالِنا وَاَطِلْ فى طاعَتِكَ

نزد بزرگی سال ما و نیکوتر کردار ما را نزد نزدیک شدن اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود

وَما يُقَرِّبُ اِلَيْكَ وَيُحْظى عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ اَعْمارَنا وَاَحْسِنْ

و آنچه نزدیک میکند بسوی تو و بهرهمند میکند نزد تو و نزدیک میکند نزد تو عمرهای ما را و نیکو کن

فى جَميعِ اَحْوالِنا وَاُمُورِنا مَعْرِفَتَنا وَلا تَكِلْنا اِلى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

در همه احوال ما و کارهای ما شناختن ما و وامگذار ما را بسوی کسی از خلق تو

فَيَمُنَّ عَلَيْنا وَتَفَضَّلْ عَلَيْنا بِجَميعِ حَوائِجِنا لِلدُّنْيا وَالْاخِرَةِ

پس منت بر ما نهد و تفضل بر ما بتمام حاجتهای ما برای دنیا و آخرت

وَابْدَأْ بِاٰبائِنا وَاُمَّهاتِنا وَاَبْنائِنا وَجَميعِ اِخْوانِنَا الْمُؤْمِنينَ

و ابتدا کن بپدران ما و مادران ما و پسران ما و همه برادران ما که گروندگانند

فى جَميعِ ما سَئَلْناكَ لِاَنْفُسِنا يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ اِنّا نَسْئَلُكَ

در همه آنچه خواستیم از تو از برای خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خدایا ما میخواهیم از تو

بِاسْمِكَ الْعَظيمِ وَمُلْكِكَ الْقَديمِ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

بنام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

آخر ماه رجب

تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظيمَ اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظيمَ اِلاَّ الْعَظيمُ

بیامرزی ما را گناه بزرگ را بدرستیکه نمی‌آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

اَللّهُمَّ وَهذا رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذى اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ

خدایا و این رجب مکرم است که گرامی داشته ما را بآن و اول ماههای حرام

اَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ

گرامی داشته ما را بآن از میان امتها پس مر تراست ستایش ای خداوند بخشش و کرم پس میخواهم از تو

بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذى

بآن و بنام بزرگ تو بزرگ تو بزرگ تو بزرگ تو بزرگوار گرامی که

خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فى ظِلِّكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّىَ

آفریدی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت کنی

عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ وَاَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلينَ

بر محمد و خانواده او که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از کنندگان

فيهِ بِطاعَتِكَ وَالْاٰمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ اَللّهُمَّ اهْدِنا اِلى سَواءِ

در این ماه بطاعت تو و امیدواران در آن مر شفاعت تو خدایا هدایت کن ما را بسوی راه

السَّبيلِ وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ فى ظِلٍّ ظَليلٍ وَمُلْكٍ

راست و بگردان خوابگاه و بازگشت ما را نزد خودت بهتر بازگشتی و خوابگاهی در سایه دائمی و پادشاهی

جَزيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ اَللّهُمَّ اَقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ

بسیار پس بدرستیکه تو بسی ما را و خوب کارگذاری هستی خدا بگردان ما را رستگاران فیروزی یافتگان

غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنا وَلا ضالّينَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ

غیر غضب شده بر ما و نه گمراهان برحمت تو ای بخشنده‌ترین بخشندگان - خدایا

اِنّى اَسْئَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِواجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ

بدرستیکه من میخواهم از تو بوسیلهای محکم آمرزش و بواجب رحمت تو سلامتی را

مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ

از هر گناه و غنیمت از هر نیکی و فیروزی ببهشت و نجات از آتش

اَللّٰهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السّائِلُونَ وَ

خدایا خواند ترا خوانندگان و خواندم ترا و سؤال کردند ترا سؤال کنندگان و

سَأَلْتُكَ وَطَلَبَ اِلَيْكَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

سؤال کردم ترا و رغبت کردند بتو راغبان و رغبت نمودم بتو خداوندا

الثِّقَةُ وَالرَّجاءُ وَاِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ

معتمد و امیدواری و بسوی تست آخر رغبتها و دعا خدایا پس رحمت کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ

بر محمد و آل او و بگردان یقین در دل من و نور را در چشم من و پند را

فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ عَلٰى لِسانِي وَرِزْقاً واسِعاً

در سینه من و یاد ترا در شب و روز بر زبان من و روزی فراخی

غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبارِكْ لِي فِيما رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ

که نه منت کذاشته شده و نه منع شده پس روزی کن مرا و برکت ده مرا در آنچه روزی دادی مرا و بگردان

غِنايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيما عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

بی‌نیازی مرا در خودم و خواهش مرا در آنچه نزد تو است برحمت تو ای بخشنده‌ترین بخشندگان

پس بسجده اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنا بِوِلايَتِهِ وَوَفَّقَنا

برو و بگو ستایش مر خدا را که راه نمود ما را بشناختن خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود و توفیق داد ما را

لِطاعَتِهِ پس بگو شُكْراً شكراً تا صد مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَصَدْتُكَ بِحاجَتِي

بطاعت خود پس سر از سجده بردار و بگو خدایا من نیت کردم ترا بحاجت خود

وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِاَئِمَّتِي وَسادَتِي

و تکیه کردم بر تو بخواندن حاجتم و روآوردم بتو بامامان خود و آقایان خود

اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ

خداوندا سود ده ما را بدوستی ایشان و فرود آور ما را جای فرود آمدن ایشان و روزی کن ما را رفاقت ایشان را

وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ و در

و داخل کن ما را در بهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان

روز

بیست و هفتم غسل سنت است و روزه‌اش فضیلت بسیار دارد و بسند

معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روزه‌اش برابر است با روزه هفتاد سال

و بروایت دیگر شصت سال و ایضاً منقول است که حسن بن راشد از حضرت

صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود

بلی شریفتر و فاضلتر از همه روزیست که حضرت رسول برسالت مبعوث گردید

است و آن روز بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بدارد و صلوات بر محمد

و آل محمد بسیار بفرستد و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیهما

السلام والصلوة در این روز منقول است و نماز این روز بطرق مختلفه وارد

شده است و اکثر گفته‌اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر میشود

که در هر وقت روز که بکنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که

چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام به بغداد تشریف آوردند و در روز نصف رجب

و روز بیست و هفتم روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر

فرمودند که این دو روز را روزه بدارند و در هر یک دوازده رکعت نماز

بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و هر رکعت را بحمد و سوره که خواهند

بکنند و چون از همه فارغ شوند سوره حمد و توحید و معوذتین هر یک را

چهار مرتبه بخوانند پس لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَسُبْحانَ

چهار مرتبه بگویند نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است از هر چیزی و منزه است

اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

پس چهار خدا و ستایش مر خدا را و حرکت و قوتی نیست مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

مرتبه بگویند اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً پس چهار لا اُشْرِكُ بِرَبِّي اَحَداً

خدا خدا پروردگار من است شریک نگردانم باو چیزی را مرتبه بگویند شریک نکنم بپروردگارم کسی را

و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است که در این روز

دوازده رکعت نماز بجا میآوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود

میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی و این دعا میخوانی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

ستایش مر خدا را که

اعمال نصف

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ

کسیرا نگرفته فرزندرا ونبیاشد مراورا شریکی در پادشاهی ونبیاشد مراورا یاوری از

الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي

از خواری و یاد کن اورا یاد کردنی ای ذخیره من در عمر من ای رفیق من در سختی من

يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي يَا حَافِظِي

ای دوست من در نعمت من ای دادرس من در خواهش من ای فیروزی من در حاجت من ای نگاهدارنده

فِي غَيْبَتِي يَا كَالِئِي فِي وَحْدَتِي يَا أُنْسِي فِي وَحْشَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي

در نهانی من ای پناه من در تنهائی من ای انیس من در دلتنگی من توئی پوشاننده عورت مرا

فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِي

پس مر تراست ستایش وتوئی درگذرنده لغزش من پس مر تراست ستایش وتوئی نگاهدارنده افتادن بالاده من

فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي

پس مر تراست ستایش رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبپوشان عورت مرا وایمن کن ترس مرا

وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ

ودرگذر از لغزش من ودرگذر از گناه من ودرگذر از بدیهای من تا باشم در یاران

الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ وچون از نماز ودعا

بهشت بوعده راستی که بودند وعده داده شدگان

فارغ شوی سوره

حمد وتوحید ومعوذتین وانا انزلناه وقل یا ایها الکافرون وآیة الکرسی

هر یک را هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگوئی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ پس هفت مرتبه میگوئی اللّٰهُ

اللّٰهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس آنچه خواهی از خدا بطلب وبسند معتبر دیگر

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلم منقولست که سنتست نماز در روز مبعث

بخوانند يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ

ای آنکه امر کرده بعفو ودرگذشتن وضامن کرده خودرا بعفو ودرگذشتن

يَا مَنْ عَفَى وَتَجَاوَزَ اعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اللّٰهُمَّ وَقَدْ أَكْدَى

ای آنکه عفو نمود وگذشت عفو کن مرا ودرگذر ای بزرگوار خدایا وبتحقیق مشکل شد

رجب آخر ما

الطَّلَبُ وَأَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمَالُ وَانْقَطَعَ

طلب وعاجز شده چاره وکهنه شده آرزوها ومنقطع شده

الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ

امیدها مگر از تو تنهای تو نیست شریکی برای تو خداوندا بدرستیکه من مییابم

الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَ

طلبهارا بسوی تو گشاده وآبشخورهای امیدرا نزد تو پر و

أَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ

درهای دعارا برای آنکه بخواند ترا گشاده ویاری طلبیدن برای کسی که یاری جسته

بِكَ مُبَاحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ

بتو مباح شده ومیدانم که تو خواننده خودرا جای اجابتی وبرای فریادکن

إِلَيْكَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالضَّمَانِ بِعِدَتِكَ

بسوی تو در کمین فریادرسی وبتحقیق در حسرت بسوی بخشش تو وضامن شدن بوعده تو

عِوَضًا مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ

عوض منع بخیلان وفراخی از آنچه در دستهای توانگرانست

وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ

وبتحقیق تو پنهان نمیشوی از خلق تو مگر حایل شود ایشان را کردارها فاصل از تو

عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ وَقَدْ نَاجَاكَ

میدانم که بهترین توشه روندگان بسوی تو اراده ثابت وبتحقیق نجات داده تو

بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ

باراده ثابت دلم را پس میخوانم ترا بهر خواندنی که خوانده ترا بآن امیدوار رسانیده

أَمَلَهُ أَوْ صَارِخٍ إِلَيْكَ أَغَثْتَ صَرْخَتَهُ أَوْ مَلْهُوفٍ مَكْرُوبٍ

آرزویش یا فریادکننده بسوی که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده غمگینی

فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ أَوْ مُذْنِبٍ خَاطِئٍ غَفَرْتَ لَهُ أَوْ مُعَافًى أَتْمَمْتَ

کشف نموده از دل آن یا گناهکار خطاکاری که آمرزیده او را یا عافیت کننده که تمام کرده

نِعْمَتُكَ عَلَيْهِ اَوْ نَفَقِيرٍ اَهْدَيْتَ غِنَاكَ اِلَيْهِ وَلِذٰلِكَ الدَّعْوَةِ

نعمت را براو باحتياج كه تحفه فرستادى بسيارى جود را بسوى او وبراى اين دعوت

عَلَيْكَ حَقٌّ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلَّا صَلَّيْتَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَقَضَيْتَ

بر تست حق ونزد تست منزلت مكر انكه رحمت فرستى بر محمد وال او وروا كنى

حَوَائِجِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَهٰذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ

حاجات مرا حاجتهاى دنيا واخرت واين ماه رجب المرجب است كرامى

اَلَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ

كه كرامى داشته ما را بان اول ماههاى حرام وكرامى داشته ما را بان از ميان امتها

يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

اى صاحب جود وكرم پس ميخوانم ترا بان وبنام تو كه بزرك تر بزرك تر

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ

بزرك تر بزركوار كريم است كه افريدى اورا پس قرار كرفت درسايه تو پس بيرون نرود از تو

اِلٰى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنَا

بسوى غير تو انكه رحمت فرستى بر محمد وخانواده او كه پاكانند وبكردانى ما را

فِيهِ مِنَ الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِكَ وَالْاٰمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ

دراينماه ازعمل كنندكان بطاعت تو واميدواران دراينماه بشفاعت تو خدايا

وَاهْدِنَا اِلٰى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ

وهدايت كن مارا بسوى راه راست وبكردان بازكشت مارا نزدخود بهتر بازكشتى

فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلٰى عِبَادِهِ

درسايه دائمى پس بدرستيكه تو بس مارا وخوب كاركذارى هستى ودرود بربندكان خدا كه

الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا

بركزيدكانند ورحمتهاى او برايشان همكى خداوندا وبركت ده براى ما در روز ما

هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ مِنْكَ

اين روز كه افزونى دادى اورا وبكرامت خود بزرك كردانيدى اورا وبمرتبه بزرك از تو كه

اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلٰى مَنْ فِيهِ اِلٰى عِبَادِكَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ

فرود آوردى اورا ورحمت فرست برانكه دراين روز بسوى بندكان خود فرستادى اورا وبجايكاه كرامى

اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلٰوةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا

فرود آوردى اورا خدايا رحمت كن براو رحمت هميشه كه باشد مر ترا شكرى

وَلَنَا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ

وبراى ما ذخيره وبكردان براى ما دركار ما اسانى وختم كن ما را بنيكبختى

اِلٰى مُنْتَهٰى اٰجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ اَعْمَالِنَا وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ

بسوى اخر مدت ما وبتحقيق پذيرفته اندك از كردارهاى ما وبرسان ما را برحمت خود

اَفْضَلَ اٰمَالِنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا

كه بهتر ارزوهاى ما است بدرستيكه تو بر هرچيزى توانائى ورحمت خدا برآقاى ما

مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ وبسند معتبر ازحضرت امام رضا عليه السلم منقولست كه

محمد وآل او ودرود

هر كه روز بيست وهشتم ماه رجب را روزه دارد كفاره

نود سال كناه او كردد وهر كه روز بيست ونهم از او روزه دارد كفاره كناه صد سال

او باشد وهر كه روز سى ام اينماه را روزه بدارد حقتعالى كناهان كذشته و

اينده اورا بيامرزد ودر روز اخر اينماه نماز سلمان سنتست بنحويكه در

اول مذكور شد واكر احتمال نقصان ماه باشد در روز بيست ونهم نيز

احتياطا بكند ودر كتب دعوات از براى هر شب اينماه نماز مخصوصى ذكر

كرده اند چون سند معتبرى بنظر نرسيده نخواستم ايراد نمايم وچون بسيار

مشهور است ايراد ميكنم برسبيل اجمال واكر كسى بقصد انكه مطلق صلوة

خوبست بكند بد نيست شب اول سى ركعت در هر ركعت بعد از حمد سه مرتبه

قل يا ايها الكافرون وسه مرتبه توحيد دويم ده ركعت با حمد وقل يا ايها

الكافرون سيم ده ركعت با حمد وپنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله

در هر ركعت چهارم صد ركعت در هر دو ركعت در اول بعد از حمد قل

اعوذ برب الفلق ودر دويم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم شش ركعت

در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت
بعد از حمد توحید و معوذتین هر یك سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه
صلوة و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت یك
حمد و هر یك از چهار قل سه مرتبه نهم دو رکعت بحمد و پنجوبت الهیکم
التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد سه مرتبه توحید
یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی دوازدهم دو
رکعت با حمد و آیه امن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در رکعت
اول بعد از حمد سوره والعادیات و در رکعت دوم سوره الهیکم التکاثر
چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و آیه قل انما انا بشر
مثلکم را تا آخر سوره پانزدهم شانزدهم هفدهم سی رکعت با حمد و ده بار
سوره توحید و در هر رکعت هیجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
سوره توحید و معوذتین هر یك ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت
بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه انا انزلناه بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه انا اعطیناك الکوثر و ده مرتبه توحید بیست و دوم هشت رکعت در
هر رکعت یك مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه جحد و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد
از حمد پنج مرتبه سوره والضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد
آیه امن الرسول و سوره توحید یك مرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان
نماز شام و خفتن و در هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول و سوره توحید
یك مرتبه بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه
توحید بیست و هفتم بیست و هشتم و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد

مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار سی ام ده رکعت
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و در هر یك از این نمازها
ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردیم و جمیع
نوافل که ذکر شد هر دو رکعت بیك سلام است و بعضی که باعث طول
در میان نماز شام و خفتن است و باید بعد از داخل شدن وقت خفتن
واقع شود کردنش خالی از اشکال نیست لهذا نماز مشهور شب رغائب
را در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده است

باب دویم

در بیان ماه مبارك شعبان و ایام و لیالی آنست و در آن پنج فصل است

فصل اول در بیان فضیلت آنما هست و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه
شعبان زیاده از رجبست و منسوبست بحضرت سید انبیا چنانچه منقولست از
حضرت صادق علیه السلم که چون حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده مینمود امر
میفرمود منادی کننده را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از
جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسیرا که
یاری کند مرا در ماه من پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمود از روزیکه ندای
منادی آن حضرترا شنیدم روزه ماه شعبان را ترك نکرده ام و انشاء الله تا زنده ام
ترك نخواهم کرد و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جمیع گناهان
مردم از جانب خدای تعالی و ایضاً منقولست از ام سلمه که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله هیچ ماهی را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که از او وصل میکرد
بماه رمضان و ایضاً منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه
از روزهای سنت افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

عند الصباح

بیان فضیلت

ماه شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو
ماه خداست و روزه هر دو کفارهٔ گناهان گذشته و آینده است و ایضاً
از حضرت باقر علیه السلم منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را خدا پاک
گرداند از هر لغزشی و از وصمهای معصیت و تهمتهای دروغ غضب و از حضرت
رسالت پناه منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان
عرش الهی او را تعظیم مینمایند و حق حرمت او را میشناسند و آن ماهیست که زیاد
میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها
را و او را شعبان نام کرده اند برای آنکه منشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای
مؤمنان و حسنه در این ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن ریخته میشود
و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند
بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات میکند بایشان
با حاملان عرش پس در فضیلت روزهٔ این ماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب
تطویل کلامست و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که روزهٔ
شعبان ذخیره بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه
بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند شر
دشمنان او را و کمتر ثوابیکه بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنستکه بهشت
از برای او واجب کنند و بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلم نیز منقولست که
حضرت رسول صلعم فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که یک
روز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من
روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز از ماه من روزه
دارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی گناهی هیچ نداری و بسند عالی از حضرت
امام رضا علیه السلم منقولست که هر که یک روز از ماه شعبان را روزه بدارد از
برای خدا داخل بهشت گردد و هر که در یک روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار
کند در قیامت در زمرهٔ حضرت رسول محشور گردد و گرامی داشته او بر خدا

والمساء

ماه شعبان

واجب گردد و هر که در ماه شعبان تصدق بکند اگر چه بقدر نیمه خرما باشد
خدا بدن او را بر آتش حرام گرداند و هر که سه روز آخر شعبان را روزه دارد
و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب دو ماه روزهٔ متصل از برای او بنویسد
و ابن بابویه روایت کرده که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول زیاده
از ماههای دیگر روزه میداشت گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافل
اند و آن ماهیست که عملها در این ماه بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عملم
بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضاً روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند
از روزه رجب فرمود که چرا غافلید از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و ایضاً
روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هر که
یک روز از ماه مرا روزه بگیرد بهشت او را واجب گردد و هر که دو روز او را روزه بدارد
در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان بوده باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد
و پیوند کند بماه رمضان توبهٔ او باشد از هر گناه کوچک و بزرگی هر چند داخل خون
حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم
روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب
شود و حضرت رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضاً بسند بسیار معتبر
از حضرت صادق علیه السلم روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت
امام زین العابدین علیه السلم اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود ای گروه اصحاب
من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبانست و حضرت رسول میفرمود که شعبان
ماه منست پس روزه بدارید در این ماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی
پروردگار خود بحق آن خداوندیکه جان علی بن الحسین بدست اوست قسم
یاد میکنم که شنیدم از پدرم حسین بن علی علیه السلم که گفت شنیدم از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلم که هر که روزه دارد ماه شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا
از برای تقرب بخداوند خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود
در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین

اعمال هر روزه

روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه
خداست پس هر که روزه بدارد ماه مرا من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که
روزه بدارد ماه خدا را حقتعالی مونس او گردد در وحشت قبر و او را تنها نگذارد
و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست
راستش بدهند و نامه مخلد بودن در بهشت بدست چپش بدهند تا آنکه
او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده من او گوید
لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای
آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید پیش
نزد پیغمبر من پس بیاورند نزد من من با او گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی
من با او گویم که امروز شفاعت تو میکنم پس حقتعالی فرماید که حقوق خود را
ببنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که او را عفو کند من انقدر باو
بدهم که او راضی گردد پس من دست او را بگیرم و بیاورم نزد صراط پس ببینم که
صراط لغزنده است و میلرزد و پای گناهکاران بران بند نمیشود پس دست او را
بگیرم و بیاورم و ملکی که موکلست بر صراط گوید کیستی نزد گوید پسر فلانکس
است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه داشته است بامید شفاعت من و
ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم
بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت رسانم پس رضوان گوید که امروز روز بستگی در را
برامت تو میگشایم و او را داخل بهشت کنم پس فرمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که
روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و روزه بدارید
ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سربمهر بهشت **فصل دویم** در بیان اعمال
هر روزه ماه شعبانست بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده گردد اگر چه بعدد
ستارههای آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست پس در اینماه بسیار صلوات بفرستید

برمن و آل من و شعبان از ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی
را که در اینماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار
کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار
کرده باشد مردی پرسید که استغفر الله واسئله التوبة و بسند معتبر
چه بگویم فرمود بگو
طلب آمرزش میکنم خدا را وسئوال توبه او میکنم — از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حقتعالی برای او برات بیزاری از
طلب آمرزش میکنم خدا را وسئوال توبه او میکنم — آتش جهنم را و بگذراند او را از صراط و داخل
بهشت گرداند او را و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد
مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ
بگوید
طلب آمرزش میکنم خدائی که نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان زنده پاینده
وَاَتُوبُ اِلَیْهِ حقتعالی روح او را در افق مبین جا دهد و آن فضائیست
وباز گشت میکنم بسوی او — در پیش عرش و در آن فضا نهرهای جاریست و قدحها در کنار آن
نهرها هست بعدد ستارههای آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از
الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را
میخواندند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسالَةِ
خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد درخت پیغمبری وجایگاه رسالت
وَمُخْتَلَفِ الْمَلائِکَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
ومحل آمد وشد فرشتگان وکان دانائی وخانواده وحی الهی خداوندا رحمت فرست
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْکِ الْجارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الْغامِرَةِ یَأْمَنُ مَنْ رَکِبَها
برمحمد وآل محمد کشتی روان در دریاهای فرو شده ای آنکه سوار شد او را
وَیَغْرَقُ مَنْ تَرَکَها الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ
وغرق شد کسیکه واگذارد او را پیش گیرنده مر ایشان را مرتد است وعقب افتاده از ایشان ناچیز است و

عند المهمة

اعمال هر روزه

الّلازم لهم لاحق اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الكهف

ملامت کننده ایشان ملحق است بدین خدا خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد پناه گاه

الحصين وغياث المضطرّ المستكين وملجأ الهاربين ومنجا

محکم ودادرس درمانده بیچاره وپناه گریختگان ونجات پناه

الخائفين وعصمة المعتصمين اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد

ترسناکان ونگاهدارنده چنگ زدگان خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

صلوة كثيرة طيّبة تكون لهم رضًى ولحقّ محمّد وآل محمّد

رحمتی بسیار پاکیزه که بوده باشد مر ایشان را خوشنودی ومر ادای حق محمد وآل محمد

اداءً وقضاءً بحول منك وقوّة يا ربّ العالمين اللّهمّ صلّ

بجا وبجا آوردن بحرکتی از تو وتوانائی ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست

على محمّد وآل محمّد الطّيّبين الابرار الاخيار الّذين اوجبت

بر محمد وآل محمد که پاکانند بزرگان نیکوکارند آنانکه واجب گردانیدی

لهم حقوقهم وفرضت طاعتهم وولايتهم اللّهمّ صلّ على

مر ایشان را حقوق ایشان را ولازم گردانیدی فرمان برداری ایشان را ودوستی ایشان را خداوندا رحمت فرست بر

محمّد وآل محمّد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك

محمد وآل محمد وآبادان کن دل مرا بفرمان برداری خود ورسوا مساز مرا بنافرمانی خود

وارزقني مواساة من قتّرت عليه من رزقك بما وسّعت

وروزی کن مرا همراهی کسیکه تنگ گرفته بر او از روزی تو بآنچه گشاده تو

عليّ من فضلك ونشرت عليّ من عدلك واحييتني تحت

بر من از افزونی خودت وپهن کردی بر من از عدل خودت وزنده داشته مرا در زیر

ظلّك وهذا شهر نبيّك سيّد رسلك صلواتك عليه

سایه خود واین ماه پیغمبر تو است بزرگ فرستادگان تو رحمت تو بر او

وآله شعبان الّذي حففته منك بالرّحمة والرّضوان الّذي

وآل او شعبانست که فرو گرفته اورا از تو برحمت وخوشنودی آنچنانکه

والملمة

ماه شعبان

كان رسول الله صلّى الله عليه وآله يدأب في صيامه وقيامه

بود فرستاده خدا رحمت خدا بر او وآل او جهد مینمود در روزه گرفتن او وایستادن او

في لياليه وايّامه بخوعًا لك في اكرامه واعظامه الى محلّ حمامه

در شبهای او وروزهای او فروتنی برای تو در گرامی داشتن او ... تا هنگام مرگ او

اللّهمّ فاعنّا على الاستنان بسنّته فيه ونيل الشّفاعة

خداوندا پس یاری کن مرا بر طریق روش وطریقه او ... ودریافتن شفاعت

لديه اللّهمّ فاجعله لي شفيعًا مشفّعًا وطريقًا اليك مهيعًا

نزد او خداوندا پس بگردان اورا برای من شفیع شفاعت کننده وراه ... بسوی تو هموار

واجعلني له متّبعًا حتّى القاك يوم القيمة عنّي راضيًا وعن

وبگردان مرا برای او پیرو تا ملاقات کنم ترا روز قیامت درحالیکه از من خوشنود باشی واز

ذنوبي غاضيًا قد اوجبت لي منك الرّحمة والرّضوان وانزلتني

گناهان من درگذرنده باشی بتحقیق واجب کردی برای من از خودت رحمت را وخوشنودی را وفرود آوردی مرا

دار القرار ومحلّ الاخيار وسيّد بن طاوس ره بسند معتبر از ابن خالويه

دار آرامگاه وجایگاه نیکوکاران

روایت کرده است که این مناجات حضرت امیر المؤمنین عليه السّلام وامامان از فرزندان او است که در ماه شعبان میخواندند

اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد و

خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد و

اسمع دعائي اذا دعوتك واسمع ندائي اذا ناديتك واقبل

بشنو خواندن مرا چون بخوانم ترا وبشنو صدای مرا چون آواز کنم ترا وروآور

عليّ اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين يديك

بر من چون راز گویم ترا پس بتحقیق گریخته ام بسوی تو وایستاده ام پیش روی تو

مستكينًا لك متضرّعًا اليك راجيًا لما لديك ثوابي وتعلم

با شکستگی مر ترا درحالیکه زاری کننده ام بسوی تو امیدوارم آنچه نزد تست از ثواب مزد من و

ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك امر

آنچه در نفس من است ومطلعی حاجت مرا ومیشناسی نهانی مرا وپوشیده نیست بر تو کاری

اعمال ماه شعبان هر روزه

منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدء به من منطقي واتفوه به

بازگشت من واآرامگاه من وآنچه اراده دارم آن اینکه ابتدا کنم آن از سخن خود وتلفظ کنم آن

من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي

از خواهش خود وامید دارم اورا برای عاقبت خودم وبتحقیق روان شده تقدیرات تو بر من ای آقای من

فيما يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي و

در آنچه بوده باشد از من تا آخر عمر من از پنهانی من وآشکار من

بيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي

بدست تواست نه بدست غیر تو زیادتی من وکمی من وسود من وضرر من بارخدایا

ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني فمن ذا

اگر محروم کنی مرا پس کیست آنکسیکه روزی دهد مرا واگر خار کنی مرا پس کیست

الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك

آنکه یاری کند مرا بارخدایا پناه میبرم بتو از خشم تو وفرود آمدن خشم تو

الهي ان كنت غير مستأهل لرحمتك فانت اهل ان تجود

بارخدایا اگر باشم که لایق نباشم مر رحمت تورا پس توئی سزاوار اینکه بخشش

علي بفضل سعتك الهي كأني بنفسي واقفة بين يديك فقد

بر من بزیادتی وسعت خود بارخدایا گویا میبینم خودرا ایستاده در پیش روی تو پس بتحقیق

اظلها حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله و

سایه افکنده بآن نیکی توکل من بر تو است پس گفته تو آنچه تو سزاوار آنی

تغمدتني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك

پوشیده باشی مرا بآمرزش خود بارخدایا اگر در گذری پس کیست سزاوارتر از تو بآن عفو

وان كان قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت

واگر بوده باشد بتحقیق نزدیک مدت مرا من ونزدیک نکند بتو کردار مرا پس بتحقیق بگردانم

الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في

اعتراف بگناهان را بسوی تو وسیله خودم بارخدایا بتحقیق جرأت کردم بر نفس خودم در

النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام

تأمل مر اورا پس برای اواست دوزخ اگر نیامرزی مر اورا بارخدایا همیشه بود نیکی تو بر من ایام

حياتي فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف آيس من حسن

زندگانی من پس مبر نیکی خودرا از من در مردن من بارخدایا چگونه مأیوس گردم از نیکی

نظرك لي بعد مماتي وانت لم تولني الا الجميل في حياتي الهي

نظر تو مرا پس از مردن من وتو نکردی بمن مگر نیکی در زندگانی من خدایا

تول من امري ما انت اهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره

متولی شو از کار من آنچه تو سزاوار آنی ومهربانی کن بفضل خود بر گناهکاری که پوشیده او

جهله الهي قد سترت علي ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى

نادانی او بارخدا بتحقیق پوشیدی بر من گناهانرا در دنیا ومن محتاج ترم بسوی

سترها علي منك في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم

پوشانیدن آنها بر من از تو در آخرت بارخدایا بتحقیق نیکی کردی بمن چون

تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة

نمایان کردی برای یکی از بندگان شایسته خود پس رسوا نسازی مرا روز قیامت

على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل

بر حضور حاضران بارخدایا بخشش تو پهن نمود آرزوی مرا وآمرزش تو افزونتر است

من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي

از کردار من خدایا پس شاد کن مرا بملاقات خود روزیکه حکم شود در آن روز میان بندگان تو خدایا

اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل

عذرآوردن من بسوی تو عذرآوردن کسیستکه بی‌نیاز نشود از پذیرفتن عذر او پس بپذیر

عذري يا كريم يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي لا

عذر مرا ای کریم ای کریم‌تر از آنکه عذر جویند بسوی او بدکاران بارخدایا

ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي

رد مکن خواهش مرا ومحروم مکن طمع مرا ومبر از خودت امید مرا وآرزوی مرا

اعمال هر روزه

اِلٰهى لَوْ اَرَدْتَ هَوانى لَمْ تَهْدِنى وَلَوْ اَرَدْتَ فَضيحَتى لَمْ تُعافِنى

خدايا اگر بخواهى خوارى مرا هدايت نميكردى مرا واگر ميخواستى رسوائى مرا عافيت نميدادى

اِلٰهى ما اَظُنُّكَ تَرُدُّنى فى حاجَةٍ قَدْ اَفْنَيْتُ عُمْرى فى طَلَبِها

خدايا گمان نميبردم ترا كه برگردانى مرا در حاجت من بتحقيق بپايان آوردم عمر خود را در خواهش

مِنْكَ اِلٰهى فَلَكَ الْحَمْدُ اَبَداً اَبَداً دائِماً سَرْمَداً يَزيدُ وَلا يَبيدُ كَما

از تو خدايا پس از براى تست ستايش هميشه هميشه پيوسته زياد ميشود و كم نميگردد چنانچه

تُحِبُّ وَتَرْضىٰ اِلٰهى اِنْ اَخَذْتَنى بِجُرْمى اَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَاِنْ

دوست دارى وخوشنود شوى خدايا اگر مرا بگيرى بگناه من فرا ميگيرم ترا بآمرزش تو واگر

اَخَذْتَنى بِذُنُوبى اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِى النّارَ اَعْلَمْتُ

بگيرى مرا بگناهان من فرا ميگيرم ترا بآمرزش تو واگر درآورى مرا در آتش آگاه ميكنم

اَهْلَها اَنّى اُحِبُّكَ اِلٰهى اِنْ كانَ صَغُرَ فى جَنْبِ طاعَتِكَ عَمَلى فَقَدْ

اهل آنرا كه من دوست ميدارم ترا خدايا اگر بوده باشد كوچك در پهلوى طاعت تو كردار من پس

كَبُرَ فى جَنْبِ رَجائِكَ اَمَلى اِلٰهى كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ

بزرگست در پهلوى اميد بتو آرزوى من بار خدايا چگونه برگردم از نزد تو بنا اميدى

مَحْرُوماً وَقَدْ كانَ حُسْنُ ظَنّى بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَنى بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً

محروم باشم وبتحقيق ميباشد نيكو گمان من ببخشش اينكه بگردانى برستگارى رحم شده

اِلٰهى وَقَدْ اَفْنَيْتُ عُمْرى فى شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَاَبْلَيْتُ شَبابى

خدايا وبتحقيق بپايان آوردم عمر خود را در مرض بيخبرى از تو وكهنه كردم جوانى خود را

فى سَكْرَةِ التَّباعُدِ مِنْكَ اِلٰهى فَلَمْ اَسْتَيْقِظْ اَيّامَ اغْتِرارى بِكَ

در مستى دورى از تو بار خدايا پس بيدار نشدم روزگار فريفتگى خود بتو

وَرُكُونى اِلىٰ سَبيلِ سَخَطِكَ اِلٰهى وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قائِمٌ

ومايل بودم بسوى راه خشم تو خدايا ومنم بنده تو وپسر دو بنده تو ايستاده

بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ اِلَيْكَ اِلٰهى اَنَا عَبْدٌ اَتَنَصَّلُ اِلَيْكَ

پيش روى تو توسل جوينده ام بكرم تو بسوى تو خدايا من بنده ام عذرخواه بسوى تو

ماه شعبان

مِمّا كُنْتُ اُواجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيائى مِنْ نَظَرِكَ وَاَطْلُبُ الْعَفْوَ

از آنچه بودم مواجهه ميكردم بآن از كمى شرم من از اطلاع تو وميجويم گذشتن را

مِنْكَ اِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ اِلٰهى لَمْ يَكُنْ لى حَوْلٌ فَاَنْتَقِلَ

از تو زيرا گذشتن صفت است براى بزرگوارى تست خدايا نبوده مرا حركتى پس بگردم

بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ اِلّا فى وَقْتٍ اَيْقَظْتَنى لِمَحَبَّتِكَ وَكَما اَرَدْتَ اَنْ اَكُونَ

بآن از نافرمانى تو مگر در وقتيكه بيدار كردى مرا بدوستى خود وچنانچه ميخواهى اينكه باشم

كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِاِدْخالى فى كَرَمِكَ وَلِتَطْهيرِ قَلْبى مِنْ اَوْساخِ

بوده باشم پس شكر كنم ترا بدرآوردن من در كرم تو وپاك كردن دل مرا از چركهاى

الْغَفْلَةِ عَنْكَ اِلٰهى اُنْظُرْ اِلَىَّ نَظَرَ مَنْ نادَيْتَهُ فَاَجابَكَ وَ

بيخبرى از تو بار خدايا بنگر بمن نگريستن آنكه خوانده باشى اورا پس اجابت كند ترا و

اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاَطاعَكَ يا قَريباً لا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ

بكار داشته باشى اورا بيارى خود پس فرمانبردارى كند ترا اى نزديكى كه دور نميگردد از فريفته بخود

وَيا جَواداً لا يَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ اِلٰهى هَبْ لى قَلْباً يُدْنيهِ مِنْكَ

واى بخشنده كه بخل نميكند از آنكه اميد وار ثواب اوست خدايا ببخش مرا دلى كه نزديك كند از دل

شَوْقُهُ وَلِساناً يُرْفَعُ اِلَيْكَ صِدْقُهُ وَنَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

آرزومندى او وزبانيكه بالا برد بسوى تو راستى او ونظريكه نزديك شود بان بتو حقّ آن

اِلٰهى اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ

خدايا بدرستيكه آنكه شناخته بتواست نيست مجهول وآنكه پناه برد بتو نيست خوار شده

وَمَنْ اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ اِلٰهى اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنيرٌ

وآنكه روى كردى براو نيست مغلوب خدايا بدرستيكه كسيكه راه يافته بتو هر آينه روشنى يافته

وَاِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجيرٌ وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يا اِلٰهى فَلا تُخَيِّبْ

وبدرستيكه آنكه چنگ زده بتو هر آينه امان جسته وبتحقيق پناه ميبرم بتو اى خداى من پس نااميد مكن

ظَنّى مِنْ رَحْمَتِكَ وَلا تَحْجُبْنى عَنْ رَأْفَتِكَ اِلٰهى اَقِمْنى فى اَهْلِ

گمانم را از رحمت خود ومنع مكن مرا از مهربانى خودت خدايا بپادار مرا در اهل

في اللجاء

وكان من دعائه عليه السلام في اللجاء الى الله تعالى

اعمال هر روزه

وَلاٰ يَنِكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ اِلٰهِي وَاَلْهِمْنِي وَلَهاً

دوستان خود جایگاه اکر امید داشته زیادتی از دوستی ترا خدایا وبدل انداز مرا حرانی

بِذِكْرِكَ اِلَى ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هِمَّتِي اِلَى رَوْحِ نَجَاحِ اَسْمَائِكَ وَ

بیاد ترا بسوی یاد تو وبکردان اهله مرا بسوی راحت ورستکاری نامهای تو و

مَحَلِّ قُدْسِكَ اِلٰهِي بِكَ عَلَيْكَ اِلَّا اَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ اَهْلِ طَاعَتِكَ

جای پاکیزه کی تو خدایا بتو برتو است مکر اکر برسانی مرا بجای اهل فرمان برداری تو

وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَاِنِّي لَا اَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعاً وَلَا اَمْلِكُ

وارامکاه شایسته از خشنودی تو پس بدرستیکه قادر نیستم مر نفس خودرا دفع کنم وما لک نیستم

لَهَا نَفْعاً اِلٰهِي اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ

مراورا سودی خدایا منم بنده ناتوان کناه کار تو ومملوک بنده رجوع کننده

الْمَعِيبُ فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ

ناپسند تو پس نکردان مرا از انکسیکه کردانیده از او روی خودرا ومنع نموده اورا غفلت

عَنْ عَفْوِكَ اِلٰهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ وَاَنِرْ اَبْصَارَ

از امرزش تو خدایا بخش مرا کمال بریدن بسوی تو وروشن کن چشمهای

قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا اِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ اَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ

دلهای مارا بروشنی نکرستن آن بسوی تو تا در یابد دیدهای دلها ازحجابهای

النُّورِ فَتَصِلَ اِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَتَصِيرَ اَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً

نور پس برسد بسوی قرارکاه بزرکی وبکردد روح های ما درآویخته

بِعِزِّ قُدْسِكَ اِلٰهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَاَجَابَكَ وَلَاحَظْتَهُ

بعزت پاکی تو خدایا وبکردان مرا ازانکه خواندی اورا پس اجابت کرد ترا وملاحظه کرد

فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرّاً وَعَمِلَ لَكَ جَهْراً اِلٰهِي لَمْ اُسَلِّطْ

پس بیهوش شد برای بزرکی تو پس راز کفتی اورا پنهان وکرد برای تو اشکارا خدایا مسلط ننمودم

عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْاِيَاسِ وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

بر نیکی کمان من ناامیدی شکست ناامیدی را وبریده نشود امید من از نیکی کرم تو

الى الله ١٠

ماه شعبان

اِلٰهِي اِنْ كَانَتِ الْخَطَايَا قَدْ اَسْقَطَتْنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ

خدایا اکر باشد خطاهائی که از قدر انداخته است مرا نزد تو پس درکذر از من بنیکی

تَوَكُّلِي عَلَيْكَ اِلٰهِي اِنْ حَطَّتْنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ

توکل من بر تو بارخدایا اکر پست کرده مرا کناهان از بزرکی امهربانی تو

فَقَدْ نَبَّهَنِي الْيَقِينُ اِلَى كَرَمِ عَفْوِكَ اِلٰهِي اِنْ اَنَامَتْنِي الْغَفْلَةُ

پس بتحقیق اکاه کرد مرا یقین بسوی کرم امرزش تو بارخدایا اکر خوابانیده مرا بیخبری

عَنِ الْاِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِكَ

از اماده شدن برای ملاقات نمودن تو پس بتحقیق اکاه کرد مرا شناختن بزرکی نعمتهای تو

اِلٰهِي اِنْ دَعَانِي اِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي اِلَى الْجَنَّةِ

بارخدایا اکر خوانده است مرا بسوی اتش بزرکی عقاب تو پس بتحقیق خوانده است بسوی بهشت

جَزِيلُ ثَوَابِكَ اِلٰهِي فَلَكَ اَسْئَلُ وَاِلَيْكَ اَبْتَهِلُ وَاَرْغَبُ وَاَسْئَلُكَ

بسیاری ثواب تو بارخدایا پس ترا میخوانم وبسوی تو زاری میکنم وخواهشمندم وسؤال میکنم

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ

اینکه رحمت کن بر محمد وآل محمد واینکه بکردانی مرا از انانکه همیشه میکنند یاد تو

وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَخِفُّ بِاَمْرِكَ

ونمیشکنند پیمانت را وبیخبر نیستند از سپاس تو وسبک نمیشمارند امر ترا

اِلٰهِي وَاَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْاَبْهَجِ فَاَكُونَ لَكَ عَارِفاً وَعَنْ سِوَاكَ

بارخدایا ودرسان مرا بنور عزت خودت که روشن است پس باشم مر ترا شناسا واز غیر تو

مُنْحَرِفاً وَمِنْكَ خَائِفاً مُرَاقِباً يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ

برکشته وازتو ترسان نمناک ای صاحب بزرکی وبزرکواری ورحمت خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً وَاَيْنَ اَزْمُنَاجَاتِهِ

بر محمد فرستاده خدا وآل او که پاکانند ودرود فرستد درود فرستادنی جليل القدر است

وبر مضامین عالیه مشتمل است ودر اوقاتیکه حضور قلبی بوده باشد خواندن

مناسبست واز حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که هرکه در مجموع ما

بخوانند

اعمال روزهای اول تا

شعبان هزار لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَلا نَعْبُدُ اِلّا اِیّاهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ وَ

بار بگوید که نیست خدائی مگر خدا و نمی‌پرستیم مگر او را خالص کننده برای او دین را و

لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد

اگر چه کراهت دارند مشرکان وگناه هزار ساله از و محو کند و از قبر بیرون آید با روی

نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق نویسند و بسند معتبر منقولست

که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از فضیلت روزه رجب حضرت فرمود

که چرا غافل گردیده‌اید از روزه شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد

کسیکه یکروز شعبان را روزه دارد حضرت فرمود که والله بهشت ثواب اوست گفت

یا ابن رسول الله بهترین عملها در اینماه چیست فرمود که تصدق کردن و طلب آمرزش

نمودن هر که در اینماه تصدق بکند حقتعالی آنرا تربیت میکند چنانچه یکی از

شما شتر بچه خود را تربیت میکند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد بصاحبش

برسد **فصل سیم** در فضایل و اعمال ایام مخصوصه اول ماه هست تا

ایام البیض بسندهای معتبر منقولست از حضرت صادق علیه السلام که هر که روز اول

ماه شعبان را روزه دارد البته بهشت او را واجب گردد و از حضرت امام رضا

علیه السلام منقولست استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر

ماه و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که هر پنجشنبه از ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه

میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب

گردان و روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز

ولادت حضرت امام حسین علیه السلام است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بحق آنکه زائیده شد در این روز وعده داده شد بگواهی

قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَ

پیش از حسن ماه او و ولادت گریه کرد آسمان او را و هر که در او است و گریه کرد زمین

الخیر

ایام البیض شعبان

مَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ

هر که بود بر آن و حال آنکه قدم نگذاشته سنگستانهای زمین را کشته شده سر سلسله و آقای قوم مدد کرده شد

بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ

بیاری روز رجعت عوض داده شده از قتل او بدرستیکه پیشوایان از نسل او بند

وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ

و شفا در تربت اوست و رستگاری با اوست در بازگشت او و اوصیاء از

عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ وَغَیْبَتِهِ حَتّی یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَیَثْأَرُوا

ذریه اویند پس از ظهور قائم ایشان و غیبت او تا دریابند خونها را و مطالبه خونها کنند

الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ وَیَکُونُوا خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ

خونها را و خوشنود سازند خدا را و بوده باشند بهترین انصار رحمت خدا باد بر ایشان

مَعَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْکَ اَتَوَسَّلُ وَ

با آمد و شد شب و روز خداوندا پس بحق ایشان بسوی تو توسل جویم

اَسْئَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ وَمُعْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلی نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ فی

سوال میکنم سؤال گناه کار و اقرار کننده بد کننده بسوی خود از آنچه زیاد کرده شد در

یَوْمِهِ وَاَمْسِهِ یَسْئَلُکَ الْعِصْمَةَ اِلی مَحَلِّ رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی

روز او و شب او میخواهد از تو عصمت را بسوی جایگاه دفن خود خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْکَرامَةِ وَمَحَلَّ

محمد و ذریت او و محشور کن ما را در گروه او و در آور ما را با او در خانه کرامت و جایگاه

الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ وَکَما اَکْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَکْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنا

قرار خداوندا و چنانچه گرامی داشتی ما را بشناختن او پس گرامی دار ما را بقرب او و روزی ده ما را

مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَیُکْثِرُ

رفاقت او را و پیشی گرفتن او را و بگردان ما را از آنکه گردن می‌نهد مر امر او را و بسیار میکند

الصَّلٰوةَ عَلَیْهِ عِنْدَ ذِکْرِهِ وَعَلی جَمیعِ اَوْصِیائِهِ وَاَهْلِ [illegible]

رحمت را [illegible] اوصیاء او و اهل برگزیده او

الممدود بن منك بالعدد الاثنی عشر النجوم الزهر والحجج

کشیده شدند ازتو بعدد دوازده ستاره روشن وحجتها

علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة

بر همه آدمیان خداوندا ببخش برای ما دراین روز بهترین بخشیدنی

وانجح لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد جده

وبرآور برای ما دران هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را برای محمد جد او

وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد

وپناه گرفت فطرس بگهواره او پس ما پناه برنده ایم بقبر او بعد از او می بینیم

تربته وننتظر اوبته آمین رب العالمین وزیارت آنحضرت وغسل

مدفن او را وانتظار داریم بازگشت او را بپذیر ای پروردگار جهانیان زیارت دراین روز مستحب است

وکیفیت زیارت بعد ازین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ طوسی ره روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین علیه السلام در روز پنجم این ماه متولد شده است اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت دارند و اعمال را در این روز نیز بعمل آورند خصوصا زیارت بهتر است وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بودن این روایت روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را در این روز بعمل آورند مناسبست **فصل چهاردهم** در بیان اعمال ایام البیض ماه شعبانست یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنتست که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنت سوره‌ها [illegible] خواند از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله [illegible]

نمود و اکتفا مینمائیم بانچه صحیح تر است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستیکه از اول این شب تا آخر آن از جانب حقتعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی بکند ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل در این شب سنتست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که هر که خواهد که با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در شب نیمه شعبان میآمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بر بامی یا صحرای گشاده در آید و بجانب راست و چپ آسمان و بالای سر نظر کند پس با انگشت اشاره کند بجانب راست قبله و بگوید

السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله

درود بر تو ای پدر عبد الله درود بر تو ای پسر فرستاده خدا

السلام علیک و رحمة الله و برکاته و اگر یکی از زیارات مبسوطه را بجا آورد بهتر است و از جمله آنها اینست

درود بر تو و رحمت خدا و برکات او

السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث

درود بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا درود بر تو ای وارث

اعمال ایام

نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

نوح پیغمبر خدا درود برتو . ای وارث ابرهیم دوست خدا درود

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى

برتو ای وارث موسی هم سخن خدا درود برتو ای وارث عیسی

رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

روح خدا درود برتو ای وارث . محمد دوست خدا درود برتو

يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى

ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا درود برتو ای پسر محمد برگزیده

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

درود برتو ای پسر علی پسندیده درود برتو ای پسر فاطمه زهرا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ

درود برتو ای پسر خدیجه کبری درود برتو ای خون خدا

وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ

پسر خون خدا وای خون ریخته شده گواهی میدهم که تو تحقیق برپا داشتی نماز را و دادی

الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَطَعْتَ اللّٰهَ وَ

زکوة را وامر کرده بنیکی ونهی نموده از زشتی وفرمان بردی خدا و

رَسُولَهُ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

فرستاده او تا آمد ترا مرگ پس دور سازد خدا گروهی را که کشتند ترا و دور سازد خدا گروهی

ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ

که ستم کردند ترا و دور کند خدا گروهی را که شنیدند اینواقعه را پس خوشنود شدند ای مولای من

يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ

ای پدر عبدالله گواهی میدهم که تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه و

الْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ

رحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود ونپوشانید ترا از جامهای تیره

شعبان البیض

ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَاَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَاَشْهَدُ

جامهای خود و گواهی میدهم که تو از ستونهای دین وارکان گروندگانی و گواهی میدهم

اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ

که تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک راه نماینده راه یافته و گواهی میدهم که

الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوٰى وَاَعْلَامُ الْهُدٰى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى

پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری ونشانه هدایت ودستاویز محکم

وَالْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاُشْهِدُ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَاَنْبِيَاءَهُ وَ

وبرهان براهل دنیا میکنند وگواه میگیرم خدا وملائکه و پیغمبران او را و

رُسُلَهُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي

فرستادگان او که من بشما گرویده ام و برجعت شما یقین دارم بآداب دین خود وبانجام کردارهای خود

وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلٰى

ودل من برای دل شما باصلاح است وامر من برای امر شما پیرو است رحمتهای خدا بر شما و بر

اَرْوَاحِكُمْ وَعَلٰى اَجْسَادِكُمْ وَعَلٰى اَجْسَامِكُمْ وَعَلٰى شَاهِدِكُمْ وَ

روحهای شما وبرجسدهای شما وبرجسمهای شما وبرحاضر شما و بر

عَلٰى غَائِبِكُمْ وَعَلٰى ظَاهِرِكُمْ وَعَلٰى بَاطِنِكُمْ پس دو رکعت نماز زیارت میکند

غایب شما وبرآشکار شما وبرپنهان شما واگر نماز زیادتر از زیارت کند

نیز خوبست واگر از دور زیارت بکند پس قصد زیارت علی بن الحسین الشهید

بکند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

درود برتو ای پسر فرستاده خدا درود برتو ای پسر

نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

پیغمبر خدا درود برتو ای پسر پادشاه مومنان درود برتو ای پسر

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ وَابْنُ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ

حسین شهید درود برتو ای شهید پسر شهید درود

عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ

برتو ای ستم کشیده ای پسر ستم کشیده لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا ولعنت کند

اعمال ایام

اللّه اُمّةً ظلمتك ولعن اللّه اُمّةً سمعت بذلك فرضيت به

خدا گروهی را که ستم کردند ترا ولعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آنرا پس خوشنود شدند بآن

پس قصد زیارت سایر شهدا رضی اللّه عنهم بکند و بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَوْلِياءَ اللّهِ وَ

درود برشما ای دوستان خدا و

اَحِبّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَصْفِياءَ اللّهِ وَاَوِدّائَهُ اَلسَّلامُ

محبان او درود برشما ای برگزیدگان خدا ودوستان او درود

عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ دينِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ رَسُولِ اللّهِ

برشما ای یاوران دین خدا درود برشما ای یاوران پیغمبر خدا

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ

درود برشما ای یاوران پادشاه گروندگان درود برشما ای یاوران

فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي مُحَمَّدٍ

فاطمه آقای زنان جهانیان درود برشما ای یاوران ابی محمد

اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النّاصِحِ الْاَمينِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ

حسن پسر علی پاکیزه پند پذیرفته امین درود برشما ای یاوران

اَبي عَبْدِ اللّهِ بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتي فيها دُفِنْتُمْ

پدر عبداللّه پدرم ومادرم فدای شما باد پاکید وپاکیزه است زمینیکه دران زمین دفن شدید شما

وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً فَيا لَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ ودر شب

ورستگار شدید رستگاری بزرگ پس کاش میبودم باشما پس رستگار میشدم باشما اوّل و

پانزدهم ماه رجب و درسیم و پنجم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان

و شبهای عید و سایر ایامیکه زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت

میتوان کرد و زیارت مبسوطه و مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام

و هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جملهٔ برکات این شب آنستکه ولادت

وافر السعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام در این شب واقع شده و باین سبب

سنّت است که این دعا را در این شب بخواند که بمنزلهٔ زیارت آنحضرتست

البيض شعبان

اَللّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هذِهِ وَمَوْلُودِها وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا

خدایا بحق شب ما این شب وزائیده شده دران وبرهان تو ووعده داده شده دران

اَلَّتي قَرَنْتَ اِلى فَضْلِها فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً لا

که رساندی بسوی فضل ان فضلی پس تمام شد کلمهٔ تو براستی وعدالت نیست

مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ وَلا مُعَقِّبَ لِاياتِكَ نُورُكَ الْمُتَاَلِّقُ وَ

تبدیلی مر کلمات ترا وبازپس نیامده مر نشانهای ترا نور تو بیداست و

ضِياؤُكَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ في طَخْياءِ الدَّيْجُورِ الْغائِبُ الْمَسْتُو

روشنائی تو درخشنده ونشانه روشنی در شبهای تیره وتار پنهان از خلایق

جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلائِكَةُ شُهَّدُهُ وَاللّهُ ناصِرُهُ

بزرگست مولود او وکریم است اهل او وفرشتگان حاضران اویند وخدا یاور اوست

وَمُؤَيِّدُهُ اِذا انَ ميعادُهُ وَالْمَلائِكَةُ اَمْدادُهُ سَيْفُ اللّهِ الَّذ

ومعین او چون نزدیک شد وعدهٔ ظهور او وفرشتگان مدد کننده اویند شمشیر خداست که

لا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذي لا يَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو مَدارُ الدَّ

کند نشود ونور خدا که ساکن نشود وصاحب بردباری که میل نکند بجهل دور روزگار

وَنَواميسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْاَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَما يَنْزِلُ في

وناموسهای زمان وصاحبان فرمان ونازل کرده شده برایشان قرآن وانچه فرود اید در

لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَراجِمَةُ وَحْيِهِ وَوُلاةُ اَمْرِ

در شب قدر وياران زنده کردانیدن وبرانگیختن بیان کنندگان وحی او ووالیان امر او

وَنَهْيِهِ اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى خاتِمِهِمْ وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَاَدْرِكْ

ونهی او خدایا پس رحمت فرست برآخرین ایشان وقائم ایشان که پنهانست از عالمهای ایشان ودریاب مارا

بِنا اَيّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ وَاقْرِنْ ثارَنا بِثا

روزگار او وپیدا شدن او وایستادن او وبگردان مارا از یاوران او وضم کن خون مارا بخون او

وَاكْتُبْنا في اَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَاَحْيِنا في دَوْلَتِهِ ناعِمينَ وَبِصُحْبَتِهِ

وبنویس مارا در گروه یاران او وخالصان او وزنده کن مارا در دولت او نعمت برنده وبصحبت او

اعمال ایام البیض شعبان

غانمین وبحقه قائمین ومن السوء سالمین یا ارحم الراحمین والحمد
عنیمت برنده وبحق او بپادارندکان وازبدیها سالمان ای بخشنده تر بخشندکان وستایش

لله رب العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین والمرسلین و
مرخدای پروردکار جهانیان ورحمت خدا برمحمد خاتم پیغمبران وفرستادکان و

علی اهل بیته الصادقین وعترته الناطقین والعن جمیع الظالمین
بر اهل خانه او کهراستکویانند وذریه او که سخن کویانند ولعنت بر همه ستمکاران

واحکم بیننا وبینهم یا احکم الحاکمین وزید شهید روایت کرده است
وفرمان ده میان ما ومیان ایشان ای فرمان ده تر فرمان دهان

که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما را همه در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد وشب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد ودر ثلث دوم دعا میکرد وما آمین میگفتیم بر دعای او ودر ثلث آخر استغفار بطلب آمرزش میکرد وما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد ونمازهای اینشب بسیار است واز جمله آنها چهار رکعتست هر دو رکعت بیک سلام وسی نفر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند ودر هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه قل هو الله احد بخوانند وبعد از اللهم انی الیک فقیر ومن عذابک خائف

نماز این دعا را بخوانند خدایا من بتو محتاجم واز شکنجه تو ترسان

وبک مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد
وبتو زنهار جوینده پروردکارا بدل مکن اسم مرا وتغییر مده جسم مرا پروردکارا کوشش مکن

بلائی رب لا تشمت بی اعدائی اعوذ بعفوک من عذابک واعوذ
بلای مرا پروردکارا شماتت نکنند بمن دشمنان من پناه میبرم بعفو تو از شکنجه تو وپناه میبرم

برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل ثناؤک انت کما
بخشنودی تو از خشم تو وپناه میبرم بتو از تو بزرکست ثنای تو توچنانکه

اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون فیک وبروایت دیگر
ستوده خود را برخود وبالاتری از آنچه کویند کویندکان در تو

چهار رکعت است بدو سلام ودر هر رکعت بعد از حمد دویست وپنجاه مرتبه قل هو الله

احد یا صد یا پنجاه مرتبه بخواند اللهم انی الیک فقیر وانی

وبعد از نماز این دعا را بخواند خدایا بدرستیکه من بتو محتاجم وبدرستیکه

من عذابک خائف وبک مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا
از شکنجه تو ترسانم وبتو زنهار جوینده ام پروردکارا بدل مکن نام مرا وبده

تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ بعفوک من عقوبتک
تغییر جسم مرا پروردکارا کوشش مکن بلای مرا خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بآمرزش تو از عقوبت تو

واعوذ برضاک من سخطک واعوذ برحمتک من عذابک واعوذ
وپناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو وپناه میبرم برحمت تو از عذاب تو وپناه میبرم

بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک ولا احصی مدحتک ولا
بتو از تو نیست خدائی مکر تو بزرکست ثنای تو ونتوانم شمرد مدح تورا ونه

الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون
ثنای بر تو توهمچنانکه ستوده خود را برخود وبالاتری از آنچه میکویند کویندکان

رب صل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا وبجای وافعل کذا وکذا حاجات خود
پروردکارا رحمت فرست برمحمد وال محمد وبکن با من چنین وچنان

را یاد کند واکر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ودر فضیلت آن احادیث بسیار است وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از شب قدر وحقتعالی فضل خود را در این شب ببندکان عطا مینماید وباحسان خود کناهان ایشان را میآمرزد پس سعی کنید در عبادت اینشب که این شبی است که حقتعالی بذات خود سوکند یاد کرده است که سائلی را از درکاه خود رد نکند مکر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید واین شب را خدا از برای ما اهلبیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام کنید در اینشب در دعا وثنا کردن بر خدا بدرستیکه هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه الله اکبر بکوید حقتعالی از کناهان کذشته او بکذرد وحاجتهای

اعمال ايام

دنيا و اخرت او را براورد خواه طلب نمايد و خواه ننمايد دعاى و پرسيد كه بهترين دعاها در اين شب كدامست فرمود كه بعد از نماز خفتن دو ركعت نماز بكن و در ركعت اول بعد از حمد سورهٔ قل يا ايها الكافرون و در ركعت دوم قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سى و سه مرتبه سبحان الله و سى و سه مرتبه الحمد لله و سى و چهار مرتبه الله اكبر بگو و اگر بترتيب تسبيح فاطمهٔ زهرا عليها السلام بخواند ظاهرا خوب باشد پس اين دعا بخواند يَا مَنْ اِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهِمَّاتِ

اى انكه بسوى اوست پناه بندگان در اندوهها

وَاِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلِمَّاتِ يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ

و باو استعانت كنند افريدگان در بلاها اى داناى اشكار و نهان اى انكه

لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْاَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ

پنهان نميماند براو انديشهاى دلها و گردش خيالات اى پرورندهٔ افريدگان

وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْاَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ اَنْتَ اللهُ لَا

و مخلوقات اى انكه بدست اوست پادشاهى زمينها و اسمانها توئى خدائيكه نيست

اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَمُتُّ اِلَيْكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ فَيَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

خدائى مگر تو توسل جويم بتو بحق لا اله الا انت پس اى انكه نيست خدائى مگر تو

اِجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ اِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ دُعَائَهُ

بگردان مرا در اين شب از انكه نگريستهٔ بسوى او پس رحم كرده او را و شنيدهٔ دعاى او را

فَاَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَاَقَلْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ

پس اجابت كرده او را و دانستى در گذشتن او را پس در گذشتى او را و گذشتى از گذشتهاى

خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَلَجَأْتُ

گناهان او و بزرگى گناه او پس بتحقيق پناه اوردم بتو از گناهان خودم و پناه بردم

اِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي اَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْطُطْ

بتو در پوشانيدن عيبهاى من خدايا پس بخش بر من بكرم خودت و بفضل خودت و بريز

خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ

گناهان مرا ببردبارى خودت و بخشش خودت و بپوش مرا در اين شب ببسيارى كرامت خود

البيض شعبان

وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَاخْتَرْتَهُمْ

و بگردان مرا در ان از دوستان خود كه برگزيدى ايشان را براى فرمانبردارى خودت و اختيار كردى ايشان را

لِعِبَادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ

براى عبادت خودت و گردانيدى ايشان را بگزيدهٔ خودت و برگزيدهٔ خودت خدايا بگردان مرا از انكه

سَعِدَ جَدُّهُ وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَفَازَ

نيكوست بهرهٔ او و بسيار شد از نيكيها بهرهٔ او و بگردان مرا از انكه سالم شد پس متنعم شد و رستگار شد

فَغَنِمَ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا اَسْلَفْتُ وَاعْصِمْنِي مِنَ الْاِزْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ

پس غنيمت يافت و باز دار مرا از شر انچه گذشته و نگاهدار مرا از زيادتى در نافرمانى خود

وَحَبِّبْ اِلَيَّ طَاعَتَكَ وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَيُزْلِفُنِي عِنْدَكَ سَيِّدِي

و دوست دار بسوى من فرمان بردارى ترا و چيزيكه نزديك كند مرا بتو و نزديك كند مرا نزد تو اى سيد من

اِلَيْكَ مَلْجَأُ الْهَارِبِ وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ وَعَلٰى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ

بتو پناه ميبرد گريزنده و از تو درخواست خواهد جوينده و بر كرم تو اعتماد دارد

الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ اَدَّبْتَ عِبَادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ

عفو كننده بازگردنده ادب نمودى بندگان را بكرم نمودن و توئى كريمترين كريمان

وَاَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَاَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا

و امر كردهٔ ببخشش بندگان خود را و توئى امرزنده مهربان خدايا نااميد مگردان مرا بخرد

رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ

اميد دارم از كرم تو و مأيوس مگردان مرا از بسيارى نعمت خود و نااميد مكن مرا از

جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ لِاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ

از بسيارى بهرهٔ خود در اين شب مر اهل فرمان بردارى خود را و بگردان مرا در حفظ

مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلُ

از بدان خلق خودت پروردگارا اگر نباشم از اهل اين پس توئى سزاوار

الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ لَا بِمَا اَسْتَحِقُّهُ

كرامت و امرزش و بخشش و بخش بر من بانچه تو سزاوار اوئى نه بانچه من سزاوار انم

اعمال ایام

فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّی بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِی لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسِی بِكَرَمِكَ

پس بتحقیق نیکو شد گمان من بتو و ثابت است امیدم مر ترا و بسته است نفس من بکرم تو

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِینَ اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنِی

و توئی رحم کننده تر رحم کنندگان و کریم تر کریمان خدایا و مخصوص کن مرا

مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِیلِ قِسَمِكَ وَأَعِذْنِی بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِی

از کرم خود ببسیاری بهره خود و پناه ده مرا بخشش خودت از خشم تو و بیامرز مرا

الذَّنْبَ الَّذِی یَحْبِسُ عَنِّی الْخُلُقَ وَیُضَیِّقُ عَلَیَّ الرِّزْقَ حَتّٰی أَقُومَ

گناهی را که حبس میکند از من حسن خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا بپا دارم

بِصَالِحِ رِضَاكَ وَأَنْعَمَ بِجَزِیلِ عَطَائِكَ وَأَسْعَدَ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ

شایسته خوشنودی ترا و انعام کنم ببسیاری بخشش تو و نیکبخت شوم ببسیاری نعمتهای تو پس بتحقیق

لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

پناه بردم بحرم تو و رو کردم برای کرم تو و پناه میبرم بعفو تو از خشم تو

وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ فَجُدْ لِی بِمَا سَأَلْتُكَ وَأَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ

و بردباری تو از غضب تو پس بخش مرا بآنچه درخواستم ترا و روا کن آنچه خواستم

مِنْكَ أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَیْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ پس بسجده رود و میگوید یَا رَبِّ

از تو میخواهم ترا بتو نه بچیزی که او بزرگتر است از تو ای پروردگار

بیست یَا اَللّٰهُ هفت لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ هفت مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا

مرتبه ای خداوند مرتبه نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخدا مرتبه آنچه خواسته است خدا نیست

قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ ده لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ ده پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد

قوتی مگر بخدا مرتبه نیست قوتی مگر بخدا مرتبه آنچه خواهی و حاجات خود را از

خدا بطلبد بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبد حقتعالی ترا بآنها

میرساند بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه

بگوید یا رب محمد و شیخ ره إِلٰهِی تَعَرَّضَ لَكَ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ الْمُتَعَرِّضُونَ

گفته است پس بگوید خداوندا رو کردند مر ترا درین شب رو کنندگان

البیض شعبان

۱۴

وَقَصَدَكَ فِیهِ الْقَاصِدُونَ وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

و آهنگ کردند ترا در آن آهنگ کنندگان و آرزو دارند فضل ترا و احسان ترا

الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَایَا وَمَوَاهِبُ

طالبان و مر تراست درین شب صلهها و بخششها و عطاها و جودها

تَمُنُّ بِهَا عَلٰی مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَایَةُ مِنْكَ

که منت میهی بآن بر هر که خواهی از بندگان و باز داری آن را هر کرا سبقت نکرده اورا عنایت تو

وَهَا أَنَا ذَا عُبَیْدُكَ الْفَقِیرُ إِلَیْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ فَإِنْ

و اینک منم بنده کوچک تو محتاج بتو امیدوار فضل تو و احسان تو پس اگر

كُنْتَ یَا مَوْلَایَ تَفَضَّلْتَ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلٰی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ

بوده باشی ای آقای من که تفضل کنی درین شب بر یکی از خلق خود و نفع داده

عَلَیْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

براو بنفعی از مهربانی خود پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد که پاکانند پاکیزه

الْخَیِّرِینَ الْفَاضِلِینَ وَجُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ

نیکانند با فضیلتانند و بخش بر من بانعام خود و احسان خودت ای پروردگار جهانیان

وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا إِنَّ اللّٰهَ

و رحمت فرستد بر محمد خاتم پیغمبران و آل او که پاکانند و درود فرستد درود فرستادنی بدرستیکه خدا

حَمِیدٌ مَجِیدٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِی كَمَا وَعَدْتَ

ستوده بزرگوار است خدایا بدرستیکه میخوانم ترا چنانکه امر کردی پس بپذیر برای من چنانکه وعده کردی

إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ مؤلف گوید این دعای بسیار خوبیست

بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را و از دعاهای این شب نماز ظاهرا جز و اعمال سنت

نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل

بر حضرت رسول نازل شد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله امت خود را امر کن که

در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد

ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اَللّٰهُمَّ لَكَ

خدایا مر تراست

اعمال ایام

سجد سوادی وخیالی وبیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی

سجده کرد سیاهی من وخیال من وسفیدی من ای بزرگ هر بزرگ بیامرز مرا گناه

العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند او را

بزرگ مرا پس بدرستیکه بیامرزد او را جز تو ای بزرگ

کند از او حقتعالی هفتاد و دو هزار گناه را و مثل آن حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسد و محو کند از پدر و مادر او هفتاد هزار گناه و نماز دیگر نماز پسینکه خاصه و عامه از حضرت رسول روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمهٔ شعبان در خواب بودم که جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شبیست گفت نیمهٔ شعبانست پس برخیز این عمل را به بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبیست که درهای آسمان در آن گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خدا و درهای آمرزش گناه و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش میآمرزد حقتعالی از بندگان در اینشب بعدد موهای چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد صلی الله علیه و آله هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش کردن و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او را امرزید شود ای محمد صلی الله علیه و آله هر که در این شب صد رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حقتعالی صد گناه کبیرهٔ هلاک کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران و عبادت کنندگان این ماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد صلی الله علیه و آله و امر کن امت خود را که احیا کنند آن را و تقرب جوینده

البیض شعبان

بسوی خدا بعبادت آن بدرستیکه این شبیست که بسیار شرفیست یا محمد چون بنزد تو میآمدم جمیع ملئکه آسمانها پای خود را جفت کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد صلی الله علیه و آله بدرستیکه حقتعالی در این شب نظر رحمت بسوی بندگان میافکند و میآمرزد هر مؤمنی اگر بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول بتسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سؤال کند باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد محروم کسیست که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را ببهشت و سی نفر آنها باشند که او را از شر شیطان نگاه میداشته اند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول در این شب این دعا را میخواندند

اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا وبین

خدایا بهره ده مارا از ترس خود آن قدر دیگر حایل شود میانهٔ ما و میان

معصیتک ومن طاعتک ما تبلغنا به رضوانک ومن الیقین

معصیت تو و از فرمانبرداری تو آنچه برساند ما را بسببان بخشنودی تو و از یقین

ما یهون علینا به مصیبات الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا و

آنقدر دیگر خوار شود بر ما بسببان مصیبتهای دنیا خدایا بهره ور کن ما را بگوشهای ما و

ابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعلها الوارث منا واجعل ثارنا علی من

چشمهای ما و توانائی ما آنچه زنده داری ما را و بگردان آنرا وارث بعد از ما و بگردان خون ما را بر آنکه

اعمال ایام

ظَلَمَنا وَانْصُرْنا عَلیٰ مَنْ عادانا وَلا تَجْعَلْ مُصیبَتَنا فی دینِنا

ستم کند ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کند ما را و مگردان اندوه ما را در مذهب ما

وَلا تَجْعَلِ الدُّنْیا اَکْبَرَ هَمِّنا وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَلا تُسَلِّطْ

و مگردان دنیا را قصد بزرگ ما و رسیدن دانش ما و مسلط مکن

عَلَیْنا مَنْ لا یَرْحَمُنا بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و این دعای جامع

بر ما کسی را که رحم نکند ما را برحمت تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان کامل است و متضمن

جمیع مطالب دنیا و آخرت است وچون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین است و بهترین دعاها است و از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد مینمائیم که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فایده اش تمام تر و ثوابش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده این شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را در آن شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد چون حضرت بمنزل مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام فرمود بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماهی یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن شد که ترا به چنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم و بعد از آن گفت بنویس و دعا را تلقین من نمود پس

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی

ابتدای دعای کمیل

بنام خداوند بخشاینده مهربان خدایا بدرستیکه

اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِکَ الَّتی قَهَرْتَ بِها کُلَّ

میخوانم ترا برحمت تو که فرا گرفته هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کرده بآن هر

شَیْءٍ وَخَضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِکَ الَّتی غَلَبْتَ بِها کُلَّ

چیز را و خاضع شد برای او هر چیزی و خوار شد برای آن هر چیزی و ببزرگواری تو که غلبه کرده بآن هر

البیض شعبان

شَیْءٍ وَبِعِزَّتِکَ الَّتی لا یَقُومُ لَها شَیْءٌ وَبِعَظَمَتِکَ الَّتی مَلَأَتْ کُلَّ

چیزی و بعزت تو که در برابر آن نمی‌ایستد چیزی و بعظمت تو که پر کرده است هر

شَیْءٍ وَبِسُلْطانِکَ الَّذی عَلا کُلَّ شَیْءٍ وَبِوَجْهِکَ الْباقی بَعْدَ فَناءِ

چیزی را و بپادشاهی تو که برتری کرده است بر هر چیز و بذات تو که باقیست بعد فنای

کُلِّ شَیْءٍ وَبِاَسْمائِکَ الَّتی مَلَأَتْ اَرْکانَ کُلِّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِکَ الَّذی

هر چیزی و بنامهای تو که پر کرده ارکان هر چیز را و بدانائی تو که

اَحاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذی اَضاءَ لَهُ کُلُّ شَیْءٍ یا نُورُ یا

فرا گرفته هر چیزی و بنور روی تو که روشن کرده است هر چیز را ای نور ای

قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْاَوَّلینَ وَیا آخِرَ الْآخِرینَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

پاکیزه ای اول اولها و ای آخر آخرها خدایا بیامرز برای من گناهانی را

الَّتی تَهْتِکُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ

که پاره میکند پرده‌های عصمت را خدایا بیامرز مرا گناهانی که نازل میکند عذابها را خدایا

اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ

بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را خدایا بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکند

الدُّعاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ الْبَلاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

دعا را خدایا بیامرز برای من گناهانی را که نازل میکند بلا را خدایا بیامرز

لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی کُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَ

برای من گناهانی را که میبرد امید را خدایا بیامرز برای من هر گناهیکه کرده ام و

کُلَّ خَطیئَةٍ اَخْطَأْتُها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِذِکْرِکَ وَاَسْتَشْفِعُ

هر خطائی که بجا آورده ام خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بتو بیاد تو و شفیع میکنم

بِکَ اِلیٰ نَفْسِکَ وَاَسْئَلُکَ بِجُودِکَ اَنْ تُدْنِیَنی مِنْ قُرْبِکَ وَاَنْ تُوزِعَنی

ترا بسوی تو و سؤال میکنم ترا بخشش تو اینکه نزدیک گردانی مرا بنزدیکی خود و اینکه ملهم کنی

شُکْرَکَ وَاَنْ تُلْهِمَنی ذِکْرَکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ سُؤالَ خاضِعٍ

شکر خود را و اینکه الهام کنی مرا یاد خود خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا سؤال کسیکه با خضوع

دعاء كميل

مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ اَنْ تُسامِحَنى وَتَرْحَمَنى وَتَجْعَلَنى بِقَسْمِكَ راضِياً قانِعاً

خاز باشد باخشوع باشد اینکه مسامحه کنی با من ورحم کنی وبگردانی مرا بقسمتهای خود راضی قانع

وَفى جَميعِ الْاَحْوالِ مُتَواضِعاً اَللّهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ

ودر همه حالها تواضع کننده خدایا وسؤال میکنم ترا سؤال کسیکه سخت شده است

فاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدائِدِ حاجَتَهُ وَعَظُمَ فيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ

وچیزی او وبازل کرده بتو نزد سختیها حاجت خود را وبزرگ شده است درآنچه نزد تو است رغبت او

اَللّهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ وَعَلا مَكانُكَ وَخَفِىَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ

خدایا بزرگ است پادشاهی تو وبلند است مرتبه تو وپنهان است مکر تو وظاهر است اراده تو وغالب

قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّهُمَّ لا اَجِدُ

خشم تو وجاریست قدرت تو وممکن نیست گریختن از حکومت تو خدایا نمیابم

لِذُنُوبى غافِراً وَلا لِقَبائِحى ساتِراً وَلا لِشَىْءٍ مِنْ عَمَلِىَ الْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً

برای گناهان خود آمرزنده ونه بر قبایح خود پوشنده ونه برای چیزی از کردار خود که قبیح است عمل نیک بدل کند

غَيْرَكَ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسى وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلى

جز تو نیست خدائی مگر تو منزهی تو وبحمد تو مشغولم ستم کردم نفس خود را وجرات کردم بنادانی خود

وَسَكَنْتُ اِلى قَديمِ ذِكْرِكَ لى وَمَنِّكَ عَلَىَّ اَللّهُمَّ مَوْلاىَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ

واعتماد کردم برآنکه پیوسته یاد کردی تو مرا وانعام کردی بر من خدایا ای آقای من چه بسیار قبیحی

سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ

که پوشانیدی آنرا وچه بسیار گران از بلاها که زایل کردی آنرا وچه بسیار از لغزشها که نگاه داشتی از آن وچه بسیار

مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَميلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّهُمَّ عَظُمَ بَلائى

ناخوش طبعی که دفع کردی آنرا وچه بسیار از یاد نیکو که نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خدایا بزرگ شد مصیبت من

وَاَفْرَطَ بى سُوءُ حالى وَقَصُرَتْ بى اَعْمالى وَقَعَدَتْ بى اَغْلالى وَحَبَسَنى

وزیاده شده مرا بدی حال من ونارسا است بمن کردارهای من ونشانیده مرا غلهای من ومنع کرده مرا

عَنْ نَفْعى بُعْدُ اَمَلى وَخَدَعَتْنِى الدُّنْيا بِغُرُورِها وَنَفْسى بِجِنايَتِها وَمِطالى

از نفع من دوری آرزوهای من وبازی داده مرا دنیا بفریب خود ونفس من بجنایت خود ودیر کردن اعمال

ايام البيض

شعبان

يا سَيِّدى فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائى سُوءُ عَمَلى

ای آقای من پس میخواهم ترا بعزت تو اینکه نپوشد از تو دعای مرا بدی کردار من

وَفِعالى وَلا تَفْضَحْنى بِخَفِىِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّى وَلا تُعاجِلْنى بِالْعُقُوبَةِ

وکردارهای من ورسوا نکنی مرا بپنهانی آنچه آگاه شده از راز من وشتاب مکن مرا بعقوبت

عَلى ما عَمِلْتُهُ فى خَلَواتى مِنْ سُوءِ فِعْلى وَاِسائَتى وَدَوامِ تَفْريطى

برآنچه کرده‌ام در پنهانیهای خودم از بدی کردارم وگناهم وهمیشه ارتکاب کردنم

وَجَهالَتى وَكَثْرَةِ شَهَواتى وَغَفْلَتى وَكُنِ اللّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لى فِى

ونادانی من وبسیاری شهوتهایم وغفلتم وباش خدایا بعزت خودت مرا در

الْاَحْوالِ كُلِّها رَؤُفاً وَعَلَىَّ فى جَميعِ الْاُمُورِ عَطُوفاً اِلهى وَرَبّى مَنْ

همه احوال مهربان وبرمن در تمام کارها دوست الهی وپروردگار من کیست

لى غَيْرُكَ اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرّى وَالنَّظَرَ فى اَمْرى اِلهى وَمَوْلاىَ اَجْرَيْتَ

مرا جز تو که درخواهم از او برداشتن بدی حالم را ونگریستن در کار خودم را الها وای آقای من جاری ساختی

عَلَىَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فيهِ هَوى نَفْسى وَلَمْ اَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ تَزْيينِ عَدُوّى فَغَرَّنى

بر من حکمی که پیروی کردم در آن هوای نفس خودم را ومحافظت نکردم در آن حکم از زینت دادن دشمن خود پس فریب داد

بِما اَهْوى وَاَسْعَدَهُ عَلى ذلِكَ الْقَضاءُ فَتَجاوَزْتُ بِما جَرى عَلَىَّ مِنْ ذلِكَ

بآنچه خواست ویاری او کرد بر این قضای خدا پس درگذشتم بسبب آنچه جاری شد بمن از آن قضا

بَعْضَ حُدُودِكَ وَخالَفْتُ بَعْضَ اَوامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىَّ فى جَميعِ

پاره از حدهای تو ومخالفت نمودم پاره امرهای ترا پس تراست بزرگی ستایش بر من در همه

ذلِكَ وَلا حُجَّةَ لى فيما جَرى عَلَىَّ فيهِ قَضاؤُكَ وَاَلْزَمَنى حُكْمُكَ

آنها ونیست حجتی مرا درآنچه جاری گشته بر من در آن قضای تو والزام کرده مرا حکم تو

وَبَلاؤُكَ وَقَدْ اَتَيْتُكَ يا اِلهى بَعْدَ تَقْصيرى وَاِسْرافى عَلى نَفْسى مُعْتَذِراً

وبلای تو وبتحقیق آمده‌ام نزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود وزیاده روی رسانیدنم بر خود عذرخواهنده

نادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقيلاً مُسْتَغْفِراً مُنيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً

پشیمان شکسته طلب عفو کننده آمرزش خواهنده توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده اعتراف نماینده

دعاء كميل رض

لا اجد مفرّاً مما كان مني ولا مفزعاً اتوجه اليه في امري غير قبولك

نمیابم گریزگاهی از انچه سرزده از من و پناهی روکنم بسوی ان در کار خود جز قبول کردن تو

عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري

عذر مرا و داخل کردن تو مرا در سعه از رحمت خود خدایا پس بپذیر عذر مرا

وارحم شدة ضري وفكني من شدّ وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني

و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بند محکم گناهان من ای پروردگار رحم کن بر ناتوانی بدن من

ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري

و نازکی پوست من و باریکی استخوان من ای انکه ابتدا کردی افریدن مرا و یاد مرا و تربیت مرا و نیکی مرا

وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي و

و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدای کرم خود و نیکیهای پیش کرده ای خدای من و اقای من و

ربي أتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من

پروردگار من ایا خود را میبینی که عذاب کنی با تش خود بعد از اقرار بیگانگی تو و بعد انچه پیچیده شده است بران دل من از

معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك و

شناسائی تو که گویا شده است بان زبان من از یاد تو و محکم کرده است انرا دل من از دوستی تو و

بعد صدق اعترافي ودعائي خاضعاً لربوبيتك هيهات انت اكرم

بعد از اقرار درست من و دعای من از روی خشوع برای پروردگاری تو دور است انکار تو کریمی

من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته او

از انکه ضایع گردانی کسیرا که خود تربیت کرده یا دور کنی کسیرا که نزدیک کرده یا برانی کسیرا که جا داده یا

تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي و

بگذاری ببلاء کسیرا که دفع شر او کرده و رحم کرده او را و کاش میدانستم ای اقای من و

الهي ومولاي أتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة

خدای من و اقای من ایا مسلط خواهی نمود اتش را بر روهائیکه در افتادند برای بزرگی تو سجده کنندگان

وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب

و بر زبانهائیکه گویا شده اند بیگانگی تو راستگویان و بشکر تو مدح گویان و بر دلهائیکه

ايام البيض شعبان

اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك

اقرار کرده اند بخدائی تو از روی یقین و بر ضمیرها که احاطه کرده اند از دانائی بحق تو

حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك

تا انکه گردیده اند با خشوع و بر اعضائیکه سعی کرده اند بسوی جاهای بندگی

طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك

رغبت و اشاره کرده اند بامرزش تو از روی اعتقاد نیست چنین گمان تو

ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي

و خبر داده اند بما بفضل تو از تو ای کریم ای پروردگار من و تو میدانی ناتوانی مرا

عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على

از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای ان و انچه جاری میشود در دنیا از مکروهات بر

اهلها اني ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه

اهل دنیا با انکه این بلا ایست و نا خوشی است که اندک است ماندن ان کم است بقای ان

قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره

کوتاه است مدت ان پس چگونه است تحمل من بلاهای اخرت را و بزرگ واقع شدن ناخوشیها

فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله

در ان و او بلائی است طولانی مدت ان و دائمی است اقامت ان و سبک نمیشود از اهلش

لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما

زیرا که ان نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام تو و خشم تو و این چیزیست که

لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف

در برابر ان نمیایستد اسمانها و زمینها ای اقای من پس چه رسد مرا و منم بنده تو ناتوان

الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي

خوار بیمقدار [illegible] شکستگی کننده ای خدای من و پروردگار من و اقای من و صاحب من

لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب و

برای کدام از بلاها و کارها بسوی تو شکایت کنم و برای کدام بلا فریاد برآورم و گریه کنم برای عذاب دردناک و

دعاء كميل ره

شِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَني فِي الْعُقُوباتِ مَعَ

ويختي آن يا درازي بلاء ومدت آن پس اگر بگرداني مرا در عقوبتها با

اَعْدائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ

دشمنان خود وفراهم كني ميان من وميان اهل بلاء خود وجدا كني ميان من وميان دوستان خود

وَاَوْلِيائِكَ فَهَبْني يا اِلـهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبّي صَبَرْتُ عَلى عَذابِكَ فَكَيْفَ

ومحبان خود پس گرفتم اي خداي من وآقاي من وصاحب من وپروردگار من شكيبائي نمودم بر شكنجه تو پس چگونه

اَصْبِرُ عَلى فِراقِكَ وَهَبْني صَبَرْتُ عَلى حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلى

شكيبائي كنم بر دوري تو وگرفتم كه صبر كردم بر گرمي آتش تو پس چگونه صبر كنم بر محرومي از نظر بسوي

كَرامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدي وَ

گرامي داشتن تو يا چگونه ساكن شوم در آتش واميد من بگذشت تو بود پس بعزت تو اي آقاي من و

مَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها ضَجيجَ

صاحب من قسم ميخورم براستي اگر بگذاري مرا گويا هر آينه خروش بر آورم بتو ميان اهل دوزخ خروش

الْآمِلينَ وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخينَ وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ

اميدواران وناله كنم بسوي تو ناله استغاثه كنندگان وگريه كنم بر تو

بُكاءَ الْفاقِدينَ وَلَاُنادِيَنَّكَ اَيْنَ كُنْتَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ يا غايَةَ آمالِ الْعارِفينَ

گريه كسانيكه دوست خود را گم كرده اند وندا كنم ترا كجائي اي صاحب اختيار مؤمنان اي آخر آرزوي عارفان

يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ يا حَبيبَ قُلُوبِ الصّادِقينَ وَيا اِلـهَ الْعالَمينَ

اي فريادرس ياري جويان اي دوست دلهاي راستگويان واي خداي جهانيان

اَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا اِلـهي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها

آيا خواهي خود را ديد منزهي تو اي خداي من وبحمد تو مشغولم ميشنوي در جهنم صداي بنده مسلماني را كه حبس شده در آن

بِمُخالَفَتِهِ وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَ

بجهت مخالفت آن وچشيده باشد مزه عذاب آنرا بنافرماني خود وحبس كرده باشند او را ميان طبقات آن بجرم او و

جَريرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُناديكَ بِلِسانِ اَهْلِ

جنايتش واو ميخروشد بسوي تو خروش اميدوار رحمت تو وميخواند ترا بزبان اهل

تَوْحيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يا مَوْلايَ فَكَيْفَ يَبْقى فِي

توحيد تو وتوسل جويد بسوي تو بپروردگاري تو اي صاحب من پس چگونه بماند در

الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَمْ كَيْفَ

عذاب واو اميد دارد آنچه را كه پيش گذشته است از بردباري تو ومهرباني تو ورحمت تو يا چگونه

تُؤْلِمُهُ النّارُ وَهُوَ يَاْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهيبُها وَاَنْتَ

درد ميآورد او را آتش واو اميد دارد فضل تو ورحمت ترا يا چگونه ميسوزاند او را زبانه آتش وتو

تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرى مَكانَهُ اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفيرُها وَاَنْتَ تَعْلَمُ

ميشنوي صداي او را وميبيني جاي او را يا چگونه مشتمل ميشود بر او زبانهاي صدا كنندگان وتو ميداني

ضَعْفَهُ اَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اَطْباقِها وَاَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ اَمْ كَيْفَ

ناتواني او را يا چگونه مضطرب باشد ميان طبقات آن وتو ميداني راستي او را يا چگونه

تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فيها

زجر نمايند او را زبانيان واو فرياد ميكند ترا اي پروردگارا يا چگونه ميفرستي او را در آن واو اميد دارد

فَضْلَكَ في عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فيها هَيْهاتَ ما هكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا

فضل ترا در آزاد كردن از آتش پس وا ميگذاري او را در آتش دور است اين ونيست اين گمان بتو ونه

الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ بِرِّكَ وَ

شناخته از فضل تو وشبيه نيست بآنچه معامله كرده با يگانه پرستان از نيكي تو و

اِحْسانِكَ فَبِالْيَقينِ اَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ

احسان تو پس بيقين قطع دارم كه اگر نه آن بود كه حكم كرده كه عذاب كني منكران خداي خود را

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ مُعانِديكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً

وحكم كرده از مخلد كردن معاندان خود را هر آينه ميكردانيدي آتش را همه آنرا سرد وسلامت

وَما كانَتْ لِاَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا مُقاماً لكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ

ونبود احدي را در آن محل ونه جاي اقامتي لكن تو كه مقدس است نامهاي تو

اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَاَها مِنَ الْكافِرينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ وَاَنْ تُخَلِّدَ

قسم ياد كرده اينكه پر كني آتش را از كافران از جن واز مردمان همگي واينكه هميشه بداري

اذا استقال

دعا کمیل در

فیها المعاندین وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام

در آن معاندانرا و تو که بزرگوار است ستایش گفتند ابتدا کنندہ و بخشش کرده بانعام

متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي

از روی کرم آیا کسیکه باشد مؤمن مانند کسیست که باشد فاسق مساوی نیستند ای حکام و آقای من

فاسئلك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها

پس سؤال میکنم ترا بقدرتیکه مقدر کرده آنرا و بحکمیکه واجب کرده آنرا و حکم داشته آنرا

وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه

و غالب شده برهر کسیکه آن حکم را جاری ساخته اینکه بخشی برای من در این شب و در این

الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل

ساعت هر جرمیکه کرده ام آنرا و هر گناهیکه بجا آورده ام آنرا و هر بدیکه پنهان کرده ام آنرا و هر

جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة

نادانیکه بعمل آورده ام آنرا پنهان و یا آشکارا مخفی کرده ام یا ظاهر کرده ام و هر بدیکه

امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني

امر کرده بنوشتن آن کرام الکاتبین را که موکل کرده اینها را بحفظ آنچه صادر میشود از من

وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي من ورائهم

و گردانیده آنهارا گواهان بر من علاوه اعضای من و بودی تو مراقب بر من بغیر ایشان

والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته

و شاهد بر آنچه پنهان شده از ایشان و برحمت تو پنهان کرده آنرا و بفضل خود پوشیده آنرا

وان توفر حظي من كل خير تنزله او احسان تفضله او بر تنشره

و اینکه وافر کنی بهره مرا از هر نیکی که نازل میکنی آنرا یا نیکی که تفضل میکنی آنرا یا خوبی که پهن میکنی آنرا

او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا

روزیکه همه میدهی آنرا یا گناهیکه میآمرزی آنرا یا خطائیکه میپوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای

الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري

خدای من و ای آقای من و مولای من و صاحب بندگی من ای آنکه بدست او است موی پیشانی من ای دانا بر زیانکاری

ایام البیض شعبان

ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسئلك بحقك

و خواری من ای آگاه بفقر من و احتیاج من ای پروردگار من میخواهم ترا بحق خودت

وقدسك واعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل و

و پاکی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و

النهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك مقبولة

روز بیاد تو آباد و بخدمت تو پیوند شده و کردار مرا نزد تو پسندیده

حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك

تا اینکه بوده باشد کردار من و وردهای مرا همگی یک ورد و حال من در خدمت تو

سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي يا رب

همیشگی ای آقای من ای آنکسیکه اوست اعتماد ای آنکه بسوی او شکایت کردم حال خودم را ای پروردگار

يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي

ای پروردگار قوی کن بر خدمت خود اعضای مرا و محکم گردان بر عزم بندگی خود دل مرا

وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى

و ببخش برای من سعی در ترس تو و مداومت در متصل بودن بخدمت تو تا

اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك في المبادرين و

روان شوم بسوی تو در میدان پیشتران و تند روم بسوی تو در پیش کنندگان و

اشتاق الى قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين واخافك

مشتاق شوم بقرب تو در مشتاقان و نزدیک شوم بتو نزدیکی مخلصان و بترسم ترا

مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني

ترسیدن صاحبان یقین و جمع شوم در همسایگی تو با گروندگان خدایا و هر که اراده کند مرا

بسوء فارده ومن كادني فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك

بدی پس اراده کن او را و هر که مکر کند مرا پس مکر کن او را و بگردان مرا از بهترین بندگان خود از جهت بهره نزد خود

واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك

و نزدیکترین ایشان منزلت پیش تو و مخصوص‌ترین ایشان از قرب نزد تو زیرا که بهمچنان رسیده نمیشود

الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك

مگر بفضل تو ؛ و بخش مرا بجود خود و مهربانی کن مرا بزرگی خود و نگاهدار مرا برحمت خود

واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك

و بگردان زبان مرا بیاد تو گویا و دل مرا بمحبت خود بیتاب و منت گذار بر من بنیکی اجابت خود

واقلني عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك

و درگذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا پس بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود بعبادت خود و

وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي و

امر نموده ایشانرا بخواندن خود و ضامن شده برای ایشان قبول پس بسوی تو ای پروردگار من برداشتم روی خود و

اليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا

بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دست خود را پس بعزت خود قسم بر آور دعای مرا و برسان مرا بآرزوی خود و باز

تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس من اعدائي يا سريع

قطع از فضل خود امید مرا و کفایت کن مرا بدی جن و آدمیان از دشمنان من ای زود

الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من

خوشنود شونده بیامرز کسی را که مالک نیست مگر دعا را پس بدرستیکه تو کننده آنچه را میخواهی ای آنکه

اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس ماله الرجاء

نام او دواست و یاد او شفاست و فرمانبرداری او بینیازیست رحم کن کسی را که سرمایه او امید است

وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين

و حربه او گریه است ای صاحب نعمتهای کامل ای دفع کننده عذابها ای روشنائی وحشتناکان

في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت

در تاریکیها ای دانای نیاموخته از کسی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه تو

اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلم

سزاواری و رحمت فرستد خدا بر فرستاده خود و پیشوایان میمنت دار از اولاد او و درود فرستد

تسليما كثيرا

فصل پنجم

در اعمال بقیه ماه هست از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که سه روز آخر شعبان را روزه بدارد

درودی فراوان

بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی از برای او بنویسد
ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا
علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک
و تلافی کن آنچه از اینماه مانده است تقصیری را که در ایام گذشته اینماه کرده و بر تو باد
که رو آوری بر آنچه نافع است برای تو و در آورید دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید
بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص کرده
باشی خود را از برای خدا مگذار در گردن خود امانتی مگر آنکه ادا کنی و مگذار
در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده مگر آنکه ترک کنی و
از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارا در امور خود و هر که بر خدا توکل
کند خدا بس است او را و در این ایام این دعا را بسیار بخوان اللهم ان لم تكن غفرت لنا فيما مضى

در آنچه باقی مانده است از اینماه این دعا را خداوندا اگر نباشی آمرزنده ما را در آنچه گذشته

من شعبان فاغفر لنا فيما بقي منه بدرستیکه حق تعالی در اینماه آزاد میکند

از شعبان پس بیامرز برای ما در آنچه باقی مانده از آن بندهها بسیار از آتش جهنم بحرمت اینماه

و بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه
رمضان این دعا را اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن و جعلته

را میخواندند خداوندا بدرستیکه اینماه مبارکست که فرو فرستادی در آن قرآنرا و گردانیده

هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا

راهنما برای مردمان و معجزها از هدایت و جدا کننده بتحقیق که حاضر شد پس سالم دار ما را در آن و سالم دار آنرا برای ما

وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير اقبل مني

و سالم دار او را از ما در آسانی از جانب خود و عافیت ای آنکه گرفته است کم را و جزا داده بسیار بپذیر از من

اليسير اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا

کم را خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی و از هر چه ندارد

تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى عني وعما خلوت به من السيئات يا

دوست بازدارنده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای آنکه درگذشته از من و از آنچه خلوت کرده ام با او از گناهان ای آنکه

مَن لَم یُؤاخِذنی بِارتِکابِ المَعاصی عَفوَکَ عَفوَکَ عَفوَکَ یا کَریمُ یا اِلهی
انکه بگیرد مرا بمرتکب شدن معصیتها درگذر درگذر درگذر ای بزرگوار ای خدای من

وَعَظتَنی فَلَم اَتَّعِظ وَزَجَرتَنی عَن مَحارِمِکَ فَلَم اَنزَجِر فَما عُذری فَاعفُ
پند دادی مرا پس پند نگرفتم ومنع نمودی مرا از محرمات خود پس منع نشدم پس عذر من چیست پس درگذر

عَنّی یا کَریمُ عَفوَکَ عَفوَکَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ الرّاحَةَ عِندَ
از من ای بزرگوار درگذر درگذر خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو راحت را نزد

المَوتِ وَالعَفوَ عِندَ الحِسابِ عَظُمَ الذَّنبُ مِن عَبدِکَ فَلیَحسُنِ العَفوُ مِن عِندِکَ
مرگ ودرگذشتن نزد حساب بزرگست گناه از بندهٔ تو پس باید نیکو شود آمرزش از نزد

یا اَهلَ التَّقوی وَیا اَهلَ المَغفِرَةِ عَفوَکَ عَفوَکَ اَللّهُمَّ اِنّی
ای سزاوار پرهیزکاری وای سزاوار آمرزش درگذر درگذر خدایا بدرستیکه من

عَبدُکَ ابنُ عَبدِکَ ابنُ اَمَتِکَ ضَعیفٌ فَقیرٌ اِلی رَحمَتِکَ وَاَنتَ مُنزِلُ
بندهٔ تو پسر بندهٔ تو پسر کنیز تو ناتوان محتاج بسوی رحمت تو وتوئی فرود آورنده

الغِنی وَالبَرَکَةِ عَلَی العِبادِ قاهِرٌ مُقتَدِرٌ اَحصَیتَ اَعمالَهُم وَ
توانگری وبرکت بر بندها باغلبه با اقتدار شمردی کردارهای ایشان را و

قَسَمتَ اَرزاقَهُم وَجَعَلتَهُم مُختَلِفَةً اَلسِنَتُهُم وَاَلوانُهُم خَلقاً مِن
قسمت نمودی روزیهای ایشان را وگردانیدی مختلف زبانهای ایشان را ورنگهای ایشان را مخلوقی پس از

بَعدِ خَلقٍ لایَعلَمُ العِبادُ عِلمَکَ وَلایَقدِرُ العِبادُ قَدرَکَ وَکُلُّنا
پس از پس بیمانند بندگان علم ترا ونتوانائی ندارند بندگان توانائی ترا وهمهٔ ما

فُقَراءُ اِلی رَحمَتِکَ فَلا تَصرِف عَنّی وَجهَکَ وَاجعَلنی مِن صالِحِ خَلقِکَ
محتاجانیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را وبگردان مرا از شایستهای بندگان خود

فِی العَمَلِ وَالاَمَلِ وَالقَضاءِ وَالقَدَرِ اِلهی اَبقِنی خَیرَ البَقاءِ وَاَفنِنی خَیرَ
در کردار وآرزو وقضا وقدر خدایا باقی دار مرا بهترین باقی داشتنی ونابود کن مرا بهتر

الفَناءِ عَلی مُوالاةِ اَولِیائِکَ وَمُعاداةِ اَعدائِکَ وَالرَّغبَةِ اِلَیکَ
نابود کردنی بر دوستی دوستان خود ودشمنی دشمنان خود ومیل نمودن بسوی تو

وَالرَّهبَةِ مِنکَ وَالخُشوعِ وَالوَفاءِ وَالتَّسلیمِ لَکَ وَالتَّصدیقِ
وترسیدن از تو وفروتنی ووفا وتسلیم مر ترا وتصدیق کردن

بِکِتابِکَ وَاتِّباعِ سُنَّةِ رَسولِکَ اَللّهُمَّ ما کانَ فی قَلبی مِن شَکٍّ
بکتاب وپیروی کردن طریقهٔ پیغمبر تو خدایا آنچه باشد در دل من از شک

اَو رَیبَةٍ اَو جُحودٍ اَو قُنوطٍ اَو فَرَحٍ اَو بَذَخٍ اَو بَطَرٍ اَو خُیَلاءَ اَو رِیاءٍ
یا شبهه یا انکاری یا نومیدی یا شادی یا طغیانی یا سرکشی یا تکبری یا ریائی

اَو سُمعَةٍ اَو شِقاقٍ اَو نِفاقٍ اَو کُفرٍ اَو فُسوقٍ اَو عِصیانٍ اَو عَظَمَةٍ اَو
یا شنوانیدن بخلق یا بدبختی یا نفاق یا کفر یا فسقها یا نافرمانی یا بزرگی یا

شَیءٍ لاتُحِبُّ فَاَسئَلُکَ یا رَبِّ اَن تُبَدِّلَنی مَکانَهُ ایماناً بِوَعدِکَ وَ
چیزیکه دوست نداری پس میخواهم از تو ای پروردگار من که بدل کنی مرا جای او ایمانی بوعدهٔ خود و

وَفاءً بِعَهدِکَ وَرِضاً بِقَضائِکَ وَزُهداً فِی الدُّنیا وَرَغبَةً فیما
وفاء بعهد خود ورضا بقضای تو وبی رغبتی در دنیا ورغبت در آنچه

عِندَکَ وَاَثَرَةً وَطُمَأنینَةً وَتَوبَةً نَصوحاً اَسئَلُ ذلِکَ یا رَبَّ العالَمینَ
نزد تواست وعطا وآرام گرفتن وبازگشت نصوح میخواهم ترا این را ای پروردگار جهانیان

اِلهی اَنتَ مِن حِلمِکَ تُعصی فَکَاَنَّکَ لَم تُرَ وَمِن جودِکَ وَکَرَمِکَ
خدای من تو از بردباری تو عصیان کرده شده پس گویا تو ندیده واز جود تو وکرم تو

تُطاعُ فَکَاَنَّکَ لَم تُعصَ وَاَنَا وَمَن لَم یَعصِکَ سُکّانُ اَرضِکَ فَکُن
اطاعت کرده شده پس گویا تو نافرمانی کرده نشده ومن وآنکه نافرمانی تو نکرده ساکنان زمین تو پس باش

عَلَینا بِالفَضلِ جَواداً وَبِالخَیرِ عَوّاداً یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی
بر ما بفضل خود بخشش کننده وبنیکی مراجعت کننده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ورحمت

اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلوةً دائِمَةً لاتُحصی وَلاتُعَدُّ وَلایَقدِرُ
خدا بر محمد وآل او رحمت همیشه که احصا نشود وشمرده نشود واندازه نکند

قَدرَها غَیرُکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
اندازه آن را جز تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

واما نمازهای مخصوص شبها که با سند معتبر وارد نشده وعلما ذکر کرده اند

شب اول صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سورهٔ
حمد بخواند دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه سیم
دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهار رکعت در
هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و
پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل ششم چهار
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد
و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیهٔ امن الرسول تا آخر
سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم و پانزده
مرتبه توحید نهم چهار رکعتست در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء
نصر الله دهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و آیة الکرسی و انا اعطیناک
الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل
یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ
الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ و التین
چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سورهٔ و العصر پانزدهم
چهار رکعت درمیان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و
بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب
تب علینا و بیست و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی
الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر شانزدهم دو رکعت در
هر رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو
رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد و یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار
هیجدهم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در
هر رکعت حمد و پنجمرتبه آیهٔ قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت حمد
یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه قل یا ایها

الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و سیم سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه
سورهٔ اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا جاء نصر
الله بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم ده
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیهٔ امن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در هر
رکعت حمد و ده مرتبه سوره سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در
هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت
حمد یکمرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین را ده مرتبه
سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و
بعد از سلام صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد

باب سیم

در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضانست و در آن هشت فصلست
فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارکست باید دانست که ماه مبارک رمضان
ماه خداوند عالمیانست و شریفترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام
رضا علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول خدا در آخر ماه شعبان خطبهٔ خواندند
و فرمودند ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت
و آمرزش ماهیست که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها
است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهای آن بهترین ساعتها است آن
ماهیست که خوانده اند شما را بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا
نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای
شما در آن مقبولست و دعای شما در آن مستجابست پس سؤال کنید از پروردگار
خود بنیتهای درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد
شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه

عند الا

بیان فضیلت ماه

شقی و بد عاقبت کسیستکه محروم کردد از امرزش خدا در اینماه عظیم و یاد کنید بکرسنکی و تشنکی شما در اینماه کرسنکی و تشنکی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نکاه دارید زبانهای خود را از انچه نباید کفت و بپوشید دیدهای خود را از انچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی ان و باز دارید کوشهای خود را از انچه حلال نیست شما را شنیدن ان و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازکشت کنید بسوی خدا از کناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است نظر میکند خداوند در ان اوقات برحمت بسوی بندکان خود و جواب میکوید ایشان را هر کاه او را مناجات کنند و لبیک میکوید ایشان را هر کاه او را ندا کنند و مستجاب میکرداند هر کاه او را دعا کنند ای کروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در کرو کردهای شما است پس ازاد کنید او را بطلب امرزش از خدا و پشتهای شما کران بار است از کناهان شما پس سبک کردانید انها را بطول دادن سجدها و بدانید که حقتعالی سوکند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز کنارندکان و سجده کنندکان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار دهد روزه دار مؤمنی را در اینماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده ازاد کردن و امرزش کناهان کذشته پس بعضی از صحابه کفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود بپرهیزید از اتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران اکرچه بنصف دانه خرما باشد اکرچه بیک شربت اب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اکر قادر بر زیاده ازین نباشد ایها الناس هر که خلق خود را در اینماه نیکو کرداند بر صراط بکذرد در روزیکه قدمها بر ان لغزد و هر که سبک کرداند در اینماه خدمت غلام و کنیز خود را حقتعالی در قیامت حساب او را اسان کرداند و هر که در اینماه شر خود را از مردم باز دارد حقتعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در اینماه یتیم بی پدر را کرامی دارد خدا او را در قیامت کرامی دارد و هر که

شفیعا

رمضان مبارک

و هر که در اینماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که در اینماه قطع احسان خود از خویشان خود کند خدا عز و جل در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که نماز سنتی در اینماه بکند حقتعالی برای او برات بیزاری از اتش جهنم بنویسد و هر که در اینماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیکر میکرده است و هر که در اینماه بسیار صلوات بفرستد بر من و بر ال من خدا سنکین کرداند ترازوی اعمال او را در روزیکه ترازوها اعمال سبک باشد و کسیکه یک ایه از قران در اینماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیکر ختم قران کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در اینماه کشاده است پس سؤال کنید از پروردکار خود که بر روی شما نبندد و درهای جهنم در اینماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر شما نکشاید و شیاطین را در اینماه غل میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرکز بر شما مسلط نکرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولستکه در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس اینماه ماهیستکه خدا ان را بر ماههای دیکر فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهلبیت بر سایر مردم و در اینماه کشوده میشود درهای اسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در اینماه شنیده میشود نداهای مؤمنان و مستجاب میکردد دعای ایشان و رحم میکند کریههای ایشان را و در اینماه شبی هستکه در ان شب ملائکه از اسمان بزمین میایند و سلام میکنند بر مردمان و زنان روزه دار برخصت پروردکار خود تا طلوع صبح و ان شب قدر است که حقتعالی مقدر کرده است در ان شب ولایت و امامت ما را پیش از انکه ادم را خلق کند بدو هزار سال و عبادت ان شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه افتابهای رمضان و ماههای ان طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و اینماه شما مانند ماههای دیکر نیست و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و دیوان و شیاطین را در اینماه غل کرده در زندان زیاده میکنند

فضیلت ماه

در اینماه روزیها و عمرها را مینویسند و مقدّر میکردانند و در اینماه حاجیان بیت الله
را و در اینماه حق تعالی رو میکند اهل ایمان را بآمرزش و فیروزی و رحمت و روزی
و خشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه دار پس نظر بر کار خود بکن بدرستیکه
در اینماه مهمان پروردکار خودی نظر کن و تامّل نما که چکونه خواهی بود در شب خود
و روز خود و چکونه نکاه میداری اعضا و جوارح خود را پس نظر کن که شبها در
خواب نباشی و روزها غافل نباشی پس بیرون رود ماه و کناهان تو باقی مانده
باشد پس در هنکامیکه روزه داران مزدهای خود را بکیرند تو از جملهٔ زیان
کاران باشی و در وقتیکه بکرامتهای خود فایز کردند تو از جملهٔ محرومان باشی
و در روزیکه سعادتمند میکردند بمجاورت دوستان پروردکار خود تو از رانده
شدکان باشی ای روزه دار اکر ترا آقای تو از درکاه خود براند بکدام درکاه روی خواهی
آورد و اکر محروم کرداند ترا پروردکار تو که روزی خواهد داد ترا و اکر او ترا خوار کند
که ترا کرامی خواهد داشت و اکر او ترا ذلیل کرداند که ترا عزیز خواهد کرد و
اکر او ترا واکذارد که ترا یاری خواهد کرد و اکر او ترا از بندکان خود قبول نکند
بندکی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اکر او لغزشها و کناهان ترا نیامرزد
امید بکه خواهی داشت برای آمرزش کناهان خود و اکر حق خود را که بر تو واجب
کردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی کفت ای روزه دار تقرّب بجوی بسوی
پروردکار خود بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت
کننده ایست که شفاعتش را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که
تلاوتش کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بعدد تلاوت آیات قرآنی
روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در اینماه میکشی ثواب تسبیحی در نامهٔ عمل
تو مینویسند و خواب تو در اینماه عبادتست و طاعت تو در اینماه مقبولست و
کناهان تو در اینماه آمرزیده است و آوازهای تو در اینماه بدعا شنیده شده است و
مناجات و رازیکه با خدا کوئی بر تو رحم میکند بدرستیکه شنیده ام از حبیب خود حضرت
رسول خدا که خداوند عالمیان را در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کردهٔ

رمضان مبارك

هست از آتش جهنّم که عدد ایشانرا بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر میشود در
آنشب میامرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضاً فرمود که هر که ماه رمضانرا
روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائیکه خدا حرام کرده است نکاه دارد البتّه بهشت
او را واجب کردد و هر که در اینماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار
بحرام نکند البتّه داخل بهشت شود پس امیر المؤمنین علیه السّلم فرمود که شنیده ام از
سیّد انبیا صلّی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیاء پیغمبران در بهترین ماهها
شهید خواهد شد کفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین
ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا توئی یا علی کفتم یا رسول الله این البتّه خواهد شد
فرمود بلی بحقّ پروردکارم بدرستیکه بر انکیخته میشود بدبختترین امّت من پی کننده
ناقهٔ صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع
بکریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر آمدند و ایضاً از حضرت رسول صلّی الله علیه
و آله منقولست بسندهای معتبر که فرمود ایّها النّاس هر که وارد شود بر او ماه رمضان
پس روزه دارد روز آنرا و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرّری از شب آنرا و نمازهارا در اوقات
فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعهٔ آن و بامداد بنماز عید آن حاضر شود
پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میکردد بجایزها و بخششهای بزرک
خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندکانش نیست **فصل** در بیان
حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است
از چیزی چند که روزه را میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق
بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص آفتاب و برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات
مرتفعه و قول اوّل احوطست با نیّت قربت پس باید که بداند چیزهارا تا نیّت
تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار است در آنها اکر قصد کند که ترک همه را
از برای رضای خدا کند ظاهر آنست که کافی باشد اما ظاهر آنستکه آنچه متیقّن باشد وجوب ترک
آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند
احتیاطاً و آنچه بی دغدغه مکروه باشد قصد ترک آنها کند احتیاطاً مستحبّ و لکن اکر قصد ترک

مکارم

بیان حقیقت

لازم است وبعضی در این تامل کرده اند خصوصا در وقتیکه نسبت بحلال خود
باشد وعادت او انزال نباشد واحوط بلکه اقوی وجوب قضا وکفاره است مطلقا ودر
نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صحبت داشتن یا بخیال خود در آوردن هرگاه
باعث آمدن منی شود وقصد انزال نداشته باشد وباین معتاد نباشد خلافست
واظهر عدم وجوب قضا وکفاره است هفتم قی کردنست عمدا واکثر موجب قضاء
تنها میدانند وبعضی قضا وکفاره هر دو را واجب میدانند وبعضی هیچیک را واجب
نمیدانند ومسئله مشکلست ووجوب قضا تنها خالی از قوتی نیست ومشهور آنستکه
هرگاه قی بی اختیار آید بر او قضا نیست وبعضی قضا را واجب دانسته اند واین قول ضعیفست
هشتم حقنه است وبعضی موجب قضا وکفاره هر دو دانسته اند وبعضی
موجب قضاء تنها وبعضی حرام دانسته اند وبعضی موجب هیچیک ندانسته اند و
بعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته اند وجامد را مکروه دانسته اند وبعضی مطلقا
مکروه دانسته اند واین قول اقوی نیست واحوط آنستکه بدون ضرورت حقنه
بمایع نکند واگر بکند قضا بکند واشهر واقوی آنستکه حکانیدن دوا در گوش
موجب فساد صوم نمیشود وصعود در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند وایضا
اقوی آنستکه جایز است وبعضی موجب قضا وکفاره دانسته اند واگر بحلق رسد
احوط اجتنابست نهم دروغ گفتن برخدا ورسول خدا وائمه طاهرین صلوات
الله علیهم است یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید
بلکه کسیکه اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید ودر حرمت
آن شکی نیست وبعضی در روزه موجب قضا وکفاره میدانند وبعضی گویند
موجب فساد صوم نمیشود وخالی از قوتی نیست واحوط آنستکه اگر بکند قضا
کند وکفاره بدهد دهم سر فرو بردن در آبست وجمعی آنرا موجب قضا و
کفاره میدانند وبعضی موجب قضا تنها میدانند وبعضی حرام میدانند وموجب
هیچیک نمیدانند وبعضی مکروه میدانند واظهر حرمتست وعدم وجوب
قضا وکفاره وبعضی گفته اند که اگر سر را بآب فرو برد تا گردن وبدن بیرون آب

الاخلاق

روزه رمضان

باشد باز حکم ارتماس دارد واین احوطست وبعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ
سر را دفعه هر چند منابت مو بیرون باشد حکم ارتماس دارد واین احوطست و
واحوط آنستکه در روزه سنت نیز سر را بآب فرو نبرد وبعضی تجویز کرده اند و
احوط ترکست یازدهم بلغمیکه از سینه بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن
آن علما را سه قولست اول جواز ابتلاع آنچه بیرون میآید از سینه مادامیکه از دهن
منفصل نشود وعدم جواز از قسم دیگر دویم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن
نرسد وتحریم ابتلاع هر دو وهرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه وسر
وجواز فرو بردن مادامیکه از دهن جدا نشود وجمعیکه حکم بفساد کرده اند و
بعضی بقضاء تنها قائل شده اند وبعضی کفاره را نیز واجب میدانند وبعضی بکفاره
جمع قائل شده اند وگمان فقیر آنستکه هیچیک لازم نمیشود اما احتیاط آنستکه بعد
از آنکه بفضای دهن بیاید فرو نبرد دوازدهم مشهور علما آنستکه مکروهست زن
روزه دار در میان آب بنشیند وبعضی گفته اند هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او
لازم است وبعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند واول اظهر است وخوابیدن قندرا
ومصطکی اگر آبش فرو رود بعضی حرام دانسته اند وبعضی موجب قضا دانسته اند
واظهر جواز است ومشهور میان علما آنستکه اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست
بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن وآشامیدن تا صبح مشخص شود واگر
معلوم شود که صبح بوده است وقتیکه خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد خورده
باشد قضا واجب نیست واگر ملاحظه نکرده خورده باشد قضا واجبست وکفاره واجب
نیست واگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب وآب بی اختیار بحلقش رود قضا
بر او واجب نیست واگر جهت نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجبست واگر بعبث مضمضه کند
وآب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند واین احوطست واظهر عدم وجوبست مطلقا و
در روایتی وارد شده استکه بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد واین احوطست
فصل سیم در بیان سنتها وآداب روزه است مکروهست روزه دار را بوسیدن زنان ودست
بدن ایشان مالیدن ودست بازی کردن واقرب آنستکه کراهت مخصوص بصورتیست

بیان آداب

کہ اینہا محرکات شہوات او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروهست
بچشم کشیدن چیزیکه از اطعمه باشد که بحلق برسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهت
بیرون آوردن خون بسیار از بدن که باعث ضعف باشد و در حجامت احتیاط بیشتر
باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروهست بوئیدن
گلها خصوصاً نرگس و بهتر آنستکه مشک را نبوید سایر بوهای خوش مکروه نیست
بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلم منقولستکه طیب تحفهٔ صائم است و فرمود
که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد و اشهر و
اولی آنستکه بوئیدن رائحهٔ غلیظ مفطر نیست و بعضی گفته اند بوئیدن رائحهٔ غلیظ
که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنستکه بوی خوش شایع
که بدماغ بالا رود نبوید چنانکه در روایت وارد شده است و مکروهست که صائم
جامهٔ که ملاصق بدن است تر کند و مکروهست زن صائمه را که در آب نشیند چنانکه
گذشت و از حضرت صادق علیه السلم منقولستکه هرگاه روزه داری میباید که
روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه
از مکروهات و فرمود که باید روز روزهٔ تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضاً از
آنحضرت علیه السلم منقولستکه فرمود روزه نه همین از خوردن و آشامیدنست
تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید
چشمهای خود را از حرام و بایکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و
مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه راست مخورید و دشنام مدهید
و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید
از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راست گو
باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و
خصومت نمودن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن
و خود را مشرف بر آخرت دانید و خود را منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد باشید و
آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشهٔ اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید

روزه رمضان

و برشما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی بهمهٔ ذلت و مانند
بنده که از آقای خود ترسد و ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید برحمت
او و باید پاک باشد روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و پاکیزه باشد
بدن تو از گناهها و بیزاری بجو بسوی خدا از آنچه غیر اوست و در روزه
ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حقتعالی
نهی کرده است ترا از آن در آشکار او پنهان و بترس از خدا چنانچه سزاوار
ترسیدن او است در پنهان و آشکار او ببخشی روح و بدن خود را بخدای عزو
جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن
خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه
اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتنست بعمل آورده و فرموده خداوندرا
اطاعت کردهٔ و آنچه کم کنی از اینها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود
از فضل آن و ثواب آن بدرستیکه پدرم گفت که رسول خدا شنید که زنی در روز روزه
جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعام طلبید و آن زن را گفت بخور زن گفت من روزه
هستم فرمود چگونه روزهٔ و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن
تنها نیست بدرستیکه حقتعالی روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه
از کردار بد و گفتار بد چه کم اند روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلم فرمود که چه بسیار روزه داری که بهرهٔ نیست او را از روزه
بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهرهٔ از عبادت
بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا افطار
کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که خواب مقربان چون بنیت
صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جملهٔ عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم
قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار غیبیه و نیات
صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب با ایشانست و افطار خردمندان
چون برای روی دل با ایشانست و بوجهیکه حقتعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است از روزهای

بیان دخول

احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی خود کرده اند و ریا و عجب ممزوج میکردند و بشرایط صوم عمل نمیکنند **فصل چهارم** در بیان آداب دخول ماه رمضان است سنت است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی ماه مکن رو بقبله کن و دستها را بسوی آسمان بلند کن و خطاب بماه کن و بگوی

رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پروردگار من و پروردگار تو خدای پروردگار جهانیانست

اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ

خدایا داخل گردان ماه را بر ما بامن بودن و درستی ایمان و سلامت داشتن و اسلام و شتافتن

اِلٰى مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ

بسوی آنچه دوست داری و پسندی خدایا برکت ده برای ما در این ماه ما و روزی ده ما را نیکوئی این ماه

وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ و بهترین دعاها دعای

و یاری او را و بگردان از ما بدی او را و شر او را و بلای او را و آشوب او را هلال صحیفه کامله است

و ابن عقیل روایت نموده است که در وقت رؤیت هلال ماه رمضان واجب دانسته است که بخوانند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَجَعَلَكَ مَوَاقِيتَ

ستایش مر خدایرا که آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانه اوقات

لِلنَّاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا اِهْلَالًا مُبَارَكًا اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ

برای مردمان خدایا داخل گردان ماه را بر ما داخل کردانیدنی با برکت خدایا داخل گردان ماه را بر ما بسلامت

وَالْاِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْاِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى

و اسلام و یقین و ایمان و نیکی و پرهیزکاری و توفیق مر آنچه را دوست داری و پسندی

و در شب اول جماع با حلال خود سنت است و غسل در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریختن بر سر با طهارت مستحب باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرموده که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضاً منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق علیه السلم فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در این روزها قسمت

میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجات در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین علیه السلم در اول ماه رمضان سنت است و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از او بریزد مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در هر شب ماه رمضان سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند که حقتعالی از او کفایت شرور بکند خدا او را کفایت کند از آنچه میترسد و از بیماریها و ترسها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزه تمام ماه را بکند و باز هر شب را نیت کند بهتر است و نیت چنین کند که قصد میکنم که فردا روزه ماه رمضان میدارم واجب تقرب بخدا و در روز اول ماه که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر رو بزند از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن شود و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلم منقولست که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند بآنچه میسر شود سلامتی آنماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است

اعمال دخول

اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه
خدایا بتحقیق که آمده است ماه رمضان وبتحقیق واجب کردی برما روزه اورا ودر وی فرستاده ای
القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه
قرآن را هدایت برای مردمان وحجتها از هدایت وجدا نمودن حق را از باطل خدایا مدد کن ما را بر روزه آن
ونقبله منا وتسلمه منا وسلمه لنا فی یسر منک وعافیة انک علی کل شیء قدیر
وقبول کن آنرا از ما وسالم کن آنرا از ما وسالم گردان آنرا برای ما در آسانی از تو وعافیت بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی
وایضا از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول
صلی الله علیه وآله اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان
این دعا را میخواندند خدایا بدرستیکه بتحقیق داخل شد ماه رمضان خدایا ای پروردگار ماه رمضان
الذی انزلت فیه القرآن وجعلته هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان
که فرستادی در وی قرآن را وگردانیدی اورا راهنمای برای مردمان وشاهدها از هدایت وفرق کننده
اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلواته وتقبله
خدایا پس مبارک گردان برای ما در ماه رمضان ویاری ده ما را بر روزه او ونماز او وقبول کن آنرا

منا وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد ودر رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند ودر رکعت دوم هر سوره که خواهد حقتعالی جمیع بدیها را از آن سال از او دور گرداند ودر حفظ خدا باشد تا سال آینده ودر شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است

وکلینی وشیخ طوسی و

دیگران ره بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوانند و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای خدا بی شائبه اغراض فاسده بخواند در آن سال نرسد فتنه وگمراهی ونه آفتی که ضرر رساند بدین او وبدن او وحقتعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلا ودعا اینست اللهم انی
خدایا بدرستیکه من

ماه رمضان

اسألک باسمک الذی دان له کل شیء وبرحمتک التی وسعت کل شیء
سوال میکنم ترا بنام تو که فروتنی کرده از برای او هر چیزی وبرحمت تو که فرو گرفته همه چیز را
وبعظمتک التی تواضع لها کل شیء وبعزتک التی قهرت بها کل شیء
وببزرگی تو که فروتنی کرده از برای او هر چیز وبعزت تو که قهر کرده بآن هر چیز را
وبقوتک التی خضع لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء و
وبتوانائی تو که فروتنی کرده است از برای آن هر چیزی وبجبروت تو که غالب شده بر هر چیز وبه
بعلمک الذی احاط بکل شیء یا نور یا قدوس یا اول قبل کل شیء ویا باقی
علم تو که احاطه کرده همه چیز ای نور ای منزه. ای اول پیش از هر چیز وای باقی
بعد کل شیء یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد واغفر لی الذنوب التی
بعد فنای هر چیز ای خدا ای بخشنده رحمت فرست بر محمد وآل محمد. وبیامرز برای من گناهانی را که
تغیر النعم واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی
تغییر میدهد نعمتها را وبیامرز برای من گناهانی که فرو میاورد عذابها را وبیامرز برای من گناهانی را که
تقطع الرجاء واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء واغفر لی الذنوب التی
میبرد امیدها را وبیامرز برای من گناهانی که غالب میگرداند دشمنان را وبیامرز برای من گناهانی را که
ترد الدعاء واغفر لی الذنوب التی یستحق بها نزول البلاء واغفر
رد میکند دعاها را وبیامرز برای گناهانی را که سزاوار میشود بآن فرود آمدن بلاء وبیامرز
لی الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر لی الذنوب التی تکشف
برای من گناهانی را که حبس میکند باران آسمان را وبیامرز برای من گناهانی را که ظاهر میکند
الغطاء واغفر لی الذنوب التی تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی
پوشیدگیها را وبیامرز برای من گناهانی را که شتاب میکند فنا را وبیامرز برای من گناهانی را که
تورث الندم واغفر لی الذنوب التی تهتک العصم والبسنی درعک
میراث بود پشیمانی را وبیامرز برای من گناهانی را که میدرد عصمت را وبپوشان مرا زره خود که
الحصینة التی لا ترام وعافنی من شر ما احاذر باللیل والنهار فی مستقبل
محکم باشد که قطع کرده نشود وعافیت ده مرا از شر آنچه حذر میکنم بشب وروز در آینده

بیان دخول

سنتی هذه اللهم رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما

سال من اینسال ای خدای پروردگار آسمانهای هفتگانه وپروردگار زمینهای هفتگانه وانچه

فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم ورب السبع المثانی والقران

درانهاست وانچه میان انهاست وپروردگار عرش بزرگ وپروردگار هفتگانه که دوبار نازل شده وقران

العظیم ورب اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل ورب محمد صلی الله علیه و

بزرگ وپروردگار اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل وپروردگار محمد رحمت خدا براو و

اله سید المرسلین وخاتم النبیین اسئلک بک وبما سمیت به یا عظیم

آل که بهترین رسولانست واخر پیغمبران سؤال میکنم ترا بحق تو وبانچه نام برده شده تو باو ای بزرگوار

انت الذی تمن بالعظیم وتدفع کل محذور وتعطی کل جزیل وتضاعف

تو انیکه منت مینهی بچیز بزرگ ودفع کننده هر محذوررا وداده هرچیز بزرگرا ودوچندان میکنی

الحسنات بالقلیل وبالکثیر وتفعل ما تشاء یا قدیر یا الله یا رحمن صل علی

حسنات را بچیز اندک وبسیار وميكنی انچه میخواهی ای توانا ای خدا ای بخشنده درود کن بر

محمد واهل بیته والبسنی فی مستقبل سنتی هذه سترک ونضر وجهی

محمد واهل خانه او وبپوشان مرا در اینده اینسال مغفرت خودرا وسبز کردان روی مرا

بنورک واحببنی بمحبتک وبلغنی رضوانک وشریف کرامتک و

بنور خود ودوست دار مرا بدوستی خود وبرسان بمن خوشنودی خودرا وبزرگی کرامت خودرا و

جسیم عطیتک واعطنی من خیر ما عندک ومن خیر ما انت معطیه

بزرگ بخشش خودرا وبخش مرا از نیکیها انچه نزد توست واز نیکیها انچه تو بخشنده اوئی

احدا من خلقک والبسنی مع ذلک عافیتک یا موضع کل شکوی و

بهر یکی از خلقان خود وبپوشان مرا باین مذکورات عافیت خودرا ای موضع هر شکایت و

یا شاهد کل نجوی ویا عالم کل خفیة ویا دافع ما تشاء من بلیة یا کریم

ای شاهد هر راز وای دانای هر پوشیدگی وای دفع کننده انچه میخواهی از بلیتها ای صاحب

العفو یا حسن التجاوز توفنی علی ملة ابراهیم وفطرته وعلی دین محمد

عفو ای خوب تجاوز کننده از گناهان بمیران مرا بر دین ابراهیم وطریقه او وبر دین محمد

ماه رمضان

صلی الله علیه واله وسنته وعلی خیر الوفاة فتوفنی موالیا لاولیائک

رحمت فرستد خدا براو وال او وطریقه او وبر بهترین مردنها پس بمیران مرا دوستدارنده مر دوستان ترا

ومعادیا لاعدائک اللهم وجنبنی فی هذه السنة کل عمل او قول

ودشمن دارنده مر دشمنان ترا خدایا ودور کن مرا در اینسال از هر عملی یا قولی

او فعل یباعدنی منک واجلبنی الی کل عمل او قول او فعل یقربنی منک

یا فعلیکه دور کند مرا از تو ونزدیک گردان بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک کند مرا بتو

فی هذه السنة یا ارحم الراحمین وامنعنی من کل عمل او قول او فعل

در اینسال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان وباز دار مرا از هر عملی یا قولی یا فعلی که

یکون منی اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتک ایای علیه حذار ان

صادر شود از من ترسم بدی عاقبت اورا وترسم خشم ترا نگهدار مرا براو از جهت خوف که

تصرف وجهک الکریم عنی فاستوجب به نقصا من حظ لی عندک یا رؤف

برگردانی روی خودرا کریم از من پس مستوجب شوم بسبب او نقصی از بهره که از برای من نزد تو ای مهربان

یا رحیم اللهم اجعلنی فی مستقبل سنتی هذه فی حفظک وفی جوارک وفی

ای مهربان خدایا بگردان مرا در اینده این سال در حفظ خود ودر همسایگی خود ودر

کنفک وجللنی ستر عافیتک وهب لی کرامتک عز جارک وجل ثناؤک

جانب خود وبپوشان مرا پوشش عافیت خود وببخش مرا کرامت خود عزیز است همسایگان تو وبزرگست مدایح تو

ولا اله غیرک اللهم اجعلنی تابعا لصالح من مضی من اولیائک و

ونیست خدائی غیر تو خدایا بگردان پیرونده صالحان که گذشته اند از دوستان تو و

الحقنی بهم واجعلنی مسلما لمن قال بالصدق علیک منهم واعوذ

ملحق گردان مرا بایشان وبگردان مرا تسلیمان برای کسیکه اقرار کرده براستی بر تو از ایشان وپناه میبرم

بک اللهم ان تحیط بی خطیئتی وظلمی واسرافی علی نفسی واتباعی

بتو خدایا هرچند فرو گیرد مرا گناهان من وستم من واسراف من بر نفس من وپیروی کردن من

لهوای واشتغالی بشهواتی فیحول ذلک بینی وبین رحمتک ورضوانک

ارزوهای ومشغول شدن من بخواهشها را پس واسطه شود اینها میان من ومیان رحمت من وخوشنودی تو

اعمال هر روزه

فاكون مدينا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم ووفقني بكل

پس باشم من فراموش کننده نزد تو متعرض شونده از خشم تو و عذاب تو خدایا توفیق ده مرا برای هر

عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا

عمل صالحی که خوشنود شوی بآن از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود نزدیک کردنی خدایا چنانکه کفایت نمودی پیغمبر خود را که

صلى الله عليه واله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته

رحمت فرستد خدا بر او و آل او از ترس دشمنان او و برطرف کردی هم او را و گشودی غم او را و راستی کردی او را

وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة

وعده خود و وفا کردی از برای او عهد خود را خدایا پس بحق این حجت پس کفایت کن مرا از ترس های این سال

وآفاتها واسقامها وفتنها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها و

و آفات او و بیماریهای او و آشوبهای او و بدیهای او و غمهای او و تنگی معاش در آن و

بلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسالك

و برسان مرا برحمت خود تمام عافیت را بتمام و دوام نعمت نزد من تا انتهای مدت من میخواهم ترا

سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف واسالك ان تغفر لي ما مضى من

خواندن کسیکه بد کرده است و ستم کرده و زاری کرده و اعتراف کرده و میخواهم ترا اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته از

الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني

گناهان که شمرده اند آنرا حفظه تو و شمرده اند آنرا بزرگان فرشتگان تو بر من و اینکه نگاهداری مرا

الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على

ای خدای من از گناهان در آنچه باقی مانده از عمر من تا انقطاع مدت من ای خدا ای بخشنده ای مهربان رحمت فرست بر

محمد واهل بيت محمد واتني كلما سالتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني

محمد و خانواده محمد و بده مرا هر چه را که میخواهم از تو و رغبت دارم بسوی تو در آن بدرستیکه امر کردی مرا

بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين فصل در بیان

بدعا کردن و ضامن شدی برای من اجابت کردن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان اعمال هر روزه هر شب ماه

مبارک رمضان از حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام منقولست که بعد از هر نماز این دعا

مبارک را بخوانند یا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت الرب العظيم

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ

هر شب ماه

الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وهذا شهر عظمته وكرمته

که نیست مانند او چیزی و او شنوای بیناست و این ماهیست که بزرگ شمردی او را و گرامی داشتی

وشرفته وفضلته على الشهور وهو الشهر الذي فرضت صيامه علي

و شرافت دادی او را و تفضیل دادی او را بر ماههای دیگر و او ماهیست که واجب کردی بر من روزه او را

وهو شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من

و او ماه رمضان است که فرستاده در آن قرآن را برای هدایت مردم و حجتهای از

الهدى والفرقان وجعلت فيه ليلة القدر وجعلتها خيرا من الف شهر

هدایت و جدا کننده میان حق و باطل و گردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه

فيا ذا المن ولا يمن عليك من علي بفكاك رقبتي من النار فيمن تمن عليه

پس ای صاحب نعمتها و منت نمیگذارد بر تو منت بنه بر من به آزاد کردن گردن من از آتش در زمره کسیکه عطا کنی

وادخلني الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين و دعا بسیار خوبیست و افلا بشی

و داخل کن مرا بهشت برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بکم هر شب خوبست که خوانده شود

و بسند صحیح منقولستکه هر که در هر شب از ماه مبارک این دعا را بخواند گناه چهل

سال او اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن و

آمرزیده شود خدایا ای پروردگار ماه رمضان که فرستاده در آن قرآن را و

افترضت على عبادك فيه الصيام صل على محمد وال محمد وارزقني

واجب کرده بر بندگانت در آن روزه را رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا

حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام واغفر لي تلك الذنوب

حج خانه محترم خود در این سال و در هر سالی و بیامرز برای من گناهان بزرگ را

العظام فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام و ایضا هر شب هزار مرتبه سوره انا

عظیم را پس بدرستیکه نمی آمرزد آنها را غیر تو ای بخشنده ای دانا انا انزلنا سنتست خواندن و صد مرتبه

حم دخان اگر بهتر شود و سحور خوردن در هر شب ماه رمضان مستحبست و از حضرت

رسول صلى الله عليه واله منقولستکه ترک نکند امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه

خرما بوده باشد و ایضا از حضرت منقولستکه حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر

اعمال هر روز

نهاکه استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیکشربت آب باشد و بهترین سحور قاوتست و خرما و ایضا فرمود که سحور بخورید اگرچه بیک جرعهٔ آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان واز حضرت صادق علیه السلم منقولستکه هر که سورهٔ انّا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در مابین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیّت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است واز اول شب تا اخر شب نیّت میتوان کرد و همینکه قصد دارد که فردا روزه میگیرد واز برای خدا میگیرد بس است و امّا اداب افطار سنّت است که اوّل نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز که در این دو صورت افطار را مقدّم داشتن بهتر است و در وقت افطار سورهٔ انّا انزلناه خواندن سنّت است چنانچه دانستی و از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولستکه یا عَظِیمُ یا عَظِیمُ اَنْتَ اِلٰهِی لا اِلٰهَ

هر که در وقت افطار بگوید | ای بزرگوار | ای بزرگوار | تو خدای منی | نیست خدایی

لِی غَیْرُکَ اِغْفِرْ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِلّا

برای من غیر تو | بیامرز برای من | گناهان بزرگ | بدرستیکه نمیامرزد | گناهان بزرگ را مگر

اَلْعَظِیمُ از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده است و — بزرگ

از حضرت امام حسن علیه السلم منقولستکه هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستجابی هست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ اِغْفِرْ لِی

پس باید در لقمهٔ اوّل بگوید، | بنام خدای بخشنده مهربان ای آنکه وسیع است مغفرتش بیامرز مرا

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی علیه السلم منقولستکه در وقت افطار بگو اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمْتُ وَعَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ تا خدا

خدایا برای تو | روزه داشتم | و بر روزی تو | افطار کردم | و بر تو | توکّل کردم | عطا کند

بتو ثواب هر کس که در این روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست

و هر شب ماه رمضان

که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم در وقت افطار بدو زانو می نشستند چون خوان را میگذاردند اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمْنا وَعَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْنا فَتَقَبَّلْهُ مِنّا

میگفتند | خداوندا برای تو روزه گرفتیم | و بر روزی تو | افطار کردیم | پس قبول کن از ما

اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت

بدرستیکه تو شنوای | دانائی

افطار میکردند بر خرما و آب یا بر رطب و آب و در حدیث دیگر منقولستکه انحضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمودند و اگر نمییافتند بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود باب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند معده را و قوّت میدهد حلق را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میکرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفاء حرارت میکند و صداع را بر طرف میکند و ایضا از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولستکه هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق علیه السلم منقولستکه افطار کردن باب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم دوست میداشت که افطار نماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولستکه هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامهٔ عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرانست و بسیار باید خواند چون قران در اینماه نازل شده است و در حدیثست که هر چیزی را بهاریست و بهار قران ماه رمضانست و در ماههای دیگر در هر ماهی یکختم سنّتست و اقلّش شش روز است و در ماه رمضان سه روز یکختم سنّتست و اگر هر روز یکختم تواند کرد خوبست و در حدیثست که بعضی از ائمّه علیهم السلم در اینماه چهل ختم و زیاده میکردند و اگر ختمی را ثوابش را بروح امامی و رسول خدا و فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیهم هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمّد و آل او بسیار باید فرستاد و استغفار نیز بسیار باید کرد و لا اِلٰهَ اِلّا الله بسیار باید گفت و نافلهای شب و روز را ترک

عند

اعمال هر روز

نباید کرد و در شبهای طاق ماه رمضان غسل سنت است خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است که بشیعیان خود نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانید که دعاهای این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّنآءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ

خدایا بدرستیکه من میگشایم زبان ثنا را بحمد تو و حال آنکه تو راه نماینده راههای صوابی بمنت و احسان خود

وَاَيْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَ

و یقین دارم بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی در جای عفو و رحمت نمودن و

اَشَدُّ الْمُعاقِبينَ فی مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ فی

سخت ترین عقاب کنندگانی در جای عذاب و عقاب و بزرگترین کبریا کنندگانی در

مَوْضِعِ الْكِبْرِيآءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لی فی دُعائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ

جای کبریائی و بزرگی خدایا اذن داده ما را در دعای خود و سؤال کردن ترا

فَاسْمَعْ يا سَميعُ مِدْحَتی وَاَجِبْ يا رَحيمُ دَعْوَتی وَاَقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتی

پس بشنو ای شنونده مدح کردن مرا و اجابت کن ای بخشاینده خواندن مرا و درگذر ای آمرزنده لغزش مرا

فَكَمْ يا اِلٰهی مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها

پس چه بسیار ای خدای من از غمها که گشایش داده و از همومها که برطرف کرده و از لغزشها که در گذشته

وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَحَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ

و از رحمتها که پهن کرده و از حلقه بلا که گشوده سپاس خداوندی را که نگرفته

يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ

یاری و نه فرزندی و نمیباشد او را انبازی در پادشاهی و نمیباشد او را ولی

مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلىٰ جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها

از خواری و تکبیر بگو او را تکبیر گفتنی حمد خدا را بهمه حمدها بالتمام بر همه نعمتها بالتمام

الثانیة ۳۲

هر شب ماه رمضان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا مُضادَّ لَهُ فی مُلْكِهِ وَلا مُنازِعَ لَهُ فی اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی

سپاس خدا را که نیست او را ضدی در پادشاهی او و نیست نزاع کننده در امر او سپاس خدائی را که

لا شَريكَ لَهُ فی خَلْقِهِ وَلا شَبيهَ لَهُ فی عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفاشی فِی

نیست او را انباری در آفرینش او و نیست مانندی او را در بزرگواری او سپاس خدائی که فاش کننده است در

الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذی

در خلق خود امر خود را و حمد خود را عیان کننده بکرم خود و بزرگی خود پهن کننده ببخشش دست خود را که

لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ وَلا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا جُودًا وَكَرَمًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزيزُ

کم نمیشود گنجهای او و زیاد نمیکند او را بسیاری بخششها مگر جود و کرم او را بدرستیکه او غالب بسیار

الْوَهّابُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ قَليلًا مِنْ كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بی اِلَيْهِ عَظيمَةٍ

بخشاینده است خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا اندکی از بسیاری با وجود حاجت من بسوی او در بزرگ

وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ وَهُوَ عِنْدی كَثيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ اَللّٰهُمَّ

و بی نیازی تو از آن قدیمست و او نزد من بسیار است و او بر تو آسان و کم است خدایا

اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبی وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطيئَتی وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمی وَسَتْرَكَ

بدرستیکه عفو تو از گناه من و درگذشتن تو از خطای من و درگذشتن تو از ستمهای من و پوشیدن تو

عَلیٰ قَبيحِ عَمَلی وَحِلْمَكَ عَنْ كَثيرِ جُرْمی عِنْدَ ما كانَ مِنْ خَطائی وَعَمْدی

بر ناخوشیهای عمل من و بردباری تو از بسیاری جرمهای من نزد آنچه بود از خطای من و عمد من

اَطْمَعَنی فی اَنْ اَسْئَلَكَ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذی رَزَقْتَنی مِنْ رَحْمَتِكَ

که بطمع انداخت مرا در اینکه میخواهم ترا آنچه مستوجب نیستم او را از تو آنچه روزی کرده مرا از رحمت خود

وَاَرَيْتَنی مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنی مِنْ اِجابَتِكَ فَصِرْتُ اَدْعُوكَ آمِنًا وَاَسْئَلُكَ

و نمایاندی مرا از قدرت خود و شناسانیدی مرا از اجابت کردن تو پس گردیدم که بخوانم ترا ایمن و سؤال کنم

مُسْتَأْنِسًا لا خائِفًا وَلا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فيما قَصَدْتُ فيهِ اِلَيْكَ

انس گیرنده باشم نه ترسان و نه هراسان ناز کننده بر تو در آنچه قصد کرده ام در آن بسوی تو

فَاِنْ اَبْطَأَ عَنّی عَتَبْتُ بِجَهْلی عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذی اَبْطَأَ عَنّی هُوَ خَيْرٌ لی

پس اگر دیر کرد از من یافت شوم بنادانی خود بر تو و شاید آنچه دیر شد از من بهتر است مرا

لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ فَلَمْ اَرَ مَوْلىً كَريماً اَصْبَرَ عَلى عَبْدٍ لَئيمٍ

از برای دانستن تو خاتمه کارها را پس ندیدم صاحب بخشاینده که صبر کننده تر باشد بر بنده لئیم

مِنْكَ عَلَيَّ يا رَبِّ اِنَّكَ تَدْعُوني فَاُوَلّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ اِلَيَّ

از تو　بر من ای پروردگار من بدرستیکه تو میخوانی مرا پس بازگردم از تو　و دوستی تو بسوی من است

فَاَتَبَغَّضُ اِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلا اَقْبَلُ مِنْكَ كَاَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ

پس بغض دارم بسوی تو　و دوستی تو بمن　پس قبول نکنم　از تو گویا برای من تفضلی است بر تو

فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لي وَالْاِحْسانِ اِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ

پس منع نمیکرد ترا　این از رحمت بمن و نیکی کردن بمن　و تفضل کردن بر من بخشش خود

وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسانِكَ اِنَّكَ

و کرم خود　پس رحم کن بنده　نادان خود را　و جود کن بر او　بفضل　احسان خود بدرستیکه تو

جَوادٌ كَريمٌ اَلْحَمْدُ لِلّهِ مالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ

بخشنده کریمی　سپاس خدایراست که مالک پادشاهی است　روان کنند کشتیهاست　مسخر کننده بادها شکافنده

الْاِصْباحِ دَيّانِ الدّينِ رَبِّ الْعالَمينَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ عَلى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ

صبحها است　جزا دهنده دینها است　پروردگار جهانیانست　سپاس خدایراست بر بردباری بعد از دانائی او

وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلى طُولِ اَناتِهِ في غَضَبِهِ

و سپاس مر خدایراست بر عفو او　بعد از توانائی او　و سپاس مر خدایراست　بر درازی آهستگی او　در خشم شدن او

وَهُوَ قادِرٌ عَلى ما يُريدُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ خالِقِ الْخَلْقِ باسِطِ الرِّزْقِ فالِقِ

و او توانا است　بر آنچه اراده میکند　سپاس خدایرا آفریننده　آفریدگان　گشاینده روزیها　شکافنده

الْاِصْباحِ ذِي الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ الَّذي بَعُدَ فَلا يُرى

صبحها　صاحب جلال و کرم　و فضل و نعمتها است　که دور است از نظرها پس دیده نمیشود

وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوى تَبارَكَ وَتَعالى اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ

و نزدیک است　میشنود نجوارا　بزرگ و بلند است　سپاس خدایراست که نیست منازعی که　برابری کند با او

وَلا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ وَلا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْاَعِزّاءَ وَتَواضَعَ

و نه مانند که　برابری کند او را　و نه معینی که همراهی کند او را　غلبه کرده است بعزت خود　و خلیه کسانی فروتنی

لِعَظَمَتِهِ الْعُظَماءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشاءُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يُجيبُني

برای بزرگی او　بزرگان　پس رسید بتوانائی خود　آنچه خواست　سپاس خدائیراست که اجابت میکند مرا

حينَ اُناديهِ وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَاَنَا اَعْصيهِ وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ

وقتیکه بخوانم او را　و میپوشاند بر من　همه بدیرا　و حال آنکه نافرمانی میکنم او را　و بزرگ میکند نعمت را

عَلَيَّ فَلا اُجازيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَدْ اَعْطاني وَعَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ

بر من　پس شکر نمیکنم او را　پس چه بسیار از بخششها که گوارا است　بخشید بمن و چه بسیار بزرگ

قَدْ كَفاني وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ اَراني فَاُثْني عَلَيْهِ حامِداً وَاَذْكُرُهُ

ترسناکی کفایت کرده است مرا　و شادی بهجت آورنده که نشان نموده مرا　پس ثنا گفتم بر او　که ستایش کننده ام　و یاد میکنم او را

مُسَبِّحاً اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لا يُهْتَكُ حِجابُهُ وَلا يُغْلَقُ بابُهُ وَلا يُرَدُّ سائِلُهُ

تسبیح گوینده ام　حمد خدایراست که　دریده نمیشود پرده های او　و بسته نمیشود درهای او　و رد نمیشود خواهنده

وَلا يُخَيَّبُ امِلُهُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يُؤْمِنُ الْخائِفينَ وَيُنَجِّي الصّالِحينَ

و نا امید نمیشود آرزومند او　سپاس خدایراست که ایمنی میدهد ترسندگان را　و نجات میدهد صالحانرا

وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكاً وَيَسْتَخْلِفُ

و بلند میکند افتادگان را　و پست میکند گردن کشان را　و هلاک میکند پادشاهان را و جانشین میکند

اخَرينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ قاصِمِ الْجَبّارينَ مُبيرِ الظّالِمينَ مُدْرِكِ الْهارِبينَ نَكالِ

دیگران را　و سپاس خدایراست که شکننده گردن کشانست　هلاک کننده ظالمانست　دریابنده گریختگانست عذاب کننده

الظّالِمينَ صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنينَ

ظالمانست　فریادرس　فریاد کنندگانست　محل　اجابت کردن طالبانست　اعتماد کرده شده مؤمنانست

اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّماءُ وَسُكّانُها وَتَرْجُفُ الْاَرْضُ

سپاس خدایراست که　از ترس او　صدا میکند آسمانها　و ساکنان او　و حرکت میکند زمینها

وَعُمّارُها وَتَمُوجُ الْبِحارُ وَمَنْ يَسْبَحُ في غَمَراتِها اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي هَدانا

و ساکنان او　و خروش میکند دریاها　و کسیکه شنا کند　در گردابهای آنها　ستایش خدایراست که راهنمائی کرده ما را

لِهذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّهُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يَخْلُقُ

برای این　و نبودیم ما　هدایت یابنده　اگر نبود آنکه هدایت کند ما را خدا　ستایش خدایرا　که میآفریند

وَلَمْ يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ

و آفریده نشده و روزی میدهد و روزی داده نشده و طعام میدهد و طعام داده نشده و میمیراند زندگان را

وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و زنده میکند مردهارا و او زنده ایست که نمیرد بدست اوست نیکیها و او بر هر چیزی

قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ

توانا است خدایا درود فرست بر محمد بنده خود و فرستاده خود و امین خود و برگزیده خود

وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ

و دوست خود و برگزیده تو از آفریدگان خود و نگهدار سر تو و رساننده رسالتهای تو

أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى

بهتر و نیکوتر و جمیلتر و تمامتر و پاکیزه تر و نمو کننده تر و پاکیزه و خوشبوتر و بلندتر

وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

بسیار تر آنچه درود فرستاده و مبارک کرده و ترحم کرده و مهربانی کنند و درود کرده بر یکی از

عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

بندگان و پیغمبرانت و فرستادگانت و برگزیدگانت و سزاوار بخشش بر تو از

خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ

خلق تو خدایا رحمت فرست بر علی پادشاه مؤمنان و جانشین رسول پروردگار عالمیان بنده تو

وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرَى وَ

و دوست تو و برادر رسول تو و برهان تو بر آفریدگان تو و نشانه بزرگ تو و

النَّبَإِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ

خبر عظیم بزرگ و رحمت فرست بر راست گوینده که پاک است فاطمه آقای زنان

الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَإِمَامَيِ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

جهانیان و رحمت فرست بر دو نبیره رحمت و دو امام هدایت حسن و حسین

سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ

دو آقای بزرگوار که جوانان اهل بهشتند و رحمت کن بر پیشوایان مسلمانان علی پسر حسین و

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی

وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ

و علی پسر محمد و حسن پسر علی و جانشین هدایت کننده راه یافته رهنمایان تو اند بر بندگان تو

وَأُمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ

و امینان تو اند در شهرهای تو درود بسیار همیشگی خدایا و رحمت فرست بر وکیل کارهای تو

الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ

قائم است امید دارنده و عدل انتظار کشیده شده و مهربان کن او را بفرشتگان خود مقربان تو و تائید کن او را

بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَ

بروح القدس ای پروردگار جهانیان خدایا بگردان او را دعوت کننده بکتاب خود و

الْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ

ایستنده بدین تو جانشین کن او را در زمین چنانچه جانشین کرده آنهائیکه از پیش بودند

مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً يَعْبُدُكَ

پایدار برای او دین خود را که پسندیده آن را برای او بدل کن برای او پس از ترس او ایمنی را میپرستند ترا

لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ

شریک نکند بتو چیزها خدایا غلبه ده او را و غلبه ده بسبب او و یاری کن او را و یاری ده باو و یاری کن او را

نَصْراً عَزِيزاً وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً

یاری کردنی که غالب شود و بگشا برای او گشادن آسانی و بگردان برای او از نزد خود پادشاهی یاری کرده شده

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ

خدایا آشکار کن باو دین خود را و طریقه پیغمبر خود را تا آنکه پوشیده نماند چیزی از حق

مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ

از برای خوف کسی از خلق خدایا ما رغبت میکنیم بسوی تو در پادشاهی بزرگی که غلبه دهی تو

بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ

بآن اسلام و اهل آن را و خار کنی بآن منافقان را و اهل آن را و بگردانی ما را در آنها از

الدعاة إلى طاعتك والقادة إلى سبيلك وترزقنا بها كرامة

خوانده شدهای بفرمان برداری تو وکشیده شده براه تو وروزی ده مارا بسبب آن کرامت

الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه

دنیا و آخرت را خدایا آنچه آشنا ساختی مارا از حق پس شکیبایی ده مارا وآنچه کوتاهی کردیم

فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به

پس برسان مارا [illegible]

فتقنا وكثر به قلتنا وأعزز به ذلتنا وأغن به عائلنا واقض به

کشادگی مارا وزیاد کن بسبب او کمی مارا وعزیز کن بسبب او خواری مارا وبی نیاز کن بسبب او درویشی مارا [illegible]

عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به

از قرض ما وبسته کن بسبب او بیچارگی ما [illegible]

وجوهنا وفك به أسرنا وأنجح به طلبتنا وأنجز به مواعيدنا واستجب

روهای مارا وآزاد کن بسبب او اسیران مارا [illegible]

به دعوتنا وأعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا

[illegible] واخرت آرزوهای مارا

وأعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين وأوسع المعطين اشف به

وبده بسبب او بالا از بهره ما ای بهترین سؤال شدها وفراخ ترین بخشندگان شفا ده باو

صدورنا وأذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من

سینه های مارا وببر بسبب او خشم دلهای مارا وراهنمایی کن مارا باو از آنچه اختلاف شده در آن از

الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم وانصرنا به على

حق باذن خود بدرستیکه تو رهنمایی کنی هرکه را خواهی بسوی راه راست ویاری ده مارا باو بر

عدوك وعدونا إله الحق آمين اللهم إنا نشكو إليك فقد نبينا

دشمنان خود ودشمنان ما ای خدای حق اجابت کن خدایا ما شکایت میکنیم بتو نهان شدن پیغمبر مارا

صلواتك عليه وآله وغيبة ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا

رحمتهای تو بر او وبر آل او وغایب بودن پیشوایان ما وزیاد بودن دشمنان ما وکم بودن عدد ما

وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد وآله و

وسختی فتنه بما وهم پشت بودن زمانه بر ما پس رحمت فرست بر محمد وآل او و

أعنا على ذلك بفتح منك تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان

اعانت کن مارا بر آن گردش زمانه [illegible]

حق تظهره ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها [illegible]

[illegible]

برحمتك يا أرحم الراحمين [illegible]

رحمت خود ای رحم کننده رحم کنندگان [illegible]

[illegible]

[illegible]

من الأمر المحتوم في الأمر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل

[illegible]

أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم

[illegible] شکر کرده شده سعی ایشان

المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم وأن تجعل فيما تقضي وتقدر أن تطيل

[illegible] وآنکه بگردانی در آنچه حکم کرده واندازه کرده ای

عمري في خير وعافية وتوسع في رزقي وتجعلني ممن تنتصر به لدينك

[illegible]

ولا تستبدل بي غيري [illegible] اللهم برحمتك

[illegible]

في الصالحين فأدخلنا وفي عليين فارفعنا وبكأس من معين من عين

گروه صالحان پس داخل کن مارا [illegible]

سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان

[illegible]

دعاء هر شب

الْمُخَلَّدِینَ کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَکْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ

همیشه اند گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خدمتکار ما کن واز میوهای بهشت

وَلُحُومِ الطَّیْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِیَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِیرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ

وگوشتهای مرغان پس اطعام کن ما را وازجامهای سندس وابریشمین واستبرق

فَأَلْبِسْنَا وَلَیْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِی سَبِیلِکَ

پس بپوشان ما را وبحق شب قدر وحاجیان بیت الله حرام وکشته شدگان در راه تو

فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ

پس توفیق ده ما را وبحق دعای صالحان وسوالهای ایشان پس اجابت دعای ما را ووقتیکه فراهم اوری

الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاکْتُبْ

پیشینیان وپسینیان را درروز قیامت پس رحم کن ما را وبیزاری از آتش پس بنویس

لَنَا وَفِی جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِی عَذَابِکَ وَهَوَانِکَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ

برای ما ودر دوزخ پس زنجیر مکن ما را ودر عذاب خود وخواری خود پس مبتلا مکن ما را واز زقوم

وَالضَّرِیعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّیَاطِینِ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِی النَّارِ عَلَی وُجُوهِنَا

وضریع که علف خشک است پس اطعام مکن ما را وباشیاطین پس مگردان ما را ودر آتش برروهای ما

فَلَا تَکْبُبْنَا وَمِنْ ثِیَابِ النَّارِ وَسَرَابِیلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَ

پس مینداز ما را واز جامهای آتش وپیراهن سیاه پس مپوشان ما را و

مِنْ کُلِّ سُوءٍ یَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا وازمیان

از هر بدی ای خداوندیکه نیست بجز تو بحق خداوندیکه نیست بجز تو پس نجات ده ما را دعاها

سحر چون این دعا بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلم در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند واگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا میباشد راست گفته ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام تمام وتضرع بخوانید واز غیر اهلش پنهان دارید

وسحر ماه رمضان

ودعا اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ بَهَائِکَ بِأَبْهَاهُ وَکُلُّ بَهَائِکَ بَهِیٌّ اللّٰهُمَّ

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از زیبائی تو بزیباترین زیبائی وهمه زیبائی تو زیبااست

إِنِّی أَسْأَلُکَ بِبَهَائِکَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ جَمَالِکَ بِأَجْمَلِهِ وَ

من سوال میکنم ترا بزیبائی تو همه آن خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خوبی تو بخوبترین خوبیها

کُلُّ جَمَالِکَ جَمِیلٌ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِجَمَالِکَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ

همه خوبی تو خوبست خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بخوبیهای تو همهآن خدایا بدرستیکه

مِنْ جَلَالِکَ بِأَجَلِّهِ وَکُلُّ جَلَالِکَ جَلِیلٌ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِجَلَالِکَ

از بزرگی تو ببزرگترین بزرگیها وهمه بزرگیهای تو بزرگست خدایا من سوال میکنم ترا ببزرگیهای تو

کُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِأَعْظَمِهَا وَکُلُّ عَظَمَتِکَ عَظِیمَةٌ

همه آن خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از بزرگی شان بعظیم ترین آنها وهمه بزرگیهای تو بزرگست

اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ نُورِکَ

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببزرگی تو همه آن خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از روشنائی تو

بِأَنْوَرِهِ وَکُلُّ نُورِکَ نَیِّرٌ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّی

بان روشنائی وهمه روشنائی تو روشن است خدایا من سوال میکنم ترا بنور تو همه آن خدایا من

أَسْأَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِأَوْسَعِهَا وَکُلُّ رَحْمَتِکَ وَاسِعَةٌ اللّٰهُمَّ إِنِّی

سوال میکنم ترا از رحمت تو بوسیعترین رحمتها وهمه رحمت تو وسیع است خدایا من

أَسْأَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ کَلِمَاتِکَ بِأَتَمِّهَا

سوال میکنم ترا برحمت تو همه آن خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از کلمات تو بتمام آنها

وَکُلُّ کَلِمَاتِکَ تَامَّةٌ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِکَلِمَاتِکَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ

وهمه کلمات تو تمام است خدایا من سوال میکنم بکلمات تو همه آنها خدایا

إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ کَمَالِکَ بِأَکْمَلِهِ وَکُلُّ کَمَالِکَ کَامِلٌ اللّٰهُمَّ إِنِّی

من سوال میکنم ترا از کمال تو بکامل ترین آنها وهمه کمال تو کامل است خدایا من

أَسْأَلُکَ بِکَمَالِکَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ أَسْمَائِکَ بِأَکْبَرِهَا

سوال میکنم ترا بکمال تو همه آن خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نامهای تو ببزرگترین آنها

دعای هر شب

وَكُلُّ اَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا

وهمه نامهای تو بزرگست خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنامهای تو همه آنها

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اَللّٰهُمَّ

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از عزت تو بعزیزترین آنها وهمه عزتهای تو عزیز است خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضَاهَا

بدرستیکه سوال میکنم ترا بعزت تو همه آنها خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از مشیت تو بنافذترین

وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ

وهمه مشیتهای تو جاریست خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بمشیتهای تو همه آنها خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از قدرت تو بقدرتیکه احاطه کرده است بسبب آن قدرت بر هر چیزی

وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا

وهمه قدرت تو محیط است خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بقدرت تو همه آنها

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اَللّٰهُمَّ

خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از علم تو بنافذترین علمها وهمه علم تو فرو رونده است خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ

بدرستیکه سوال میکنم ترا بعلم تو همه آن خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از قول تو بپسندیده ترین

وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

وهمه قول تو پسندیده است خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بقول تو همه آنها خدایا

اَسْئَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسَائِلِكَ اِلَيْكَ حَبِيبَةٌ

سوال میکنم ترا از مسائل تو بمحبوبترین آنها نزد تو وهمه مسائل تو نزد تو محبوبست

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ

خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بمسئلهای تو همه آنها خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از شرف تو

بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ

ببزرگترین شرافتها وهمه شرافت تو بزرگست خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بشرافت تو همه آنها

۲۴

دعای سحرهای رمضان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ

خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از سلطنت تو بسبب همیشگی آن وهمه سلطنت تو همیشگی است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ

خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا از ملکهای تو

بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

بفخرترین آن وهمه مملکتهای تو فاخر است خدایا من سوال میکنم ترا بمملکتهای تو همه آنها خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ عَالٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

من سوال میکنم ترا از بلندی تو ببلندترین آن وهمه بلندیهای تو بلند است خدایا من سوال میکنم ترا

بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ

ببلندیهای تو همه آن خدایا من سوال میکنم ترا از نعمت دادن تو بقدیمترین آن وهمه نعمت تو

قَدِيمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ

قدیمست خدایا من سوال میکنم ترا بنعمت تو همه آن خدایا من سوال میکنم ترا از

آيَاتِكَ بِاَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِآيَاتِكَ

نشانهای تو بگرامی ترین آنها وهمه نشانهای تو گرامیست خدایا من سوال میکنم ترا بنشانهای تو

كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْئَلُكَ

همه آنها خدایا من سوال میکنم ترا بآنچه تو در او هستی از شان و بزرگی و سوال میکنم ترا

بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ

بهمه شانی بتنهائی او وهمه بزرگیها بتنهائی او خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا بآنچه اجابت کنی مرا

حِينَ اَسْئَلُكَ فَاَجِبْنِي يَا اَللّٰهُ پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بطلبد که

وقتی سوال کنم من تو را پس اجابت کن مرا ای خدا البته برآورده میشود و از جمله ادعیه مشهوره

دعای سحر است که شیخ طوسی ره و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر

شب را نماز میکردند و چون که الٰهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا

سحر میشد این دعا را میخواندند خدایا ادب مکن مرا بعقوبتهای خود و مکر

دعاء ابو حمزه در

مكر بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من عندك

مكر بمن در چاره های خود از کجاست از برای من خیر ای پروردگار من و یافت نمیشود مگر از پیش تو

ومن اين لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن استغنى

واز کجاست برای من نجات و یافت نوانائی مگر بتو نه آنکه خوبی کرد استغناء

عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترء عليك ولم يرضك خرج

از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه بدی کرد و جرئت نموده بر تو و خوشنود نکرده ترا بیرون رفت

عن قدرتك يا رب يا رب يا رب ان قدر تكويه بك عرفتك وانت

از قدرت تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار نفس منقطع شود بتو شناختم ترا و تو

دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد

راه نموده مرا بر وجود تو و خوانده مرا بسوی خود و اگر نبودی تو ندانستم چه کسی تو ستایش

لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد

مر خدا را که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگر چه باشم کاهل در وقتیکه میخواند مرا و حمد

لله الذي اسئله فيعطيني وان كنت بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي

مر خدا را که سؤال کنم او را پس میدهد مرا و هر چند باشم بخیل وقتیکه طلب قرض کند از من و حمد مر خدا را که

اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي

میخوانم او را هر وقتیکه خواستم برای حاجت خود و خلوت کرده ام با او هر وقت خواستم برای راز خود بدون شفیع پس بر می آورد

لي حاجتي والحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره

برای من حاجت مرا و سپاس مر خدا را که میخوانم او را و نمیخوانم جز او را و اگر بخوانم غیر او را

لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت

اجابت نمیکند برای من دعای مرا و حمد مر خدا را که امید دارم او را و امید ندارم غیر او را و اگر امید داشتم

غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني

غیر او را هر آینه خلاف خواهد شد امید من و ستایش مر خدا را که واگذاشت مرا بخودش پس گرامی داشت مرا و وا نگذارد مرا

الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني والحمد

بسوی مردم پس خوار کنند مرا و ستایش مر خدا را که دوستی کرد با من و حال آنکه او بی نیاز است از من و حمد

سحرهای رمضان

لله الذي يحلم عني حتى كاني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق

مر خدا را که بردباری میکند از من تا آنکه گویا گناهی نیست مرا پس پروردگار من محمودترین چیز است نزد من و سزاوارتر

بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء

بستایش خدایا بدرستیکه من می یابم راههای مطالب را بسوی تو گشاده و مکانهای امید را

اليك مترعة والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة وابواب

بسوی تو پر کرده و یاری خواستن بفضل تو از کسیکه امید وار است بتو آشکارا و درهای

الدعاء اليك للصارخين مفتوحة واعلم انك للراجي بموضع اجابة

دعاء بسوی تو برای استغاثه کنندگان گشاده است و میدانم بدرستیکه تو برای امیدوار بمکان اجابت

وللملهوفين بمرصد اغاثة وان في اللهف الى جودك والرضا

و برای مظلومین بمحل فریادرسی و بدرستیکه در مظلوم بودن بسوی بخشش تو و خوشنودی

بقضائك عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما في ايدي المستاثرين

بقضای تو عوض از بازداشتن بخیلان و از برای وسعت از آنچه در دستهای اختیار کنندگانست

وان الراحل اليك قريب المسافة وانك لا تحتجب عن خلقك

و بدرستیکه آینده بسوی تو نزدیک است رفتگاه او و بدرستیکه تو در پرده نیستی از خلق خود

الا ان تحجبهم الامال دونك وقد قصدت اليك بطلبتي و

مگر آنکه در پرده میکند ایشان را آرزوها نزد تو و بتحقیق که قصد کرده ام بسوی تو بحوائج خود و

توجهت اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك توسلي

توجه کرده ام بسوی تو برآوردن حوائج خودم و گردانیده ام بتو فریادرسی خود را و بدعای تو چنگ زدن خود را

من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل

بدون سزاواری داشتن بجهت شنیدن نوازش از من و نه اجابت کردن بعفو کردن از من بلکه

لثقتي بكرمك وسكوني الى صدق وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك

برای اعتماد داشتن بکرم و ساکن بودن من براستی وعده تو و پناه بردن من با یمان آوردن بیکانگی تو

ويقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك ولا اله الا انت وحدك

و یقین من بشناختن تو از من بآنکه نیست پروردگاری مرا جز تو و نیست خدائی جز تو تنهائی تو

دعاء ابو حمزه در

لا شريك لك اللهم وانت القائل وقولك حق ووعدك صدق

نیست انبازی برای تو خدایا تو گوینده وگفتن تو حق است ووعده تو راست است

واسئلوا الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك

وسؤال کنید خدا از فضل او بدرستیکه خدا باشد بشما مهربان ونیست از صفات تو

يا سيدي ان تامر بالسؤال وتمنع العطية وانت المنان بالعطيات

ای آقای من باینکه امر کنی بسؤال کردن وبازداری عطا را وحال آنکه تو بخشنده بخششها

على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك الهي ربيتني

بر اهل مملکت خود وعاید برایشان بسبب عطا کردن مهربانی تست خدایا پرورش دادی مرا

في نعمك واحسانك صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني

در نعمتهای خود واحسان خود در خوردی وشهرت دادی نام من در بزرگی پس ای کسیکه پرورش کرد

في الدنيا باحسانه وتفضله ونعمه واشار لي في الآخرة الى عفوه

در دنیا مرا باحسان خود وتفضل خود ونعمت خود واشاره کرد مرا در آخرت بسوی عفو خود

وكرمه يا مولاي دلتني عليك وحبي لك شفيعي اليك وانا

وکرم خود ساختن من ای آقای من که رهنمائی کرد مرا بتو ودوستی من برای تو شفیع مرا است بسوی تو ومن

واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى شفاعتك ادعوك

استوارم از راه نمودن خودم براه نمودن تو وساکنم از شفیع من بشفاعت تو میخوانم ترا

يا سيدي بلسان قد اخرسه ذنبه ربّ اناجيك بقلب قد اوبقه

ای آقای من بزبانیکه لال کرده او را گناهان او پروردگار من راز گویم با تو بدلیکه

جرمه ادعوك يا رب راهبا راغبا راجيا خائفا اذا رأيت مولاي

ذنوبي فزعت واذا رأيت كرمك طمعت فان عفوت فخير راحم وان

گناهان خود را بترسم وچونکه ببینم بخشش ترا طمع دارم پس اگر در گذری پس بهترین رحم کنندگانی

عذبت فغير ظالم حجتي يا الله في جرأتي على مسئلتك مع اتياني

اگر عذاب کنی پس نیستی ظالم برهان من ای خدا در جرأت کردن بسؤال کردن تو با آوردن من

سحرهای ماه رمضان

ما تكره جودك وكرمك وعدتي في شدتي مع قلة حيائي رأفتك

آنچه مانع بخشش تو وکرم تست وای ذخیره من در سختیهای من با کمی حیای من مهربانی تو

ورحمتك وقد رجوت ان لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي

ورحمت تو وحال آنکه امید وارم باینکه نا امید نکنی میان این وآن آرزوی مرا پس بجا آور امید مرا

واسمع دعائي يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج عظم يا سيدي

وبشنو دعای مرا ای بهترین کسیکه خوانده او را خواننده وبهترین کسیکه امید دارد او را امید دارنده بزرگ است ای آقای من

املي وساء عملي فاعطني من عفوك بمقدار املي ولا تؤاخذني باسوأ

امید من وبد است کردار من پس بده مرا از عفو خود باندازه امید من ومگیر مرا ببدترین کردار من

عملي فان كرمك يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة

پس بدرستیکه کرم تو بزرگتر است از مکافات دادن گناهکاران وبردباری تو بزرگتر است از مکافات

المقصرين وانا يا سيدي عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز

تقصیر دارندگان وحال آنکه من ای آقای من پناه برنده ام بفضل تو گریزنده ام از تو بسوی تو خواهنده ام

ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا وما انا يا رب وما خطري

آنچه وعده کرده از در گذشتن از خوب کننده بتو گمان را وچیست مرا ای خدا من وچیست خطر من

هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك اي رب جللني بسترك واعف

ببخش مرا بفضل خود وتصدق کن بر من بعفو خود ای پروردگار من بپوشان مرا بپوشش خود ودر گذر

عن توبيخي بكرم وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو

از سرزنش نمودن من بکرم وجه خود پس اگر مطلع شود امروز بر گناهان من غیر تو نمیآوردم او را و

خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الي

اگر بترسم زود عقوبت کردن را هر آینه دوری کنم او را نه برای آنکه تو خوارکننده نظر کنندگی بسوی من

واخف المطلعين علي بل لانك يا رب خير الساترين واحكم الحاكمين

وکمتر خبر دارندگانی بر من بلکه برای آنکه تو ای پروردگار من بهترین پوشندگانی وحکم کننده ترین حکم کنندگانی

واكرم الاكرمين ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر

وبخشنده ترین بخشندگانی پوشاننده عیبهائی آمرزنده گناهانی داننده غیبهائی میپوشانی

لوالده

دعاء ابو حمزه در

الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على

گناه را بکرم خود وتاخیر میاندازی عذابرا ببردباری خود پس تراست سپاس بر

حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني

بردباری تو بعد از دانستن وبرگذشتن تو بعد از قدرت تو وباز میکند مرا وجرئت میدهد

على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني الى قلة الحياء سترك علىّ و

بر نافرمانی تو بردباری تو از من ومیخواند مرا بسوی کمی حیاء پوشانیدن تو بر من و

يسرعني الى التوثب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك وعظيم

ودلیر میاندازد مرا بسوی جستن بر حرامهای تو شناختن من بفراخی داشتن رحمت تو وبزرگ بودن

عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا

بودن عفو تو ای بردبار ای بخشنده ای زنده پاینده ای آمرزنده گناه ای پذیرنده توبه ای

عظيم المن يا قديم الاحسان اين سترك الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك

بزرگ نعمت ای دیرینه نیکی کننده کجااست پرده پوشی خوب تو کجااست گذشتن بزرگ کجااست گشایش

القريب اين غياثك السريع اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة

نزدیک تو کجااست فریادرسی زود تو کجااست رحمت فراخ تو کجااست بخشش زیاد تو

اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك السنية اين فضلك العظيم

کجااست عطاهای گوارای تو کجااست صفتهای پسندیده تو کجااست فضل بزرگ تو

اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم به وبمحمد

کجااست نعمتهای بزرگ تو کجااست نیکیهای دیرینه تو کجااست کرم تو ای کریم بحق او وبحق محمد

وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل

و آل محمد پس نجات ده مرا وبرحمت خود پس خلاصی کن مرا ای نیکی کننده ای نیکو ای نعمت دهنده ای بخشنده

لست اتكل في النجاة من عقابك على اعمالنا بل بفضلك علينا

نیستم که اعتماد کنم در نجات یافتن از عذاب تو بر اعمال خود ما بلکه بفضل تو است بر ما

لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن

بعلت اینکه تو سزاوار پرهیزکاری هستی وسزاوار آمرزشی ابتدا میکنی باحسان از روی نعمت ومیگذری از

لوالده

٢٥

سحرها رمضان

الذنب كرما فما ندري ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر

گناه از روی کرم پس چه میدانیم ما چیز را که شکر کنیم آیا نیکوئی آنچه پراکنده کنی یا زشتی آنچه بپوشانی

ام عظيم ما ابليت واوليت ام كثير ما منه نجيت وعافيت

یا بزرگی آنچه را که آزمایش وسزاوار گردانیده یا بسیاری آنچه ازاو نجات داده وعافیت داده

يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك

ای دوست دارکسی را که دوستی داشته بسوی تو وای روشنائی چشم کسی که پناه برده بتو وبریده شده بسوی تو

انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا

توئی احسان کننده وماییم گناه کننده پس درگذر ای پروردگار من از بدی آنچه نزد ماست

بجميل ما عندك واي جهل يا رب لا يسعه جودك او اي زمان

بخوبی آنچه نزد تست وکدام نادانی ای پروردگار من فرا نگیرد اورا بخشش تو یا کدام زمانیست

اطول من اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر

درازتر از زمان مدارای تو وچه قدر دارد اعمال ما در جنب نعمتهای تو وچگونه بسیار شمریم

اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم

اعمال را که برابر میکنیم با آنها بخشش ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران آنچه فرا گرفته ایشان را

من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك

از رحمت تو ای فراخ کننده آمرزشها ای پهن کننده دستها برحمت پس بحق عزت

يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك

ای آقای من اگر برانی مرا جدا نمیشوم از در رحمت تو وباز نمی ایستم از تملق کردن بتو

لما انتهى الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء

برای آنچه منتهی شد بمن از شناسائی بخشش تو وکرم تو وتوئی کننده آنچه را میخواهی

تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف

شکنجه میکنی هرکه را میخواهی بآنچه میخواهی هرقسم میخواهی ورحم میکنی هرکه را میخواهی بآنچه میخواهی هرقسم

تشاء ولا تسئل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك

خواهی وسؤال کرده نمیشوی از کارهای خود ونیست نزاعی در پادشاهی تو ونه شریکی

دعاء ابو حمزه دركر

فی أمرك ولا تضادّ فی حكمك ولا يعترض عليك أحد فی تدبيرك
دو امر تو و نيست ضدّی در حكم تو و نيست اعتراض كننده بر تو كسی در تدبيرهای تو

لك الخلق والأمر تبارك الله ربّ العالمين يا ربّ هذا مقام من لاذ
مر تراست آفريدگان و كارها مبارك است خدا پروردگار جهانيان ای پروردگار من اينمقام كسيست كه پناه

بك واستجار بكرمك وألف إحسانك ونعمك وأنت الجواد الّذی لا يضيق
درين بار جسته بكرم تو و الفت گرفته باحسان تو و نعمتهای تو و تو بخشنده هستی كه تنگ نيست

عفوك ولا ينقص فضلك ولا تقلّ رحمتك وقد توثّقنا منك بالصّفح
عفو تو و كم نيست فضل تو و كم نيست رحمت تو و بتحقيق استوار شديم ما از تو بگذشتن

القديم والفضل العظيم والرّحمة الواسعة أفتراك يا ربّ تخلف ظنوننا
قديم و فضل بزرگ و رحمت فراخ آيا پس ميبينی تو ای خدای من خلاف كنی گمانهای ما را

أو تخيّب آمالنا كلّا يا كريم فليس هذا ظنّنا بك ولا هذا فيك طمعنا
يا نا اميد كنی اميدهای ما را حاشا ای كريم پس نيست اين گمان بتو و نيست اين در طمع

يا ربّ إنّ لنا فيك أملا طويلا كثيرا إنّ لنا فيك رجاء عظيما عصيناك
ای پروردگار من بدرستيكه برای ما در تو اميدهای دراز بسيار هست بدرستيكه برای ما در تو اميدهای عظيم است نافرمانی كرديم

ونحن نرجو أن تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو أن تستجيب لنا
و ما اميدواريم اينكه بپوشانی بر ما و ميخوانيم ترا و ما اميدواريم اينكه اجابت كنی برای ما

فحقّق رجاءنا مولانا فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ولكن علمك
پس راست گردان اميدهای ما را ای مولای ما پس بتحقيق دانستيم ما آنچه را مستوجب شده ايم بكردار خودمان و لكن دانستن تو

فينا وعلمنا بأنّك لا تصرفنا عنك حثّنا على الرّغبة إليك وإن
در ما و دانستن ما بانكه تو برنميگردانی ما را از خودت برانگيزانيد ما را بر رغبت كردن بسوی تو و اگر

كنّا غير مستوجبين لرحمتك فأنت أهل أن تجود علينا وعلى
بوده باشيم غير مستحق مر رحمت ترا پس تو سزاواری اينكه ببخشی بر ما و بر

المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما أنت أهله وجد علينا فإنّا
گناهكاران برحمت وسيع خود پس منت نه بر ما بانچه تو سزاوار آنی و ببخش بر ما بدرستيكه ما

۲۵

سحرهای رمضان

محتاجون إلى نيلك يا غفّار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا
محتاجيم بسوی رحمت تو ای آمرزنده بحق نور خودت هدايت كرديم و بفضل تو بی نياز شديم ما

وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللّهمّ
و بنعمت تو صبح كرده ايم ما و شام كرده ايم ما گناهان ما پيش دست تست طلب آمرزش ميكنيم از تو خدايا

منها ونتوب إليك تتحبّب إلينا بالنّعم ونعارضك بالذّنوب خيرك
از گناهان و توبه ميكنيم بسوی تو دوستی كرده بسوی ما نعمتها و معارضه ميكنيم ما با تو گناهان خير تو

إلينا نازل وشرّنا إليك صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم
بسوی ما فرود آينده است و بديهای ما بسوی تو بالا رونده است و بود هميشه و ميباشد هميشه پادشاه كريم

يأتيك عنّا فی كلّ يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك من أن تحوطنا
می آيد ترا از ما در هر روزی بكار بدی پس منع نميكند ترا اين از آنكه احاطه كنی ما را

بنعمك وتتفضّل علينا بآلائك فسبحانك ما أحلمك وأعظمك
بنعمتهای خود و بخشش بر ما نعمتهای خود پس منزّهی تو چه چيز است بردباری تو و بزرگی تو

وأكرمك مبدئا ومعيدا تقدّست أسماؤك وجلّ ثناؤك وكرم
و كرم تو ابتدا كننده و اعاده كننده است مقدّس و منزّه است نامهای تو و بزرگست ثنای تو و خوبست

صنائعك وفعالك أنت إلهی أوسع فضلا وأعظم حلما من أن تقايسنی
صنعتهای تو و كارهای تو تو ای خدای من فراخ تر از روی فضل و بزرگتر از روی حلم از آنكه مقايسه كنی مرا

بفعلی وخطيئتی فالعفو العفو العفو سيّدی سيّدی سيّدی اللّهمّ
بكرده من و گناهان من پس در گذر در گذر در گذر ای آقای من ای آقای من خداوندا

اشغلنا بذكرك وأعذنا من سخطك وأجرنا من عذابك وارزقنا
مشغول كن ما را بياد خودت و پناه ده ما را از خشم خودت و زنهار ده ما را از عذاب خودت و روزی ده ما را

من مواهبك وأنعم علينا من فضلك وارزقنا حجّ بيتك وزيارة قبر
از بخششهای خود و انعام كن بر ما از فضل خود و روزی كن ما را زيارت خانه خود و زيارت قبر

نبيّك صلواتك ومغفرتك ورحمتك وبركاتك ورضوانك
پيغمبر خود درود تو و آمرزش تو و رحمت تو و بركتهای تو و خشنودی تو

[illegible]

دعاء ابو حمزه در

عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك

براو وبرخانواده او بدرستيكه تو نزديك اجابت كننده وروزى كن مارا كردارى كه طاعتست

وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه واله اللهم اغفر لى

وبميران مارا برملت خود وطريقه پيغمبر خود رحمت خدا براو وبرآل او خدايا بيامرز مرا

ولوالدى وارحمهما كما ربيانى صغيرا واجزهما بالاحسان احسانا

وپدر و مادر مرا ورحم كن بر ايشان چنانكه پرورش كردند از خردى وجزا بده ايشانرا بنيكى جزا دادنى

وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم

وببديها آمرزيدنى خدايا بيامرز مؤمنين ومؤمنات را زندهاى از ايشانرا

والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا و

ومردگان ايشانرا ومتابعت ده ميان ما وميان ايشان بنيكيها خدايا بيامرز زندهاى مارا ومردگان مارا و

شاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب

حاضران مارا وغائبان مارا مردان مارا وزنان مارا كوچك وبزرگ مارا آزاد ما وبنده مارا دروغ گفتند

العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم

عدول كنندگان بخدا وگمراه شدند گمراه شدن دور وزيانكار شدند زيان كارشدن آشكارا خدايا

صل على محمد وال محمد واختم لى بخير واكفنى ما اهمنى من امر دنياى

رحمت فرست بر محمد وآل محمد وختم كن براى من بخوبى وكفايت كن آنچه ضرور است مرا از كار دنياى من

واخرتى ولا تسلط على من لا يرحمنى واجعل على منك جنة واقية باقية

وآخرت من ومسلط مكن بر من كسيرا كه رحم نكند مرا وبگردان براى من از نزد خود سپر نگاهدارنده باقى

ولا تسلبنى صالح ما انعمت به على وارزقنى من فضلك رزقا واسعا

وبيرون مكن از من شايسته آنچه انعام كردى بر من وروزى كن مرا از فضل خود روزى فراخى

حلالا طيبا اللهم احرسنى بحراستك واحفظنى بحفظك و

حلال پاكيزه خدايا نگاهدار مرا بنگاهداشتن خود وحفظ كن مرا بحفظ خود و

اكلانى بكلائتك وارزقنى حج بيتك الحرام فى عامنا هذا وفى كل

[illegible] مرا بنگاهداشتن خود وروزى كن مرا زيارت خانه خود كه با حرمت است در امسال ما ودر هر

سحرهاى رمضا

عام وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام ولا تخلنى يا رب

سال وزيارت قبر پيغمبر خود وائمه بر ايشان باد درود وخالى مكن مرا اى پروردگار

من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب على حتى

از اين مكانهاى شريف وجايهاى خوب خدايا توبه ده بر من تا آنكه

لا اعصيك والهمنى الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابدا

نافرمانى نكنم ترا وبدل من انداز خير را وعمل كردن بآن وترسيدن از تو شب وروز مادامى كه

ما ابقيتنى يا رب العالمين اللهم انى كلما قلت قد تهيأت وتعبأت

باقى گذارى مرا اى پروردگار عالميان خدايا بدرستيكه من هر چند كه بگويم كه بتحقيق مهيا شده وبستعد شدم

وقمت للصلوة بين يديك وناجيتك القيت على نعاسا

وايستادم بجهة نماز پيش روى تو ورازگفتم بتو انداختى تو بر من خواب را

اذا انا صليت وسلبتنى مناجاتك اذا انا ناجيتك مالى كلما

هرگاه كه من نماز ميكردم ودور كردى از من رازهاى خود را هروقت كه راز گفتم چه شده مرا كه هروقت

قلت قد صلحت سريرتى وقرب من مجالس التوابين مجلسى عرضت

كه بگويم بتحقيق نيك شده باطن من ونزديك است از مجلسهاى توبه كنندگان مجلس من عارض شد

لى بلية ازالت قدمى وحالت بينى وبين خدمتك سيدى لعلك

مرا بليه كه لغزانيد قدم مرا وحايل شد ميان من وميان خدمت تو اى آقاى من شايد كه تو

عن بابك طردتنى وعن خدمتك نحيتنى او لعلك رايتنى

از در خود رانده مرا واز خدمت خود دور كرده مرا يا شايد كه تو ديده مرا

مستخفا بحقك فاقصيتنى او لعلك رايتنى معرضا عنك

سبك شمارنده حق ترا پس دور كرده مرا يا شايد كه تو ديده مرا اعراض كننده از خود

فقليتنى او لعلك وجدتنى فى مقام الكاذبين فرفضتنى او لعلك

پس دشمن داشته مرا يا شايد تو يافته مرا در جاى دروغ گويان پس رانده مرا يا شايد تو

رايتنى غير شاكر لنعمائك فحرمتنى او لعلك فقدتنى من مجالس

ديده مرا غير شكر كننده مر نعمتهاى خود پس محروم ساخته مرا يا شايد تو مفقود كرده مرا از مجالس

دعاء ابوحمزه ثمالی

العلماء فخذلتني او لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني

علما پس دشمن داشتی مرا یا شاید تو دیده مرا در زمره غافلان پس از رحمت خود محروم کرده مرا

او لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني

یا شاید تو دیده مرا میل کننده در مجالس بیکاران پس میان من و میان ایشان خالی کرده مرا

او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي

یا شاید تو دوست نداری اینکه بشنوی دعای مرا پس دور گردانیده مرا یا شاید تو بگناه من

وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فان

و کار بد من مکافات دهی مرا یا شاید تو بسبب کمی شرم من از تو مکافات داده مرا پس اگر

عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لان كرمك

عفو کنی ای پروردگار پس چه دور است آنچه عفو کرده از گناه کاران پیش از من بعلت اینکه اکرام کنی تو

اي رب يجل عن مجازات المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات

ای پروردگار من بزرگست از جزا دادن گناهکاران را و بردباری تو بزرگتر است از پاداش دادن

المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت

کوتاهی کنندگان و من پناه برنده ام بفضل تو گریزانم از تو بسوی تو جزم کننده ام آنچه وعده کرده

من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي انت اوسع فضلا واعظم

از گذشتن از کسیکه خوب کرده است بتو گمان را خدایا تو فراخ تری از روی فضل و بزرگتری

حلما من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما انا يا سيدي

از روی حلم از اینکه مقایسه کنی مرا بکردار من یا آنکه خوار کنی مرا بگناهان من و چه من ای آقای من

وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق علي بعفوك

و آنچه بدل من خطور کرده ببخش مرا بفضل خود ای آقای من و راستگردان بر من بعفو خود

وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي

و بپوشان مرا بپرده خود و درگذر از سرزنش کردن من بکرم ذات خود آقای من

انا الصغير الذي ربيته وانا الجاهل الذي علمته وانا الضال

من صغیر بودم که پرورش دادی مرا و من نادان بودم که آموختی مرا و من گمراه بودم

سحرهای رمضان

الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا الخائف الذي آمنته

که راه نموده مرا و منم که پست بودم که بلند کردی مرا و منم ترسان که ایمن گردانیده مرا

وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته والعاري

و من گرسنه بودم که سیر کردی مرا و تشنه بودم که سیراب گردانیدی مرا و برهنه بودم

الذي كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي قويته و

که پوشانیدی مرا و فقیر بودم که بی نیاز کردی مرا و ناتوان بودم که توانا کردی مرا و

الذليل الذي اعززته والسقيم الذي شفيته والسائل الذي اعطيته

خوار بودم که عزیز کردی مرا و بیمار بودم که شفا دادی مرا و سوال کننده بودم که بخشش کردی مرا

والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي اقلته وانا القليل الذي

و گناهکار بودم که پوشیدی اورا و خطاکار بودم که شمردی اورا و من کم کننده بودم که

كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا الطريد الذي آويته

بسیار کردی اورا و ناتوانا بودم که یاری کردی اورا و من رانده شده بودم که جای دادی اورا

انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك في الملاء انا

منم ای پروردگار که حیا نکردم از تو در خلوتها و مراقبت نکردم در آشکار منم

صاحب الدواهي العظمى انا الذي على سيده اجترى انا الذي

دارای جنایتهای بزرگ منم آنکه بر آقای خود جرات کردم منم آنکه

عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على معاصي الجليل

نافرمانی کردم خدای جبار آسمانرا منم آنکه میدهم بر معاصی گناهان بزرگ

الرشى انا الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني

رشوها منم آنکه و بشارت داده شده بودم باو بیرون رفتم بسوی آن سعی کردم منم آنکه مهلت دادی مرا

فما ارعويت وسترت علي فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت

پس رعایت نکردم و پوشیدی بر من پس شرم نکردم و بنافرمانی کار نمودم پس از حد تعدی کردم

واسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني

و انداختی مرا از چشم خود پس چه باک داشتم پس بحلم خود مهلت دادی مرا و بپرده خود پوشانیدی

دعاء ابو حمزه در

حتى كأنك أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك

تا آنکه گویا تو غافل نموده مرا وازعقوبتهای گناهان من دور کرده مرا تا آنکه گویا تو

استحييتني إلهي لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد

شرم کرده مرا خدایا نافرمانی نکردم ترا وقتیکه نافرمانی کردم ترا و من بخدائی تو منکر بودم

ولا بأمرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون

و بامر تو سبک شمرنده بودم و بعذاب تو معترض و بوعدهای عذاب تو اهانت کننده

ولكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي وأعانني عليها

ولکن خطائیکه عارض شد جلوه کرده بود برای من نفس من و غلبه کرده بود خواهش من و یاری کرده

شقوتي وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي

شقاوت من و مغرور کرده بود مرا پرده پوشی تو بر من پس بتحقیق نافرمانی کردم ترا و مخالفت کردم بسعی خود

فالآن من عذابك من يستنقذني ومن أيدي الخصماء غدا من يخلصني

پس اکنون از عذاب تو که خلاصی میدهد مرا و از دست دشمنان فردا که میرهاند مرا

وبحبل من أتصل إن أنت قطعت حبلك عني فوا سوأتا على ما أحصى

و بریسمان که پیوند شوم اگر تو ببری ریسمان خود را از من پس وای بر رسوائی من بر آنچه شمار کرده

كتابك من عملي الذي لولا ما أرجو من كرمك وسعة رحمتك و

نوشتهای تو از کردار من که اگر نمیبود آنچه را که امید دارم من از کرم تو و فراخی رحمت تو و

نهيك إياي عن القنوط لقنطت عندما أتذكرها يا خير من دعاه داع

نهی کردن تو مرا از ناامیدی هر آینه ناامید میشدم وقتیکه یاد کنم آنرا ای بهترین کسیکه بخواند او را خواننده

وأفضل من رجاه راج اللهم بذمة الإسلام أتوسل إليك و

و فاضلترین کسیکه امید دارد او را امیدوار خدایا من بعهدهای اسلام چنگ میزنم بسوی تو

بحرمة القرآن أعتمد عليك وبحبي النبي الأمي القرشي الهاشمي

بحرمت قرآن تکیه میکنم بر تو و بدوستی من پیغمبر امی قرشی هاشمی

العربي التهامي المكي المدني أرجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس

عربی تهامی مکی مدنی امیدوارم نزدیکی بنزد ترا پس بوحشت مینداز انس گرفتن

سحرها

إيماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فإن قوما آمنوا بألسنتهم

ایمان مرا و مگردان ثواب مرا ثواب کسیکه پرستید غیر ترا پس بدرستیکه قومی ایمان آوردند بزبانهای خود

ليحقنوا به دماءهم فأدركوا ما أملوا وإنا آمنا بك بألسنتنا و

تا آنکه حفظ کنند بسبب آن خونهای خود را پس دریافتند آنچه آرزو داشتند و ما ایمان آوردیم بتو بزبانهای خود و

قلوبنا لتعفو عنا فأدرك بنا ما أملنا وثبت رجاءك في صدورنا

دلهای ما تا آنکه عفو کنی از ما پس برسان ما را بآنچه آرزو داریم و ثابت کن امید خود را در سینهای ما

ولا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت

و میل مده دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو

الوهاب فوعزتك لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت

بخشاینده پس بعزت تو اگر برانی مرا جدا نمیشوم از در تو و دست بر نمیدارم

عن تملقك لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك إلى

از تملق گفتن تو برای آنچه افتاده است بدل من از شناختن تو بکرم تو و فراخی رحمت تو بسوی

من يذهب العبد إلا إلى مولاه وإلى من يلتجئ المخلوق إلا إلى خالقه

که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی که پناه میبرد مخلوق مگر بسوی خالق خود

إلهي لو قرنتني بالأصفاد ومنعتني سيبك من بين الأشهاد ودللت

خدایا اگر ببندی مرا در غلها و باز داری مرا از عطای خود از میان حاضران و دلالت کنی

على فضائحي عيون العباد وأمرت بي إلى النار وحلت بيني وبين

بر رسوائیهای من چشمهای بندگان را و امر کنی بردن مرا بسوی آتش و حائل شوی میان من و میان

الأبرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت تأميلي للعفو عنك و

نیکوکاران نمیبرم امید خود را از تو و بر نمیگردانم امید خود را از عفو تو و

لا خرج حبك من قلبي أنا لا أنسى أياديك عندي وسترك علي في دار

بیرون نمیرود دوستی تو از دل من و من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا که نزد من است و پرده پوشی تو بر من در

الدنيا يا سيدي صل على محمد وآل محمد وأخرج حب الدنيا من قلبي

دنیا ای آقای من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من

دعای ابو حمزه

وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ الْمُصْطَفى وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخاتَمِ النَّبِيّينَ

و درآم از میان من و میان مصطفی و آل او که برگزیده تواند از خلق تو که آن خاتم پیغمبران است

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْني إِلى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِنّي

محمد رحمت کند خدا بر او و آل او و نقل کن مرا بدرجه توبه کاران بسوی تو و یاری ده مرا

بِالْبُكاءِ عَلى نَفْسي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْويفِ وَالْآمالِ عُمْري وَقَدْ نَزَلْتُ

بگریستن بر نفس خودم پس بتحقیق نابود کرده ام بدفع الوقت و آرزوها عمر خود را و فرود آورده ام

مَنْزِلَةَ الْآيِسينَ مِنْ خَيْري فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَءَ حالاً مِنّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلى

بمنزله ناامیدان از خیر خودم پس کیست که باشد بدحال تر از من اگر من نقل کرده شوم بر

مِثْلِ حالي إِلى قَبْرٍ لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجْعَتي وَ

مانند حال من بسوی قبر که هموار نکنم او را برای خوابیدن خودم و فرش نکنم او را بکردار شایسته برای پهلو نهادن خودم و

ما لي لا أَبْكي وَلا أَدْري إِلى ما يَكُونُ مَصيري وَأَرى نَفْسي تُخادِعُني وَأَيّامي

چیست مرا که گریه نکنم و نمیدانم بسوی چه چیز باشد بازگشت مرا و می‌بینم نفس خود را که حیله میکند با من و روزگار

تُخاتِلُني وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ فَما لي لا أَبْكي أَبْكي

مکر میکند با من و بتحقیق که آواز میکند نزد سر من بالهای مرگ پس چیست مرا که نگریم بگریم

لِخُرُوجِ نَفْسي أَبْكي لِظُلْمَةِ قَبْري أَبْكي لِضيقِ لَحْدي أَبْكي لِسُؤالِ مُنْكَرٍ

برای بیرون رفتن جان من بگریم برای تاریکیهای قبر خود بگریم برای تنگی لحد خود بگریم برای سؤال منکر

وَنَكيرٍ إِيّايَ أَبْكي لِخُرُوجي مِنْ قَبْري عُرْياناً ذَليلاً حامِلاً ثِقْلي عَلى ظَهْري

و نکیر مرا بگریم برای بیرون رفتن من از قبر برهنه خوار بردارنده سنگینی بودن گناه بر پشت

أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَميني وَأُخْرى عَنْ شِمالي إِذِ الْخَلائِقُ في شَأْنٍ غَيْرِ

نگاه میکنم یکبار از راست خود و دیگر بار از جانب چپ خود زیرا که خلایق در شغلی هستند غیر از

شَأْني لِكُلِّ امْرِءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ

شغل من برای هر مردی از ایشان در آن روز شغلی هست که بی نیاز کند او را از دیگری روهائی در آن روز تابان است

ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ تَرْهَقُها قَتَرَةٌ

خندان شادان است و روهائی در آن روز هست که بر آنها گرد است و گرفته تاریکی سیاه

سحرهای رمضان

وَذلِكَ سَيِّدي عَلَيْكَ مُعَوَّلي وَمُعْتَمَدي وَرَجائي وَتَوَكُّلي وَ

و خواری ای آقای من بر تست اعتماد من و پشت گرمی من و امید من و توکل من و

بِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي تُصيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشاءُ وَتَهْدي بِكَرامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ

برحمت تو تعلق منست میرسانی برحمت خود هر کرا خواهی و رهنمائی میکنی بکرامت خود هر که دوست

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى ما نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى بَسْطِ لِساني

پس برای تست حمد بر آنچه پاک نموده از شرک دل مرا و برای تست حمد بر پهن کردن زبان من

أَفَبِلِساني هذَا الْكالِّ أَشْكُرُكَ أَمْ بِغايَةِ جُهْدي في عَمَلي أُرْضيكَ وَ

آیا پس بزبان من این بازمانده گی شکر کنم ترا یا به نهایت جهد کردن من در کردار خودم خوشنود کنم ترا و

ما قَدْرُ لِساني يا رَبِّ في جَنْبِ شُكْرِكَ وَما قَدْرُ عَمَلي في جَنْبِ

چه قدر دارد زبان من ای پروردگار من در جنب شکر تو و چه قدر دارد کردار من در جنب

نِعَمِكَ وَإِحْسانِكَ إِلَيَّ إِلّا أَنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلي وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلي

نعمت تو و احسان تو بسوی من مگر اینکه بخشش تو پهن نموده آرزوی مرا و شکر تو قبول کرده عمل مرا

سَيِّدي إِلَيْكَ رَغْبَتي وَمِنْكَ رَهْبَتي وَإِلَيْكَ تَأْميلي وَقَدْ ساقَني

ای آقای من بسوی تست رغبت من و از تست ترس من و بسوی تست امید من و شوق داده است مرا

إِلَيْكَ أَمَلي وَعَلَيْكَ يا واحِدي عَكَفَتْ هِمَّتي وَفيما عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ

بسوی تو آرزوی من و بر تو ای یگانه اقبال کرده همت من و در آنچه نزد تست هم

رَغْبَتي وَلَكَ خالِصُ رَجائي وَخَوْفي وَبِكَ أَنِسَتْ مَحَبَّتي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ

رغبت من و مر تراست امیدهای خالص من و ترس من و بتو انس گرفته دوستی من و بسوی تو انداختم

بِيَدي وَبِحَبْلِ طاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتي يا مَوْلايَ بِذِكْرِكَ عاشَ قَلْبي

دست خود را و بریسمان فرمانبرداری تو کشیدم خوف خودم را ای آقای من بیاد تو زنده است دل من

وَبِمُناجاتِكَ بَرَّدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنّي فَيا مَوْلايَ وَيا مُؤَمَّلي وَيا مُنْتَهى

و براز گفتن تو سرد کردم درد ترس را از خودم پس ای آقای من وای امید من وای انتهای

سُؤْلي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَ ذَنْبِيَ الْمانِعِ لي مِنْ

سوال من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و جدائی انداز میان من و میان گناه من که باز دارنده است مرا از

منفرّعا

دعاء ابو حمزه

لزوم طاعتك فانما اسئلك لقديم الرجاء فيك وخوفي اليك

وعظيم الطمع منك الذي اوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة

والامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي

قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا

انقطعت حجتي وكلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك اياي

لبي فيا عظيم رجائي ولا تخيبني اذا اشتدت فاقتي اليك ولا تردني

لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي سيدي

عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك

احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي رب استفتح دعائي

ولديك ارجو جبر فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي والى

جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني

بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي

الی الله ۳۸

سحرهای رمضان

لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا

تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان كان قد دنى اجلي و

لم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل

عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل

منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي

القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك

ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميين من عملي وادم لي ما

به سترتني وارحمني صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي و

تفضل علي ممدودا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وتحنن

علي محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي وجد علي منقولا

قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد

غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك ان وكلتني الى نفسي

دعاء ابو حمزه در

هَلَكْتُ سَيِّدي فَبِمَنْ أَسْتَغيثُ إِنْ لَمْ تُقِلْني عَثْرَتي وَإِلى مَنْ أَفْزَعُ

هلاک شوم ای آقای من پس بکه استغاثه کنم اگر کم نکنی لغزش مرا و بسوی که جزع کنم

إِنْ فَقَدْتُ عِنايَتَكَ في ضَجْعَتي وَإِلى مَنْ أَلْتَجِئُ إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتي

اگر نیابم عنایت ترا در خوابگاه خود و بکه ملتجی شوم اگر بر طرف نکنی سختی مرا

سَيِّدي مَنْ لي وَمَنْ يَرْحَمُني إِنْ لَمْ تَرْحَمْني وَفَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ

ای آقای من کیست برای من و کیست که رحم کند مرا اگر رحم نکنی مرا و فضل که را امید وارم با آنکه معدوم کنم

فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتي وَإِلى مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضى أَجَلي سَيِّدي

فضل ترا در روز سختی من و بسوی که بگریزم از گناهان وقتی که آخر آید مدت من ای آقای من

لا تُعَذِّبْني وَأَنَا أَرْجُوكَ اللّٰهُمَّ حَقِّقْ رَجائي وَآمِنْ خَوْفي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبي

عذاب مکن مرا و من امید وارم ترا خدایا سزاوار کن امید مرا و ایمن گردان ترس مرا بدرستیکه زیادتی گناهان من

لا أَرْجُو فيها إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدي أَنَا أَسْأَلُكَ ما لا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ

امید ندارم در آن مگر عفو ترا ای آقای من من در خواست کنم چیزها که مستحق نیستم و حال آنکه تو

أَهْلُ التَّقْوى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لي وَأَلْبِسْني مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً

سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از نظر خود جامه

يُغَطّي عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعاتِ وَتَغْفِرُها لي وَلا أُطالَبُ بِها إِنَّكَ ذُو

که بپوشاند بر من گناهان را و عقوبت را و بیامرزی آنرا برای من و مطالبه کرده نشوم بآن بدرستیکه تو صاحب

مَنٍّ قَديمٍ وَصَفْحٍ عَظيمٍ وَتَجاوُزٍ كَريمٍ إِلهي أَنْتَ الَّذي تُفيضُ سَيْبَكَ

نعمت قدیمی و بخشش بزرگی و درگذرنده کریمانه خدایا تو آنکسی هستی که میریزی بخششهای خود را

عَلى مَنْ لا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدي

بر کسیکه سوال نکند ترا و بر منکران پروردگاری تو پس چگونه ای آقای من

بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ

بکسیکه سوال کند ترا و یقین دارد اینکه خلق مخصوص تو است و کار بسوی تست مبارکی تو منزه و بلندی تو

يا رَبَّ الْعالَمينَ إِلهي وَسَيِّدي عَبْدُكَ بِبابِكَ أَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ

ای پروردگار جهانیان خدای من ای آقای من بنده تو بر در سرای تو باز داشته است احتیاج خود را

سحرهای رمضان

بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بابَ إِحْسانِكَ بِدُعائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَميلَ نَظَرِكَ

بنزد روی تو میکوبد در احسان ترا بدعای خود و مهربانی میجوید از جمیل نظر تو

بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ عَنّي وَاقْبَلْ مِنّي ما أَقُولُ

به پنهانی امید خود پس رو مگردان بذات کریم خودت از من و قبول کن از من آنچه را که گویم

فَقَدْ دَعَوْتُكَ بِهذَا الدُّعاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لا تَرُدَّني مَعْرِفَةً مِنّي

پس بتحقیق خوانده ام ترا باین دعا و من امید وارم که رد نکنی مرا بجهة شناختن من

بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلهي أَنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ

بسبب رأفت و رحمت خود خدای من توئی آنکه خالی نمیکند سوال کننده و کم نمیکند ترا

نائِلٌ أَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ صَبْراً

بخششها تو همچنانیکه گفتی و بالاتر از آنکه میگوئیم ما خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از صبری

جَميلاً وَفَرَجاً قَريباً وَقَوْلاً صادِقاً وَأَجْراً عَظيماً أَسْأَلُكَ يا رَبِّ مِنَ

نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و اجری بزرگ سوال میکنم ترا ای پروردگار من

الْخَيْرِ كُلِّهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أَعْلَمْ أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ ما سَأَلَكَ

خیر همه از آن آنچه را که میدانم از او و آنچه را که نمیدانم میخواهم ترا خدایا از بهترین آنچه سوال میکنند ترا

مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أَعْطى أَعْطِني

از او بندگان شایسته ها ای بهترین کسیکه سوال کرده شده و بخشنده ترین بخشندگان بده مرا

سُؤْلي في نَفْسي وَأَهْلي وَوَلَدي وَوالِدَيَّ وَأَهْلِ حُزانَتي وَإِخْواني فيكَ

سوالهای مرا در نفس من و اهل من و فرزندان من و پدران من و اهل و خویشان و برادران من در دوستی تو

وَأَرْغِدْ عَيْشي وَأَظْهِرْ مُرُوَّتي وَأَصْلِحْ جَميعَ أَحْوالي وَاجْعَلْني مِمَّنْ

و خوش گردان عیش مرا و هویدا گردان مروت مرا و اصلاح کن همه احوال مرا و بگردان مرا از آنکسانیکه

أَطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَأَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضيتَ

دراز نموده عمر شانرا و نیکو گردانیده کار او را و تمام نموده بر او نعمت خود را و خوشنودی

عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيوةً طَيِّبَةً في أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكَرامَةِ وَأَتَمِّ

از او و زنده کردانیده او را بزندگانی پاکیزه در خوشحالی همیشگی و زیاد بودن بخششها و تمام بودن

لقضاء

دعاء ابو حمزه در سحرهای رمضان

الْعَيْشِ اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاۤءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاۤءُ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ

عیش درستیکه تو میکنی انچه را میخواهی ونمیکنی انچه را میخواهد غیر تو خدایا

وَخُصَّنِيْ مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اَتَقَرَّبُ بِهِ فِيْ اٰنَاۤءِ

ومخصوص کردان مرا از جانب خودت بخاصه کرد کر خواست ومکردان چیزیرا از انچه نزدیکی جویم باو در اوقات

اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاۤءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اَشَرًا وَلَا بَطَرًا وَاجْعَلْنِيْ

شب واطراف روز ریاء ونه سمعه ونه شادی تکبر وشادی کند ومکردان مرا

لَكَ مِنَ الْخَاشِعِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْاَمْنَ فِي الْوَطَنِ

برای خود از فروتنان خدایا بده مرا فراخی در روزی وامنیت در وطن

وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامِ فِيْ نِعَمِكَ عِنْدِيْ وَ

وروشنائی چشم را در اهل ومال وفرزند ومکان را در نعمتهای خودت نزد من و

الصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّيْنِ وَاسْتَعْمِلْنِيْ

صحت را در جسم من وقوت را در بدن من وسلامت را در دین وادار مرا

بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

بفرمان برداری خودت وفرمان برداری پیغمبرت محمد واهل خانه او رحمت خدا براو وآل او

اَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِيْ وَاجْعَلْنِيْ مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيْبًا

همیشه انچه را که عمر داده مرا ومکردان مرا از وافرترین بندگان خودت نزد خود بهره

فِيْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَنْتَ

در هر چیزیکه فرو فرستاده او را وفرستاده او را در ماه رمضان در شب قدر وانچه که تو

مُنْزِلُهُ فِيْ كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا

فرستادی او را در هر سال از رحمت که پراکنده کرده او را وعافیتیکه پوشانیده او را وبلائیکه برداشته او را

وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِيْ حَجَّ بَيْتِكَ

ونیکیهائیکه بپذیرفته انها را وبدیهائیکه درگذشته از انها وروزی کن مرا حج خانه خود

الْحَرَامِ فِيْ عَامِنَا هٰذَا وَفِيْ كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِيْ رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ

که با احترام است در امسال که هستیم در آن ودر هر سال وروزی کن مرا روزی فراخی از فضل خودت

التوبة

۳۱

سحرهای رمضان

الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّيْ يَا سَيِّدِيَ الْاَسْوَاۤءَ وَاقْضِ عَنِّيَ الدَّيْنَ وَالظُّلَامَاتِ

که فراخست وبکردان از من ای آقای من بدیها را وادا کن از من قرض را وبار ستمها را

حَتّٰى لَا اَتَاَذّٰى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّيْ بِاَسْمَاعِ اَعْدَاۤئِيْ وَاَبْصَارِ اَعْدَاۤئِيْ

تا اینکه مبادا متاذی شوم بچیزی از ان وبگیر از من گوشهای دشمنان من وچشمهای دشمنان من

وَحُسَّادِيْ وَالْبَاغِيْنَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِيْ عَلَيْهِمْ وَاَقِرَّ عَيْنِيْ وَفَرِّجْ

وحاسدان من وظلم کنندگان بر من ویاری ده مرا بر ایشان وروشن کن چشم مرا وگشایش ده

قَلْبِيْ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ هَمِّيْ وَكَرْبِيْ فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْۤءٍ

دل مرا وبکردان برای من از هم مرا وشدتم را فرجی وخروجی وبکردان هر که اراده کند مرا به بدی

مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِيْ شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ

از همه خلقت زیر قدم من وباز دار از من شر شیطان را وشر پادشاه را

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِيْ وَطَهِّرْنِيْ مِنَ الذُّنُوْبِ كُلِّهَا وَاَجِرْنِيْ مِنَ النَّارِ

وبدیهای کردار مرا وپاک کردان مرا از گناهان همه انها را وپناه ده مرا از آتش

بِعَفْوِكَ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِيْ مِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ

بآمرزش خودت وداخل کن مرا بهشت برحمت خودت وزن ده مرا از حور العین

بِفَضْلِكَ وَاَلْحِقْنِيْ بِاَوْلِيَاۤئِكَ الصَّالِحِيْنَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الْاَبْرَارِ

بفضل خود وملحق کردان مرا بدوستان شایستگان خودت محمد وآل او که نیکانند

الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الْاَخْيَارِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ وَعَلٰى اَرْوَاحِهِمْ

پاکانند پاکیزگانند برگزیدگانند رحمت خدا برایشان وبر روحهای ایشان

وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اِلٰهِيْ وَسَيِّدِيْ وَعِزَّتِكَ وَ

وجسدهای ایشان ورحمت خدا وبرکتهای خدای من وآقای من قسم بعزت تو و

جَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِيْ بِذُنُوْبِيْ لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ

بزرگی تو هر اینه اگر طلبی مرا بگناهان من میطلبم ترا بآمرزش تو وهر اینه اگر

طَالَبْتَنِيْ بِلُؤْمِيْ لَاُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ

طلب کنی مرا بسرزنش کردن من هر اینه طلب کنم ترا بکرم تو وهر اینه اگر داخل کنی مرا در آتش

فذکر

دعای ابو حمزهٔ ثمالی

لاُخبِرَنَّ اَهلَ النّارِ بِحُبّی لَکَ اِلٰهی وَسَیِّدی اِن کُنتَ لا تَغفِرُ اِلّا لِاَولِیآئِ

هر آینه خبر کنم اهل آتش را بدوستی من ترا خدای من و آقای من اگر بودی تو که نیامرزی مگر دوستان خود را

وَاَهلِ طاعَتِکَ فَاِلیٰ مَن یَفزَعُ المُذنِبُونَ وَاِن کُنتَ لا تُکرِمُ اِلّا

واهل طاعت خود را پس بسوی که جزع کنند گناهکاران واگر بوده باشی که گرامی نداری مگر

اَهلَ الوَفآءِ بِکَ فَبِمَن یَستَغیثُ المُسیئُونَ اِلٰهی اِن اَدخَلتَنِی النّارَ

اهل وفای بتو را پس بکه استغاثه کنند گناهکاران خدایا اگر داخل کنی مرا در آتش

فَفی ذٰلِکَ سُرُورُ عَدُوِّکَ وَاِن اَدخَلتَنِی الجَنَّةَ فَفی ذٰلِکَ سُرُورُ

پس در این باب خوشحالی دشمن تست واگر در آوری مرا در بهشت پس در این باب خوشحالی

نَبِیِّکَ وَاَنا وَاللّٰهِ اَعلَمُ اَنَّ سُرُورَ نَبِیِّکَ اَحَبُّ اِلَیکَ مِن سُرُورِ

پیغمبر تست ومن قسم بخدا که میدانم اینکه خوشحالی پیغمبر تو دوست تر است نزد تو از شادی

عَدُوِّکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ اَن تَملَاَ قَلبی حُبّاً لَکَ وَخَشیَةً مِنکَ

دشمن تو خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا اینکه پر کنی دل مرا از دوستی که برای تست وخوفی که از تست

وَتَصدیقاً بِکِتابِکَ وَاِیماناً بِکَ وَفَرَقاً مِنکَ وَشَوقاً اِلَیکَ یا ذَا

و راستی که بکتاب تست و ایمانی که بتواست و هراسی که از تست وشوقیکه بسوی تست ای صاحب

الجَلالِ وَالاِکرامِ حَبِّب اِلَیَّ لِقآئَکَ وَاَحبِب لِقآئی وَاجعَل لی فی

بزرگی وکرم دوست کن بسوی من ملاقات خود را ودوست دار ملاقات مرا وبگردان مرا در

لِقآئِکَ الرّاحَةَ وَالفَرَجَ وَالکَرامَةَ اَللّٰهُمَّ اَلحِقنی بِصالِحِ مَن مَضیٰ

ملاقات کردن خود راحت وگشایش وکرامت را خدایا ملحق گردان مرا بصالحان که گذشته اند

وَاجعَلنی مِن صالِحِ مَن بَقِیَ وَخُذ بی سَبیلَ الصّالِحینَ وَاَعِنّی

وبگردان مرا از صالحانیکه باقی مانده اند وبگیر برای من راههای صالحان را ویاری کن مرا

عَلیٰ نَفسی بِما تُعینُ بِهِ الصّالِحینَ عَلیٰ اَنفُسِهِم وَاختِم عَمَلی بِاَحسَنِهِ

بر نفس خودم بچیزیکه اعانت کرده ای صالحان را ونفسهای ایشان وباخر برسان عمل مرا ببهترین عملها

وَاجعَل ثَوابی مِنهُ الجَنَّةَ بِرَحمَتِکَ یا رَبَّ العالَمینَ وَاَعِنّی عَلیٰ

وبگردان ثواب مرا از آن بهشت برحمت خود ای پروردگار جهانیان ویاری کن مرا بر

التوبة ٣١

سحرهای رمضان

صالِحِ ما اَعطَیتَنی وَثَبِّتنی یا رَبِّ وَلا تَرُدَّنی فی سُوءٍ اِستَنقَذتَنی

بر صلحیت انچه عطا کرده مرا وثابت دار مرا ای پروردگار من وبرمگردان مرا در بدی که خلاص کرده مرا

مِنهُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ اِیماناً لا اَجَلَ لَهُ دُونَ لِقآئِکَ اَحیِنی ما

از ان خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ایمانیرا که نیست مدت را از برای ان غیر از ملاقات کردن تو زنده بدار مرا تا

اَحیَیتَنی عَلَیهِ وَتَوَفَّنی اِذا تَوَفَّیتَنی عَلَیهِ وَابعَثنی اِذا بَعَثتَنی

زنده گردانیده مرا بران وبمیران مرا وقتیکه میرانی مرا بران وبرانگیزان مرا وقتیکه بر انگیزانی مرا

عَلَیهِ وَاَبرِئ قَلبی مِنَ الرِّیآءِ وَالشَّکِّ وَالسُّمعَةِ فی دینِکَ

بران وبیزار کن دل مرا از ریا وشک وشنوانیدن بمردم در دین خود

حَتّیٰ یَکُونَ عَمَلی خالِصاً لَکَ اَللّٰهُمَّ اَعطِنی بَصیرَةً فی دینِکَ وَفَهماً

تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برای تو خدایا بده مرا بینائی در دین خودت ودانائی

فی حُکمِکَ وَفِقهاً فی عِلمِکَ وَکِفلَینِ مِن رَحمَتِکَ وَوَرَعاً یَحجُزُنی

در حکم تو ودانشی در علم خود ودو برابری از رحمت تو وپرهیزکاری که مانع کند

عَن مَعصِیَتِکَ وَبَیِّض وَجهی بِنُورِکَ وَاجعَل رَغبَتی فیما عِندَکَ

از نافرمانی تو وسفید کردان روی مرا بنور خودت وبگردان رغبت مرا در چیزیکه نزد تست

وَتَوَفَّنی فی سَبیلِکَ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَآلِهِ

وبمیران مرا در راه خودت ودر مذهب پیغمبرت رحمت خدا بر او وآل او باد

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَالفَقرِ وَالفَشَلِ وَالهَمِّ وَالجُبنِ

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از کاهلی وبیچیزی وفشل وهم وترس

وَالبُخلِ وَالغَفلَةِ وَالقَسوَةِ وَالذِّلَّةِ وَالمَسکَنَةِ وَالفَقرِ وَالفاقَةِ

وبخل وبیخبری وسخت دلی وخواری ودرویشی وفقر وفاقه

وَکُلِّ بَلِیَّةٍ وَالفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وَما بَطَنَ وَاَعُوذُ بِکَ مِن نَفسٍ

وهر بلیه وناخوشی از انچه هویداست از آن وانچه پنهانست وپناه میبرم بتو از نفسیکه

لا تَقنَعُ وَبَطنٍ لا یَشبَعُ وَقَلبٍ لا یَخشَعُ وَدُعآءٍ لا یُسمَعُ وَعَمَلٍ لا یَنفَعُ

قانع نیست وشکمی که سیر نمیشود ودلیکه خاشع نیست ودعائیکه مستجاب نیست وعملی که نفع ندهد

دعای ابوحمزه در سحر

وَصَلوةٍ لا تُرْفَعُ وَاَعُوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلى نَفْسي وَوُلْدي وَديني وَمالي

ونمازیکه بالا نمیرود وپناه میبرم بتو ای پروردگار من بر نفس خودم وفرزندانم ودینم ومالم

وَعَلى جَميعِ ما رَزَقْتَني مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ اِنَّكَ اَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ

وبر همه چیزی که روزی کردی از دیو رانده شده بدرستیکه تو شنونده دانائی

اَللّهُمَّ اِنَّهُ لا يُجيرُني مِنْكَ اَحَدٌ وَلا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً فَلا

خدایا بدرستیکه پناه نمیدهد مرا از تو احدی ونمییابم از غیر تو پناهی پس

تَجْعَلْ نَفْسي في شَيْءٍ مِنْ عَذابِكَ وَلا تَرُدَّني بِهَلَكَةٍ وَلا تَرُدَّني بِعَذابٍ

مگردان نفس مرا در چیزی از عذاب تو ورد مکن مرا بهلکه ومیفکن مرا در عذاب

اَليمٍ تَقَبَّلْ مِنّي وَاَعْلِ ذِكْري وَارْفَعْ دَرَجَتي وَحُطَّ وِزْري وَلا

دردناک قبول کن از من وبلند کن ذکر مرا وبلند گردان مرتبه مرا وبریز وزر مرا و

تَذْكُرْني بِخَطيئَتي وَاجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسي وَثَوابَ مَنْطِقي وَثَوابَ دُعائي

یاد مکن مرا بخطاهای من وبگردان ثواب مجلس مرا وثواب سخن گفتن مرا وثواب دعای مرا

رِضاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِني يا رَبِّ جَميعَ ما سَاَلْتُكَ وَزِدْني مِنْ

خوشنودی خود وبهشت وبده مرا ای پروردگار من همه آنچه درخواست کرده‌ام وزیاد کن مرا از

فَضْلِكَ اِنّي اِلَيْكَ راغِبٌ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ في

فضل خود بدرستیکه من بتو میل کننده‌ام ای پروردگار جهانیان خدایا بدرستیکه تو فرستاده در

كِتابِكَ الْعَفْوَ وَاَمَرْتَنا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا وَقَدْ ظَلَمْنا اَنْفُسَنا فَاعْفُ

کتاب خود عفو را وامر کرده ما را اینکه عفو کنیم از کسیکه ستم کند ما را وبتحقیق ستم کردیم ما نفسهای خود را پس بگذر

عَنّا فَاِنَّكَ اَوْلى بِذلِكَ مِنّا وَاَمَرْتَنا اَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً عَنْ اَبْوابِنا

از ما پس بدرستیکه تو سزاوارتری باین از ما وامر کرده ما را اینکه رد نکنیم سائلی را از درهای خود ما

وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً فَلا تَرُدَّني اِلاّ بِقَضاءِ حاجَتي وَاَمَرْتَنا بِالاِحْسانِ

وبتحقیق آمده‌ام ترا درحالیکه سؤال کننده‌ام پس رد مکن مرا مگر برآوردن حاجتم وفرمان داده ما را باحسان

اِلى ما مَلَكَتْ اَيْمانُنا وَنَحْنُ اَرِقّاؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النّارِ يا مَفْزَعي

بسوی آنچه مالک شده دستهای ما وما بندگان توایم پس آزاد کن گردنهای ما را از آتش ای پناهگاه من

التوبة ٣١

دعای سحر رمضان

عِنْدَ كُرْبَتي وَيا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ

نزد غمهای من وای فریادرس من نزد سختیهای من بسوی تو جزع میکنم وبتو استغاثه میکنم

وَلُذْتُ لا اَلُوذُ بِسِواكَ وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلاّ مِنْكَ فَاَغِثْني وَ

و پناه میبرم پناه نمیبرم بغیر تو ونمیجویم گشایش را مگر از تو پس بفریاد برس مرا و

فَرِّجْ عَنّي يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ وَ

خوشحال نما مرا ای آنکه میپذیرد اندک را ودرمیگذرد از بسیار قبول کن از من اندک را و

اعْفُ عَنِّي الْكَثيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ ايماناً تُباشِرُ

درگذر از بسیار بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی خدایا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو ایمانیکه مباشر شود

بِهِ قَلْبي وَيَقيناً صادِقاً حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَني اِلاّ ما كَتَبْتَ لي وَ

باو دل من ویقین راستی را تا آنکه بدانم اینکه هرگز نمیرسد بمن مگر آنچه نوشته برای من و

رَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ومختصر زین يا مَفْزَعي

خوشنود کن مرا از زندگانی بانچه قسمت کرده برای من ای بخشنده‌ترین بخشندگان دعای سحر ای پناه دهنده من

عِنْدَ كُرْبَتي وَيا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَ

نزد غمهای من وای فریادرس من نزد سختیهای من بسوی تو جزع میکنم وبتو فریاد خواهی میکنم و

بِكَ لُذْتُ لا اَلُوذُ بِسِواكَ وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلاّ مِنْكَ فَاَغِثْني وَفَرِّجْ

عَنّي يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ وَاعْفُ عَنِّي

الْكَثيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ

قَلْبي وَيَقيناً حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَني اِلاّ ما كَتَبْتَ لي وَرَضِّني مِنَ

الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا عُدَّتي في كُرْبَتي وَيا صاحِبي في شِدَّتي

ای نعمتهای من در غمها وای صاحب من در سختیها

بیان دعاها

یا ولیّی فی نعمتی ویا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی والامن

ای ولیّ من در نعمتهای من وای نهایت در خواهشهای من توئی پوشانندهٔ عورت من وایمن کننده

روعتی والمقیل عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین وامّا

ترس من ودرگذرانندهٔ لغزش پس بیامرز مرا گناهان مرا ای بخشنده‌ترین بخشندگان

دعاها هر روزه ماه رمضان مبارک منقول که حضرت امام زین العابدین

وامام محمد باقر علیهما السلام در هر روز این ماه این دعا را می خواندند

اللّهمّ انّ هذا شهر رمضان الّذی انزلت فیه القرآن هدی للنّاس

خدایا بدرستیکه این ماه رمضانست که فرستاده در آن قرآن را برای راه نمودن مردمان

وبیّنات من الهدی والفرقان وهذا شهر الصّیام وهذا شهر القیام

وبیانهای از هدایت وجدا کننده حق را از باطل واین ماه روزه گرفتن واینماه قیام

وهذا شهر الانابة وهذا شهر التّوبة وهذا شهر المغفرة والرّحمة

واین ماه گریه وزاری واین ماه بازگشت و توبه واینماه آمرزش ورحمت

وهذا شهر العتق من النّار والفوز بالجنّة وهذا شهر فیه لیلة القدر

واینماه آزادی از آتش ورستگاری بهشت واینماهیکه در آن شب قدر است

الّتی هی خیر من الف شهر اللّهمّ فصلّ علی محمّد وآل محمّد و

که بهتر است از هزار ماه خدا رحمت فرست بر محمد وآل محمد و

اعنّی علی صیامه وقیامه وسلّمه لی وسلّمنی فیه واعنّی علیه بافضل

یاری کن مرا بر روزه داشتن وبیدار بودن وسالم دار از آن مرا وسالم دار مرا در آن ویاری کن مرا در آن ببهترین

عونک ووفّقنی فیه لطاعتک وطاعة رسولک واولیائک صلوات

یاری خود وتوفیق ده مرا در اینماه برای فرمانبرداری خودت وفرمان برداری رسولت ودوستانت درود خدا

الله علیهم وفرّغنی فیه لعبادتک ودعائک وتلاوة کتابک وعظّم

بر ایشان باد وفارغ گردان مرا در آن بجهة بندگی نمودن تو ودعا خواندن تو وخواندن کتاب تو وبزرگ گردان

هر روزه رمضان

لی فیه البرکة واحسن لی فیه العافیة واخرز لی فیه التّوبة واصحّ

برای من در آن برکت ونیکو گردان برای من در آن عافیت ونگاهدار مرا در آن توبه وسالم کن

لی فیه بدنی واوسع لی فیه رزقی واکفنی فیه ما اهمّنی واستجب

در آن بدن مرا وبگشا در آن روزی مرا ودفع کن در آن آنچه غمگین کند مرا وقبول کن در اینماه

فیه دعائی وبلّغنی فیه رجائی اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واذهب

در اینماه دعای مرا وبرسان مرا در اینماه باُمیدم خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وببر

عنّی فیه النّعاس والکسل والسّامة والفترة والقسوة والغفلة و

از من در اینماه خواب را وسستی را وتنگدستی را وکوتاهی را وسختی دل را وبیخبری را و

الغرّة وجنّبنی فیه العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض

ومغروری را ودور دار مرا در اینماه از علتها وناخوشیها وغمها واندوهها وحوادث

والامراض والخطایا والذّنوب واصرف عنّی فیه السّوء و

ومرضها وخطاها وگناهان وبگردان از من در اینماه بدی را و

الفحشاء والجهد والبلاء والتّعب والعناء انّک سمیع الدّعاء

وکار زشت را ومشقت وگرفتاری ورنج ورنجوری را بدرستیکه تو شنونده دعائی

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واعذنی فیه من الشّیطان الرّجیم و

خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وپناه ده مرا در آن از شر شیطان رانده شده و

همزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبیطه وبطشه وکیده ومکره

بدبوئی وعیب جوئی ومکر او ودمیدن او وغرور او وکاهل کردانیدن او وحیله او ومکر او

وحبائله وخدعه وامانیه وغروره وفتنته وشرکه واحزابه و

ودامهای او وفریب او ودروغهای او وغرور او وفتنه او وحیله او وطائفه او و

اتباعه واشیاعه واولیائه وشرکائه وجمیع مکائده اللّهمّ

وپیروان او وشیعیان او ودوستان او وشریکان او وهمه مکرهای او خدایا

صلّ علی محمّد وآل محمّد وارزقنا قیامه وصیامه وبلوغ الامل فیه

رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزی کن ما را ایستادن بنماز ودر روزه آن ورسیدن بآرزو در آن و

دعاء هر روزه

فی قیامه وَاٰتِ بِکَمالِ ما اَرضیکَ عَنّی صَبْراً واحتِساباً وایماناً ویقیناً

در ایستادن آن ونماز کردن او هر چیز خشنود کند ترا از من شکیبائی را وخلوص نیت وایمان ویقین به توحید

ثُمَّ تَقَبَّلْ ذلِکَ مِنّی بِالْاَضْعافِ الْکَثیرَةِ وَالْاَجْرِ الْعَظیمِ یا رَبَّ الْعالَمینَ

پس بپذیر این را از من دو چندان کردن بسیار وپاداش بزرگ ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْجِدَّ

خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزی کن مرا حج وعمره وکوشش

وَالْاِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفیقَ وَالْقُرْبَةَ

سعی وتوانائی وخرمی وبازگشت وپشیمانی وتوفیق ونزدیکی

وَالْخَیْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ

ونیکی پذیرفته شد وترس وخواهش نمودن وزاری کردن وفروتنی ودل نرم داشتن

وَالنِّیَّةَ الصّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسانِ وَالْوَجَلَ مِنْکَ وَالرَّجاءَ لَکَ

ونیت راست وراستی زبان وترس از تو وامیدواری تو

وَالتَّوَکُّلَ عَلَیْکَ وَالثِّقَةَ بِکَ وَالْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِکَ مَعَ صالِحِ الْقَوْلِ

وتوکل بر تو واعتماد بتو وپرهیز از حرام شدهای تو با گفتار شایسته

وَمَقْبُولِ السَّعْیِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجابِ الدَّعْوَةِ وَلا تَحُلْ بَیْنی وَبَیْنَ شَیْءٍ

وسعی قبول شده وعمل بالا رفته ودعای مستجاب شده وحایل مشو میان من وچیزی

مِنْ ذلِکَ بِعَرَضٍ وَلا مَرَضٍ وَلا هَمٍّ وَلا غَمٍّ وَلا سُقْمٍ وَلا غَفْلَةٍ وَلا نِسْیانٍ

از این عارضه ونه مرض ونه همی ونه غمی ونه بیماری ونه بیخبری ونه فراموشی

بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَکَ وَفیکَ وَالرِّعایَةِ لِحَقِّکَ وَالْوَفاءِ بِعَهْدِکَ

بلکه معامله کردن ونگاهداشتن برای خود ودر راه تو ورعایت کردن مر سزاواری تو را ووفا بپیمان تو

وَوَعْدِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لی فیهِ

ووعده تو ای بخشنده‌ترین بخشندگان خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وقسمت بده مرا در آن

اَفْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعِبادِکَ الصّالِحینَ وَاَعْطِنی اَفْضَلَ ما تُعْطی اَوْلِیاءَکَ

بهترین آنچه قسمت کرده برای بندگان شایسته خود وبده مرا در آن ماه بهتر از آنچه داده دوستان خود را

ماه رمضان

الْمُقَرَّبینَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْاِجابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ

گردیده‌اند برحمت وآمرزش ومهربانی واجابت وعفو وآمرزش

الدّائِمَةِ وَالْعافِیَةِ وَالْمُعافاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ

همیشگی وعافیت از بلا ودرگذشتن وازادی از آتش وفیروزی بهشت

وَخَیْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعائی

وخیر دنیا وآخرت خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگردان دعای مرا

فیهِ اِلَیْکَ واصِلاً وَرَحْمَتَکَ وَخَیْرَکَ اِلَیَّ فیهِ نازِلاً وَعَمَلی فیهِ مَقْبُولاً وَسَعْیی

در آن بسوی تو واصل ورحمت تو وخیر تو بسوی من در این ماه نازل وکردار من در این ماه پذیرفته وسعی من

فیهِ مَشْکُوراً وَذَنْبی فیهِ مَغْفُوراً حَتّی یَکُونَ نَصیبی فیهِ الْاَکْثَرَ وَ

در این ماه جزا داده شده وگناه من در این ماه آمرزیده شده تا باشد بهره من در این ماه بزرگتر و

حَظّی فیهِ الْاَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنی فیهِ لِلَیْلَةِ

بهره من در این ماه زیادتر خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وتوفیق ده مرا در آن ماه برای شب

الْقَدْرِ عَلی اَفْضَلِ حالٍ تُحِبُّ اَنْ یَکُونَ عَلَیْها اَحَدٌ مِنْ اَوْلِیائِکَ وَ

قدر بر بهترین حالی که دوست باشد بر آن حال یکی از دوستان تو و

اَرْضاها لَکَ ثُمَّ اجْعَلْها لی خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنی فیها اَفْضَلَ

پسندیده‌تر آن حال مر ترا پس بگردان برای من بهتر از هزار ماه وروزی کن مرا در آن شب بهتر

ما رَزَقْتَ اَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِیّاها وَاَکْرَمْتَهُ بِها وَاجْعَلْنی فیها مِنْ

آنچه روزی کرده یکی از کسانیکه رسانیده باین شب وگرامی داشته بان وبگردان مرا در آن شب از

عُتَقائِکَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقائِکَ مِنَ النّارِ وَسُعَداءِ خَلْقِکَ بِمَغْفِرَتِکَ

آزاد شدگان از آتش جهنم ورها شدگان از آتش ونیکبختان خلق بآمرزش خود

وَرِضْوانِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

وخوشنودی خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد و

ارْزُقْنا فی شَهْرِنا هذَا الْجِدَّ وَالْاِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ وَما تُحِبُّ

روزی کن ما را در این ماه این سعی وکوشش وتوانائی وخرمی وآنچه دوست داری

تعقیب صلوة

دعاء هر روزه

وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ

وبپسندی خدایا ای پروردگار صبحگاه وشبهای ده گانه وجفت وطاق وپروردگار ماه

رَمَضَانَ وَمَا اَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْاٰنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاِسْرَافِيلَ

رمضان وآنچه فرستاده در آن ماه از قرآن وپروردگار جبرئیل ومیکائیل واسرافیل

وَجَمِيعِ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ

وهمه ملائکه مقرب وپروردگار ابرهیم واسمعیل واسحق ویعقوب

وَرَبَّ مُوسٰى وَعِيسٰى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

وپروردگار موسی وعیسی وهمه پیمبران وفرستاده شدگان وپروردگار محمد خاتم

النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ

پیمبران رحمتهای تو براو وبرانبیاء همه ومیخواهم ترا بحق ایشان برتو وبحق تو

الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ اِلَيَّ نَظْرَةً

که بزرگست برایشان چون رحمت فرستادی به پیغمبر وآل او وبرانبیا همگی ونگرستی بسوی من نظر

رَحِيمَةً تَرْضٰى بِهَا عَنِّي رِضًى لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ اَبَدًا وَاَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ

از روی رحمت که خوشنود شوی بآن از من خوشنودیی که خشم نکنی بر من بعد از آن هرگز وبدهی مرا همه

سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَاُمْنِيَّتِي وَاِرَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا اَكْرَهُ وَاَحْذَرُ وَاَخَافُ

خواستم را ورغبتم را وآرزوی مرا واراده مرا وبگردانی از من آنچه ناخوش دارم وترس دارم وبیم میکنم

عَلٰى نَفْسِي وَمَا لَا اَخَافُ وَعَنْ اَهْلِي وَمَالِي وَاِخْوَانِي وَاَخَوَاتِي وَذُرِّيَّتِي

بر نفس خود وآنچه نمیترسم وازاهل من ومال من وبرادران من وخواهران من وفرزندان من

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَاٰوِنَا تَائِبِينَ وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ

خدایا بسوی تو میگریزیم از گناهان پس جای ده مارا توبه کنندگان وتوبه ده بر ما درحالتیکه استغفار کنندگانیم

وَاغْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ وَاَعِذْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَاَجِرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا

وبیامرز برای ما پناه برندگان وپناه ده مارا که زینهار خواهانیم وزینهار ده مارا که طالبان سلامتیم ونه

تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ وَاٰمِنَّا رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَاَعْطِنَا اِنَّكَ سَمِيعٌ

خوار کن مارا که ترسندگانیم وایمنی ده مارا راغبان وشفیع شو ما خواهندگانرا وبده مارا بدرستیکه تو شنوا

الدعاء

الملک ۳۲

ماه رمضان

الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَحَقُّ مَنْ سَاَلَ

دعاء نزدیک اجابت کنند خدایا توئی پروردگار من ومن بنده تو وسزاوارتر است که سوال کند

الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْئَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ شَكْوٰى

بنده پروردگار خود را وسوال نکنند بندگان مانند ترا بکرم وجود ای جای شکایت

السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهٰى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ

سوال کنندگان وای نهایت مقصود رغبت کنندگان ای فریادرس فریاد کنندگان وای اجابت کننده

دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلْجَاَ الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ

دعای درماندگان وای پناه گریختگان وای دادرس دادخواهان وای پروردگار

الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ

ناتوانان وای برطرف کننده غم گرفتاران وای گشاینده اندوه اندوهناکان

وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ

وای برطرف کننده اندوه بزرگ ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای بخشنده ترین بخشندگان رحمت

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَاِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَ

بر محمد وآل محمد وبیامرز مرا گناهان مرا وعیبهای مرا وبدیهای مرا وستمکاری مرا و

جُرْمِي وَاِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَاِنَّهُ لَا

جرم مرا وزیاده روی مرا بر خود وروزی ده مرا از فضل ورحمت خود پس بدرستیکه او را مالک

يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي

نیست جز تو ودرگذر از من وبیامرز مرا هرچه گذشته است از گناهان من ونگاهدار مرا

فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَاَهْلِ

در آنچه باقی مانده از عمر من وبپوشان بر من وبر پدر ومادر من وفرزندان من وخویشان من واهل

حُزَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا

غمخواری من وهرکه باشد از من براهی از مردان گرونده وزنان گرونده در دنیا و

وَالْاٰخِرَةِ فَاِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَاَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي

ولاخرت پس بدرستیکه این همه بدست تو است وتوئی فراخ آمرزش پس ناامید مکن مرا

دعاء هر روزه

يا سيدي ولا ترد دعائي ولا ترد يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي

وتستجيب لي جميع ما سئلتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء

قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال

العليا والكبرياء والآلاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم

ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي

على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء و

روحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان

تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني

في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن

في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني

فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على

محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد

وآل محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم بددا

واحصهم عددا ولا تدع على الارض منهم احدا ولا تغفر لهم

ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البديع

البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل والحي الذي

لا يموت انت كل يوم في شأن انت خليفة محمد وناصر محمد

ومفضل محمد اسئلك ان تنصر وصي محمد وخليفة محمد

والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم اعطف

عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل على محمد

وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة واجعل عاقبة امري

الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك

يا سيدي باللطيف بلى انك لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف

بي لما تشاء اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج و

بعد صلوة

دعاء هر روزه

العمرة فی عامنا هذا وفی کل عام وتطول علی بجمیع حوائج الدنیا
عمره در این سال وهر سالی ومهربانی کن بر من همه حاجتهای من برای دنیا

والآخرة یکرّر بگو استغفر الله ربّی واتوب الیه انّ ربّی قریب
و آخرت آمرزش میخواهم از خدای پروردگارم و بازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیک

مجیب استغفر الله ربّی واتوب الیه انّ ربّی رحیم ودود استغفر
اجابت کننده است آمرزش میخواهم از خدا پروردگارم و بازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من مهربان دوست دارنده است آمرزش میخواهم

الله ربّی واتوب الیه انّه کان غفّارا اللّهمّ اغفر لی انّک ارحم الرّاحمین
از خدا پروردگارم و بازگشت میکنم بسوی او که او هست آمرزنده خدایا بیامرز مرا بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

ربّ انّی عملت سوءً وظلمت نفسی فاغفر لی انّه لا یغفر الذّنوب الّا
خدای من بدرستیکه من عمل کردم بدی را و ستم کردم بر نفس خود پس بیامرز مرا بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را مگر

انت استغفر الله الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم الحلیم العظیم العلیم
تو آمرزش میخواهم از خدائیکه نیست خدائی مگر او زنده پاینده بردبار بزرگ دانا

الکریم الغفّار للذّنب العظیم واتوب الیه استغفر الله انّ الله
کریم آمرزنده مر گناه بزرگ را و بازگشت میکنم باو آمرزش میخواهم از خدا بدرستیکه

کان غفورا رحیما اللّهمّ انّی اسألک ان تصلّی علی
باشد آمرزنده مهربان خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر

محمّد وآل محمّد وان تجعل فیما تقضی وتقدّر من الامر العظیم المحتوم
محمد و آل محمد و اینکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و مقدر میکنی از امر بزرگ و حتم شده

فی لیلة القدر من القضاء الّذی لا یردّ ولا یبدّل ان تکتبنی من حجّاج
در شب قدر از قضاهائیکه رد کرده نشود و تبدیل نشود اینکه بنویسی مرا از حاجیان

بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم
خانه محترم خود که پذیرفته شده حج ایشان جزا داده شده سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان

المکفّر عنهم سیّئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدّر ان تطیل عمری وتوسّع
ناپدید کرده از ایشان بدیهای ایشان و اینکه بگردانی در آنچه حکم کنی و مقدر کنی اینکه دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی

اللیل ۳۲

ماه رمضان

رزقی وتؤدّی عنّی امانتی ودینی آمین ربّ العالمین اللّهمّ اجعل
روزی مرا و اداکنی از من امانت مرا و قرض مرا قبول کن ای پروردگار جهانیان خدایا بگردان

لی فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب واحرسنی
برای من فرج و بیرون شدن و روزی کن مرا از جائیکه گمان دارم و از جائیکه گمان ندارم و نگاه دار مرا

من حیث احترس ومن حیث لا احترس وصلّی الله علی محمّد وآله وسلّم تسلیما
از جائیکه نگاه دارم و از جائیکه نگاه ندارم و رحمت خدا بر محمد و آل محمد و درود فرستد درود کامل

و در تسبیح نیز بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولستکه در هر روز این ماه بخوانند

سبحان الله بارئ النّسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الازواج
منزه است خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزه است خداوند نگارنده صورتها منزه است خداوند آفریننده جفتها

کلّها سبحان الله جاعل الظّلمات والنّور سبحان الله فالق الحبّ
همه آنها منزه است خدای گرداننده تاریکیها و روشنی منزه است خدای شکافنده دانه

والنّوی سبحان الله خالق کلّ شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا
و هسته منزه است خدای آفریننده هر چیزی منزه است خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه

یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله ربّ العالمین سبحان الله
دیده نمیشود منزه است خدای بشماره سخنان او منزه است خدای پروردگار جهانیان منزه است خدای

السّمیع الّذی لیس شیء اسمع منه یسمع من فوق عرشه ما تحت
شنوا آنکه نیست چیزی شنواتر از او میشنود از بالای عرش او آنچه در زیر

سبع ارضین ویسمع ما فی ظلمات البرّ والبحر ویسمع الانین والشّکوی
هفت زمین است و میشنود آنچه در تاریکیهای بیابان و دریاهاست و میشنود ناله و شکایت را

ویسمع السّرّ واخفی ویسمع وساوس الصّدور ولا یصمّ سمعه
و میشنود پنهان و آشکارا را و میشنود حالات سینه ها را و کر نمیکند گوش او را

صوت سبحان الله بارئ النّسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق
صدائی منزه است خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزه است خدای نگارنده صورتها منزه است خدای آفریننده

الازواج کلّها سبحان الله جاعل الظّلمات والنّور سبحان الله فالق
جفتها همه منزه است خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی منزه است خدا شکافنده

بعد صلوة

تسبیحات در هر

الحَبِّ وَالنَّوى سُبحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیءٍ سُبحانَ اللهِ خالِقِ ما یُری وَما
دانه وهسته منزهست خدای آفریننده آنچه دیده میشود منزهست خدای آفریننده آنچه دیده میشود وآنچه
لا یُری سُبحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ سُبحانَ اللهِ رَبِّ العالَمینَ سُبحانَ اللهِ
دیده نمیشود منزهست خدا بشماره سخنان او منزهست خدای پروردگار جهانیان منزهست خدای
البَصیرِ الَّذی لَیسَ شَیءٌ اَبصَرَ مِنهُ یُبصِرُ مِن فَوقِ عَرشِهِ ما تَحتَ
بینا آنکه نیست چیزی بیناتر از او میبیند از بالای عرش خود آنچه در زیر
سَبعِ اَرَضینَ وَیُبصِرُ ما فی ظُلُماتِ البَرِّ وَالبَحرِ لا تُدرِکُهُ الاَبصارُ
زمین هفتگانه است ومیبیند آنچه در تاریکیهای بیابان ودریاست درنمیابد اورا دیدها
وَهُوَ یُدرِکُ الاَبصارَ وَهُوَ اللَّطیفُ الخَبیرُ لا تُغشی بَصَرَهُ الظُّلمَةُ
واو درمیابد دیدهارا واوست مهربان آگاه نمیپوشد دیده اورا تاریکی
وَلا یُستَتَرُ مِنهُ بِسِترٍ وَلا یُواری مِنهُ جِدارٌ وَلا یَغیبُ عَنهُ بَرٌّ وَلا بَحرٌ
ودر پرده نشود از او بپرده ونمیپوشاند از او دیواری وازاو غایب نماند بیابانی ونه دریائی
وَلا یَکُنُّ مِنهُ جَبَلٌ ما فی اَصلِهِ وَلا قَلبٌ ما فیهِ وَلا جَنبٌ ما فی قَلبِهِ
وپنهان نمیدارد از او کوهی آنچه دربیخ اوست ونه دلی آنچه دراوست ونه پهلوئی آنچه را که در دل اوست
وَلا یَستَتِرُ مِنهُ صَغیرٌ وَلا کَبیرٌ وَلا یَخفی عَلَیهِ شَیءٌ فِی الاَرضِ وَلا
وپوشیده نشود از او کوچکی ونه بزرگی ونمیماند پنهان بر او چیزی در زمین ونه
فِی السَّماءِ هُوَ الَّذی یُصَوِّرُکُم فِی الاَرحامِ کَیفَ یَشاءُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ
در آسمان اوست که صورت میکند شمارا در رحمها هرروش که خواهد نیست خدائی مگر او
العَزیزُ الحَکیمُ سُبحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبحانَ اللهِ المُصَوِّرِ سُبحانَ اللهِ
غالب درستکردار منزهست خدای پدیدآورنده هر ذیروحی منزهست خدا نگارنده منزهست خدا
خالِقِ الاَزواجِ کُلِّها سُبحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ سُبحانَ
آفریننده جفتها همه آنها منزهست خدای گرداننده تاریکیها وروشنی منزهست
اللهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوی سُبحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیءٍ سُبحانَ اللهِ خالِقِ
خدای شکافنده دانه وهسته منزهست خدای آفریننده هرچیزی منزهست خدای آفریننده

اللیل ۳۲

روز ماه رمضان

ما یُری وَما لا یُری سُبحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ سُبحانَ اللهِ رَبِّ العالَمینَ
آنچه دیده میشود وآنچه دیده نمیشود منزهست خدا بشماره سخنانش منزهست خدای پروردگار جهانیان
سُبحانَ اللهِ الَّذی یُنشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ وَیُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَ
منزهست خدائیکه برمیاورد ابرهای گرانبار را وتسبیح میکند رعد بحمد او و
المَلائِکَةُ مِن خیفَتِهِ وَیُرسِلُ الصَّواعِقَ فَیُصیبُ بِها مَن یَشاءُ وَیُرسِلُ
وفرشتگان از ترس او ومیفرستد صاعقهها پس میرساند آنها هرکرا خواهد ومیفرستد
الرِّیاحَ بُشراً بَینَ یَدَی رَحمَتِهِ وَیُنَزِّلُ الماءَ مِنَ السَّماءِ بِکَلِمَتِهِ وَیُنبِتُ
بادهارا مژده دهنده میان دو دست رحمت او ومیفرستد آبرا از آسمان بکلمه خود ومیرویاند
النَّباتَ بِقُدرَتِهِ وَیُسقِطُ الوَرَقَ بِعِلمِهِ سُبحانَ اللهِ الَّذی لا یَعزُبُ عَنهُ
نباترا بقدرت خود وفرو میریزاند برگرا بدانش خود منزهست خدائیکه پوشیده نماند از او
مِثقالُ ذَرَّةٍ فِی الاَرضِ وَلا فِی السَّماءِ وَلا اَصغَرُ مِن ذلِکَ وَلا اَکبَرُ
هم وزن مورچه در زمین ونه در آسمان ونه کوچکتر از این ونه بزرگتر
اِلّا فی کِتابٍ مُبینٍ سُبحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبحانَ اللهِ المُصَوِّرِ سُبحانَ اللهِ
مگر در کتاب بیان کننده منزهست خدای پدیدآورنده هر ذیروحی منزهست خدا نگارنده منزهست خدا
خالِقِ الاَزواجِ کُلِّها سُبحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ سُبحانَ اللهِ
آفریننده جفتها همه آنها منزهست خدای گرداننده تاریکیها وروشنی منزهست خدا
فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوی سُبحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیءٍ سُبحانَ اللهِ خالِقِ ما یُری
شکافنده دانه وهسته منزهست خدای آفریننده هرچیزی منزهست خدای آفریننده آنچه دیده میشود و
وَما لا یُری سُبحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ سُبحانَ اللهِ رَبِّ العالَمینَ سُبحانَ
وآنچه دیده نمیشود منزهست خدای بشماره سخنانش منزهست خدای پروردگار جهانیان منزهست
اللهِ الَّذی یَعلَمُ ما تَحمِلُ کُلُّ اُنثی وَما تَغیضُ الاَرحامُ وَما تَزدادُ وَکُلُّ شَیءٍ
خدائیکه میداند آنچه برمیدارد هر زنی وآنچه کاه میدارد رحمها وآنچه میافزاید وهرچیزی
عِندَهُ بِمِقدارٍ عالِمِ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ الکَبیرُ المُتَعالِ سَواءٌ مِنکُم مَن
نزد او باندازه ایست داننده نهان وآشکار بزرگ بلندمرتبه یکسانست از شما آنکه

تسبیحات دهر

أسرّ القول ومن جهر به ومن هو مستخفٍ بالليل وساربٌ بالنهار

پنهان کند از دو گفتار را و هر که آشکار کند او و هر که او پوشاننده عمل خود است در شب و آنکه آشکار نماینده است در روز

له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله سبحان الله

برای او فرشتگانیست از پیش روی او و از پس او نگاه میدارند او را بامر خدا منزهست خدا آنکه

الذي يميت الأحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الأرض ويقرّ

که میمیراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه کم میکند زمین از ایشان و قرار میکند

في الأرحام ما يشاء إلى أجل مسمّى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله

در رحمها آنچه خواهد تا مدتی نام برده شده منزهست خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدا

المصوّر سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات

نگارنده منزهست خدای آفریننده جفتها همه آن منزهست خدای گرداننده تاریکیها

والنور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كل شيء

و روشنائی منزهست خدای شکافنده دانه و هسته منزهست خدای آفریننده هر چیزی

سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله

منزهست خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود منزهست خدا شماره سخنانش منزهست خدای

ربّ العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع

پروردگار جهانیان منزهست خدای پادشاه پادشاهان میدهی پادشاهی هر که میخواهی و میگیری

الملك ممن تشاء وتعزّ من تشاء وتذلّ من تشاء بيدك الخير إنك على

پادشاهی را از هر که میخواهی و ارجمند میکنی هر کرا میخواهی و خوار میکنی هر کرا میخواهی بدست تو است نیکی که تو بر

كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج

هر چیزی توانائی در آوری شب را در روز و در آوری روز را در شب و بیرون می آوری

الحيّ من الميت وتخرج الميت من الحيّ وترزق من تشاء بغير حساب

زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی هر کرا میخواهی بی حساب

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق

منزهست خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدا نگارنده منزهست خدای آفریننده

الليل ٣٢

رمضان

الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق

جفتها همه آنها منزهست خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی منزهست خدای شکافنده

الحبّ والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما

دانه و هسته منزهست خدای آفریننده هر چیزی منزهست خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه

لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله الذي

دیده نمیشود منزهست خدا شماره کلماتش منزهست خدای پروردگار جهانیان منزهست خدائی آنکه

عنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البرّ والبحر وما تسقط

نزد او است کلیدهای غیب نمیداند کلیدها را مگر او و میداند آنچه در بیابان و دریا است و نمی افتد

من ورقة إلا يعلمها ولا حبّة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس

برگی مگر آنکه میداند او و نه دانه که افتد در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی

إلا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله

مگر در کتاب مبین است منزهست خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدا نگارنده منزهست خدا

خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

آفریننده جفتها همه آنها منزهست خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی منزهست خدای

فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى

شکافنده دانه و هسته منزهست خدای آفریننده هر چیزی منزهست خدای آفریننده آنچه دیده شود

وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله

و آنچه دیده نمیشود منزهست خدای شماره سخنانش منزهست خدای پروردگار جهانیان منزهست خدای

الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون

که شماره نتواند کرد مدح او را گویندگان و شکر نکند بنعمتهای او شاکران و پرستندگان

وهو كما قال وفوق ما نقول والله سبحانه كما أثنى على نفسه ولا يحيطون

و او چنانست که فرمود و بالای آنچه میگوئیم و خدا پاکست او چنانچه مدح کرد بر خود و احاطه نکنند

بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيّه السماوات والأرض ولا يؤوده

بچیزی از دانش مگر آنچه خواهد فرا گرفت کرسی او آسمانها و زمین را و گران نیست او را

تسبيحات در هر ک

حفظهما وهو العلي العظيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
نگاهداری ایشان دو واو بلند مرتبه بزرگست منزهست خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدای

المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
صورت نگارنده منزهست خدای آفریننده جفتها همه‌ها منزهست خدای گرداننده تاریکیها

والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان
و روشنائی منزهست خدای شکافنده دانه و هسته منزهست خدای آفریننده هر چیزی منزهست

الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود منزهست خدای شماره کلماتش منزهست خدای پروردگار

العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما
عالمیان منزهست خدای آنچنانکه میداند آنچه در آید بزمین و آنچه بیرون رود از آن و آنچه

ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما يلج في الارض وما يخرج منها
فرود آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و مشغول نمیسازد او را آنچه در آید در زمین و آنچه بیرون رود از آن

عما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج
از آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و مشغول نمیسازد او را آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود

فيها عما يلج في الارض وما يخرج منها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا
در آن از آنچه در آید در زمین و آنچه بیرون رود از آن و مشغول نمیسازد او را دانستن چیزی از دانستن چیزی و نه

يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه
مشغول نمیسازد او را آفریدن چیزی از آفریدن چیزی و نه نگاهداری چیزی از نگاهداری چیزی و مساوی نیست با او

شيء ولا يعادله شيء ليس كمثله شيء وهو السميع العليم سبحان الله
چیزی و برابری نمیکند او را چیزی نیست مانند او چیزی و او شنونده داناست منزهست خدای

بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله
پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدای نگارنده منزهست خدای آفریننده جفتها همه‌ها منزهست خدای

جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
قرار دهنده تاریکی و روشنائی منزهست خدای شکافنده دانه و هسته منزهست خدای آفریننده

كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
هر چیزی منزهست خدای آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزهست خدا شماره کلماتش منزهست

الله رب العالمين سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة
خدا پروردگار جهانیان منزهست خدا پدید آورنده آسمانها و زمین گرداننده ملائکه

رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على
فرستادگان صاحبان بالهای دو گانه و سه گانه و چهار گانه زیاد میکند در آفرینش آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر

كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا
همه چیز توانا است آنچه بگشاید خدا برای مردم از رحمت پس نیست نگاه دارنده مر او را و آنچه نگاه دارد پس

مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
فرستنده نیست مر او را پس از او و اوست غالب درستکردار منزهست خدای پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدای

المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات و
نگارنده منزهست خدای آفریننده جفتها همه‌ها منزهست خدای گرداننده تاریکیها و

النور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
روشنائی منزهست خدای شکافنده دانه و هسته منزهست خدای آفریننده هر چیزی منزهست خدای

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزهست خدا شماره کلمات او منزهست خدا پروردگار جهانیان

سبحان الله الذي يعلم ما في السموات وما في الارض ما يكون من نجوى
منزهست خدائیکه میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین نمیباشد هیچ راز

ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من ذلك ولا
سه نفری مگر او چهارمیست و نه پنج نفری مگر او ششمی است و نه کمتر از این و نه

اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل
بیشتر مگر خدا با ایشانست هر کجا باشند پس خبر میدهد ایشانرا بآنچه کرده‌اند روز قیامت بدرستیکه خدا بهر

شيء عليم وايضاً مستحبست [illegible]
[illegible]

چیز داناست

صلوا در ظهر

اِنَّ اللّٰهَ وَمَلآئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا

بدرستيكه خدا و فرشتگان او رحمت ميفرستند بر پيغمبر اى آن كسانيكه ايمان آورده ايد رحمت فرستيد

عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر پيغمبر و درود فرستيد درود گفتنى لبيك اى پروردگار و منزهى تو خدايا رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى

محمد و آل محمد و بركت ده بر محمد و آل محمد زياده از آنچه رحمت كرده و بركت داده بر

اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

ابرهيم و آل ابرهيم بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى خدايا رحمت كن محمد و آل محمد را

... عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

همچنانكه رحمت كردى بر ابرهيم و آل ابرهيم بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى خدايا درود كن بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

محمد زياده از آنچه درود فرستاده بر نوح در ميان جهانيان خدايا منت گذار بر محمد و آل محمد

اَفْضَلَ مَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهٰرُونَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا

زياده از آنچه بخشش كردى بر موسى و هرون خدايا رحمت كن بر محمد و آل محمد همچنانكه راه نمودى ما را

بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ

باو خدايا رحمت كن بر محمد و آل محمد و برانگيز او را در جايگاه پسنديده كه رشك برند باو پيشينيان

وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ

و پسينيان بر محمد و آل او سلام هر وقت كه طالع شد آفتاب يا غروب كند

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ بَرَقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ

بر محمد و آل او درود هر وقت كه بهم زند ديدها يا اشك ريزد ديدها بر محمد و آل او درود

كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ ذَرَفَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذُكِرَ

هر وقت كه بهم زند چشمها يا دوران گناهان بر محمد و آل او درود هر زمان كه ياد شود

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ مَلَكٌ اَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ

... بر محمد و آل او درود هر زمان كه تسبيح كند خدا را فرشته يا تقديس نمايد او را درود

السر ٣٦

در رمضان روز دوم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْاَوَّلِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ اَلسَّلَامُ

بر محمد و آل او در پيشينيان درود بر محمد و آل او در پسينيان درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

بر محمد و آل او در دنيا و آخرت درود بر محمد و آل او و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ

و بركت او خدايا اى پروردگار شهر حرام و پروردگار ركن و مقام و پروردگار حلال

وَالْحَرَامِ اَبْلِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ عَنَّا السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ

و حرام برسان پيغمبر خود محمد و آل محمد از ما درود خدايا عطا كن محمد را از

الْبَهَاءِ وَالسُّرُورِ وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةِ وَالْمَقَامِ وَ

روشنى و خوشحالى و بهجت و كرامت و ... و وسيله و مقام و

الشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ وَالشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَفْضَلَ مَا تُعْطِي اَحَدًا مِنْ

شرف و جايگاه بلند و شفاعت نزد تو در روز قيامت زياده از آنچه عطا كردى يكى از

خَلْقِكَ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ اَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا

خلق خود و عطا كن محمد را بالاتر از آنچه عطا كرده خلايق را از نيكى دو چندانهاى بسيار نتواند

يُحْصِيهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَزْكَى

شمرد غير تو خدايا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پاكتر و پاكيزه تر و بالنده تر

وَاَنْمَى وَاَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى اَحَدٍ

و بيشتر و زيادتر از آنچه رحمت فرستاده بر يكى از پيشينيان و پسينيان و بر يكى

مِنْ خَلْقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِ

از خلق تو اى رحم كننده ترين رحم كنندگان خدايا رحمت فرست بر على پادشاه مؤمنان و دوست دار

مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ

كسيكه دوست دارد او را و دشمن دار كسيكه دشمن دارد او را و دو چندان كن شكنجه را بر كسيكه شريك است در خون او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَى

خدايا رحمت فرست بر فاطمه دختر پيغمبر خود محمد بر او و آل او درود و لعن كن كسى را كه اذيت كند

في الرضا بالقضاء ٣٥

صلوا درهر

نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال من

پیغمبرترا دران خدایا رحمت فرست بر حسن وحسین دو پیشوای مسلمانان ودوست دار کسیکه

والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في دمهما

دوست دارد ایشانرا ودشمن دار کسیکه دشمن دارد ایشانرا ودوچندان کن عذابرا برکسیکه شریک شد در خون ایشان

اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

خدایا رحمت فرست بر علی پسر حسین پیشوای مسلمانان ودوست دار کسیکه دوست دارد اورا ودشمن دار کسیکه دشمن دارد اورا

وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين

ودوچندان کن عذابرا برکسیکه ستم کرد اورا خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم

ودوست دار کسیکه دوست دارد اورا ودشمن دار کسیکه دشمن دارد اورا ودوچندان کن عذابرا برکسیکه ظلم کرد اورا خدایا

صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

رحمت فرست بر جعفر پسر محمد پیشوای مسلمانان ودوست دار کسیکه دوست دارد اورا ودشمن دار کسیکه

وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على موسى بن جعفر امام

ودوچندان کن عذاب برکسیکه ظلم کند اورا خدایا رحمت فرست بر موسی پسر جعفر پیشوای

المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

مسلمانان ودوست دار کسیکه دوست دارد اورا ودشمن دار کسیکه دشمن دارد اورا ودوچندان کن عذابرا بر کسیکه

شرك في دمه اللهم صل على علي بن موسى امام المسلمين ووال

شریک شده در خون او خدایا رحمت فرست بر علی پسر موسی پیشوای مسلمانان ودوست دار

من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم

دوست دارد اورا ودشمن دار کسیکه دشمن دارد اورا ودوچندان کن عذابرا برکسیکه شریک شد در خون او خدایا

صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف

رحمت فرست بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان ودوست دار کسیکه دوست دارد اورا ودشمن دار کسیکه دشمن دارد

العذاب على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد امام المسلمين ووال

عذابرا برکسیکه ظلم کند اورا خدایا رحمت فرست بر علی پسر محمد پیشوای مسلمانان ودوست دار

عند سماع الرعد ٣٦

من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم

کسیکه دوست دارد اورا ودشمن دار آنکه دشمن دارد اورا وزیاد کن عذابرا برکسیکه ظلم کند اورا خدایا

صل على الحسن بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من

رحمت کن بر حسن پسر علی پیشوای مسلمانان ودوست دار آنکه دوست دارد ودشمن دار آنکه

عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الخلف من بعده

دشمن دارد وزیاد کن عذابرا برآنکه ظلم کند اورا خدایا رحمت کن بر جانشین از بعد او

امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على

امام مسلمانان ودوست دار آنکه دوست دارد ودشمن دار آنکه دشمن دارد اورا وشتاب کن فرج اورا خدایا رحمت کن

القاسم والطاهر ابني نبيك اللهم صل على رقية بنت نبيك والعن

قاسم وطاهر دو فرزند پیغمبر تو خدایا رحمت کن بر رقیه دختر پیغمبر تو ولعن کن

من آذى نبيك فيها اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من

آنکه رنجانید پیغمبر ترا دران خدایا رحمت کن بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو ولعن کن آنکه

آذى نبيك فيها اللهم صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك

رنجانید پیغمبر ترا دران خدایا رحمت کن بر فرزندان پیغمبر تو خدایا جانشین کن پیغمبر ترا

في اهل بيته اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم

در خانه دادن او خدایا تمکین داده ایشانرا در زمین خدایا بگردان ما را از شماره ایشان و

ومددهم وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم و

یاران ایشان ویاوران ایشان بر حق در پنهان وآشکار خدایا طلب کن دم ایشانرا و

وترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل

خون ایشانرا وقصاص ایشانرا وبازدار از ما واز ایشان واز هر مرد مؤمن وزن مؤمن ترس هر

باغ وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا و

ستمکار وسرکش وهر جنبنده که تو گیرنده موی پیش سران ازدستیکه تو سخت هستی از روی ترس

اشد تنكيلا ودر اقبال وبعضی نسخهای دیگر دعا از حضرت علی

وسخت تری در عذاب کردن تا حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام بجای [illegible]

دعاء ایضاً

چنین است علی من شرک فی دمه و از جمله دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائیست که سید ابن طاوس ره فضیلت بسیار از جهات روایت کرده است و در اجابت دعوات مجرب و مضامین عالیه مشتمل است و دعا این است

سحر بگوید اللّٰهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

خدایا من میخوانم ترا همچنانکه فرموده مرا پس قبول کن برای من همچنانکه وعده کرده

پس بگوید اللّٰهمّ انّی اسئلک من بهائک بابهاه وکلّ بهائک بهیّ اللّٰهمّ انّی

خدایا من میخوانم ترا از نیکی تو بنیکوتران و همه نیکی تو نیکو است خدایا من

اسئلک ببهائک کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من جلالک باجلّه وکلّ جلالک

میخوانم ترا بنیکی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از جلال تو بزرگتران و همه جلال تو

جلیل اللّٰهمّ انّی اسئلک بجلالک کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من

بزرگست خدایا من میخوانم ترا بجلال تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از

جمالک باجمله وکلّ جمالک جمیل اللّٰهمّ انّی اسئلک بجمالک کلّه پس سه

خوبی تو بیهتران و همه خوبی تو خوبست خدایا من میخوانم ترا بجمال تو همه آن مرتبه بگو

اللّٰهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّٰهمّ

خدایا من میخوانم ترا همچنانکه فرموده پس قبول کن برای من همچنانکه وعده فرموده مرا خدایا

انّی اسئلک من عظمتک باعظمها وکلّ عظمتک عظیمة اللّٰهمّ انّی اسئلک

من میخوانم ترا از بزرگی تو ببزرگتران و همه بزرگی تو بزرگست خدایا من میخوانم ترا

بعظمتک کلّها اللّٰهمّ انّی اسئلک من نورک بانوره وکلّ نورک نیّر اللّٰهمّ

ببزرگی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از روشنی تو بروشن‌تران و همه روشنی تو روشن است خدایا

انّی اسئلک بنورک کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من رحمتک باوسعها

من میخوانم ترا بروشنی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از رحمت تو بفراگیرنده‌تران

وکلّ رحمتک واسعة اللّٰهمّ انّی اسئلک برحمتک کلّها پس سه مرتبه بگو

و همه رحمت تو فراگیرنده است خدایا من میخوانم ترا برحمت تو همه آن

اللّٰهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّٰهمّ انّی اسئلک

خدایا من میخوانم ترا همچنانکه فرموده پس اجابت کن مرا همچنانکه وعده کرده خدایا من میخوانم ترا

ادعیه ماه مبارک رمضان

من کمالک باکمله وکلّ کمالک کامل اللّٰهمّ انّی اسئلک بکمالک

از کمال تو بکامل‌تران و همه کمال تو کامل است خدایا من میخوانم ترا بکمال تو

کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من کلماتک باتمّها وکلّ کلماتک تامّة اللّٰهمّ

همه آن خدایا من میخوانم ترا از کلمات تو بتمام‌تران و همه کلمات تو تمام است خدایا

انّی اسئلک بکلماتک کلّها اللّٰهمّ انّی اسئلک من اسمائک باکبرها

من میخوانم ترا بکلمات تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از نامهای تو ببزرگتران

وکلّ اسمائک کبیرة اللّٰهمّ انّی اسئلک باسمائک کلّها پس سه مرتبه بگو اللّٰهمّ

و همه نامهای تو بزرگست خدایا من میخوانم ترا بنامهای تو همه آن خدایا

انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگو اللّٰهمّ انّی اسئلک من

من میخوانم ترا همچنانکه امر فرموده پس قبول کن برای من همچنانکه وعده کرده پس بگوید خدایا من میخوانم ترا از

عزّتک باعزّها وکلّ عزّتک عزیزة اللّٰهمّ انّی اسئلک بعزّتک کلّها

ارجمندی تو بارجمندتران و همه ارجمندی تو ارجمند است خدایا من میخوانم ترا بارجمندی تو همه آن

اللّٰهمّ انّی اسئلک من مشیّتک بامضاها وکلّ مشیّتک ماضیة

خدایا من میخوانم ترا از خواستن تو بگذرنده‌تران و همه خواستن تو گذرنده است

اللّٰهمّ انّی اسئلک بمشیّتک کلّها اللّٰهمّ انّی اسئلک بقدرتک

خدایا من میخوانم ترا بخواستن تو همه آن خدایا من میخوانم ترا بقدرت تو

الّتی استطلت بها علی کلّ شیء وکلّ قدرتک مستطیلة اللّٰهمّ انّی

که استیلا دادی بآن بر هر چیزی و همه قدرت تو استیلا دارنده است خدایا من

اسئلک بقدرتک کلّها پس سه مرتبه بگو اللّٰهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب

میخوانم ترا بقدرت تو همه آن خدایا من میخوانم ترا همچنانکه فرموده پس قبول کن

لی کما وعدتنی پس بگوید اللّٰهمّ انّی اسئلک من علمک بانفذه وکلّ علمک

برای من همچنانکه وعده کرده خدایا من میخوانم ترا از دانائی تو بروان‌تران و همه دانائی تو

نافذ اللّٰهمّ انّی اسئلک بعلمک کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من قولک

روانست خدایا من میخوانم ترا بدانائی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از گفتار تو

ایضاً دعاء

بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسألك بقولك كله اللهم

اني اسألك من مسائلك باحبها وكل مسائلك اليك حبيبة

اللهم اني اسألك بمسائلك كلها (پس سه مرتبه بگوید) اللهم اني

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني (پس) اللهم اني اسألك

من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسألك

بشرفك كله اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك

دائم اللهم اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك

بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسألك بملكك كله (پس سه مرتبه بگوید)

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني (پس) اللهم اني اسألك

من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسألك بعلائك

كله اللهم اني اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم

اني اسألك بمنك كله اللهم اني اسألك من آياتك باعجبها وكل

هر روزه رمضان

آياتك عجيبة اللهم اني اسألك بآياتك كلها (پس سه مرتبه بگوید) اللهم اني

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني (پس) اللهم اني اسألك

من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسألك بفضلك

كله اللهم اني اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني

اسألك برزقك كله اللهم اني اسألك من عطائك باهنئه وكل

عطائك هني اللهم اني اسألك بعطائك كله اللهم اني اسألك

من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسألك بخيرك كله اللهم

اني اسألك من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن اللهم اني اسألك

باحسانك كله اللهم اني اسألك بما تجيبني به حين ادعوك فاجبني

يا الله اللهم اني اسألك بما انت فيه من الشؤون

والجبروت اللهم اني اسألك بكل شأن وجبروت اللهم اني

اسألك بشأنك وجبروتك كلها اللهم اني اسألك بما تجيبني

فی الشکر

الضحا

دعاء

بِهٖ حِينَ اَسْئَلُكَ بِهٖ فَلَبِّنِي يَا اَللهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ

بن وقتیکه سؤال کنم از تو پس بپذیر مرا ای خدا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

بطلب اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ ابْعَثْنِي عَلَى الْاِيْمَانِ بِكَ وَ

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر ایمان بتو و

التَّصْدِيْقِ بِرَسُوْلِكَ وَ الْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِيْ طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْاِئْتِمَامِ

تصدیق به پیغمبر تو و دوستی علی پسر ابیطالب بر او باد درود و پیروی

بِالْاَئِمَّةِ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ الْبَرَائَةِ مِنْ اَعْدَائِهِمْ فَاِنِّيْ قَدْ رَضِيْتُ بِذٰلِكَ

به پیشوایان از خانواده محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس من خوشنودم باین

يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ

ای پروردگار من خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و میخواهم از تو بهترین خیر خوشنودی تو

وَ الْجَنَّةَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و بهشت و پناه میبرم بتو از بدترین بدها خشم تو و آتش خدایا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ احْفَظْنِيْ مِنْ كُلِّ مُصِيْبَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَّ مِنْ كُلِّ

محمد و آل محمد و نگاهدار مرا از هر اندوهی و از هر گرفتاری و از هر

عُقُوْبَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَّ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَّ مِنْ كُلِّ مَكْرُوْهٍ

عقوبتی و از هر آشوبی و از هر بلائی و از هر بدی و از هر مکروهی

وَ مِنْ كُلِّ مُصِيْبَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ اٰفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ فِيْ

و از هر اندوهی و از هر آفتی فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در

هٰذِهِ السَّاعَةِ وَ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ وَ فِيْ هٰذَا الشَّهْرِ وَ

این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و

فِيْ هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اقْسِمْ لِيْ مِنْ كُلِّ سُرُوْرٍ

در این سال خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و سهم بده مرا از هر خوشحالی

وَ مِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَّ مِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَّ مِنْ

و از هر فرحی و از هر اعتدالی و از هر گشایشی و از هر عافیتی و از

الله ۳۲

هر روز

رمضان

كُلِّ سَلَامَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَّاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَّ مِنْ كُلِّ

هر سلامتی و از هر نوازشی و از هر روزی فراخی حلال پاکیزه و از هر

نِعْمَةٍ وَّ مِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ فِيْ هٰذِهِ

نعمتی و از هر نیکی فرود آمده یا فرود میاید از آسمان بسوی زمین در این

السَّاعَةِ وَ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ وَ فِيْ هٰذَا الشَّهْرِ وَ فِيْ هٰذِهِ

ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این

السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوْبِيْ قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِيْ عِنْدَكَ وَ حَالَتْ بَيْنِيْ

سال خدایا اگر باشد گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو و حائل شده باشد

وَ بَيْنَكَ اَوْ غَيَّرَتْ حَالِيْ عِنْدَكَ فَاِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِنُوْرِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

و میان تو یا تغییر داده باشد حال مرا نزد تو پس بدرستیکه سؤال میکنم ترا بروشنائی ذات تو که کریم است

الَّذِيْ لَمْ يُطْفَاْ وَ بِوَجْهِ حَبِيْبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى وَ بِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ

که نشانده نشده باشد و بذات دوستانت محمد مصطفی و بذات ولی تو علی

الْمُرْتَضٰى وَ بِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ الَّذِيْنَ انْتَجَبْتَهُمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ

مرتضی و بحق دوستان تو که برگزیدی ایشان را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَّ اَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ مَا وَلَدَا وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ مَا

محمد و اینکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و آنچه زائیده‌اند آن دو و مؤمنین و مؤمنات و آنچه

تَوَالَدُوْا ذُنُوْبَنَا كُلَّهَا صَغِيْرَهَا وَ كَبِيْرَهَا وَ اَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَ

زائیده‌اند آن دو گناهان ما همه آنها کوچک آنها و بزرگ آنها را و اینکه ختم کنی برای ما بصالحات و

اَنْ تَقْضِيَ لَنَا الْحَاجَاتِ وَ الْمُهِمَّاتِ فِيْ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ

اینکه برآوری برای ما حاجتهای ما و مهمات ما و شایسته دعای ما و خواهش ما را پس بپذیر

لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ مَا شَآءَ

برای ما بحق محمد و آل او خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد بپذیر بپذیر بپذیر آنچه

اللهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ

خدا خواست بود نیست حرکت و نه توانی مگر بخدا منزه است پروردگار تو که پروردگار عزت است از آنچه وصف می‌کنند

ایضاً دعاء

وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ پس دستها را بجانب
آسمان بلند کن و — و درود بر پیغمبران فرستاده شده و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست

و میل ده گردنت را بسوی دوش چپ خود و گریه بکن و اگر نباید خود را بگریه
بدار یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْكَ عَظِیمٌ بِلا اِلٰهَ اِلّا
پس بگو — ای خدائی که نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بحق کسیکه حق او بر تو بزرگست بحق لا اله الا

اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهاءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
انت میخوانم ترا بحق شان لا اله الا انت ای خدائی که نیست خدائی مگر تو سوال میکنم ترا

بِجَلالِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِجَمالِ لا اِلٰهَ اِلّا
بزرگی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بحق لا اله الا

اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِنُورِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا
انت میخوانم ترا بکمال لا اله الا انت بروشنی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی

اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِكَمالِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
تو میخوانم ترا بکمال لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا

بِعِزَّةِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعِظَمِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
بعزت لا اله الا انت ای لا اله الا انت میخوانم ترا ببزرگی لا اله الا انت

یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِقَوْلِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
ای لا اله الا انت میخوانم ترا بقول لا اله الا انت ای نیست خدائی مگر تو

اَسْئَلُكَ بِشَرَفِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعُلاءِ
میخوانم ترا بشرف لا اله الا انت ای لا اله الا انت میخوانم ترا ببرتری بلند

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا لا
لا اله الا انت ای لا اله الا انت میخوانم ترا بلا اله الا انت ای آنکه نیست

اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ انقدر بگوید که بکنفس و فاکند پس
خدائی مگر تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار بگوید بر همان حالتیکه بود گردنکج
کرده بسوی دوش چپ اَسْئَلُكَ یا سَیِّدی پس بگوید یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ انقدر که
ای آقای من میخوانم ترا

هر روز رمضان

بكنفس و فاكند یا سَیِّداهُ یا مَوْلاهُ یا غِیاثاهُ یا مَلْجَاهُ یا مُنْتَهی غایَةِ
پس بگوید ای آقای من ای مولای من ای فریادرس من ای پناه من ای نهایت آرزوی

رَغْبَتاهُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَیْسَ كَمِثْلِكَ شَیْءٌ وَ
خواهش مندان ای رحیم تر از رحیمان سوال میکنم ترا بتو پس نیست چیزی مانند تو و

اَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجابَةٍ دَعاكَ بِها نَبِیٌّ مُرْسَلٌ اَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ اَوْ
سوال میکنم ترا بهر دعای مستجاب شده که خوانده است ترا بآن پیغمبر مرسلی یا فرشته مقربی یا

عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْاِیمانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ
بنده مؤمنی که آزموده تو دل او را برای ایمان و پذیرفته دعای او را از او که رو آوردم بسوی تو

بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَاُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجِی یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ
بمحمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت و پیش میدارم او را پیش روی حوایج خودم ای محمد ای فرستاده خدا

بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبّی وَاُقَدِّمُكَ بَیْنَ
پدر و مادرم فدای تو باد رو آوردم بتو بسوی پروردگار تو و پروردگار خودم و پیش میدارم ترا پیش

یَدَیْ حَوائِجی یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَیْسَ كَمِثْلِكَ
روی حاجتهای خودم ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سوال میکنم ترا بحق خودت پس نیست مانند تو

شَیْءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِیبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهادِیَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ
چیزی و رو آوردم بسوی تو بمحمد دوست تو و بذریه او که راهنمایانند و پیش میدارم ایشان را پیش

یَدَیْ حَوائِجی وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَیاتِكَ الَّتی لا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ
روی حاجتهای خودم و سوال میکنم ترا خدایا بزندگانی تو که نمیمیرد هرگز و بنور ذات تو

الَّتی لا یُطْفَأُ وَبِعَیْنِكَ الَّتی لا تَنامُ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْكَ
که خاموش نمیشود و بچشم تو که خواب نمیرود و سوال میکنم ترا بحق کسیکه حق او بر تو

عَظِیمٌ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَیْءٍ وَ
بزرگست اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد پیش از هر چیزی و بعد از هر چیزی و

عَدَدَ كُلِّ شَیْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَیْءٍ وَمِلْاَ كُلِّ شَیْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ
شماره هر چیزی و هم وزن هر چیزی و پری هر چیزی خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی

ايضاً دعاء

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَى

بر محمد بنده برگزیده شده تو و فرستاده تو که پسندیده شده است و امین برگزیده شده تو

وَنَجِيبِكَ دُونَ خَلْقِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ

و نجیب تو پیش دیگر خلق تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو همگی

النَّذِيرِ الْبَشِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

ترساننده بشارت دهنده چراغ نورانی و بر خانواده او که پاکانند پاکیزگانند

الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ

پاک شدگانند نیکوکارانند خوبانند و بر ملائکه تو آنچنان ملائکه که خالص کردی ایشان را

لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ

برای خودت و در پرده کرده ایشان را از خلق خود و بر پیغمبران تو که خبر میدهند براستی

عَنْكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَئِمَّةِ

از تو و بر بندگان شایسته تو که داخل کرده ایشان را در رحمت خود که پیشوایان

الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ

هدایت کنندگان ناارشد پاک کرده شدگانند و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ

و عزرائیل و رضوان کلیددار بهشت و مالک خزینه دار آتش و روح قدس

وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلَوٰةِ

و بردارندگان عرش و منکر و نکیر و بر دو فرشته نگهداران من برحمت

الَّتِي تُحِبُّ أَنْ تُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ صَلَوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً زَاكِيَةً

که دوست داری اینکه رحمت فرستی بآن رحمت برایشان رحمتی بسیار پاکیزه مبارک خالص

نَامِيَةً طَاهِرَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ

روینده پاک باشرافت بافضیلت که ظاهر کنی بآن فضل ایشان را بر پیشینیان و

الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَغْفِرَ

پسینیان خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعا مرا و بیامرزی

هر روز ماه رمضان

ذُنُوبِي وَتُنْجِحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَاتِي وَتَتَقَبَّلَ قِصَّتِي وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي

گناهان مرا و روا کنی مطلب مرا و بر آوری حاجتهای مرا و قبول کنی قصه مرا و وفا کنی برای من آنچه وعده

وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي

و قبول کنی پشیمانی لغزش مرا و در گذری از گناهان و در گذری از ستم من و عفو کنی از جرم من

وَتُقْبِلَ عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَافِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي

و اقبال کنی بمن و رو بگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت دهی مرا و مبتلا نسازی مرا

وَتَرْزُقَنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ وَأَهْنَئِهِ وَأَمْرَئِهِ وَأَسْبَغِهِ

و روزی بدهی مرا از پاکیزه ترین روزی و فراخ تران و گوارا تران و سبک ترین و درست تران

وَأَكْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي يَا رَبِّ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ

و بیشتر و محروم مساز مرا ای پروردگار من از نگاه کردن بسوی ذات بزرگواری تو و فیروزی بهشت و

الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَاقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دَيْنِي وَأَمَانَتِي وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي وَلَا

آزادی از آتش و برآور از من ای پروردگار من قرض مرا و امانت مرا و بینداز از من بارگناه را و

تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ

بار مکن ترا آنچه تحمل آن ندارم ای آقای من و داخل کن مرا در هر خیری که داخل کرده در آن

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي

محمد را و آل محمد را و بیرون آور مرا از هر بدی که بیرون آوردی ایشان را از آن و جدائی مینداز میان من

وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي

و میان ایشان بیک چشم بهم زدن هرگز در دنیا و آخرت پس بگوید خدایا بدرستیکه من

أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ

میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن دعای مرا چنانکه وعده فرموده خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا اندکی از

كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ

بسیار با وجود حاجت من که بسوی او بزرگست و بی نیازی تو از آن قدیم است و هو نزد من بسیار است و او

عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ فَامْنُنْ عَلَيَّ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي

بر تو سهل و آسانست پس منت نه بر من که تو بر هر چیزی توانائی خدایا برحمت خود در

ایضاً دعاء

الصّالحین فادخلنا وفی علّیّین فارفعنا وبکأس من معین من عین

صالحان پس داخل کن ما را ودر علیین پس بلند مرتبه کن ما را وبجامی از کوثر صاف از چشمه

سلسبیل فاسقنا ومن الحور العین برحمتک فزوّجنا ومن ولدان

سلسبیل پس سیراب کن ما را واز حور عین برحمت خود پس بده ما را ودیر ایکه

مخلّدین کأنّهم لؤلؤ مکنون فأخدمنا ومن ثمار الجنّة ولحوم الطّیر

همیشه که گویا ایشان مروارید نگاه داشته شده اند پس خادم ما کردان واز میوه های بهشت وگوشتهای مرغان

فأطعمنا ومن ثیاب السّندس والحریر والاستبرق فألبسنا ولیلة

پس طعام ده ما را واز جامهای نازک وابریشم واز استبرق پس پوشان ما را وشب

القدر وحجّ بیتک الحرام وقتلا فی سبیلک مع ولیّک فوفّق لنا

قدر وزیارت خانه خود را وبودی کن مرا کشته شدن در راه تو با ولی خود پس توفیق ده ما را

وصالح الدّعاء والمسئلة فاستجب لنا یا خالقنا اسمع واستجب لنا

ودعای شایسته وسؤال کردن را پس بپذیر برای ما ای آفریننده ما بشنو واجابت کن ما را

واذا جمعت الاوّلین والآخرین یوم القیمة فارحمنا وبراءة من

وچون فراهم آوری اولین وآخرین را در روز رستخیز پس رحم کن ما را وبیزاری ده از

النّار وأماناً من العذاب فاکتب لنا وفی جهنّم فلا تجعلنا ومع الشّیاطین

آتش وامان ده از عذاب پس بنویس برای ما ودر دوزخ پس مگردان ما را وبا شیاطین

فی النّار فلا تقرنّا وفی هوانک وعذابک فلا تقلّبنا ومن الزّقّوم

در آتش پس قرین مکن ما را ودر خواری خود وعذاب خود پس مگردان ما را واز زقوم

والضّریع فلا تطعمنا وفی النّار علی وجوهنا فلا تکبّنا ومن ثیاب

وضریع پس طعام مده ما را ودر آتش بر رو افکنده ما را واز جامه

النّار وسرابیل القطران فلا تلبسنا ومن کلّ سوء یا لا اله الّا

آتش وپیراهن قطران پس مپوشان ما را واز هر بدی ای آنکه نیست خدائی

انت بحقّ لا اله الّا انت فنجّنا اللّهمّ انّی اسئلک ولم یسئل

مگر تو بحق آنکه نیست خدائی مگر تو پس نجات ده ما را خدایا من سؤال میکنم ترا وسؤال کرده نشده

هر روز رمضان

مثلک وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک یا ربّ انت موضع

مانند تو ورغبت میکنم بتو ورغبت نمیکنم بسوی مانند تو ای پروردگار توئی محل

مسئلة السّائلین ومنتهی رغبة الرّاغبین اسئلک اللّهمّ بافضل

سؤال سؤال کنندگان ونهایت رغبت رغبت کنندگان سؤال میکنم ترا خدایا بزیادتر

اسمائک کلّها وانجحها یا الله یا رحمن وباسمک المخزون المصون الاعزّ

نامهای تو همه آنها وروا کننده ترین آنها ای خدا ای بخشنده وبنام تو که پنهان داشته شده است محفوظ وعزیز

الاجلّ الاکرم الاعظم الّذی تحبّه وتهواه وترضی عمّن دعاک به وتستجیب

بزرگوار گرامی بزرگ است که دوست داری آنرا ومیل داری باو وخشنود از کسیکه خواند ترا بآن ومستجاب

له دعائه وحقّ علیک یا ربّ ان لا تحرم سائلک اللّهمّ انّی اسئلک

برای او دعایش وحقست بر تو ای پروردگار که محروم نکنی خواننده خود را خدایا من سؤال میکنم ترا

بکلّ اسم هو لک دعاک به عبد هو لک فی برّ او بحر او سهل او جبل

هر نامیکه او ترا خوانده است بآن بنده تو که او ترا در خشکی یا در دریاست یا زمین یا کوه

او عند بیتک الحرام او فی شیء من سبلک فادعوک یا ربّ دعاء

یا نزد خانه محترم تست یا در چیزی از راههای تو پس میخوانم ترا ای پروردگار من دعای

من قد اشتدّت فاقته وعظم جرمه وضعف کدحه واشرف علی

کسیکه سخت شده باشد پریشانی او وبزرگ شده باشد جرم او وناتوان شده باشد سعی او ومشرف باشد بر

الهلکة نفسه ولم یثق بشیء من عمله ولم یجد لما هو فیه سادّاً ولا

هلاک نفس او واعتماد نکرده است بچیزی از کردارش ونیافته است برای هلاک سد کننده ونه

لذنبه غافراً ولا لعثرته مقیلاً غیرک هارباً الیک متعوّذاً بک

برای گناهش آمرزنده ونه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو گریزنده بتو پناه برنده بتو

متعبّداً لک غیر مستنکف ولا مستکبر ولا مستحسر ولا متجبّر ولا

عبادت کننده برای تو ننگ ندارنده وتکبر ندارنده وحسرت نکشنده ونه جبر کننده ونه

متعظّم بل بائس فقیر خائف مستجیر اسئلک یا الله یا رحمن یا حنّان یا منّان

شان فروشنده بلکه ترسان بیچاره ترسناک زنهار خواهنده ام میخوانم ترا ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای نعمت

ایضاً دعا

یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد

ای پدید آورنده آسمانها و زمینها ای صاحب جلال و کرامت اینکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد صلوة کثیرة طیبة مبارکة نامیة زاکیة شریفة اسئلک

و آل محمد رحمت بسیار پاکیزه میمون رونده زیاد شونده با شرافت میخواهم از تو

اللهم ان تغفر لی فی شهری هذا و ترحمنی و تعتق رقبتی من النار

خدایا اینکه بیامرزی مرا در این ماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش

و تعطینی فیه خیر ما اعطیت احداً من خلقک و خیر ما انت معطیه

و بدهی مرا در این ماه بهتر چیزیکه عطا کرده یکی از بندگان خود را و بهتر چیزیکه تو عطا کننده او را

ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لک منذ اسکنتنی ارضک

و نگردان این ماه را آخر رمضانیکه روزه گرفتم او را در وقتیکه ساکن کردی مرا در زمین خود

الی یومی هذا بل اجعله علیّ اتمه نعمة و اعمه عافیة و اوسعه رزقا

تا این روز بلکه بگردان این ماه را بر من تمام ترین ماهها از جهت نعمت و شامل ترین آنها از جهت عافیت و وسیع ترین آنها از جهت روزی

و اجزله و اهنأه اللهم انی اعوذ بک و بوجهک الکریم و ملکک

و وافرتران و گواراتران خدایا من پناه میبرم بتو و بذات تو که کریمست و بپادشاهی تو

العظیم ان تغرب الشمس من یومی هذا او تنقضی بقیة هذا الیوم

که بزرگست اینکه غروب کند آفتاب از این روز یا اینکه بگذرد باقیمانده این روز

او یطلع الفجر من لیلتی هذه او یخرج هذا الشهر و لک قبلی تبعة او ذنب

یا طلوع کند صبح از این شب یا بیرون رود این ماه و برای تو باشد پیش من مظلمه یا گناهی

او خطیئة ترید ان تقایسنی بها او تؤاخذنی بها او توقفنی بها موقف

یا خطائی که خواسته که بسنجی مرا بآن یا بگیری مرا بآن یا بداری مرا بآن در مقام

خزی فی الدنیا والآخرة او تعذبنی یوم القاک یا ارحم الراحمین

رسوائی در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا روزیکه ملاقات نمایم ترا ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم انی ادعوک لهم لا یفرجه غیرک و لرحمة لا تنال الا بک و

خدایا میخوانم ترا برای اندوهیکه نمیگشاید او را جز تو و در رحمتیکه نمیتوان رسید مگر بوسیله تو و

۴۱

هر روز رمضان

لکرب لا یکشفه الا انت و لرغبة لا تبلغ الا بک و لحاجة لا یقضی

برای دلگیری که برطرف نمیکند او را مگر تو و در رغبتیکه نمیرسد مگر بتو و برای حاجتیکه روا کرده نمیشود

دونک اللهم فکما کان من شأنک ما اردتنی به من مسئلتک و رحمتنی

جز تو خدایا پس همچنانکه بوده از جمله کار تو آنچه اراده کنی مرا بآن از سؤال کردن ترا و رحمت کنی

به من ذکرک فلیکن من شأنک الاستجابة لی فیما دعوتک به و النجاة

بآن از یاد تو پس باید که باشد کار تو مستجاب کردن برای من در آنچه خواندم ترا بآن و نجات

لی فیما فزعت الیک منه اللهم این الحدید لداود ای کاشف الضرّ و

مرا در آنچه فزع کرده ام بسوی تو از آن ای نرم کننده آهن برای داود ای زایل کننده بدیهای حال

الکرب العظام عن ایوب و مفرج هم یعقوب و منفس کرب یوسف صل

اندوه بزرگ از ایوب و ای فرج دهنده اندوه یعقوب و گشایش دهنده دلگیری یوسف رحمت کن

علی محمد و آل محمد و افعل بی ما انت اهله فانک اهل التقوی و اهل

بر محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی پس تو سزاوار پرستیدن و سزاوار

المغفرة اللهم انت ثقتی فی کل کرب و رجائی فی کل شدة و انت لی فی کل

آمرزش خدایا توئی محل اعتماد من در هر اندوهی و امید من در هر سختی و توئی برای من در هر

امر نزل بی ثقة و عدة کم من کرب یضعف منه الفؤاد و تقل فیه الحیلة

کاریکه فرود آید بمن اعتماد و آماده چه بسیار از دلگیری که ضعیف میشود از آن دل و کم میشود از آن راه چاره

و یخذل فیه الصدیق و یشمت فیه العدو انزلته بک و شکوته

و خوار کرده در آن دوست و اینکه شماتت میکند در آن دشمن و فرود آوردم بتو و شکوه کردم او را

الیک رغبة منی فیه الیک عمن سواک ففرجته و کشفته و کفیته

بسوی تو از روی رغبت من در آن بسوی تو از هر که سوای تست پس فرج دادی آن را و برطرف نمودی و کفایت کردی

فانت ولی کل نعمة و صاحب کل حسنة و منتهی کل رغبة اعوذ

پس توئی ولی هر نعمتی و دارای هر نیکی و نهایت هر میلی پناه میبرم

بکلمات الله التامات من شر ما خلق من شیء اللهم عافنی فی یومی هذا

بسخنان خدا که تمامند از شر آنچه آفریده است از چیزی خدایا عافیت ده مرا در این روز من

ايضاً دعاء

حتّى امسى اللّهمّ انّى اسألك بركة يومى هذا وما نزل فيه من

تا اينكه شام كنم خدايا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بركت اين روز را وآنچه فرود آمده در آن از

عافية ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه على

عافيت وآمرزش ورحمت وخوشنودى وروزى فراخ حلال كه بگسترانى آنرا بر من

وعلى والدىّ وولدى واهلى وعيالى واهل حزانتى ومن احببت ولحمتى

وبر پدر ومادر من وفرزندان من واهل خانه من وعيال من واهل اندوه من وكسيكه دوست ميدارم او را و دو

وولدت وولدنى اللّهمّ انّى اعوذ بك من الشّكّ والشّرك والحسد و

وكسيكه زائيده ام وزائيده مرا خدايا من پناه ميبرم بتو از شك وشرك بتو وحسادت و

البغى والحميّة والغضب اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وربّ الارضين السّبع

وظلم وغيرت وغضب خدايا اى پروردگار آسمانهاى هفتگانه واى پروردگار زمين هفتگانه

وما فيهنّ وما بينهنّ وربّ العرش العظيم صلّ على محمّد وآله واكفنى

وآنچه در آن وآنچه در ميان آنهاست وپروردگار عرش بزرگ رحمت فرست بر محمّد وآل محمّد وكفايت كن مرا

المهمّ من امرى بما شئت وكيف شئت پس بخوان سوره حمد وآية الكرسى را وبگو اللّهمّ انك

مهم از كار مرا بروشى كه ميخواهى وبروشى كه خواستى خدايا تو

قلت لنبيّك صلّى الله عليه وآله ولسوف يعطيك ربّك فترضى

فرمودى براى پيغمبر خود رحمت خدا براو وآل او باد وهر آينه زود است عطا كند ترا پروردگار تو پس خشنود شوى

اللّهمّ انّ نبيّك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى

خدايا بدرستيكه پيغمبر تو وفرستاده تو ودوست تو وبرگزيده تو از خلق تو راضى نميشود

بان تعذّب احداً من امّته دانك بموالاته وموالاة الائمّة من اهل

باينكه عذاب كنى احدى از امّت او را كه متديّن شده بدوستى او ودوستى ائمّه از اهل

بيته وان كان مذنباً خاطئاً فى نار جهنّم فاجرنى يا ربّ من جهنّم و

بيت او واگرچه گناهكار باشد خطاكار در آتش جهنم پس زنهار ده مرا اى پروردگار من از جهنم و

عذابها وهبنى لمحمّد وآل محمّد يا ارحم الرّاحمين يا جامعاً بين اهل

عذاب آن وببخش مرا بمحمد وآل محمد اى بخشنده ترين بخشندگان اى فراهم آورنده ميان اهل

هر روز رمضانا

الجنّة على ما الّف من القلوب فى شدّة المحبّة ونازع الغلّ من صدورهم

بهشت بر حال الفت داشتن از دلها وسختى دوستى وبيرون نماينده كينه از سينهاى ايشان

وجاعلهم اخواناً على سرر متقابلين يا جامعاً بين اهل طاعته وبين

وگردانندهٔ ايشان را برادران بر تختها روبروى يكديگر اى فراهم آورنده اهل طاعت خود وميان

من خلقها له ويا مفرّج حزن كلّ محزون ويا منهل كلّ غريب ويا راحم

آنكه خلق كرده طاعت را براى او اى گشاينده اندوه هر اندوهناك واى سيراب كننده هر غريبى واى رحم كننده

فى غربتى وفى كلّ احوالى بحسن الحفظ والكلائة يا مفرّج ما بى من

در غربت من ودر هر حال من بنيكى نگاهدارى ونگهبانى اى فرج دهنده آنچه باست از

الضّيق والخوف صلّ على محمّد وآل محمّد واجمع بينى وبين احبّتى و

تنگى وترس رحمت فرست بر محمد وآل محمد وفراهم كن ميان من وميان دوستان من و

قادتى وسادتى وهداتى وموالىّ يا مؤلّفاً بين الاحبّاء صلّ على

پيشوايان من وسادات من وراهنمايان من ودوستان من اى الفت دهنده ميان دوستان رحمت فرست بر

محمّد وآل محمّد ولا تفجعنى بانقطاع رؤية محمّد وآل محمّد عنّى ولا بانقطاع

محمد وآل محمد ومصيبت مده مرا ببريدن ديدن محمد وآل محمد از من ونه ببريدن

رؤيتى عنهم فبكلّ مسائلك يا ربّ ادعوك الهى فاستجب دعائى

ديدن من ايشان را پس بهمه مسائل تو اى پروردگار ميخوانم ترا خداى من پس بپذير دعاى مرا

اياك يا ارحم الرّاحمين اللّهمّ انّى اسئلك بانقطاع حجّتى ووجوب

تو اى بخشنده ترين بخشندگان خدايا من ميخواهم ترا ببريدن برهان من ولازم بودن

حجّتك ان تغفر لى اللّهمّ انّى اعوذ بك من خزى يوم المحشر ومن شرّ

حجت تو اينكه بيامرزى مرا خدايا من پناه ميبرم بتو از عذاب روز محشر واز بدى

ما بقى من الدّهر ومن شرّ الاعداء وصغر الفناء وعضال الدّاء

آنچه مانده از روزگار واز بدى دشمنان وكوچكى نيستى خود وبيدرمان بودن درد

وخيبة الرّجاء وزوال النّعمة وفجاءة النّقمة اللّهمّ اجعل لى قلباً

وناميد شدن وبرطرف شدن نعمت وناگهانى عقاب خدايا بگردان براى من دلى

بخشاك كانك تراك الى يوم يلقاك و دور نيست كه در اوقات ديگر هر گاه
كه بترسد تو گويا او ميبيند ترا بسوی روز كه ملاقات ميبايد شدتی رو دهد باحاجت ضروری هم

وسد این دعا را تواند خواند **فصل ششم** در اعمال مختصره شبها و
روزهای مخصوص اینماه مبارکست و در روایتی وارد شده است که انجیل بر
حضرت عیسی علیه السلم در ششم اینماه نازل شده و در روایت دیگر در ششم و بروایت
معتبر دیگر در دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز ششم
اینماه مامون خائن ملعون با حضرت امام رضا علیه السلم بیعت کرد و در روایت
شده که هر که در آن روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد یکصد و
پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را اداکرده
خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که در شب سیزدهم
دو رکعت نماز بگذارند در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارك الذی
بیده الملك و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام
باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب
پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلم
مستحب است در آن چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
هر که در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیك سلام
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی
ده ملك فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او شر دشمنان او را
از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملك بفرستد که او را بشارت
دهند ببهشت و سی ملك که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضا از آن
حضرت منقولست که هر که در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت
بکند و در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند که

بمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را بشارت دهند ببهشت و ملکی
چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکست
و در آن شب لشکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات
کردند در بدر و در روزش جنگ شد و حقتعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن
اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب
نوزدهم اول شبهای قدر است و حقتعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر
یعنی ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبیکه نزد حقتعالی قدر و منزلت
عظیم دارد یا تقدیر امور سال در آن شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری
نزول ملائکه و ما ادریك ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که
چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از
هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملائکة و
الروح فیها فرود میآیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در این شب
باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری
احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در این شب بر امام زمان
نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام زمان
علیه السلم عرض کنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است اینشب از جمیع
بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مومنان که در اینشب عبادت
میکنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف بسیار است
بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول صلعم بود و بعد
از آن برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته
اند که در تمام سال پنهانست و در همه سال شبها عبادت باید کرد تا فضیلت
قدر را دریابند و بعضی گفته اند در ماه شعبان و در ماه رمضان پنهانست و بعضی
گفته اند شب نیمه شعبانست و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضانست و بعضی گفته
اند شب نیمه رمضانست و بعضی شب هفدهم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی شب بیست و سیم

اعمال مخصوصه

وبعضی شب بیست و هفتم و بعضی شب آخر را گفته اند و اکثر سنیان در این زمان
اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند
بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان
شب بیست و یکم و بیست و سیم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت
میکند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و
بیست و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی
احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده و در بعضی تعیین خصوص
بیست و سیم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود
بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی از
برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت
شب بیست و سیم را از برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن شب با خیل و
اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی
از احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدر است و در شب اول تقدیر
امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادات ممکن است بعضی
تغییر یابد و در شب بیست و سیم حتم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر
مییابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش
آسان است بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است اما تا
بمهر مهر آثار مزین نگردیده باز ممکن است تغییر یابد و چون بمهر اشرف
رسید بمنزله حتم است و تغییرش در غایت صعوبت است و خفای لیلة القدر از حکمت
در ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است
و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت دعا در هر شب و روز
جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن
اینها آنست که بر همه اسماء مقدسه الهی مواظبت نماید و اهتمام در همه نمازها
بکند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا بکند و سعی در همه

شب قدر رمضان

اعمال خیر بکند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر شبها شکی
احتمال آن دارد همه را احیا کند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند مثل آنکه
اگر اسم اعظم را همه کس بداند گاه باشد بعضی از نفوس شریره او را وسیله حصول مطالب
دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت هم
بعضی صلحا را اگر بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه یا ضررهای عظیم در بعضی
بعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر بخصوص دانند لیلة القدر مستجاب
گردد دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که ذکر
گنجایش ذکر اینها ندارد پس باید که مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در
عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام
بیشتر بکند و در شب بیست و سیم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن
وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر بکند و فواید عبادت در شب
قدر بسیار است از جمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن ثواب
از عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر میفرمایند
دیگر آنکه چون تقدیر امور جمیعا از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و
توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال تمام سال
خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا
باشد و در این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه
اینمضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون
... حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام اینشب ملائکه مقربین محشور
و فوج فوج بخدمت حضرت میایند و بر او سلام میکنند تقدیرات که برای او
و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی آدمی
ورد نکنند و بغفلت بسر برد و از حضرت رسول منقولست که چون شب قدر
میشود فرود میایند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل
علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها میاورد و یک علم را بر قبر منور من نصب

اعمال مخصوصه

میکند و یکی را بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا
و نمیگذارند مرد مؤمن و زن مومنه را مگر انکه بر او سلام میکنند و ایضاً
از حضرت رسول منقولست که بهشت را هر سال برای داخلشدن ماه مبارک
رمضان زینت میکنند چون شب اوّل ماه میشود نسیمی از زیر عرش
میوزد که از امیثره میگویند و بصدا میاورد درختان و حلقهای درهای
بهشت را پس نغمه از ان میشوند که هرگز شنوندگان از ان خوش اینده تر
نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون میایند و ندا میکنند
که ایا کی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با عمال صالحهٔ خود پس از
رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک
نیکورویان نیکوکاران اینشب اوّل ماه رمضان است درهای بهشت گشوده
شده است برای روزه داران امت محمّد پس حقتعالی میفرماید که ای رضوان بگشا
درهای بهشت را ای مالك ببند درهای جهنّم را از برای روزه داران امت محمّد
ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرّد را و غلها در گردن
ایشان گذار و ایشان را در لجّهای دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امّت
حبیب من محمّد ص روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حقتعالی در هر شب
از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که ایا سؤال کننده هست که
سؤال او را عطا کنم ایا توبه کننده که توبه او را قبول کنم ایا استغفار کننده
هست که گناهش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخدا و ندی مالداری که
هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند فرمود
که در اخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حقتعالی هزار
هزار کس از اتش جهنّم ازاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه می
شود حقتعالی در هر ساعتی هزار هزار کس را از اتش جهنم ازاد میکند
که هر یك مستوجب عذاب شده باشند و در شب اخر و روز اخر ماه بعدد
انچه در تمام ماه ازاد کرده است ازاد میکند و چون شب قدر می شود

شب قدر

رمضان

حقتعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین میاید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود
علم سبزی میاورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او را ششصد
بال دارد و دو بالش را نمیگشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر ان
دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد و پهن میکند جبرئیل ان ملائکه
را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که
بنماز و ذکر خدا مشغول باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان دعا
میکنند ملئکه امین میگویند و پیوسته مشغول اینکارند تا طلوع صبح
چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملئکه روانه جانب
اسمان شوید پس ملائکه گویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان
از امت محمّد جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را امرزید مگر کسیکه همیشه
شراب خورده یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت
کند و چون شب عید فطر میشود و ان شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد
عمل کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز عید میشود حقتعالی
ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین میایند و بر سر کوچها و
راهها میایستند و میگویند ای امت محمّد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار
کریمیکه عطاهای بزرگ میبخشد و گناهان عظیم را میامرزد پس چون بمصلا
میروند برای نماز عید حقتعالی بملائکه میگوید ای ملائکه من چیست جزای
مزدور هرگاه عمل خود را تمام بکند ملئکه گویند ای خداوند ما و ای اقای ما جزای
او انستکه مزدش تمام داده شود حقتعالی میفرماید بملئکه من شما را گواه
میگیرم که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای
ان عطا کردم که ایشان را راضی شدم و گناهان ایشان را امرزیدم پس ندا میفرماید
مؤمنان را که در ان مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هر چه خواهید
از من سؤال کنید بعزّت و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما
هر حاجت که برای اخرت و دنیای خود سؤال کنید البتّه عطا می کنم

وعیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید ومزدهای شما را مضاعف میکنم وشما را در میان گناهکاران رسوا نمیکردانم برگردید از مصلی آمرزیده بدرستیکه خوشنود کردانید بدرا وخشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور وشاد میشوند ویکدیگر را مبارکباد میگویند بانچه حقتعالی بامت محمد عطا کرده

در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولستکه هر که احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها وکیل دریاها باشد واما اعمال این شب بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دویم آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولستکه هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد ودر هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ** بگوید از جای خود برنخیزد تا حقتعالی او را وپدر ومادرش را بیامرزد وملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده وملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس کنند وقصرها برای او بنا کنند ونهرها برای او جاری کردانند واز دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید وغسل در این سه شب سنت موکد است وغسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند ومستحب است که در این شبها قرآن مجید بدست بگیرد و **اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ** وبگشاید وپیش روی خود بگذارد و بخواند

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق کتاب تو که نازل شده است وآنچه در آنست

فِيهِ اِسْمُكَ الْاَكْبَرُ وَاَسْمَاؤُكَ الْحُسْنٰى وَمَا يُخَافُ وَيُرْجٰى اَنْ تَجْعَلَنِي

در آنست نام تو که بزرگست ونامهای تو که نیکو است وآنچه ترسیده شده وامید داشته شده اینکه بگردانی

مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ پس حاجات

مرا از آزاد شدگان از آتش وروا کنی حاجتهای دنیا واخرت مرا

خود را بطلبد انشاء الله برآورده است واین دعا از حضرت امام محمد باقر وامام جعفر

علیهما السلم منقولستکه مصحف را بگیر وبر سر خود بگذار وبگو **اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْاٰنِ وَبِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ**

خدایا بحق این قرآن وبحرمت کسیکه فرستاده قرآن را باو وبحرمت هر مومنیکه ستوده او را

فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ بِكَ

دران قرآن وبحق تو بر ایشان پس نیست کسیکه شناساتر باشد بحق تو از خودت مرتبه

يَا اَللّٰهُ وَبِمُحَمَّدٍ وَبِعَلِيٍّ وَبِفَاطِمَةَ وَبِالْحَسَنِ

ای خدا مرتبه بحرمت محمد مرتبه بحرمت علی مرتبه بحرمت فاطمه مرتبه بحرمت حسن مرتبه

وَبِالْحُسَيْنِ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَبِجَعْفَرِ

بحرمت حسین مرتبه بحرمت علی پسر حسین مرتبه بحرمت محمد پسر علی مرتبه بحرمت جعفر

بْنِ مُحَمَّدٍ وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسٰى وَبِمُحَمَّدِ

پسر محمد مرتبه بحرمت موسی پسر جعفر مرتبه بحرمت علی پسر موسی مرتبه بحرمت محمد

بْنِ عَلِيٍّ وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَبِالْحُجَّةِ

پسر علی مرتبه بحرمت علی پسر محمد مرتبه بحرمت حسن پسر علی مرتبه بحرمت حجت

پس هر حاجتیکه داری طلب کن وزیارت حضرت امام حسین علیه السلم در هریک از این سه شب مستحب موکد است ودر هریک خصوصا شب بیست وسیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند ودر بعضی از روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله اکتفا میتواند کرد واحادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است وباید این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد واگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد وبهترین اعمال اعمال در این شبها طلب آمرزش ودعا از برای مطالب دنیا واخرت خود است وپدر ومادر وخویشان وبرادران مومن زنده ومرده ایشان واذکار وصلوات بر محمد وآل محمد صلوات الله علیهم آنچه مقدور شود ودر بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از

اعمال مخصوصه

این سه شب ... اما دوم پس اعمال مخصوص شب نوزدهم انستکه صد مرتبه بگوید بخوانند استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه بگوید

طلب آمرزش میکنم خدا پروردگارم را و بازگشت میکنم بسوی او

اللهم العن قتلة امیر المؤمنین و این دعا بخواند اللهم اجعل فیما

خدایا لعنت کن کشندگان پادشاه مؤمنان را بخواند خدایا بگردان در آنچه

تقضی و تقدر من الامر المحتوم و فیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة

حکم کنی و اندازه کنی از کار واجب و در آنچه جدا کنی از امر موافق حکمت در شب

القدر من القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک

الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم

کنند بیت الحرام که نیکو است حج ایشان جزا داده شده سعی ایشان

سیئاتهم و اجعل فیما تقضی و تقدر ان تطیل عمری فی طاعتک و توسع فی رزقی

گناهان و بگردان در آنچه حکم کنی و اندازه کنی اینکه دراز کنی عمر مرا ... روزی من

و تفعل لی فی اموری ما هو خیر لی فی دنیای و آخرتی یا ارحم الراحمین

و اندازه کنی برای من در همه امور من آنچه او بهتر است برای من در دنیای من ...

پس حوائج خود را از حقتعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلتش بیشتر است از شب سابق و غسل و اعمال سابقه را همه را بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و دهه استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول ایشان مشغول دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت

شبهای قدر

اللهم صل علی محمد و آله ... رمضان

نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز شب و نافله صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدرستیکه امید شب قدر در یکی از اینها است و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی هزار ماه عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میکردد و دعای این شب در ضمن دعاهای دهه آخر ماه مذکور خواهد شد انشاء الله و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب مقدر میکردد عمرها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در این سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند این شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نشود انشاء الله و فرمود که حقتعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم مگر کسیکه افطار کند روزه را بر مست کننده یا کینه مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد خدا منزلت عظیم هست و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه رمضان هزار بار سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شکند باعتراف بانچه مخصوص ما است از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب ببیند

اعمال مخصوصه

وسورهٔ حم دخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه میکنند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند از حقتعالی در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه رمضان را و صد رکعت نماز کند حقتعالی روزی او را فراخ کند در دنیا و شر دشمنان را از او کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب او داخل بهشت شود بیحساب در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان کرداند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای اینشب را از جملهٔ دعاهای دهه آخر بخواند اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی

(خدایا دراز کن برای من در زندگانی من و فراخ ده برای من)

وایضًا اینده عا را بخوانند

فِی رِزْقِی وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیَاءِ فَامْحُنِی

(در روزی من و صحت ده جسم مرا و برسان مرا باروی من و اگر هستم از بدبختان پس محو کن مرا)

مِنَ الْاَشْقِیَاءِ وَاکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ

(از زمرهٔ اشقیاء و بنویس مرا از زمرهٔ نیکبختان پس بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرو فرستاده)

عَلٰی نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ یَمْحُوا اللّٰهُ مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَ

(بر پیغمبر خود رحمت تو باد بر او و آل او محو میکند خدا آنچه را خواهد و ثبت میکند)

عِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ وایضًا بگویند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِکَ نَصِیبًا مِنْ کُلِّ

(نزد او است اصل کتاب خدایا بگردان مرا از وافرترین بندگان خود از روی بهره دادن از هر)

شبهای قدر رمضان

خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ اَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ

(خیری که فرو فرستادی در این شب یا تو فرو فرستنده آنی از نوری که راه نمائی بآن یا رحمت)

تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ تَکْشِفُهُ وَاکْتُبْ لِی

(که پهن کنی آنرا یا روزی که قسمت کنی آنرا یا بلائیکه دفع کنی او را یا گزندیکه برداری آنرا و بنویس برای من)

مَا کَتَبْتَ لِاَوْلِیَائِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ الثَّوَابَ وَ

(آنچه نوشته برای دوستان شایستگان خود آنانکه سزاوار شدند از تو پاداش خوب و)

اَمِنُوا بِرِضَاکَ عَنْهُمْ مِنْکَ الْعِقَابَ یَا کَرِیمُ یَا کَرِیمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

(ایمن شدند بخوشنودی تو از ایشان از عقوبت ای بزرگوار رحمت فرست بر محمد و آل محمد)

وَافْعَلْ بِی ذٰلِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و هر مقدار از قرآن که ممکن

(و بکن با من این را برحمت تو ای مهربانترین مهربانان)

باشد در این شب بخواند و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخواند خصوصًا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای اینشبها را نیز باید حرمت داشت و بعبادت و دعا و تلاوت بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت نیز مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز غسل بخصوص سنتست و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل آن وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل در این شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حقتعالی بایشان نورها در گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در اینشب مکرر این دعا را میخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجَافِیَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ

از اول شب تا آخر شب (خداوندا روزی ده کناره گرفتن از دنیای فریب دهنده و)

الْاِنَابَةَ اِلٰی دَارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ

(بازگشت کردن بسوی خانه همیشگی را و مهیا شدن برای مردن پیش از فرود آمدن مرگ)

و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل

دعاء وداع

وداع ماه رمضان سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت است
سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه و عبادت این ماه بر ما گران و دشوار نبود
و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت
الهی یافته است و فوائد آن را در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و
بندگی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزترین
اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم است که غلامیکه از
خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل
غلامی نیست که از ترس خدمت کند و باطن راضی نباشد و دعاهای وداع را در
شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوبست و در حدیث
که اگر آخر ماه مشتبه شود در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن
و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و
بسند معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این دعا وداع منقولست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى لِسَانِ

بنام خداوند بخشنده مهربان خدایا بدرستیکه تو فرموده در کتاب خود که فرود آمده بر زبان

نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ

پیغمبر خود که فرستاده شده است رحمت تو براو و آل او و فرموده تو حقست ماه رمضان

الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

که فرستاده شده است در آن قرآن راهنما برای مردمان و حجتها از هدایت و جدا کننده حق از باطل

وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ فَاَسْأَلُكَ

و این ماه رمضان است که منقضی شده و بپایان رسیده روزهای آن و شبهای آن پس سوال میکنم ترا

بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ اِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ

بذات بزرگ تو و سخنان تمام تو اگر بوده باشد باقی بر من گناهی که نیامرزیده

لِي اَوْ تُرِيدُ اَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ اَوْ تُقَايِسَنِي بِهِ اَنْ لَا يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ

یا اراده داری که عذاب کنی مرا بر آن یا مقایسه کنی مرا بآن اینکه بر نیاید صبح این شب یا

شهر مبارک رمضان

يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ

بپایان رسد این ماه مگر آنکه آمرزیده باشی آنرا برای من ای مهربانترین مهربانان خدایا مر تراست

الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا اَوَّلِهَا وَآخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ

حمد بستایشهای تو همه آنها اول و آخر آنها آنچه فرموده برای خود از آنها و آنچه گفته اند

لَكَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعَدِّدُونَ الْمُوَقِّرُونَ فِي ذِكْرِكَ

برای تو آفریدگان سپاس گذاران کوشش کنندگان شمارندگان ... در یاد تو

وَالشُّكْرُ لَكَ الَّذِينَ اَعَنْتَهُمْ عَلَى اَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ اَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ

و شکر تو برای آنانکه مدد کردی ایشانرا بر ادای حق خود از اصناف خلق خود از

الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَاَصْنَافِ النَّاطِقِينَ الْمُسَبِّحِينَ

فرشتگان مقرب و پیغمبران و فرستاده شدگان و اقسام سخن گویان که تنزیه کنندگانند

لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى اَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ وَ

مر ترا از همه جهانیان بر اینکه رسانیدی بما ماه رمضانرا و بر ما از نعمت خود و

عِنْدَنَا مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ وَاِحْسَانِكَ وَتَظَاهُرِ امْتِنَانِكَ بِذٰلِكَ لَكَ

نزد ما از بخششهای وافر تو و احسان تو و در پی در پی آمدن نعمتهای تو باین مر تراست

مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاكِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طُولَ

نهایت سپاس همیشگی دائم پیوسته همیشه جاوید که پایان نرسد درازی

الْاَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ اَعَنْتَنَا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ مِنْ

همیشگیان بزرگست ستودن تو مدد کردی ما را تا آنکه ادا کردی از ما روزه گرفتن آنرا و ایستادن آنرا

صَلٰوةٍ وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بِرٍّ اَوْ شُكْرٍ اَوْ ذِكْرٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا

نماز ... ما در آن از نیکی یا شکر کردن یا یاد کردن خدایا پس قبول کن آنرا از ما

بِاَحْسَنِ قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ وَحَقِيقَةِ

بخوبی قبول کردن تو و در گذشتن تو و آمرزش تو و در گذشتن و آمرزش تو و اصل

رِضْوَانِكَ حَتَّى تُظْفِرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ

خشنودی تو تا آنکه فیروزی دهی ما را در این ماه بهر نیکی مطلوبی و عطای وافر بخشیده شده

دعاء وداع

تومنا فيه من كل امر مرهوب و ذنب مكسوب اللهم اني اسئلك باعظم

بترکهای ما را در آن از هر کاریکه رسید شود و گناهی که کسب کرده شود خدایا سؤال میکنم ترا بزرگ

ما سئلك احد من خلقك من كريم اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة دعائك

انچه سوال کرده ترا یکی از افریدگان تو از بزرگی نامهای تو و دو فر عطای تو و دعای خاصه تو

ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان

بنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی ماه ما را این را بزرگتر از ماه رمضان که

مر علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي و

گذشت بر ما از وقت که فرستاده ما را بسوی دنیا برکتی در نگاهداشتن دین من و خلاصی نفس من

قضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني

بر آوردن حاجت من و شفیع شوی در سوالهای من و تمام نعمت بر من و گردانیدن بدی از من

ولباس العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن خرت له ليلة القدر و

و جامه عافیت برای من و اینکه بگردانی مرا برحمت خودت از جمله انکه جمع کرده برای او شب قدر

جعلتها له خيرا من الف شهر في اعظم الاجر وكريم الذخر وطول العمر

گردانیدی انشب را بهتر از هزار ماه در بزرگترین مزد و گرامی ذخیره و درازی عمر

وحسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك و

و نیکی شکر و توانگری همیشه خدایا و سوال میکنم ترا برحمت تو و احسان تو و

عفوك ونعمائك وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله

عفو تو و نعمتهای تو و بزرگی تو و دیرینه احسان تو و انعام تو اینکه نگردانی اینماه را

اخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال و تعرف

اخر عهد از ما برای ماه رمضان تا برسانی ما را ان از سال اینده ببهترین حالی و بشناسانی

هلاله مع الناظرين اليه والمتعرفين له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك

ماه نو او را با بینندگان او را و شناسندگان اینماه را در عافیت دارترین عافیت تو و تمام ترین نعمت تو

واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا

و فراخ ترین رحمت تو و وافرترین قسمت تو خدایا ای پروردگار من که نیست مرا پروردگاری جز او

يكون هذا الوداع مني وداع فناء ولا اخر العهد من اللقاء حتى

نباشد این وداع از من وداع نیستی و نه اخر عهد از ملاقات من تا

تربنيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن

بنمایانی بمن اینماه را از سال اینده در تمامترین نعمتها و بهترین فراخی و من برای تو باشم بر نیکوترین

الوفاء انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي

وفا بدرستیکه تو شنونده دعائی خدایا بشنو دعای مرا و رحم کن بزاری من و خواری مرا

لك واستكانتي وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا و

برای تو و فروتنی مرا و توکل مرا بر تو و من برای تو منقاد امید ندارم رستگاری را

لا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل

و نه عافیت را و نه کرامت را و نه رسانیدن را مگر بتو و از تو پس منت نه بر من که بزرگست

ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان وانا معافى من كل

ثنای تو و پاکیزه است نامهای تو بسبب رسانیدن مرا بماه رمضان و من عافیت داده شوم از هر

مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي اعاننا على صيام

ناخوشی و ترسی و از همه سختیها حمد مخصوص خدای انچنانیست که مدد کرد ما را بر روزه

هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا اخر ليلة منه اللهم اني اسئلك باجمع ما

اینماه و ایستادن او تا برسانید ما را باخر شبی از اینماه خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بفراگیرنده ترین چیزی

سئلك به واقصى ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه واله ان تصلي

خوانده شده تو در اینجه ... ازو خوشنود شدی از محمد رحمت بر او و آل او و اینکه رحمت فرستی

على محمد وال محمد ولا تجعل وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا

بر محمد و آل محمد و مگردانی وداع ماه رمضان مرا وداع بیرون رفتن از دنیا

وداع اخر عبادتك فيه ولا اخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم

وداع اخر عادت تو در ان و نه اخر روزه گرفتن من برای تو و روزی کن مرا بر گشتن در اینماه پس

العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها

باز گشتن در ان برحمت تو ای دوست گروندگان و توفیق ده مرا در اینماه برای شب قدر و بگردان انرا

ازجمله دعاهای

لی خیرٌ من الف شهرٍ ربّ اللیل والنهار والجبال والبحار والظلم و

برای من بهتر از هزار ماه ای پروردگار شب وروز وکوهها ودریاها وتاریکیها و

الانوار والارض والسماء یا باری یا مصوّر یا حنّان یا منّان یا الله

نورها وزمین وآسمان ای پدید آورنده ای نگارنده ای بخشنده ای مهربان ای خدا

یا رحمن یا رحیم یا حیّ یا قیّوم یا بدیع السموات والارض لک الاسماء

ای بخشنده ای مهربان ای زنده ای پاینده ای نو پدید آورنده آسمانها وزمین مرترا است نامهای

الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک باسمک بسم الله

نیکو وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم ترا بنام تو بنام خدای

الرحمن الرحیم ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة

بخشنده مهربان اینکه رحمت فرستی بر محمّد وآل محمّد واینکه بگردانی نام مرا در این شب

فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علّیّین واسائتی مغفورة

در زمره نیکوبختان وروح مرا با شهیدان واحسان نمودن مرا در علّیّین وبدیهای مرا آمرزیده

وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً لا یشوبه شکٌّ ورضیً بما قسمت

واینکه ببخشی مرا یقینی که بشارت دهد بآن دلم را و ایمانی که نیامیزد بآن شکّی وخوشنودی بآنچه قسمت داده

لی وان تؤتینی فی الدنیا حسنةً وفی الآخرة حسنةً وان تقینی عذاب

مرا واینکه بدهی مرا در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی واینکه نگهداری مرا از شکنجه

النار الحریق اللّهم اجعل فیما تقضی وتقدّر من الامر المحتوم وفیما تفرق

آتش سوزان خدایا بگردان در آنچه حکم کنی واندازه کنی از امر واجب شده ودر آنچه جدا کنی

من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الّذی لا یردّ ولا یبدّل وان

از کار محکم در شب قدر از قضائیکه ردّ کرده نشود وتغییر نیابد و

تکتبنی من حجّاج بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور

اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترمت که پذیرفته شده حجّشان پاداش داده شده

سعیهم المغفور ذنوبهم المکفّر عنهم سیّئاتهم واجعل فیما تقضی و

کوشش ایشان آمرزیده شده گناهانشان بازداشته شده از آنها بدیهای ایشان وبگردان در آنچه حکم کنی و

وداع رمضان

تقدّر ان تطیل عمری وان تعتق رقبتی من النار یا ارحم الراحمین

اندازه کنی اینکه دراز کنی عمر مرا واینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش ای مهربان‌ترین مهربانان

اللّهم انّی اسئلک ولم یسئل العباد مثلک جوداً وکرماً وارغب

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تو و سؤال نکردند بندگان مانند ترا از روی بخشش وکرم ومیل دارم

الیک ولم یرغب الی مثلک انت موضع مسئلة السائلین ومنتهی

سوی تو ومیل کرده نشد سوی مانند تو توئی جای سؤال سؤال کنندگان ومنتهای

رغبة الراغبین اسئلک باعظم المسائل کلّها وافضلها وانجحها الّتی

خواهش خواهشمندان میخواهم ترا ببزرگترین همهٔ آنها وبهتر آنها وروا شده‌ترآنها که

ینبغی للعباد ان یسئلوک بها یا الله یا رحمن وباسمائک ما علمت منها

سزاوار است مر بندگان را اینکه بپرسند ترا بآنها ای خدا ای بخشنده وبنامهای تو آنچه میدانم از آن

وما لم اعلم وباسمائک الحسنی وامثالک العلیا وبنعمک الّتی لا تحصی

وآنچه نمیدانم ونامهای نکوی تو وداستانهای تو که بلند است وبنعمتهای که شمرده نشود

وباکرم اسمائک علیها واحبّها الیک واشرفها عندک منزلةً و

وبگرامی‌ترین نامهای تو بر آنها ودوست‌ترآنها بسوی تو وبلندتر آنها نزد تو از روی مرتبه و

اقربها منک وسیلةً واجزلها منک ثواباً واسرعها لدیک اجابةً

نزدیکتر آنها از تو از روی وسیله وافزون‌تر آنها از تو از روی ثواب وشتابنده‌تر نزد تو از روی اجابت

وباسمک المکنون المخزون الحیّ القیّوم الاکبر الاجلّ الّذی تحبّه و

وبنام پوشیده پنهان تو که زنده پاینده است بزرگ بزرگوار است که دوست میداری و

تهواه وترضی به عمّن دعاک به وتستجیب له دعائه وحقّ علیک ان

بخواهی او را وخشنود گردی بآن از کسیکه خواند ترا بآن وبپذیری او را دعایش را وسزاوار است بر تو اینکه

لا تحرم سائلک واسئلک بکلّ اسم هو لک فی التوریة والانجیل

ناامید نکنی سائل خود را ومیخواهم ترا هر نامیکه او مر ترا است در تورات وانجیل

والزبور والفرقان وبکلّ اسم دعاک به حملة عرشک وملائکة

وزبور وفرقان وهر نامیکه خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو وفرشتگان

از جملهٔ دعاهای

سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق او شهيد
اسمانهای تو وهمه اقسام ازآفریدگان تو ازپیغمبری یاراستگوئی یاشهیدی

وبحق الراغبين اليك المتقربين منك المتعوذين بك وبحق مجاور
وبحق مایلان بسوی تو ونزدیکان ازتو پناه برندگان بتو وبحق همسایگان

بيتك الحرام ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق
خانه محترمت وعمره کنندگان وبزیارت رسندگان وجهاد کنندگان درراه تو وبحق هر

كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من
بنده پرستنده مرترا درخشکی یادریا یازمین هموار یاکوه میخوانم ترا خواندن کسیکه

قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه
بتحقیق سخت باشد احتیاج او وبسیار باشد گناه او وبزرگ باشد جرم او وسستی

دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا
خواندن کسیکه نیابد مرنفس خودرا بازدارنده ونه برای ناتوانی خود توانا کننده ونه برای گناه خود آمرزنده

غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا
جز تو گریزنده بسوی تو پناه برنده بتو پرستنده مرترا غیر گردن کشی کننده ونه

مستنكف خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك و
اباکننده ترسان محتاج درویش زینهارجوینده بتو سوال میکنم ترا بعزت تو و

عظمتك وجبروتك وسلطانك وملكك وبهائك وجودك
بزرگی تو وبزرگواری تو وپادشاهی وغلبه داشتن تو وسکوهی تو وبخشش تو

وكرمك وبالائك وحسنك وجمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك
وکرم تو وبنعمتهای تو ونیکی تو وبزرگی تو وبتوانائی تو برآنچه اراده کنی ازخلق خود

ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا
میخوانم ترا ای پروردگار من از روی ترس وطمع وفروتنی وخواهش وخشوع وبدوستی

وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله الا انت وحدك لا شريك
وزاری وحضرب والتماس که فروتنی کننده ام مرترا نیست خدائی مگر تو یگانه نیست انبازی

لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن
مرترا ای پاک ای پاکیزه ای پاکیزه اخدا ای خدا ای خدا ای بخشنده و

يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا الله الواحد
ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار پناه میبرم بتو ای خدای یگانه

الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال واسئلك بجميع ما دعوتك
یکتا بی‌نیاز ای یکی ای بزرگوار بلند مرتبه ومیخوانم ترا بهمه آنچه خواندم ترا

به وباسمائك التي تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد و
بآن وبنامهای تو که پرکرده اطراف ترا همه آنها اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد و

اغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من فضلك العظيم وتقبل مني
بیامرز برای من گناه مرا ورحم کن مرا وگشاده بر من ازفضل تو که بزرگست وقبول کن ازمن

شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني
ماه رمضان را وروزه وایستادن آن وواجبات ومستحبات آن وبیامرز مرا ورحم کن مرا

واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وعبدتك فيه ولا
ودرگذر ازمن ومگردان اورا آخر ماه رمضانیکه روزه گرفتم اورا برای تو وپرستیده ام ترا درآن ونه

تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم اوجب لي من رحمتك
گردان وداع مرا ازاینماه وداع بیرون رفتن من ازدنیا خدایا واجب کن برای من از رحمت خود

ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت احدا ممن
وامرزش تو وخوشنودی تو وترس تو بهتر آنچه داده بکی ازکسانیکه

عبدك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سئلك فيه واجعلني ممن اعتقته
بندگی کرده است ترا درآن خدایا مگردان مرا زیانکارتر ازآنکه خوانده است ترا درآن ماه وبگردان مرا ازکسیکه آزاد کرده

في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تأخر واوجبت
در اینماه ازآتش وامرزیده ... آنچه پیش رفته ازگناه او وآنچه پس مانده وواجب کرده

له افضل ما رجاك واملّ منك يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود
مراورا بهتر آنچه امید دارد ترا وآرزو دارد از تو ای مهربان ترین مهربانان خدایا روزی کن مرا برگردیدن

از جملهٔ دعاها

فی صیامه لك وعبادتك فیه واجعلنی ممن كتبته فی هذا الشهر من

در روزه داشتن ازبرای تو وبندگی نمودن تو در این ماه ومگردان مرا از آنانکه تو نوشته اوئی در این ماه از

حجاج بیتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل عملهم آمین

حاجیان خانهٔ محترم خود قبول شده حجشان آمرزیده شده برای ایشان گناهشان پذیرفته کرده ایشان آمین

آمین رب العالمین اللهم لا تدع لی فیه ذنبا الا غفرته ولا خطیئة

ای پروردگار جهانیان خدایا مگذار برای من در این ماه گناهی مگر آنکه بیامرزی ونه خطائی

الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا دینا الا قضیته ولا عیلة الا

مگر آنکه محو کنی ونه لغزشی مگر آنکه در گذری ونه قرضی مگر آنکه ادا کنی ونه درویشی مگر

اغنیتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عریانا الا كسوته

آنکه توانگر کنی ونه اندوهی مگر آنکه گشایش کنی اورا ونه احتیاجی مگر آنکه ببندی آنرا ونه برهنهٔ مگر آنکه بپوشانی اورا

ولا مرضا الا شفیته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج

ونه بیماری مگر آنکه شفا دهی ونه دردی مگر آنکه ببری آنرا ونه حاجتی از حاجتهای

الدنیا والآخرة الا قضیتها علی افضل املی ورجائی فیك یا ارحم الراحمین

دنیا وآخرت مگر آنکه ادا کنی آنرا بهتر آرزوی من وامید من بسوی تو ای مهربانترین مهربانان

اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا

خدایا کج مگردان دلهای مارا بعد آنکه راه نمودی مارا وخوار مکن مارا بعد آنکه عزیز کردی مارا وپست مکن مارا

بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنیتنا ولا

بعد آنکه بلند کردی مارا واهانت مکن مارا بعد آنکه گرامی داشتی مارا ومحتاج مکن مارا بعد آنکه توانگر کردی مارا و

تمنعنا بعد اذ اعطیتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغیر شیئا من نعمك

ناامید مکن مارا بعد آنکه بخشیدی مارا ومحروم مکن مارا بعد آنکه روزی دادی مارا وتغییر مده چیزی از نعمتهای خود

علینا واحسانك الینا لشیء كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن منا فان فی

برما واحسان تو بسوی ما بجهت چیزی که باشد از گناهان ما ونه آنکه او یافت شود از ما پس بدرستیکه در

كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا

کرم تو وعفو تو وفضل تو فراخیست برای آمرزش گناهان ما پس بیامرز مارا ودرگذر از ما

وداع رمضان

ولا تعاقبنا علیها یا ارحم الراحمین اللهم اكرمنی فی مجلسی هذا كرامة

ومعذب مکن مارا بر آن ای مهربانترین مهربانان خدایا گرامی دار مرا در مجلس من این گرامی داشتنی

لا تهنی بعدها ابدا واعزنی عزا لا تذلنی بعده ابدا وعافنی عافیة لا

که خوار نکنی مرا بعد از آن هرگز وعزیز دار مرا عزیز داشتنی که خوار نکنی مرا بعد از آن هرگز وعافیت ده مرا عافیتی که

تبتلینی بعدها ابدا وارفعنی رفعة لا تضعنی بعدها ابدا واصرف عنی

مبتلا نکنی مرا بعد از آن هرگز وبلند کن مرا بلند کردنی که پست نکنی مرا بعد از آن هرگز ودور دار از من

شر كل شیطان مرید وشر كل جبار عنید وشر كل قریب او بعید وشر

بدی هر شیطان رانده شده وبدی هر جبر کننده ظالمی وبدی هر نزدیکی یا دوری وبدی

كل صغیر او كبیر وشر كل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

هر کوچکی یا بزرگی وبدی هر جنبنده که تو گیرنده موی پیشانی اوئی بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

اللهم ما كان فی قلبی من شك او ریبة او جحود او قنوط او فرح او مرح

خدایا آنچه باشد در دل من از شک یا تهمتی یا انکاری یا ناامیدی یا شادی یا بازیدن

او بطر او بذخ او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر

یا گردن کشی یا تکبر یا کبر یا ریاء یا سمعه یا شقاق یا نفاق یا کفر

او فسوق او معصیة او شیء لا تحب [illegible] ولیا لك فاسئلك ان

یا فسق یا گناه یا چیزی که دوست نداری ... پس سؤال میکنم از تو

تصلی علی محمد وآل محمد وان تمحوه من قلبی وتبدل لی مكانه ایمانا

رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه محو کنی آنرا از دل من وبدل کنی جای اورا ایمان

بوعدك ورضی بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا فی

بوعدهٔ خود وخشنودی بحکم خود ووفا نمودن بعهد تو وترس از تو وبی رغبتی در

الدنیا ورغبة فیما عندك وثقة بك وطمأنینة لك وتوبة نصوحا

دنیا ومیل داشتن در آنچه نزد تست واعتماد بتو وآرام یافتن بتو وتوبهٔ خالص

الیك اللهم ان كنت بلغتناه والا فاخر عنا آجالنا الی قابل حتی

بسوی تو خدایا اگر باشی که رسانی مارا باین ماه والا پس باز پس انداز اجلهای مارا بسوی سال آینده

از جملهٔ دعاهای وداع

تُبَلِّغَناهُ فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَةٍ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی

رسانی ما را باو در اسانی از تو و عافیت یافتن ای مهربان تر مهربانان و رحمت خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ کَثیراً وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ عَلَیْهِمْ و در جمعهٔ اخر نیز وداع

محمد و ال او بسیار و رحمت خدا و برکات او بر ایشان باد جمعها باید نمود و از جابر

عبد الله انصاری منقولستکه گفت رفتم بخدمت حضرت رسول در جمعهٔ اخر

ماه مبارک رمضان چون نظر انحضرت بر من افتاد فرمود که این اخر جمعه ایست از

ماه مبارک رمضان پس اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ

ترا وداع کن و بگو خدایا مگردان این ماه را اخر عهد از روزه گرفتن ما او را پس اگر

جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی مَرْحُوماً وَلا تَجْعَلْنی مَحْرُوماً زیرا که هر که اینها را

گردانیده ازا پس بگردان مرا بخشیده شده و بگردان مرا نا امید در این روز بخواند بیکی

از دو خصلت نیکو ظفر میباید یا برسیدن ماه رمضان اینده یا بامرزش خدا

رحمت بی انتها و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولستکه هر که در شب اخر ماه

رمضان این اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی لِشَهْرِ رَمَضانَ وَ

دعا را بخواند خدایا مگردان ایمان را اخر عهد از روزه داشتن من برای ماه رمضان و

اَعُوذُ بِکَ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلّا وَقَدْ غَفَرْتَ لی حقتعالی

پناه میبرم بتو باینکه بر اید صبح این شب مگر انکه بخشیده باشی مرا پیش از صبح

او را بیامرزد و او را توبه و انابه روزی کند و ایضاً سنتستکه این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَحَبِّ ما دُعیتَ بِهِ وَاَرْضی ما رَضیتَ بِهِ عَنْ

خدا من سوال میکنم ترا بدوست تر انچه خوانده شده بان و خوشنود تر انچه خوشنود شوی بان از

مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ

محمد و از خانوادهٔ محمد بر او و بر ایشان درود باد اینکه رحمت فرستی بر او و بر ایشان

وَلا تَجْعَلْ وَداعَ شَهْری هٰذا وَداعَ خُرُوجی مِنَ الدُّنْیا وَلا وَداعَ

و مگردان وداع ماه رمضان مرا این وداع بیرون رفتن من از دنیا و نه وداع

آخِرِ عِبادَتِکَ وَوَفِّقْنی فیهِ لِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْها لی خَیْراً مِنْ اَلْفِ

اخر عبادت تو و توفیق ده مرا در این شب قدر و بگردان برای من انشب را بهتر از هزار

جمعها رمضان وداع

شَهْرٌ یُضاعَفُ فیهِ الْاَجْرُ وَالْاِجابَةُ وَالْعَفْوُ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَی الرَّبِّ

ماه یا زیادتی دادن مزد و اجابت کردن و درگذشتن از گناه بسبب خوشنودی پروردگار

و از جملهٔ چیزهائیکه سنتست در شب اخر ازاد کردن بندهاست زیرا که شبی که

حقتعالی بنده بسیار از اتش جهنم ازاد میکرداند هر گاه بنده ضعیف فرومایه بندگان

از قید رقیت ازاد کند امید هست که خداوند قادر بیزوال بان وسعت و کمال

او را از اتش جهنم ازاد کرداند و نام او را از جرائد عاصیان محو فرماید چنانچه

منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بندهائیکه در عرض سال

تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب اخر ماه رمضان ازاد مینمود و میفرمود

که شما ها را ازاد کردم بامید انکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا

از اتش جهنم ازاد کرداند و چون روز عید میشد جایزهای عظیم بانها میبخشید

که ایشان بی نیاز باشند از سوال کردن از مردم و میگفت که حقتعالی در هر

شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را ازاد میکند از انهائیکه

مستوجب جهنم شده اند و در شب اخر مثل انچه در جمیع ماه ازاد کرده است

ازاد میکند و حضرت هیچ غلام و کنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرمود

و در روز عرفه در عرفات نیز بندهای خود را ازاد میفرمود و در روایتی

وارد شده است که سنتست که در شب اخر سوره انعام و کهف و یس را

بخوانند و صد اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ فضیلت هفتم در دعاهای

مرتبه بگویند طلب امرزش میکنم از خدا و برمیگردم بسوی او

مخصوصه دههٔ اخر ماه مبارکست بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولستکه

انحضرت در هر شب از شبهای دههٔ اخر ماه مبارک این دعا را میخواندند

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ هُدًی

خدایا بدرستیکه تو فرمودهٔ در کتاب خود ماه رمضان که فرستاده شد در ان قران برای هدایت

لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ بِما

مردمان و روشنیها از هدایت و جدا کنندهٔ حق را از باطل پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را باینچه

دعا هاى دهه آخر

أنزلت فيه القرآن وخصصته بليلة القدر وجعلتها خيراً من

ألف شهر اللهم وهذه أيام شهر رمضان قد انقضت ولياليه

قد تصرمت وقد صرت يا إلهي منه إلى ما أنت أعلم به مني وأحصى لعدده

من الخلق أجمعين فأسألك بما سألك به ملائكتك المقربون و

أنبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون أن تصلي على محمد و

آل محمد وأن تفك رقبتي من النار وتدخلني الجنة برحمتك وأن تتفضل

علي بالأمن يوم الخوف من كل هول أعددته ليوم القيامة إلهي و

أعوذ بوجهك الكريم وبجلالك العظيم أن تنقضي أيام شهر رمضان

ولياليه ولك قبلي تبعة أو ذنب تؤاخذني به أو خطيئة تريد أن

تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي سيدي سيدي أسألك يا لا إله إلا أنت إذ

لا إله إلا أنت إن كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد عني رضا

وإن لم تكن رضيت عني فمن الآن فارض عني يا أرحم الراحمين يا الله

يا أحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد

يا من لين الحديد لداود عليه السلام يا كاشف الضر والكرب العظام

عن أيوب عليه السلام أي مفرج هم يعقوب عليه السلام أي

منفس غم يوسف عليه السلام صل على محمد وآل محمد كما أنت أهله أن تصلي عليهم أجمعين

وافعل بي ما أنت أهله ولا تفعل بي ما أنا أهله و بسند معتبر از

آنحضرت منقول است كه در هر شب از دهه اعوذ بجلال وجهك الكريم أن ينقضي عني شهر

رمضان أو يطلع الفجر من ليلتي هذه ولك عندي تبعة أو ذنب

تعذبني عليه يوم ألقاك و بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام وارد شده

دعاى مخصوصى از حضرت صادق عليه السلام وارد شده

است و براى مطالب دنيا و آخرت يا مولج الليل في النهار ويا مولج النهار

في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق من

يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله

يا الله يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء

فی وداع

دعای شبهای

والالاء اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في

و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در

هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين و

این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی کردن مرا در علیین و

اسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك

بدی مرا آمرزیده شده و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

از من و خشنود کنی مرا بآنچه قسمت کرده برایمن و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة

و نگاه دار ما را از شکنجهٔ آتش سوزان و روزی کن مرا در آن شب یاد خود و شکر خود را و میل

اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه

بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق دادن مرا بآنچه توفیق دادی او را محمد و آل محمد را

وعليهم السلام دعای شب بیست و دوم يا سالخ النهار من الليل فاذا نحن مظلمون

و برایشان درود باد ای کشنده روز از شب پس آنگاه ما در تاریکی هستیم

ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر

و ای روان سازندهٔ آفتاب بقرارگاه خود باندازهٔ خود ای ارجمند ای دانا و ای اندازه کننده ماه را

منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة

منزلها تا باز گردد مانند شاخهٔ خشک شدهٔ کهنه خرما ای نور هر نور و ای منتهای هر خواهش

وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا

و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشنده ای خدا ای منزه ای یگانه ای یکتا ای بیهمتا ای

الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

خدا ای خدا ای خدا ترا است نامهای نیکو و مثلهای بلند و بزرگواری

والالاء اسالك ان تصلي على محمد واهل بيته وان تجعل اسمي

و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل خانهٔ او و اینکه بگردانی نام مرا

رمضان ٢٥

رمضان

في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين

در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی کردن مرا در علیین

واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب

و بدی مرا آمرزیده شده و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی باو دل مرا و ایمانی که ببرد

الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

شک را از من و خشنود کنی مرا بآنچه قسمت کرده برایمن و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك

نیکی و نگاه دار ما را از شکنجهٔ آتش سوزان و روزی کن مرا در آن شب یاد خود و شکر خود و میل بسوی خود

والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام

و بازگشت و پشیمانی و توفیق یافتن مرا بآنچه توفیق دادی او را محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان درود باد

دعای شب بیست و سوم يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر ورب

ای پروردگار شب قدر و گرداننده آن شب بهتر از هزار ماه و ای پروردگار

الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا

شب و روز و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنائیها و زمین و آسمان ای

بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا

آفریننده ای نگارنده ای بخشنده ای نعمت دهنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاینده ای خدا ای

بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

نوپدید آورنده ای خدا ای خدا ترا است نامهای نیکو و مثلهای بلند و بزرگواری

والالاء اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في

و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در

هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي

این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی کردن مرا در علیین و بدی مرا

مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني و

آمرزیده شده و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و

وداع

دعاهای شبهای

تُرضِيني بِما قَسَمتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا

عَذابَ النّارِ الحَريقِ وَارزُقني فيها ذِكرَكَ وَشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ إِلَيكَ

وَالإِنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ

عَلَيهِ وَعَلَيهِم دعای شب بیست و چهارم يا فالِقَ الإِصباحِ وَيا جاعِلَ اللَّيلِ سَكَناً وَ

الشَّمسِ وَالقَمَرِ حُسباناً يا عَزيزُ يا عَليمُ يا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ وَالقُوَّةِ

وَالحَولِ وَالفَضلِ وَالإِنعامِ يا ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ يا اللهُ يا رَحمٰنُ يا اللهُ يا

فَردُ يا وِترُ يا اللهُ يا ظاهِرُ يا باطِنُ يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنتَ يا اللهُ يا اللهُ يا

اللهُ لَكَ الأَسماءُ الحُسنىٰ وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ أَسأَلُكَ

أَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَن تَجعَلَ اسمي في هٰذِهِ اللَّيلَةِ فِي

السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحساني في عِلِّيّينَ وَإِساءَتي مَغفُورَةً

وَأَن تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبي وَإِيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرضِيَ

بِما قَسَمتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ

رمضان ۴۵

دهه آخر رمضان

النّارِ الحَريقِ وَارزُقني فيها ذِكرَكَ وَشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ إِلَيكَ وَ

الإِنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيهِ

وَعَلَيهِم دعای شب بیست و پنجم يا جاعِلَ اللَّيلِ لِباساً وَالنَّهارِ مَعاشاً وَالأَرضِ

مِهاداً وَالجِبالِ أَوتاداً يا اللهُ يا قاهِرُ يا اللهُ يا جَبّارُ يا اللهُ يا سَميعُ يا اللهُ يا

قَريبُ يا اللهُ يا مُجيبُ يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ لَكَ الأَسماءُ الحُسنىٰ وَالأَمثالُ

العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ أَسأَلُكَ أَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَن تَجعَلَ اسمي في هٰذِهِ اللَّيلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ

وَإِحساني في عِلِّيّينَ وَإِساءَتي مَغفُورَةً وَأَن تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبي

وَإِيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرضِيَني بِما قَسَمتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَ

فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الحَريقِ وَارزُقني فيها ذِكرَكَ وَ

شُكرَكَ وَالرَّغبَةَ إِلَيكَ وَالإِنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ

مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وَعَلَيهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و ششم يا جاعِلَ

دعای شبهای

الليل والنهار آيتين يا من محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا

شب وروز دو نشانه ای آنکه محو کرد نشانه شب را وگردانید نشانه روز را روشن تا بجوئید

فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد يا

فضل از او وخشنودی او ای جدا کننده هر چیزی جدا کردن ای خدا ای بزرگوار ای

وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى و

بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و

الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل

داستانهای بلند و بزرگی و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل

محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء

محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره سعیدان و روح مرا با شهیدان

واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي و

و نیکوئی مرا در علیین و گناه مرا آمرزیده شده واینکه ببخشی مرا یقینی که بشارت بدهی بآن دل من و

ايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة

ایمانی که ببرد شک را از من وخشنود کنی مرا بآنچه قسمت داده مرا وبده ما را در دنیا نیکی

وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك و

و در آخرت نیکی ونگاهدار ما را از شکنجه آتش سوزان وروزی کن مرا در این شب یاد کردن ترا و

شكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له

شکر کردن ترا و میل کردن بسوی تو وتضرع وتوبه کردن وتوفیق یافتن مرانچه توفیق دادی او را

محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعای شب بیست و هفتم يا ماد الظل ولو

محمد وآل محمد را بر او وبرایشان باد درود ای کشنده سایه واگر

شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك

خواستی گردانیدی آنرا ساکن وگردانیدی آفتاب را بر او راهنما پس برگرفتی آنرا بسوی خود

قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت

گرفتنی آسان ای صاحب جاه وتوانائی وبزرگی ونعمتها نیست خدائی مگر تو

ماه رمضان

عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام

دانای نهان وآشکارا بخشاینده مهربان نیست خدائی مگر تو ای پاک ای سلامت دهنده

يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله يا خالق يا بارئ

ای امان دهنده ای نگهبان ای غالب ای جبار ای بزرگوار ای خدا ای آفریننده

يا مصور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا

ای صورت نگار ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو وداستانهای بلند

والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل

وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی

اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني

نام مرا در این شب در زمره سعیدان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا در

عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا

علیین وگناه کردن مرا آمرزیده شده واینکه ببخشی مرا یقینی که بشارت بدهی بآن دل من وایمانی

يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة

که ببرد شک را از من وخشنود کنی مرا بآنچه قسمت کرده مرا وبده ما را در دنیا نیکی

وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك

و در آخرت نیکی ونگاهدار ما را از شکنجه آتش سوزان وروزی کن مرا در این شب یاد کردن ترا

وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت

وشکر ترا ومیل کردن بسوی تو وبازگشت وتوبه وتوفیق یافتن مرانچه توفیق دادی

له محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم دعای شب بیست و هشتم يا خازن الليل

او را محمد وآل محمد را رحمت خدا بر او وبرایشان باد ای نگاه دارنده شب

في الهواء وخازن النور في السماء ومانع السماء ان تقع على الارض

در هوا ونگاه دارنده نور در آسمان وبازدارنده آسمان از اینکه بیفتد بر زمین

الا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم يا عظيم يا غفور يا دائم يا الله يا

مگر باذن او ونگاه دارنده آنها از اینکه زائل شوند ای دانا ای بزرگ ای آمرزنده ای همیشه ای خدا ای

دعاهای شبهای

وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی

والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی

محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء

وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب

لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی

بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا

عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة

الیک والرهبة منک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له

محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم السلام دعای شب بیست و نهم یا مکور

اللیل علی النهار ومکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب

الارباب وسید السادات لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من

حبل الورید یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال

العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد

وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء

واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی

وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا

حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنا

فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة و

التوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم

دعای شب سی ام الحمد لله لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز

جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس یا سبوح یا

منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله

یا لطیف یا جلیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله لک

الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک

نمازهای شبها

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِی فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ فِی

السُّعَدٰآءِ وَرُوحِی مَعَ الشُّهَدٰآءِ وَاِحْسٰانِی فِی عِلِّیِّینَ وَاِسٰائَتِی مَغْفُورَةً

وَاَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً تُبٰاشِرُ بِهِ قَلْبِی وَاِیمٰاناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّی وَتُرْضِیَنِی

بِمٰا قَسَمْتَ لِی وَآتِنٰا فِی الدُّنْیٰا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنٰا عَذٰابَ

النّٰارِ الْحَرِیقِ وَارْزُقْنٰا فِیهٰا ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالتَّوْبَةَ

وَالْاِنٰابَةَ وَالتَّوْفِیقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ **فصل هشتم** در بیان نمازهای شبها و

دعاهای روزها است که مشهور است و علما در کتب دعا

ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست نماز شب اول چهار رکعت در هر رکعت

بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد

بیست مرتبه انا انزلناه سیم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه

توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه

پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد

مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت

حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت در هر رکعت

حمد و سیزده مرتبه انا انزلنا هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه

توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت ...

شام و خفتن و در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از اتمام ...

الفطر ۴۶

مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی

مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه

انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا

انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم

شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت

در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه

توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه

الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد

و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله

الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا

اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و

گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخوانند زیرا که مشکل است در یک شب دو

هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن بیستم و بیست و یکم و بیست و

دوم و بیست و سیم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت با هر سوره

که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید

بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و

هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه

توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی

و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد

و آل محمد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید

سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید و بعد از

فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور

شد هر دو رکعت به یک سلام است **و اما دعاهای** روزها ابن عباس روایت

کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار برای روزه

دعاهای مخصوص

هر روز ماه مبارک رمضان نابیان فرموده‌اند از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار بر آنها ذکر کرده‌ایم با اصل دعا اکتفا نمودیم دعای روز اول اینست

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيامي فيهِ صِيامَ الصّائِمينَ وَقِيامي فيهِ قِيامَ
القائِمينَ وَنَبِّهْني فيهِ عَنْ نَوْمَةِ الغافِلينَ وَهَبْ لي جُرْمي فيهِ يا اِلٰهَ العالَمينَ
وَاعْفُ عَنّي يا عافِياً عَنِ المُجْرِمينَ دوم اَللّٰهُمَّ قَرِّبْني فيهِ اِلىٰ مَرْضاتِكَ
وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِماتِكَ وَوَفِّقْني فيهِ لِقِراءَةِ آياتِكَ بِرَحْمَتِكَ
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ سیم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبيهَ وَباعِدْني
فيهِ مِنَ السَّفاهَةِ وَالتَّمْويهِ وَاجْعَلْ لي نَصيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فيهِ بِجودِكَ يا اَجْوَدَ
الاَجْوَدينَ چهارم اَللّٰهُمَّ قَوِّني فيهِ عَلىٰ اِقامَةِ اَمْرِكَ وَاَذِقْني فيهِ حَلاوَةَ
ذِكْرِكَ وَاَوْزِعْني فيهِ لِاَداءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْني فيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ
يا اَبْصَرَ النّاظِرينَ پنجم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ المُسْتَغْفِرينَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنْ
عِبادِكَ الصّالِحينَ القانِتينَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنْ اَوْلِيائِكَ المُقَرَّبينَ بِرَأْفَتِكَ
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ششم اَللّٰهُمَّ لا تَخْذُلْني فيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ

هر روز

وَلا تَضْرِبْني بِسِياطِ نَقِمَتِكَ وَزَحْزِحْني فيهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ
وَاَياديكَ يا مُنْتَهىٰ رَغْبَةِ الرّاغِبينَ هفتم اَللّٰهُمَّ اَعِنّي فيهِ عَلىٰ
صِيامِهِ وَقِيامِهِ وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ
بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ يا هادِيَ المُضِلّينَ هشتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ
الاَيْتامِ وَاِطْعامَ الطَّعامِ وَاِفْشاءَ السَّلامِ وَصُحْبَةَ الكِرامِ بِطَوْلِكَ يا
مَلْجَأَ الآمِلينَ نهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الواسِعَةِ
وَاهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِيَتي اِلىٰ مَرْضاتِكَ الجامِعَةِ
بِمَحَبَّتِكَ يا اَمَلَ المُشْتاقينَ دهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ المُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ
وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ الفائِزينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ المُقَرَّبينَ اِلَيْكَ بِاِحْسانِكَ
يا غايَةَ الطّالِبينَ یازدهم اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فيهِ الاِحْسانَ وَكَرِّهْ اِلَيَّ
فيهِ الفُسوقَ وَالعِصْيانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فيهِ السَّخَطَ وَالنّيرانَ بِعَوْنِكَ يا
غِياثَ المُسْتَغيثينَ دوازدهم اَللّٰهُمَّ زَيِّنّي فيهِ بِالسِّتْرِ وَالعَفافِ

في يوم

دعاها مخصوص

وَاسْتُرْني فيهِ بِلِباسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفافِ وَاحْمِلْني فيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْاِنْصافِ

وَآمِنّي فيهِ مِنْ كُلِّ ما اَخافُ بِعِصْمَتِكَ يا عِصْمَةَ الْخائِفينَ سيزدهم

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْني فيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذارِ وَصَبِّرْني فيهِ عَلى كائِناتِ

الْاَقْدارِ وَوَفِّقْني فيهِ لِلتُّقى وَصُحْبَةِ الْاَبْرارِ بِعَوْنِكَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَساكينِ

چهاردهم اَللّٰهُمَّ لا تُؤاخِذْني فيهِ بِالْعَثَراتِ وَاَقِلْني فيهِ مِنَ الْخَطايا وَ

الْهَفَواتِ وَلا تَجْعَلْني فيهِ غَرَضاً لِلْبَلايا وَالْآفاتِ بِعِزَّتِكَ يا عِزَّ الْمُسْلِمينَ

پانزدهم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ طاعَةَ الْخاشِعينَ وَاشْرَحْ فيهِ صَدْري بِاِنابَةِ

الْمُخْبِتينَ بِاَمانِكَ يا اَمانَ الْخائِفينَ شانزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّقْني فيهِ لِمُوافَقَةِ

الْاَبْرارِ وَجَنِّبْني فيهِ مُرافَقَةَ الْاَشْرارِ وَآوِني فيهِ بِرَحْمَتِكَ اِلى دارِ الْقَرارِ

بِاِلٰهِيَّتِكَ يا اِلٰهَ الْعالَمينَ هفدهم اَللّٰهُمَّ اهْدِني فيهِ لِصالِحِ الْاَعْمالِ

وَاقْضِ لي فيهِ الْحَوائِجَ وَالْآمالَ يا مَنْ لا يَحْتاجُ اِلَى التَّفْسيرِ وَالسُّؤالِ

يا عالِماً بِما في صُدُورِ الْعالَمينَ هجدهم اَللّٰهُمَّ نَبِّهْني فيهِ لِبَرَكاتِ

الفطر

هر روز رمضان

اَسْحارِهِ وَنَوِّرْ فيهِ قَلْبي بِضِياءِ اَنْوارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ اَعْضائي اِلى

اتِّباعِ آثارِهِ بِنُورِكَ يا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعارِفينَ نوزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ

حَظّي مِنْ بَرَكاتِهِ وَسَهِّلْ سَبيلي اِلى خَيْراتِهِ وَلا تَحْرِمْني قَبُولَ حَسَناتِهِ

يا هادِياً اِلَى الْحَقِّ الْمُبينِ بيستم اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ اَبْوابَ الْجِنانِ

وَاَغْلِقْ عَنّي فيهِ اَبْوابَ النّيرانِ وَوَفِّقْني فيهِ لِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ يا مُنْزِلَ

السَّكينَةِ في قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ بيست و يكم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ اِلى مَرْضاتِكَ

دَليلاً وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ عَلَيَّ سَبيلاً وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لي مَنْزِلاً

وَمَقيلاً يا قاضِيَ حَوائِجِ الطّالِبينَ بيست و دوم اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لي

فيهِ اَبْوابَ فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فيهِ بَرَكاتِكَ وَوَفِّقْني فيهِ لِمُوجِباتِ

مَرْضاتِكَ وَاَسْكِنّي فيهِ بُحْبُوحاتِ جَنّاتِكَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ

بيست و سيم اَللّٰهُمَّ اغْسِلْني فيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْني فيهِ مِنَ الْعُيُوبِ

وَامْتَحِنْ قَلْبي فيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يا مُقيلَ عَثَراتِ الْمُذْنِبينَ بيست و چهارم

دعاهای مخصوص روز

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ فیهِ ما یُرْضیکَ وَ اَعُوذُ بِکَ فیهِ مِمّا یُؤْذیکَ وَ

خداوندا سؤال میکنم از تو [illegible] در این ماه [illegible]

اَسْاَلُکَ التَّوْفیقَ فیهِ لِاَنْ اُطیعَکَ وَ لا اَعْصیکَ یا جَوادَ السّائِلینَ

میخواهم از تو توفیق دادن در این ماه بآنکه فرمان تو برداری کنم و نافرمانی نکنم ترا ای بخشنده سؤال کنندگان

بیست و ششم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مُحِبّاً لِاَوْلِیائِکَ وَ مُعادِیاً لِاَعْدائِکَ

خدایا بگردان مرا در این ماه دوست دارنده دوستان خود و دشمن برای دشمنان خود

مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ اَنْبِیائِکَ یا عاصِمَ قُلُوبِ النَّبِیّینَ بیست و ششم

جاری شونده بطریق خاتم پیغمبران خود ای نگاه دارنده دلهای پیغمبران

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْیی فیهِ مَشْکُوراً وَ ذَنْبی فیهِ مَغْفُوراً وَ عَمَلی فیهِ مَقْبُولاً

خدایا بگردان کوشش مرا در این ماه پذیرفته شده و گناه مرا در این ماه آمرزیده شده و عمل مرا در این ماه قبول شده

وَ عَیْبی فیهِ مَسْتُوراً یا اَسْمَعَ السّامِعینَ بیست و هفتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ

و عیب مرا در این ماه پوشیده شده ای شنونده‌ترین شنوندگان خدایا روزی کن مرا در این ماه

فَضْلَ لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَ صَیِّرْ اُمُوری فیهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَی الْیُسْرِ وَ اقْبَلْ

فضل شب قدر را و بگردان کارهای مرا در این ماه از دشواری بسوی آسانی و بپذیر

مَعاذیری وَ حُطَّ عَنِّی الْوِزْرَ یا رَؤُفاً بِعِبادِهِ الصّالِحینَ بیست و هشتم

عذرهای مرا و بریز از من بار گناه مرا ای مهربان بر بندگان شایسته

اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظّی فیهِ مِنَ النَّوافِلِ وَ اَکْرِمْنی فیهِ بِاِحْضارِ الْمَسائِلِ وَ قَرِّبْ فیهِ

خدایا بسیار کن بهره مرا در این ماه از زیادتی نمازها و گرامی دار مرا در این ماه بحاضر کردن سؤالها و نزدیک کن در آن

وَسیلَتی اِلَیْکَ مِنْ بَیْنِ الْوَسائِلِ یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّینَ بیست و

وسیله مرا بسوی خودت از میان وسیلها ای آنکه باز نمیدارد او را الحاح الحاح کنندگان

نهم اَللّٰهُمَّ غَشِّنی فیهِ بِالرَّحْمَةِ وَ ارْزُقْنی فیهِ التَّوْفیقَ وَ الْعِصْمَةَ

خدایا بپوشان مرا در این ماه برحمت و روزی کن مرا در این ماه توفیق را و نگاه داشتن را

وَ طَهِّرْ قَلْبی مِنْ غَیاهِبِ التُّهْمَةِ یا رَحیماً بِعِبادِهِ الْمُؤْمِنینَ سی‌ام اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ

و پاک کن دل مرا از تاریکیهای تهمت ای مهربان به بندگان گروندگان خدایا بگردان

ماه مبارک رمضان

صِیامی فیهِ بِالشُّکْرِ وَ الْقَبُولِ عَلی ما تَرْضاهُ وَ یَرْضاهُ الرَّسُولُ مُحْکَمَةً

روزه مرا در این ماه بشکر و قبول بر آنچه بپسندی آنرا و بپسندد آنرا پیغمبر استوار است

فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ بِحَقِّ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

فرعهای او باصلها بحق آقای ما محمد و آل او که پاکانند و حمد مخصوص خدای

رَبِّ الْعالَمینَ مؤلف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و

پروردگار عالمیان است

عبارات هر یک در کتب دعا مخالف ذکر کرده اند چون که

روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و

هفتم را کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه

در روز بیست و سیم خواندن دور نیست که انسب باشد والله تعلم

باب چهارم

در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی القعده است از جمله ایام متبرکه

ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب

عبادت و احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس

بمیرند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن

الحسین علیهما السلام شب عید احیا میکرد بنماز تا صبح در تمام آن شب در مسجد

میماند و میگفت ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت موکد

است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش

نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت

فرمود که کارگر را مزد نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن

شب عید است راوی گفت چه کار سزاوار است که در آن شب بکنم فرمود که

چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری

اعمال ليالی و ايام

دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یا ذَا الْجُودِ یا مُصْطَفیٰ مُحَمَّدٍ وَ ناصِرَهُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَ هُوَ عِنْدَکَ فی کِتابٍ مُبینٍ پس بسجده برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که انشاء الله برآورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس رکوع و سجود میرفتند و صد مرتبه میگفتند اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس میگفتند یا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یا مُصْطَفیٰ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ پس حاجات خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجود برمیداشتند و میفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی طلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنتست که این دعا بخوانند

یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا اَللّٰهُ یا مَلِکُ یا اَللّٰهُ یا قُدُّوسُ یا اَللّٰهُ یا سَلامُ یا اَللّٰهُ یا مُؤْمِنُ یا اَللّٰهُ یا مُهَیْمِنُ یا اَللّٰهُ یا عَزیزُ یا اَللّٰهُ یا جَبّارُ یا اَللّٰهُ یا مُتَکَبِّرُ یا اَللّٰهُ یا خالِقُ یا اَللّٰهُ یا بارِئُ یا اَللّٰهُ یا مُصَوِّرُ یا اَللّٰهُ یا عالِمُ یا اَللّٰهُ یا عَظیمُ یا اَللّٰهُ یا کَریمُ یا اَللّٰهُ یا حَلیمُ یا اَللّٰهُ

شوال

یا حَکیمُ یا اَللّٰهُ یا سَمیعُ یا اَللّٰهُ یا بَصیرُ یا اَللّٰهُ یا قَریبُ یا اَللّٰهُ یا مُجیبُ یا اَللّٰهُ یا جَوادُ یا اَللّٰهُ یا واحِدُ یا اَللّٰهُ یا وَلِیُّ یا اَللّٰهُ یا غَنِیُّ یا اَللّٰهُ یا مَوْلیٰ یا اَللّٰهُ یا قاضی یا اَللّٰهُ یا سَریعُ یا اَللّٰهُ یا شَدیدُ یا اَللّٰهُ یا رَؤُفُ یا اَللّٰهُ یا رَقیبُ یا اَللّٰهُ یا مَجیدُ یا اَللّٰهُ یا جَوادُ یا اَللّٰهُ یا ماجِدُ یا اَللّٰهُ یا عَلِیُّ یا اَللّٰهُ یا حَفیظُ یا اَللّٰهُ یا مُحیطُ یا اَللّٰهُ یا سَیِّدَ السّاداتِ یا اَللّٰهُ یا اَوَّلُ یا اَللّٰهُ یا آخِرُ یا اَللّٰهُ یا ظاهِرُ یا اَللّٰهُ یا باطِنُ یا اَللّٰهُ یا فاخِرُ یا اَللّٰهُ یا قاهِرُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا وَدُودُ یا اَللّٰهُ یا نُورُ یا اَللّٰهُ یا دافِعُ یا اَللّٰهُ یا مانِعُ یا اَللّٰهُ یا فاتِحُ یا اَللّٰهُ یا نَفّاعُ یا اَللّٰهُ یا جَلیلُ یا اَللّٰهُ یا جَمیلُ یا اَللّٰهُ یا شَهیدُ یا اَللّٰهُ یا شاهِدُ یا اَللّٰهُ یا حَبیبُ یا اَللّٰهُ یا مُطَهِّرُ یا اَللّٰهُ یا مالِکُ یا اَللّٰهُ یا مُقْتَدِرُ یا اَللّٰهُ یا قابِضُ یا اَللّٰهُ یا باسِطُ یا اَللّٰهُ یا مُحْیی یا اَللّٰهُ یا مُمیتُ یا اَللّٰهُ یا مُجیبُ یا اَللّٰهُ یا باعِثُ یا اَللّٰهُ یا مُعْطی یا اَللّٰهُ یا مُفَضِّلُ یا اَللّٰهُ یا مُنْعِمُ یا اَللّٰهُ

الثانی اعمال

يَا حَيُّ يَا اَللهُ يَا مُبِينُ يَا اَللهُ يَا طَبِيبُ يَا اَللهُ يَا حَسِيبُ يَا اَللهُ يَا مُبْدِئُ

يَا اَللهُ يَا مُعِيدُ يَا اَللهُ يَا بَدِيعُ يَا اَللهُ يَا بَارِئُ يَا اَللهُ يَا شَافِي يَا اَللهُ يَا كَافِي

يَا اَللهُ يَا مُغْنِي يَا اَللهُ يَا عَالِي يَا اَللهُ يَا حَنَّانُ يَا اَللهُ يَا مَنَّانُ يَا اَللهُ يَا ذَا الطَّوْلِ

يَا اَللهُ يَا مُتَعَالِي يَا اَللهُ يَا عَدْلُ يَا اَللهُ يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا اَللهُ يَا صَادِقُ يَا اَللهُ

يَا دَيَّانُ يَا اَللهُ يَا بَاقِي يَا اَللهُ يَا ذَا الْجَلَالِ يَا اَللهُ يَا ذَا الْاِكْرَامِ يَا اَللهُ يَا

مَعْبُودُ يَا اَللهُ يَا مَحْمُودُ يَا اَللهُ يَا صَانِعُ يَا اَللهُ يَا مُعِينُ يَا اَللهُ يَا مُكَوِّنُ يَا اَللهُ

يَا فَعَّالُ يَا اَللهُ يَا لَطِيفُ يَا اَللهُ يَا جَلِيلُ يَا اَللهُ يَا غَفُورُ يَا اَللهُ يَا شَكُورُ

يَا اَللهُ يَا نُورُ يَا اَللهُ يَا حَنَّانُ يَا اَللهُ يَا قَدِيرُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ

اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللهُ

اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضَاكَ وَتَعْفُوَ عَنِّي

بِحِلْمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَ

مِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ فَاِنِّي عَبْدُكَ لَيْسَ لِي اَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا اَحَدٌ

شوال وايام

اَسْأَلُهُ غَيْرَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس سجده يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا رَبِّ يَا اَللهُ يَا رَبِّ يَا

اَللهُ يَا رَبِّ يَا اَللهُ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ حَاجَةٍ اَسْأَلُكَ

بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَالْاَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ

عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلٰى سُرَادِقِ عَرْشِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقَبَّلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَتَكْتُبَنِي فِي الْوَافِدِينَ اِلَى

الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَتَصْفَحَ لِي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ وَتَسْتَخْرِجَ يَا رَبِّ

كُنُوزَكَ يَا رَحْمٰنُ و در روايت ديگر بجای هزار مرتبه قل هو الله صد مرتبه نيز وارد شده است و ايضا سنت مؤكد است كه بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عيد و نماز عيد اين تكبيرات بخواند

اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

اَللهُ اَكْبَرُ عَلٰى مَا هَدَانَا واما اعمال روز عيد پس زكوة فطره واجب مؤكد است و تركش با تحقق شرايط وجوب گناه كبيره است و شرط قبول روزهٔ ماه مبارك است چنانچه از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه تمامی روزه دادن زكوتست يعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زيرا كه هر كه روزه بدارد و زكوة فطره ندهد روزهٔ او مقبول نيست هرگاه عمدا ترك كند و اگر صلوات بر محمد نفرستد

اعمال لیالی

الحمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر
کرده است در اینجا که فرموده است قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ
یعنی بتحقیق که رستکاری یافت هرکه زکوة فطره داد و پروردکار خود را
یاد کرد بان تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد چنانکه زکوة
مال باعث پاکیزکی مال میشود و مال از تلف محفوظ می ماند چنانکه
منقولست که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمیشود مکر بندادن زکوة
همچنین فطره زکوة بدنست و بدنرا پاکیزه میکرداند از بخل و سایر
کثافات معنویه و اورا تا سال دیکر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند
معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلم با معتب وکیل خرج خود
فرمود که برو و فطر جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده هیچیک از
ایشانرا ترک مکن که زکوة اورا ندهی زیرا که اکر یکیرا ترک کنی میترسم که
در عرض سال بمیرد **و بدانکه** زکوة فطر بر مال و نابالغ و دیوانه و بنده
واجب نمیشود و اکر نابالغ و دیوانه عیال دیکری باشند براو واجبست
که فطرهٔ ایشانرا بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنا بر مشهور مکر آنکه
در آنشب عیال دیکری باشد و اشهر و اقوی آنستکه در وجوب فطره
توانکری شرطست و آن موافق مشهور آنستکه قوت سالیانهٔ خود و
عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال
او کند و بعضی کفته اند که اکر در شب عید زیاده بر قوت خود و عیال خود
بقدر فطره داشته باشد براو واجبست و اظهر آنستکه براو سنتست و اکر
فقیر یک فطره را با عیال خود دست بدست کردانند بعد از آن بفقیر
دیکر بدهند همه ثواب فطره را می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند
از خود و از هر کس که واجب النفقهٔ او باشد بشرط آنکه عیال دیکری
نباشد در شب فطر که اکر عیال دیکری شده باشد براو واجبست و
همچنین باید بدهد از هر کس که در خانهٔ او باشد از مهمان و غیر آنکه

و ایام شوال

آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آنخانه باشد و افطار کند و
اکر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب
خانه و اکر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست
که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیکری بمستحق بدهد قربة الی
الله و اکر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوهٔ او را دهد و در خانهٔ او
نباشد و در خانهٔ دیکری باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اکر در شب
عید پیش از شام از جهت همسایها طعامی بفرستند یا فقیر را چیزی بدهد
یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیکر افطار
کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانهٔ او آید یا چیزی نخورده باشد
و بعد از شام بیاید زکوة براو واجب نیست و احوط آنستکه در صورت
اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اکر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر
است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام شب عید است تا ظهر
روز عید و بعضی کفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا کند
و پیش از نماز عید بدهد و اکر در صبح جدا کند نیز خوبست و اکر پیش از نماز
جدا کند و بعد از نماز در آن روز یا روز دیکر برای حاضر نبودن مستحق یا
عذر دیکر تاخیر کند قصوری ندارد و اکر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط
آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اکر از روز عید بکذرد بقصد قربة
بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اکر
قضا فطره بر من واجب باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر
و جد و جده و فرزندان و فرزندزادکان هرکاه فقیر باشند نفقهٔ ایشان
براو واجبست پس اکر نفقهٔ او را خورند فطره براوست و اکر عیال شخص
دیکری باشند بر آن شخص دیکر است و اکر عیال دیکری نیز نباشند اشهر و
احوط آنستکه او فطرهٔ ایشانرا بدهد **و اما** جنس فطره مشهور آنستکه
هرچه قوت غالب او باشد میتوان داد و احوط آنستکه جو یا کندم یا خرما

با مویز یا کشک بدهند و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز است و بعد از آن هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون قوتشان غالب نان گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالبا جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یکصاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم و اما مقدار فطره از هر شخصی یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یکمن و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط آنست که یکمن شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سال یا نه خود و عیال خود را نداشته باشد و سائل بکف نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون او مصارف را بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که بفقیر اکمتر از یکصاع ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن بهمسایگان پریشان و بعد از آن بکسانیکه فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشند و فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنت است که بر خرما افطار کنند و غسل در روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن و پیش

اَللّٰهُمَّ اِیمَاناً بِکَ وَتَصْدِیقاً بِکِتَابِکَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ

از غسل بگو خدایا گرویدن من بتواست و باور داشتن من بکتاب تواست و پیروی نمودن طریقه

نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بگو و غسل بکن و اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او. چون فارغ شوی از غسل بگو خدایا بگردان این غسل را

کَفَّارَةً لِذُنُوبِی وَطَهِّرْ دِینِی اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الدَّنَسَ و زیارت

محو کننده برای گناهان من و پاک کن دین مرا خدایا ببر از من چرک را

حضرت امام حسین علیه السلام در روز عید نیز سنت مؤکد است و ثواب بسیار در آن وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت آن حضرت ... سنت ... استحباب ... و میگویند تنها نیز میتوان کرد ... نماز بجماعت ... و اگر ... حاضر ... نماز ... سنت است و نماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی از آنها آنچه در قنوتهای نمازهای دیگر میخواند بخواند و هرگاه بجماعت بکنند پیش نماز دو خطبه بعد از نماز میخواند و قنوت مخصوص نماز عید اینست اَللّٰهُمَّ اَهْلَ

الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَ

[illegible]

الرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ الَّذِی

رحمت و سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سؤال میکنم ترا بحق این روز که

جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِینَ عِیداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِیداً اَنْ

گردانیدهٔ او را برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت باد بر او و آل او ذخیره و زیادتی اینکه

تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِی فِی کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّداً وَآلَ

رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه داخل گردانی مرا در هر چیزی که داخل کردی در آن محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ

محمد را و اینکه بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو بر او

وَعَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ مَا سَئَلَکَ بِهِ عِبَادُکَ الصَّالِحُونَ وَ

و بر ایشان خدایا من سؤال میکنم ترا در چیزی که سؤال کردند ترا بآن بندگان تو شایستگان و

فی یوم

اعمال لیالی

اعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون وبعد از عید

دعا بسیار وارد

شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگام

که مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا بخوان

اللهم من تهیا فی هذا الیوم او تعبا او اعد واستعد لوفادة الی مخلوق

رجاء رفده ونوافله وفواضله وعطایاه فان الیك یا سیدی

تهیئتی وتعبئتی واعدادی واستعدادی رجاء رفدك وجوائزك و

نوافلك وفواضلك وفضائلك وعطایاك وقد غدوت الی

عید من اعیاد امة نبیك محمد صلواتك علیه وآله ولم افد الیك

الیوم بعمل صالح اثق به قدمته ولا توجهت بمخلوق املته ولكن

اتیتك خاضعا مقرا بذنوبی واسائتی الی نفسی فیا عظیم یا عظیم

اغفر لی العظیم من ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب العظام الا انت

لا اله الا انت یا ارحم الراحمین و در حدیث معتبر از حضرت صاحب

الامر علیه السلام منقولست که بعد از

نماز صبح روز عید اللهم انی توجهت الیك بمحمد امامی وعلی

فطر این دعا را بخواند

الفرض ۴۷

و ایام شوال

من خلفی وعن یمینی وائمتی عن یساری استتر بهم من عذابك واتقرب

الیك زلفی لا اجد احدا اقرب الیك منهم فهم ائمتی فآمن بهم خوفی من عقابك

وسخطك وادخلنی برحمتك فی عبادك الصالحین اصبحت بالله مؤمنا

موقنا مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی دین علی وسنته وعلی دین الاوصیاء

وسنتهم آمنت بسرهم وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه محمد و

علی والاوصیاء ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزة ولا منعة ولا سلطان

الا لله الواحد القهار العزیز الجبار توكلت علی الله ومن یتوكل علی الله

فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم انی اریدك فاردنی واطلب ما

عندك فیسره لی واقض لی حوائجی فانك قلت فی كتابك وقولك الحق

شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من

الهدی والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه من

القرآن وخصصته وعظمته بتصییرك فیه لیلة القدر فقلت

فی یوم

اعمال لیالی

لیلة القدر خیر من الف شهر تنزل الملئکة والروح فیها باذن ربهم
من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر اللهم وهذه ایام شهر رمضان قد
انقضت ولیالیه قد تصرمت وقد صرت منه یا الهی الی ما انت اعلم به منی
واحصی لعدده من عددی فاسئلک یا الهی بما سئلک به عبادک الصالحون
ان تصلی علی محمد وآل محمد واهل بیت محمد وان تتقبل منی ما تقربت
به الیک وتتفضل علی بتضعیف عملی وقبول تقربی وقرباتی واستجابة
دعائی وهب لی منک عتق رقبتی من النار ومن علی بالفوز بالجنة والامن
یوم الخوف من کل فزع ومن کل هول اعددته لیوم القیمة اعوذ
بحرمة وجهک الکریم وحرمة نبیک وحرمة الصالحین ان ینصرم هذا
الیوم ولک قبلی تبعة ترید ان تؤاخذنی بها او ذنب ترید ان
تقایسنی به وتشقینی وتفضحنی به او خطیئة ترید ان تقایسنی
بها وتقتصها منی لم تغفرها لی واسئلک بحرمة وجهک الکریم

و ایام شوال

الفعال لما یرید الذی تقول للشیء کن فیکون لا اله الا هو اللهم انی اسئلک
بلا اله الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر ان تزید فیما بقی
من عمری رضا وان کنت لم ترض عنی فی هذا الشهر فمن الآن فارض
عنی الساعة الساعة واجعلنی فی هذه الساعة وفی هذا
المجلس من عتقائک من النار وطلقائک من جهنم وسعداء خلقک
بمغفرتک ورحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بحرمة وجهک
الکریم ان تجعل شهری هذا خیر شهر رمضان عبدتک فیه وصمته لک و
تقربت به الیک منذ اسکنتنی فیه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة و
اکمله رضوانا واقربه الی ما تحب وترضی اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان
صمته لک وارزقنی العود فیه ثم العود حتی ترضی وبعد الرضا وحتی
تخرجنی من الدنیا سالما وانت عنی راض وانا لک مرضی اللهم اجعل فیما
تقضی وتقدر من الامر المحتوم الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من

اعمال ليالي

حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور

حاجيان خانه محترم در اين سال ودر هر سالی که قبول شود حجشان جزا داده شود

سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم المقبلين

سعي ايشان آمرزيده شود گناهانشان قبول شود عبادتشان عافيت داده شود در سفرهاشان رو آورندگان

على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم وكل ما انعمت به عليهم

بر عبادتشان نگاهداشته شدگان در نفسهاشان ومالهاشان وفرزندانشان وهر چه نعمت داده بر ايشان

اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا في يومي هذا في ساعتي هذه

خدايا بازگردان مرا در مجلس من اين مجلس در ماه من اين ماه در روز من اين روز در ساعت من اين ساعت

مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي معافا من النار ومعتقا منها عتقا

رستگار شده اجابت شده دعا امرزيده گناه من بخشيده شده از آتش وازاد شده از آتش ازاد شدني

لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم اني اسألك ان تجعل فيما

که بندگی نباشد پس از آن هرگز ونه ترسی ای پروردگار پروردگاران خدايا من سؤال ميکنم ترا اينکه بگردانی مرا در آنچه

شئت واردت وقضيت وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ

خواسته واراده کرده وحکم کرده ومقدر کرده وواجب کرده وروان کرده اينکه دراز کنی عمر مرا وپس اندازی

في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي

مرگ مرا واينکه توانا کنی ضعف مرا واينکه بی نياز کنی حاجت مرا واينکه تدارک کنی حاجت مرا واينکه رحم کنی درويشی مرا

وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني عائلتي وان تؤنس وحشتي وان تكثر

واينکه عزت دهی خواری مرا واينکه بلند کنی پستی مرا واينکه غنی کنی درويشی مرا واينکه انس دهی وحشت مرا واينکه زياد کنی

قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر

کمی مرا واينکه روان سازی روزی مرا در عافيت وتوانگری وفراخی واينکه کفايت کنی مرا آنچه غمگين کند مرا از کار

دنياي وآخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني

دنيا وآخرتم ووامگذار مرا به نفس خودم پس عاجز شوم از آن ونه به مردم که وا گذارند مرا

وان تعافيني في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي واهلي واهل مودتي

واينکه عافيت دهی مرا در دين من وبدن من وجسد من وروح من وفرزند من واهل من وکسانی که دوست منند

واخواني

وايام شوال

واخواني وجيراني من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

وبرادران من وهمسايگان من از مؤمنين ومؤمنات ومردان مسلم وزنان مسلم

الاحياء منهم والاموات وان تمن علي بالامن والايمان ما ابقيتني

زندهای از ايشان ومردها واينکه منت نهی بر من با ايمنی وايمان مادامی که باقی داری مرا

فانك وليي ومولاي وثقتي ورجائي ومعدن مسألتي وموضع

پس بدرستيکه توئی ولی من وآقای من ومعتمد من واميد من وکان سؤال من وجای

شكواي ومنتهى رغبتي فلا تخيبني في رجائي يا سيدي ومولاي و

شکايت من وآخر ميل من پس نا اميد مکن مرا در اميد من ای آقای من وای مولای من و

لا تبطل طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد وآل محمد وقدمتهم

نابود مکن طمع مرا واميد مرا پس بتحقيق رو کردم بتو بوسيله محمد وآل محمد وپيش داشتم ايشانرا

اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسألتي فاجعلني بهم وجيها

بتو پيش روی خود وپيش حاجت خود ومطلب خود وزاری خود وسؤال خود پس بگردان مرا بايشان رو سفيد

في الدنيا والآخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم

در اين جهان وآن جهان واز نزديکان پس بدرستيکه منت نهادی بر من بسبب معرفت ايشان

فاختم لي بالسعادة والسلامة والامن والايمان والمغفرة والرضوان

پس تمام کن برای من بسعادت وسلامت وايمنی وايمان وآمرزش وخشنودی

والسعادة والحفظ يا الله انت لكل حاجة لنا فصل على محمد وآله

وسعادت ونگاهداری ای خدا توئی برای هر حاجتی از ما پس رحمت فرست بر محمد وآل او

وعافنا ولا تسلط علينا احدا من خلقك لا طاقة لنا به واكفنا

وعافيت ده ما را ومسلط مکن بر ما کسی را از آفريدگانت که نيست توانائی برای ما بآن وکفايت کن ما را

كل امر من امر الدنيا والآخرة يا ذا الجلال والاكرام صل على

در هر کاری از کار دنيا وآخرت ای صاحب بزرگی وکرم رحمت فرست بر

محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد وسلم على محمد وآل محمد

محمد وآل محمد ورحم کن بر محمد وآل محمد ودرود کن بر محمد وآل محمد

كافضل ما صليت وباركت وترحمت وتحننت على ابرهيم وآل

مانند بهترين رحمتی که فرستادی وبرکت دادی ورحم کردی ومهربانی کردی بر ابرهيم وآل

ابرهیم انک حمید مجید واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از
عید در بعضی از روایات وارد شده است
وهی نیز دران وارد شده است وظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه
است چنانکه در میان سنیان مشهور است ترکش بهتر است وهمچنین کراهت
نکاح کردن درمیان عید فطر وعید اضحی اصلی ندارد وشاید اصلش از
عامه بوده باشد ودر ماه شوال چون عقد نمودن عایشه دران واقع شده
است واکثر مفاسد اسلام بران مترتب شده واز بعضی روایات کراهت مستفاد
میشود اگر در خصوص شوال احتراز کنند بهتر است واما اعمال ماه

ذی القعدة

بدانکه ان اول ماههاء حرام است که حقتعالی در قران
مجید یاد نموده است وان ذو القعده وذو الحجه ومحرم وماه رجب است
ودر این ماه ها ابتدا قتال با کافران نباید کرد وشیخ مفید وغیر او از حضرت
رسول صلی الله علیه واله روایت کرده اند که هرکه در یکی از ماهها حرام
پنجشنبه وجمعه وشنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت
برای او نوشته شود ودر روایتی از حضرت رسول صلعم منقولست که در شب
یازدهم ماه ذی القعده حقتعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند
کسیکه ان شب را بعبادت بسر اورد ثواب صد عابد باو عطا کنند که در یک چشم
بهم زدن معصیت خدا نکرده باشد چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت
ونماز وحاجات خود را از حقتعالی طلب کن که هر حاجت که طلب کنی
مستجاب میگردد وبعضی از علما گفته اند که در روز بیست وسیم ماه
ذی القعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک ودور سنت است
وروز بیست وپنجم ذی القعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین
از کعبه بروایات وروز بسیار مبارکیست وکلینی از محمد بن عبد الله روایت
کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و
پنجم ذی القعده بیرون امدند وفرمودند که امروز را روزه بدار دیدکه

من نیز روزه ام گفتم فدای تو شوم امروز چه روز است فرمود که روزیستکه
رحمت در این روز منتشر گردیده است وزمین در این روز پهن شده است و
کعبه در این روز نصب شده است وحضرت ادم ع در این روز بزمین فرود امده
است وابن بابویه رحمه روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم نزد
حضرت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست وپنجم ذی القعده
پس فرمود که امشب حضرت ابرهیم ع وحضرت عیسی علیه السلام متولد شده
اند وزمین از زیر کعبه پهن شده است پس هرکه روزش را روزه بدارد چنان
است که شصت ماه را روزه داشته باشد وحضرت قائم علیه السلام در این
روز ظاهر خواهد شد واز حضرت رسول صلعم منقولستکه حق تعالی رحمت خود
را در این روز بر بندگان فرستاده است وروزه اش مثل روزه هفتاد سال
است وبروایت دیگر رحمت از اسمان در این شب نازل شده است وتعظیم کعبه
بر ادم ع در این روز نازل شده است هرکه این روز را روزه بدارد هرچه میان اسمان
وزمینست برای او استغفار کنند وطلب امرزش نمایند واز حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویستکه اول رحمتیکه از اسمان بسوی زمین نازل
شد در بیست وپنجم ذی القعده بود وهرکه این روز را روزه بدارد وشبش را
بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود که روزها را
روزه داشته باشد وشبها را بعبادت بسر اورده باشد وهر جماعتیکه در
این روز جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از انکه متفرق گردند
حاجتهاشان براورده شود ودر این روز هزار هزار رحمت از جانب حق
تعالی بر بندگان نازل میگردد نود ونه رحمت از انها مخصوص جمعیستکه
مجتمع گردند وبذکر خدا مشغول گردند ودر روزش را روزه بدارند وشبش را
عبادت کنند ودر روایتی وارد شده است که مستحبست که در این روز در وقت
چاشت دو رکعت نماز بجا اورد ودر هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره
والشمس بخواند وبعد از سلام این دعا بخواند لا حول ولا قوة الا بالله
نیست حرکتی وتوانائی مگر بخدای

اعمال ماه

العلي العظيم يا مقيل العثرات اقلني عثرتي يا مجيب الدعوات اجب
دعوتي يا سامع الاصوات اسمع صوتي وارحمني وتجاوز عن سيئاتي
يا ذا الجلال والاكرام و شيخ طوسی گفته است که مستحب است که در
این روز این دعا را بخوانند اللهم داحي الكعبة وفالق الحبة
وصارف اللزبة وكاشف كل كربة اسئلك في هذا اليوم
من ايامك التي اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند
المؤمنين وديعة واليك ذريعة وبرحمتك الواسعة ان تصلي
على محمد عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق
فاتق كل رتق وداع الى كل حق وعلى اهل بيته الاطهار الهداة
المنار دعائم الجبار وولاة اهل الجنة والنار واعطنا في
يومنا هذا من عطائك المخزون غير مقطوع تجمع لنا به التوبة و
حسن الاوبة يا خير مدعو واكرم مرجو يا كفي يا وفي يا من لطفه
خفي الطف لي بلطفك واسعدني بعفوك وايدني بنصرك ولا

ذي القعدة

تنسني كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة سرك واحفظني من شوائب
الدهر الى يوم الحشر والنشر واشهدني اولياءك عند خروج
نفسي وحلول رمسي وانقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم واذكرني
على طول البلى اذا حللت بين اطباق الثرى ونسيني الناسون
من الورى واحللني دار المقامة وبوئني منزل الكرامة واجعلني
من مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصطفائك وبارك
لي في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل بريئا من
الزلل وسوء الخطل اللهم واوردني حوض نبيك محمد صلى
الله عليه واله واسقني منه مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظما
بعده ولا احلا ورده ولا عنه اذاد واجعله لي خير زاد واوفى
ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولين و
الاخرين وبحقوق اوليائك المستاثرين اللهم واقصم دعائمهم
واهلك اشياعهم وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم

وَضَیِّقْ عَلَیْهِمْ مَسَالِکَهُمْ وَالْعَنْ مَسَاهِمَهُمْ وَمَشَارِکَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَ
و تنگ کن برایشان راههای ایشان را و لعن کن هم فرقهٔ ایشان را و شریکان ایشان را خدایا و
عَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِیَاۤئِکَ وَارْدُدْ عَلَیْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَاۤئِمَهُمْ وَ
شتاب کن گشایش دوستان خود را و برگردان بر ایشان چیزهائیکه بستم گرفته شده و ظاهر کن بحق حضرت قائم ایشان را و
اجْعَلْهُ لِدِیْنِکَ مُنْتَصِراً وَبِاَمْرِکَ فِیْ اَعْدَاۤئِکَ مُؤْتَمِراً اَللّٰهُمَّ
بگردان او را برای دین خود انتقام کشنده و بامر تو درباره دشمنان تو فرمان برنده خدایا
احْفُفْهُ بِمَلاۤئِکَةِ النَّصْرِ وَبِمَا اَلْقَیْتَ اِلَیْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِیْ لَیْلَةِ الْقَدْرِ
فرا گیر او را بفرشتگان یاوری و بآنچه بیفکندی بسوی او از هر امری در شب قدر
مُنْتَقِماً لَکَ حَتّٰی تَرْضٰی وَیَعُوْدَ دِیْنُکَ بِهِ وَعَلٰی یَدَیْهِ جَدِیْداً غَضّاً وَ
انتقام کشنده برای تو تا راضی شوی و برگردد دین تو باو و بدستهای او نو تازه و
یَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضاً وَیَرْفِضَ الْبَاطِلَ رَفْضاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَآلِهِ
[illegible] باطل را [illegible] خدایا رحمت فرست براو و آل او
وَعَلٰی جَمِیْعِ آبَاۤئِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِیْ کَرَّتِهِ حَتّٰی نَکُوْنَ
و بر همه پدران او و بگردان ما را از یاران او و گروه او و برانگیز ما را در رجعت او تا آنکه بوده باشیم
فِیْ زَمَانِهِ مِنْ اَعْوَانِهِ اَللّٰهُمَّ اَدْرِکْ بِنَا قِیَامَهُ وَاَشْهِدْنَا اَیَّامَهُ وَصَلِّ
در زمان او از یاران او خدایا برسان ما را بزمان قیام او و حاضر کن ما را بروزهای او و رحمت فرست
عَلَیْهِ وَارْدُدْ اِلَیْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ
براو و برگردان بسوی ما سلام او را و سلام بر ایشان و رحمت خدا و برکات او

باب پنجم

در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک ذی الحجه است و در آن پنج فصل است

فصل اول در بیان فضایل ماه ذی الحجه است و دهه اول و اعمال آنست

اما این دهه همه در نهایت فضیلت و برکتند و حق تعالی میفرماید و
اذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند

شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است ویذکروا اسم الله فی ایام معلومات
علی ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج
تا آنکه ببینند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدا را در روزی چند
معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر
و گوسفند و بز است و در احادیث معتبره از ائمه منقولست که ایام معلومات
ده روز اول ذی الحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم
و سیزدهم ماه ذی الحجه است و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر و عبادت
هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از ده روز اول ذی الحجه و چون این ماه
داخل میشد صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند
معتبر از حضرت امام جعفر صادق [illegible] منقولست [illegible] امام محمد باقر علیه
السلام [illegible] در هر شب از دهه اول ذی الحجه
دو رکعت [illegible] در میان شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره
حمد و [illegible] قل هو الله و وَوٰعَدْنَا مُوْسٰی ثَلٰثِیْنَ لَیْلَةً وَاَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ
[illegible] و تمام کردیم آنرا بده شبانه روز
[illegible] ابرار الحجاج
فَتَمَّ مِیْقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِیْنَ لَیْلَةً وَقَالَ مُوْسٰی لِاَخِیْهِ هٰرُوْنَ اخْلُفْنِیْ فِیْ
[illegible] هرون که جانشین باش مرا در
قَوْمِیْ وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِیْلَ الْمُفْسِدِیْنَ چون چنین کنی با حاجیان در
ثواب حج شریک خواهی بود

هرچند بحج نروی و روز اول ذی الحجه روز مبارکیست و روایتی وارد شده است
که حضرت ابرهیم خلیل در این روز متولد شده است و در این روز حق تعالی حضرت
ابرهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی
برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که هر که نه روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه

تمام عمر او را از برای او بنویسد و شیخ طوسی ره گفته است که روزه از روز اول ذی الحجه تا نهم مستحب است و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسول صلعم حضرت فاطمه ع بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام تزویج نمود و بروایتی دیگر در روز ششم تزویج نمود **فایده** انکه قضاء روزه ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانکه علما گفته اند و احادیث صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سندهاشان معتبر نیست و محمول بر تقیه است چنانچه در کتب مبسوطه دلائل انرا ایراد نموده ام و باز شیخ ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا اورد و روایت شده است که ان چهار رکعتست مثل نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و تسبیح این است سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ **مؤلف گوید** که بعد از این ان شاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعتست و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه است و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل اورد و اند عاها بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه را بخواند و بعد از ان این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا اورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد و در روز اول ذی الحجه بگوید حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي حقتعالی کفایت شر ان ظالم را از او بکند و شیخ و تلعکبری و سید ابن طاوس ره بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب افتاب پیش از نماز شام این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَإٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّيَنَا فِيهَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَ

طاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني اسئلك يا ارحم الراحمين

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لنا فيها الرضا انك سميع

الدعاء ولا تحرمنا خير ما تنزل فيها من السماء وطهرنا من الذنوب يا علام

الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تترك

لنا فيها ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا

غائبا الا اديته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا سهلتها

ويسرتها انك على كل شيء قدير اللهم يا عالم الخفيات يا راحم

العبرات يا مجيب الدعوات يا رب الارضين والسموات يا من لا تتشابه

عليه الاصوات صل على محمد وآل محمد واجعلنا فيها من عتقائك

وطلقائك من النار والفائزين بجنتك والناجين برحمتك يا ارحم

الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين وسلم تسليما

وشیخ مفید ره و سید ابن طاوس بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی ع پنج دعا را هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان

اول ذی الحجه

بدرستیکه هیچ عبادتی نزد خدا محبوبتر نیست از عبادت کردن در این دهه

اول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الملك وله

الحمد بيده الخير وهو على كل شيء قدير دوم اشهد ان لا اله

الا الله وحده لا شريك له احدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا

ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له احدا صمدا

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد چهارم اشهد ان لا

اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت

وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير پنجم حسبي

الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس وراء الله منتهى اشهد لله بما دعا

وانه بريء ممن تبرء وان لله الآخرة والاولى پس حواریان

گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسیکه اینکلمات را بگوید حضرت عیسی گفت هر که دعاء اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آنروز و در روز قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم را صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو بدهند حضرت عیسی ع گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریة و انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت برداشتن یک حرف توریة و انجیل

اعمال دهه

نداشته هر که در آسمانها هفتگانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شده من و اسرافیل را

که اسرافیل اول بنده بود که گفت لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و هر که این دعای

ستم را صد مرتبه بخواند حقتعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار

حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار

هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته باشند

و صلوات فرستند بر کسیکه این کلماترا باین عدد خوانده است پس عیسی گفت

ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت هر که

ایمان آورد بآنچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت

ایشان را حقتعالی ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد

مرتبه بخواند این دعا را استقبال کند ملکی و بالا برد بسوی حقتعالی پس خدا

نظر کند بسوی گوینده این دعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت براو بکند هرگز شقی

و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسی ع گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست

گفت این دعای منست و حقتعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم

مؤلف گوید که اگر هر روز یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند

دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند

بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس ره از حضرت امیرالمؤمنین

علیه السلام روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات

را ده مرتبه بخواند حقتعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از

در و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد

برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد

از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن شهرها از

انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و قالیها

و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده

باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از

اول ذی الحجه

هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک

و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را به بهشت برسانند

و چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا

آنکه بشهری برسند که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز

و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حقتعالی در بهشت خلق کرده است

پس با او گویند که ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید

گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو این تهلیلات را میخواندی

در دنیا و این شهر و آنچه در آن هست از نعمتها الهی یکثواب بعضی بر خواندن

این تهلیلها و بشارت باد ترا به بهتر از این ثوابها و بپوشیده در جوار رحمت

الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد

و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات این است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ

اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا

اللهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا

اللهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا

اللهُ فِي اللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ

فِي الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلَى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ

و از بعضی روایات مستفاد میشود که بیک مرتبه نیز اکتفا میتوان کرد والله یعلم

نداشته هر که در آسمانها هفتگانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شد من و اسرافیل را

که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و لا قوة الا بالله و هر که دعای

سیم را صد مرتبه بخواند حقتعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار

حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار

هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته باشند

و صلوات فرستند بر کسیکه این کلماترا باین عدد خوانده است پس عیسی گفت

ای جبرئیل آیا ملئکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت هر که

ایمان آورد بآنچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت

ایشان را حقتعالی ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد

مرتبه بخواند آن دعا را استقبال کند ملکی و بالا برد بسوی حقتعالی پس خدا

نظر کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت براو بکند هرگز شقی

و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسی ع گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست

گفت آن دعای منست و حقتعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم

مؤلف گوید که اگر هر روز یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند

دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند

بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس ره از حضرت امیرالمؤمنین ع

علیه السلم روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات

را ده مرتبه بخواند حقتعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از

مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد

برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد

از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن شهرها از

انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها

و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده

باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از

الکرم الذی رکن الملک ...

مستطاب زاد المعاد ...

سلمهما الله ...

[illegible]	دعای [illegible]	دعای [illegible]	[illegible]	[illegible]
تسبیح حضرت [illegible]	تسبیح [illegible] ایضاً	دعای [illegible]	[illegible]	دعای [illegible]
دعای [illegible]	دعای [illegible]	دعای [illegible]	یکشنبه دعای روز	دعای [illegible]
شنبه دعای روز	چهارشنبه دعای روز	پنجشنبه دعای روز	جمعه دعای روز	[illegible] شنبه دعای روز
مناجات التائبین	مناجات الشاکین	مناجات الخائفین	مناجات الراجین	مناجات الراغبین
مناجات [illegible]	مناجات الشاکرین	مناجات المطیعین	مناجات المریدین	مناجات المحبین
مناجات المفتقرین	مناجات العارفین	مناجات الذاکرین	مناجات المعتصمین	مناجات الزاهدین
دعای صباح	دعای جوشن کبیر	دعای جوشن صغیر	دعای مجیر	دعای سمات
دعای مشلول	دعای توسل	[illegible]	[illegible]	دعای [illegible]
دعای عشرات	دعای علوی مصری	زیارت [illegible]	وداع امام رضا	زیارت حضرت معصومه
زیارت حضرت عبدالعظیم	دعای [illegible]	دعای [illegible]	دعای [illegible]	دعای روز عاشورا

نداشته هرکه در آسمانها هفتگانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شده من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ و هرکه دعای سیم را صد مرتبه بخواند حقتعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند بر کسیکه این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت هرکه ایمان آورد بانچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییر ندهد شریعت ایشان را حقتعالی ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هرکه دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال کند ملکی و بالا برد بسوی حقتعالی پس خدا نظر کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هرکه را خدا نظر رحمت براو بکند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسیٰ ع گفت با جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست گفت این دعای منست و حقتعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آن را بگویم **مؤلف گوید** که اگر هر روز یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس ره از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هرکه در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حقتعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از در و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد هر وارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلهها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از

اعمال روز عرفه

فصل دوم در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی الحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز ترویه کفارهٔ شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول منقولست که در شب عرفه دعا مستجابست و کسیکه آنشب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آنشب مناجات یا قاضی الحاجات است و هر که در آنشب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حقتعالی گناهانش را بیامرزد

اَللّٰهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی وَ مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَ عالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَ مُنْتَهی

کُلِّ حاجَةٍ یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبادِ یا کَریمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ

یا جَوادُ یا مَنْ لا یُواری مِنْهُ لَیْلٌ داجٍ وَ لا بَحْرٌ عَجّاجٌ وَ لا سَماءٌ ذاتُ

اَبْراجٍ وَ لا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِتاجٍ یا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِیاءٌ اَسْئَلُکَ

بِنُورِ وَجْهِکَ الْکَریمِ الَّذی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَکّاً وَ خَرَّ

مُوسی صَعِقاً وَ بِاسْمِکَ الَّذی رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰواتِ بِلا عَمَدٍ وَ سَطَحْتَ بِهِ

الْاَرْضَ عَلی وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ وَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَکْتُوبِ

الطّاهِرِ الَّذی اِذا دُعیتَ بِهِ اَجَبْتَ وَ اِذا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَیْتَ وَ بِاسْمِکَ

روز عرفه ذی الحجه

السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهانِ الَّذی هُوَ نُورٌ عَلی کُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ

یُضیءُ مِنْهُ کُلُّ نُورٍ اِذا بَلَغَ الْاَرْضَ انْشَقَّتْ وَ اِذا بَلَغَ السَّمٰواتِ فُتِحَتْ

وَ اِذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَ بِاسْمِکَ الَّذی تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرائِصُ مَلائِکَتِکَ

وَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ جَبْرَئیلَ وَ میکائیلَ وَ اِسْرافیلَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی صَلَّی

اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ عَلی جَمیعِ الْاَنْبِیاءِ وَ جَمیعِ الْمَلائِکَةِ وَ بِالْاِسْمِ الَّذی مَشی

بِهِ الْخِضْرُ عَلی قُلَلِ الْماءِ کَما مَشی بِهِ عَلی جُدَدِ الْاَرْضِ وَ بِاسْمِکَ الَّذی فَلَقْتَ

بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسی وَ اَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ اَنْجَیْتَ بِهِ مُوسَی بْنَ عِمْرانَ

وَ مَنْ مَعَهُ وَ بِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ مُوسَی بْنُ عِمْرانَ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْاَیْمَنِ

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ اَلْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَ بِاسْمِکَ الَّذی اَحْیا بِهِ عیسَی

ابْنُ مَرْیَمَ الْمَوْتی وَ تَکَلَّمَ فِی الْمَهْدِ صَبِیّاً وَ اَبْرَءَ الْاَکْمَهَ وَ الْاَبْرَصَ بِاِذْنِکَ

وَ بِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِکَ وَ جَبْرَئیلُ وَ میکائیلُ وَ اِسْرافیلُ

وَ حَبیبُکَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ مَلائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ وَ اَنْبِیاؤُکَ

الْمُرْسَلُونَ وَ عِبادُکَ الصّالِحُونَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرَضینَ وَ بِاسْمِکَ

دعا
سمات

الذى دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضباً فظن ان لن نقدر عليه فنادى فى

که خواند ترا بآن یونس ذو النون چون رفت میان قوم خشمگین در گمان کرد هرگز تنگ نگیریم بر او پس ندا کرد در

الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين فاستجبت له

تاریکیها اینکه نیست معبودی مگر تو منزهی تو که من هستم از ظالمان پس اجابت کردی او را

ونجيته من الغم وكذلك ننجى المؤمنين وباسمك العظيم الذى دعاك به داود

و نجات دادی او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را و بنام تو که بزرگ است آنچنان که خواند ترا داود بآن

وخر لك ساجداً فغفرت له ذنبه وباسمك الذى دعتك به آسية امرأة

وافتاد برای تو سجده کننده پس آمرزیدی گناهانش را و بنام تو که خواند ترا بآن آسیه زن

فرعون اذ قالت رب ابن لى عندك بيتاً فى الجنة ونجنى من فرعون و

فرعون چون گفت پروردگارا بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و

عمله ونجنى من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذى

کردارش و نجات ده مرا از گروه ستمکاران پس اجابت کردی دعای او را و بنام تو

دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فعافيته وآتيته اهله ومثلهم

خواند ترا بآن ایوب چون فرود آمد بآن بلا پس عافیت دادی او را و دادی او را اهلش و مثل ایشان

معهم رحمة من عندك وذكرى للعابدين وباسمك الذى دعاك به يعقوب

با ایشان رحمتی از خود و پندی برای عابدان و بنام تو که خواند ترا بآن یعقوب

فرددت عليه بصره وقرة عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك الذى

پس رد کردی بر او دیده او را و روشنی دیده او یوسف را و جمع کردی پراکندگی او را و بنام تو که

دعاك به سليمان فوهبت له ملكاً لا ينبغى لاحد من بعده انك انت الوهاب

خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی او را پادشاهی که سزاوار نبود احدی را بعد او بدرستیکه تویی بخشنده

وباسمك الذى سخرت به البراق لمحمد صلى الله عليه وآله اذ قال

و بنام تو که رام کردی بسبب آن براق را برای محمد رحمت خدا بر او و آل او چون گفت

الله تعالى سبحان الذى اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى

خدای بلند مرتبه پاکست آنکه شب برد بنده خود را از مسجد الحرام بسوی

المسجد الاقصى وقوله سبحان الذى سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا

مسجد اقصی و گفته او است منزه است آنکه رام کرد برای ما این را و نبودیم ما او را طاقت دارنده و بدرستیکه ما

شرح دعای

الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذى تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله عليه

وآله وباسمك الذى دعاك به آدم فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك

اسئلك بحق القرآن العظيم وبحق محمد خاتم النبيين وبحق ابرهيم

وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين اذا نصبت والصحف اذا نشرت

وبحق القلم وما جرى واللوح وما احصى وبحق الاسم الذى كتبته على

سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس والقمر بالفى

عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمداً عبده ورسوله

واسئلك باسمك المخزون فى خزائنك الذى استأثرت به فى علم

الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبى

مرسل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك الذى شققت به البحار وقامت

به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثانى والقرآن

العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق و

بحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله

في الأضحى

اعمال روز عرفه

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِاهِيًّا شَرَاهِيًّا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ

براو وآل او ويرهمه پيمبران وبخداوند ازلى قديم خدايا ميخواهم از تو بحق

تِلْكَ الْمُنَاجَاتِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ

ان مناجات كه بود ميان تو وميان موسى پسر عمران در بالاى كوه طور

سَيْنَاءَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْوَاحِ وَاَسْئَلُكَ

سينا وميخواهم ترا بنام تو كه اموختى او ملك موت تا بگيرد روحهارا وميخواهم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ النِّيرَانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ

بنام تو كه نوشته شده بر برگ زيتون پس فروتنى نمودند اتش براى ان برگها

فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ

پس گفتى اى اتش بوده باش سرد وسلامت وميخواهم ترا بنام تو كه نوشته بر سر پرده

الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ يَا مَنْ لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ يَا مَنْ بِهِ يُسْتَغَاثُ

بزرگى وبزرگوارى اى انكه تنگ نميكند اورا خواهنده وكم نميكند اورا بخشش اى انكه باو استغاثه شود

وَاِلَيْهِ يُلْجَاُ اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ

وباو پناه برده شود ميخواهم از تو بحرمت بستنگاه عزت از عرش تو واخر رحمت تو از

كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَجَدِّكَ الْاَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى

كتاب تو وبنام تو كه بزرگست وبزرگوارى تو كه بلندست وسخنان تمامهاى بلند تو

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَتْ وَالسَّمَاءِ وَمَا اَظَلَّتْ وَالْاَرْضِ وَمَا اَقَلَّتْ

خدايا اى پروردگار بادها وانچه پراكنده كردى واسمان وانچه سايه مكند وزمين وانچه برداشته

وَالشَّيَاطِينِ وَمَا اَضَلَّتْ وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَتْ وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ

ودیوها وانچه گمراه نموده ودريا ها وانچه روانست وبحق هر حقيكه او بر تو حق است

وَبِحَقِّ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ

وبحق فرشتگان نزديكان وروحانيان وكروبيان وتنزيه كنندگان تو

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ وَبِحَقِّ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ

بشب وروز كه سست نميشوند وبحق ابرهيم دوست وبحق هر دوستيكه

يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ يَا مُجِيبُ اَسْئَلُكَ

ميخواند ترا ميان دو كوه صفا ومروه واجابت ميكنى دعا اورا اى اجابت كننده ميخواهم ترا

شب عرفه ذي الحجه

بِهٰذِهِ الْاَسْمَاءِ وَبِهٰذِهِ الدَّعَوَاتِ اَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا اَخَّرْنَا وَمَا

باين نامها وباين دعاها اينكه بيامرزى مرا انچه پيش وانچه پس داشتيم وانچه

اَسْرَرْنَا وَمَا اَعْلَنَّا وَمَا اَبْدَيْنَا وَمَا اَخْفَيْنَا وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اِنَّكَ

پنهان وانچه اشكارا نموديم وانچه هويدا ونهان كرديم وانچه تو دانا ترى باو از ما بدرستيكه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُونِسَ

بر هر چيزى توانائى برحمت تو اى مهربانترين مهربانان اى نگاهدارنده هر غريب اى انيس

كُلِّ وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُونِسَ

هر تنهائى اى توانائى دهنده هر ناتوان اى يارى كننده هر ستمديده اى روزى دهنده هر بى نصيب اى مونس

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ

هر ترسنده اى يار هر سفر كننده اى اعتماد هر حاضرى اى امرزنده هر گناه

وَخَطِيئَةٍ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ

وخطائى اى فريادرس فرياد كنندگان اى دادخواه دادخواهان اى بردارنده اندوه

الْمَكْرُوبِينَ يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ يَا مُنْتَهٰى

اندوهناكان اى گشاينده اندوه اندوهناكان اى پديدارنده اسمانها وزمينها اى اخر

غَايَةِ الطَّالِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

غايت خواهندگان اى اجابت كننده دعاء بيچارگان اى مهربانترين مهربانان اى پروردگار جهانيان

يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ

اى جزا دهنده روز جزا اى بخشنده تر بخشندگان اى بزرگتر بزرگواران اى شنوا تر شنوندگان

يَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِينَ اِغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ

اى بيناتر نگاه كنندگان اى توانا تر توانايان بيامرز براى من گناهانرا كه تغيير ميدهد نعمتهارا

وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ

وبيامرز براى من گناهانرا كه باعث ميشود پشيمانى را وبيامرز براى من گناهانرا كه باعث ميشود

السُّقْمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي

بيمارى را وبيامرز براى من گناهانرا كه پاره ميكند پرده عصمت را وبيامرز براى من گناهانرا كه

تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

رد ميكند دعارا وبيامرز براى من گناهانرا كه نگه ميدارد باران اسمان را وبيامرز براى من گناهانرا

اعمال روز

وَكُلِّ حالٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنْ اَفْضَلِ عِبادِكَ نَصيباً في هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ

و هر حالی خدایا بگردان مرا از افزون ترین بندگانت از بهره در این روز از

خَيْرٍ تَقْسِمُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ اَوْ بَلاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ

نیکی که قسمت کنی آن را یا ضرری که برطرف کنی آن را یا بدی که بگردانی آن را یا بلائی که دفع نمائی آن را یا خیری که برانی آن را

اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها اَوْ عافِيَةٍ تُلْبِسُها فَاِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

یا رحمتی که پراکنده کنی آن را یا عافیتی که بپوشانی آن را که تو بر هر چیزی توانائی

وَبِيَدِكَ خَزائِنُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْواحِدُ الْكَريمُ الْمُعْطِي الَّذي

و بدست تو است خزینهای آسمانها و زمین و توئی یگانه بزرگ دهنده آنچنانکه

لا يُرَدُّ سائِلُهُ وَلا يُخَيَّبُ اٰمِلُهُ وَلا يَنْقُصُ نائِلُهُ وَلا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ بَلْ

رد نمیشود سائل او و ناامید نمیگردد امیدوار او و کم نشود بخشش او و تمام نمیشود آنچه نزد او است بلکه

يَزْدادُ كَثْرَةً وَطيباً وَعَطاءً وَجُوداً وَارْزُقْني مِنْ خَزائِنِكَ الَّتي لا تَفْنىٰ

زیاد کند بسیار و خوبی را و اکرام را و بخشش خود را و روزی کن مرا از خزینهای آنچنانی خود که فانی نمیشود

وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ اِنَّ عَطائَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ

و از رحمت فراخ خود که بخشش تو نیست ممنوع شده و تو بر هر چیزی

قَديرٌ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

توانائی برحمت تو ای مهربانترین مهربانان

و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت مخصوصه نیز در بعضی از کتب ذکر کرده اند و زیارت عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در تحفة الزائر ذکر کرده ام و زیارت دور ان شاء الله بعد از این مذکور خواهد شد و بیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شد **و اما** روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است حتی مستحبست که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقولست که ابرهیم بن هاشم گفت من عبد الله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را بهتر از او ندیدم و پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده

عرفه ذی الحجه

بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بر زمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم موقف هیچکس را بهتر از موقف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برادران مؤمن خود را زیرا که از حضرت امام موسی علیه السلام شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیبت ایشان از عرش ندا باو رسد که از برای تو صد هزار برابر آن باد پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای سالم که البته مستجابست برای یک دعا خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام باشد ثوابش کمتر نیست از کسیکه در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد حقتعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسلی کرده باشد یا امام عادلی راوی گفت کجا است ثواب موقف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه چون بنده مؤمن در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گامی که بر میدارد ثواب حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام میکند و گناهان ایشان را میآمرزد و حاجات ایشان را برمیآورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا اندر میان زوار آنحضرت حرام زاده و فرزند زنا نیست و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها و اینها نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل کند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر زیر بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول دعا و ذکر باشند تا در ثواب اهل عرفات شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلفست و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباه در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نکند

سنّت است و الامکرو هست یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه
عرفه برابر است با روزهٔ یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف
شود نگرفتن روزه بهتر است و از حضرت صادق علیه السّلام منقولست که هر کرد
روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف
کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات
و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده گردد و شیخ مفید این نماز را بعد از نماز عصر
ذکر کرده است و گفته این نماز مخصوص جمعیست که در اطراف باشند و در عرفات
نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السّلام منقولست که چون خواهد مشغول
دعا شود اول صد مرتبه اَللهُ اَکبَرُ و صد مرتبه اَلحَمدُ لِله و صد مرتبه سُبحانَ الله
و صد مرتبه لا اِلهَ اِلّا الله و صد مرتبه قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ و صد مرتبه سورهٔ اِنّا
اَنزَلناهُ بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد
مرتبه لاحول و لاقوة الا بالله و صد مرتبه اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است آنرا
با خشوع و خضوع و تأنّی در وقت بخواند که مشتمل بر جمیع مطالب دنیا و آخرت
است و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که
حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین علیه السّلام گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را
و آن دعای پیغمبران پیش لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ وَ لَهُ
از من است منکوئی
الحَمدُ یُحیی وَ یُمیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَموتُ بِیَدِهِ الخَیرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ
لَکَ الحَمدُ کَالَّذی تَقولُ وَ خَیراً مِمّا نَقولُ وَ فَوقَ ما یَقولُ القائِلونَ اَللّهُمَّ لَکَ
صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحیایَ وَ مَماتی وَ لَکَ بَراءَتی وَ بِکَ حَولی وَ مِنکَ قُوَّتی اَللّهُمَّ اِنّی

اَعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ وَ مِن وَساوِسِ الصَّدرِ وَ مِن شَتاتِ الاَمرِ وَ مِن عَذابِ القَبرِ
اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیرَ الرِّیاحِ وَ اَعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما تَجیءُ بِهِ الرِّیاحُ وَ اَسئَلُکَ
خَیرَ اللَّیلِ وَ خَیرَ النَّهارِ اَللّهُمَّ اجعَل فی قَلبی نوراً وَ فی سَمعی نوراً وَ فی بَصَری نوراً
وَ فی لَحمی نوراً وَ فی دَمی وَ عِظامی وَ عُروقی وَ مَقامی وَ مَقعَدی وَ مَدخَلی وَ مَخرَجی
نوراً وَ اَعظِم لِی النّورَ یا رَبِّ یَومَ اَلقاکَ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و از حضرت امام رضا
علیه السّلام منقولست که این اَللّهُمَّ کَما سَتَرتَ عَلَیَّ ما لَم اَعلَم فَاغفِر لی ما
دعا را در روز عرفه بخوانند
تَعلَمُ وَ کَما وَسِعَنی عِلمُکَ فَلیَسَعنی عَفوُکَ وَ کَما بَدَأتَنی بِالاِحسانِ فَاَتِمَّ
نِعمَتَکَ بِالغُفرانِ وَ کَما اَکرَمتَنی بِمَعرِفَتِکَ فَاَشفِعها بِمَغفِرَتِکَ وَ کَما عَرَّفتَنی
وَحدانِیَّتَکَ فَاَکرِمنی بِطاعَتِکَ وَ کَما عَصَمتَنی مِمّا لَم اَکُن اَعتَصِمُ مِنهُ اِلّا
بِعِصمَتِکَ فَاغفِر لی ما لَو شِئتَ عَصَمتَنی مِنهُ یا جَوادُ یا کَریمُ یا ذَا الجَلالِ
وَ الاِکرامِ و از حضرت امام موسی علیه السّلام منقولست اَللّهُمَّ اِنّی عَبدُکَ اِن تُعَذِّبنی فَبِاُمورٍ
قَد سَلَفَت مِنّی وَ اَنَا بَینَ یَدَیکَ بِرُمَّتی وَ اِن تَعفُ عَنّی فَاَهلُ العَفوِ اَنتَ یا
اَهلَ العَفوِ یا اَحَقَّ مَن عَفی اغفِر لی وَ لِاِخوانی مؤلف گوید
که این جزء نیست از دعا ظاهرا

که از حضرت صادق علیه السلام منقولست و ادعیه عرفه بسیار است و در کتاب بحار الانوار
و رساله علیحده جمع کرده ام و اکثر آنها در زاد المعاد مذکور شده در این رساله کافی
است و از جمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای حضرت سید الشهداء
امام حسین علیه السلام است بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین
روز عرفه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با
گروهی از اهلبیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب
چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو
برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند دعا این است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ وَلا لِعَطائِهِ
مانِعٌ وَلا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صانِعٍ وَهُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ فَطَرَ اَجْناسَ الْبَدائِعِ وَاَتْقَنَ
بِحِكْمَتِهِ الصَّنائِعَ وَلا تَخْفى عَلَيْهِ الطَّلائِعُ وَلا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدائِعُ
جازي كُلِّ صانِعٍ وَرائِشُ كُلِّ قانِعٍ وَراحِمُ كُلِّ ضارِعٍ وَمُنْزِلُ الْمَنافِعِ وَالْكِتابِ
الْجامِعِ بِالنُّورِ السّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ وَلِلْمُطِيعِينَ نافِعٌ لِلدَّرَجاتِ
رافِعٌ وَلِلْكُرُباتِ دافِعٌ وَلِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ وَراحِمُ عَبْرَةِ كُلِّ ضارِعٍ وَرافِعُ
ضَرْعَةِ كُلِّ ضارِعٍ فَلا اِلٰهَ غَيْرُهُ وَلا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَرْغَبُ اِلَيْكَ

وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرّاً بِاَنَّكَ رَبِّي وَاَنَّ اِلَيْكَ مَرَدِّي اِبْتَدَاْتَنِي بِنِعْمَتِكَ
قَبْلَ اَنْ اَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِي الْاَصْلابَ
آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلافِ الدُّهُورِ فَلَمْ اَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبٍ اِلى رَحِمٍ
تَقادُمِ الْاَيّامِ الْماضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَاْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ
لِي وَاِحْسانِكَ اِلَيَّ فِي دَوْلَةِ اَيّامِ الْكَفَرَةِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا
رُسُلَكَ لٰكِنَّكَ اَخْرَجْتَنِي رَاْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدى
الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ اَنْشَاْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذٰلِكَ رَؤُفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ
سَوابِغِ نِعْمَتِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنى ثُمَّ اَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُماتٍ ثَلاثٍ بَيْنَ
لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ لَمْ تُشْهِدْنِي بِخَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئاً مِنْ اَمْرِي ثُمَّ
اَخْرَجْتَنِي اِلَى الدُّنْيا تامّاً سَوِيّاً وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي
مِنَ الْغِذاءِ لَبَناً مَرِيئاً وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَواضِنِ وَكَفَّلْتَنِي الْاُمَّهاتِ
الرَّحائِمَ وَكَلَاْتَنِي مِنْ طَوارِقِ الْجانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيادَةِ وَالنُّقْصانِ
فَتَعالَيْتَ يا رَحِيمُ يا رَحْمٰنُ حَتّى اِذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْكَلامِ اَتْمَمْتَ عَلَيَّ

دعا روز

سوابغ الانعام فربيتني زائداً في كل عام حتى اذا كملت فطرتي واعتدلت

سريرتي اوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني بعجائب

فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك و

نبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك وفهمتني ما جاءت

به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك

ولطفك ثم اذ خلقتني من حر الثرى لم ترض لي يا الهي بنعمة دون اخرى

ورزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياش بمنك العظيم علي واحسانك

القديم الي حتى اذا اتممت علي جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك

جهلي وجرأتي عليك ان دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك

فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك شكرتني

وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالاً لانعمك علي واحسانك الي

فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست اسماؤك و

عظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي احصي عدداً وذكراً ام اي عطاياك اقوم

عرفه ذی الحجه

بها شكراً وهي يا رب اكثر من ان يحصيها العادون او يبلغ علماً بها

الحافظون ثم ما صرفت ودرأت عني اللهم من الضر والضراء اكثر مما

ظهر لي من العافية والسراء وانا اشهد يا الهي بحقيقة ايماني وعقد

عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق

مجاري نور بصري واسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي و

خذاريف مارن عرنيني ومسارب صماخ سمعي وما ضمت واطبقت عليه

شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت اضراسي و

بلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مأكلي ومشربي وحمالة ام رأسي و

جمل حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط حجاب قلبي

وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف اضلاعي وحقاق مفاصلي

واطراف اناملي وقبض عواملي ولحمي ودمي وشعري وبشري وعصبي وقصبي

وعظامي ومخي وعروقي وجميع جوارحي وما انتسج على ذلك ايام رضاعي

وما اقلت الارض مني ونومي ويقظتي وسكوني وحركات ركوعي

دعاء روز عرفه

وسجوداً أن لو حاولت واجتهدت مدى الأعصار والأحقاب لو عمّرتها

و سجده‌ها پس اگر قصد کنم و کوشش کنم درازی زمانها و روزگارها اگر زندگی کنم بآنها

أن أؤدّي شكر واحدة من أنعمك ما استطعت ذلك إلّا بمنّك الموجب

اینکه ادا کنم شکر یکی از نعمتهای ترا از عهده بر نیایم آنرا مگر بمنت تو که واجب

عليّ به شكراً آنفاً جديداً وثناءً طارفاً عتيداً أجل ولو حرصت أنا والعادّون

است بر من شکر نو و تازه و ستایش تازه و آماده بلی اگر حرص نمایم من و شمارندگان

من أنامك أن نحصي مدى إنعامك سالفه وآنفه ما حصرناه عدداً

از خلق تو اینکه بشماریم بسیاری نعمتهای گذشته و حاضر را هر آینه احاطه نکنیم بشماره آنرا

ولا أحصيناه أمداً هيهات أنّى ذلك وأنت المخبر عن نفسك في كتابك الناطق

و نتوانیم احصا کرد هرگز دور است کجاست این و توئی خبر دهنده از ذات خود در کتاب گویای خود

والنبأ الصادق وإن تعدّوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك اللهمّ وإنباؤك

و خبر راست و اگر بشمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد راست گو است کتاب تو خدایا و خبر تو

وبلّغت أنبياؤك ورسلك ما أنزلت عليهم من وحيك وشرعت لهم

و رسانیدند پیغمبران تو و رسولان تو آنچه فرستاده بودی بر ایشان از وحی خود

من دينك غير أنّي يا إلهي أشهد بجهدي وجدّي ومبلغ طاقتي ووسعي و

از دین تو مگر اینکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی و کوشش خود و منتهای طاقت و توانایی و

أقول مؤمناً موقناً الحمد لله الذي لم يتّخذ ولداً فيكون موروثاً ولم يكن له

میگویم در حالتی که ایمان و یقین دارم حمد مختص خدائیست که نگرفته هیچ فرزندی تا بوده باشد ارث برنده و نیست مر او را

شريك في الملك فيضادّه فيما ابتدع ولا وليّ من الذلّ فيرفده فيما صنع

انبازی در پادشاهی که مخاصمه کند او را در آنچه پدید آورده و نه یاوری از خواری پس یاری دهد او را در آنچه

سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة إلّا الله لفسدتا وتفطّرتا

منزه است او اگر بودی در زمین و آسمان خدایانی مگر خدای یگانه تباه شدندی و شکافته شدندی

فسبحان الله الواحد الحقّ الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن

پس پاکست خدای یگانه ثابت یکتا پناه نیازمندان که نزاید و نزاده شده و نباشد

له كفواً أحد الحمد لله حمداً يعدل حمد ملائكته المقرّبين وأنبيائه

او را همتایی سپاس مر خدا را سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان مقرب و پیغمبران

عرفه ذي الحجّة

المرسلين وصلّى الله على خيرته من خلقه محمّد خاتم النبيّين وآله الطيّبين

فرستادگان و رحمت خدا باد بر برگزیده بندگانش یعنی محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکان

الطاهرين المخلصين پس شروع فرمود آنحضرت در سؤال و اهتمام نمود

پاکان صاحبان اخلاص‌اند در دعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت

اللهمّ اجعلني أخشاك كأنّي أراك وأسعدني بتقواك ولا تشقني

خدایا قرار بده مرا که بترسم از تو گویا که میبینم ترا و نیک بخت کن مرا به پرهیزکاری و بدبخت مکن

بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتّى لا أحبّ تعجيل

بسبب نافرمانی من ترا و خیر بده مرا در حکم خود و مبارک ساز برای من در تقدیر خود تا دوست ندارم شتاب

ما أخّرت ولا تأخير ما عجّلت اللهمّ اجعل غناي في نفسي واليقين في

آنچه تأخیر انداختی و نه تأخیر آنچه شتاب کردی خدایا بگردان بی نیازی مرا در ذات خود و یقین در

قلبي والإخلاص في عملي والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتّعني بجوارحي

دل من و اخلاص را در کردار من و نور را در چشم من و بینائی را در دین من و بهره‌مند گردان مرا باعضای من

واجعل سمعي وبصري الوارثين منّي وانصرني على من ظلمني وأرني فيه

و بگردان گوش مرا و چشم مرا وارث برندگان از من و یاری ده مرا بر هر که ستم کرده مرا و بنما بمن در آن

مآربي وثاري وأقرّ بذلك عيني اللهمّ اكشف كربتي واستر عورتي و

مقصد مرا و خونخواهی مرا و روشن گردان چشم مرا خدایا زایل کن اندوه مرا و بپوشان عورت مرا و

اغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفكّ رهاني واجعل لي يا إلهي الدرجة

بیامرز خطای مرا و دور کن شیطان مرا و رها کن گرو مرا و بگردان برای من خدایا درجه

العليا في الآخرة والأولى اللهمّ لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعاً

بلند در آخرت و دنیا خدایا تراست حمد چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا

بصيراً ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني حيّاً سويّاً رحمةً بي وكنت عن خلقي

بینا و تراست حمد چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا زنده درست از روی رحمت بمن و بودی از آفریدن من

غنيّاً ربّ بما برأتني فعدّلت فطرتي ربّ بما أنشأتني فأحسنت صورتي يا ربّ

بی نیاز پروردگارا بآنچه آفریدی مرا پس درست کردی خلقت مرا خدایا بآنچه پدید کردی مرا پس نیکو کردی صورت مرا خدایا

بما أحسنت إليّ وفي نفسي عافيتني ربّ بما كلأتني ووفّقتني ربّ بما أنعمت

بآنچه نیکوئی کردی بمن و در ذات من عافیت دادی مرا خدایا بآنچه نگاه داشتی مرا و توفیق دادی مرا خدایا بآنچه دادی

دعاء روز

فهديتني ربّ بما اوليتني ومن كلّ خير آتيتني واعطيتني ربّ بما اطعمتني وسقيتني

ربّ بما اغنيتني واقنيتني ربّ بما اعنتني وعززتني ربّ بما البستني من ذكرك

الصافي ويسّرت لي من صنعك الكافي صلّ على محمّد وآل محمّد واعنّي على بوائق

الدهور وصروف الايّام والليالي ونجّني من اهوال الدنيا وكربات

الآخرة واكفني شرّ ما يعمل الظالمون في الارض اللّهمّ ما اخاف فاكفني

وما احذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي اهلي

ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذلّلني وفي

اعين الناس فعظّمني ومن شرّ الجنّ والانس فسلّمني وبذنوبي فلا تفضحني

وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني والى

غيرك فلا تكلني الى من تكلني الى القريب يقطعني ام الى البعيد يتجهّمني

ام الى المستضعفين لي وانت ربّي ومليك امري اشكو اليك غربتي و

بعد داري وهواني على من ملّكته امري اللّهمّ فلا تحلل بي غضبك فان

لم تكن غضبت عليّ فلا ابالي سواك غير انّ عافيتك اوسع لي يا ربّ

عرفه — ذی الحجّة

فاسئلك بنور وجهك الذي اشرقت له الارض والسموات وانكشفت

پس میخواهم ترا بنور وجه تو که روشن شد بسبب آن زمین و آسمانها و برطرف شد بسبب آن

به الظلمات وصلح عليه امر الاوّلين والآخرين ان لا تميتني على غضبك

تاریکیها و باصلاح آمد بر آن کار پیشینیان و پسینیان اینکه نمیرانی مرا بر خشم خود

ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتّى ترضى قبل ذلك لا اله الّا انت

و فرود نیاوری بمن خشم خود را برای تو است بازگشت تا آنکه راضی شوی پیش از آن نیست خدائی موجود مگر تو

ربّ البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة و

پروردگار بلد حرام و مشعر الحرام و خانهٔ کهنه آنچنانی که حلال کردی در او برکت را و

جعلته للنّاس امنة يا من عفى عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من

و گردانیدی او را برای مردم محل امنی ای آنکه درگذرد از گناهان بزرگ بسبب بردباری خود ای آنکه

اسبغ النعمة بفضله يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدّتي في شدّتي يا

تمام کرده است نعمت را بسبب فضل خود ای آنکه بخشش بزرگ کرد بسبب کرم خود ای ذخیرهٔ من در سختی من ای

صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي يا مونسي في حفرتي يا وليّ نعمتي يا الهي

یار من در تنهائی من ای پناه من در اندوه من ای مونس من در گور من ای ولی نعمت من ای خدای من

واله آبائي ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب وربّ جبرئيل وميكائيل

و خدای پدران من ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل

واسرافيل وربّ محمّد خاتم النبيّين وآله المنتجبين ومنزل التورية

و اسرافیل و پروردگار محمد آخر پیغمبران و آل او که برگزیدگانند و فرو فرستندهٔ توریة

والانجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن

و انجیل و زبور و فرقان و فرو فرستندهٔ کهیعص و طه و یس و قرآن

الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق عليّ الارض

درست کردار تو پناه منی هنگامی که تنگ شود بر من راهها در فراخیها و تنگ شود بر من زمین

برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وانت مقيل عثرتي ولولا

با فراخی خود و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودم از هلاک شدگان و توئی گذرنده از لغزشهای من و اگر نبود

سترك ايّاي لكنت من المفضوحين وانت مؤيّدي بالنصر على الاعداء

پوشانیدن تو گناهان مرا هر آینه بودم از رسوا شدگان و توئی قوت کنندهٔ من بسبب یاری دادن بر دشمنان

في الرهبة ۵۰

دعاء روز عرفه

وَلَوْلَا نَصْرُكَ اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ

واگر نبود یاری تو مرا مرا اینه بودم از مغلوب شدگان ای انکه مخصوص گردانید نفس خود را به بلندی و

الرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ

رفعت پس دوستان او بسبب علو او غالب میشوند ای انکه گرفته برای او پادشاهان خواری

الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ

یعنی خود را بر گردنهای ایشان پس ایشان از قهاریت او ترسانند میدانی اشارا برهم زدن چشمها را

وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْاَزْمَانُ وَالدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

و انچه که پنهانست در سینها و پوشیدگی انچه میاید بان روزگارها و زمانها ای انکه نمیداند

كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ

چگونه است او مگر او ای انکه نمیداند انچه او میداند مگر او ای انکه فرو برده زمین را

عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ اَكْرَمُ الْاَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ

بر اب و بسته هوا را باسمان ای انکه برای اوست گرامی ترین نامها ای صاحب احسان

الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ

انچنانکه بریده نمیشود هرگز ای برگرداننده قافله برای یوسف در شهرهای خالی از گیاه و بیرون اورنده او

مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ

از چاه و برگرداننده او بعد از بندگی پادشاهی ای برگرداننده یوسف بر یعقوب بعد

اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ

از انکه سفید شده بود دو چشم او از اندوه پس او خشم گیرنده بود ای بردارنده ضررها و بلاها از

اَيُّوبَ يَا مُمْسِكَ يَدَيْ اِبْرٰهِيمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ ابْنِهِ بَعْدَ اَنْ كَبِرَ سِنُّهُ وَ

ایوب ای نگاهدارنده دست ابرهیم از کشتن پسرش بعد از انکه به پیری رسیده بود عمرش و

فَنِيَ عُمُرُهُ يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيٰى وَلَمْ يَدَعْهُ فَرْدًا

فانی شد عمرش ای انکه پذیرفت دعا زکریا را پس بخشید او را یحیی و نگذارد او را تنها

وَحِيدًا يَا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَرَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي اِسْرَائِيلَ

و یکتا ای انکه بیرون اورد یونس را از شکم ماهی ای انکه شکافت دریا را برای بنی اسرائیل

فَاَنْجٰهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ يَا مَنْ اَرْسَلَ الرِّيَاحَ

پس نجات داد ایشان را و گردانید فرعون و لشکرش را از غرق شدگان ای انکه فرستاد بادها را

في التضرع ۵۱

ذي الحجة — عرفه

مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنِ اسْتَنْقَذَ

بشارت دهنده پیش روی رحمتش ای انکه شتاب نکند بر انکه نافرمانی کرد او را از خلق او ای انکه نجات داد

السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَاْكُلُونَ رِزْقَهُ

ساحران را از پس دراز انکار و بتحقیق صبح کردند در نعمت او میخوردند روزی او را

وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اَللّٰهُ يَا بَدِيءُ

و میپرستیدند غیر او را و بتحقیق دشمنی کردند او را و مانند قرار دادند او را و تکذیب کردند پیمبران او را ای خدا ای پدید ارنده که

لَا بَدْءَ لَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ

نیست بدی برای تو ای همیشه که نیست زوالی برای تو ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردها ای ایستاده

عَلٰى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظُمَتْ عِنْدَهُ

بر جزای هر نفسی بانچه کسب کرده ای انکه کمست برای او شکر من پس محروم نمیکند مرا و بزرگست نزد او

خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَآنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي

گناه من پس رسوا نمیکند مرا و دیده است مرا بر نافرمانی من پس نمیکند مرا خوار ای انکه نگاه داشت مرا در

صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ اَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصٰى يَا مَنْ نِعَمُهُ عِنْدِي لَا

کوچکی من ای انکه روزی داد مرا در پیری ای انکه نعمتهای او نزد من شمار در نماید ای انکه نعمت او نزد من جزا

تُجَازٰى يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْاِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْاِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ

داده نمیشود ای انکه پیش امده مرا بنیکی و احسان و پیش امدم او را ببدی و نافرمانی

يَا مَنْ هَدَانِي لِلْاِيمَانِ مِنْ قَبْلِ اَنْ اَعْرِفَ شُكْرَ الْاِمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا

ای انکه راه نمود مرا بایمان پیش از انکه بشناسم شکر نعمتش را ای انکه خواندم او را در حال مرض

فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَاَطْعَمَنِي وَعَطْشَانًا فَاَرْوَانِي وَذَلِيلًا

پس شفا داد مرا و در برهنگی پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس سیر کرد مرا و در تشنگی پس آب داد مرا و در خواری

فَاَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَرَدَّنِي وَمُقِلًّا

پس عزیز کرد مرا و در نادانی پس شناسانید مرا و در یکتائی پس بسیار کرد مرا و در غیبت پس برگردانید مرا و در فقر

فَاَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَاَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذٰلِكَ

پس غنی کرد مرا و در طلب نصرت پس یاری داد مرا و در غنا پس نگرفت از من و ساکت کردم از تمام انچه مذکور است

فَابْتَدَاَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ اَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَّسَ كُرْبَتِي وَاَجَابَ دَعْوَتِي

پس ابتدا کرد مرا پس مر تراست ستایش ای انکه درگذشت لغزش مرا و دور کرد اندوه مرا و اجابت کرد دعا مرا

دعاء روز

وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلّغني طلبتي ونصرني على عدوّي وإن أعدّ

و بپوشید عورت مرا و آمرزید گناه مرا و رسانید مرا بطلبم و یاری کرد مرا بر دشمنم و اگر بشمارم

نعمك ومننك وكرائم منحك لا أحصيها يا مولاي أنت الذي أنعمت

نعمتهای ترا و عطاهای ترا و بزرگیهای بخششهای ترا نمیتوانم شمرد ای آقای من توئی آنکه نعمت دادی

أنت الذي أحسنت أنت الذي أجملت أنت الذي أفضلت أنت الذي

توئی آنکه نیکی کردی توئی آنکه نیکوئی کردی توئی آنکه زیادتی دادی توئی آنکه

مننت أنت الذي أكملت أنت الذي رزقت أنت الذي وفّقت

بخشش کردی توئی آنکه کامل کردی توئی آنکه روزی دادی توئی آنکه توفیق دادی

أنت الذي أعطيت أنت الذي أغنيت أنت الذي أقنيت أنت الذي آويت

توئی آنکه دادی توئی آنکه توانگر کردی توئی آنکه نگاهداری کردی توئی آنکه جای دادی

أنت الذي كفيت أنت الذي هديت أنت الذي عصمت أنت الذي سترت

توئی آنکه کفایت کردی توئی آنکه راه نمودی توئی آنکه نگاه داشتی توئی آنکه پوشانیدی

أنت الذي غفرت أنت الذي أقلت أنت الذي مكّنت أنت الذي أعززت

توئی آنکه آمرزیدی توئی آنکه درگذشتی توئی آنکه تمکین دادی توئی آنکه غالب کردانیدی

أنت الذي أعنت أنت الذي عضدت أنت الذي أيّدت أنت الذي نصرت

توئی آنکه یاری کردی توئی آنکه قوت دادی توئی آنکه نیرو کردی توئی آنکه یاری کردی

أنت الذي شفيت أنت الذي عافيت أنت الذي أكرمت تباركت ربّي

توئی آنکه شفا دادی توئی آنکه عافیت دادی توئی آنکه بخشش کردی بزرگی تو ای پروردگار من

وتعاليت فلك الحمد دائماً ولك الشكر واصباً ثمّ أنا يا إلهي المعترف بذنوبي

و بلندمرتبه پس مر تراست حمد همیشه و مر تراست شکر همیشه پس منم ای خدای من اعتراف کننده بگناهانم

فاغفرها لي أنا الذي أسأت أنا الذي أخطأت أنا الذي أغفلت أنا الذي

پس بیامرز آنها را برای من منم آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم منم آنکه غفلت ورزیدم منم آنکه

جهلت أنا الذي هممت أنا الذي سهوت أنا الذي اعتمدت أنا

نادانی کردم منم آنکه اهتمام کردم بگناه منم آنکه سهو کردم منم آنکه اعتماد کردم بتو منم

الذي تعمّدت أنا الذي وعدت أنا الذي أخلفت أنا الذي نكثت أنا الذي

آنکه از روی عمد گناه کردم منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف وعده کردم منم آنکه عهد شکستم منم آنکه

التضرع ۵۱

عرفه ذي الحجه

أقررت أنا يا إلهي أعترف بنعمك عندي وأبوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا

اقرار میکنم منم ای خدای من که اعتراف میکنم بنعمتهای تو نزد خود و حاشا کردم گناهانم را پس بیامرز آنها را ای آنکه

تضرّه ذنوب عباده وهو الغنيّ عن طاعتهم والموفّق من عمل منهم صالحاً

ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش و اوست بی نیاز از طاعت ایشان و توفیق دهنده است آنرا که کردار شایسته کرد از ایشان

بمعونته ورحمته فلك الحمد إلهي أمرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت

بیاری خود و رحمت خودش پس مر تراست حمد خدایا امر کردی مرا پس نافرمانی کردم و نهی کردی مرا پس مرتکب شدم

نهيك فأصبحت لا ذا براءة فأعتذر ولا ذا قوّة فأنتصر فبأيّ شيء

نهی ترا پس صبح کردم در حالی که نبودم بیگناه پس عذر بگویم و نه صاحب قوه پس یاری ستانم پس بکدام چیز

أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني أم بيدي أم برجلي

طلب روی کنم ترا ای آقای من آیا بگوشم یا بچشم یا بزبانم یا بدستم یا بپایم

أليس كلّها نعمك عندي وبكلّها عصيتك يا مولاي فلك الحجّة و

آیا نیست همه اینها نعمتهای تو نزد من و بهمه اینها نافرمانی کردم ای آقای من پس مر تراست حجت و

السبيل عليّ يا من سترني من الآباء والأمّهات أن يزجروني ومن

راه بر من ای آنکه پوشانیدی مرا از پدران و مادران آنکه زجر کنند مرا و از

العشائر والإخوان أن يعيّروني ومن السلاطين أن يعاقبوني ولو اطّلعوا يا

خویشان و برادران آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان اینکه عقاب کنند مرا و اگر با خبر میشدند ای

مولاي على ما اطّلعت عليه منّي إذاً ما أنظروني ولرفضوني وقطعوني

آقای من بر آنچه تو با خبری از من در این وقت مهلت نمیدادند مرا و ترک میکردند مرا و میبریدند از من

فها أنا ذا بين يديك يا سيّدي خاضعاً ذليلاً حقيراً لا ذو براءة فأعتذر

پس اینک منم در پیش روی تو ای آقای من فروتن خوار کوچک کرده نه صاحب بیزاری از گناه پس عذر آورم

ولا ذو قوّة فأنتصر ولا حجّة لي فأحتجّ بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل

و نه صاحب قوه پس یاری ستانم و نیست حجتی برای من که برهان آورم بر آن و نه گوینده ام که کسب نکردم و بکرده ام

سوءاً وما عسى الجحود ولو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف وأنّى ذلك و

بدی را و انکار اگر انکار کنم ای آقای من که سود بخشد پس چگونه و کجاست این امید و

جوارحي كلّها شاهدة عليّ بما قد عملت وعلمت يقيناً غير ذي شكّ

اعضای من همه آنها شاهدند بر من بآنچه کرده ام و دانا هم از روی یقین نه با شک و ریب

أنك سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكيم العدل الذي لا يجور و

بدرستيكه تو سؤال كننده از كارهاى بزرگ من و توئى درست كردار راست كمار آنكه ظلم نميكند و

عدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي إلهي بعد

عدل تو هلاك كننده منست و از همه عدل تو ست گريز من پس اگر عذاب كنى مرا پس بسبب گناهان منست الهى بعد

حجتك علي وإن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا إله إلا أنت

حجت تو بر من و اگر درگذرى از من پس بسبب بردبارى و بخشش و كرم تو است نيست خدائى موجود جز تو

سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من

پاكى تو بدرستيكه من بودم از ستمكاران نيست خدائى موجود جز تو پاكى تو بدرستيكه من بودم از

المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الموحدين لا

استغفار كنندگان نيست خدائى موجود جز تو منزهى تو بدرستيكه من بودم اهل توحيد نيست

إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك

خدائى مگر تو پاكى تو بدرستيكه من بودم از ترسناكان نيست خدائى موجود جز تو پاكى تو

إني كنت من الوجلين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين لا

بدرستيكه من از ترسناكان نيست خدائى موجود جز تو منزهى تو بدرستيكه من از درخواهندها نيست

إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت

خدائى موجود جز تو پاكى تو بدرستيكه من از اميدواران ميل دارندگان نيست خدائى موجود جز تو

سبحانك إني كنت من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت ربي ورب آبائي

پاكى تو بدرستيكه من از گويندگان لا اله الا الله تسبيح كنندگان نيست خدائى جز تو پروردگار من و خداى پدرانم

الأولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا وإخلاصي لذكرك موحدا

از پيشينيان خدايا اين ستايش منست بر تو در حاليكه تمجيد كننده ام و اخلاص من ياد ترا در حاليكه يگانه گوينده ام

وإقراري بآلائك معددا وإن كنت مقرا أني لا أحصيها لكثرتها و

و اقرارم بنعمتهاى تو در حاليكه شماره كننده ام و اگر باشم اقرار كننده باينكه نتوانم شماره كردن آنها را بجهت زيادى آنها و

سبوغها وتظاهرها وتقادمها إلى حادث ما لم تزل تتعهدني به معها

تمامى آن و پياپى بودن آن و ديرينه بودن آن تا زمان حدوث هميشه ميپوشانى مرا بسبب آن از آن

منذ خلقتني وبرأتني من أول العمر من الإغناء بعد الفقر و

با آنكه از ابتدا آنكه آفريدى مرا و ايجاد كردى مرا از اول عمر از بى نيازى بعد از فقر و

كشف الضر وتسبيب اليسر ورفع العسر وتفريج الكرب والعافية في

برطرف كردن ضررها و سبب ساختن آسانى كارها و رفع دشوارى ها و زائل ساختن اندوه ها و سلامتى در

البدن والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمتك علي جميع العالمين

بدن و سلامتى در دين و اگر يارى ميكردند مرا بر قدر ياد نعمتهاى تو بر من همه جهانيان

من الأولين والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت

از پيشينيان و پسينيان هر آينه توانائى نداشتم و نه ايشان توانائى داشتند پاكى تو و بلندمرتبه

من رب عظيم كريم رحيم لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى

از جهت خدائى بزرگ گرامى مهربانى و شماره نميشود نعمتهاى تو و نرسيده نميشود ستايش تو و مكافات نميشود

نعماؤك صل على محمد وآل محمد وأتمم علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك

نعمتهاى تو رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تمام كن بر ما نعمتهاى خود را و نيكبخت كن ما را بطاعت

سبحانك لا إله إلا أنت اللهم إنك تجيب دعوة المضطر إذا دعاك

منزهى تو نيست خدا موجود جز تو خدايا بدرستيكه تو اجابت ميكنى دعاى فرومانده را وقتيكه بخواند ترا

وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير و

و برطرف ميكنى بدى را و داد رسى ميكنى صاحب اندوه را و شفا ميدهى بيمار را و توانگر ميكنى فقير را و

تجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير

درست ميكنى شكسته را و رحم ميكنى كوچك را و يارى ميكنى بزرگ را و نيست جز تو پشتيبانى و نيست بالاى تو توانائى

وأنت العلي الكبير يا مطلق المكبل الأسير يا رازق الطفل الصغير يا

و توئى بلندمرتبه بزرگ اى رهائى دهنده دستگير بند اسير شده اى روزى دهنده طفل كوچك اى

عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له ولا وزير صل على محمد و

نگاه دارنده ترسنده پناه جوينده اى آنكه نيست شريكى مر او را و نه وزيرى رحمت فرست بر محمد و

آل محمد وأعطني في هذه العشية أفضل ما أعطيت وأنلت أحدا من

آل محمد و بده مرا در اين شب بهتر از آنچه دادى و رسانيدى هر يك از

عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة

بندگانت از نعمتى كه سزاوار دانستى آنرا و نعمتهائى كه تازه تازه فرستى آنها را و بلائى كه برگردانى آنرا و اندوهيكه

تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها إنك

برطرف كنى آنرا و دعائيكه مستجاب كنى آنرا و ثوابيكه بستانى آنرا و گناهيكه بيامرزى آنرا بدرستيكه تو

في

دعاء روز عرفه

لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي واسرع من

اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل يا رحمن الدنيا

والاخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك مامول دعوتك

فاجبتني وسئلتك فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت بك

فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك

ونبيك وعلى اله الطيبين الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا

عطاءك واجعلنا لك شاكرين ولالائك ذاكرين امين امين يا رب

العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا

غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع

المستقيلين رافة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية

التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك

وامينك على وحيك البشير النذير السراج المنير الذي انعمت به على

المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على محمد واله كما محمد اهل

ذی الحجة

عرفه

اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى ال محمد المنتجبين الطيبين الطاهرين

اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات

واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي به

ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم

الراحمين اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين و

لا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من

فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك

محرومين ولا لفضل ما نؤمله من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين

ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين ولبيتك الحرام امين قاصدين

فاعنا على منسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد

مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا

في هذه العشية ما سئلناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي

لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل

دعاء روز

فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا

درمیان ما حکم تو حکم کن برای ما خیر را وبگردان ما را از اهل نیکوئی خدایا واجب کن برای ما

بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين

بسبب جود خود بزرگ مزد را وذخیره را واسانی همیشگی را وبیامرز برای ما گناهان ما همگی

ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم

وهلاک مکن ما را با هلاک شوندگان وبرمگردان از ما مهربانی خود را برحمت خود ای بخشنده

الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سئلك فاعطيته وشكرك

راحمان خدایا بگردان ما را در این وقت از آنانکه سؤال کردند ترا پس دادهٔ او را وشکر کردند ترا

فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه فغفرتها له يا

پس زیاد کردهٔ ایشان را وبازگشت بسوی تو پس قبول کردهٔ او را وبیزاری جسته اند بسوی تو از گناهان خود پس آمرزیدهٔ ایشان را ای

ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا واقبل

صاحب بزرگواری وکرم خدایا توفیق ده ما را وراستی ده ما را ونگاه دار ما را وبپذیر

تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه

زاری ما را ای بهتر آنکه سؤال کرده شده وای مهربان تر آنکه طلب رحم کرده شده ای آنکه پنهان نیست بر تو

اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون ولا ما

برهم زدن پلک چشمها ونه ملاحظه کردن چشمها ونه آنچه قرار گرفته در پنهانها ونه آنچه که

انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه علمك

مشتمل است بر او پوشیدهای دلها آگاه باش همه اینها بتحقیق که شمرده آنرا علم

ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا

وفرا گرفته آنرا بردباری تو منزهی تو وبلند مرتبهٔ از آنچه گویند ستمکاران بلندی بزرگ

تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فيهن وان من شيء الا

تنزیه میکنند ترا آسمانهای هفتگانه وزمین وهر که در آنهاست ونیست هیچ چیزی مگر آنکه

يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام

تنزیه میکند بحمد تو پس مر تراست حمد وبزرگی وبرتری پادشاهی ای صاحب بزرگواری وکرامی

والفضل والانعام والايادي الجسام وانت الجواد الكريم الرؤف

وزیادتی واحسان ونعمتهای بزرگ وتو بخشنده بزرگواری مهربان

عرفه — ذی الحجه

الرحيم اللهم اوسع علي من رزقك الحلال وعافني في بدني وديني و

خدایا فراخی ده برمن از روزی حلال خود وعافیت ده مرا در بدنم ودینم و

امن خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني

ایمن گردان ترسم را وآزاد کن گردنم را از آتش خدایا مکر مکن بمن ومرا بتدریج در عذاب مبر

ولا تخدعني وادرء عني شر فسقة الجن والانس پس سر برداشته بسوی

ومرا فریب مده ودفع کن از من بدی فاسقان پری وآدمیان را پس

آسمان کن واز دستها بر دار کن وبگو یا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين

ای شنواترین شنوندگان وای بیناترین نظر کنندگان

ويا اسرع الحاسبين يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد السادة

وای زودترین حساب کنندگان وای مهربان ترین مهربانان رحمت فرست بر محمد وآل محمد

الميامين واسئلك اللهم حاجتي اليك التي ان اعطيتنيها لم يضرني

با برکت با میمنت وسؤال میکنم ترا خدایا حاجتم را بسوی تو که اگر عطا کنی بمن آنرا ضرر نمیرساند مرا آنچه

منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك فكاك رقبتي من

منع کردهٔ از من واگر منع کنی آنرا از من نفع نمیدهد مرا آنچه عطا کنی بمن درخواست میکنم ترا رها کردن گردنم را از

النار لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لك الملك ولك الحمد و

آتش نیست خدائی موجود جز تو یگانهٔ تو نیست شریکی مر ترا مر تراست پادشاهی ومر تراست حمد و

انت على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب پس مکرر میگفت یا رب وصدایها

تو بر هر چیزی توانائی ای پروردگار ای پروردگار بمکرر بلند شد وبار کردند

وروانه جانب مشعر الحرام شدند وسید بن طاوس ره بسند معتبر روایت کرده است

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه بعد از زوال شمس وپیش از نماز ظهر و

عصر دو رکعت نماز بکن پس برو بجای وقوف وصد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه الحمد لله وصد

مرتبه سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه قل هو الله احد وصد

مرتبه انا انزلناه بخوان لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله

پس این دعا را بخوان نیست خدائی موجود جز خدا بردبار بزرگوار نیست خدائی موجود جز خدای

العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع

بلند مرتبهٔ بزرگ منزه است خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه وپروردگار زمینهای هفتگانه

دعاء زوال

وما فيهن وما بينهن وهو رب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين

و آنچه درآنهاست و آنچه درمیان آنهاست واو پروردگار عرش بزرگست وحمد مخصوص پروردگار جهانیانست

اللهم إياك أعبد وإياك أستعين اللهم إني أريد أن أثني عليك

خدایا تورا پرستش میکنم وترا یاری جو میطلبم خدایا بدرستیکه من میخواهم اینکه ثنا گویم بر تو

وما عسى أن أبلغ من مدحك مع قلة علمي وقصر رأيي وأنت الخالق و

وچیست که من بآن برسم ستایش تو باکمی کردار من وکوتاهی رای من وتوئی آفریننده و

أنا المخلوق وأنت المالك وأنا المملوك وأنت الرب وأنا العبد

منم آفریده شده وتوئی مالک ومنم مملوک وتوئی پروردگار ومنم بنده

وأنت العزيز وأنا الذليل وأنت القوي وأنا الضعيف وأنت الغني

وتوئی ارجمند ومنم خوار وتوئی توانا ومنم ناتوان وتوئی بی‌نیاز

وأنا الفقير وأنت المعطي وأنا السائل وأنت الغفور وأنا الخاطئ و

ومنم فقیر وتوئی دهنده ومنم سؤال کننده وتوئی آمرزنده ومنم خطاکار و

أنت الحي الذي لا تموت وأنا خلق أموت اللهم أنت الله رب العالمين

توئی زنده آنچنانکه نمیمیری ومنم آفریده که میمیرم خدایا توئی خدای جهانیان

وأنت الله لا إله إلا أنت العزيز الحكيم وأنت الله لا إله إلا أنت العلي

وتو خدائی که نیست خدائی جز تو غالب بردبار وتو خدائی که نیست خدائی جز تو بلندمرتبه

العظيم وأنت الله لا إله إلا أنت الغفور الرحيم وأنت الله لا إله إلا

بزرگ وتو خدائی که نیست خدائی جز تو آمرزنده مهربان وتو خدائی نیست خدائی جز

أنت مالك يوم الدين وأنت الله لا إله إلا أنت منك بدء الخلق وإليك

تو دارای روز جزا وتو خدائیکه نیست خدائی جز تو از تواست ابتدای آفریدگان وبتواست

يعود وأنت الله لا إله إلا أنت لم تزل ولا تزال وأنت الله لا إله إلا

بازگردیدن وتو خدائیکه نیست خدائی جز تو همیشه بوده وهمیشه هستی وتو خدائیکه نیست خدائی جز

أنت خالق الجنة والنار وأنت الله لا إله إلا أنت خالق

تو آفریننده بهشت وآتش وتو خدائیکه نیست خدائی جز تو آفریننده

الخير والشر وأنت الله لا إله إلا أنت الواحد الأحد الفرد

نیکی وبدی وتو خدائیکه نیست خدائی جز تو یکتا یگانه تنها

الصمد

الصمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا أحد وأنت الله لا إله إلا أنت

بی‌نیاز نزائیدی وزائیده نشدی ونباشد مر ترا همتائی احدی وتوئی خدائیکه نیست خدائی جز تو

عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم وأنت الله لا إله إلا أنت الملك

دانای پنهانی وآشکار بخشنده مهربان وتوئی خدائیکه نیست خدائی جز تو پادشاه

القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما

منزه از بدی سالم از نقص ایمنی دهنده نگهبان غالب بزرگوار درهم شکننده بزرگی منزه است خدا از آنچه

يشركون وأنت الله لا إله إلا أنت الخالق البارئ المصور لك الأسماء

شریک میآورند وتوئی خدائیکه نیست خدائی جز تو آفریننده ایجادکننده صورت‌نگار مر تراست نامهای

الحسنى يسبح لك ما في السماوات والأرض وأنت العزيز الحكيم وأنت الله لا

نیکو پاکی یاد میکنند ترا آنچه در آسمانها وزمین است وتوئی غالب درست کردار وتوئی خدائیکه

إله إلا أنت الكبير المتعال والكبرياء رداؤك اللهم إنك سابغ النعماء

نیست خدائی جز تو بزرگ بلندمرتبه وبزرگی رداء تست خدایا بدرستیکه توئی تمام کننده نعمتهائی

حسن البلاء جزيل العطاء مقسط الغناء باسط اليدين بالرحمة نفاع

نیکوکننده بلائی بسیار بخشنده قسمت کننده توانگری گشاینده دو دست برحمت بسیار نفع دهنده

بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات منزل الآيات من فوق سبع سماوات

بخیرات برطرف کننده اندوهها بلندمرتبه فرستنده آیتها از بالای هفت آسمان

عظيم البركات مخرج من في الظلمات إلى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل

بزرگ برکتها بیرون آورنده هرکه در تاریکیهاست بروشنی بدل کننده بدیها بثواب وگرداننده

الحسنات درجات اللهم إنك تدنو في علوك وتعلو في دنوك فدنوت

نیکیها را بدرجها خدایا بدرستیکه تو نزدیکی در بلندی خود وبلندمرتبه در نزدیک بودن خود پس نزدیک شدی

فلا شيء دونك وارتفعت فلا شيء فوقك ترى ولا ترى وأنت بالمنظر

پس نیست چیزی جز تو وبرتری یافتی پس نیست بالای تو چیزی میبینی ودیده نمیشوی وتو بمکان

الأعلى فالق الحب والنوى لك ما في السماوات العلى ولك الكبرياء في الآخرة

بلندی شکافنده دانه وهسته مر تراست آنچه در آسمانهای بلند است ومر تراست بزرگی در آخرت

والأولى اللهم إنك غافر الذنب شديد العقاب ذو الطول لا إله إلا

ودنیا خدایا تو آمرزنده گناهی سخت عقوبتی صاحب بخششی نیست خدائی جز

دعاء

روز

أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ كُلَّ شَيْءٍ وَبَلَغَتْ حُجَّتُكَ وَلَا مُعَقِّبَ

تو بسوی تو است بازگشت فراگرفته است رحمت تو هر چیزی را و رسیده است برهان تو و نیست باز دارنده

لِحُكْمِكَ وَأَنْتَ لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ أَنْتَ الَّذِي لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ

مر حکم ترا و نومید نا امید نمیشود سؤال کننده تو توئی آنکه نیست بلند کننده مر چیزی را که پست کردی و نیست پست کننده

لِمَا رَفَعْتَ أَنْتَ الَّذِي أَثْبَتَّ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَأَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ

مر چیزی را که بلند کردی توئی آنکه محکم کردی مر چیزی را بحکمت خود و شماره کردی مر چیزی را

بِعِلْمِكَ وَأَبْرَمْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ

بدانش خود و استوار کردی مر چیزی را بحکم خود و فوت نمیشود هیچ چیز از دانش تو و سرباز نمیزند

عَنْكَ شَيْءٌ أَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبُكَ وَلَا يَرْتَفِعُ صَرِيعُكَ وَلَا يَحْيَى

از تو چیزی توئی آنکه عاجز نمیکند ترا گریخته تو و بلند نمیشود مصروع کرده تو و زنده نمیشود

قَتِيلُكَ أَنْتَ عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى

کشته شده تو تو بلند شدی پس غلبه کردی و مالک شدی پس توانا شدی و فرو رفتی پس دانا شدی و بر

كُلِّ شَيْءٍ ظَهَرْتَ عَلِمْتَ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

هر چیزی غالب شدی میدانی برهم زدن چشمها را و آنچه پنهان است در سینها و میدانی آنچه بر میدارد

كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ

هر ماده و آنچه مینهد و آنچه نقصان میرساند رحمها و آنچه درست میکنند رحمها و هر چیز نزد تو باندازه است

أَنْتَ الَّذِي لَا تَنْسَى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ أَنْتَ الَّذِي لَا

توئی آنکه فراموش نمیکنی کسی را که یاد کند و ضایع نمیکنی آنرا که توکل کند بر تو توئی آنکه مشغول

يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ أَرْضِكَ عَمَّا فِي جَوِّ سَمَاوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ سَمَاوَاتِكَ

نمیسازد ترا آنچه در زمین است از آنچه در میان آسمانها است و مشغول نمیسازد ترا آنچه در میان آسمانها است

عَمَّا فِي جَوِّ أَرْضِكَ أَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ وَلَمْ يُشْرِكْكَ أَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ

از آنچه در زمین است توئی آنکه غالب شدی در پادشاهی خود و شریک تو نشد کسی در پادشاهی تو

أَنْتَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَمَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ أَمْرُكَ أَنْتَ الَّذِي مَلَكْتَ

توئی آنکه برتر است بر هر چیز پادشاهی تو و دارا است هر چیزی را امر تو توئی آنکه پادشاهی دادی

الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِكَ وَاسْتَعْبَدْتَ الْأَرْبَابَ بِعِزَّتِكَ وَأَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ

پادشاهان را بقدرت خود و بندگی گرفتی خداوندان را بغلبه خود و توئی آنکه مقهور ساختی

ذی الحجة

عرفه

كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِفَضْلِكَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُسْتَطَاعُ كُنْهُ وَصْفِكَ

مر چیزی را بقوت خود و برتری جستی مر چیزی را بفضل خود توئی آنکه طاقت ندارند [illegible]

وَلَا مُنْتَهَى لِمَا عِنْدَكَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ عَظَمَتَكَ وَلَا يَسْتَطِيعُ

و نیست نهایتی مر آنچه را نزد تو است توئی آنکه وصف نمیتوانند کرد وصف کنندگان بزرگواری ترا و توانائی ندارند

الْمُزَايِلُونَ تَحْوِيلَكَ أَنْتَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

درماندگان برگردانیدن ترا توئی شفا مر آنچه را در سینها است و هدایت و رحمت برای مؤمنان

أَنْتَ الَّذِي لَا يُجْهِلُكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ مَادِحٌ

توئی آنکه تنگ نمیگرداند ترا سؤال کننده و کم نمیکند ترا بخششی و نمیرسد بمدحت تو مدح کننده

وَلَا قَائِلٌ أَنْتَ الْكَائِنُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمُكَوِّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ

نه گوینده توئی موجود پیش از هر چیز و پیدا کننده مر هر چیز و موجود بعد از هر چیز

أَنْتَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ وَلَمْ

توئی یگانه پناه بر محتاج آنکه نزائی و زائیده نشدی و نبا[illegible]

تَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا السَّمَاوَاتُ وَمَنْ فِيهِنَّ لَكَ وَالْأَرَضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ لَكَ

گرفتی یاری و نه فرزندی آسمانها و آنچه در آنهاست مر تو است و زمینها و آنچه در آنهاست مر تو

وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَ الثَّرَى أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَأَحَطْتَ بِهِ عِلْمًا وَأَنْتَ تَزِيدُ

و آنچه میان آنهاست و آنچه زیر خاک است شماره کرده هر چیز را و احاطه کرده بآن از روی دانش و تو زیاد میکنی

فِي الْخَلْقِ مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ وَأَنْتَ الْفَعَّالُ

در آفرینش آنچه را خواهی و تو سؤال کرده نمیشوی از آنچه میکنی و ایشان سؤال کرده میشوند و توئی کننده

لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ الْقَرِيبُ وَأَنْتَ الْبَعِيدُ وَأَنْتَ السَّمِيعُ وَأَنْتَ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ

مر آنچه را خواهی و توئی نزدیک و توئی دور و توئی شنوا و توئی بینا و توئی

الْمَاجِدُ وَأَنْتَ الْوَاجِدُ وَأَنْتَ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنْتَ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ

بزرگوار و توئی یابنده و توئی درست کردار و توئی توانگر و توئی گرامی و توئی

الْبَارُّ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ

نیکوکار و توئی مهربان و توئی قادر و توئی غالب مر تو است نامهای

الْحُسْنَى كُلُّهَا وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا تَبْخَلُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي

نیکو همه آنها و توئی صاحب بخشش که بخل نمیکنی و توئی غالب آنچنانکه

دعاء

لا ابدل وانت ممتنع لا ترام يسبّح لك ما في السموات والارض وانت

بالخير اجود منك بالشر انت ربي ورب آبائي الاولين انت تجيب

المضطر اذا دعاك انت نجّيت نوحا من الغرق وانت غفرت لداود

ذنبه وانت نفّست عن ذي النون كربه وانت كشفت عن ايوب

ضرّه وانت رددت موسى على امّه وانت صرفت قلوب السحرة اليك

حتى قالوا آمنّا برب العالمين وانت ولي نعمة الصالحين لا يذكر

منك الا الحسن الجميل وما لا يذكر اكثر لك الآلاء والنعم وانت المحسن

المجمل لا تبلغ مدحتك ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك

سبحانك وبحمدك تباركت اسماؤك وجلّ ثناؤك ما اعظم شأنك

واجل مكانك وما اقربك من عبادك والطفك بخلقك وامنعك

بقوتك انت اعزّ واجلّ واسمع وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر و

اقدر واعلم واجبر واعظم واقرب واملك واوسع وامنع واعطى

واحكم وافضل واحمد من ان يدرك العباد عظمتك او يصف الواصفون

ذی الحجه

عرفه

صفتك او يبلغوا غايتك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجلّ من

ذكر واشكر من عبد وارأف من ملك واجود من سئل واوسع من

اعطى تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنك

ولم تعص قط الا بعد علمك تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر اللهم

انت اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب واخذت بالنواصي و

احصيت الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير والقلوب اليك مقصدة

والسر عندك علانية والمهدي من هديت والحلال ما حللت والحرام

ما حرمت والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك

اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس بعدك شيء وانت

الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز

الحكيم اللهم بيدك مقادير الليل والنهار وبيدك مقادير الشمس و

القمر وبيدك مقادير النصر والخذلان وبيدك مقادير الدنيا والآخرة

وبيدك مقادير الموت والحيوة وبيدك مقادير الخير والشر صل على

دعاء روز

محمدٍ وآلِ محمدٍ واغفر لي كلَّ ذنبٍ اذنبتُه في ظُلَمِ الليلِ وضوءِ النهارِ

عمداً او خطأً سراً او علانيةً انك على كلِّ شيءٍ قديرٌ وهو عليك سهلٌ

يسيرٌ ولا حولَ ولا قوةَ الا باللهِ العليِّ العظيمِ اللهم اني اُثني عليك باحسنِ

ما اقدِرُ عليه واشكرُك بما مننتَ به عليَّ وعلمتني من شكرك اللهم

لك الحمدُ بمحامدِك كلِّها على نعمائك كلِّها وعلى جميعِ خلقِك حتى ينتهي الحمدُ

لك الى ما تحبُّ ربنا وترضى اللهم لك الحمدُ عددَ ما خلقتَ وعددَ ما

ذرأتَ ولك الحمدُ عددَ ما برأتَ ولك الحمدُ عددَ ما احصيتَ ولك الحمدُ

عددَ ما في السمواتِ والارضينَ ولك الحمدُ ملءَ الدنيا والآخرةِ ده مرتبه

لا اله الا اللهُ وحدَه لا شريكَ له له الملكُ وله الحمدُ يحيي ويميتُ وهو

حيٌّ لا يموتُ بيدِه الخيرُ وهو على كلِّ شيءٍ قديرٌ ده مرتبه استغفرُ اللهَ

الذي لا اله الا هو الحيُّ القيومُ واتوبُ اليه ده يا اللهُ يا اللهُ ده

يا رحمنُ يا رحمنُ ده يا رحيمُ يا رحيمُ ده يا بديعَ السمواتِ والارضِ ده

يا ذا الجلالِ والاكرامِ ده يا حنانُ يا منانُ ده يا حيُّ يا قيومُ ده بسمِ

عرفه ذی الحجه

اللهِ الرحمنِ الرحيمِ ده اللهم صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ ده پس بگو اللهم لك الحمدُ ولك

الحمدُ ومنتهى الحمدِ وفيَّ العهدِ عزيزَ الجندِ قديمَ المجدِ الحمدُ للهِ الذي كان عرشُه

على الماءِ حينَ لا شمسٌ تضيءُ ولا قمرٌ يسري ولا بحرٌ يجري ولا رياحٌ تذري ولا

سماءٌ مبنيةٌ ولا ارضٌ مدحيةٌ ولا ليلٌ يجنُّ ولا نهارٌ يكنُّ ولا عينٌ تدمعُ

ولا صوتٌ يُسمعُ ولا جبلٌ مرسىً ولا سحابٌ منشأٌ ولا انسٌ مبروٌّ ولا جنٌّ

مذروٌّ ولا ملكٌ كريمٌ ولا شيطانٌ رجيمٌ ولا ظلٌّ ممدودٌ ولا شيءٌ

معدودٌ الحمدُ للهِ الذي استحمدَ الى من استحمدَه من اهلِ محامدِه ليحمدوه

على ما بذلَ من نوافلِه الذي فاقَ مدحَ المادحينَ مآثرُ محامدِه وعدا وصفَ

الواصفينَ هيبةُ جلالِه هو اهلٌ لكلِّ حمدٍ ومنتهى كلِّ رغبةٍ وقاضي

كلِّ حاجةٍ الواحدُ الذي لا بدءَ له الملكُ الذي لا زوالَ له الرفيعُ الذي ليس

فوقَه ناظرٌ ذو المغفرةِ والرحمةِ المحمودُ لبذلِ نوالِه المعبودُ لهيبةِ جلالِه

المذكورُ بحسنِ آلائِه المنانُ بسعةِ فواضلِه المرغوبُ اليه في تمامِ المواهبِ

من خزائنِه العظيمُ الشانِ الكريمُ في سلطانِه العليُّ في مكانِه المحسنُ في

دعاء

دعاء روز

اِبْتِنائِهِ الْجَوادُ فی نَوافِلِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقینَ بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّرِ

اَجْسادِ الْعِبادِ بِقُدْرَتِهِ وَمُخالِفِ صُوَرِ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَنافِخِ الْاَرْواحِ

فی خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ عِبادِهِ اسْمَهُ وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمٰواتِ وَ

الْاَرْضِ بِعَظَمَتِهِ اَلَّذی وَسِعَ کُلَّ شَیْءٍ خَلْقُ کُرْسِیِّهِ وَعَلا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ

الْاَعْلَیْنَ وَقَهَرَ الْمُلُوکَ بِجَبَرُوتِهِ الْجَبّارِ الْاَعْلَی الْمَعْبُودِ فی سُلْطانِهِ

الْمُتَسَلِّطِ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعالی فی دُنُوِّهِ الْمُتَدانی مِنْ کُلِّ شَیْءٍ فِی ارْتِفاعِهِ الَّذی

نَفَذَ بَصَرُهُ فی خَلْقِهِ وَحارَتِ الْاَبْصارُ بِشُعاعِ نُورِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَلیمِ الرَّشیدِ

الْقَوِیِّ الشَّدیدِ الْمُبْدِئِ الْمُعیدِ الْفَعّالِ لِما یُریدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْاٰیاتِ وَ

کاشِفِ الْکُرُباتِ وَمُؤْتِی السُّؤُلاتِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فی کُلِّ مَکانٍ وَفی کُلِّ زَمانٍ وَفی

کُلِّ اَوانٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا یَنْسیٰ مَنْ ذَکَرَهُ وَلا یُخَیِّبُ مَنْ دَعاهُ وَلا یُذِلُّ مَنْ

والاهُ اَلَّذی یَجْزی بِالْاِحْسانِ اِحْساناً وَبِالصَّبْرِ نَجاةً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَهُ ما فِی

السَّمٰواتِ وَما فِی الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِی الْاٰخِرَةِ وَهُوَ الْحَکیمُ الْخَبیرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فاطِرِ

السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ جاعِلِ الْمَلٰئِکَةِ رُسُلاً اُولی اَجْنِحَةٍ مَثْنیٰ وَثُلاثَ وَرُباعَ

تمجید

عرفه ذی‌الحجه

یَزیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ فَسُبْحانَ

اللّٰهِ حینَ تُمْسُونَ وَحینَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِیّاً وَحینَ

تُظْهِرُونَ وَسُبْحانَ اللّٰهِ اٰناءَ اللَّیْلِ وَاَطْرافَ النَّهارِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ

وَالْاٰصالِ وَسُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُ

لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَما یُحِبُّ رَبُّنا وَیَرْضیٰ حَمْداً کَثیراً طَیِّباً وَسُبْحانَ اللّٰهِ

کُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ یُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کُلَّما حَمِدَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما

یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ یُحْمَدَ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ کُلَّما هَلَّلَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ

یُهَلَّلَ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ کُلَّما کَبَّرَ اللّٰهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ یُکَبَّرَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا

بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ پس بخوان از دعای محزون را اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا اَللّٰهُ یا

رَحْمٰنُ هفت مرتبه بِاَسْمائِکَ الرَّضِیَّةِ الْمَرْضِیَّةِ الْمَکْنُونَةِ یا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

بِاَسْمائِکَ الْکَبیرَةِ الْکِبْرِیائِیَّةِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ الْعَزیزَةِ الْمَنیعَةِ

وَاَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ التّامَّةِ الْکامِلَةِ الْمَشْهُورَةِ یا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ

دعاء روز

الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ اَحَدٌ يَا اَللّٰهُ

وَاَسْئَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِمَا عَاهَدْتَنَا وَفِي الْعَهْدِ يَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تُخَيِّبَ سَائِلَكَ

يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ الَّتِي لَا يَفِي بِحَمْلِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اَللّٰهُ

هفت وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَوْجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَسْئَلَةٍ حَتَّى

مرتبه

يَنْتَهِيَ اِلَى اسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْاَعْلَى الَّذِي اسْتَوَيْتَ

بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَاسْتَقْلَلْتَ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ اسْمُكَ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ

الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلَى جَمِيعِ اَسْمَائِكَ يَا رَحْمٰنُ هفت وَاَسْئَلُكَ لَا اَعْلَمُ مَا لَوْ

مرتبه

عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ يَا اَللّٰهُ وَبِكُلِّ اسْمٍ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا رَحْمٰنُ

يَا رَحْمٰنُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ

وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاصَّتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ

وَصَفِيِّكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ

وَاَجَلِّ وَاَزْكَى وَاَطْهَرِ وَاَعْظَمِ وَاَكْثَرِ وَاَتَمِّ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيَائِكَ

وَرُسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاَوَّلِينَ

عرفه ذى الحجه

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاءِ الْاَعْلَى

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ

عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اَللّٰهُمَّ

اَكْرِمْ مَقَامَهُ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَاَعْلِ

كَعْبَهُ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ عُذْرَهُ وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا بَلَّغَ

رِسَالَاتِكَ وَتَلَا آيَاتِكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ

وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا

حَتَّى اَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْاَوَّلُونَ

وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا

عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ

وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تُحَرِّمْنَا مُرَافَقَتَهُ حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا

فِي جِوَارِهِ رَبَّنَا اِنِّي اَحْبَبْتُهُ فَاَحْبِبْنِي لِذَلِكَ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ

عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ اَذْهَبْتَ

في الكرب

دعاء روز

عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا اللهم افتح لهم فتحا يسيرا وانصرهم نصرا

عزيزا واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا اللهم مكن لهم في الارض و

اجعلهم ائمة واجعلهم الوارثين اللهم ارهم في عدوهم ما يأملون وار

عدوهم منهم ما يحذرون اللهم اجمع بينهم في خير وعافية اللهم عجل

الروح والفرج لآل محمد اللهم اجمع على الهدى امرهم واجعل قلوبهم

على قلوب خيارهم واصلح ذات بينهم انك حميد مجيد اللهم اني اسئلك

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي وما ولدا واعتقهما

من النار وارحمهما وارضهما عني واغفر لكل والد لي دخل في الاسلام

ولاهلي وولدي وجميع قراباتي انك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع

ورثة ابي واخواني فيك من اهل ولايتك ومحبتك فانه لا يقدر على ذلك

غيرك يا رحمن اللهم اوزعني ان اشكرك واشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى

والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي اني تبت اليك واني من

المسلمين واجز والدي خير ما جزيت والدا عن ولده واجعل ثوابهما

عرفه ذي الحجة

جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا

غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات

الاحياء منهم والاموات اللهم اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم

واجعلني واياهم على طاعتك ومحبتك اللهم والمم شعثهم واحقن

دماءهم وول امرهم خيارهم اهل الرأفة والرحمة والمعدلة عليهم انك

على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم بديع السموات والارض عالم الغيب

والشهادة ذا الجلال والاكرام والجود والقوة والسلطان والجبروت

والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة والمدحة والرهبة والرغبة و

الجود والعلو والحجة والهدى والطاعة والعبادة والامر والخلق وكل

شيء لك يا رب العالمين يا رب يا رب اسئلك يا رب سؤال الضارعين

المتضرعين المساكين المستكينين الراغبين الراهبين الذين لا يجدون سواك

يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل اسئلك يا رب

سؤال من لم يجد لخيبته مقويا ولا لذنبه غافرا ولا لفقره سادا غيرك

دعاء روز عرفه ذی الحجه

اَسْأَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ يا ذَا الْجَلالِ

میخواهم ترا خواندن کسیکه سخت شده درویشی او وسست شده توانائی و بسیار شده است گناهان او ای صاحب جلال

وَالْاِكْرامِ يا رَبِّ يا رَبِّ اَسْأَلُكَ يا رَبِّ مَسْئَلَةَ كُلِّ سائِلٍ وَرَغْبَةَ كُلِّ راغِبٍ

و کرامت ای پروردگار من میخواهم ترا ای پروردگار من خواندن هر سؤال کننده و میل هر میل کننده

بِكَ اِذا دَعَيْتَ اَجَبْتَ وَبِحَقِّ السّائِلينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ صَفْوَتِكَ مِنْ عِبادِكَ

عست بکیکه چون خوانده شوی اجابت میکنی و بحق سائلان بر تو و بحق برگزیدگان از بندگان خود

وَمُنْتَهَى الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ اَنْ لا تَسْتَدْرِجَني بِخَطيئَتي

و منتهای عزت از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو اینکه بکیری مرا بمرتبه بمرتبه بگناه من

وَلا تَجْعَلْ مُصيبَتي في ديني وَاذْكُرْني يا رَبِّ بِرِضاكَ وَلا تَنْسَني حينَ تَنْشُرُ

و مگردان اندوه مرا در دینم و یاد کن مرا ای پروردگار من بخوشنودی خود و فراموش مکن مرا در وقتیکه پهن میکنی

رَحْمَتَكَ وَاَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكَرامَتِكَ يا كَريمَ الْعَفْوِ

رحمت خود را و قبول کن بر من بذات کریم خود و منت نه بر من بکرامت خود ای کریم بزرگ آمرزش و

اسْتَجِبْ دُعائي وَارْحَمْ تَضَرُّعي فَاِنّي بائِسٌ فَقيرٌ خائِفٌ مُسْتَجيرٌ مِنْ عَذابِكَ لا اَثِقُ

مستجاب کن دعای مرا و رحم کن زاری مرا پس بدرستیکه من ترسان صرم ترسان پناه گیرنده ام از عذاب تو مدارم اعتماد

بِعَمَلي وَلكِنّي اَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يا رَبِّ يا رَبِّ اللّهُمَّ كُنْ بي حَفِيّاً وَلا تَجْعَلْني

بعمل خود ولکن من اعتماد دارم برحمت تو ای پروردگار من خدایا باش مهربان بمن و مگردان مرا

بِدُعائِكَ رَبِّ شَقِيّاً وَامْنُنْ عَلَيَّ بِعافِيَتِكَ وَاَعْتِقْ رَقَبَتي مِنَ النّارِ فَاِنَّني لا

بدعای خودم پروردگار من بدبخت و منت نه بر من بعافیت خود و آزاد کن گردن مرا از آتش پس بدرستیکه من

اَسْتَغيثُ بِغَيْرِكَ وَاَسْتَجيرُكَ فَاَجِرْني مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَمَشَقَّةٍ وَخَوْفٍ وَآمِنْ خَوْفي

فریاد نمیکنم بغیر تو و پناه میبرم بتو پس پناه ده مرا از هر ترس و مشقتی و ترسی و ایمنی ده ترس مرا

وَتَجَنَّبْني وَتَوَضَّعْني وَسُدَّ فاقَتي وَاَصْلِحْ لي جَميعَ اُمُوري يا رَبِّ اَعُوذُ بِكَ

و دور گردان مرا و فروتنی ده و ببند درویشی مرا و اصلاح کن همه کارهای مرا ای پروردگار من پناه میبرم بتو

مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ يَوْمَ الدّينِ فَاِنَّكَ تُجيرُ وَلا يُجارُ عَلَيْكَ يا

از ترس جای اطلاع و از سختی جای ایستادن روز جزا پس بدرستیکه تو پناه داده میشود بر تو ای

رَبِّ يا رَبِّ اَللّهُمَّ لا تُعْرِضْ عَنّي حينَ اَدْعُوكَ وَلا تَصْرِفْ عَنّي وَجْهَكَ

پروردگار من خدایا اعراض مکن از من هنگامیکه میخوانم ترا و مگردان از من روی خود را

حينَ اَسْأَلُكَ فَلا رَبَّ لي سِواكَ وَاَعْطِني مَسْئَلَتي وَآمِنْ خَوْفي يَوْمَ الْقِيامَةِ

هنگامیکه میخوانم ترا پس نیست مرا پروردگاری بغیر تو و بده مرا خواهش مرا و ایمنی ده ترس مرا روز قیامت

اَللّهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ فَاَعِذْني فَاِنّي ضَعيفٌ خائِفٌ مُسْتَجيرٌ بائِسٌ فَقيرٌ يا رَبِّ يا رَبِّ

خدایا من پناه میبرم بتو پناه ده مرا پس بدرستیکه من ناتوان ترسانم پناه برنده درویشم ای پروردگار من

اَللّهُمَّ اكْشِفْ ضُرَّ ما اسْتَعَذْتُكَ مِنْهُ وَاَلْبِسْني رَحْمَتَكَ وَجَلِّلْني عافِيَتَكَ

خدایا بردار ضرر چیزیرا که پناه بردم ترا از آن و بپوشان مرا رحمت خود را و فرو گردان بمن عافیت خود را

وَآمِنّي بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّكَ تُجيرُ وَلا يُجارُ عَلَيْكَ اَللّهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ

و ایمنی ده مرا برحمت خود بدرستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از وحشت قبر

وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضيقِهِ وَعَذابِهِ وَمِنْ هَوْلِ ما اَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ يا رَبَّ

و از خلوت آن و از تاریکی آن و تنگی آن و عذاب آن و از ترس آنچه میترسم بعد از آن ای پروردگار

الْعالَمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ

جهانیان ای پروردگار من خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل خانواده او

صَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَنْ تَسْتَجيبَ لي دُعائي وَتُعْطِيَني سُؤْلي وَاَكْفِني

برگزیده تو و اختیار کرده تو از خلق تو و اینکه اجابت کنی دعای مرا و بدهی خواهش مرا و کفایت کنی

اَمْرَ آخِرَتي وَدُنْيايَ وَارْحَمْ فاقَتي وَاغْفِرْ ذُنُوبي ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَاَخَّرَ وَآتِني

کار دنیا و آخرت مرا و رحم کن درویشی مرا و بیامرز گناهان مرا آنچه گذشته از آن و آنچه مانده و بده مرا

فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِني بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ اَللّهُمَّ

در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار مرا برحمت خود از عذاب آتش خدایا

ارْزُقْني صِلَةَ قَرابَتي وَحَجّاً مَقْبُولاً وَعَمَلاً صالِحاً مَبْرُوراً تَرْضاهُ مِمَّنْ عَمِلَ

روزی ده مرا صله رحم نمودن و حج پذیرفته شده و کردار شایسته خوب را که پسندی آنرا از کسیکه کرده آنرا

وَاَصْلِحْ لي اَهْلي وَوُلْدي وَاَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لي عَقِباً صالِحاً تُلْحِقُني مِنْ

و اصلاح کن خانواده مرا و اولاد مرا و خواهش میکنم ترا اینکه بگردانی برای من عقب شایسته ملحق کنی مرا از

دُعائِهِمْ رِضْواناً وَمَغْفِرَةً وَزِيادَةً في كَرامَتِكَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَاَنْتَ

دعای ایشان بهشت رضوان و آمرزش و زیادتی در کرامت خود بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و تو

اَرْحَمُ الرّاحِمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّهُمَّ كُلَّما كانَ في قَلْبي مِنْ شَكٍّ اَوْ ريبَةٍ

مهربان ترین مهربانانی ای پروردگار من خدایا هر چه بوده باشد در دل من از شک یا ریب

دعاء روز

اَوْ جُحُوداً اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُيَلاءَ اَوْ جُبْنٍ اَوْ خِفَّةٍ اَوْ

باانکار بانا امیدی بافرحی باسرودی باکردن‌بینی باکبری بارسی باخوفی باهوایی با

رِيآءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ

ریائی باسوالکریائی بابدبختی بانفاقی باکفری بافسقی باگناهی بابزرگی با

شَيْءٍ مِمّا لا تُحِبُّ عَلَيْهِ اَوْلِيآءَكَ فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ ذٰلِكَ

چیزی از آنچه دوست نداری بران دوستان خودرا پس خواهش میکنم از تو بحق محمد وال محمد اینکه زائل کنی آنرا

مِنْ قَلْبي وَاَنْ تُبَدِّلَني مَكانَهُ اِيماناً وَعَدْلاً وَرِضاً بِقَضآئِكَ وَوَفاءً بِعَهْدِكَ

از دل من واینکه بدل کنی مرا بجای آن ایمانی وعدل ورضاء بقضای تو ووفاکردن بعهد تو

وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيا وَرَغْبَةً فيما عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنينَةً

وترس از تو وبی‌رغبتی در دنیا ورغبت در آنچه نزد تو واعتماد بتو وآرام گرفتن

اِلَيْكَ وَتَوْبَةً اِلَيْكَ نَصُوحاً يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَني وَ

بسوی تو وبازگشت بسوی تو توبه نصوح ای پروردگار من خدایا مر تو راست حمد چنانکه آفریدی مرا و

لَمْ اَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَاَعِنّي عَلٰى اَهْوالِ الدُّنْيا وَبَوائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَباتِ

نبودم چیزی یادکرده شده پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا واندوههای روزگار وبدیهای

الزَّمانِ وَكُرُباتِ الْآخِرَةِ وَمُصيباتِ اللَّيالي وَالْاَيّامِ وَاكْفِني شَرَّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ

زمانه ومصیبتهای آخرت واندوههای شبها وروزها وکفایت کن مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران

فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ بارِكْ لي في قَدَرِكَ وَرَضِّني بِقَضآئِكَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ مَسامِعَ قَلْبي

در زمین خدایا برکت ده مرا در مقدرات خود وخوشنود ساز مرا بقضای خود خدایا بگشا سوراخهای دل مرا

لِذِكْرِكَ وَارْزُقْني شُكْراً وَتَوْفيقاً وَعِبادَةً وَخَشْيَةً يا رَبَّ الْعالَمينَ يا رَبِّ

برای یاد تو وروزی ده مرا شکر وتوفیق وبندگی وخوف ای پروردگار جهانیان ای

يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اطَّلِعْ عَلَيَّ الْيَوْمَ اِطِّلاعَةً تُدْخِلُني بِهَا الْجَنَّةَ اَللّٰهُمَّ

پروردگار من خدایا نظر کن بر من در این روز نظرکردنی که داخل کنی بان اطلاع بهشت خدایا

اسْتَجِبْ دُعائي وَاَقْبِلْهُ مِنّي وَاجْعَلْهُ دُعاءً جامِعاً يُوافِقُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَاِنَّ كُلَّ

اجابت کن دعای مرا وبپذیر از من وبگردان آنرا دعائی جامع که موافقت کند پاره ای ازان پاره دیگر پس بدرستیکه هر چیز

شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدارٍ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ فَاِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ اَللّٰهُمَّ وَ

نزد تو باندازه است خدایا وبگردان آنرا از شأن خود پس بدرستیکه تو هر روز در کاری خدایا و

ذي الحجة

عرفه

اُكْتُبْهُ لي في عِلِّيّينَ في كِتابٍ لا يُمْحىٰ وَلا يُبَدَّلُ بِاَنْ تَقُولَ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدي

بنویس برای من در علیین در کتابی که محو کرده نمیشود وبدل نمیشود باینکه بگوئی بتحقیق آمرزیدم مر بنده خود را

ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَاَخَّرَ وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ وَاصْطَفَيْتُهُ

آنچه گذشته است از گناهش وآنچه بعد است واجابت کردم دعای اورا وتوفیق دادم اورا وبرگزیدم اورا

لِنَفْسي وَكَرَّمْتُهُ وَفَضَّلْتُهُ وَعَصَمْتُهُ وَهَدَيْتُهُ وَزَكَّيْتُهُ وَاَصْلَحْتُهُ وَ

برای خودم وگرامی داشتم وزیادتی دادم ونگاه داشتم وراه نمودم وپاکش کردم واصلاح نمودم و

اسْتَخْلَصْتُهُ وَغَفَرْتُ لَهُ وَعَفَوْتُ عَنْهُ آمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبَّ الْعالَمينَ

خالص کردم وآمرزیدم اورا ودرگذشتم ازاو اجابت کن ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ في

خدایا بدرستیکه من رو میکنم بتو بوسیله پیغمبرت پیغمبر رحمت محمد رحمت خدا براو وآل او در

خَلاصي وَخَلاصِ والِدَيَّ وَما وَلَدا وَاَهْلي وَوُلْدي وَجَميعِ ذُرِّيَّةِ اَبي وَاِخْواني

خلاص شدن من وخلاص شدن پدر ومادرم وآنچه زائیدند واهل واولاد من وهمه فرزندان پدر وبرادرانم

فيكَ وَجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَكُلِّ وَليٍّ لي دَخَلَ فِي الْاِسْلامِ مِنْ

در دین تو وهمه مردان مؤمن وزنان مؤمنه وهر فرزندم را که داخل شده در اسلام از

اَهْوالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُومِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَ

ترسهای روز قیامت واز شر عذاب گور واز بدی اندوههای دنیا وآخرت و

اَهْوالِها وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرْزُقَني خَيْرَهُما وَتَصْرِفَ عَنّي شَرَّهُما وَتُثَبِّتَني بِالْقَوْلِ

ترسهای آن ومیخواهم از تو اینکه روزی کنی مرا خیر آنها وبگردانی از من بدی آنها وثابت داری مرا بگفتار

الثّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيا وَفِي الْآخِرَةِ اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحيمٌ وَصَلَّى اللّٰهُ

درست در زندگانی دنیا ودر آخرت بدرستیکه تو رؤوف مهربانی ورحمت خدا

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثيراً وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ

بر محمد وآل او بسیار وکافی است ما را خدا ونیکو کارگذاری است ای پروردگار من خدایا

اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَصْرِفَ عَنّي شَرَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ وَشَيْطانٍ مَريدٍ وَشَرَّ كُلِّ

بدرستیکه میخواهم از تو اینکه بگردانی از من بدی هر جبر کننده سرکش وشیطان رانده شده وبدی هر

ضَعيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَديدٍ وَمِنْ شَرِّ السّامَّةِ وَالْهامَّةِ وَاللّامَّةِ وَالْخاصَّةِ

ناتوان از خلق تو وسخت هر توانائی واز بد صاحب سم شده وملامت کننده دیوانه وخاصه

في يوم الأحد

دعاء روز عرفه ذي الحجه

وَالْعَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ

وعامه وازبدی هرجنبنده کوچکی یا بزرگی بشب وروز وازبدی فسقه

الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ

عرب وعجم وازبدی فسقه پری وادمی بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ونیست حرکتی

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ مَخْلُوقٍ دَعَا اِلَى خَيْرِ مَعْبُودٍ

وقوتی مگر بخدا بلندمرتبه بزرگ ورحمت خدا بر بهترین مخلوقی که خواند مردم را بجز بهترین پرستیده شده

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ

خدایا پروردگار ما وبده در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگاه دار ما را برحمت خود

عَذَابَ النَّارِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ وَمَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ اَوْ عَمَلٍ صَالِحٍ اَسْاَلُكَ

از عذاب آتش ای پروردگار من خدایا وآنچه بوده باشد از خیر یا کردار شایسته میخواهم ترا

بِهِ وَاَكُونُ فِي رِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ وَمَا صَلُحَ مِنْ ذٰلِكَ مِنَ الْبِرِّ فَامْنُنْ عَلَيَّ

بآن وباشم در خوشنودی تو وعافیت تو وآنچه صلاحیت دارد از آن از خوبی پس منت نه بر من

بِهِ اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ اَللّٰهُمَّ مَا اسْتَعْفَيْتُكَ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَسْتَعْفِكَ

بآن بدرستیکه من بسوی تو راغبم وبتو پناه جوینده ام خدایا آنچه طلب عافیت کرده ام از تو از آن وآنچه طلب عافیت نکرده ام ترا

مِنْهُ وَتُوجِبُ عَلَيَّ بِهِ النَّارَ وَسَخَطَكَ فَعَافِنِي مِنْهُ وَمَا عُذْتُ مِنَ الْمَخَازِي يَوْمَ

از آن وواجب کنی بر من بسبب آن آتش وخشم تو پس عافیت ده مرا از آن وآنچه پناه برده ام از رسوائیهای روز

الْقِيٰمَةِ وَسُوءِ الْمُطَّلَعِ اِلَى مَا فِي الْقُبُورِ فَاَعِذْنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ وَمَا اَنْدَمُ عَلَيْهِ

قیامت وبدی مکر ونکیر تا آنچه در قبرهاست پس پناه ده مرا از آن خدایا وآنچه پشیمان کرده مرا بران

مِنْ فِعْلِي لَهُ وَاَجَازَنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْمَعَادِ اَوْ تَرَانِي فِي الدُّنْيَا عَلَى الْحَالِ

از کردار من مر آن وجزا دهی بر آن روز رستخیز یا ببینی مرا در دنیا بر بدحالی

الَّتِي تُورِثُ سَخَطَكَ فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُعَظِّمَ عَافِيَتِي

چنانکه میراث دهد خشم تو پس سؤال میکنم ترا بذات کریم بزرگ کردانی عافیت مرا

مِنْ جَمِيعِ ذٰلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَاَسْاَلُكَ يَا رَبِّ مَعَ ذٰلِكَ

از همه اینها ای بخشنده عافیت ای پروردگار من وسؤال میکنم ترا ای پروردگار من با این مذکورات

الْعَافِيَةَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَاَنْ تُحَمِّلَنِي

عافیت از مشقت بلا وبدی قضا وسرزنش دشمنان وآنکه بار کنی مرا

مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَاَنْ تُسَلِّطَ عَلَيَّ ظَالِمًا اَوْ تَبْتَلِيَنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَتُنَاقِشَنِي

بانچه نیست طاقت مرا بآن وآنکه دست دهی بر من ستمکاری را یا مبتلا کنی مرا بانچه نیست طاقتی مرا بآن واستقصا کنی مرا

الْحِسَابَ يَوْمَ الْحِسَابِ مُنَاقَشَةً بِمُسَاوِي اَحْوَجَ مَا اَكُونُ اِلَى عَفْوِكَ وَتَجَاوُزِكَ

شمار روز حساب استقصا نمودنی با گناهان در محتاج ترین که بوده باشم بعفو تو ودر گذشتن از تو

اَسْاَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُعَظِّمَ عَافِيَتِي فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ اَيْ

میخواهم ترا بذات کریم تو آنکه بزرگ کنی عافیت مرا در همه اینها ای بخشنده عافیت ای

مَنْ عَفَى عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ يَا اَللّٰهُ

آنکه در گذشته از بدیها وگناهان وپاداش نداد بآنها رحم کن بنده خود را ای پروردگار من الهی

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا سَيِّدَاهُ عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ يَا

ایخدا نفس مرا رحم کن بنده خود را ای آقا بنده تو را در پیش دست ای پروردگار ای

رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ

ای پروردگار ای منتهای خواهش خواهشمندان ای روان کننده خون در رگهای من بنده تو بنده تو ای آقا

يَا مَالِكَ عَبْدِهِ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ يَا هُوَ يَا رَبَّاهُ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى

ای صاحب بنده خود ای آقا ای خداوندا ای پروردگار نیست چاره مرا ونیست بی نیازی

بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا اَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا رَجَاءَ لِي وَلَا اَحَدَ

مرا از نفس من وتوانائی ندارم برای نفس خودم ضرر ونفعی ونیست امیدی مرا ونه احدی

اُصَانِعُهُ تَقَطَّعَتْ اَسْبَابُ الْخَدَائِعِ وَاضْمَحَلَّ عَنِّي كُلُّ بَاطِلٍ اَفْرَدَنِي

که دوستی مدارا کنم بریده شد دستاویزهای فریبها ونابود شد از من هر باطلی تنها گذاشت مرا

الدَّهْرُ اِلَيْكَ فَقُمْتُ هٰذَا الْمَقَامَ اِلٰهِي بِعِلْمِكَ فَكَيْفَ اَنْتَ صَانِعٌ بِي لَيْتَ

زمانه بسوی تو پس ایستادم در اینجا ای خدای من بدانش تو پس چگونه تو معامله کنی با من کاش

شِعْرِي وَلَا اَشْعُرُ كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي اَتَقُولُ نَعَمْ اَوْ تَقُولُ لَا فَاِنْ قُلْتَ

میدانستم ونمیدانم چگونه جواب میگوئی دعای مرا آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر گفتی

لَا فَيَا وَيْلَتَاهُ يَا وَيْلَتَاهُ يَا وَيْلَتَاهُ يَا عَوْلَتَاهُ يَا عَوْلَتَاهُ يَا عَوْلَتَاهُ يَا

نه پس ای وای ای وای ای وای ای فغان وزاری ای فغان وزاری

شَقْوَتَاهُ يَا شَقْوَتَاهُ يَا شَقْوَتَاهُ يَا ذُلَّاهُ يَا ذُلَّاهُ يَا ذُلَّاهُ اِلَى مَنْ وَاِلَى

ای بدبختی ای خواری بسوی که خواهم گریخت

دعای روز

عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ بِمَاذَا أَوْ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ وَمَنْ أَرْجُو أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ

نزد که باچگونه باچه روشی با سوی کدام چیز وکرا امیدوار باشم باکه نفع رساند بمن اگر

رَفَضْتَنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا الظَّنُّ بِكَ فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ

واگذاری مرا ای فراگیرنده آمرزش واگر بگوئی بلی چنانچه اعتقاد است بتو پس خوشحالی است مرا منم نیک‌بخت

فَطُوبَى لِي أَنَا الْمَرْحُومُ يَا مُتَرَحِّمُ يَا مُتَرَئِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَحَنِّنُ يَا مُتَمَلِّكُ

پس خوشحالی مراست منم بخشیده شده ای بغایت بخشنده ای بغایت مهربان ای بغایت مهربان ای بنده نوازنده ای خداوند ملک

يَا مُتَسَلِّطُ لَا عَمَلَ لِي أَرْجُو بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي وَلَا أَحَدَ أَنْفَعُ لِي مِنْكَ يَا مَنْ

ای خداوند تسلط نیست کردار مرا که امیدوار باشم بآن روا شدن حاجت من ونه هیچکس نفع رساننده تر مرا از تو ای آنکه

عَرَّفَنِي نَفْسَهُ يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَدْعُوُّ يَا مَسْئُولُ يَا مَطْلُوبُ إِلَيْهِ

شناسانیدی مرا ذات خود را ای آنکه امر کردی مرا بطاعت خود ای خوانده شده ای درخواست شده ای طلب کرده شده بسوی تو

رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي أَوْصَيْتَنِي وَلَوْ أَطَعْتُكَ لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ

واگذاردم وصیت ترا که وصیت فرمودی مرا واگر فرمان بردمی ترا هر آینه کفایت کردی مرا آنچه را ایستادم بسوی تو

فِيهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَقُومَ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُهُ

در آن پیش از آنکه بایستم من با فرمانی خود مر ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم مر را

وَارْدُدْ يَدَيَّ مِلْئاً مِنْ خَيْرِكَ بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي وَلِيَّ أَنَا مَنْ قَدْ عَرَفْتُ شَرُّ

وبگردان دست مرا پر از خیر خود بحق خود ای آقای من ای اختیار دار من منم آنکه شناختی بدترین

عَبْدٍ وَأَنْتَ خَيْرُ رَبٍّ يَا مَخْشِيَّ الِانْتِقَامِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

بنده و توئی بهترین پروردگاری ای ترسیده شده از انتقام ای پروردگار من ای خدا

اللَّهُ يَا مُحِيطُ بِمَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَصْلِحْنِي لِدُنْيَايَ وَأَصْلِحْنِي لِدِينِي

ای فراگیرنده پادشاهی آسمانها و زمین بصلاح آور کار دنیای مرا و بصلاح آور دین مرا

وَأَصْلِحْنِي لِآخِرَتِي وَأَصْلِحْنِي لِأَهْلِي وَأَصْلِحْنِي لِوُلْدِي وَأَصْلِحْ لِي مَا خَوَّلْتَنِي

و بصلاح آور آخرت مرا و بصلاح آور اهل مرا و بصلاح آور فرزندان مرا و بصلاح آور مرا آنچه عطا فرموده مرا

يَا إِلَهِي وَأَصْلِحْنِي مِنْ خَطَايَايَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَامْنُنْ عَلَيَّ

ای خدای من و بصلاح آور گناهان مرا ای مهربان ای بخشاینده بخشش کن بر من برحمت خود و منت نه بر من

بِإِجَابَتِكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَأَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ

بقبول کردن خود و رحمت کن خدایا بر محمد که پیغمبر است و خانواده او و درود فرست و حائل شو میان من و میان

ماخلقت

ذی الحجه

مَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَبَيْنَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ بِئْسَ الْبَاطِلِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

آنچه خلق کردی مرا از برای آن و میان اهل بیت محمد از باطل و بده ما را در دنیا نیکی و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بَسْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِلَهُكُمْ

آخرت نیکی ای بخشنده ترین بخشندگان بگو بنام خداوند بخشنده مهربان و خدای شما

إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

خدائیست یگانه نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان خدائیست که نیست خدائی مگر او زنده پاینده

لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي

نمیگیرد او را پینکی و نه خواب مر او راست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است کیست آنکه

يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

درخواست کند نزد او مگر بدستوری او میداند آنچه مانده پیش ایشانست و آنچه پس ایشانست و فرا نرسند ایشان

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ

بچیزی از دانش او مگر بآنچه خواسته فرا رسیده کرسی او آسمانها و زمین را و در نمی‌آورد او را

حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ هُوَ

نگهداشتن آن دو و اوست بلند مرتبه بزرگ بدرستیکه خدائیست که نیست خدائی مگر او زنده پاینده

الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آنکه صورت میدهد شما را در رحمها هر گونه که میخواهد نیست خدائی مگر او که غالب درست کردار است

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آنانکه میگویند پروردگارا بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را گناهان ما را و نگاه دار ما را از عذاب آتش

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

صبر پیشه‌گان و راست گویان و فرمان برداران و صدقه کنندگان و آمرزش جویان بسحرها

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِماً بِالْقِسْطِ

گواهی داده خدا که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش ایستاده بعدالت

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

نیست خدائی مگر او غالب درست کردار بدرستیکه دین نزد خدا اسلام است نیست خدائی مگر او

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثاً

هر آینه فراهم آورد شما را تا روز قیامت نیست شکی در آن روز و کیست راستگوتر از خدا در خبر دادن

دعا

ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی کل شیء وکیل

اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو واعرض عن المشرکین قل

یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات و

الارض لا اله الا هو یحیی ویمیت فامنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی

یؤمن بالله وکلماته واتبعوه لعلکم تهتدون وما امروا الا لیعبدوا

الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون لقد جاءکم رسول

من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش

العظیم حتی اذا ادرکه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذی

امنت به بنوا اسرائیل وانا من المسلمین فان لم یستجیبوا لکم فاعلموا

انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربی

لا اله الا هو علیه توکلت والیه متاب ان انذروا انه لا اله الا انا

فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی فاستمع لما یوحی

عرفه

اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة لذکری انما الهکم

الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما وما ارسلنا من قبلک من رسول

الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک

انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین

فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم الله لا اله الا

هو رب العرش العظیم وهو الله لا اله الا هو له الحمد فی الاولی و

الاخرة وله الحکم والیه ترجعون یا ایها الناس اذکروا نعمة الله علیکم

هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض لا اله الا هو فانی

تؤفکون انهم کانوا اذا قیل لهم لا اله الا الله یستکبرون ذلکم الله

ربکم له الملک لا اله الا هو فانی تصرفون غافر الذنب وقابل التوب

شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر ذلکم الله ربکم

خالق کل شیء لا اله الا هو فانی تؤفکون تبارک الله رب العالمین لا اله

دعاء روز

الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فاعلم انه لا اله الا الله
مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان شما پس بدان اینکه نیست خدائی مگر خدا
واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم و
و طلب آمرزش کن مر گناه خود را و برای مؤمنان و زنان مؤمنه و خدا میداند جاهای گردش شما و
مثويكم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من
جای آرامگاه شما را اگر فرو فرستیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی او را ترسان شکافته از
خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله
ترس خدا و این داستانها که میزنیم از برای مردم شاید ایشان اندیشه نمایند اوست خدا
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله
آنچنانکه نیست خدائی جز او دانای نهان و آشکارا اوست بخشنده مهربان اوست خدا
الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
آنچنانکه نیست خدائی جز او پادشاه منزه از هر عیبی ایمنی دهنده نگهبان غالب
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
قهار متکبر منزه است خدا از آنچه شریک میسازند اوست خدا آفریننده از نیکار نگارنده
له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
از او است نامهای نیکو تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب
الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق و
درست کردار نیست خدائی مگر او و بر خدا پس باید توکل کنند مؤمنان پروردگار مشرق و
المغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا پس هفت وانه لكتاب عزيز لا ياتيه
مغرب نیست خدائی مگر او پس فرا گیر او را کارساز مرتبه بگو و بدرستیکه او هر آینه کتابیست غالب نمیآید او
الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله وما
باطل از پیش رو او و نه از پشت سر او فرستاده شده از جانب درست کردار ستوده گرویدیم بخدا و آنچه
انزل الينا وما انزل الى ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما
فرستاده شده بسوی ما و آنچه فرستاده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنچه
اوتي موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم ونحن
داده شده موسی و عیسی را و آنچه داده شده پیغمبران از پروردگارشان جدائی نمیافکنیم میان هیچ یک از ایشان و ما

عرفه ذی الحجه

له مسلمون ربنا رب السموات والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا
مر او را گردن نهادگان پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین هرگز نخوانیم جز او خدائی هر آینه گفتیم
اذا شططا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا
آنوقت گفتاری دور از حق حمد برای خداست که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نه آنکه هدایت کرد ما را
الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق صلى الله عليهم اجمعين پس بگو
خدا هر آینه آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی رحمت خدا بر ایشان همگی
السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك
درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای فرستاده خدا درود بر تو
يا خيرة الله من خلقه وامينه على وحيه السلام عليك يا مولاي يا امير
ای برگزیده خدا از آفریدگانش و معتمدش بر وحیش درود بر تو ای آقای من ای پادشاه
المؤمنين انت حجة الله على خلقه وامينه على وحيه وباب علمه ووصي
مؤمنان توئی راه نمای خداوند بر خلقش و امین خدا بر وحی او و در دانش او و جانشین
نبيه والخليفة من بعده في امته لعن الله امة غصبتك حقك وقعدت
پیغمبر او و جانشین از بعد او در گروه او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا و نشستند
مقعدك انا بريء منهم ومن شيعتهم اليك السلام عليك يا فاطمة
در نشستنگاه تو من بیزارم از ایشان و از پیروان ایشان بسوی تو درود بر تو ای فاطمه
البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين السلام عليك يا بنت رسول
از حوائج داده درود بر تو ای زینت زنان جهانیان درود بر تو ای دختر رسول
الله رب العالمين صلى الله عليك وعليه السلام عليك يا ام السبطين
خدا پروردگار جهانیان رحمت خدا بر تو و بر او درود بر تو ای مادر دو سبط پیغمبر
الحسن والحسين لعن الله امة غصبتك حقك ومنعتك ما جعله الله
حسن و حسین نفرین کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا و باز داشتند ترا آنچه گردانیده بود خدا
لك حلالا انا بريء اليك منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاي يا
برای تو حلال من بیزارم بتو از ایشان و از پیروان ایشان درود بر تو ای آقای من ای
ابا محمد الحسن الزكي لعن الله امة قتلتك وبايعت في امرك وشايعت انا
پدر محمد حسن پاک نفرین کند خدا گروهی را که کشتند ترا و پیمان بستند در کار کشتن تو و پیروی کردند من

يوم الاربعاء

دعاء روز

بَرِئٌ اِلَيكَ مِنهُم وَمِن شيعَتِهِم اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا عَبدِ اللهِ الحُسَينِ

بیزارم بسوی تو از ایشان و از پیروان ایشان درود بر تو ای امام من ای حسین پدر عبد الله

بنِ عَلِيٍّ صَلَواتُ اللهِ عَلَيكَ وَعَلى اَبيكَ وَجَدِّكَ مُحَمَّدٍ المُصطَفى صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ

پسر علی رحمت خدا بر تو و بر پدر تو و جد تو محمد برگزیده رحمت خدا بر او و بر

آلِهِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً استَحَلَّت دَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتكَ وَاستَباحَت حَريمَكَ وَ

آل او نفرین کند خدا گروهی را که حلال دانستند خون تو را و نفرین کند خدا گروهی را که کشتند تو را و مباح دانستند حرم تو را و نفرین

اَللهُ اَشياعَهُم وَاَتباعَهُم وَلَعَنَ اللهُ المُمَهِّدينَ لَهُم بِالتَّمكينِ مِن قِتالِكُم اَنَا بَرِئٌ

کند خدا پیروان ایشان و تابعان ایشان را و نفرین خدا بر آنکه درست کرد کار ایشان را به قدرت دادن از کشتن شما من بیزارم

اِلَى اللهِ وَاِلَيكَ مِنهُم اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ اَلسَّلامُ

بسوی خدا و بسوی تو از ایشان درود بر تو ای امام من ای پدر محمد علی پسر حسین درود

عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا جَعفَرٍ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا عَبدِ اللهِ

بر تو ای امام من ای پدر جعفر محمد پسر علی درود بر تو ای امام من ای پدر عبد الله

جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا الحَسَنِ موسَى بنَ جَعفَرٍ اَلسَّلامُ عَلَيكَ

جعفر پسر محمد درود بر تو ای امام من ای پدر حسن موسی پسر جعفر درود بر تو

يا مَولايَ يا اَبا الحَسَنِ عَلِيَّ بنَ موسَى الرِّضا اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا جَعفَرٍ مُحَمَّدَ بنَ

ای امام من ای پدر حسن رضا علی پسر موسی درود بر تو ای امام من ای پدر جعفر محمد پسر

عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا الحَسَنِ عَلِيَّ بنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ

علی درود بر تو ای امام من ای پدر حسن علی پسر محمد درود بر تو ای امام من

يا اَبا مُحَمَّدٍ الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا القاسِمِ الحُجَّةَ بنَ الحَسَنِ

ای پدر محمد حسن پسر علی درود بر تو ای امام من ای پدر قاسم حجت خدا پسر حسن

صاحِبَ الزَّمانِ صَلَّى اللهُ عَلَيكَ وَعَلى عِترَتِكَ الطّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ يا مَوالِيَّ

دارنده این زمانه درود و رحمت خدا بر تو و بر فرزندان تو که پاک و پاکیزه اند ای امامان من

كونوا شُفَعائي عِندَ اللهِ في حَطِّ وِزري وَخَطاياىَ آمَنتُ بِاللهِ وَبِما اُنزِلَ اِلَيكُم وَ

باشید شفاعت کننده من نزد خدا در فرو گذاردن بار گناهان من ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شده بشما و

اَتَوالى آخِرَكُم بِما اَتَوالى بِهِ اَوَّلَكُم وَبَرِئتُ مِنَ الجِبتِ وَالطّاغوتِ وَاللّاتِ

دوست میدارم آخر شما را بآنچه دوست میدارم اول شما را و بیزارم از جبت و بت طاغوت و بت لات

يوم الخميس

دعاء يوم الخميس

عرفه ذى الحجه

وَالعُزّى يا مَوالِيَّ اَنَا سِلمٌ لِمَن سالَمَكُم وَحَربٌ لِمَن حارَبَكُم وَعَدُوٌّ لِمَن عاداكُم

و بت عزی ای صاحبان احسان من صلحم با آنکه صلح کند شما را و جنگ دارم با آنکه جنگ دارد شما را و دشمنم با آنکه دشمن شما است

وَوَلِيٌّ لِمَن والاكُم اِلى يَومِ القِيمَةِ وَلَعَنَ اللهُ ظالِميكُم وَغاصِبيكُم وَلَعَنَ اللهُ

و دوستی دارم با آنکه دوستی دارد شما را تا روز قیامت و نفرین کند خدا ستمکاران شما را و غصب کنندگان حق شما و نفرین کند خدا

اَشياعَهُم وَاَتباعَهُم وَاَهلَ مَذهَبِهِم وَاَبرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلَيكُم مِنهُم اَللّٰهُمَّ

پیروان ایشان را و پیروان ایشان را و اهل طریقه ایشان را و بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خدایا

اِنّي اُشهِدُكَ وَكَفى بِكَ شَهيدًا وَاُشهِدُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَعَلِيًّا وَ

من گواه میگیرم ترا و بس است بگواهی و گواه میگیرم محمد را رحمت خدا بر او و بر آل او و علی را و

الاَئِمَّةَ مِن ذُرِّيَّتِهِما وَالثَّمانِيَةَ حَمَلَةَ عَرشِكَ وَالاَربَعَةَ الاَملاكَ خَزَنَةَ عِلمِكَ

ائمه از فرزندان آنها و هشت نفر بردارندهٔ عرش تو را و چهار فرشته خزانه دار علم تو

اَنّي بَرِئٌ مِن اَعدائِهِم نَعَم عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اَهلِ بَيتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الصَّلوةُ وَ

بدرستیکه من بیزارم از دشمنان ایشان بر محمد و بر اهل خانوادهٔ او پاکان پاکیزگان درود و

السَّلامُ اَللّٰهُمَّ اَقرِر عَيني بِصَلَوتِهِ وَصَلوةِ اَهلِ بَيتِهِ وَاجعَل ما هَدَيتَني اِلَيهِ مِنَ الحَقِّ

رحمت خدایا روشن کن دیدهٔ مرا به رحمت فرستادن او و رحمت بر خانوادهٔ او و بگردان آنچه که راه نمودی مرا بسوی آن از حق

وَالمَعرِفَةِ بِهِم مُستَقَرًّا لا مُستَودَعًا يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ وَعَرِّفني نَفسَكَ

و شناسائی با ایشان ثابت داشته شده نه بامانت ای رحیم تر رحمان خدایا بشناسان بمن ذات خود را

وَعَرِّفني رُسُلَكَ وَعَرِّفني مَلائِكَتَكَ وَعَرِّفني وُلاةَ اَمرِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي لا آخُذُ اِلّا

و بشناسان بمن پیمبران را و بشناسان بمن فرشتگان را و بشناسان مرا والیان امر خود را خدایا بدرستیکه من نمیگیرم مگر

ما اَعطَيتَ وَلا اَوقى اِلّا ما وَقَيتَ اَللّٰهُمَّ لا تَحرِمني مَنازِلَ اَولِيائِكَ وَلا تُزِغ

آنچه عطا کردهٔ تو و نگاه داشته نمیشوم مگر آنچه نگاه داری خدایا نا امید مکن مرا از جاهای فرود آمدن دوستان تو و میچان

قَلبي بَعدَ اِذ هَدَيتَني وَهَب لي مِن لَدُنكَ رَحمَةً اِنَّكَ اَنتَ الوَهّابُ وَهَيِّئ لي مِن

دل مرا بعد از آنکه هدایت کردهٔ مرا و ببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستیکه توئی بخشنده و آماده ساز مرا از

اَمري رَشَدًا اَللّٰهُمَّ وَعَلِّمني ناطِقَ التَّنزيلِ وَخَلِّصني مِنَ المَهالِكِ اَللّٰهُمَّ وَ

امر من خوبی را خدایا بیاموز مرا قرآن فرستاده شده و خلاص کن مرا از موجبات هلاک خدایا و

خَلِّصني مِنَ الشَّيطانِ وَحِزبِهِ وَمِنَ السُّلطانِ وَجُندِهِ وَمِنَ الجِبتِ وَاَنصارِهِ

رهان مرا از شیطان و لشکر او و از سلطان و لشکر او و از جبت و یاران او

دعاء روز عرفه

بحقّ محمّدٍ المحمود وبعليّ المقصود وبحقّ شبّرٍ وشبيرٍ وبحقّ اسمائك الحسنى

بحرمت محمّد ستوده شده وعلی قصد کرده شده وبحرمت حسن وحسین وبحرمت نامهای نیکوی تو

صلّ على محمّدٍ وآله افضل الصّلوات انّك على كلّ شيءٍ قديرٌ وانت بكلّ شيءٍ محيطٌ

رحمت فرست بر محمّد وآل او برترین رحمتها بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی وتو بهر چیزی فرو گیرنده

يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا

ای پروردگار من ای خداوند ای پروردگار

سيّداه يا سيّداه يا مولاياه يا مولاياه يا مولاياه يا عماد من لا عماد له يا

ای بزرگوار ای آقای بزرگ ای اعتماد کسیکه نیست تکیه گاهی او را

ويا سند من لا سند له ويا ذخر من لا ذخر له انت ربّي وانا عبدك على

وای پشت و توان کسیکه نیست پشت و توانی او را وای ذخیره آنکه نیست ذخیره او را توئی پروردگار من ومنم بنده تو بر

عهدك ووعدك اللّهمّ اجعله موتنا محمودًا ولا تجعله اخر العهد منّا

پیمان تو ووعده تو خدایا بگردان این عهد را جایگاه ستوده ومگردان این عهد را اخر پیمان ما

واشركنا في صالح دعاء من دعاك بمنى وعرفات ومزدلفة وعند قبر نبيّك

وشریک کن ما را در شایسته دعای آنکسیکه دعا کرد در منی وعرفات ومشعر ونزد قبر پیغمبرت

عليه وآله السّلام وعند زمزم والمقام اللّهمّ لك الحمد حيث رفعت

بر او وآل او درود ونزد چاه زمزم ومقام ابرهیم خدایا مر تراست حمد آنجائیکه بلند کردی

اقدارنا عن شدّ الزّنانير في الاوساط والجوامع في الاعناق ولك الحمد

مرتبه های ما را از محکم بستن زنارها در کرمها وبازبندها در گردنها ومر تراست حمد

حيث لم تجعلنا زنادقةً مضلّين ولا مدّعيةً شاكّين مرتابين ولا معاندين

هنگامیکه نگردانیدی ما را از بیدینان گمراهان ونه عود کنندگان شک داران بی اعتقادان ونه معارضه کنندگان

ولا عن اهل بيت نبيّك صلّى الله عليه وآله منحرفين اللّهمّ كما بلغتنا هذا

ونه از اهل خانه پیغمبر تو رحمت خدا بر او وبر آل او از جمله برگشتگان خدایا چنانچه رسانیدی ما را باین

اليوم المبارك من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلّغنا اخرها في عافيةٍ

روز بابرکت از ماه ما وسال ما این سال بابرکت پس برسان ما را باخر آن در عافیت

وبلّغنا اعوامًا كثيرةً برحمتك يا ارحم الرّاحمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ

وبرسان ما را بسالهای بسیار برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار من

عرفه ذی الحجه

يا الله يا الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه يا

ای خداوند ای پروردگار ای اقای من

مولاياه يا مولاياه يا مولاياه اللّهمّ ما قسمت لي في هذه السّاعة وفي هذا

ای بزرگ اقای من خدایا انچه را که قسمت کردی برای من در این وقت ودر این

اليوم وفي هذا الشّهر وفي هذه السّنة من خيرٍ او بركةٍ او عافيةٍ او مغفرةٍ

روز ودر این ماه ودر این سال از نیکی وبابرکتی یا عافیتی یا امرزشی

او رأفةٍ او رحمةٍ او عتقٍ من النّار او رزقٍ واسعٍ حلالٍ طيّبٍ او توبةٍ

یا مهربانی یا بخشش یا ازادی از آتش یا روزی فراخی حلال پاکی یا بازگشت

نصوحٍ فاجعل لنا في ذلك اوفر النّصيب واجزل الحظّ اللّهمّ وما انزلته

خالصی پس بگردان برای ما در این زیادتر بهره ودادن بهره خدایا وانچه فرستادی

في هذه السّاعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشّهر وفي هذه السّنة من حرقٍ

در این ساعت ودر این روز ودر این ماه ودر این سال از سوختنی

او شرقٍ او غرقٍ او هدمٍ او ردمٍ او خسفٍ او قذفٍ او رجفٍ او مسخٍ او

یا ناگهانی یا غرق شدنی یا خراب شدنی یا دیوار افتادنی یا فرو رفتنی یا سنگ باریدنی یا لرزیدنی یا مسخ شدنی یا

صيحةٍ او زلزلةٍ او فتنةٍ او صاعقةٍ او بردٍ او جنونٍ او جذامٍ او برصٍ

صدای مهیبی یا زلزله یا اشوبی یا اتش اسمانی یا سرما یا دیوانگی یا خوره یا پیسی

او اكل سبعٍ او ميتة سوءٍ وجميع انواع البلاء في الدّنيا والاخرة فاصرفه

یا خوردن جوانان یا مردن بدی وهمه اقسام بلاء در دنیا واخرت پس بگردان

عنّا كيف شئت وانّى شئت وعن جميع المؤمنين في كلّ دارٍ ومنزلٍ في شرق

از ما هر روشی که خواهی وهر بجوی که خواهی واز همه گروندگان در هر خانه ومنزلی در جانب شرق زمین

الارض وغربها عزّ جارك وجلّ ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا

ومغرب ان ارجمند است همسایه تو وبزرگست ستایش تو ونیست خدائی جز تو یکتائی تو نیست

شريك لك فاطر السّموات والارض عالم الغيب والشّهادة ربّ كلّ

شریکی مرترا ای خالق اسمانها وزمین دانای نهان واشکارا پروردگار هر

شيءٍ ومليكه اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شريك له واشهد

چیزی ومالک ان گواهی میدهم اینکه نیست خدائی جز خدای یکتا که نیست شریکی مر او را وگواهی میدهم

دعاء روز عرفه ذی الحجه

اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ

که محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده او و رسول اوست و گواهی میدهم اینکه بهشت راستست

وَالنَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

و آتش راست و اینکه قیامت آینده است نیست شکی در آن و اینکه خدا بر میانگیزاند هر که در گورهاست

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ عَلَيْهَا اَحْيَا وَعَلَيْهَا اَمُوتُ

گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر او که یگانه است نیست شریکی مر او را بر اینها زندگی میکنم و بر اینها میمیرم

وَعَلَيْهَا اُبْعَثُ حَيّاً اِنْ شَاءَ اللّٰهُ رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَبِالْاِسْلَامِ دِيناً وَ

و بر اینها بر انگیخته میشوم زنده اگر خواهد خدا پسندیدم بخدا پروردگار را و باسلام دین را و

بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ وَلِيّاً وَبِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَ

بمحمد پیغمبر را و بعلی صاحب اختیار را و بقرآن کتاب را و

بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِاِبْرٰهِيمَ لِنَبِيِّنَا اَباً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بکعبه قبله را و با براهیم برای پیغمبرها پدر را و بمحمد صلی الله علیه و آله

نَبِيّاً وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ لِلْحَقِّ مُوضِحاً وَلِلْجَنَّةِ وَالنَّارِ

پیغمبر را و بپادشاه مؤمنان صلوات الله علیه برای حق ظاهر سازنده و برای بهشت و جهنم

قَاسِماً وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ شِيعَتِهِ اِخْوَاناً لَا اُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئاً وَلَا اَتَّخِذُ

قسمت کننده و بمؤمنان از پیروان او برادر را شریک نمیکنم بخدا چیزی و نمیگیرم از

مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً وَلَا اَدْعُو مَعَهُ اِلٰهاً لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

غیر خدا دوستی و نمیخوانم با آن خدا خدا را نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را

اِلٰهاً وَاحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً اَللّٰهُمَّ اِنِّي

خدائی یگانه یکتا تنها بی‌نیاز نگرفته یاری و نه فرزندی خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ بِالْعَظِيمِ مِنَ الْآئِكَ وَالْقَدِيمِ مِنْ نَعْمَائِكَ وَالْمَخْزُونِ

میخواهم ترا ببزرگ از نعمتهای تو و دیرینه از نعمتهای تو و پنهان داشته شده

مِنْ اَسْمَائِكَ وَمَا وَارَتِ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ وَمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ

از نامهای تو و آنچه پوشانیده در پرده‌ها از نیکوئیهای تو و جاهای عزت از عرش تو

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اَنْ تُصَلِّيَ

و بنهایت خواهش از کتاب تو و بعزت تو که یگانه است نیست شریکی مر ترا اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَانَ تَرْحَمَ هٰذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَ وَهٰذَا الْبَدَنَ الْهَلُوعَ الَّذِي

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی این نفس را جزع‌کننده و این بدن را بی‌تاب که

لَا يُطِيقُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ حَرَّ نَارِكَ اِنْ تُعَاقِبْنِي لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ شَيْءٌ

تاب ندارد گرمی آفتاب ترا پس چگونه تاب آورد گرمی آتش ترا اگر عقاب کنی مرا زیاد نمیشود در پادشاهی تو چیزی

وَاِنْ تَعْفُ عَنِّي لَا يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ اَنْتَ يَا رَبِّ بِخَلْقِكَ اَرْحَمُ وَبِعِبَادِكَ

و اگر درگذری از من کم نمیشود از پادشاهی تو چیزی تو ای پروردگار من بخلقت مهربانتری و ببندگانت

اَعْلَمُ وَبِسُلْطَانِكَ اَرْاَفُ وَبِمُلْكِكَ اَقْدَرُ وَبِعَفْوِكَ اَكْرَمُ وَعَلَى عِبَادِكَ

دانا تر و بقدرت خود بخشنده‌تر و بپادشاهی خود تواناتر و بگذشتن خود بزرگوارتر و بر بندگان خود

اَنْعَمُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ

مهربانتر زیاد نمیکند در پادشاهی تو اطاعت کردن اطاعت کنندگان و کم نمیکند از او نافرمانی گناهکاران

وَاعْفُ عَنِّي يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَلُوذُ بِعِزَّتِكَ وَاَسْتَظِلُّ

و درگذر از من ای بزرگتر بزرگواران و ای مهربانتر از مهربانان پناه میبرم بعزت تو و طلب سایه رحمت میکنم

بِفِنَائِكَ وَاَسْتَجِيرُ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْتَغِيثُ بِرَحْمَتِكَ وَاَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ لَا

بدرگاه تو و پناه میجویم بقدرت تو و فریاد رسی میخواهم برحمت تو و چنگ میزنم بریسمان تو

اَثِقُ اِلَّا بِكَ وَلَا اَلْجَاُ اِلَّا اِلَيْكَ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ يَا

اعتماد مکر بتو و نمیبرم پناه مگر بتو ای بزرگ امید واران ای بردارنده بلا

اَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَى اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِاَمَانِكَ

سزاوارتر کسیکه درگذشته و بخشیده خدایا بدرستیکه ستم کردن زنهار جوینده ام بعفو تو و ترس من زنهار جوینده بامان تو

وَفَقْرِي مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجْهِيَ الْبَالِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ

و فقر من زنهار جوینده است به بی‌نیازی تو و روی کهنه نیست شده من زنهار جوینده است بذات همیشگی تو

الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا يَزُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ

که باقی است که فانی نمیشود و برطرف نمیشود ای آنکه باز نمیدارد او را کاری از کار دیگر

وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا

و مگردان اندوه ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر اندوه ما

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا وَبِاِحْسَانِكَ

و مسلط مکن بر ما کسیکه رحم نکند بر ما و مهربانی کن بر دباری خود بر نادانی ما و باحسان خود

مناجات

دعا روز عرفه

عَلى اِسآءَتِنا وَبِقُوَّتِكَ عَلى ضَعفِنا وَبِغِناكَ عَلى فَقرِنا وَاَعِذنا مِنَ

بر بدیکردنهای ما وبقوت خود بر ناتوانی ما وببی‌نیازی خود براحتیاج ما وپناه ده ما را از

الاَذی وَالسَّدی وَالضُّرِّ وَسُوءِ القَضآءِ وَشَماتَةِ الاَعدآءِ

آزارها وفسادها وبدحالی وبدیهای حکم وسرزنش دشمنان

وَسُوءِ المَنظَرِ فِی المالِ وَالدّینِ وَالاَهلِ وَالوَلَدِ وَعِندَ مُعایَنَةِ

وبدی نگریستن درمال ودین واهل خانه وفرزندان ونزد مشاهده

المَوتِ اَللّهُمَّ یا رَبِّ نَشکُو اِلَیکَ غَیبَةَ نَبِیِّنا عَنّا وَقِلَّةَ ناصِرِنا وَکَثرَةَ

مرگ خدایا ای پروردگار من شکوه میکنیم از پنهانی پیغمبر ما ازما وکمی یاوری ما وزیادتی

عَدُوِّنا وَشِدَّةَ الزَّمانِ عَلَینا وَوُقُوعَ الفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ

دشمنان ما وسختی روزگار برما ووقوع سختیها ونزاعها وتندی پیوستن

الخَلقِ عَلَینا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافرُج ذلِکَ بِفَرَجٍ

خلق برما خدایا رحمت فرست برمحمد وآل محمد وبگشا این را بگشایش

مِنکَ تُعَجِّلُهُ وَنَصرٍ تُعِزُّهُ وَحَقٍّ تُظهِرُهُ اَللّهُمَّ وَابعَث بِقائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی

از تو که بزودی بکنی ویاوری که غالب کنی وحقی که ظاهر سازی خدایا برانگیز قائم آل محمد

اللّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ لِلنَّصرِ لِدینِکَ وَاِظهارِ حُجَّتِکَ وَالقِیامِ بِاَمرِکَ

علیه وآله برای یاری نمودن دین تو وظاهر ساختن برهان تو وبپا داشتن امر تو

وَتَطهیرِ اَرضِکَ مِن اَرجاسِها بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ اَللّهُمَّ اِنّی

وپاک نمودن زمین تو از نجاست کارها برحمت تو ای رحیم ترین رحم کنندگان خدایا بدرستیکه من

اَعُوذُ بِکَ اَن اُوالِیَ لَکَ عَدُوًّا وَاُعادِیَ لَکَ وَلِیًّا اَو اَسخَطَ

پناه میبرم بتو از آنکه دوستی کنم مر دشمن ترا ودشمنی کنم مر دوست ترا یا خشم آرم

لَکَ رِضًا اَو اَرضی لَکَ سَخَطًا اَو اَقُولَ لِحَقٍّ هذا باطِلٌ اَو اَقُولَ لِباطِلٍ

امری که خوشنود سازد ترا یا خوشنود شوم بر امری که خشم آورد ترا یا بگویم مر حقی را که این باطل است یا بگویم مر باطلی را

هذا حَقٌّ اَو اَقُولَ لِلَّذینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ اَهدی مِنَ الَّذینَ آمَنُوا

که این حق است یا بگویم مر آنانکه کافر شدند که ایشان راست‌روترند از آنانکه ایمان آوردند

سَبیلاً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ

راه خدایا رحمت فرست بر محمد وآل او وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت

للتائبین

اعمال عید قربان ذی الحجه

حَسَنَةً وَقِنا بِرَحمَتِکَ عَذابَ النّارِ وسابقاً مذکور شد که عمل استفتاح را

نیز در این روز بعمل آوردن مستحب است

نیکی ونگاهدار ما را برحمت خود از عذاب آتش

فصل سیم در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان وروزش وایام تشریق است

یعنی یازدهم ودوازدهم وسیزدهم **و بدانکه** شب عید اضحی از جمله چهار شب است

که احیا آنها سنت مؤکد است ومنقولست که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود

برای آنکه صداهای دعاهای حاجیان بالا رود وصداهای ایشان در آسمان بجید است

مانند صدای مگس عسل در پرواز کند وحقتعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار

شما وشما بندگان من وحق مرا ادا کردید وبر من لازمست که دعای شما را مستجاب کردانم

پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را می‌آمرزد وهر که سزاوار نیست گناهش

را کم کند پس هر که با ایشان در عبادت ودعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک

خواهد بود وغسل وزیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این شب سنت است و

منقولست که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته وآینده اش

آمرزیده شود **و اما اعمال روز عید** غسل در آن سنت مؤکد است

وبعضی واجب دانسته اند وبهتر آنست که پیش از نماز غسل کند ونماز عید بنا بر

مشهور در زمان غیبت امام سنت مؤکد است وبگمان فقیر واجبست بشرایط مقرره

ونمازش همان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد ودعاء پیش از رفتن بنماز عید

انجا مذکور شد ودعاء بسیار پیش از نماز وبعد از نماز وارد شده است واین رساله

گنجایش ذکر آنها ندارد وبهترین دعاها دعای چهل وهشتم صحیفه کامله است که

اولش اینست اللّهُمَّ هذا یَومٌ مُبارَکٌ واگر دعای چهل وششم را که اولش یا مَن یَرحَمُ

مَن لا یَرحَمُهُ العِبادُ است نیز بخواند بهتر است بر آنکه در بعضی از نسخ قدیمه

صحیفه استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است ودعای ندبه بهترین دعاها است

ودر این روز وسایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه انشاء الله بعد از این در

ضمن زیارات مذکور خواهد شد ودر این عید سنت است که افطار بعد از نماز

از گوشت قربانی بشود واز جمله احکام این عید قربانی است واز سنت مؤکد است

و بعضی از علماء واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که اضحیه واجبست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن و از برای
عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول خدا
منقولست که بآن حضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم
آیا قرض بکنم و اضحیه کنم حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و
بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتوان کشت و
اگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتوان کشت و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه
خریده باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و می
باید یا شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد
و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد می
باید یکسالش تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته
باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر
است و میباید نقصی در اعضایش نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد
و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر آن دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده
باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و باید مغز شاخش نشکسته باشد
و اگر پوست شاخش نیز نشکسته باشد بهتر است و بهتر آنست که بیمار و بسیار پیر نباشد و سنت
است که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش نباشد و باید که خصی نباشد
یعنی خصیه اش را بریده باشند و مکروهست اگر خصیه اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی
بهم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد و سنت است که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد
و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست
قصاب بگذارد و مدد بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه یا نیزه
یا کارد را در گودال پایین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجب
است که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا ایستاده بدارد رو بقبله و
هر دو دستش را از سر تا زانو بریسمانی یا تسمه بربندد بگیر سجد و اگر نحر میکند در

جانب راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز
باشد باید که چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ که در دو جانب
حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف آن میرود و اگر اینها را ذبح و نحر کند حرام
میشود و سنت است که دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون قربانی را بخری روی او را بقبله کن و در وقت
نحر یا ذبح بگو وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس نحر یا ذبح کند و بگوید اللّٰهُمَّ
تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود که تا نمیرد سر شتر را جدا مکن و چون بمیرد سنت است که ثلث
حصه را خود بخورد [illegible] و بهتر آنست که خود با آن افطار کند و یک حصه
برای همسایگان و اهل خانه اش بدهد و بهتر آنست که یک حصه را بفقرا و سؤال کنندگان
بدهد و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اجزا جلال
آنرا تصدق کند [illegible] نکند و بقصاب ندهد مگر آنکه قصاب پریشان باشد و بتصدق
باو بدهد و در حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را میتواند دباغت کند و بر روی
آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق
کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال خود بکشد کافیست و اگر یکی از برای
خود و یکی از برای عیال خود بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد
بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست
و اگر از برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوبست
و منقولست که حضرت رسول دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خدایا
این از من و هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دویم فرمودند که خدایا

اعمال شب و روز

این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر سال
هر سال یک گوسفند قربانی میکرد و میفرمود که خداوندا این از پیغمبر تست پس گوسفند
دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند هر یک قربانی جدا جدا بکنند جایز
است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و حقتعالی فرموده است
که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روز چند شمرده شده و در احادیث معتبر
منقولست که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب پانزده نماز
بگوید که اولش ظهر روز عید است آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقیب ده
نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی
واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است
و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح این است

اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

خدا بزرگست خدا بزرگست نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگست خدا بزرگست و حمد مر خدا راست

اَللهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰینَا اَللهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ

خدا بزرگ است بر آنچه راه نموده است ما را خدا بزرگست بر آنچه روزی نموده ما را از چهارپایان زبان بسته و حمد مر خدا را

لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا فصل چهارم در فضایل و اعمال روز عید غدیر است

بر چیزی که امتحان کرده ما را

عید غدیر هیجدهم این ماه است و عظیم ترین اعیاد است و احادیث از طریق
عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصاست و در این مقام بچند حدیث
اکتفا مینمائیم بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون روز قیامت شود
چهار روز را بسوی عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانهٔ داماد برند روز
عید اضحی و روز عید فطر و روز عید غدیر و روز جمعه و روز غدیر در میان
اینها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حقتعالی ابرهیم خلیل ع را
از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حقتعالی و آن روزیست که حقتعالی
در آن روز دین را کامل کرد این دین را بانکه حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را ظاهر کرد ابدین هر دو پس

عید غدیر ذی الحجه

روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن دینست و روزیست که بنی شیطان خاک
مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد در این روز قبول
میشود و این روزیست که حقتعالی عملهای مخالفان و سعیهای باطل ایشان را مانند
ذرهها که در میان هوا پراکنده میشوند و این روزیست که خدا عز و جل امر میفرماید جبرئیل
را که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا
میرود و ملئکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد
و استغفار میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام
دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند حقتعالی ملئکه نویسندگان اعمال
را که قلم بردارند از محبان اهلبیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر بگذرد و
ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی و فاطمه و ائمه صلوات
الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست
خدا زیاد میکرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد در این روز
بر عیال خود و بر برادران مؤمن خود و او را آزاد میکرداند از آتش جهنم و این روزیست
که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را میامرزد و عمل
ایشان را قبول میکند و این روزیست که خدا غمهای شیعیان را زایل میکرداند و گناهان
ایشان را محو میکند و روز بخشش است و روز عطیه است و روز بیان کردن علم است
و روز بشارت است و روز عید بزرگ است و روزیست که دعا در آن مستجاب میکردد
و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامههای نیکوست و روز بخشیدن گناهان
شیعیان امیر المؤمنین ع است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد
و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهلبیت محمد است و روز قبول اعمال
است و روز طلب زیادتی اعمال ثوابست و روز استراحت مؤمنانست و روز سوداگری
ایشانست و روز دوستی کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن برحمت
خداست و روز ترک کبایر و گناهانست و روز عبادتست و روز افطار فرمودن روزه
دارانست پس هر که روزه داری را در این روز افطار فرماید چنانست که ده فئام را

فضیلت شب و روز

طعام کرده باشد و هر فقره‌ای صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر مؤمنیکه دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلَایَةِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْاَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ یعنی حمد و سپاس مر خداوند را سزاست که کردانید ما را از انهائیکه چنگ زده‌اند در ولایت امیر و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلم و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود ببرآورد هزار حاجت او را و بنا کند در روز غدیر حقتعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت خود و براورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی کرداند و این روز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حقتعالی بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حقتعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند کردانند برای او تا سال ایند مثل این روز درجات پس اگر مرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعام دهد در این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند مؤمنی را داخل کرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبر او را کشاده کرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک و بشارت دهند او را به بهشت و در روز غدیر حقتعالی عرض کرد ولایت امامت و محبت ما اهلبیت را بر اهل اسمانهای هفتگانه پس پیشی کرفتند با قرار بان اهل اسمان هفتم پس زینت داد او را بعرش پس بعد از ان سبقت کرفتند اهل اسمان چهارم پس زینت داد او را به بیت المعمور پس سبقت کرفتند باقرار بما اهل بیت اهل اسمان اول پس او را زینت بخشید بستارکان پس حقتعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی کرفت باقرار بان مکه معظمه پس زینت داد او را بکعبه پس پیشی کرفت مدینه طیبه پس زینت داد او را بمحمد مصطفی ص پس سبقت کرفت بسوی ان شهر کوفه پس زینت داد او را بقبر حضرت امیر المؤمنین ع پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهیکه اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین سبب این جواهر در دنیا بهتر رسید این کوهها

عید غدیر ذی الحجه

دیگر سبقت کرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها کردید کل و هر ان که اقرار نکردند معدن چیزی نکردید بد و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر ابیاها هر ابی که قبول کرد شیرین شد هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سحر کو و خوش اواز کردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد اواز کردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین ع در روز غدیر مانند مثل ملئکه است در قبول کردن سجده حضرت ادم ع و مثل انها که قبول ولایت ان حضرت نکردند در روز غدیر مثل شیطانست در قبول نکردن سجده ادم و در روز غدیر این ایه نازل شد اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِینًا یعنی امروز کامل کردانیدم برای شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر انکه وصی و خلیفه خود در این روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلم پرسیدند که ایا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی کفت کدام عید است فرمود که ان روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا و اقای اویم علی مولا و اقا و پیشوای اوست و ان روز هیجدهم ذی الحجه است راوی کفت چه کار در ان روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و ال محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبر وصی خود را وصیت میکرد که این روز را عید کرداند و بروایت دیگر منقولست که فرمود که روزه روز غدیر کفاره شصت ساله کناهست و بروایت دیگر منقولست که فضل از حضرت صادق علیه السلم پرسید که امر میکنی مرا که روز عید غدیر را روزه بدارم فرمود اری وَاللّٰه اری وَاللّٰه اری وَاللّٰه بدرستیکه در این روز خدا توبه حضرت ادم ع را قبول کرد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز خداوند حضرت ابرهیم را از اتش نجات داد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز

فضیلت شب و روز

حضرت موسی هرون را وصی خود کردانید و این روز بشکر این نعمت [illegible] اشت و در
این روز حضرت عیسی وصیت وصی خود شمعون الصّفا را ظاهر [illegible] ید و این روز را
بشکر حقتعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول حضرت ام[illegible] ن علیه السّلم را خلیفه و
جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظا[illegible] ید و این روز را بشکر این
نعمتها روزه داشت و این روز روزه داشتن است و [illegible] یست و روز طعام دادن است
و روز نیکی کردن است با برادران مؤمن و روز [illegible] از مؤمنان خشنود و منکر دن و
بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و بسنا [illegible] بن ابی نصر منقولست که گفت روزی
در خدمت امام رضا علیه السّلم بودم [illegible] د بسیاری حاضر بودند پس فضیلت روز
غدیر مذکور شد و بعضی از حاض [illegible] ر کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرانش
[illegible] شهورتر است از زمین و بدرستیکه خدا را در
[illegible] کشتی این از طلا است و یکخشت از نقره و در آن قصر
صد هزار قبّه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش مشک و
عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از
عسل و در دور آن درختان هست از انواع میوها و بر آن درختان مرغان خوش الحان
هستند بدنهای اینها از مروارید است و بالهای اینها از یاقوت و با نواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها
و تسبیح و تقدیس و تهلیل حقتعالی میکنند و مرغان در میان آن آب فرو میروند و در
آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملئکه جمع شوند پرواز میکنند مرغان و مشک و
عنبر بر سر ایشان می افشانند و در این روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که
در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر
هدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود ندا از جانب ربّ اعلی بایشان میرسد
که برگردید بسوی درجها و مرتبهای خود بتحقیق که ایمن کردید از گناه و خطا و
لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمّد و علی صلوات الله علیهما این
حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که در نزد قبر حضرت امیر المؤمنین

حاضر

عید غدیر ذی الحجه

حاضر شوی بدرستیکه خدا در این روز می آمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه کناه
شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنّم دو برابر آنچه آزاد کرده
است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یکدرهم که در این روز برادران مؤمن بدهی
برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز برادران مؤمن
خود و شاد کردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوکند که اگر مردم فضیلت
این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملئکه با ایشان مصافحه کنند
و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک
و دور و موافق روایت صفوان و غیر آن اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت
بجا آورند و در رکعت اوّل سورهٔ انّا انزلناه و در رکعت دوّیم سورهٔ قل هو
الله بخوانند پس اللّهمّ صلّ علی ولیّک و اخی نبیّک و وزیره و حبیبه و خلیله
اید عارا بخوانند

خدایا رحمت فرست بر دوست خود و برادر پیغمبر خود و وزیر او و دوست او و صدیق او

و موضع سرّه و خیرته من اسرته و وصیّه و صفوته و خالصته و امینه

و جایگاه سرّ او و اختیار شده او از جمله طایفه او و وصی او و برگزیده او و خالص او و امانت دار او

و ولیّه و اشرف عترته الذین آمنوا به و ابی ذرّیّته و باب حکمته و النّاطق

و دوست او و بزرگترین خویشان او آنانکه ایمان آوردند باو و پدر فرزندان او و درگاه حکمت او و سخنگوی

بحجّته و الدّاعی الی شریعته و الماضی علی سنّته و خلیفته علی امّته

برهان او و خواننده بسوی طریقه او و گذرنده بر راه او و جانشین او بر امّت او

سیّد المسلمین و امیر المؤمنین و قائد الغرّ المحجّلین افضل ما صلّیت علی

آقای گردن نهندگان و پادشاه مؤمنان و کشندهٔ پیشانی سفید و دست و پا سفیدان بسوی بهشت ... بهتر رحمتی که کردهٔ بر

احد من خلقك و اصفیائك و اوصیاء انبیائك اللّهمّ انّی اشهد انّه قد

یکی از آفریدگانت و برگزیدگانت و جانشینان پیغمبرانت خداوندا بدرستیکه من گواهی میدهم آنکه او

بلّغ عن نبیّك صلّی الله علیه و آله ما حمّل و رعی ما استحفظ و حفظ

رسانید از پیغمبر تو ... بجا آورد ... نگاه داشت

ما استودع و حلّل حلالك و حرّم حرامك و اقام احکامك و دعی الی

آنچه را بامانت سپرده شد و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و برپا داشت حکمهای ترا و خواند بسوی

للراغبين ٥

دعاء روز

سبيلك ووالى اولياءك وعادى اعداءك وجاهد الناكثين عن سبيلك
والقاسطين والمارقين عن امرك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه
في الله لومة لائم حتى بلغ في ذلك الرضا وسلم اليك القضاء وعبدك
مخلصا ونصح لك مجتهدا حتى أتاه اليقين فقبضته اليك شهيدا سعيدا
وليا تقيا رضيا زكيا هاديا مهديا اللهم صل على محمد وعلى آله افضل
ما صليت على احد من انبيائك واصفيائك يا رب العالمين واكرم

اشاره كند بانكشت شهادت بجانب قبر شريف آنحضرت و اين زيارت را بخواند

السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا امين
الله في ارضه وحجته على عباده اشهد لقد جاهدت يا امير المؤمنين
في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله
حتى دعاك الله الى جواره فقبضك اليه باختياره لك كريم ثوابه والزم
اعداءك الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه
اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك

للراغبين ٥

مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك وسمائك
صابرة عند نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك
مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن
اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك
اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك شارعة و
اعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين منك فازعة و
اصوات الداعين اليك صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة ودعوة
من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة وعبرة من بكى من
خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة لمن
استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك
مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة وارزاق الخلائق من لدنك
نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة
وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة

للراغبين ٥

دعاء روز

وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدّة ومناهل الظّماء

(ومنفعتها زیادتها پیوسته پی در پی است و خوانهای گرسنه طعام خواهان آماده است و آبشخورهای تشنگی)

لدیک مترعة اللّهمّ فاستجب دعائی واقبل ثنائی واجمع بینی وبین اولیائی

(نزد تو لبریز است خدایا پس اجابت کن دعای مرا و بپذیر ثنای مرا و جمع کن میان من و میان دوستان)

واحبّائی بحقّ محمّد وعلیّ وفاطمة والحسن والحسین والائمّة من ذرّیّة

(و یاوران من بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و پیشوایان از فرزندان)

الحسین ائمّتی انّک ولیّ نعمائی ومنتهی مُنای وغایة رجائی فی

(حسین پیشوایان من بدرستیکه تو خداوند نعمتهای منی و آخر آرزوی منی و آخر امید منی در)

منقلبی ومثوای واگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و آخر آن دعا را بجوا آورد

(بازگشت من و آرامگاه من) شاید بهتر باشد و شب عید نیز شب بسیار مبارکیست و در شب

نیز مناسبست که این زیارت را بعمل آورند و نمازی در شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود

ایراد ننمودیم و امّا فضیلت روزه داشتن و تصدّق کردن و افطار روزه دار نمودن در این

روز در این ابواب احادیث بسیار است از جمله آنها این روایتست که حضرت صادق علیه السلام

فرمود که روزهٔ روز غدیر برابر است با روزهٔ عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر

داشته باشد و روزه بدارد روزهٔ این روز برابر است با ثواب او و روزه اش برابر است نزد

خدا با صد حج و عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است پیغمبری را مگر آنکه

این روز را عید کرده است و حرمت او را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود

است و نامش در زمین روز میثاق ماخوذ است و جمع مشهود است و هر که در این روز

مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که هر فئامی صد هزار

کس است و ثواب کسی دارد که طعام دهد و آب دهد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران

و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال قحط و یکدرهم که در این روز تصدّق

کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدّق کنند پس فرمود که شاید

گمان کنی که خدا روزی خلق کرده باشد که حرمتش از این روز بیشتر باشد نه والله

نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای

للشاکرین

عید غدیر ذی الحجّه

حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید و سرور و شادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد

منقولست که گفت در روز غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم

و آنحضرت در آن روز مخصوصان خویشان و اصحاب خود را جمع نموده بود و ایشان را نگاه داشته

بود که در شب افطار کنند و بخانهای ایشان طعامها و زرها و خلعتها فاخر فرستاده حتی

انگشتر و کفش نیز فرستاد و بایشان خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران

خود را جامههای نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای مردم نقل می

فرمود از جمله آنها گفت که در بعضی از سالها خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روز

جمعه با عید غدیر در یک روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا

رفت و خطبهٔ طولانی خواند و فضایل روز غدیر را بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار برای

این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه

کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت ببرادران مؤمن خود و در خانهای خود

برادران مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و بیکدیگر را تهنیت و مبارکباد

بگوئید و نیکی و احسان کردن در این روز مال و عمر را زیاد میکند و مهربانی با یکدیگر

کردن موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران

مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق

او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید بدرستیکه

دادن یکدرهم در این روز برابر است با دویست هزار درهم و حقتعالی زیاد نیز عطا

کند و روزهٔ این روز را سنّت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اوّل

دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بآنکه روزها را روزه بدارد و شبها بعبادت بایستد

کسیکه برآورد حاجت برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و

خواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را

عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار

هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه

متکفّل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بشود و هر گاه چنین کند من ضامنم

للشاکرین

فضیلت روز

بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه کبیره بسیار بکند البته آمرزیده است و هر که قرضی بکند در این روز برای برادران خود من ضامنم بر خدا که اگر او زنده بدارد یا بمیرد آن قرض را از او متحمل شود و از دوش او بردارد و چون یکدیگر ملاقات کنند مصافحه کنند و بزبانها یکدیگر را تهنیت بگویند و آنچه گفتیم حاضران بغایبان بگویند و توانگران رعایت کنند فقیران را و اقویا دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول صلی الله علیه و آله اینها امر فرمود و بدانکه غسل در اول این روز سنت مؤکد است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهورش آنست که از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حقتعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی و عافیت بر آورده شود و چون برادران مؤمن را ملاقات کنی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی اَکْرَمَنا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنا مِنَ الْمُوفینَ بِعَهْدِهِ الَّذی عَهِدَهُ اِلَیْنا وَمیثاقِهِ الَّذی واثَقَنا بِهِ مِنْ وِلایَةِ وُلاةِ اَمْرِهِ وَالْقُوّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدینَ وَالْمُکَذِّبینَ بِیَوْمِ الدّینِ یعنی سپاس مر خداوند را سزاست که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان داران و وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است با ما و پیمانیکه محکم گردانیده است با ما که ولایت والیان امر او ما منست و آنها که حکم میکنند بعدالت در میان خلق و نگردانیده ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنان بروز جزا و فرموده که بعد از نماز این دعا بخوانند رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلْایمانِ

اَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَ

تَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلیٰ رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ

للمطیعین ١٧

عید غدیر ذی الحجه

الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ وَکَفیٰ بِکَ شَهیداً وَاُشْهِدُ مَلائِکَتَکَ

وَاَنْبِیائَکَ وَحَمَلَةَ عَرْشِکَ وَسُکّانَ سَمٰواتِکَ وَاَرْضِکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ

اِلّا اَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلا نَعْبُدُ سِواکَ فَتَعالَیْتَ عَمّا یَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً کَبیراً

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ عَبْدُکَ وَ

مَوْلانا رَبَّنا سَمِعْنا وَاَطَعْنا وَاَجَبْنا وَصَدَّقْنَا الْمُنادِیَ رَسُولَکَ صَلَّی اللّٰهُ

عَلَیْهِ وَآلِهِ اِذْ نادیٰ بِنِداءٍ عَنْکَ بِالَّذی اَمَرْتَهُ اَنْ یُبَلِّغَ ما اَنْزَلْتَ اِلَیْهِ مِنْ وِلایَةِ

وَلِیِّ اَمْرِکَ وَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ تُبَلِّغْ ما اَمَرْتَهُ بِهِ اَنْ تَسْخَطَ عَلَیْهِ وَ

اِنَّهُ اِذا بَلَّغَ رِسالاتِکَ عَصَمْتَهُ مِنَ النّاسِ فَنادیٰ مُبَلِّغاً عَنْکَ اَلا مَنْ کُنْتُ

مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ وَمَنْ کُنْتُ وَلِیَّهُ فَعَلِیٌّ وَلِیُّهُ وَمَنْ کُنْتُ نَبِیَّهُ فَعَلِیٌّ

اَمیرُهُ رَبَّنا قَدْ اَجَبْنا داعِیَکَ النَّذیرَ مُحَمَّداً عَبْدَکَ وَرَسُولَکَ اِلیٰ

اِلَی الْهادِی الْمَهْدِیِّ عَبْدِکَ الَّذی اَنْعَمْتَ عَلَیْهِ وَجَعَلْتَهُ مَثَلاً

لِبَنی اِسْرائیلَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَمَوْلاهُمْ وَوَلِیِّهِمْ رَبَّنا وَاتَّبَعْنا مَوْلانا

وَوَلِیَّنا وَهادِیَنا وَداعِیَنا وَداعِیَ الْاَنامِ وَصِراطَکَ الْمُسْتَقیمَ

للمطيعين ٧

دعا روز

وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه

و برهان روشن و راه ترا خواننده بسوی تو بر بینائی او و هر که پیروی کند او را

وسبحان الله عما يشركون واشهد انه الامام الهادي الرشيد امير المؤمنين

و منزهست خدا از آنچه شریک کنند او و گواهی میدهم انکه وی پیشوای رهنماینده ارشاد کننده پادشاه مومنان

الذي ذكرته في كتابك وقولك الحق وانك قلت وانه في ام الكتاب

که یاد کردهٔ او را در کتاب خود و گفتهٔ تو راست است و بدرستیکه تو گفتهٔ و بدرستیکه او در لوح محفوظ ثابت است

لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد بانه عبدك والهادي بعد نبيك

نزد ما هر آینه بلند مرتبه درست کردار است خداوندا پس ما گواهی میدهیم بانکه حضرت بندهٔ تو و رهنمای تو است بعد از پیغمبر تو

النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر

بیم نماینده ترساننده است و راه راست تو است و پادشاه مومنانست و کشندهٔ پیشانی سفیدان

المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في خلقك وانه

و روشن دستان و برهان بالغهٔ تو و زبان بیان کنندهٔ تو از جانب تو در آفرینش تو و اینکه او

القائم بالقسط في بريتك وديان دينك وخازن علمك وامينك

بر پا دارنده عدالت در خلق تو و جزا دهنده دین تو و نگهدارای علم تو و امانت تو

المأمون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك عليهما السلام من جميع خلقك

ایمن کرده شده که گرفته شده پیمان او و پیمان پیغمبر تو بر ان دو درود باد از همهٔ خلق تو

وبريتك شاهدا بالاخلاص لك بالوحدانية والربوبية بانك انت

و از بندگان تو در حالتیکه شهادت دهنده ایم باخلاص مر تو را و یگانگی و ربوبیت تو بانکه توئی

الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين

خدا انکه نیست خدائی مگر تو و اینکه محمد بندهٔ تو و رسول تو است و اینکه علی پادشاه مومنانست

جعلته وليتك والاقرار بولايته تمام توحيدك وكمال دينك

کردانیدهٔ او را فرمان فرمای خود و اقرار کردن بولایت او تمام کنندهٔ یگانگی خود و کامل کنندهٔ دین خود

وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم

و تمام کنندهٔ نعمت خود بر همه آفریدگان خود پس گفتهٔ تو و گفتهٔ تو راست است امروز

اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا

کامل کردیم برای شما دین شما را و تمام کردیم بر شما نعمت را و پسندیدیم برای شما دین اسلام را

للمريدين ٨

عيد غدير ذي الحجه

فلك الحمد بمولاه وانما نعمتك علينا بالذي جددت من عهدك و

پس مر تو است حمد بدوست داشتن او و تمام کردن نعمت را بر ما بانچه تازه کردی از عهد خود و

ميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك

پیمان تو و یاد آوری کردی ما را از ان عهد و گردانیدی ما را از اهل خالص و تصدیق کنان پیمان تو

ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من اتباع المغيرين والمبدلين و

و از کسان وفاداران عهد و مگردان ما را از پیروان تغییر دهندگان و بدل کنان و

المحرفين والمبتكين آذان الانعام والمغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ

کج روان و شکافندگان گوشهای چهارپایان و تغییر دهندگان خلق خدا و از انکه مسلط شده

عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط

بر ایشان دیو پس فراموش کرده ایشان یاد خدا را و باز داشته ایشان را از راه و راه راست

المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين والمغيرين والمبدلين والمكذبين

راست خداوندا نفرین کن انکار کنندگان را و پیمان شکنان را و تغییر دهندگان و بدل کنان را و دروغگویان

بيوم الدين من الاولين والآخرين اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى

بروز جزا را از پیشینیان و پسینیان خداوندا پس مر تو است حمد بر نعمت دادن تو بر ما براه نمائی

الذي هديتنا به الى ولاة امرك من بعد نبيك صلى الله عليه و

انچنانکه راه نمودی ما را بان بسوی والیان امر خود از بعد پیغمبر

آله الائمة الهداة الراشدين واعلام الهدى ومنار القلوب و

پیشوایان راهنمایان ره یابندگان و نشانهای رهنمائی و روشنائی دلها و

التقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم

پرهیزکاری و دستاویز استوار و کامل کرداننده دین تو و تمام کنندهٔ نعمت تو و انانکه بوسیلهٔ ایشان و بدوستی ایشان

رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد آمنا وصدقنا بمنك

پسندیدی برای ما دین اسلام را پروردگارا پس مر تو است حمد گرویدیم و تصدیق کردیم بسبب انعام تو

علينا بالرسول النذير المنذر وواليناوليهم وعادينا عدوهم و

بر ما به پیغمبر بیم کننده ترساننده دوست داشتیم دوست ایشان را و دشمن داشتیم دشمن ایشان را و

برئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك من شانك

بیزاریم از انکار کنندگان و دروغ گویان بروز جزا خداوندا پس چنانچه بود ان از کار تو

دعاء روز

يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شأن إذ أتممت علينا
نعمتك بموالاة أوليائك المسئول عنهم عبادك فإنك قلت ثم لتسئلن
يومئذ عن النعيم وقلت وقفوهم إنهم مسئولون ومننت
علينا بشهادة الإخلاص وبولاية أوليائك الهداة بعد النذير المنذر
السراج المنير فأكملت لنا به الدين وأتممت علينا النعمة وجددت لنا
عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك إيانا وجعلتنا
من أهل الإجابة ولم تنسنا ذكرك فإنك قلت وإذ أخذ ربك من بني
آدم من ظهورهم ذريتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا
بلى شهدنا بمنك ولطفك فإنك أنت الله لا إله إلا أنت ربنا ومحمد
عبدك ورسولك نبينا وعلي أمير المؤمنين عبدك الذي أنعمت به
علينا وجعلته آية لنبيك صلى الله عليه وآله وآيتك الكبرى وصراطك
المستقيم والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسئولون اللهم كما
كان من شأنك أن أنعمت علينا بالهداية إلى معرفتهم فليكن من شأنك

عيد غدير ذي الحجة

أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تبارك لنا في يومنا هذا الذي أكرمتنا به و
ذكرتنا فيه عهدك وميثاقك وأكملت ديننا وأتممت علينا نعمتك وجعلتنا
بمنك من أهل الإجابة لك والبراءة من أعدائك وأعداء أوليائك
المكذبين بيوم الدين فأسئلك يا رب تمام ما أنعمت وأن تجعلنا من
الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين و
اجعلنا مع المتقين إماما يوم ندعو كل أناس بإمامهم واحشرنا في زمرة
أهل بيت نبيك الأئمة الصادقين واجعلنا من أهل البراءة من الذين
هم دعاة إلى النار ويوم القيامة هم من المقبوحين وأحينا على ذلك ما أحييتنا
واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم صدق في الهجرة إليهم و
اجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب
على موالاة أوليائك ومعاداة أعدائك حتى تتوفانا وأنت عنا
راض قد أوجبت لنا جنتك برحمتك يا أرحم الراحمين والمثوى من جوارك
في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب

دعای روز عید غدیر ذی الحجة

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا

پروردگارا بیامرز ما را گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان پروردگار ما و بده ما را

مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ

آنچه وعده دادی ما را بر پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را خدایا

احْشُرْنَا مَعَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ

محشور کن ما را با پیشوایان راه نمایان از آل رسولت میگرویم بنهانی ایشان و آشکار ایشان

وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ

و حاضر ایشان و غائب ایشان خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق آن حقی که قرار دادی آنرا نزد ایشان و

بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي

بآنکه برتری دادی ایشانرا بر جهانیان همه آنکه برکت دهی ما را در روز ما این روزی که

أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْمُوَافَاةِ بِعَهْدِكَ الَّذِي عَهِدْتَهُ إِلَيْنَا وَالْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا

بِهِ مِنْ مُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ أَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ

از دوست داشتن دوستان تو و بیزاری از دشمنان تو آنکه تمام کنی بر ما نعمت خود را

وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعًا وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا وَلَا تَجْعَلْهُ

و مگردان آنرا عاریه و بگردان آنرا ثابت و مگیر آنرا از ما هرگز و مگردان آنرا

مُسْتَعَارًا وَارْزُقْنَا مُرَافَقَةَ وَلِيِّكَ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِلَى الْهُدَى وَتَحْتَ

عاریه شده و روزی کن ما را رفاقت دوست خود را که راه نماینده و راه یافته بسوی راه راست و در زیر

لِوَائِهِ وَفِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ دِينِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

علم او و در زمره او شهیدان راست گویان بر بینائی از دین تو بدرستیکه تو بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر این عمل بر او دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید و دیگران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک بزوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در غدیر خم بر امر دبامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول انا انزلنا و در رکعت دویم قل هو الله بخواند

چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده است بهتر است پس سجده رود و صد مرتبه شکراً لِلّٰهِ یا شکراً تنها بگوید و چون سر از سجده بردارد این دعا را بخواند اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ وَحْدَكَ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنکه مر تراست حمد و یگانه تو

لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ

نیست شریکی برای تو و بآنکه توئی یگانه یکتا بی نیاز نزائیدی و نزائیده شدی و نبوده مر ترا

كُفُوًا أَحَدٌ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ

همتای کسی و بآنکه محمد بنده تو و فرستاده تو است رحمتهای تو بر او و آل او ای آنکه او هر

يَوْمٍ فِي شَأْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ

روز در کاریست چنانکه بوده از کار تو آنکه بخشش نمودی بر من بآنکه گردانیدی مرا از اهل

إِجَابَتِكَ وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَوَفَّقْتَنِي لِذٰلِكَ فِي مُبْتَدَءِ خَلْقِي

اجابت کردن تو و اهل دین داران تو و از اهل خواندن تو و توفیق دادی مرا برای آن در اول آفرینش من

تَفَضُّلًا مِنْكَ وَكَرَمًا وَجُودًا ثُمَّ أَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا وَالْجُودَ جُودًا

از روی تفضل از تو و بزرگواری و بخشش پس از پی در آوردی آن زیادتی را زیادتی و بخشش را بخششی

وَالْكَرَمَ كَرَمًا رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ ذٰلِكَ الْعَهْدَ لِي

و کرم را نوازشی بجهت مهربانی از تو و بخشایشی تا آنکه تازه کردی آن پیمان را برای من

تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا نَاسِيًا سَاهِيًا غَافِلًا

تازه کردنی پس از تازه کردن تو آفرینش مرا و بوده باشم فراموش شده فراموش شده فراموش شده بیخبر

فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَّرْتَنِي ذٰلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ فَلْيَكُنْ

پس تمام کردی نعمت خود را بآنکه یاد آوری نمودی مرا بآن عهد و انعام کردی مرا بآن بر من و راه نمودی مرا برای او پس باید باشد

مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ تُتِمَّ لِي ذٰلِكَ وَلَا تَسْلُبْنِيهِ حَتّٰى

از شأن تو ای خدای من و آقای من و بزرگ من آنکه تمام کنی برای من آنرا و دفع نکنی از من آنرا تا

تَتَوَفَّانِي عَلَى ذٰلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعِمِينَ أَنْ تُتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ

بمیرانی مرا بر آن و حال آنکه تو از من خوشنود باشی پس تو از من سزاوارتری از انعام کنندگان آنکه تمام کنی بر من نعمت را

اللّٰهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيَكَ بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ

خدایا شنیدیم ما و اطاعت کردیم ما و اجابت کردیم ما خواننده ترا بانعام تو پس مر تراست حمد میخواهیم آمرزش ترا

رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ

پروردگارا و بسوی تو است بازگشت گرویدیم ما بخدا آنکه یگانه است نیست شریکی مر او را و برسول او محمد

للمتوسلین ١٠

دعا روز

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَّقْنَا وَاَجَبْنَا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ

فِي مُوَالاةِ مَوْلانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللّٰهِ

وَاَخِي رَسُولِهِ وَالصِّدِّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ الْمُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدِينَهُ

الْحَقَّ الْمُبِينَ عَلَماً لِدِينِ اللّٰهِ وَخَازِناً لِعِلْمِهِ وَعَيْبَةِ غَيْبِ اللّٰهِ وَمَوْضِعِ سِرِّ اللّٰهِ

وَاَمِينِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَشَاهِدِهِ فِي بَرِيَّتِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِياً

يُنَادِي لِلْاِيمَانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنَا يَوْمَ

الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ فَاِنَّا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ اَجَبْنَا دَاعِيَكَ وَ

اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ وَصَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

فَوَلِّنَا مَا تَوَلَّيْنَا وَاحْشُرْنَا مَعَ اَئِمَّتِنَا فَاِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ

آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَرَضِينَا

بِهِمْ اَئِمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللّٰهِ دُونَ خَلْقِهِ لا نَبْتَغِي

بِهِمْ بَدَلاً وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً وَبَرِئْنَا اِلَى اللّٰهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ

للمتوسلین ١٠

عید غدیر ذی حجه

حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْاَوْثَانِ

الْاَرْبَعَةِ وَاَشْيَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ وَالاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ

اِلَى آخِرِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نُشْهِدُكَ اَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَعَلَيْهِمْ وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا وَمَا دَانُوا

بِهِ دِنَّا وَمَا اَنْكَرُوا اَنْكَرْنَا وَمَنْ وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا عَادَيْنَا وَمَنْ لَعَنُوا

لَعَنَّا وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ آمَنَّا وَ

سَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا

ذٰلِكَ وَلا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً ثَابِتاً عِنْدَنَا وَلا تَجْعَلْهُ

مُسْتَعَاراً وَاَحْيِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَاَمِتْنَا اِذَا اَمَتَّنَا عَلَيْهِ آلُ مُحَمَّدٍ

اَئِمَّتُنَا فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَاِيَّاهُمْ نُوَالِي وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللّٰهِ نُعَادِي فَاجْعَلْنَا

مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَاِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُونَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس باز بفرستد درود و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه شُكْراً لِلّٰهِ بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول حاضر شده باشد و با حضرت رسول و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما ابر... آنحضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه ایشان ...

دعاء روز غدیر

يا رسول الله يا امير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما منّي افضل

ای فرستادهٔ خدا ای پادشاه مؤمنان بر شما و بر خویشان شما و بر دوستان شما از من باد بهترین

السلام ما بقي الليل والنهار وبكما اتوجّه الى الله ربّي وربّكما في نجاح طلبتي

درود مادامیکه پاینده است شب و روز و بشما رو میکنم بخدا پروردگار من و پروردگار شما در روا شدن مطلبم

وقضاء حوائجي وتيسير اموري اللهمّ اني اسئلك بحقّ محمّد وآل محمّد ان

و بر آوردن حاجات من و آسان نمودن کارهایم خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحرمت محمّد و آل محمّد اینکه

تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تلعن من جحد حقّ هذا اليوم وانكر حرمته

رحمت فرستی بر محمّد و آل محمّد و اینکه نفرین کنی آنرا که انکار کرد حق این روز را و انکار کرد حرمتش را

فصدّ عن سبيلك لاطفاء نورك فابى الله الّا ان يتمّ نوره اللهمّ فرّج

پس بازداشت مردم را از راه تو بجهت فرو نشاندن نور تو پس نخواست خدا مگر اینکه تمام کند نور خود را خدایا بگشا

عن اهل بيت محمّد نبيّك واكشف عنهم وبهم عن المؤمنين الكربات اللهمّ

از خانوادهٔ محمّد پیغمبرت و بردار از ایشان و بوسیلهٔ ایشان از مؤمنان اندوه ما را خدایا

املاء الارض بهم عدلا كما ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم

پرکن زمین را از وسیلهٔ ایشان از عدل چنانکه پر شده از ستم و ستمی و روا کن برای ایشان آنچه وعده دادهٔ بایشان

انّك لا تخلف الميعاد واگر بعد از این دعا بسجده رود و صد مرتبه شکر او صد

بدرستیکه تو خلف وعده نمیکنی

مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه بانچه تواند بگوید این دعا را الحمد لله على

اكمال الدين واتمام النعمة ورضى الربّ الكريم والحمد لله ربّ

حمد مر خدا را بر کامل کردن دین و تمام نمودن نعمت و خشنودی پروردگار بزرگوار و حمد مر خدا را که پروردگار

العالمين والصلوة على خير خلقه محمّد وعترته الطاهرين بهتر خواهد

جهانیانست و درود مقصد بهترین خلق او محمّد و خویشان او که پاک کرده شده‌اند

بود چنانکه سیّد بن باقی و کفعمی روایت کرده‌اند امّا شیخ مفید دعای این زیادتی را نقل نکرده است

فصل پنجم در فضیلت اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله میان علما خلافست و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته‌اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبّه را بجا آورند بهتر خواهد بود و آنچه مشهور است بیست و

فضیلت مباهله — ذی الحجّة

چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون حضرت رسول رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و او صاف حضرت رسالت را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند بنا بر اکثر علمای ایشان غالب شدند و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب سابقه برای آنحضرت دیده‌اند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب ریاست و اغراض باطلهٔ نفسانی قبول نکردند در ایمان آوردن و حقتعالی این آیهٔ کریمه را فرستاد فمن حاجّك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثمّ نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و الفاکردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمّد بیائید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزلهٔ جان ما یند و آنها که بمنزلهٔ جان شمایند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول عبائی بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده‌اند باو خداوندا اینها اهلبیت منند پس از ایشان ببر شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیهٔ کریمه را در شان ایشان آورد انّما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهّركم تطهيرا یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حقتعالی که زایل گرداند از شما اهلبیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک کردنی پس حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از ایشان حضرت با این بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من روئی چند میبینم

فضیلت روز

که اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرئت نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب نزدیک شده بود بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم همه این جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد به نجران و همه ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود تمام نصاری میمردند پس یک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند و باین سبب چند امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بد نمی آورد و اگر اینجماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دویم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سیم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض نفرین بد آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را بمهالک می افکند اما اعزه و عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن و حسین علیهما السلام فرزند حقیقی آنحضرت هستند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول خدا با آن صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه صلوات الله علیها بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد حقتعالی از همه بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه حضرت امیر المؤمنین در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو شخص محال است پس مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت و دیگر هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که در آنحضرت نیز باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق

مباهله ذی الحجه

باشد با آنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فواید که از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر اینها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده است و موجب مزید فضل آن گردیده آنست که در این روز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شد و امامت آنحضرت بر اصحاب بصیر مبین گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست ولی و امر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را برپا میدارند و چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این آیه نص صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در این روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسب است و روزه این روز مستحب است و تأسی بمولای خود امیر المؤمنین علیه السلام کردن در تصدق بر فقرا و ارباب حاجات بانچه مقدور و میسر باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است عمل **اول** شیخ طوسی ره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد هر یک از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و انا انزلناه ده مرتبه بخواند و اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت که از حقتعالی سؤال کند البته بر آورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز غدیر مذکور شد عمل **دویم** از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حقتعالی هست هر آینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه تأثیر مینماید البته هر نحو که مقدور باشد سعی نمایند در تحصیل آن

اعمال روز مباهله

هرچند بايد كه سؤال كنند مردم حاجتى كه عارض ميشود اين دعا را بخوانند وبعد از آن
حاجت خود را بطلبند والبته مستجاب ميگردد واين دعائيست كه در روزيكه آيه
مباهله نازل شد جبرئيل از جانب خداوند جليل بر حضرت سيد رسل صلى الله عليه
وآله نازل شد واين دعا را آورد وگفت براى مباهله بيرون رو ووصى خود على بن ابيطالب
وسيدة نسا فاطمه زهرا ودو نور ديده وفرزند پسنديده خود حسن وحسين عليهما السلام
را با خود ببر واين دعا را بخوان وبا ترسايان مباهله كن وبر ايشان نفرين كن حضرت
امام جعفر صادق عليه السلام گفت كه هرگاه اين دعا را بخوانيد جهد وسعى كنيد در دعا وتضرع
واين دعا را شفيع خود گردانيد در حاجتها واز كسيكه اهلش نباشد از سفيهان ومنافقان
پنهان داريد وبايشان تعليم منمائيد كه از علمهاء مخزونست وهر كس قابل اين گوهر گرانمايه
نيست

ابتداء دعا:

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ بَهٰائِكَ بِاَبْهٰاهُ وَكُلُّ بَهٰائِكَ بَهِىٌّ اَللّٰهُمَّ
خدايا بدرستيكه سؤال ميكنم ترا از بهترى تو بنيكوترش وهمه نيكوئى تو نيكوست خدايا
اِنّى اَسْئَلُكَ بِبَهٰائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ جَلٰالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ
سؤال ميكنم ترا بنيكوئى تو همه آن خدايا سؤال ميكنم ترا از بزرگى تو ببزرگترش وهمه
جَلٰالِكَ جَليلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِجَلٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ
بزرگى تو بزرگست خدايا بدرستيكه سؤال ميكنم ترا ببزرگى تو همه آن خدايا سؤال ميكنم ترا
مِنْ جَمٰالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمٰالِكَ جَميلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِجَمٰالِكَ كُلِّهِ
از نيكى تو بنيكوترش وهمه نيكوئى تو نيكوست خدايا سؤال ميكنم بخوبى تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَمٰا اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى كَمٰا وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ
خدايا بدرستيكه ميخوانم ترا چنانكه امر كردى مرا پس اجابت كن مرا چنانكه وعده دادى مرا خدايا سؤال ميكنم ترا
مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهٰا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ
از بزرگى تو ببزرگترش وهمه بزرگى تو بزرگست خدايا سؤال ميكنم ترا ببزرگى تو
كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ
همه آن خدايا سؤال ميكنم ترا از نور تو بروشنترش وهمه نور تو روشن است خدايا سؤال ميكنم ترا
بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهٰا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وٰاسِعَةٌ
بنور تو همه آن خدايا سؤال ميكنم ترا از رحمت تو بفراختر آن وهمه رحمت تو فراخست

مباهله ذى الحجة

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَمٰا اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى
خدايا سؤال ميكنم ترا برحمت تو همه آن خدايا بدرستيكه ميخوانم ترا چنانكه فرمودى مرا پس اجابت كن مرا
كَمٰا وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَمٰالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمٰالِكَ كٰامِلٌ اَللّٰهُمَّ
چنانچه وعده داده مرا خدايا سؤال ميكنم ترا از كمال تو بكاملترش وهمه كمال تو كامل است خدايا
اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَمٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمٰاتِكَ بِاَتَمِّهٰا وَكُلُّ
سؤال ميكنم ترا بكمال تو همه آن خدايا سؤال ميكنم ترا از سخنان تو بتمامترش وهمه
كَلِمٰاتِكَ تٰامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَلِمٰاتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ
سخنان تو تمام است خدايا سؤال ميكنم ترا بسخنان تو همه آنها خدايا سؤال ميكنم ترا از
اَسْمٰائِكَ بِاَكْبَرِهٰا وَكُلُّ اَسْمٰائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاَسْمٰائِكَ كُلِّهٰا
نامهاى تو ببزرگترش وهمه نامهاى تو بزرگست خدايا سؤال ميكنم ترا بنامهاى تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَمٰا اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى كَمٰا وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ
خدايا ميخوانم ترا چنانكه امر فرموده مرا پس اجابت كن مرا چنانچه وعده فرموده مرا خدايا سؤال ميكنم ترا
مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهٰا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهٰا
از ارجمندى تو باغلب آنها وهمه ارجمندى تو غالبست خدايا سؤال ميكنم ترا بعزت تو همه آنها
اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضٰاهٰا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مٰاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ
خدايا سؤال ميكنم ترا از خواست تو بگذرنده‌ترش وهمه خواست تو گذرنده است خدايا
اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِى اسْتَطَلْتَ
سؤال ميكنم ترا بخواست تو همه آنها خدايا سؤال ميكنم ترا بتوانائى تو كه استيلا دادى
بِهٰا عَلىٰ كُلِّ شَىْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ
بآن بر همه چيزى وهمه قدرت تو مستولى است خدايا سؤال ميكنم ترا بتوانائى تو
كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَمٰا اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى كَمٰا وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ
همه آن خدايا ميخوانم ترا چنانكه امر فرمودى مرا پس اجابت كن مرا چنانكه وعده داده مرا خدايا سؤال ميكنم ترا
مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نٰافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى
از دانش تو بروانترش وهمه دانش تو روانست خدايا سؤال ميكنم ترا بدانش تو همه آن خدايا
اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضٰاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِىٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ
سؤال ميكنم ترا از گفتار تو بپسنديده‌ترش وهمه گفتار تو پسنديده است خدايا سؤال ميكنم ترا بگفتار تو

للمعتصمين ١٤

اعمال روز

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاَحَبِّها اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ اِلَيْكَ حَبيبَةٌ

همه آن خدايا سؤال ميكنم تو را از پرسشها تو بدوست داشته تر آنها وهمه پرسشها تو نزد تو دوست داشته شده است

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني

خدايا سؤال ميكنم ترا با پرسشهای تو همه آنها خدايا من ميخوانم تو را چنانكه فرموده مرا

فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ

پس اجابت كن مرا چنانچه وعده داده مرا خدايا من سؤال ميكنم تو را از بزرگی تو ببزرگتر آنها وهمه بزرگی تو

شَريفٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ

بزرگست خدايا سؤال ميكنم تو را ببزرگی تو همه آن خدايا سؤال ميكنم تو را از پادشاهی تو

بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

هميشه بودتر آن وهمه پادشاهی تو هميشگيست خدايا سؤال ميكنم تو را بپادشاهی تو همه آن خدايا

اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ

سؤال ميكنم تو را از پادشاهی تو با عظمتتر آن وهمه پادشاهی تو عظيم است خدايا سؤال ميكنم تو را بپادشاهی

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

همه آن خدايا بدرستيكه ميخوانم تو را چنانكه فرموده مرا پس اجابت كن مرا چنانچه وعده داده مرا خدايا سؤال ميكنم ترا

مِنْ عَلائِكَ بِاَعْلاهُ وَكُلُّ عَلائِكَ عالٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعَلائِكَ كُلِّهِ

از بلندی تو ببلندتر آن وهمه بلندی تو بلند است خدا سؤال ميكنم تو را ببلندی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ آياتِكَ بِاَعْجَبِها وَكُلُّ آياتِكَ عَجيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

خدايا سؤال ميكنم تو را از نشانهای تو بشگفت‌تر آنها وهمه نشانهای تو شگفت است خدايا من سؤال ميكنم تو را

بِآياتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ

بنشانهای تو همه آنها خدايا سؤال ميكنم تو را از نعمت تو بديرينه‌تر آن وهمه انعام تو ديرينه است

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي

خدايا سؤال ميكنم تو را بنعمت تو همه آن خدايا بدرستيكه من ميخوانم ترا چنانچه فرموده مرا پس اجابت كن مرا

كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُنِ وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ

چنانكه وعده داده مرا خدايا سؤال ميكنم ترا بآنچه تو در آن از كارها وبزرگواری خدايا

اِنّي اَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبَرُوتٍ لَكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُني بِهِ

بدرستيكه سؤال ميكنم ترا بهر كاری وهر بزرگی كه مر تو راست خدايا سؤال ميكنم تو را بآنچه اجابت ميكنی مرا بآن

للزاهدين ١٥

مباهله

دعای سحر

حينَ اَسْئَلُكَ يا اَللّٰهُ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهاءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا

وقتيكه ميخوانم تو را اي خدا اي آنكه نيست خدائی جز تو سؤال ميكنم تو را ببهای كلمه لا اله الا انت

اَسْئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما

ميخوانم تو را بكلمه لا اله الا انت خدايا بدرستيكه ميخوانم ترا چنانكه امر فرموده مرا پس اجابت كن مرا چنانچه

وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عامٌّ اَللّٰهُمَّ

وعده داده مرا خدايا سؤال ميكنم تو را از روزی تو بشاملتر آن وهمه روزی تو شامل است خدايا

اِنّي اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَطائِكَ

سؤال ميكنم تو را بروزی تو همه آن خدايا سؤال ميكنم تو را از بخشش تو

بِاَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطائِكَ هَنيءٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعَطائِكَ كُلِّهِ

بگواراتر آن وهمه بخشش تو گوارا است خدا سؤال ميكنم تو را ببخششهای تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي

خدايا سؤال ميكنم تو را از نيكی تو بشتابنده‌تر آن وهمه نيكی تو شتابنده است خدايا

اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَكُلُّ

سؤال ميكنم ترا بنيكی تو همه آن خدايا سؤال ميكنم تو را از زيادتی تو بزيادتر آن وهمه

فَضْلِكَ فاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ

زيادتی تو زياده است خدايا سؤال ميكنم تو را بزيادتی تو همه آن خدايا بدرستيكه ميخوانم ترا

كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْني

چنانكه امر كرده مرا پس اجابت كن مرا چنانچه وعده داده مرا خدايا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبرانگيزان مرا

عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ وَالْوِلايَةِ

بر ايمان آوردن بتو وتصديق كردن برسول تو براو وآلش درود باد ودوستی

لِعَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ وَالْبَرائَةِ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْاِئْتِمامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ

مر علی پسر ابيطالب وبيزاری از دشمنان او وپيروی كردن پيشوايان از آل محمد

عَلَيْهِمُ السَّلامُ فَاِنّي قَدْ رَضيتُ بِذٰلِكَ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

بر ايشان درود باد پس بدرستيكه من خشنودم باين ای پروردگار خدايا رحمت كن بر محمد كه بنده تو

وَرَسُولِكَ فِي الْاَوَّلينَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرينَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

ورسول تست در پيشينيان ورحمت كن بر محمد وآل محمد در پسينيان ورحمت كن بر محمد

للزاهد ۱۵

دعاء روز

والہ فی الملأ الاعلی وصل علی محمد وآله فی المرسلین اللهم اعط محمداً

الوسیلة والشرف والفضیلة والدرجة الکبیرة اللهم صل علی محمد

وآل محمد وقنعنی بما رزقتنی وبارک لی فیما اعطیتنی واحفظنی فی غیبتی

وفی کل غائب هو لی اللهم صل علی محمد وآل محمد واسئلک خیر الخیر رضوانک

والجنة واعوذ بک من شر الشر سخطک والنار اللهم صل علی محمد وآل محمد

واحفظنی من کل مصیبة ومن کل بلیة ومن کل عقوبة ومن کل فتنة

ومن کل بلاء ومن کل شر ومن کل مکروه ومن کل مصیبة ومن کل آفة

نزلت او تنزل من السماء الی الارض فی هذه الساعة وفی کل ساعة وفی هذه

اللیلة وفی هذا الیوم وفی هذا الشهر وفی هذه السنة اللهم صل علی محمد

وآل محمد واقسم لی من کل سرور ومن کل بهجة ومن کل استقامة ومن

کل فرج ومن کل عافیة ومن کل سلامة ومن کل کرامة ومن کل

رزق واسع حلال طیب ومن کل نعمة ومن کل سعة نزلت او تنزل من

السماء الی الارض فی هذه الساعة وفی هذه اللیلة وفی هذا الیوم و

صباح

مباهله ذی الحجه

هذا الشهر وفی هذه السنة اللهم ان کانت ذنوبی قد اخلقت وجهی عندک وحالت

بینی وبینک وغیرت حالی عندک فانی اسئلک بنور وجهک الذی لا

یطفی وبوجه محمد حبیبک المصطفی وبوجه ولیک علی المرتضی وبحق

اولیائک الذین انتجبتهم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ما

مضی من ذنوبی وان تعصمنی فیما بقی من عمری واعوذ بک اللهم ان اعود

فی شیء من معاصیک ابداً ما ابقیتنی حتی تتوفانی وانا لک مطیع وانت

عنی راض وان تختم لی عملی باحسنه وتجعل لی ثوابه الجنة وان

تفعل بی ما انت اهله یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة صل علی

محمد وآل محمد وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین وبعد از آن هر حاجت

که داری از حق تعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده است **مؤلف گوید** که خواندن این دعا در روز مباهله و شیخ طوسی ره نیز در این روز روایت کرده است و از روایت مذکوره معلوم میشود که در هر وقت میتوان خواندن و در دعا اختلافی هست میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده‌ام و شایسته است باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم‌ترین دعاها است **عمل سیم** آنست که شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده‌اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه

اعمال روز

ذی الحجه است و در این روز اگر خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از ان هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بگو پس بنشینی و بموضع سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر نعمتهای بزرگ خدا براین نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین جامها خود را بپوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه حاضر باشی نزد ان ضریح مقدس حاضر شو و الا بجا خلوتی برو یا بر کوه بلندی بر آئی یا بصحرائی برو و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامهای خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از ان فرمود که پس هر دعائیکه خواهی بکن باز دو رکعت نماز بکن و دعا بکن و دعا

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فاطِرِ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَهُ ما فِی السَّمٰواتِ وَما فِی الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی خَلَقَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُماتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذینَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی عَرَّفَنی ما كُنْتُ بِهِ جاهِلاً وَلَوْلا تَعْریفُهُ اِیّایَ لَكُنْتُ هالِكاً اِذْ قالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ اَجْراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبیٰ فَبَیَّنَ لِیَ الْقَرابَةَ ثُمَّ قالَ سُبْحانَهُ اِنَّما یُریدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَكُمْ تَطْهیراً فَبَیَّنَ لی اَهْلَ الْبَیْتِ بَعْدَ الْقَرابَةِ ثُمَّ قالَ اللّٰهُ تَعالیٰ مُبَیِّناً

مباهله ذی الحجه

عَنِ الصّادِقینَ الَّذینَ اَمَرَنا بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ وَالرَّدِّ اِلَیْهِمْ بِقَوْلِهِ سُبْحانَهُ یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقینَ فَاَوْضَحَ عَنْهُمْ وَاَبانَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَناؤُهُ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ اَبْناءَنا وَاَبْناءَكُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَكُمْ وَاَنْفُسَنا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَی الْكاذِبینَ فَلَكَ الشُّكْرُ یا رَبِّ وَلَكَ الْمَنُّ حَیْثُ هَدَیْتَنی وَاَرْشَدْتَنی حَتّیٰ لَمْ یَخْفَ عَلَیَّ الْاَهْلُ وَالْبَیْتُ وَالْقَرابَةُ فَعَرَّفْتَنی نِساءَهُمْ وَاَوْلادَهُمْ وَرِجالَهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِذٰلِكَ الْمَقامِ الَّذی لا یَكُونُ اَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلاً لِلْمُؤْمِنینَ وَلا اَكْثَرَ مِنْهُ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْریفِكَ اِیّاهُمْ شَأْنَهُ وَاِبانَتِكَ فَضْلَ اَهْلِهِ الَّذینَ بِهِمْ اَدْحَضْتَ باطِلَ اَعْدائِكَ وَثَبَّتَّ بِهِمْ قَواعِدَ دینِكَ وَلَوْلا هٰذَا الْمَقامُ الْمَحْمُودُ الَّذی اَنْقَذْتَنا بِهِ وَدَلَلْتَنا عَلَی اتِّباعِ الْمُحِقّینَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّكَ الصّادِقینَ عَنْكَ الَّذینَ عَصَمْتَهُمْ مِنْ لَغْوِ الْمَقالِ وَمَدانِسِ الْاَفْعالِ لَخَصَمَ اَهْلَ الْاِسْلامِ وَظَهَرَتْ كَلِمَةُ اَهْلِ الْاِلْحادِ وَفِعْلُ اُولِی الْعِنادِ

دعا

دعا روز

فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك وأياديك اللهم فصل
على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا
ولايتهم وأكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول
الثابت الذي عرفوناه فأعنا على الأخذ بما بصروناه واجز محمداً
عنا أفضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في إبلاغ رسالاتك
وأخطر بنفسه في إقامة دينك وعلى أخيه ووصيه والهادي من بعده
إلى دينه والمقيم سنته علي أمير المؤمنين صلوات الله عليه وصل
على الأئمة من أبنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك و
أدخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا أرحم الراحمين اللهم هؤلاء أصحاب
الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا وأسألك بحق
ذلك المقام المحمود واليوم المشهود أن تغفر لي وتتوب علي إنك
أنت التواب الرحيم اللهم إني أشهد أن أرواحهم وطينتهم واحدة وهي
الشجرة التي طاب أصلها وفرعها وأغصانها وأوراقها اللهم ارحمنا

صباح

مباهله ذی الحجه

بحقهم وأجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم وأوردنا موارد
الأمن من أهوال يوم القيامة بحبهم وإقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم
واقتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك ووقفونا عليه
من تعظيم شأنك وتقديس أسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات أن تحلك
والعلم أن يحيط بك والوهم أن يقع عليك فإنك أقمتهم حججاً على خلقك و
دلائل على توحيدك وهداة تنبه على أمرك وتهدي إلى دينك وتوضح ما
أشكل على عبادك وباباً للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك
وتدعو إلى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وأنت المتفضل عليهم حيث
قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك و
أورثتهم غوامض تأويلك رحمة بخلقك ولطفاً بعبادك وحناناً على
بريتك وعلماً بما تنطوي عليه ضمائر أمنائك وما يكون من شأن صفوتك
وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم وحرستهم من نفث نافث إليهم وأريتهم
برهاناً على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لأمرك وشغلوا أنفسهم

دعا

دعا روز

بِطاعَتِكَ وَمَلَؤُا اَجْزائَهُم مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا قُلُوبَهُم بِتَعْظيمِ اَمْرِكَ وَجَزَّؤُا

اَوْقاتَهُم فيما يُرْضيكَ وَاَخْلَوْا دَخائِلَهُم مِنْ مَعاريضِ الْخَطَراتِ الشّاغِلَةِ

عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُم مَكامِنَ لِاِرادَتِكَ وَعُقُولَهُم مَناصِبَ لِاَمْرِكَ وَ

نَهْيِكَ وَاَلْسِنَتَهُم تَراجِمَةً لِسُنَّتِكَ ثُمَّ اَكْرَمْتَهُم بِنُورِكَ حَتّى فَضَّلْتَهُم مِنْ

بَيْنِ اَهْلِ زَمانِهِم وَالْاَقْرَبينَ اِلَيْهِم فَخَصَصْتَهُم بِوَحْيِكَ وَاَنْزَلْتَ اِلَيْهِم كِتابَكَ

وَاَمَرْتَنا بِالتَّمَسُّكِ بِهِم وَالرَّدِّ اِلَيْهِم وَالْاِسْتِنْباطِ مِنْهُم اَللّٰهُمَّ اِنّا قَدْ

تَمَسَّكْنا بِكِتابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِم اَلَّذينَ اَقَمْتَهُم لَنا دَليلاً

وَعَلَماً وَاَمَرْتَنا بِاتِّباعِهِم اَللّٰهُمَّ فَاِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِهِم فَارْزُقْنا شَفاعَتَهُم حينَ

يَقُولُ الْخائِبُونَ فَما لَنا مِنْ شافِعينَ وَلا صَديقٍ حَميمٍ وَاجْعَلْنا مِنَ الصّادِقينَ

الْمُصَدِّقينَ لَهُمُ الْمُنْتَظِرينَ لِاَيّامِهِمُ النّاظِرينَ اِلى شَفاعَتِهِم وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ

اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ آمينَ رَبَّ

الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلى اَخيهِ وَصِنْوِهِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ

وَقِبْلَةِ الْعارِفينَ وَعَلَمِ الْمُهْتَدينَ وَثانِي الْخَمْسَةِ الْمَيامينِ اَلَّذينَ فَخَرَ بِهِمُ

صباح

مباهله

دعا حجه

الرُّوحُ الْاَمينُ وَباهَلَ اللّٰهُ تَعالى بِهِمُ الْمُباهِلينَ فَقالَ وَهُوَ اَصْدَقُ الْقائِلينَ

فَمَنْ حاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ اَبْنائَنا وَاَبْنائَكُمْ وَ

نِسائَنا وَنِسائَكُمْ وَاَنْفُسَنا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَى

الْكاذِبينَ ذلِكَ الْاِمامُ الْمَخْصُوصُ بِمُؤاخاتِهِ يَوْمَ الْاِخاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ

بَعْدَ ضُرِّ الطَّوى وَمَنْ شَكَرَ اللّٰهُ سَعْيَهُ في هَلْ اَتى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعادُوهُ

وَاَقَرَّ بِمَناقِبِهِ جاحِدُوهُ مَوْلَى الْاَنامِ وَمُكَسِّرُ الْاَصْنامِ وَمَنْ لَمْ تَاْخُذْهُ فِي اللّٰهِ

لَوْمَةُ لائِمٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهارِ وَاَوْرَقَتِ الْاَشْجارُ

وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْواضِحاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَاين دعا بحسب

سند و متن اصح ادعیه است

ودیگر از ایام متبرکه

روز بیست و پنجم است و مشهور آنستکه در این روز سورۀ کریمۀ هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمۀ زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده است بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین نذر کردند که اگر خدا ایشانرا عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت فرمود هر چهار بزرگوار با فضه خادمۀ ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بان افطار نمایند پس حضرت امیر علیه السلم قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه علیها السلم هر روز ثلث آن پشم را بریسد و یک صاع از آن جو را بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت فاطمه علیها السلم قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد

جوشن

فضیلت روز

کرد و پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر المؤمنین ع با حضرت رسول ص نماز شام کرد و بخانه
برگشت و حضرت فاطمه علیها السلام پنج کرده نان را حاضر کرد و خواستند افطار نمایند مسکینی
بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهلبیت محمد ص من مسکینم از مساکین مسلمانان
مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائده های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر علیه السلام ابتدا
کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و سایر اهلبیت علیهم السلام با فضه با آنحضرت موافقت
کردند و نانهای خود را بسائل دادند و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه
داشتند و باز حضرت فاطمه صلوات الله علیها بمزد ریشتن یک ثلث دیگر از پشم یک صاع
دیگر را برداشت و آرد کرد و پنج کرده نان دیگر پخت و چون خواستند افطار کنند
سائلی بر در خانه آمد و صدا کرد که السلام علیکم ای اهلبیت محمد ص من یتیمی ام از
اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را
از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر مؤمنان اول نان خود را داد و بعد او فاطمه
زهرا و بعد از او دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند همگی نانهای
خود را بیتیم دادند و بآب افطار کردند و در روز سیم روزه داشتند و باز حضرت
سیدة النساء در روز سیم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آسیا
خورد کرد و باز پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برگشت حضرت
فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد
که السلام علیکم ای اهلبیت محمد ص ما را اسیر میکنید و میبندید و طعام نمیدهید
بجوع پس هم بجوشیهای سابق همه کرده های نان را بسائل دادند و بآب خالص افطار
فرمودند چون صبح شد حقتعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد
و در آن سوره اشاره باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَیَخَافُونَ یَوْمًا
کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیرًا وَیُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مِسْکِینًا وَیَتِیمًا وَأَسِیرًا
إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَلَا شُکُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ
رَبِّنَا یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِیرًا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی
که شر آن روز اکثر خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت آن

کبیر

بیست و پنجم ذی الحجه

تا از برای محض محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میگویند یعنی در دل خود و نیت ایشان
اینست که ما طعام نمیدهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم از شما جزا و نه پاداشی
و نه شکر و ثنائی ما میترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت و هول است و چون
در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل
شد حضرت رسول ص بخانه اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشان را با آن شدت گرسنگی و آن حالت
غریب مشاهده نمود گریست و فرمود که این چه حالت است که در شما مشاهده مینمایم و امام
حسن و امام حسین علیهما السلام را دید که از نهایت بیحالی و از گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون
آمده میلرزند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی
شکم مبارکش بپشت چسبیده بود و چشمها بگودی فرو رفته بود چون از نماز فارغ شد
حقتعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود گوشت و ترید گرم در
میان آن بود که میجوشید و بوئی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه
آن خوان را نزد حضرت رسول ص آورد حضرت فرمود که ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت
از جانب خدا آمده است خدا هر کرا خواهد روزی میدهد بیحساب حضرت فرمود که
الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس
از آن تناول نمودند و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرت صادق
فرمود که آن کاسه نزد ما است و حضرت صاحب الامر علیه السلام آنرا ظاهر خواهد کرد و
طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق
بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است
که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق
کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید ره گفته است
که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سوره هل اتی در
شان آل عبا علیهم السلام و ایضا مناسب است غسل زیارت و زیارت ائمه علیهم السلام و
زیارت جامعه را خواندن در این روز مناسب است و چون بعضی از علما این روز را روز
مباهله میدانسته اند دعای مباهله را در این روز خواندن خوبست و روز بیست و ششم

جوشن کبیر

اعمال دهه

بنا بر مشهور عمر را خنجر بر شکم زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد
و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد
و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله برطرف شد پس در این روز شکر این نعمت باید
کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز متولد شده است
و در روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر از دنیا رفته است و باین سبب
فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت
است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره
قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِی هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ
بخواند و بعد از سلام این دعا را بخواند
نَهَیْتَنِی عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسِیتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنِی اِلَی التَّوْبَةِ بَعْدَ
اجْتِرَائِی عَلَیْکَ اَللّٰهُمَّ فَاِنِّی اَسْتَغْفِرُکَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِی وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ
یُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ فَاقْبَلْهُ مِنِّی وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی مِنْکَ یَا کَرِیمُ

باب ششم

در اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال دهه اول محرم است
از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند
و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِیمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ فَاَسْئَلُکَ فِیهَا الْعِصْمَةَ
مِنَ الشَّیْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ

کبیر

اول ماه محرم

بِمَا یُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ یَا کَرِیمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یَا
ذَخِیرَةَ مَنْ لَا ذَخِیرَةَ لَهُ یَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ لَهُ
یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ یَا کَنْزَ مَنْ لَا کَنْزَ لَهُ یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ
یَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ یَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰی یَا مُنْجِیَ الْهَلْکٰی یَا مُنْعِمُ یَا مُجْمِلُ
یَا مُفْضِلُ یَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِی سَجَدَ لَکَ سَوَادُ اللَّیْلِ وَنُورُ النَّهَارِ وَضَوْءُ
الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِیُّ الْمَاءِ وَحَفِیفُ الشَّجَرِ یَا اَللّٰهُ لَا شَرِیکَ
لَکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ خَیْرًا مِمَّا یَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا یَعْلَمُونَ وَلَا
تُؤَاخِذْنَا بِمَا یَقُولُونَ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اٰمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا یَذَّکَّرُ اِلَّا
اُولُوا الْاَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ
لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و چون حضرت سید الشهدا صلوات الله
علیه در دهم این ماه بسعادت شهادت فائز
گردیده و در اکثر این ده محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید
باید که شیعیان ایشان در مجموع این ده بلوازم تعزیه آنحضرت قیام نمایند و محزون
واندوهناک باشند و اخبار و احادیثی که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند
و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا منقولست که

جوشن

اعمال دهه

ماه محرم ماهی بود که کافران در ایام جاهلیت جنگ کردن را در آن حرام میدانستند و منافقان این امت در اینماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه را در باب ما رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت امام حسین علیه السلام چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیدهای ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل گردانید و واقعه کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصائب آنحضرت گریه کنند گان بگریند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و میگفت امروز روز شهادت حسین علیه السلام است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین ع شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آن حضرت آنقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حقتعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ تورا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناهی بر تو نباشد زیارت کن امام حسین علیه السلام را و اگر خواهی که در غرفهای بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین ع را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت مصیبت آنحضرت بیاد آوری بگو یا لَیتَنی کُنتُ مَعَهُم فَاَفُوزَ فَوزاً عَظِیماً یعنی ای کاشکی من میبودم با ایشان پس رستگاری مییافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و **بدانکه** روزهٔ روز اول محرم مستحبست و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در روز اول محرم حضرت زکریا ع دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه دارد و دعا کند حقتعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید ره گفته است که روز سیم محرم روز مبارکیست و در آن روز حضرت یوسف ع از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حقتعالی کارهای صعب را بر او آسان گرداند و غمهای او را

کبیر

اول ماه محرم

زایل گرداند و بهتر آنستکه روز نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل حسین ع روزه میداشته اند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزهٔ آنها بر حضرت رسول بسته اند و از طرق اهل بیت ع احادیث بسیار در مذمت روزهٔ این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنه از برای برکت آذوقهٔ سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده اند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و بی کاری نرود حقتعالی حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریهٔ او باشد حقتعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیهٔ آنحضرت بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربتی آب باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزهٔ واجبی داشته باشد که بنذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روزه را باید بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بگوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق ع که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او بکند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او بکند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تاسی بحضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بیحیا تا صباح

احیا کردند و عبادت و تهیهٔ اسباب شهادت میکردند **فصل دوم** در
زیارت مشهور آنحضرت است در روز عاشورا و فضیلت زیارت آنحضرت در شب و
روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب عاشورا نزد
قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده
و بهیئت شهدای کربلا در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت
کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح از آنحضرت
منقولست که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند بهشت او را
واجب گردد **و اما** زیارت مشهوره شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان روایت کرده‌اند از
سیف بن عمیره و صالح بن عقبه هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمة بن محمد حضرمی و
هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام
حسین علیه السلام را در روز دهم محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز
قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که هر یک را با
رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثوابست
برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود
که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانهٔ
خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آنحضرت
و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس ندبه
و نوحه و گریه کند بر حسین علیه السلام و امر کند هر که را در خانهٔ او است و از او تقیه نکند
بگریه کردن بر آنحضرت و در خانهٔ خود مصیبتی برپا دارد باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات
کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانه‌ها خود بگریه کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان
بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هر گاه این کارها را بکنند حق تعالی
جمیع این ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت گفتم تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان
باین ثواب فرمود بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیه بگویند فرمود که میگویند
عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا وَاِیّاکُمْ مِنَ
بزرگ کند خدا مزد ما را بسبب ماتم داری ما بجهت حسین برادر و درود باد و گرداند ما را و شما را از

الطّالبین

الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ

و اگر تواند در آن روز از برای هیچ کاری از خانه بیرون نرود که آن روز نحسیست که حاجت
هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمیشود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست
و در آن خیری و رشدی نخواهد بود و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این
روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است
و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای او پس کسیکه چنین
کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را
با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی
و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتیکه خدا دنیا را خلق کرده
است تا روز قیامت علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم
نما بمن دعائیکه بخوانم در این روز که هر گاه که خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و
دعائیکه هر گاه در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود
که ای علقمه هر گاه بکنی این دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت
بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز این قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده
خواهی بود بدعائیکه ملائکه میخوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد
خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند می
کند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده
باشند با حسین بن علی علیهما السلام تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و
نشناسند ترا مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر
پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از روزیکه
شهید شده است اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ
درود باد بر تو ای پدر بندهٔ خدا درود بر تو باد ای پسر
رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ
فرستادهٔ خدا درود بر تو باد ای پسر پادشاه مؤمنان و پسر آقای جانشینان

زیارت عاشورا

السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ

وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِکَ

عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ یا اَبا

عَبْدِاللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ

اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصیبَتُکَ فِی السَّمواتِ عَلی جَمیعِ اَهْلِ

السَّمواتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ وَاَزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی رَتَّبَکُمُ

اللهُ فیها وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدینَ لَهُمْ بِالتَّمْکینِ مِنْ

قِتالِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِیائِهِمْ

یا اَبا عَبْدِاللهِ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ اِلی یَوْمِ الْقِیمَةِ وَلَعَنَ

اللهُ آلَ زِیادٍ وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ بَنی اُمَیَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ

وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ

وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ فَاَسْئَلُ

محرم

اللهَ الَّذی اَکْرَمَ مَقامَکَ وَاَکْرَمَنی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ

مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً بِالْحُسَیْنِ

عَلَیْهِ السَّلامُ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا اَبا عَبْدِاللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ وَ

اِلی اَمیرِالْمُؤْمِنینَ وَاِلی فاطِمَةَ وَاِلَی الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ بِمُوالاتِکَ وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ

قاتَلَکَ وَنَصَبَ لَکَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ

عَلَیْکُمْ وَاَبْرَءُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ ذلِکَ وَبَنی عَلَیْهِ بُنْیانَهُ وَ

جَری فی ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَیْکُمْ وَعَلی اَشْیاعِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ

اِلَی اللهِ ثُمَّ اِلَیْکُمْ بِمُوالاتِکُمْ وَمُوالاةِ وَلِیِّکُمْ وَبِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکُمْ وَ

النّاصِبینَ لَکُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَرائَةِ مِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ

وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ وَوَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی

اَکْرَمَنی بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِیائِکُمْ وَرَزَقَنِی الْبَرائَةَ مِنْ اَعْدائِکُمْ اَنْ

یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَاَنْ یُثَبِّتَ لی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی

الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یُبَلِّغَنِی الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَکُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ

زیارت عاشوراء

یرزقنی طلب ثاری مع امام مهدی ظاهر ناطق منکم واسأل الله بحقکم وبالشأن

روزی کند مرا طلب کردن خون مرا با امام راه یافته آشکار گویا از شما و سؤال میکنم خدا را بحق شما و به مرتبه

الذی لکم عنده ان یعطینی بمصابی بکم افضل ما یعطی مصاباً بمصیبته یا لها

آنکه شما راست نزد او اینکه بدهد مرا بمصیبت زده شدنم با شما فزونتر آنچه بدهد مصیبت زده را بمصیبتش ای بزرگ

مصیبة ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام وفی جمیع اهل السموات و

از مصیبتی که چه بزرگست آن مصیبت و بزرگست مصیبتش در اسلام و در همه اهل آسمانها و

الارض اللهم اجعلنی فی مقامی هذا ممن تناله منک صلوات ورحمة ومغفرة

زمین خدایا بگردان مرا در ایستادنگاهم این از آنانکه برسد او را از تو رحمتها و رحمت و آمرزش

اللهم اجعل محیای محیا محمد وآل محمد ومماتی ممات محمد وآل محمد اللهم ان

خدایا بگردان زندگی مرا زندگی محمد وآل محمد و مردگی مرا مردگی محمد وآل محمد خدایا بدرستیکه

هذا یوم تبرکت به بنو امیة وابن آکلة الاکباد اللعین بن اللعین علی لسان

این روزیست که برکت جستند بآن بنی امیه و پسر خورنده جگرها لعن کرده شده پسر لعن کرده شده بر زبان

نبیک صلی الله علیه وآله فی کل موطن وموقف وقف فیه نبیک صلوات الله

پیغمبر تو رحمت خدا براو وآل او در هر جایگاه و ایستادنگاه که ایستاده است در آن پیغمبر تو رحمتهای

علیه وآله اللهم العن ابا سفیان ومعویة ابن ابی سفیان ویزید بن معویة

براو و برآل او خدایا لعنت کن ابوسفیان و معویه پسر ابوسفیان و یزید پسر معویه را

علیهم منک اللعنة ابد الابدین وهذا یوم فرحت به آل زیاد وآل

برایشان از تو لعنت همیشه و این روزیست که خوشحال شدند آل زیاد وآل

مروان بقتلهم الحسین صلوات الله علیه اللهم فضاعف علیهم اللعن

مروان بکشتن ایشان حسین را رحمتهای خدا براو خدایا دو چندان کن برایشان نفرین را

منک والعذاب اللهم انی اتقرب الیک فی هذا الیوم وفی موقفی هذا وایام

از خود و شکنجه را خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بتو در این روز و در ایستادنگاهم این و روزهای

حیوتی بالبرائة منهم واللعنة علیهم وبالموالاة لنبیک وآل نبیک علیهم

زندگانیم به بیزاری از ایشان و نفرین برایشان و بدوستی کردن پیغمبرت را وآل پیغمبرت را برایشان

السلام پس صد مرتبه بگوئی اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد

باد درود خدایا نفرین کن اول ستمکاری را که ستم کرد حق محمد

وال

وآل محمد وآخر تابع له علی ذلک اللهم العن العصابة التی جاهدت الحسین

وآل محمد و دوم کسیکه پیروی او کرد بر آن ستم خدایا نفرین کن جماعتی را که جهاد کردند حسین را

وشایعت وبایعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جمیعاً پس صد مرتبه بگو

و پیروی کردند و بیعت کردند و متابعت کردند بر کشتن حسین خدایا نفرین کن ایشان را همه

السلام علیک یا ابا عبدالله وعلی الارواح التی حلت بفنائک

درود باد بر تو ای پدر بنده خدا و درود بر جانهائی که فرود آمدند بدرگاه تو

علیک منی سلام الله ابداً ما بقیت وبقی اللیل والنهار ولا جعله

بر تو باد از من رحمت خدا همیشه مادام که باقی هستم و باقیست شب و روز و نگرداند آنرا

الله آخر العهد منی لزیارتک السلام علی الحسین وعلی علی بن الحسین

خدا آخر پیمان من برای زیارت تو درود باد بر حسین و بر علی پسر حسین

وعلی اولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین پس میگوئی اللهم خص انت اول ظالم

و بر اولاد حسین و بر اصحاب و یاران حسین خدایا مخصوص کن تو اول ستمکار را

باللعن منی وابدأ به اولاً ثم الثانی ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن یزید

بنفرین از من و ابتدا کن بآن لعن اول را پس دوم را پس سیم را پس چهارم را خدایا لعنت کن یزید

بن معویة خامساً والعن عبیدالله بن زیاد وابن مرجانة وعمر بن سعد

پسر معویه پنجمی را و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد را و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد را

وشمراً وآل ابی سفیان وآل زیاد وآل مروان الی یوم القیمة پس بسجده میروی و میگوئی

و شمر وآل ابی سفیان وآل زیاد وآل مروان را تا روز قیامت

اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک علی مصابهم الحمد لله علی عظیم رزیتی

خدایا مر تراست حمد سپاس ستایش کنندگان تو مر تراست بر اندوهای ایشان حمد مر خدا را بر بزرگی اندوهم

اللهم ارزقنی شفاعة الحسین علیه السلام یوم الورود وثبت لی قدم

خدایا روزی کن مرا شفاعت حسین علیه السلام را روز وارد شدن بتو و ثابت دار مرا قدم

صدق عندک مع الحسین واصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون

راستی نزد تو با حسین و یاران حسین آنانکه دادند جانهای خود را نزدیک

الحسین علیه السلام علقمه گفت که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر توانی هر

حسین علیه السلام روز آنحضرت را باین زیارت زیارت کنی بکن که جمیع این ثوابها

ازبرای

جوشن

دعا علقمه

از برای تو خواهد بود و در روایت دیگر محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت علیه السلام بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت کنید حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان از بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد در وقتیکه من در خدمت آنحضرت باین مکان شریف آمده بودم پس خواند صفوان آن زیارتی را که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین علیه السلام و وداع کرد بعد از آن امیر المؤمنین علیه السلام را و رو بجانب قبر امام حسین علیه السلام کرد و آن حضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد از آن یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین

دو رکعت خواند این دعا بود

یا کاشف کرب المکروبین یا غیاث المستغیثین و یا صریخ المستصرخین و یا من هو اقرب الی من حبل الورید و یا من یحول بین المرء و قلبه و یا من هو بالمنظر الاعلی و بالافق المبین و یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی و یا من یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و یا من لا تخفی علیه خافیة و یا من لا تشتبه علیه الاصوات و یا من لا تغلطه الحاجات و یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرک کل فوت و یا جامع کل شمل و یا باریء النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شأن یا قاضی الحاجات یا منفس الکربات یا معطی السؤلات

کبیر

دهم محرم

یا ولی الرغبات یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء فی السموات و الارض اسئلک بحق محمد و علی و بحق فاطمة بنت نبیک و بحق الحسن و الحسین و التسعة من ولد الحسین علیهم السلام فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی هذا و بهم اتوسل و بهم اتشفع الیک و بحقهم اسئلک و اقسم و اعزم علیک و بالشأن الذی لهم عندک و بالقدر الذی لهم عندک و بالذی فضلتهم علی العالمین و باسمک الذی جعلته عندهم و به خصصتهم دون العالمین و به ابنتهم و ابنت فضلهم من فضل العالمین حتی فاق فضلهم فضل العالمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکشف عنی غمی و همی و کربی و تکفینی المهم من اموری و تقضی عنی دینی و تجیرنی من الفقر و تجیرنی من الفاقة و تغنینی عن المسئلة الی المخلوقین و تکفینی هم من اخاف همه و عسر من اخاف عسره و حزونة من اخاف حزونته و شر من اخاف شره و مکر من اخاف مکره و بغی من اخاف بغیه و جور من اخاف جوره و سلطان من اخاف سلطانه و کید من اخاف کیده و مقدرة

جوشن

دعاء علقمه

من اخاف بلاء مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة ومكر المكرة اللهم
من ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده واصرف عني كيده ومكره وباسه
وامانيه وامنعه عني كيف شئت وانى شئت اللهم اشغله عني
بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه
وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب
عينيه وادخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في بدنه حتى
تشغله عني بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته ذكرك
وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه و
ادخل عليه في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا
به عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك فانك الكافي لا كافي سواك
ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار سواك خاب
من كان رجاؤه سواك ومغيثه سواك ومفزعه الى سواك ومهربه وملجاه
الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي ومفزعي ومهربي

کبیر

دهم محرم

وملجاي ومنجاي فبك استفتح وبك استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه اليك
واتوسل واتشفع فاسألك يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر
واليك المشتكى وانت المستعان فاسألك يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي في مقامي
هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول عدوه
فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني كما فرجت عنه واكفني كما
كفيته واصرف عني هول ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم
ما اخاف همه بلا مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء حوائجي و
كفاية ما اهمني همه من امر آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله
عليكما مني سلام الله ابدا ما بقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد
من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريته
وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني و
بينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله

جوشن

دعاء علقمه

أتيتكما زائراً ومتوسّلاً إلى الله ربّي وربّكما ومتوجّهاً إليه بكما ومستشفعاً

اى دو آقا آمدم شمارا زيارت كننده و متوسل شده بخدا ... و شفاعت جوينده

بكما إلى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فإنّ لكما عند الله المقام المحمود و

بسبب شما بخدا در حاجتم ... پس شفيع شويد براى من ... نزد خدا جايگاه ستوده و

الجاه الوجيه والمنزل الرّفيع والوسيلة إنّي أنقلب عنكما منتظراً

مقام و رتبه و جاى بلند ... منتظرم

لتنجّز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي إلى الله في ذلك

براى روا شدن حاجت ... بخدا ... در اين حاجت

فلا أخيب ولا يكون منقلبي منقلباً خائباً خاسراً بل يكون منقلبي

پس نوميد نشوم ... بلكه باشد ... بازگشتن من

منقلباً راجحاً مفلحاً منجحاً مستجاباً لي بقضاء جميع حوائجي وتشفّعا لي إلى

بازگشتن ... رستگارى ... حاجتهاى من و شفاعت كنيد براى من

الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا قوّة إلّا بالله مفوّضاً أمري

بخدا ... مگر بخدا ... باز گذارنده ام كارم را

إلى الله ملجئاً ظهري إلى الله ومتوكّلاً على الله وأقول حسبي الله وكفى سمع

بخدا ... و توكل كننده ام بر خدا ... و كافيست شنونده است

الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربّي كان

خدا ... اى آقايان من ... آنچه خواسته است خدايم بوده

وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوّة إلّا بالله أستودعكما الله ولا جعله

و آنچه نخواهد نباشد و نيست حركت و قوت مگر بخدا ... و مگرداند

الله آخر العهد منّي إليكما انصرفت يا سيّدي يا أمير المؤمنين ومولاي وأنت

خدا آنرا زمان آخر عهد من ... باز گرديدم ... اى پادشاه مؤمنان و آقاى من و تو

يا أبا عبد الله يا سيّدي وسلامي عليكما متّصل ما اتّصل اللّيل والنّهار

اى پدر بنده خدا ... اى آقاى من ... پيوسته ... مادام كه پيوسته است شب و روز

واصل ذلك إليكما غير محجوب عنكما سلامي إن شاء الله وأسئله بحقّكما

رسنده است اين سلام ... پوشيده نشود از شما ... اگر خواهد خدا ... و سؤال ميكنم خدارا بحق شما

دهه محرم

أن يشاء ذلك ويفعل فإنّه حميد مجيد انقلبت يا سيّدي عنكما تائباً حامداً

كه خواهد آنرا ... برگرديدم ... توبه كننده و ستايش كننده

لله شاكراً راجياً للإجابة غير آيس ولا قانط آئباً عائداً راجعاً إلى زيارتكما

مر خدارا شكر گذار اميدوار بر اجابت نه نااميد ... رجوع كننده بزيارت شما

غير راغب عنكما ولا من زيارتكما بل راجع عائد إن شاء الله ولا حول و

رغبت دارنده بشما ونه از زيارت شما بلكه باز گردنده ام ... اگر خواهد خدا ونيست حول و

لا قوّة إلّا بالله يا سادتي رغبت إليكما وإلى زيارتكما بعد أن زهد فيكما

قوت مگر بخداى اى آقايان من ... خشنود ... بشما و در زيارت شما ... در شما

وفي زيارتكما أهل الدّنيا فلا خيّبني الله ممّا رجوت وما أمّلت في زيارتكما

و در زيارت شما اهل دنيا ... از آنچه اميدوارم ... در زيارت شما

إنّه قريب مجيب سيف بن عميره گفت من بصفوان گفتم كه علقمه اين زيارت را از

امام محمد باقر عليه السلام از براى ما روايت نكرد اين دعارا نقل نكرد صفوان گفت كه من وارد شدم با سيد مولدم امام جعفر صادق عليه السلام باين مكان پس كرد مثل آنچه ما كرديم در زيارت و اين دعارا خواند در هنگام وداع بعد از آنكه دو ركعت نماز را كرد و آن وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت كه حضرت صادق عليه السلام بمن گفت كه تعاهد نما اين زيارت را و بخوان اين دعارا و باين نحو زيارت بكن كه من ضامنم بر خدا كه هر كه اين زيارت را بكند و اين دعارا بخواند از نزديك يا دور اينكه زيارتش مقبول باشد و سعيش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب نگردد و هر حاجت كه از خدا طلب بكند برآورده شود هر چه باشد جنش بزرگ باشد اى صفوان اين زيارت را با همين ضامنى از پدرم شنيدم و پدرم از على بن الحسين عليه السلام با همين ضامنى و او از امام حسين عليه السلام با همين ضامنى و او از امام حسن عليه السلام با همين ضامنى و او از پدرش امير المؤمنين با همين ضامنى و امير المؤمنين از رسول خدا با همين ضامنى و رسول خدا از جبرئيل با همين ضامنى و جبرئيل از خداوند عالميان با همين ضامنى و بتحقيق كه حق تعالى قسم بذات مقدس خود خورده است كه هر كه حضرت امام حسين عليه السلام را باين روش زيارت كند از نزديك يا دور و اين دعارا بخواند زيارت او را قبول كنم و هر حاجت كه طلب كند برآورم هر چند

زیارت سائر

بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید نکردند او را بر گردانم
شاد و خوشحال بر آمدن حاجاتش و فائز شدن به بهشت و از شدت جهنم و از برای
هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر کسیکه دشمن اهل‌البیت شده و
گواه گرفت خدا ما را بر اینها گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود پس جبرئیل
گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور
و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان
تو تا روز قیامت پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای صفوان هرگاه تو را حاجتی
بسوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار
خود حاجت خود را طلب کن البته بر آورده میشود و حق تعالی خلف وعده خود
نمیفرماید **مؤلف گوید** که چون عبارت حدیث مشتمل بر تعلیمی دارد و قابل
احتمال بسیار هست اگر اول زیارت السلام علیک یا اباعبدالله و انا و آل
نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر
است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام
بار دیگر نماز بکند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بجمیع احتمالات
عمل کرده باشد و اگر اول یکی از زیارات معتبره را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این
اعمال را بعمل آورد ظاهراً کافی باشد و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را با این زیارت
ضم کند بهتر است خصوصاً هرگاه این زیارت را در نزد ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام بعمل
آورد و چون در حدیث تعمیم کرده این زیارت در هر وقت وارد شده است اگر در غیر
روز عاشورا کند بجای اللّهمّ انّ هذا یوم تبرّکت به بنو امیّة بگوید اللّهمّ انّ
یوم قتل الحسین صلوات الله علیه یوم تبرّکت به بنو امیّة **فصل سیم**
در سایر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح عبدالله بن
سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در روز عاشورا
آن حضرت را شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیده‌های مبارک آنحضرت میریخت مانند
مروارید غلطان پس گفتم یا ابن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیده‌ای

روز دهم محرم

شما را نگریان نکند حضرت فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام
حسین علیه السلام شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائید در روزه اش فرمود که
روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و بگیر روز تمام
روزه مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت به شربتی از آب زیرا که در
این وقت جنگ بر طرف شد از آل رسول و در زمین سی نفر از اهلبیت و موالی ایشان
افتاده بود که صاحب مصیبت ایشان حضرت رسالت بودند و اگر آنحضرت در دنیا زنده
میبود آنحضرت را برای ایشان تعزیه میگفتند پس آنحضرت چندان گریستند که ریش مبارکش
از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهترین کاری که در این روز بکنی این است
که جامه‌های پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت
زدگان پس بیرون روی بسوی صحرائی یا بمکانی که کسی تو را نبیند یا خانه
خالی از برای تعزیه از سنان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با
خضوع و خشوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در دو رکعت اول
بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون را بخوانی و در رکعت دویم سوره قل هو
الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سوره احزاب بخوانی و در
رکعت دویم سوره اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که خواهی
بخوان پس بگردان روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و بخاطر آوری
شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی بر او و
صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و برائت بجوئی پس هزار مرتبه لعنت کنی بر
قاتلان آنحضرت که هر لعنی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو
محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند میشود و بهتر آنست که هزار
مرتبه بگوید اللّهمّ العن قتلة الحسین و اصحابه پس فرمود بعد از آن از
موضعی که ایستاده چند گام پیش روی و بگوئی انّا لله و انّا الیه راجعون رضاً
بقضائه و تسلیماً لامره و اگر هفت مرتبه چنین کنی بهتر است و فرمود که در همه این احوال
باید که محزون و غمناک و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی اللّهمّ
خدایا

جوشن

سائر زیارات

عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ وَعَبَدُوا

غَيْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ

وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ

الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةِ الْجَاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً

قَرِيباً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَاناً نَصِيراً

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيراً مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ

وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا

وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَحَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمَالَأَتِ الْأَحْزَابَ

وَحَرَّفَتِ الْكِتَابَ وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا

وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَخِيَرَةَ عِبَادِكَ

کبیر

روز دهم محرم

وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ اللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ

رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَافْلُلْ سِلَاحَهُمْ وَ

خَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فِي أَعْضَادِهِمْ وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ

الْقَاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمّاً وَقُمَّهُمْ بِالْعَذَابِ قَمّاً

وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً نُكْراً وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثُلَاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ

إِنَّكَ ذُو نَقِمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَأَحْكَامَكَ مُعَطَّلَةٌ

وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ وَاقْمَعِ الْبَاطِلَ

وَأَهْلَهُ وَمُنَّ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنَا وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ

أَوْلِيَائِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدّاً وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْداً اللَّهُمَّ وَأَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ

يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عِيداً وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحاً وَمَرَحاً وَخُذْ آخِرَهُمْ

كَمَا أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ وَضَاعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ

أَهْلِكْ أَشْيَاعَهُمْ وَقَادَتَهُمْ وَأَبِرْ حُمَاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ اللَّهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ

وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ

جوشن

سائر زيارات

بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزّاكِيَةِ الْمُبارَكَةِ وَاَعْلِ اللّٰهُمَّ كَلِمَتَهُمْ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ

وَاكْشِفِ الْبَلاءَ وَاللَّأْواءَ وَحَنادِسَ الْاَباطيلِ وَالْعَمى عَنْهُمْ وَثَبِّتْ

قُلُوبَ شيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلى طاعَتِكَ وَوِلايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ

وَاَعِنْهُمْ وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْاَذى فيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ اَيّاماً مَشْهُودَةً وَ

اَوْقاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فيها فَرَجَهُمْ وَتُوجِبُ فيها تَمْكينَهُمْ وَ

نَصْرَهُمْ كَما ضَمِنْتَ لِاَوْلِيائِكَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ

الْحَقُّ وَعَدَ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى

لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْناً يَعْبُدُونَني لا يُشْرِكُونَ بي شَيْئاً اَللّٰهُمَّ

فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ يا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ اِلّا هُوَ يا واحِدُ يا اَحَدُ يا حَيُّ

يا قَيُّومُ وَاَنَا يا اِلٰهي عَبْدُكَ الْخائِفُ مِنْكَ وَالرّاجِعُ اِلَيْكَ السّائِلُ

لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ اللّاجِئُ اِلى فِنائِكَ الْعالِمُ بِاَنَّهُ لا مَلْجَاَ مِنْكَ اِلّا

اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعائي وَاسْمَعْ يا اِلٰهي عَلانِيَتي وَنَجْوايَ وَاجْعَلْني

كبير

دهم روز محرم

مِمَّنْ رَضيتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزيزُ الْكَريمُ

الْحَكيمُ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ اَوَّلاً وَآخِراً عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَ

آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ بِاَكْمَلِ وَاَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ

عَلى اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ

اَللّٰهُمَّ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَ

اجْعَلْني يا مَوْلايَ مِنْ شيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ

الطّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضا بِسَبيلِهِمْ وَالْاَخْذَ

بِطَريقَتِهِمْ اِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ پس بسجده برو و دو طرف روى يا مَنْ يَحْكُمُ

ما يَشاءُ وَيَفْعَلُ ما يُريدُ اَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً فَعَجِّلْ

يا مَوْلايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنا بِهِمْ فَاِنَّكَ ضَمِنْتَ اِعْزازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ

وَتَكْثيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ وَاِظْهارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يا اَصْدَقَ الصّادِقينَ

وَيا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ فَاَسْئَلُكَ يا اِلٰهي وَسَيِّدي مُتَضَرِّعاً اِلَيْكَ بِجُودِكَ

وَكَرَمِكَ بَسْطَ اَمَلي وَالتَّجاوُزَ عَنّي وَقَبُولَ قَليلِ عَمَلي وَكَثيرِهِ وَالزِّيادَةَ

جوشن

زیارت دیگر

فی ایّامی وَتَبلیغی ذلِکَ المَشهَدَ وَاَسئَلُکَ مِمَّن یَدعی فَیُجیبُ اِلی طاعَتِهِم وَ

در دوزهای من ورسانیدنم بان محلهٔ حضور و انکه بکردانی مرا ازانکه میخواند تورا پس واجابت طاعت ایشان و

مُوالاتِهِم وَنَصرِهِم وَتُرِیَنی ذلِکَ قَریباً سَریعاً فی عافِیَةٍ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ

دوستداری ایشان ویاری ایشان و بنمانی مرا این را نزدیک زود در عافیت بدرستیکه تو بر هر چیزی

قَدیرٌ پس سر خود را بجانب اَعوذُ بِکَ مِنَ الَّذینَ لا یَرجُونَ اَیّامَکَ

توانائی اسمان بلند کن وبکو پناه میبرم بتو اینکه بوده باشم ازانانکه امید ندارند روزکار تورا

فَاَعِذنی یا اِلهی بِرَحمَتِکَ مِن ذلِکَ چون چنین اینعمل بهتر است از برابر حجها بسیار

پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود ازاین وعمرهای بسیار که مال بسیار در انها صرف

نمائی وبدن خود را در انها بتعب اندازی واز اهل وعیال وفرزندان خود جدا شوی

وبدانکه کسیکه این نماز را در این روز بکند واین دعا را از روی اخلاص بخواند واین

عمل را بایقین وتصدیق بجا اورد حقتعالی ده خصلت باو عطا کند که از جملهٔ انها انستکه

اورا از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن وسوختن ودزد بر عمارت ماندن وامثال

اینها وتا مردن دشمنی بران مسلط نکردد ونکاهدارد اورا از دیوانکی وخوره وپیسی در

در خود ش ودر فرزندانش تا چهار پشت وشیطان او دوستان ویاوران شیطان

مسلط نکرداند براو وبر نسل او تا چهار پشت **زیارت دیگر** زیارتیستکه

مشتملست بر زیارت شهدا ومتضمن تعزیت حضرت رسول خدا وائمهٔ هدی

صلوات الله علیهم هست ومناسبستکه در این روز خوانده شود واکر در اخر این روز

خوانده شود شاید انسب اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ

باشد وزیارت اینستت درود باد بر تو ای وارث ادم برکزیدهٔ خدا درود باد

عَلَیکَ یا وارِثَ نوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ اِبراهیمَ خَلیلِ اللهِ

بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا درود باد بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ موسی کَلیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عیسی روحِ اللهِ

درود باد بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا درود باد بر تو ای وارث عیسی روح خدا

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ المُؤمِنینَ

درود باد بر تو ای وارث محمد دوست خدا درود باد بر تو ای وارث علی پادشاه مؤمنان

کبیر

روز دهم محرم

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الحَسَنِ الشَّهیدِ سِبطِ رَسولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ

درود باد بر تو ای وارث حسن کشته شده نبیرهٔ رسول خدا درود باد بر تو

یَابنَ رَسولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ البَشیرِ النَّذیرِ وَابنَ سَیِّدِ الوَصِیّینَ

ای پسر رسول خدا درود باد بر تو ای پسر مژده دهنده بیم دهنده وپسر مهتر وصیها

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِ

درود باد بر تو ای پسر فاطمه بزرک زنان جهانیان درود باد بر تو ای پدر بندهٔ

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خِیَرَةَ اللهِ وَابنَ خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ اللهِ وَ

خدا درود باد بر تو ای برکزیدهٔ خدا وپسر برکزیدهٔ خدا درود باد بر تو ای خون خدا و

ابنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا الوِترُ المَوتورُ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا

پسر خون خدا درود باد بر تو ای خون ریخته شده درود باد بر تو ای

الاِمامُ الهادِی الزَّکِیُّ وَعَلی اَرواحٍ حَلَّت بِفِنائِکَ وَاَقامَت فی جِوارِکَ وَ

پیشوای راه یافته شدهٔ پاکیزه ودر روحهای که فرود امدند بدرکاه تو ودرنک کردند در همسایکی تو و

وَفَدَت مَعَ زُوّارِکَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ مِنّی ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیلُ وَالنَّهارُ

وارد شدند با زوار تو درود باد بر تو از من مادام که باقیم وباقیست شب وروز

فَلَقَد عَظُمَت بِکَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّ المُصابُ فِی المُؤمِنینَ وَالمُسلِمینَ وَفی

پس هر اینه بزرک شد بتو اندوه وبزرک است اندوه در مؤمنین ومسلمانان ودر

اَهلِ السَّماواتِ اَجمَعینَ وَفی سُکّانِ الاَرَضینَ فَاِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعونَ

اهل اسمانها همکی ودر ساکنان زمینها پس ما از برای خدا وباو بازکردندکانیم

وَصَلَواتُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَتَحِیّاتُهُ عَلَیکَ وَعَلی آبائِکَ الطَّیِّبینَ المُنتَجَبینَ وَ

ورحمتهای خدا وبرکتهای خدا ودرودهای او بر تو باد وبر پدران تو که پاکیزکان برکزیدکانند و

عَلی ذَراریهِمُ الهُداةِ المَهدِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَولایَ وَعَلَیهِم وَ

بر فرزندان ایشان که راه نمایندکان راه یافته شدکانند درود باد بر تو ای اقای من وبر ایشان و

عَلی روحِکَ وَعَلی اَرواحِهِم وَعَلی تُربَتِکَ وَعَلی تُربَتِهِم اَللّهُمَّ لَقِّهِم

بر روح تو وبر روحهای ایشان وبر خاک تو وبر خاک ایشان خدایا بخش اورا ایشانرا

رَحمَةً وَرِضواناً وَرَوحاً وَرَیحاناً اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَولایَ یا اَبا عَبدِ اللهِ

رحمت وخوشنودی وخوشی وخوشحالی درود بر تو باد ای اقای من ای پدر بندهٔ خدا

جوشن

زیارت دیگر

یابن خاتم النبیین و یابن سید الوصیین و یابن سیدة نساء العالمین السلام

ای پسر خاتم پیغمبران و ای پسر آقای وصیها و ای پسر آقای زنان جهانیان درود

علیک یا شهید یابن الشهید یا اخا الشهید یا ابا الشهداء اللهم بلغه

بر تو باد ای کشته ای پسر کشته ای برادر کشته ای پدر کشتها خدایا برسان او را

عنی فی هذه الساعة و فی هذا الیوم و فی هذا الوقت و فی کل وقت تحیة

از من در این ساعت و در این روز و در این وقت و در هر وقت درود

کثیرة و سلاما سلام الله علیک و رحمة الله و برکاته یابن سید العالمین

بسیار و درود زیاد درود خدا بر تو و رحمت خدا و برکات او ای پسر بزرگ عالمیان

و علی المستشهدین معک سلاما متصلا ما اتصل اللیل و النهار السلام

و بر شهادت یافتگان با تو درودی پیوسته مادام که پیوسته است شب و روز درود باد

علی الحسین بن علی الشهید السلام علی علی بن الحسین الشهید

بر حسین پسر علی کشته شده درود باد بر علی پسر حسین کشته شده

السلام علی العباس بن امیر المؤمنین الشهید السلام علی الشهداء

درود باد بر عباس پسر پادشاه مؤمنان کشته شده درود باد بر کشته شدگان

من ولد امیر المؤمنین السلام علی الشهداء من ولد الحسن السلام علی

از فرزندان پادشاه مؤمنان درود باد بر کشته شدگان از فرزندان حسن درود باد بر

الشهداء من ولد الحسین السلام علی الشهداء من ولد جعفر و عقیل السلام

کشتگان از فرزندان حسین درود باد بر کشتگان از فرزندان جعفر و عقیل درود باد

علی کل مستشهد معهم من المؤمنین اللهم صل علی محمد و آل محمد و بلغهم عنی

بر هر شهادت جوینده با ایشان از مؤمنان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را از من

تحیة کثیرة و سلاما السلام علیک یا رسول الله احسن الله لک

درود بسیار و درود زیاد درود باد بر تو ای فرستاده خدا نیکو کند خدا بر تو صبر

العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا فاطمة احسن الله لک العزاء

عزا را در فرزند تو حسین درود باد بر تو ای فاطمه نیکو گرداند خدا بر تو صبر عزا را

فی ولدک الحسین السلام علیک یا امیر المؤمنین احسن الله لک العزاء فی ولدک

در فرزند تو حسین درود باد بر تو ای پادشاه مؤمنان نیکو کند خدا بر تو صبر عزا را در فرزند تو

کبیر

روز دهم محرم

الحسین السلام علیک یا ابا محمد الحسن احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین

حسین درود بر تو ای پدر محمد حسن نیکو گرداند خدا بر تو صبر عزا در برادرت حسین را

یا مولای یا ابا عبد الله انا ضیف الله و ضیفک و جار الله و جارک و لکل

ای آقای من ای پدر عبد الله منم مهمان خدا و مهمان تو و همسایه خدا و همسایه تو و برای هر

ضیف و جار قری و قرای فی هذا الوقت ان تسئل الله سبحانه و تعالی ان

مهمان و همسایه احسانی است و احسان من در این وقت آنکه درخواست کنی از خدا منزه و بلند مرتبه را اینکه

یرزقنی فکاک رقبتی من النار انه سمیع الدعاء قریب مجیب و شیخ

روزی کند مرا آزادی گردنم را از آتش بدرستیکه او شنونده دعاء نزدیک اجابت کننده است شیخ مفید

گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین علیهما السلام

واقع شد با یدکه روز آنرا برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی

ره گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن کعبه

آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز بیست و پنجم این ماه

حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلی ارتحال نموده اند

باب هفتم

در اعمال ماه صفر است و این ماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتوان داشت **اول** آنکه

موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله در این ماه واقع

شده است **دویم** آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکرده اند

و در این ماه شروع بقتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام

چیزیکه دلالت بر نحوست کند و در روایات غیر معتبرهٔ عامه وارد شده است و سید بن

طاوس ره از بعضی کتب معتبره روایت کرده است که در روز سیم این ماه مستحب است که

دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ انا فتحنا بخوانند و

در دویم سورهٔ توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند اللهم صل علی محمد

و آل محمد و صد مرتبه اللهم العن آل ابی سفیان و صد مرتبه

جوشن

زیارت اربعین

اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ روز بیستم ماه صفر روز اربعین مشهور است یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام است و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت صادق علیه السلام بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلى وَلِيِّ اللهِ وَحَبيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى خَليلِ اللهِ

درود باد بر ولی خدا و دوست او درود باد بر دوست خدا

وَنَجيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى صَفِيِّ اللهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ

و برگزیده او درود باد بر برگزیده خدا و پسر برگزیده او درود باد بر حسین مظلوم

الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلى اَسيرِ الْكُرُباتِ وَقَتيلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ اِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُ

کشته شده درود باد بر اسیر اندوهها و کشته شده سرشکها خدایا بدرستیکه گواهی میدهم که او

وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفائِزُ بِكَرامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ

ولی تست و پسر ولی تست و برگزیده تست و پسر برگزیده تست رستگار بکرامت تست گرامی داشتی او را

بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطيبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ

بشهادت و عطا دادی او را به نیکبختی و برگزیدی او را بپاکی ولادت و گردانیدی او را

سَيِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ

آقائی از آقایان و پیشروی از پیشروان و بازدارنده از بازدارندگان و عطا دادی او را

مَواريثَ الْاَنْبِياءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِياءِ فَاَعْذَرَ فِي

ارثهای پیغمبران و گردانیدی او را حجت بر آفریدگان خود از اوصیا او پس عذری نگذاشت در

الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ

دعا و عطا کرد پند را و داد جان خود را در راه تو تا رهائی بخشد بندگان ترا از

الْجَهالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ

نادانی و سرگردانی گمراهی و پشتی یکدیگر کردند بر او کسیکه فریب داد او را دنیا و فروخت

کبیر

در بیستم صفر

حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنى وَشَرى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَ

بهره خود را ... و خرید آخرت او را بها اندک و بسیار کرد و

تَرَدّى في هَواهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِكَ اَهْلَ الشِّقاقِ

هلاک شد در خواهشهای او و بخشم آورد ترا و پیغمبر ترا و اطاعت کرد از بندگان تو اهل بدبختی

وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ النّارَ فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً

و دوروئی و بردارندگان بارگران سزاواران آتش را پس جهاد کرد با ایشان در راه تو صبر کننده

مُحْتَسِباً حَتّى سُفِكَ في طاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ اَللّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً

خالص کننده تا اینکه ریخته شد در فرمانبرداری تو خون او و حلال شمرده شد حریم او خدایا پس لعنت کن ایشان را

وَبيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَليماً اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ

لعنت سخت و عذاب کن ایشان را عذاب دردناک درود بر تو ای پسر فرستاده خدا درود

عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْاَوْصِياءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمينُ اللهِ وَابْنُ اَمينِهِ عِشْتَ

بر تو ای پسر آقای جانشینان گواهی میدهم اینکه تو امین خداوندی و پسر امین اوئی زندگانی کردی

سَعيداً وَمَضَيْتَ حَميداً وَمُتَّ فَقيداً مَظْلُوماً شَهيداً وَاَشْهَدُ اَنَّ

بانیکبختی و در گذشتی ستوده و مردی بی مثل ستم کشیده کشته شده و گواهی میدهم اینکه

اللهَ مُنْجِزٌ لَكَ ما وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ

خدا بجا آورنده است برای تو آنچه وعده داده است ترا و هلاک کننده است آنکه خوار کرد ترا و عذاب کننده است کسیکه کشت ترا

اَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللهِ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللهِ حَتّى اَتاكَ الْيَقينُ

گواهی میدهم اینکه تو وفا کردی بعهد خدا و جهاد کردی در راه خدا تا آمد ترا یقین

فَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ

پس لعنت کند خدا آنکه کشت ترا و لعنت کند خدا آنکه ستم کرد بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند این را

فَرَضِيَتْ بِهِ اَللّهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ بِاَبي

پس خوشنود شدند از آن خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا اینکه من دوستم آنرا که دوست داشت او را و دشمنم دشمن او را بپدر

اَنْتَ وَاُمّي يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ

و مادرم فدای تو باد ای پسر رسول خدا گواهی میدهم اینکه تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه

وَالْاَرْحامِ الطّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ

و رحمهای پاکیزه پلید نکرده ترا نادانی بپلیدیهایش و نپوشانیده ترا تیرگیها

زیارت اربعین

مِن شَیابِها وَأشهَدُ أنّکَ مِن دَعائِمِ الدِّینِ وَأرکانِ المُسلِمینَ وَمَعقِلِ المُؤمِنینَ

و گواهی میدهم اینکه توئی از ستونهای دین و رکنهای گردن نهندگان و پناهگاه مؤمنان

وَأشهَدُ أنّکَ الإمامُ البَرُّ التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ الهادِی المَهدِیُّ وَأشهَدُ

و گواهی میدهم که توئی امام نیکوئی پرهیزکار خوشنود پاکیزه راه نماینده راه یافته و گواهی دهم

أنَّ الأئِمَّةَ مِن وُلدِکَ کَلِمَةُ التَّقوی وَأعلامُ الهُدی وَالعُروَةُ الوُثقی وَالحُجَّةُ

اینکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانه‌های هدایت و دستگیره محکم و برهان

عَلی أهلِ الدُّنیا وَأشهَدُ أنّی بِکُم مُؤمِنٌ وَبِإیابِکُم مُوقِنٌ بِشَرایِعِ دِینی وَخَواتِیمِ

بر اهل دنیا و گواهی دهم اینکه من بشما گرونده‌ام و ببازگشت شما یقین دارنده‌ام با آئینهای دین من و

عَمَلی وَقَلبی لِقَلبِکُم سِلمٌ وَأمری لأمرِکُم مُتَّبِعٌ وَنُصرَتی لَکُم مُعَدَّةٌ حَتّی

کردارم و دل من برای دل شما صلح است و امر من برای امر شما پیرو است و یاری من مر شما را آماده است تا

یَأذَنَ اللهُ لَکُم فَمَعَکُم مَعَکُم لا مَعَ عَدُوِّکُم صَلَواتُ اللهِ عَلَیکُم وَعَلی أرواحِکُم

دستور دهد خدا شما را [illegible] رحمتهای خدا باد بر شما و بر روحهای شما

وَأجسادِکُم وَشاهِدِکُم وَغائِبِکُم وَظاهِرِکُم وَباطِنِکُم آمینَ رَبَّ العالَمینَ

و جسدهای شما و حاضر شما و غائب شما و هویدای شما و پنهان شما اجابت کن ای پروردگار جهانیان

و دو رکعت نماز میکنی و هر دعا که خواهی میکنی و بر میگردی و سید بن طاوس ره
گفته است که من برای این زیارت وداعی یافته‌ام که مخصوص است باین زیارت
باید که بایستی پیش السَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ
روی ضریح و بگوئی — درود باد برتو ای پسر فرستاده خدا درود باد برتو

یَابنَ عَلِیٍّ المُرتَضی وَصِیِّ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ

ای پسر علی مرتضی و جانشین فرستاده خدا درود باد برتو ای پسر فاطمه زهرا

سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ السَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الحَسَنِ الزَّکِیِّ السَّلامُ

خاتون زنهای جهانیان درود برتو ای وارث حسن پاکیزه درود باد

عَلَیکَ یا حُجَّةَ اللهِ فی أرضِهِ وَشاهِدَهُ عَلی خَلقِهِ السَّلامُ عَلَیکَ یا أبا عَبدِ

برتو ای برهان خدا در زمین او و گواه او بر خلق او درود برتو ای پدر بنده

اللهِ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلَیکَ یا مَولایَ وَابنَ مَولایَ أشهَدُ أنّکَ قَد أقَمتَ

خدا کشته شده و درود برتو ای آقای من و پسر آقای من گواهی میدهم اینکه تو بپا داشتی

در بیستم ماه صفر

الصَّلوةَ وَآتَیتَ الزَّکوةَ وَأمَرتَ بِالمَعرُوفِ وَنَهَیتَ عَنِ المُنکَرِ وَجاهَدتَ

نماز را و دادی زکوة را و امر کردی به نیکی و نهی کردی از زشتی و جهاد کردی

فی سَبیلِ اللهِ حَتّی أتاکَ الیَقینُ وَأشهَدُ أنّکَ عَلی بَیِّنَةٍ مِن رَبِّکَ أتَیتُکَ

در راه خدا تا آمد ترا مرگ و گواهی میدهم اینکه تو بر برهانی از پروردگار تو آمدم ترا

یا مَولایَ زائِراً وافِداً راغِباً مُقِرّاً لَکَ بِالذُّنُوبِ هارِباً إلَیکَ مِنَ الخَطایا

ای آقای من زیارت کننده وارد شونده میل کننده اقرار کننده مر ترا بگناهان گریزنده بسوی تو از خطاها

لِتَشفَعَ لی عِندَ رَبِّکَ یَابنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیکَ حَیّاً وَمَیِّتاً

تا شفاعت کنی مرا نزد پروردگارت ای پسر فرستاده خدا رحمت خدا برتو باد در زندگی و در مرگ

فَإنَّ لَکَ عِندَ اللهِ مَقاماً مَعلُوماً وَشَفاعَةً مَقبُولَةً لَعَنَ اللهُ مَن ظَلَمَکَ

پس بدرستیکه مر ترا نزد خدا مقامی است معلوم و شفاعتی قبول شده لعنت کند خدا کسی را که ظلم کرد ترا

وَلَعَنَ اللهُ مَن حَرَمَکَ وَغَصَبَ حَقَّکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن خَذَلَکَ

[illegible]

وَلَعَنَ اللهُ مَن دَعَوتَهُ فَلَم یُجِبکَ وَلَم یُعِنکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن مَنَعَکَ مِن حَرَمِ

[illegible] پس اجابت نکرد ترا و اعانت ننمود ترا و لعنت کند خدا کسی را که باز داشت ترا از حرم

اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ أبیکَ وَحَرَمِ أخیکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن مَنَعَکَ مِن

خدا و حرم رسول خدا و حرم پدرت و حرم برادرت و لعنت کند خدا کسی را که باز داشت ترا از

شُربِ ماءِ الفُراتِ لَعناً کَثیراً یَتبَعُ بَعضُها بَعضاً اللّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالأرضِ

آشامیدن آب فرات لعنت بسیاری که از پی درآید برخی از آنها برخی خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین

عالِمَ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ أنتَ تَحکُمُ بَینَ عِبادِکَ فیما کانُوا فیهِ یَختَلِفُونَ

داننده پنهان و آشکار تو داوری میکنی میان بندگان در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند

وَسَیَعلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا أیَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبُونَ اللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ

و زود باشد بدانند آنانکه ستم کردند بکدام بازگشت باز میگردند خدایا نگردان آنرا آخر

العَهدِ مِن زِیارَتِهِ وَارزُقنیهِ أبَداً ما بَقیتُ وَحَیِیتُ یا رَبِّ وَإن مِتُّ فَاحشُرنی

عهد من از زیارت او و روزی کن مرا زیارت او را همیشه مادام که باقی هستم و زنده‌ام ای خدا و اگر مردم پس حشر کن مرا

فی زُمرَتِهِ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ و اگر زیارت آخر روز عاشورا را در این روز
نیز بخوانند مناسبست و بدانکه

در گروه او ای مهربانترین مهربانان

مشهور آنست که سبب آمدن زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شدند و سرهای مقدس شهدا را ببدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که در این روز اهل بیت علیهم السلام وارد مدینهٔ طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین باعجاز و طی الارض بکربلا رفته باشند از شام و سرها را ببدنها ملحق کرده باشند و این ممکن است اما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافی فی الجمله با این دارد و چنانکه از احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسیکه از صحابهٔ حضرت رسالت بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس آن امر عظیم را گذاشته بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده باشد و شاید وجه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون فرموده اند که در این روز زیارت کنید باید کرد و تفحص سببش ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا صلی الله علیه و آله در روز بیست و هشتم ماه صفر است و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز در این روز واقع شد پس تمام بمراسم تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست **و بدانکه** در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبهٔ آخر صفر شهرتی دارد و در کتب معتبرهٔ عامه و خاصه چیزیکه دلالت بر این کند بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصاً چهارشنبهٔ آخر هر ماه وارد شده است و چون این ماه بنا بر اسبابیکه مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکنست که چهارشنبهٔ آخر آن از سایر چهارشنبهها نحوستش بیشتر باشد اگر در آنروز از قبیل احتیاط از طیرهٔ امر مستدفع بلا بتصدقات و ادعیه و استعاذاتیکه از ائمه علیهم السلام وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که

این کفاره مجربست و مناسبست و اگر بلائی متوجه باشد بانها دفع میشود نه آنکه بروش عوام عمل نمایند مجوسانه بلهو و لعب و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد

باب هشتم

در فضایل و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است **فصل اول** در فضیلت و اعمال روز اول تا شانزدهم است شیخ مفید و شیخ طوسی ره و دیگران گفته اند که حضرت رسالت در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکهٔ معظمه بسوی مدینهٔ مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین ع جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول کرد و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر تمام اهل آسمانها بر همگنان ظاهر گردید و حقتعالی بملائکهٔ سموات باین خدمت مباهات نمود و آیهٔ کریمهٔ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ در شان او نازل گردید چنانکه تفصیلش در حیوة القلوب مذکور است و چون حقتعالی آن دو جان مقدس بنیان را از کید کفار حفظ کرد گفته اند که روز شکر است که روز اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعم عظیمه روزه بدارند و هر چند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز مناسبست بجهاتیکه مذکور شد و شیخ طوسی ره در مصباح گفته است که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بمنصب جلیل امامت فائز گردید پس زیارت ایشان در این روز نیز مناسبست و اما شیخ ره در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید ره و غیر ایشان گفته اند که وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت ایشان انسبست و اما روز نهم این ماه **بدانکه** میان علمای خاصه

اعمال روز اول

یا من لا یخفی علیه شیء یا من لا

وعامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب خلافست ومشهور میان فریقین
آنست که قتل آن ملعون در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شد چنانچه سابقا اشاره
شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخانست
و از کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال در میان عوام شیعه مشهور است
قتل او در نهم ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه
نیز چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس ره در کتاب اقبال اشاره
نموده است بآنکه ابن بابویه ره روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم متوجه شده است
و از نقل او چنین مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است
هر چند سید خود آن حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده
است که جماعتی از شیعیان عجم بوستان روز را باین سبب تعظیم و تکریم می
نموده اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس ره در کتاب زوائد الفوائد این روز
را تعظیم کرده است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که
روایت کرده اند که محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریج بغدادی گفتند که ما
منازعه کردیم در باب قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب و رفتیم در شهر قم بنزد
احمد بن اسحق قمی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام
بود و بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم
دختر عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال
عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان
چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن
اسحق از حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین
عیدهاست نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت طلب
نما بنزد او آئیم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی
بر خود پیچیده بود و بوی مشک از آن ساطع بود گفتیم که این چه حالتست که در تو

تا هفدهم ربیع الاول

مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شدم گفتیم امروز مگر عید است گفت
بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسی نشاند و گفت روزی با جمعی از برادران خود بنزد
مولای خود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم در سر من رای در مثل این روز
که شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت آن حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت
مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود عود در آن
مجمره میاندازد و مجلس خود را مزین گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود
جامهای فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای
اهلبیت امروز فرحی تازه رو داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد
اهلبیت عظیمتر است بدرستیکه خبر داد مرا پدرم علیه السلام که حذیفة بن یمان در روز
نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین
و حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام را که با حضرت رسالت پناه طعام تناول مینمودند
و آنحضرت بروی ایشان تبسم مینمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام میگفت
بخورید گوارا باد از برای شما برکت سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حق
تعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند
در این روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حقتعالی در این روز قبول میکند
اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست که ظاهر میشود راستی گفته خدا که
میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانهای ایشان که خالی گردیده است
بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته میشود در این روز شوکت دشمن جد
شما و یاری کننده دشمن جد شما بخورید که این روزیست که در این روز هلاک میشود فرعون
اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید که این روزیست
که حقتعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند حذیفه گفت که من گفتم یا رسول
الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود
که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست در میان
ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را

اعمال روز اول

برد وش خود خواهد گرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف
خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزندم را متصرف خواهد شد و
خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابیطالب خواهد
کرد و مالهای خدا را بناحق برخود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف
خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا
از حق خود محروم خواهد کرد و ایذا بدختر من او را نفرین خواهد کرد و حقتعالی
نفرین او را در این روز مستجاب خواهد کرد حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا
نمیکنی که حقتعالی او را در حیات تو هلاک کند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمی
دارم که جرأت کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است و لیکن
از خدا سؤال کردم که فضیلت دهد آن روزی را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر
روزها تا آنکه احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان شیعیان
اهلبیت من پس حقتعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که
در تو و اهلبیت تو محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از
بندگان من آن منافقانیکه تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان
راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی ترا بدل
گرفتند و تو ایشان را خوشنود گردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی
و ایشان ترا زبون گذاشتند و سوگند یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که
البته بگشایم بر روح کسیکه غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از
پست ترین طبقهای جهنم که از فلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم
جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و آن منافق را در
قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای سایر
دشمنان دین ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و روهای
ترش با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان را ابد الاباد در عذاب خود بدارم
ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با آنچه میرسد با او از بلاها از فرعون او و غصب کننده

ربیع الاول تا هفدهم

حق او که جرأت میکند بر من و کلام مرا تبدیل میکند و شرک بمن میآورد و مردم را منع میکند از
راه رضای من و گوساله از برای امت تو بر پا میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش
عظمت و جلال من بدرستیکه من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان
و محبان شما عید کنند آن روز را که آن ملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشان را
که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا گویند بر من و طلب آمرزش نمایند
برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده ام ملائکه نویسندگان اعمال را
که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت
تو و وصی تو ای محمد این روز را عید گردانیدم برای تو و اهلبیت تو و برای هر که
تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بر خود بعزت و جلال
خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم بکسی که عید کند این روز را از برای من ثواب
آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد
کنم مال او را اگر توسعه دهد بر خود و عیال خود در این روز و هر سال در این
روز صد هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال
ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست رسول خدا و
بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات
رسول خدا دیدم که او چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین
برگشت و دامان بجد و جهد برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف
کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت
پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را تبدیل کرد و شهادت حضرت امیرالمؤمنین را رد کرد
و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری
و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضا جوئی
اهلبیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول خدا را برطرف کرد و تدبیر کشتن
امیرالمؤمنین کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده
بود حرام کرد و هرچه خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم

جوشن صغیر

اعمال روز نهم

بسازند و خرج کنند و در بر روی شکم فاطمه زهرا زد و بر منبر حضرت رسالت غصب
جور بالا رفت و بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد
و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود
و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کردانید و قتل او را بر دست کشنده او
رحمه الله جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که آنحضرت را تهنیت و
مبارکباد بگویم باینکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت
مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدم بنزد سید من رسول خدا صلی
الله علیه و آله و من و دو سبط او حسن و حسین علیهما السلام نزد او نشسته بودیم و با او طعام
میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت
فرمود که بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی دیده آل رسول را روشن گردانید
و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر المؤمنین میخواهم که آن نامها
را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از شر آن منافق استراحت
یافتند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دویم است و روز تخفیف گناهان
شیعیانست و روز اختیار نیکوئی برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از
شیعیانست و روز برهم شکستن بنای کفر و عدوانست و روز عافیتست و روز
برکتست و روز طلب خونهای مؤمنانست و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب
شدن دعاست و روز موقف اعظمست و روز وفای بعهد است و روز شرطست و
روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن شوکت
مخالفانست و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال کافرانست و روز
ظهور قدرت خداست و روز عفو از گناهان شیعیانست و روز فرح شیعیانست
و روز توبه است و روز انابت بسوی خداست و روز زکوة بزرگست و روز فطر دویم است
و روز اندوه یاغیانست و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفانست
و روز خوشنودی مؤمنانست و روز عید اهلبیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل
بر فرعونست و روز مقبول شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن

صغیر

ربیع الاول

تصدقاتست و روز زیارت مؤمنانست و روز قتل منافق است و روز وقت معلوم است
و روز سرور اهلبیت است و روز مشهود است و روز قهر بر دشمن است و
روز خراب شدن بنیان ضلالتست و روزیست که ظالم انگشت ندامت بدندان میگزد
و روز تنبیه است و روز شرفست و روز خنک شدن دلهای مؤمنانست
و روز شهادتست و روز در گذشتن از گناه مؤمنانست و روز تازگی دوستان
اهلبیت و اهل ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مؤمنانست
و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز زهد
مؤمنان از شر کافرانست و روز مظاهره است و روز مفاخره است و روز قبول
اعمالست و روز تبجیل و روز تعظیمست و روز بخشش و عطاست و روز شکر خدای
تعالی است و روز یاری مظلومانست و روز زیارت کردن مؤمنانست و روز محبت
با ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهیست و روز پاک گردانیدن اعمالست
و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک گناهان
کبیره است و روز ندا کردن بحقست و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحت
است و روز انقیاد پیشوایان دینست حذیفه گفت که پس از خدمت حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام برخاستم و گفتم اگر در نیابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم
مگر محبت این روز و دانستن فضیلت این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و
یحیی راویان حدیث گفتند که چون این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و
سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خدا را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه
فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود برگشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب
کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را از خط علی بن محمد بن طی نوشتم و در
کتب دیگر که تتبع کردم چند روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات
نمودم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی نمایند
این روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است که [illegible]
الشیعه [illegible] کرده است که هر که در روز نهم ربیع الاول چیزی انفاق کند [illegible]

جوشن

اعمال روز اول

اورا بنام مرزد و مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردانیدن ایشان
و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت حق تعالی
و این روز برطرف شدن غمهاست و روزه داشتن نیست **مؤلف گوید**
که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع این قصهٔ مبارکه در
ان احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است
و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره
معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعهٔ عظیمی که سبب حزن جمعی و
سرور جمعی گردد چون میتواند بود که مضبوط نماند جواب آنست که این واقعه از
واقعهٔ وفات حضرت رسالت و شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عظیم تر نیست و
در هر یک از آنها اختلاف میان خاصه و عامه هست و در واقعهٔ اول اتفاق دارند عامه
بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعث بر افترای ایشان در این جا
نیست جواب میگوییم که شبهه در هر دو جا رسیده و باعث قوی در اینجا هست
زیرا که ممکنست که برای رفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون
مدار علمای خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند
بنا بر احادیث صحیحه که از ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که
ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آنرا بجا آورد آن ثواب باو داده میشود هر چند چنان
نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعش از شارع وارد شده
باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و
مستحق ثواب خواهد بود و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم
واصل شده است اگر چنین باشد این شرافت نیز برای آن کافیست و شیخ مفید ره گفته
که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدیجهٔ کبری رحمة الله علیها را تزویج نمود و مستحب
است برای شکر این مواصلت عظیم البرکه شیعیان روزه بدارند و گفته است که
در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول داخل مدینهٔ طیبه شد و از شر دشمنان
ایمن گردید و باین جهت روز مبارکیست و ایضا دولت بنی مروان که بقیهٔ بنی امیه

صغیر

تا هفدهم ربیع الاول

واز شر دشمنان اهلبیت علیهم السلام بود ندد از این روز دولت ایشان بنهایت رسید و زایل
گردید و این نیز فضیلت دیگر است برای این روز و اکثر شیعیان ولادت با سعادت حضرت
رسول را در این روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علمای امامیه نیز در کتاب
کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق بحوای بعضی از روایات این را
اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور میان امامیه است اما اگر روزه و غسل و زیارت و
سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد در این روز نیز بعمل آورند باحتیاط اقرب
است و سید بن طاوس ره از بعضی از علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در
روز دوازدهم این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه
قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخوانند و ایضا
شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله عنهما روایت کرده اند که یزید پلید علیه اللعنة
والعذاب الشدید در روز چهاردهم این ماه باسفل درک جهنم منتقل شد بایدکه
شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی ادا
کنند و بعضی روزهٔ این روز را سنت دانسته اند **فصل دویم** در فضایل
و اعمال روز هفدهم این ماه هست و مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادهٔ
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در روز جمعهٔ هفدهم ماه ربیع الاول واقع
شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت باسمانها نیز در شب
هفدهم این ماه واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو روز زیارت حضرت
رسالت و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام و الصلوة مناسبست و علما ذکر کرده اند و در
روزان فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید ره گفته است که این روز شریفیست و پیوسته در
صحف شیعه از قدیم الایام الی الآن تعظیم آن میکرده اند و حق آنرا میشناخته اند و روزه
میداشته اند و از ائمهٔ هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را روزه
دارد ثواب روزهٔ یکسال برای او نوشته شود و مستحب است که صدقات بارباب حاجات
بدهند و مؤمنان و مؤمنات را شاد گردانند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا
مرقد مطهر حضرت رسالت و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و شیخ مفید و شیخ

جوشن

اعمال روز

شهيد و سيد طاوس ره گفته اند كه چون در غير مدينه طيبه خواهى كه حضرت رسول را
زيارت كنى غسل كن و شبيه قبرى در پيش روى خود بساز و اسم مبارك آن حضرت را
بر آن بنويس و بايست و دل خود را اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ
متوجه آنحضرت گردان و بگو گواهى ميدهم اينكه نيست خدائى جز خداى يگانه نيست انبازى
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ وَ
او را و گواهى ميدهم اينكه محمد بنده او و فرستاده اوست و اينكه او آقاى پيشينيان و پسينيانست و
اَنَّهُ سَيِّدُ الْاَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَئِمَّةِ
اينكه او آقاى پيغمبران و فرستاده شدگانست خدايا رحمت فرست بر او و بر اهل بيتش كه پيشوايان
الطَّيِّبينَ ثُمَّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليلَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
پاكيزگانند بگو درود باد بر تو اى فرستاده خدا درود بر تو اى دوست خدا درود
عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَحْمَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
بر تو اى پيغمبر خدا درود بر تو اى برگزيده خدا درود بر تو اى رحمت خدا درود
عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَجيبَ اللّٰهِ
بر تو اى برگزيده خدا درود بر تو اى دوست خدا درود بر تو اى برگزيده خدا
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتَمَ النَّبِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُرْسَلينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
درود بر تو اى خاتم پيغمبران درود بر تو اى آقاى فرستاده شدگان درود بر تو
يا قائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فاتِحَ الْخَيْرِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْوَحْيِ
اى ايستاده بعدل درود بر تو اى گشاينده خوبى درود بر تو اى كان وحى
وَالتَّنْزيلِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَلِّغاً عَنِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّراجُ الْمُنيرُ
و قرآن فرستاده شده درود بر تو اى رساننده از جانب خدا درود بر تو اى چراغ روشن
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَشِّرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَذيرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُنْذِرُ اَلسَّلامُ
درود بر تو اى بشارت دهنده درود بر تو اى ترساننده درود بر تو اى بيم كننده درود
عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ الَّذى يُسْتَضاءُ بِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ
بر تو اى روشنى خدا آنچنانكه روشنى جسته ميشود باو درود بر تو و بر اهل بيت تو كه پاكانند
الطّاهِرينَ الْهادينَ الْمَهْدِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ
پاكيزگانند هدايت كنندگانند هدايت يافته شدگانند درود باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و

صغير

هفدهم ربيع الاول

عَلىٰ اَبيكَ عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلامُ عَلىٰ
بر پدرت عبد الله درود بر مادرت آمنه دختر وهب درود باد بر
عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلىٰ عَمِّكَ وَكَفيلِكَ اَبي طالِبٍ اَلسَّلامُ عَلَى
عموى تو حمزه آقاى شهيدان درود بر عموى تو و كاركن تو ابيطالب درود بر
ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيّارِ فى جِنانِ الْخُلْدِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
پسر عم تو جعفر طيار در بهشتهاى جاويد درود بر تو اى محمد درود بر تو اى
اَحْمَدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ وَالسّابِقُ فى طاعَةِ رَبِّ
احمد درود بر تو اى حجت خدا بر پيشينيان و پسينيان و پيشى گيرنده در طاعت پروردگار
الْعالَمينَ وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ رُسُلِهِ وَالْخاتِمِ لِاَنْبِيائِهِ وَالشّاهِدِ عَلىٰ خَلْقِهِ وَ
جهانيان [illegible] بر رسولانش و ختم كننده پيغمبرانش و گواه بر آفريدگانش و
الشَّفيعِ اِلَيْهِ وَالْمَكينِ لَدَيْهِ وَالْمُطاعِ فى مَلَكُوتِهِ الْاَحْمَدِ مِنَ الْاَوْصافِ الْمُحَمَّدِ
[illegible] فرمان برده شده در پادشاهى او ستوده تر از صفات ستوده
لِسائِرِ الْاَشْرافِ الْكَريمِ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمِ مِنْ وَراءِ الْحُجُبِ الْفائِزِ بِالسِّباقِ
[illegible]
وَالْفائِتِ عَنِ اللِّحاقِ تَسْليمَ عارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصيرِ فى قِيامِهِ
[illegible] درود [illegible] بحق تو [illegible] بتقصير در ايستادن او
بِواجِبِكَ غَيْرِ مُنْكِرٍ مَا انْتَهىٰ اِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ مُوقِنٍ بِالْمَزيداتِ مِنْ رَبِّكَ
واجب تو غير انكار كننده [illegible] از فضل تو يقين دارد بزيادتيها از خداى تو
مُؤْمِنٍ بِالْكِتابِ الْمُنْزَلِ عَلَيْكَ مُحَلِّلٍ حَلالَكَ مُحَرِّمٍ حَرامَكَ اَشْهَدُ
ايمان آورنده بكتاب فرستاده شده بر تو حلال گرداننده حلال ترا حرام دارنده حرام ترا گواهى ميدهم
يا رَسُولَ اللّٰهِ مَعَ كُلِّ شاهِدٍ وَاَتَحَمَّلُها عَنْ كُلِّ جاحِدٍ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
اى فرستاده خدا با هر گواهى دهنده و بر ميدارم گواهى را از هر انكار كننده كه تو برسانيدى
رِسالاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فى سَبيلِ رَبِّكَ وَصَدَعْتَ
پيغامهاى پروردگار را و پند دادى امت خود و كارزار نمودى در راه پروردگار خود و ظاهر ساختى
بِاَمْرِهِ وَاحْتَمَلْتَ الْاَذىٰ فى جَنْبِهِ وَدَعَوْتَ اِلىٰ سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
كار خود و بر داشتى رنجها را در راه او و خواندى بسوى راه او بدليل محكم و پند

جوشن

اعمال روز

الحسنة الجميلة وأديت الحق الذي كان عليك وأنك قد رأفت بالمؤمنين و
نیکوئی خوب و رسانیدی حق را که بود بر تو و اینکه تو بتحقیق مهربانی بمؤمنان و
غلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصاً حتى أتاك اليقين فبلغ الله
خشم کردی بر کافران و بندگی کردی خدا را از روی اخلاص تا آنکه آمد ترا مرگ پس رسانید خدا
بك أشرف محل المكرمين وأعلى منازل المقربين وأرفع درجات المرسلين
ترا بلندتر جاهای گرامی داشته شده را و بلندتر منزلهای نزدیکان و رفیع‌تر مرتبه‌های فرستاده شدگان
حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع في إدراكك
هنگامیکه نرسد ترا هیچ رسنده و بلند نگردد از تو هیچ بلند گردنده و پیشی نگیرد از تو هیچ پیشی گیرنده و طمع نکند در رسیدن
طامع الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة
طمع کننده حمد خدا را که رهانید ما را بوسیلهٔ تو از هلاکت و راه نمائی کرد ما را بتو از گمراهی
ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث أفضل ما جازى
و روشن نمود ما را بتو از تاریکیها پس پاداش دهد ترا خدا ای فرستادهٔ خدا از بعثت بهتر از آنچه پاداش داده
نبياً عن أمته ورسولاً عمن أرسل إليه بأبي أنت وأمي يا رسول الله
پیغمبری را از امت او و فرستاده شده از جانب آنکه فرستاده شده بسوی او پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا
زرتك عارفاً بحقك مقراً بفضلك مستبصراً بضلالة من خالفك وخالف
زیارت کردم ترا شناسنده بحق تو اقرار کننده بزیادتی تو بینا بگمراهی آنکه مخالفت کرد ترا و مخالفت کرد
أهل بيتك عارفاً بالهدى الذي أنت عليه بأبي أنت وأمي ونفسي وأهلي ومالي و
اهل‌بیت ترا شناسا براه یافتگی آنچنانکه تو بر آنی پدر و مادر و خودم و کسانم و مالم و
ولدي أنا أصلي عليك كما صلى الله عليك وصلى عليك ملائكته وأنبياؤه
اولادم فدای تو من رحمت میفرستم بر تو همچنانکه رحمت فرستاد خدا بر تو و رحمت فرستادند بر تو فرشتگان او و پیغمبران او
ورسله صلاة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا أمد ولا
و فرستادگان او رحمت فرستادنی در پی بسیار پیوسته که بریدگی نباشد آن را و نه آخر و نه
أجل صلى الله عليك وعلى أهل بيتك الطيبين الطاهرين كما أنتم أهله
نهایتی آن را رحمت فرستد خدا بر تو و بر اهل خانه تو که پاکان پاکیزگانند چنانکه شما سزاوار آنید
اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك
خدایا بگردان رحمتهای فراهم آورده خود را و زیادتیهای برکات خود را و زیادتیهای نیکیهای خود را

صغیر

هفدهم ربیع الاول

وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك
و درودهای با شرافت خود را و سلام‌های خود را و نوازشهای خود را و بخششهای خود را و رحمتهای فرشتگان خود را
المقربين وأنبيائك المرسلين وأئمتك المنتجبين وعبادك الصالحين و
که مقربند و پیغمبران خود را که فرستاده شده‌اند و پیشوایان که برگزیده‌اند و بندگان شایستگان را و
أهل السماوات والأرضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الأولين و
اهل آسمانها و زمینها و هر کسی که تسبیح کرد ترا ای پروردگار عالمیان از پیشینیان و
الآخرين على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك ونذيرك وأمينك
پسینیان بر محمد بندهٔ تو و فرستادهٔ تو و گواه تو و پیغمبر تو و بیم‌دهندهٔ تو و امین تو
ومكينك ونجيك ونجيبك وحبيبك وخليلك وصفيك وصفوتك و
و امین تو و همراز تو و برگزیدهٔ تو و دوست تو و صدیق تو و مخلص تو و برگزیدهٔ تو و
خاصتك وخالصتك ورحمتك وخيرتك من خلقك نبي الرحمة وخازن
بندهٔ خالص تو و مخصوص تو و رحمت تو و بهترین برگزیدگان تو پیغمبر رحمت و خزانه‌دار
المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد من الهلكة بإذنك وداعيهم
آمرزش و کشندهٔ خیر و برکت و رهانندهٔ بندگان از هلاکت باذن تو و خوانندهٔ ایشان
إلى دينك القيم بأمرك أول النبيين ميثاقاً وآخرهم مبعثاً الذي غمسته
بسوی دین تو ایستاده بفرمان تو اول پیغمبران بپیمان بستن و آخر ایشان بر انگیخته شدن آنکه فرو بردی او را
في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة
در دریای فضیلت و منزلت بزرگ و مرتبهٔ بلند و درجهٔ بزرگ
وأودعته الأصلاب الطاهرة ونقلته منها إلى الأرحام المطهرة لطفاً
و امانت گذاشتی او را در پشتهای پاکیزه و گردانیدی او را از آنها بشکمهای پاکیزه مهربانی
منك له وتحنناً منك عليه إذ وكلت لصونه وحراسته وحفظه وحياطته
از تو و شفقت از تو بر او زمانیکه موکل گردانیدی او را برای نگهداری او و نگهبانی او و رعایت او
من قدرتك عيناً عاصمة حجبت بها عنه مدانس العهر ومعايب السفاح
از قدرت تو از روی نگهبانی نگاه دارنده باز داشتی بآن از او چرکهای فجور و عیبهای زنا را
حتى رفعت به نواظر العباد وأحييت به ميت البلاد بأن كشفت
تا آنکه بلند کردی بآن دیده‌های بندگان را و زنده کردی بآن شهرهای مرده را بآنکه زائل کردی

عَنْ نُورِ وِلادَتِهِ ظُلَمُ الْاَسْتارِ وَالْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ الْاَنْوارِ اَللّٰهُمَّ

فَكَما خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هٰذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ وَذُخْرِ هٰذِهِ الْمَنْقَبَةِ الْعَظِيمَةِ

صَلِّ عَلَيْهِ كَما وَفىٰ بِعَهْدِكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَقاتَلَ اَهْلَ الْجُحُودِ عَلىٰ تَوْحِيدِكَ

وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي اِعْزازِ دِينِكَ وَلَبِسَ ثَوْبَ الْبَلْوىٰ فِي مُجاهَدَةِ اَعْدائِكَ

وَاَوْجِبْ لَهُ بِكُلِّ اَذىً مَسَّهُ اَوْ كَيْدٍ اَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِئَةِ الَّتِي حاوَلَتْ قَتْلَهُ

فَضِيلَةً تَفُوقُ الْفَضائِلَ وَتَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوالِكَ وَقَدْ اَسَرَّ الْحَسْرَةَ وَ

اَخْفَى الزَّفْرَةَ وَتَجَرَّعَ الْغُصَّةَ وَلَمْ يَتَخَطَّ ما مَثَّلَ لَهُ وَحْيُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَيْهِ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ صَلٰوةً تَرْضاها لَهُمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً

وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوالاتِهِمْ فَضْلاً وَاِحْساناً وَرَحْمَةً وَغُفْراناً اِنَّكَ

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ پس چهار رکعت نماز زيارت بكن بدو سلام باهر سوره

که خواهی وچون فارغ شوی تسبيح حضرت فاطمه عليها

السلام را بجا آور پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَوْ

اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوّاباً رَحِيماً وَلَمْ اَحْضُرْ زَمانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ

وَقَدْ زُرْتُهُ راغِباً تائِباً مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَمُسْتَغْفِراً لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَمُقِرّاً

لَكَ بِها وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِها مِنِّي وَمُتَوَجِّهاً اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُكَ

عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْنِي اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَ

الْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يا نَبِيَّ اللّٰهِ يا سَيِّدَ

خَلْقِ اللّٰهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي

عَمَلِي وَيَقْضِيَ لِي حَوائِجِي فَكُنْ لِي شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي فَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ الْمَوْلىٰ

رَبِّي وَنِعْمَ الشَّفِيعُ اَنْتَ يا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِكَ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ وَاَوْجِبْ

لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ الْواسِعَ الطَّيِّبَ النّافِعَ كَما اَوْجَبْتَ

لِمَنْ اَتىٰ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ حَيٌّ فَاَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَ

اسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولُكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَمَّلْتُكَ وَرَجَوْتُكَ وَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ عَمَّنْ

سِواكَ وَقَدْ اَمَّلْتُ جَزِيلَ ثَوابِكَ وَاِنِّي لَمُقِرٌّ غَيْرُ مُنْكِرٍ وَتائِبٌ اِلَيْكَ مِمَّا

اقْتَرَفْتُ وَعائِذٌ بِكَ فِي هٰذَا الْمَقامِ مِمّا قَدَّمْتُ مِنَ الْاَعْمالِ الَّتِي تَقَدَّمْتَ

اعمال روز

إلي فيها ونهيتني عنها وأوعدت عليها العقاب وأعوذ بكرم وجهك أن

من در آن و منع کردی مرا از آن و وعده دادهٔ بر آنها عقوبت را و پناه میبرم بکرم ذات تو اینکه

تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الأستار وتبدو فيه الأسرار

بپا داری مرا در جای رسوائی و خواری روزی که دریده میشود در آن پردها و آشکار میشود در آن سرها

والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم

و رسوائیها و لرزان شود در آن ... روز افسوس و پشیمانی روز عذاب روز

الآزفة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين

قیامت و روز غبن داشتن و روز جدا کردن حق را از باطل و روز جزا و روزیکه باشد اندازه آن پنجاه

ألف سنة يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر

هزار سال روز دمیدن صور روزیکه بلرزد زمین لرزیدنی از پی در آید نفخه صور دوم روز برانگیختن

يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من أخيه و

روز عرض کردن روزیکه برپا میشوند مردمان برای خدای جهانیان روزیکه فرار میکند مرد از برادر خود و

أمه وأبيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق الأرض وأكناف السماء يوم تأتي

مادر خود و پدر خود و زن خود و فرزندان خود روزیکه شکافته میشود زمین و اطراف آسمان روزیکه میآید

كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون إلى الله فينبئهم بما عملوا

هر کسی که دفاع کند از نفس خود روزیکه باز گردند بسوی خدا پس آگاه شوند از آنچه کرده‌اند

يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون إلا من رحم الله إنه هو

روزیکه بی‌نیاز نکند دوستی از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند مگر کسی که رحم کند خدا بدرستیکه او

العزيز الرحيم يوم يردون إلى عالم الغيب والشهادة يوم يردون إلى الله

ارجمند مهربان است روزیکه برمیگردند بسوی دانای نهان و آشکارا روزیکه برمیگردند بسوی خدا

مولاهم الحق يوم يخرجون من الأجداث سراعا كأنهم إلى نصب يوفضون

مولای ایشان براستی روزیکه بیرون میآیند از قبرها شتابان گویا ایشان بسوی علامتها میدوند

وكأنهم جراد منتشر مهطعين إلى الداع إلى الله يوم الواقعة يوم

و گویا ایشان ملخهای پراکنده‌اند و حال آنکه شتابانند بسوی خواننده بسوی خدا روز قیامت روز

ترج الأرض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا

بلرزد زمین لرزیدنی روزیکه میباشد آسمان مثل مس گداخته و میباشد کوهها چون پشم زده شده و نه

يسئل حميم حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا

بپرسد خویشی از حال خویشی روزیکه گواهی دهند گواهی داده‌شدگان روزیکه باشند فرشتگان صف در صف

اللهم ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك

خدایا رحم کن ایستادن مرا در آن روز بایستادنم در این روز و رسوا مکن مرا در آن

الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك اليوم مع أوليائك

ایستادنگاه بآنچه جنایت کردم بر خودم و بگردان ای پروردگار من در این روز با دوستان تو

منطلقي وفي زمرة محمد وأهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه

روان شدن من و در گروه محمد و اهل خانه او بر ایشان درود باد برانگیختن مرا و بگردان حوض او را

موردي وفي الغر الكرام مصدري وأعطني كتابي بيميني حتى أفوز بحسناتي

محل وارد شدن من و در میان سفیدان کرام بازگشت مرا و بده نامه عمل مرا بدست راستم تا اینکه رستگار گردم بکارهای نیک خود

وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني وأمضي مع الفائزين من

و سفید کنی بآن روی مرا و آسان کنی بآن حساب مرا و برتری دهی بآن ترازوی عمل مرا و بگذرانم با رستگاران از

عبادك الصالحين إلى رضوانك وجنانك إله العالمين اللهم إني

بندگان شایسته تو بسوی باغهای بهشتهای تو ای خدای جهانیان خدایا بدرستیکه من

أعوذ بك من أن تفضحني في ذلك اليوم بين يدي الخلائق بجريرتي أو

پناه میبرم بتو از اینکه رسوا کنی مرا در این روز پیش روی مردم بسبب گناه من یا

أن ألقى الخزي والندامة بخطيئتي أو أن تظهر فيه سيئاتي على حسناتي

اینکه برسم برسوائی و پشیمانی بگناه من یا اینکه غالب گردد در آن بدیهایم بر نیکیهایم

أو أن تنوه بين الخلائق باسمي يا كريم يا كريم العفو العفو الستر

یا اینکه شهرت بدهی میان مردمان بنام من ای بزرگوار امید دارم گذشتن را و پوشاندن

الستر اللهم وأعوذ بك من أن يكون في ذلك اليوم في مواقف الأشرار

پرده تو خدایا و پناه میبرم بتو از اینکه باشد در آن روز در جای ایستادن بدکاران

موقفي أو في مقام الأشقياء مقامي وإذا ميزت بين خلقك فسقت

جای ایستادن من یا در جای ایستادن بدبختان اقامت من و هرگاه که امتیاز دهی میان آفریدگانت پس برانی

كلا بأعمالهم زمرا إلى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك الصالحين وفي

هر یک را بکردارهای ایشان گروه گروه بجاهای ایشان پس بران مرا برحمت خود در بندگان شایسته و در

جوشن

من مفسدٍ لا یعلم عددی … آناه لا یجد اصله … کلّه فلك الحمد یا ربّ … ومنه خلوق وعافیة من ذلك … او غمّ من الشدائد بریء منها … او جوعٍ او عطشٍ او عریٍ … سیاً او متنا دابراً او …

علی محمّد وآل محمّد واجعلنی لانعمائك من الشاکرین ولآلائك من الذاکرین الهی وکم من عبدٍ امسی واصبح فقیراً عانیاً عاریاً مملقاً مخفقاً … یلقاً … یتنظر … ودعائه بفضلك … اوجه وجهه منی عندك او اشدّ عبادة

اعمال روز

زُمرة اولیاءك المتّقین الی جنّاتك یا ربّ العالمین پس وداع کن السلام

گروه دوستداران … بسوی بهشتهای تو ای پروردگار جهانیان آنحضرت را و بگو

علیك یا رسول الله السلام علیك ایّها البشیر النذیر السلام علیك ایّها

درود بر تو ای فرستاده خدا درود بر تو ای بشارت دهنده بیم کننده درود بر تو ای

السراج المنیر السلام علیك ایّها السفیر بین الله وبین خلقه اشهد یا

چراغ روشن درود باد بر تو ای رسول میان خدا و میان خلقش گواهی میدهم ای

رسول الله انّك کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهّرة

فرستاده خدا که تو بودی نوری در پشتهای بلند و در رحمهای پاکیزه

لم تنجّسك الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمّات ثیابها

نجس نکرده جاهلیت ترا بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا از تاریکیهای جامهٔ خود

اشهد یا رسول الله انّی مؤمن بك وبالائمّة من اهل بیتك موقن بجمیع

و گواهی میدهم ای فرستاده خدا که من ایمان آورنده‌ام بتو و بپیشوایان از خانوادهٔ تو یقین دارنده‌ام بهمه

ما اتیت به راضٍ مؤمن واشهد انّ الائمّة من اهل بیتك اعلام

آنچه آوردهٔ بآن خوشنودم و ایمان آورنده‌ام و گواهی میدهم که پیشوایان از خانوادهٔ تو نشانها

الهدی والعروة الوثقی والحجّة علی اهل الدنیا اللّهمّ لا تجعله

هدایتند و دستهٔ محکمند و برهان بر اهل دنیا هستند خدایا نگردان این زیارت را

آخر العهد من زیارة نبیّك علیه وآله السلام وان توفّیتنی فانّی اشهد

آخر زمان از زیارت کردن پیغمبر تو بر او و آل او درود و اگر میرانیدی مرا پس بدرستیکه من گواهی میدهم

فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیاتی انّك انت الله لا اله الّا انت وحدك

در مردنم برآنچه گواهی میدهم بر آن در زندگیم بدرستیکه توئی خدائیکه نیست خدائی جز تو یگانهٔ تو

لا شریك لك وانّ محمّداً عبدك ورسولك وانّ الائمّة من اهل بیته

نیست شریکی مر ترا و اینکه محمّد بندهٔ تو و فرستادهٔ تو است و اینکه پیشوایان از خانوادهٔ او

اولیاؤك وانصارك وحججك علی خلقك وخلفاؤك فی عبادك و

دوستان تو و یاوران تواند و برهانهای تو اند بر آفریدگانت و جانشینان تو در بندگان تو

اعلامك فی بلادك وخزّان علمك وحفظة سرّك وتراجمة وحیك

و نشانهای تو در شهرهای تو و خزانه داران علم تواند و نگهداران نهانی تواند و مفسّر وحی تواند

التفضّل … مقهوراً … ومن … طلب العافیة … شدّة العیش … وکشف الضرّ

صغیر

ونقل الضریبة او قتیل … بلاءٍ شدید لا قبل له … الّا بمنّك علیه وانا المخدوم … المنعم المعافی المکرّم … عافیة ممّا هو فیه ملك … الحمد یا ربّ من مقتدرٍ لا … یُغلب وذی اناةٍ لا …

یعجل صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنی لانعمائك من الشاکرین ولآلائك من الذاکرین وارحمنی برحمتك یا ارحم الراحمین الهی وکم من عبدٍ امسی واصبح طریداً شریداً حیراناً متحیّراً جائعاً خائفاً خاسراً فی الصحاری والبراری قد احرقه الحرّ والبرد وهو …

هفدهم ربیع الاوّل

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وبلّغ روح نبیّك محمّد وآله فی ساعتی

خدایا رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و برسان روح پیغمبرت محمّد و آل او را در این ساعت

هذه وفی کلّ ساعة تحیّة منّی وسلاماً والسلام علیك یا رسول الله

و در هر ساعت درود از من و سلام و درود بر تو ای فرستاده خدا

ورحمة الله وبرکاته لا جعله الله آخر تسلیمی علیك مؤلّف گوید

و رحمت خدا و برکات او نگرداند آنرا خدا آخر درودم بر تو که این زیارت

اگرچه این سندش بنظر فقیر نرسیده و لهذا در تحفة الزائر ایراد نکردم امّا زیارت جامع کاملیست و در همهٔ اوقات بجا میتوان آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصر که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده‌اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز سنّت است و خصوص این زیارت را در این روز ذکر کرده‌اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمیشود و بهترین زیارات آنحضرت [illegible] و بسند بسیار معتبر منقول است که در همهٔ اوقات و ایّام از نزدیك و دور میتوان کرد خصوصاً در این روز چنانکه شیخ مفید و شیخ شهید و سیّد ابن طاوس روایت کرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در هفدهم ماه ربیع الاوّل باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را برای ثقهٔ عظیم الشّأن محمّد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المؤمنین علیه السلام غسل زیارت بکن و پاکیزه‌ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش خود [illegible] کن و برو با آرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه [illegible] که ضریح مقدّس نمایان میشود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر السلام علی رسول الله السلام علی خیرة الله السلام علی

بگو و بگو

درود باد بر فرستادهٔ خدا درود باد بر برگزیدهٔ خدا درود باد بر

البشیر النذیر السراج المنیر ورحمة الله وبرکاته السلام علی انبیاء الله

مژده دهنده بیم کننده چراغ روشن و رحمت خدا و برکات او درود بر پیغمبران خدا

المرسلین وعباد الله الصالحین السلام علی ملائکة الله الحافّین بهذا الحرم

فرستاده شدگان و بندگان خدا که شایسته‌اند درود بر فرشتگان خدا که احاطه کرده‌اند باین حرم

ینظر الاعزّة … من الملوك … مجهوداً … ضنك … العیش … ومن … طلب … خرج …

جوشن

اعمال روز

وبهذا الضريح اللائذين به پس نزدیک قبر برو و بگو السلام عليك يا وصي الأوصياء

و باین ضریح پناه برندگان قبر برو و بگو درود باد برتو ای وصی وصیها

السلام عليك يا عماد الأتقياء السلام عليك يا ولي الأولياء السلام

درود باد برتو ای ستون پرهیزکاران درود باد برتو ای دوست دوستان خدا درود باد

عليك يا سيد الشهداء السلام عليك يا آية الله العظمى السلام عليك

برتو ای آقای شهیدان درود باد برتو ای نشانهٔ بزرگ خدا درود باد برتو

يا خامس أهل العباء السلام عليك يا قائد الغر المحجلين الأتقياء السلام

ای پنجم اهل عبا درود باد برتو ای پیشرو پیشانی سفیدان پرهیزکاران درود باد

عليك يا عصمة الأولياء السلام عليك يا زين الموحدين النجباء السلام عليك

برتو ای نگاه دارندهٔ دوستان درود باد برتو ای زینت یکتاشماران برگزیدگان درود باد برتو

يا خالص الأخلاء السلام عليك يا والد الأئمة الأمناء السلام عليك يا

ای دوست خالص خدا درود باد برتو ای پدر پیشوایان امینها درود باد برتو ای

صاحب الحوض وحامل اللواء السلام عليك يا قسيم الجنة واللظى السلام

دارای حوض کوثر و بردارندهٔ علم شفاعت درود باد برتو ای قسمت کنندهٔ بهشت و جهنم درود

عليك يا من شرفت به مكة ومنى السلام عليك يا بحر العلوم وكهف الفقراء

برتو ای آنکه مشرف گردید بجوان مکه و منی درود باد برتو ای دریای علمها و پناه فقیران

السلام عليك يا من ولد في الكعبة وزوج في السماء بسيدة النساء وكان

درود برتو ای آنکه زائیده شد در کعبه و تزویج شد در آسمان بخاتون زنان و بوده است

شهودها الملائكة الأصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام

گواهان فرشتگان برگزیدها درود باد برتو ای چراغ روشن درود

عليك يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك يا من بات على فراش خاتم

باد برتو ای آنکه مخصوص نمود او را پیغمبر بعطای زیاد درود باد برتو ای آنکه شب را بروز آورد در رختخواب

الأنبياء ووقاه بنفسه شر الأعداء السلام عليك يا من ردت له الشمس

خاتم پیغمبران و نگاه داشت او را بنفس خود از بدی دشمنان درود برتو ای آنکه برگردید برای او آفتاب

فسامى شمعون الصفا السلام عليك يا من أنجى الله سفينة نوح باسمه و

پس مواظبت کرد شمعون صفا را درود برتو ای آنکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او و

صغیر

هفدهم ربیع الاول

اسم أخيه حيث التطم الماء حولها وطمى السلام عليك يا من تاب الله به و

نام برادر او آنجا که برهم آمد آب گرداگرد آن کشتی و بگرداب افتاد موج درود برتو ای آنکه بخشید خدا بوسیلهٔ او در

بأخيه على آدم إذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة الذي من ركبه نجى و

برادر او بر آدم چون بخطا افتاد درود برتو ای کشتی نجات که هر که سوار شد نجات یافت و

من تأخر عنه هوى السلام عليك يا من خاطب الثعبان وذئب الفلا

هر که باز پس ماند از او پست شد درود برتو ای آنکه گفتگو کرد با اژدها و گرگ بیابان

السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله

درود برتو ای پادشاه مؤمنان و رحمت خدا و برکات او درود برتو ای برهان خدا

على من كفر وأناب السلام عليك يا إمام ذوي الألباب السلام عليك يا معدن

بر آنکه کافر است و توبه نموده است درود باد برتو ای پیشوای صاحبان عقل درود برتو ای کان

الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك يا من عنده علم الكتاب السلام عليك

حکمت و جدا سازندهٔ حق از باطل درود برتو ای آنکه نزد او است علم کتاب درود برتو

يا ميزان يوم الحساب السلام عليك يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام

ای ترازوی روز حساب درود برتو ای جدا کننده حکم گویا بصواب درود

عليك أيها المتصدق بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين

برتو ای صدقه کننده با انگشتر در محراب درود برتو ای آنکه کفایت کرد خدا مؤمنان را

القتال به يوم الأحزاب السلام عليك يا من أخلص لله الوحدانية وأناب

در کارزار بسبب او روز جنگ طایفه‌ها درود برتو ای آنکه خالص کرد برای خدا یکتائی را و بازگشت

السلام عليك يا قاتل خيبر وقالع الباب السلام عليك يا من دعاه خير الأنام

درود برتو ای کشندهٔ مرحب خیبر و کنندهٔ در خیبر درود برتو ای آنکه خواند او را بهترین مردم

للمبيت على فراشه فأسلم نفسه للمنية وأجاب السلام عليك يا من له طوبى

برای بیتوته بر رختخواب خود پس سلامت برد نفس خود را از مرگ و اجابت نمود او را درود برتو ای آنکه او راست درخت طوبی

وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي عصمة الدين ويا سيد

و نیکو جایگاه و رحمت خدا و برکات او درود برتو ای نگهدارندهٔ دین حق و ای آقای

السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات السلام عليك يا من نزلت في فضله

آقایان درود برتو ای صاحب معجزها درود برتو ای آنکه فرود آمد در فضل او

اعمال

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى السُّرَادِقَاتِ اَلسَّلَامُ

سوره عادیات درود بر تو ای آنکه نوشته شده نام او در آسمان بر سراپردها درود باد

عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای ظاهر کننده عجیبها و نشانه‌ها درود باد بر تو ای پادشاه جنگها درود باد بر تو

يَا مُخْبِراً بِمَا غَبَرَ وَبِمَا هُوَ آتٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوَاتِ اَلسَّلَامُ

ای خبر دهنده بانچه گذشت و بانچه او میشود درود بر تو ای آنکه سخن گوئیده با گرگ بیابان درود باد

عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ

بر تو ای مهر کننده سنگریزه‌ها و بیان کننده دشوارها درود بر تو ای آنکه شگفت آمد از حمله‌های او

فِي الْوَغَا مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ

در جنگ فرشتگان آسمانها درود باد بر تو ای آنکه راز گفت رسول را پس پیش داشت میان دو دست خود

نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ

راز گوئی خود صدقه‌ها درود باد بر تو ای پدر پیشوایان نیکوکاران بزرگان

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

و رحمت خدا و برکات او درود بر تو ای عقب آینده پیغمبر درود باد بر تو ای ارث برنده

عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ

علم بهترین کسیکه ارث برده شد و رحمت خدا و برکات او درود باد بر تو ای پیشوای پرهیزکاران

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو ای فریادرس اندوهناکان درود بر تو ای نگاه دارنده مؤمنان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود بر تو ای ظاهر کننده حجتها درود بر تو ای طه و یس درود بر تو ای

حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلَاتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ

ریسمان محکم خدا درود بر تو ای آنکه صدقه داد در نماز خود انگشتر خود بر درویش

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود باد بر تو ای کنده سنگ محکم را از دهن چاه و ظاهر کننده آب خوشگوار درود بر تو ای

عَيْنَ اللّٰهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ

دیده نگرنده خدا و دست گشاده خدا و زبان خدا که بیان کننده اوست در خلق او همگی

هفدهم ربیع الاول

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

درود باد بر تو ای ارث برنده دانش پیغمبران و جای امانت دانش پیشینیان و پسینیان

وَصَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و دارای علم حمد و آب دهنده دوستان خود از حوض کوثر آخر پیغمبران درود باد بر تو ای

يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

پادشاه دین و کشنده پیشانی سفیدان و پدر پیشوایان پسندیدگان و رحمت خدا و

بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللّٰهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ الْقَوِيِّ وَصِرَاطِهِ

برکات او درود بر نام پسندیده خدا و روی روشن خدا و جانب توانای خدا و راه راست

السَّوِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ

خدا درود بر پیشوای پرهیزکار خالص برگزیده درود بر ستاره درخشنده

اَلسَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ

درود بر پیشوای پدر حسن علی و رحمت خدا و برکات او درود بر پیشوای

الْهُدَى وَذِي النُّهَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَمِصْبَاحِ الدُّجَى وَعَلَمِ

رهنما و صاحب عقل و پناه آفریدگان و دستگیره محکم و چراغ تاریکیها و نشان

التُّقَى وَمَنَارِ الْهُدَى وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ

پرهیزکاری و روشنی هدایت و برهان بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکات او درود

عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ وَحُجَّةِ الْجَبَّارِ وَوَالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَ

بر نور نورها و برهان خداوند قهر کننده و پدر پیشوایان پاکان و قسمت کننده بهشت و

النَّارِ الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثَارِ الْمُدَمِّرِ عَلَى الْكُفَّارِ مُسْتَنْقِذِ الشِّيعَةِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ

آتش خبر دهنده از خبرها هلاک سازنده بر کافران و رهاننده پیروان خالصان از

عَظِيمِ الْأَوْزَارِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتَارِ الْمَوْلُودِ

بزرگ گناهان درود بر آنکه مخصوص است بپاک پرهیزکاری دختر برگزیده زائیده شده

فِي الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتَارِ الْمُزَوَّجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبَرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ

در خانه خدا دارای پرده‌ها تزویج شده در آسمان به نیکوی پاکیزه خوشنود پسندیده

ابْنَةِ الْأَطْهَارِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى النَّبَإِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ

دختر پاکان و رحمت خدا و برکات او درود بر خبر بزرگ که ایشان

دعا

اعمال روز

مِنْهُ مُخْتَلِفُونَ وَ عَلَيْهِ يُعْرَضُونَ وَ عَنْهُ يُسْئَلُونَ اَلسَّلٰمُ عَلٰى نُورِ اللّٰهِ الْاَنْوَرِ

وَ ضِيٰائِهِ الْاَزْهَرِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ وَ حُجَّتَهُ

وَ خٰالِصَةَ اللّٰهِ وَ خٰاصَّتَهُ اَشْهَدُ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ لَقَدْ جٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ حَقَّ

جِهٰادِهِ وَ اتَّبَعْتَ مِنْهٰاجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ حَلَّلْتَ

حَلٰالَ اللّٰهِ وَ حَرَّمْتَ حَرٰامَهُ وَ شَرَعْتَ اَحْكٰامَهُ وَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ

الزَّكٰوةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ

اللّٰهِ صٰابِراً نٰاصِحاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمَ الْاَجْرِ حَتّٰى

اَتٰاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ وَ اَزٰالَكَ عَنْ مَقٰامِكَ

وَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ اُشْهِدُ اللّٰهَ وَ مَلٰئِكَتَهُ وَ اَنْبِيٰاءَهُ

وَ رُسُلَهُ اَنّي وٰالٍ لِمَنْ وٰالاٰكَ وَ عٰادٍ لِمَنْ عٰادٰاكَ اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ

اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ پس خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو اَشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ كَلٰامي وَ تَشْهَدُ

مَقٰامي وَ اَشْهَدُ لَكَ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ بِالْبَلٰاغِ وَ الْاَدٰاءِ يٰا مَوْلٰايَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ

يٰا اَمِينَ اللّٰهِ يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْني وَ بَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً قَدْ اَثْقَلَتْ

دعاء مجیر

هفدهم ربیع الاول

ظَهْري وَ مَنَعَتْني مِنَ الرُّقٰادِ وَ ذِكْرُهٰا يُقَلْقِلُ اَحْشٰائي وَ قَدْ هَرَبْتُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ

وَ جَلَّ وَ اِلَيْكَ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلٰى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعٰاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ

طٰاعَتَكَ بِطٰاعَتِهِ وَ مُوٰالاٰتَكَ بِمُوٰالاٰتِهِ كُنْ لي اِلَى اللّٰهِ شَفِيعاً وَ مِنَ النّٰارِ

مُجِيراً وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهِيراً پس خود را باز بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو يٰا وَلِيَّ اللّٰهِ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ

يٰا بٰابَ حِطَّةِ اللّٰهِ وَلِيُّكَ وَ زٰائِرُكَ وَ اللّٰائِذُ بِقَبْرِكَ وَ النّٰازِلُ بِفِنٰائِكَ

وَ الْمُنِيخُ رَحْلَهُ في جِوٰارِكَ يَسْئَلُكَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَى اللّٰهِ في قَضٰاءِ حٰاجَتِهِ

وَ نُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيٰا وَ الْاٰخِرَةِ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْجٰاهَ الْعَظِيمَ وَ الشَّفٰاعَةَ

الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْني يٰا مَوْلٰايَ مِنْ هَمِّكَ وَ اَدْخِلْني في حِزْبِكَ وَ السَّلٰامُ عَلَيْكَ

وَ عَلٰى ضَجِيعَيْكَ اٰدَمَ وَ نُوحٍ وَ السَّلٰامُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ

عَلَى الْاَئِمَّةِ الطّٰاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ پس از روی تضرع و خشوع هر حاجت

که داری از خدا طلب کن مؤلف گوید که چون زیارت کنند

در بهذا الحرم و بهذا الضريح قصد روضه و ضریح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میکنند

زیارتها و دعاها را متصل بیکدیگر میخوانند و نزدیک رفتن و بوسیدن نمیباشد

یعنی بعوض اینها چیزی نیست در کار که بعمل آورد و سید ابن طاوس گفته است که مستحب

است در این روز دو رکعت نماز بکنند و در هر رکعت بعد از سوره حمد ده مرتبه انا انزلناه

دعا

اعمال روز

وده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید در جای نماز خود بنشیند و

این دعا بخواند انت حيٌّ لا يموت و خالقٌ لا يغلب و بديءٌ لا ينفد و قريبٌ

زنده که نمیری / وآفریننده که مغلوب نمیشود / و پدید آورنده که نابود نمیشود / و نزدیکی که

لا يبعد و قادرٌ لا يضادّ و غافرٌ لا يظلم و صمدٌ لا يطعم و قيّومٌ

دور نمیشوی / و توانائی که دشمنی کرده نشود / و آمرزنده که ستم کرده نشود / و بی‌نیازی که طعام داده نشود / و پاینده که

لا ينام و عالمٌ لا يعلّم و قويٌّ لا يضعف و عظيمٌ لا يوصف و وفيٌّ لا

نخوابد / و دانائی که یاد نگیرد / و توانائی که ناتوان نشود / و بزرگی که وصف کرده نشود / و وفا کننده که

يخلف و غنيٌّ لا يفتقر و حكيمٌ لا يجور و منيعٌ لا يقهر و معروفٌ لا ينكر و

خلاف نکند / و بی‌نیازی که محتاج نگردد / و درست کاری که جور نکند / و ... / و ...

وكيلٌ لا يخيب و غالبٌ لا يغلب و فردٌ لا يستشير و وهّابٌ لا يملّ و سريعٌ

کارگذاری که زیان نشود / و غالبی که مغلوب نشود / و یکتائی که مشورت کرده نشود / و بخشنده که ملال نیابد / و سریع که

لا يذهل و جوادٌ لا يبخل و عزيزٌ لا يذلّ و حافظٌ لا يغفل و قائمٌ لا ينام

ذهول نکند / و بخشنده که بخل نورزد / و غالبی که خوار نشود / و نگهدارنده که غافل نشود / و پاینده که

و محتجبٌ لا يرى و دائمٌ لا يفنى و باقٍ لا يبلى و واحدٌ لا يشبّه و مقتدرٌ

پنهان شده که دیده نشود / و همیشه که فانی نشود / و باقی که کهنه نشود / و یکتائی که مشتبه نگردد / و توانائی که

لا ينازع اللهم اني اسالك بعلم الغيب عندك و قدرتك على الخلق

دشمنی نکند / خدایا من سؤال میکنم ترا بدانش پنهانی که نزد تو است / و توانائی تو / بر همه خلق

اجمعين ان تحييني ما علمت الحيوة خيراً لي و ان تتوفّاني اذا كانت الوفات

آنکه زنده داری مرا تا آنکه دانائی زندگی بهتر است برای من / و آنکه بمیرانی مرا هرگاه بوده باشد مردن

خيراً لي و اسالك الخشية في الغيب و الشهادة و اسالك اللهم

بهتر برای من / و سؤال میکنم ترا ترسیدن در حال نهانی و آشکارا / و سؤال میکنم ترا خدایا

كلمة الحقّ في الغضب و الرضا و اسالك نعيماً لا ينفد و اسالك الرضا

سخن حق را در حال خشم و خشنودی / و سؤال میکنم ترا نعمتی که بپایان نرسد / و سؤال میکنم ترا خوشنودی

بعد القضاء و اسالك برد العيش بعد الموت و اسالك لذّة النظر

بعد از حکم / و سؤال میکنم ترا خوشی زندگی را بعد از مردن / و سؤال میکنم ترا لذت نگریستن

الى وجهك الكريم امين ربّ العالمين اللهمّ اني اسالك بمنك

بسوی ذات با بخشش تو / اجابت کن ای پروردگار عالمیان / خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بسبب احسان تو

هفتم ربیع‌الاول / مجیر

الكريم و بفضلك العظيم ان تغفر لي و ترحمني بالطف اللطف في كل ما تحب و ترضى

بزرگوار و بفضل بزرگ تو / آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا / بمهربانی در هر چه دوست میداری

اللهمّ اني اسالك فعل الخيرات و ترك المنكرات و حبّ المساكين و مخالطة

خدایا من سؤال میکنم ترا از کردن نیکوها / و ترک کردن بدیها / و دوستی فقیرها / و آمیزش

الصالحين و ان تغفر لي و ترحمني و اذا اردت بقوم فتنة فتوفّني غير مفتون

با شایستگان / و آنکه بیامرزی مرا / و رحم کنی مرا / و هرگاه اراده کنی بقومی آشوبی را / بمیران مرا

و اسالك حبّك و حبّ من يحبّك و حبّ كلّ عمل يقرّبني الى حبّك اللهمّ

و میخواهم ترا دوستی ترا / و دوستی آنکه دوست دارد ترا / و دوستی هر کاری که نزدیک کند مرا بدوستی تو / خدایا

بحقّ محمّدٍ صلّى الله عليه و اله حبيبك و بحقّ ابرهيم خليلك و صفيّك

بحرمت محمد دوست تو / و بحرمت ابراهیم دوست تو / و برگزیده تو

و بحقّ موسى كليمك و بحقّ عيسى روحك و اسالك بصحف ابرهيم و

و بحرمت موسی هم سخن تو / و بحرمت عیسی روح تو / و سؤال میکنم ترا بنامهای ابراهیم و

توراة موسى و انجيل عيسى و زبور داود و فرقان محمّدٍ صلّى الله عليه و

کتاب موسی / و کتاب عیسی / و کتاب داود / و کتاب محمد

اله و اسالك بكلّ وحيٍ اوحيته و بحقّ كلّ قضاءٍ قضيته و بكلّ سائلٍ

و سؤال میکنم ترا بهر وحیی که وحی کردی اورا / و بحرمت هر حکمی که حکم کردی اورا / و بهر خواهنده که

اعطيته و اسالك بكلّ اسمٍ انزلته في كتابك و اسالك باسمائك

داده اورا / و سؤال میکنم ترا بهر نامی که فرود آورده اورا در کتاب خود / و سؤال میکنم ترا بنامهای خود

التي استقلّ بها عرشك و اسالك باسمائك التي وضعتها على النار

که قرار گرفته باها عرش تو / و سؤال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر آتش

فاستنارت و اسالك باسمائك التي وضعتها على الليل فاظلم و اسالك

پس روشن گردید / و سؤال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر شب پس تاریک شد / و سؤال میکنم ترا

باسمائك التي وضعتها على النهار فاضاء و اسالك باسمائك التي

بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر روز پس روشن شد / و سؤال میکنم ترا بنامهای تو که

وضعتها على الارض فاستقرّت و اسالك باسمك الاحد الصمد الذي

گذاشتی آنهارا بر زمین پس قرار گرفت / و سؤال میکنم ترا بنام تو یگانه که قصد کرده شود آنکه

يا ... تعاليت يا ... اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ... تعاليت يا ... اجرنا من النار يا مجير

دعا

اعمال روز

مَلَأَ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ

پرکرده اطراف هر چیزرا وسؤال میکنم ترا بنام تو که پاک و پاکیزه است با میمنت و برکت زنده است پاینده است

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى

نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان وسؤال میکنم ترا از معاقد عرش تو ومنتهای

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلٰى وَكَلِمَاتِكَ

رحمت از کتاب تو وبنام های تو که بزرگست وبعظمت بلند پایه تو وسخنان تو که

التَّامَّاتِ اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْاٰنِ وَالْعَمَلَ بِهِ وَالطَّاعَةَ لَكَ وَالْعَمَلَ

کاملند انکه روزی کنی مرا نگاهداری کردن قرآن وکار کردن بانرا وفرمانبرداری تو وکردار

الصَّالِحَ وَاَنْ تُثْبِتَ ذٰلِكَ فِي اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَاَنْ تَخْلِطَ ذٰلِكَ بِلَحْمِي

شایسته وانکه ثابت داری مارا این در گوشهای ما وچشمهای ما وانکه آمیزی آنرا بگوشت من

وَدَمِي وَمُخِّي وَشَحْمِي وَاَنْ تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ بَدَنِي وَقُوَّتِي فَاِنَّهُ لَا يَقْوٰى عَلٰى ذٰلِكَ

وخون من ومغز سر من وپیه من وانکه بکار داری براین بدن مرا وتوانائی مرا براین وقدرت ندارد براین

اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا اَللّٰهُ الْوَاحِدُ الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اَللّٰهُ الْخَالِقُ

جز تو یکانه تو که نیست شریکی ترا ای خداوند یگانه پروردگار توانا ای خدای آفریننده

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ يَا اَللّٰهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ يَا اَللّٰهُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْعَزِيزُ يَا

بپدید آرنده نگارنده ای خدای برانگیزاننده ارث برنده ای خدای گشاینده کار دانای عزیز ای

اَللّٰهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

خدای پادشاه توانای با قدرت بیامرز مرا ورحم کن مرا که توئی مهربانتر مهربانان

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ فَاَسْاَلُكَ يَا اَللّٰهُ

خدایا تو گفتهٔ وگفتهٔ تو راست است بخوانید مرا اجابت میکنم شمارا پس سؤال میکنم ترا ای خدا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اٰدَمُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ فَاَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَاَسْاَلُكَ

بنام تو که خواندترا بان آدم رحمت خدا براو پس واجب کردی از برای او بهشت را وسؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شِيثُ ابْنُ اٰدَمَ فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ اَبِيهِ بَعْدَهُ اَنْ

بنام تو که خواندترا بان شیث پسر آدم پس گردانیدی اورا وصی پدرش بعد از پدر انکه

تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَاَنْ تَرْزُقَنَا اِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ لِاَحَدٍ عِنْدَنَا وَاَنْ

اجابت کنی دعای مرا وانکه روزی کنی مرا جاری ساختن هر وصیتی از برای کسی نزد ما وانکه

مجیر

هفدهم ربیع الاول

نُقَدِّمُ وَصِيَّتَنَا اَمَامَنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ

پیش اری وصیت مارا پیش روی ما وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواندترا بان ادریس پس بالا بردی اورا

مَكَانًا عَلِيًّا اَنْ تَرْفَعَنَا اِلٰى اَحَبِّ الْبِقَاعِ اِلَيْكَ وَتَمُنَّ عَلَيْنَا بِرِضَائِكَ

بجایگاه بلند انکه بلند کنی مارا بسوی دوست دارترین بقعها بسوی تو ومنت نهی بر ما بخوشنودی خود

وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ

ودر آوری مرا ببهشت برحمت خود وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواندترا بان نوح پس رهانیدی اورا

مِنَ الْغَرَقِ وَاَهْلَكْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الْبَلَاءِ

از غرق وهلاک کردی گروه ستمکاران را انکه برهانی مارا از انچه ما در ان هستیم از بلا

وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الرِّيحِ

وسؤال میکنم ترا بنام تو انکه خواندترا بان هود بر او باد درود پس رهانیدی اورا از باد

الْعَقِيمِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ

بی نفع انکه برهانی مارا از بلاء دنیا وآخرت وشکنجه دوجهان وسؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا

انکه خواندترا بان صالح پس رهانیدی اورا از رسوائی انروز انکه برهانی مارا از رسوائی دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ

وآخرت وشکنجه دوجهان وسؤال میکنم ترا بنام تو انکه خواندترا بان لوط پس رهانیدی اورا از

الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ السَّوْءِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَسْاَلُكَ

شهرها وباران بد انکه برهانی مارا از رسوائی های دنیا وآخرت وسؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ اَنْ

بنام تو انکه خواندترا بان شعیب پس رهانیدی اورا از عذاب روزیکه آتش سایه انداخت انکه

تُنَجِّيَنَا مِنَ الْعَذَابِ اِلٰى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

برهانی مارا از شکنجه بسوی راحت خود ورحمت خود وسؤال میکنم ترا بنام تو انکه خواندترا

بِهِ اِبْرٰهِيمُ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا اَنْ تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ

بان ابرهیم پس گردانیدی آتش را براو سرد وسلامت انکه خلاص کنی مارا همچنانکه رهانیدی اورا

وَاَنْ تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا جَعَلْتَهَا عَلَيْهِ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ

وانکه بگردانی انچه ما در انیم سرد وسلامت چنانکه کردی آنرا براو وسؤال میکنم ترا بنام تو

الذي دعاك به اسمعيل عند العطش واخرجت من زمزم الماء الروي

انكه خواندترا بان اسمعيل نزد تشنگی وبیرون اوردی از زمزم آب سیراب

ان تجعل مخرجنا الى خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك واسألك

اینکه بگردانی بیرون امدن مارا بخیر وانکه روزی کنی مرا مال زیاد برحمت خود وسؤال میکنم ترا

باسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرة عينه

بنام تو که خواندترا بان یعقوب پس بازگردانیدی براو چشم اورا وپسر اورا وروشنی چشم اورا

ان تخلصنا وتجمع بيننا وبين اولادنا واهالينا واسألك باسمك

اینکه خلاص کنی مارا وفراهم اوری میان ما ومیان فرزندان ما واهل مارا وسؤال میکنم ترا بنام تو

الذي دعاك به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا من السجن وتملكنا

انکه خواندترا بان یوسف پس بیرون اوردی اورا از زندان انکه در اوری مارا از زندان ومالک گردانی مارا

نعمتك التي نعمت بها علينا واسألك باسمك الذي دعاك به الاسباط

نعمت خودرا انکه انعام کردی بان برما وسؤال میکنم ترا بنام تو انکه خواندترا بان اسباط

فتبت عليهم وجعلتهم انبياء ان تتوب علينا وترزقنا طاعتك و

پس توبه قبول کردی برایشان وگردانیدی ایشانرا پیغمبران انکه بپذیری عذر ما وروزی کنی مارا طاعت خودرا و

عبادتك والخلاص مما نحن فيه واسألك باسمك الذي دعاك به

وعبادت ترا وخلاص از انچه مادران هستیم وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواندترا بان

ايوب اذ حل به البلاء فقال ربي اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين

ایوب هنگامیکه فرود امد بان بلا پس گفت پروردگارا من رسیده مرا ضرر وتوئی مهربان ترین مهربانان

فاستجبت له وكشفت عنه ضره ورددت عليه اهله ومثلهم

پس اجابت کردی اورا ودور کردی ازاو ضرر اورا وبرگردانیدی براو اهل اورا ومانند ایشانرا

معهم رحمة منك وذكرى للعابدين اللهم اني اقول كما قال ربي اني

با ایشان رحمت از خود واگاهی برای پرستندگان خدایا بدرستیکه من میگویم چنانکه گفت خدای من

مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا ورد

رسیده مرا ضرر وتوئی مهربان ترین مهربانان پس اجابت کن مارا ورحم کن مارا وخلاص کن مارا وردکن

علينا اهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين

برما اهل مارا ومال مارا ومانند ایشانرا با ایشان رحمتی از تو وبگردان مارا از عابدان

الله واسألك باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت عز من

وسؤال میکنم ترا بنام تو انکه خواندترا بان موسی وهرون پس گفتی عزیز است

قائل قد اجيبت دعوتكما ان تستجيب دعاءنا وتنجينا كما نجيتهما

گوینده بتحقیق اجابت کرده شد دعای شما انکه اجابت کنی دعای مارا ونجات دهی مارا چنانکه نجات دادی ایشانرا

واسألك باسمك الذي دعاك به داود فغفرت ذنبه ...

وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواندترا بان داود پس امرزیدی گناه اورا

ان تغفر ذنبي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم واسألك باسمك

انکه بیامرزی گناه مرا وبپذیری عذر مرا بدرستیکه توئی توبه پذیر مهربان وسؤال میکنم ترا بنام تو

الذي دعاك به سليمان فرددت عليه ملكه وامكنته من عدوه و

انکه خواندترا بان سلیمان پس برگردانیدی براو پادشاهی اورا ودست دادی اورا بر دشمن او و

سخرت له الجن والانس والطير ان تخلصنا من عدونا وترد علينا

رام گردانیدی برای او جن وانس ومرغانرا اینکه خلاص کنی مارا از دشمن ما وبرگردانی برما

نعمتك وتستخرج لنا من ايديهم حقنا وتخلصنا منهم انك على كل شيء

نعمت خودرا وبیرون اوری برای ما از دست ایشان حق مارا وخلاص کنی مارا از ایشان بدرستیکه تو بر همه چیز

قدير واسألك باسمك الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب على عرش

توانائی وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواندترا بان انکه نزد او بود دانش از کتاب بر عرش

ملكة سبا ان تحمل اليه فاذا هو مستقر عنده ان تحملنا من عامنا

پادشاه سبا انکه بار کرده شود بسوی او پس ناگاه او برجا ایستاده نزد او انکه بار کنی مارا از سال ما

هذا الى بيتك الحرام حجاجا وزوار القبر نبيك عليه واله السلام

حج گزاران وزیارت کنندگان قبر پیغمبرترا

واسألك باسمك الذي دعاك به يونس بن متى في الظلمات ان لا اله الا

وسؤال میکنم ترا بنام تو انکه خواندترا بان یونس پسر متی در تاریکیها اینکه نیست خدائی مگر

انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من بطن

تو منزهی تو بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی اورا ونجات دادی اورا از شکم

الحوت ومن الغم وقلت عز من قائل وكذلك ننجي المؤمنين ...

ماهی واز اندوه وگفتی عزیز است گوینده وهمچنین نجات میدهیم مؤمنانرا

دعا

اعمال روز هفدهم

أنا مؤمنون ونقول كما قال لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من
که ماییم مؤمنان و میگوییم چنانکه گفته نیست خدائی جز تو منزهی تو بدرستیکه من بودم

الظالمين فاستجب لي ونجني من غم الدنيا والآخرة كما ضمنت أن
از ستمکاران پس اجابت کن مرا و نجات ده مرا از اندوه دنیا و آخرت چنانکه ضامن گشته انکه

تنجي المؤمنين وأسألك باسمك الذي دعاك به زكريا وقال رب لا
رهائی کروندگان را و سؤال میکنم بنام تو انکه خواند ترا بان زکریا و گفت ای پروردگار من

تذرني فردا وأنت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى و
مگذار مرا تنها و توئی بهترین ارث برندگان پس اجابت کردی او را و بخشیدی او را یحیی و

أصلحت له زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك
بصلاح آوردی زن او را و گردانیدی ایشان را شتاب کنندگان در نیکیها و میخوانند ترا

رغبا ورهبا وكانوا لك خاشعين فإني أقول كما قال رب لا تذرني فردا
از روی رغبت و ترس و بودند برای تو فروتنی کنندگان پس من میگویم چنانکه گفت خدایا مگذار مرا تنها

وأنت خير الوارثين فاستجب لي وأصلح لي شأني وجميع ما أنعمت به علي
و تو بهترین ارث برندگانی پس اجابت کن مرا و اصلاح کن کار مرا و همه آنچه انعام کردی بان بر من

وخلصني مما أنا فيه وهب لي كرامة الدنيا والآخرة وأولادا صالحين
و خلاص کن مرا از انچه منم در ان و بده مرا بزرگی دنیا و آخرت و فرزندان شایسته

يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين المطيعين
ارث برند مرا و بگردان ما را از انانکه میخوانند ترا از روی میل و ترس و از فروتنان و اطاعت کنندگان

لك وأسألك باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته بر التقية ولم يعمل
مر ترا و میخوانم ترا بنام تو انکه خواند ترا بان یحیی پس کردی او را پرهیزگار و نکرده باشد

معصية ولم يهم بها أن تعصمني من اقتراف المعاصي حتى نلقاك طاهرين
نافرمانی و قصد نکرده باشد بان انکه نگاهداری مرا از کسب کردن گناهان تا انکه ملاقات کنیم ترا پاکان

ليس لك قبلنا معصية وأسألك باسمك الذي دعتك به مريم فنطق
نیست مر ترا پیش ما گناهی و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان مریم پس سخن گفت

ولدها بحجتها أن توفقنا وتخلصنا بحجتنا عندك وعند كل مسلم
فرزندش بحجت او انکه توفیق دهی ما را و خلاص کنی ما را بحجت ما نزد تو و نزد هر مسلمان

مجير

ترجمه

حتى نظهر حجتنا على ظالمينا وأسألك باسمك الذي دعاك به عيسى بن مريم
تا انکه ظاهر سازی برهان ما را بر ستمکاران ما و سؤال میکنم بنام تو که خواند ترا بان عیسی بن مریم

فأحيى به الموتى وأبرأ به الأكمه والأبرص أن تخلصنا وتبرئنا من
پس زنده کرد بان مردگان را و شفا داد کور مادرزاد را و پیس را انکه خلاص کنی ما را و شفا دهی ما را از هر

سوء وآفة وألم وتحيينا حيوة طيبة في الدنيا والآخرة وأن ترزقنا
بدی و آفتی و دردی و زنده داری ما را زندگی پاکیزه در دنیا و آخرت و اینکه روزی دهی ما را

العافية في أبداننا وأسألك باسمك الذي دعاك به الحواريون فاعنتهم
عافیت در بدنهای ما و سؤال میکنم بنام تو که خواندند ترا بان حواریان پس اعانت کردی ایشان را

حتى بلغوا عن عيسى ما أمرهم به وصرفت عنهم كيد الجبارين وتولّيتهم أن
تا انکه رسیدند از عیسی انچه امر کرده ایشان را بان و گردانیدی از ایشان مکر ستمکاران را و دوستی کردی با ایشان

تخلصنا وتجعلنا من الدعاة إلى طاعتك وأسألك باسمك الذي
انکه خلاص کنی ما را و بگردانی ما را از خوانندگان بطاعت خود و میخوانم ترا بنام تو انکه

دعاك به جرجيس فرفعت عنه ألم العذاب أن ترفع عنا ألم العذاب
خواند ترا بان جرجیس پس بلند کردی از او درد شکنجه را انکه رفع کنی از ما درد شکنجه را

في الدنيا والآخرة وأن تبتلينا وإن ابتليتنا فصبّرنا والعافية أحب
در دنیا و آخرت انکه مبتلا نسازی ما را و اگر مبتلا کنی ما را پس صبر ده ما را و عافیت دوست تر

إلينا وأسألك باسمك الذي دعاك به الخضر حتى أبقيته أن تفرج عنا
بما و میخوانم ترا بنام تو انکه خواند ترا بان خضر تا انکه باقی داشتی او را انکه بگشائی از ما

وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا إلى مأمننا وأسألك باسمك الذي دعاك
و یاری دهی ما را بر کسی که ظلم کرده ما را و بگردانی ما را به مامن خود و میخوانم ترا بنام تو انکه خواند ترا

به حبيبك محمد صلى الله عليه وآله فجعلته سيد المرسلين وأيدته
بان دوست تو محمد رحمت خدا بر او و آل او پس گردانیدی او را آقای فرستادگان و تقویت کردی او را

بعلي سيد الوصيين أن تصلي عليهما وعلى ذريتهما الطاهرين و
بعلی آقای اوصیاء اینکه رحمت فرستی بران دو و بر فرزندان ایشان که پاکانند و

أن تقيلني في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي ما سلف من ذنوبي و
انکه درگذری در این روز از لغزش من و بیامرزی مرا انچه گذشته از گناهان من و

دعای مجیر

اعمال ماه

خطایای و لا تصرفنی من مقامی هذا الا بسعی مشکور و ذنب مغفور و
خطاهای من و باز مگردان مرا از جایگاه من اینجا مگر بسعی نمودن بجزا داده شده و گناه آمرزیده شده و
عمل مقبول و رحمة و مغفرة و نعیم موصول بنعیم الآخرة برحمتك
کردار پذیرفته شده و رحمت و آمرزش و نعمت رسیده شده بنعمت آخرت بسبب رحمت تو
یا حنان یا منان یا ذا الجلال و الاکرام انك علی کل شیء قدیر
ای مهربان ای بسیار عطا کننده ای صاحب بزرگی و بزرگواری بدرستیکه بر هر چیزی توانائی
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

باب نهم

در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الثانیه است و در آن سه فصل است

فصل اول

در اعمال ماه ربیع الثانی است سید بن طاوس ره روایت کرده است که در روز اول این ماه مستحب است که این دعا بخوانند

اللهم انت اله کل شیء و خالق کل حی و رب کل شیء اسألك بالعروة
خدایا توئی خدای هر چیزی و آفریننده هر زنده و پرورنده کار هر چیزی سؤال میکنم از تو برشته
الوثقی و الغایة و المنتهی و بما خالفت به بین الانوار و الظلمات
محکم و آخر و انتها و بآنچه مخالفت کردی میان روشنیها و تاریکیها
و الجنة و النار و الدنیا و الآخرة و باعظم اسمائك فی اللوح المحفوظ
و بهشت و آتش و دنیا و آخرت و ببزرگترین اسمهای تو در لوح محفوظ
و اتم اسمائك فی التوریة نبلا و ازهر اسمائك فی الزبور عزا و
و بتمامترین نامهای تو در توریة از روی فضیلت و نیکوترین نامهای تو در زبور از روی عزت و
اجل اسمائك فی الانجیل قدرا و ارفع اسمائك فی القرآن ذکرا و
ببزرگوارترین نامهای تو در انجیل از روی قدر و بلندترین نامهای تو در قرآن از روی ذکر و
اعظم اسمائك فی الکتب المنزلة و افضلها و استر اسمائك فی نفسك
ببزرگترین نامهای تو در کتابهای فرستاده شده و بهترین آنها و پنهانترین نامهای تو در نفس تو

مجیر

ربیع الاول

الذی لیس کمثله شیء و اسألك بعزتك و قدرتك و بالعرش العظیم
آنکه نیست مانند آن چیزی و میخواهم از تو بعزت تو و بتوانائی تو و بعرش بزرگ
و ما حمل و بالکرسی الکریم و ما وسع ان تصلی علی محمد و آل محمد
و آنچه برداشت و بکرسی کریم بزرگ و آنچه فرا گرفته اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
و تتیح لی من عندك فرجك القریب العظیم الاعظم اللهم اتمم علی
و تقدیر کنی برای من از نزد خود گشایش خود که نزدیک و بزرگ است بزرگتر خدایا تمام کن بر من
احسانك القدیم الاقدم و تابع الی معروفك الدائم الادوم و انعشنی
نیکی خود را که دیرینه است دیرینه تر و پیاپی بفرست بسوی من احسان خود را که پیوسته و پاینده تر است و بلند کن قدر مرا
بعز جلالك الکریم الاکرم و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
بعزت بزرگواری خود که گرامی است و خدای شما خدای یکتاست نیست خدائی جز او بخشنده است
الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة و لا نوم الم
مهربان خدا نیست خدائی جز او زنده پاینده فرا نمیگیرد او را پینکی و نه خواب
الله لا اله الا هو الحی القیوم هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء
خدا نیست خدائی جز او زنده پاینده اوست آنکه صورت میدهد شما را در شکمهای مادر شما هر چه که خواهد
لا اله الا هو العزیز الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و
نیست خدائی جز او ارجمند درست کردار گواهی داد خدا اینکه نیست خدائی جز او و فرشتگان و
اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم الله لا اله
صاحبان دانش ایستاده بعدل نیست خدائی مگر او ارجمند درست کردار خدا نیست خدائی
الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ذلکم الله ربکم
جز او هر آینه فراهم خواهد آورد شما را بروز قیامت نیست شکی در آن اینست خدا پروردگار شما
لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل اتبع
نیست خدائی جز او آفریننده هر چیزی را پس بپرستید او را و او بر هر چیزی کارگذار است پیروی کن
ما اوحی الیك من ربك لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین قل یا
آنچه که وحی شده بتو از پروردگار تو نیست خدائی جز او و رو گردان از مشرکین بگو ای
ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملك السموات
مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همگی آن خدائیکه مر او راست پادشاهی آسمانها

سبحانك لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلك ننجی المؤمنین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و الحمد لله رب العالمین و حسبنا الله و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

اعمال ماه

وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ

الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا

لِيَعْبُدُوا اِلٰهًا وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَاِنْ تَوَلَّوْا

فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

حَتّٰى اِذَا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُوا

اِسْرَائِيلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

وَاِلَيْهِ مَتَابِ يُنَزِّلُ الْمَلٰئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ اَنْ اَنْذِرُوا اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُونِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ

فَاِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفٰى اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحٰى اِنَّنِي اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِي

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِي اِنَّمَا اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ

كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا نُوحِي اِلَيْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ

اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ

ربیع الثانی

عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ

الظَّالِمِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اَللّٰهُ

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ

فِي الْاُولٰى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ

اِلٰهًا آخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ

اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ

رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ

شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ

رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ

اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هُوَ الْحَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ

مُوقِنِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْاَوَّلِينَ

أعمال ماه

فَاَنّٰى لَهُمْ اِذَا جَاۤئَتْهُمْ ذِكْرٰهُمْ فَاعْلَمْ اَنَّهٗ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ

لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ

الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا

يُشْرِكُوْنَ اَللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْۤ

اَسْاَلُكَ عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهٗ عُقُوْبَةٌ وَرِضًا لَيْسَ بَعْدَهٗ سَخَطٌ وَعَافِيَةً

لَيْسَ بَعْدَهَا بَلَاۤءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا شَقَاۤءٌ وَهُدًى لَا يَكُوْنُ بَعْدَهٗ

ضَلَالَةٌ وَاِيْمَانًا لَا يُدَاخِلُهٗ كُفْرٌ وَقَلْبًا لَا يُدَاخِلُهٗ فِتْنَةٌ اَللّٰهُمَّ

اِنِّيْ اَسْاَلُكَ السَّعَةَ فِي الْقَبْرِ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالْقَوْلَ الثَّابِتَ وَاَنْ

تُنَزِّلَ عَلَيَّ الْاَمَانَ وَالْفَرَحَ وَالسُّرُوْرَ وَنَضْرَةَ النَّعِيْمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْنِيْ بَرَكَةَ هٰذَا الشَّهْرِ وَيُمْنَهٗ وَارْزُقْنِيْ خَيْرَهٗ وَ

اصْرِفْ عَنِّيْ شَرَّهٗ وَاجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْفَاۤئِزِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَاۤ اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَثِقَاتُ الْخَيْرِ فَهَبْ لِيْ شَوْقًا اِلٰى لِقَاۤئِكَ وَاِشْفَاقًا مِنْ عَذَابِكَ

ربيع الثاني

وَحَيَاۤءً مِنْكَ وَتَوْقِيْرًا وَاِجْلَالًا حَتّٰى يَوْجَلَ مِنْ ذٰلِكَ قَلْبِيْ وَيَقْشَعِرَّ مِنْهُ

جِلْدِيْ وَيَتَجَافٰى لَهٗ جَنْبِيْ وَتَدْمَعَ مِنْهُ عَيْنِيْ وَلَاۤ اَخْلُوْ مِنْ ذِكْرِكَ فِيْ لَيْلِيْ

وَنَهَارِيْ يَاۤ اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُثْنِيْ عَلَيْكَ وَمَا عَسٰى اَنْ يَبْلُغَ مَدْحِيْ

وَثَنَاۤئِيْ مَعَ قِلَّةِ عَمَلِيْ وَقِصَرِ رَاْيِيْ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوْقُ وَاَنْتَ

الْمَالِكُ وَاَنَا الْمَمْلُوْكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيْزُ وَاَنَا

الذَّلِيْلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ وَاَنَا الضَّعِيْفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيْرُ وَاَنْتَ

الْمُعْطِيْ وَاَنَا السَّاۤئِلُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الَّذِيْ لَا تَمُوْتُ وَاَنَا خَلْقٌ اَمُوْتُ

فَاغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَاَعْطِنِيْ سُؤْلِيْ فِيْ دُنْيَايَ وَاٰخِرَتِيْ وَتَجَاوَزْ عَنِّيْ وَ

عَنْ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاۤءِ مِنْهُمْ وَ

الْاَمْوَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ

وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهٗ وَكَرِّمْ مَقَامَهٗ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهٗ

وَاَفْلِجْ حُجَّتَهٗ وَاَظْهِرْ عُذْرَهٗ وَعَظِّمْ نُوْرَهٗ وَاَدِمْ كَرَامَتَهٗ وَاَلْحِقْ بِهٖ اُمَّتَهٗ

وَذُرِّيَّتَهٗ وَاَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْنَهٗ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا اَكْرَمَ النَّبِيِّيْنَ

اعمال ماه

تبعاً واعظمهم منزلةً واشرفهم کرامةً واعلاهم درجةً وافسحهم
فی الجنة منزلاً اللهم بلّغ محمداً درجة الوسیلة وشرّف بنیانه وعظّم
نوره وبرهانه وتقبّل شفاعته فی امّته وتقبّل صلوة امّته علیه اللهم
صلّ علی محمدٍ کما بلّغ رسالاتك وتلا آیاتك ونصح لعبادك و
جاهد فی سبیلك حتّی اتاه الیقین اللهم زد محمداً مع کلّ شرفٍ شرفاً
ومع کلّ فضلٍ فضلاً ومع کلّ کرامةٍ کرامةً ومع کلّ سعادةٍ سعادةً
حتّی تجعل محمداً فی الشرف الاعلی من الدرجات العلی اللهم صلّ علی
محمدٍ وآل محمدٍ وسهّل لی محبّتی وبلّغنی امنیّتی ووسّع علیّ فی رزقی و
اقض عنّی دینی وفرّج عنّی همّی وکربی ویسّر لی ارادتی واوصلنی
الی بغیتی سریعاً عاجلاً یا ارحم الراحمین وشیخ مفید گفته است

که در روز دهم ماه ربیع الآخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلی الله علیه و آله حضرت امام حسن عسکری علیه السلم متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحبست که بشکر این نعمت عظمی روزه بدارند مؤلف گوید که از زیارت حضرت جابر ... اعمال خیر در این روز با برکت مناسبست **فصل دوم** در بیان اعمال ماه جمادی الاولی است سید طاوس ره از بعضی از کتب معتبره نقل کرده است

جمادی الاولی

که در روز اول این ماه مستحبست اللهم انت الله وانت الرحمن الرحیم وانت الملك
است که این دعا بخوانند
القدّوس وانت السلام المؤمن وانت المهیمن وانت العزیز وانت الجبّار
وانت المتکبّر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصوّر وانت العزیز
الحکیم وانت الاوّل والآخر والظاهر والباطن لك الاسماء الحسنی
اسألك یا ربّ بحقّ هذه الاسماء وبحقّ اسمائك کلّها ان تصلّی علی
محمدٍ وآل محمدٍ وآتنا اللهم فی الدنیا حسنةً وفی الآخرة حسنةً
واختم لنا بالسعادة والشهادة فی سبیلك وعرّفنا برکة شهرنا هذا و
یمنه وارزقنا خیره واصرف عنّا شرّه واجعلنا فیه من الفائزین وقنا
برحمتك من عذاب النار یا ارحم الراحمین انّك علی کلّ شیءٍ قدیر پس این آیات را بخوانند
الحمد لله ربّ العالمین الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثمّ الذین کفروا بربّهم یعدلون هو الذی خلقکم
من طینٍ ثمّ قضی اجلاً واجلٌ مسمّی عنده ثمّ انتم تمترون وهو الله
فی السموات وفی الارض یعلم سرّکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون

اعمال ماه

دعا

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما لينذر بأسا

شديدا من لدنه وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الآخرة و

هو الحكيم الخبير الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة

رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان

الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها

وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي

هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل

ربنا بالحق الحمد لله الذي وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان ربي

لسميع الدعاء الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من

القوم الظالمين الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين

الحمد لله سيريكم آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون الحمد

لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي

جمادى الاولى

صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين

وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي بينهم

بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب السموات ورب الارض

رب العالمين وله الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم

الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن

له ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اغفر لي ما سلف من ذنوبي وتداركني

فيما بقي من عمري وقو ضعفي للذي خلقتني له وحبب الي الايمان وزينه

في قلبي وقد دعوتك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم

اصبحت لك عبدا لا استطيع دفع ما اكره ولا املك ما ارجو

اصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير افقر مني يا رب العالمين اسألك ان

تشغلني عمل من استيقن حضور اجله لا بل عمل من قد مات

فرأى عمله ونظر الى ثواب عمله انك على كل شيء قدير اللهم هذا مكان

العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان العائذ بعفوك من غضبك

الظِّلِّ يَوْمَ لا ظِلَّ إِلّا ظِلُّكَ وَمُرافَقَةَ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَوْلِيائِكَ اللّهُمَّ

اغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي وَما أَخَّرْتُ وَما أَسْرَرْتُ وَما أَعْلَنْتُ وَما

أَسْرَفْتُ عَلى نَفْسِي وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَارْزُقْنِي التُّقى وَالْهُدى وَالْعَفافَ

وَالْغِنى وَوَفِّقْنِي لِلْعَمَلِ بِما تُحِبُّ وَتَرْضى اللّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي

الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيايَ الَّتِي فِيها مَعاشِي وَأَصْلِحْ لِي

آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْها مُنْقَلَبِي وَاجْعَلِ الْحَياةَ زِيادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ

الْمَوْتَ راحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يا رَبَّ الْأَرْبابِ وَيا سَيِّدَ

السّاداتِ وَيا مالِكَ الْمُلُوكِ أَنْ تَرْحَمَنِي وَتَسْتَجِيبَ لِي وَتُصْلِحَنِي فَإِنَّهُ لا

يُصْلِحُ مَنْ صَلَحَ مِنْ عِبادِكَ إِلّا أَنْتَ فَإِنَّكَ أَنْتَ رَبِّي وَثِقَتِي وَرَجائِي وَ

مَوْلايَ وَمَلْجَئِي وَلا راحِمَ غَيْرُكَ وَلا مُغِيثَ لِي سِواكَ وَلا مالِكَ سِواكَ

وَلا مُجِيبَ إِلّا أَنْتَ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْخاطِئُ الَّذِي

وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَأَنْتَ الْعالِمُ بِحالِي وَحاجَتِي وَكَثْرَةِ ذُنُوبِي وَالْمُطَّلِعُ

عَلى أُمُورِي كُلِّها فَأَسْأَلُكَ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ما تَقَدَّمَ

اللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ دَعاكَ فَأَجَبْتَهُ وَسَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَآمَنَ بِكَ فَهَدَيْتَهُ

وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَدْنَيْتَهُ وَ[illegible] إِلَيْكَ

فَأَغْنَيْتَهُ وَاسْتَغْفَرَكَ فَغَفَرْتَ لَهُ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَرْضَيْتَهُ وَ

هَدَيْتَهُ إِلى مَرْضاتِكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِطاعَتِكَ وَلِذلِكَ فَرَّغْتَهُ أَبَداً

[illegible] أَحْبَبْتَهُ فَتُبْ عَلَيَّ يا رَبِّ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَلا تَحْرِمْنِي شَيْئاً مِمّا سَأَلْتُكَ

[illegible] شَرِّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ وَأَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لا إِلهَ

[illegible] الَّذِي يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا هُوَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ[illegible]

[illegible] وَزَيِّنْهُ [illegible] وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ

[illegible] اللّهُمَّ قَوِّنِي لِعِبادَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي عَمَلِكَ

وَبَلِّغْنِي الَّذِي أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

الرِّيَّ يَوْمَ الظَّماءِ وَالنَّجاةَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَالْفَوْزَ يَوْمَ الْحِسابِ وَ

الْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَأَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْخُلُودَ

فِي جَنَّتِكَ فِي دارِ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِكَ وَالسُّجُودَ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ ساقٍ

مِنْ ذَنْبِي وَمَا تَأَخَّرَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمّاً إِلَّا

فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضاً إِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا عَيْباً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ

اَللّٰهُمَّ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

اَللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلَىٰ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدُّهُورِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي

وَالْأَيَّامِ اَللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي مِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَا

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَاناً ثَابِتاً وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً

وَدُعَاءً مُسْتَجَاباً وَيَقِيناً صَادِقاً وَقَوْلاً طَيِّباً وَقَلْباً شَاكِراً وَبَدَناً

صَابِراً وَلِسَاناً ذَاكِراً اَللّٰهُمَّ انْزِعْ حُبَّ الدُّنْيَا وَمَعَاصِيهَا وَذِكْرَهَا وَ

شَهْوَتَهَا مِنْ قَلْبِي اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ بِكَرَمِكَ تَشْكُرُ الْيَسِيرَ مِنْ عَمَلِي وَاعْفُ لِي

الْكَثِيرَ مِنْ ذُنُوبِي وَكُنْ لِي وَلِيّاً وَنَصِيراً وَمَنِيعاً وَحَافِظاً اَللّٰهُمَّ هَبْ

لِي قَلْباً أَشَدَّ رَهْبَةً لَكَ مِنْ قَلْبِي وَلِسَاناً أَدْوَمَ لَكَ ذِكْراً مِنْ لِسَانِي وَ

جِسْماً أَقْوَىٰ عَلَىٰ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ مِنْ جِسْمِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ تَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ غَضَبِكَ

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ

وَسُوءِ الْقَضَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

الْكَرِيمِ وَعَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا

وَيَا مُطْلِقَ الْأُسَارَىٰ وَيَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ وَيَا كَاشِفَ الْعَذَابِ أَسْأَلُكَ

أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً غَانِماً وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ آمِناً

وَأَنْ تَجْعَلَ أَوَّلَ شَهْرِي هٰذَا صَلَاحاً وَأَوْسَطَهُ فَلَاحاً وَآخِرَهُ نَجَاحاً

إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ **مؤلف گوید** که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

است که حضرت فاطمه علیها السلام هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنده بود پس بنا بر مشهور که وفات حضرت رسول در بیست و هشتم صفر بوده باشد که وفات حضرت فاطمه علیها السلام در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسبست و صادر چهاردهم که ظاهر تر است و شیخ مفید ره گفته است که در شب پانزدهم این ماه حضرت زین العابدین علیه السلام متولد شده است و روز شریفیست و مستحبست که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای امیر المؤمنین علیه السلام در این روز میسر شد **مؤلف گوید** که زیارت هر دو امام علیهما السلام در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این قسم ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی بهتر است

فصل سیم در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید ابن طاوس ره روایت

دعای

اعمال ماه

کرده است که در این ماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکنند
یعنی بدو سلام و در رکعت اول بعد از سورهٔ فاتحه یک مرتبه آیة الکرسی
بخوانند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یک مرتبه الهیکم
التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سوم یک مرتبه
قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت
چهارم یک مرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از
آن از رکعت نماز بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
هفتاد مرتبه بگوید
أَكْبَرُ هفتاد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس سه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
مرتبه بگوید
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ پس سر بسجده بگذارد یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ
وسه مرتبه بگوید
الْاِکْرَامِ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ پس هر حاجت که
دارد از حق تعالی
طلب نماید پس هر که چنین کند خدا خود او را و مال او را و زنان و فرزندان او را و دین و دنیای
او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد ثواب شهید داشته باشد
و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة بسند معتبر از حضرت امام
علی النقی علیه السلام روایت کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها در
بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد و شهادت آن حضرت در سیم این ماه نیز واقع شد
و شیخ طوسی و سید بن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگرچه وفات سابق
روایتی که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که
در روز سیم مراسم تعزیت آن حضرت را تمام نمایند و زیارت آن حضرت بکنند و
لعن بسیار بر قاتلان آن حضرت بکنند و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و قنفذ
غلام عمر و در روز بیستم باز آن حضرت را زیارت کنند و چنانکه شیخ مفید گفته است

دعای مشلول

جمادی الثانیة

اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت
آن حضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید بن طاوس روایت کرده است که
هر که آن حضرت را زیارت کند باین زیارت بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ
درود باد بر تو ای خاتون زنان جهانیان درود بر تو
يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ اَجْمَعِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ
ای مادر حجتهای خدا بر مردم همگی درود بر تو ای ستمدیده منع کرده شده
حَقَّهَا پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَمَتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ
از حق خود خداوندا رحمت کن بر کنیز خود و دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود
صَلٰوةً تُزْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفٰى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَاَهْلِ الْاَرَضِينَ
رحمتی که نزدیک گرداند او را بالای نزدیک گردانیدن بندگان تو که مکرمند از اهل آسمانها و زمینها
پس طلب آمرزش کند از خدا جهت گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند
و این زیارت مختصر معتبر نیست و همه وقت میتوان کردن دوم زیارت مبسوطی است که
علما ذکر کرده اند در کتب زیارات و سندش بنظر فقیر نرسیده و آن زیارت اینست
اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ
درود باد بر تو ای دختر رسول خدا درود بر تو ای دختر پیغمبر خدا درود بر تو
يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ صَفِيِّ
ای دختر دوست خدا درود بر تو ای دختر دوست خدا درود بر تو ای دختر برگزیده
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ اَمِينِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
خدا درود بر تو ای دختر امین خدا درود بر تو ای دختر بهترین خلق خدا درود
عَلَيْكِ يَا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ اَلسَّلَامُ
بر تو ای دختر افضل پیغمبران خدا درود بر تو ای دختر بهترین مخلوق درود
عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا
بر تو ای خاتون زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان درود بر تو ای
زَوْجَةَ وَلِيِّ اللّٰهِ وَخَيْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا اُمَّ الْحَسَنِ
زن ولی خدا و بهترین خلق او بعد از فرستادهٔ خدا درود بر تو ای مادر حسن

دعا

اعمال ماه

وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ

وحسین دو آقای جوانان اهل بهشت درود باد بر تو ای مادر مؤمنان درود باد بر تو

أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ اَلسَّلَامُ

ای زن راست گوینده شهید شده درود بر تو ای خوشنود پسندیده شده درود

عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ

بر تو ای راست گوینده راه یافته درود بر تو ای صاحب فضل پاکیزه

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ

درود بر تو ای حوری منسوب بآدمی درود بر تو ای پرهیزکار پاکیزه

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَغْصُوبَةُ الْمَظْلُومَةُ

درود بر تو ای زن حدیث گوینده دانا درود بر تو ای زن ستمدیده

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ

درود باد بر تو ای زن پاک پاکیزه درود باد بر تو ای زن غلبه کرده شده

الْمَقْصُورَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ

بیداد رسیده درود بر تو ای پیشانی سفید درخشنده درود بر تو ای فاطمه

بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكِ يَا مَوْلَاتِي

دختر محمد فرستاده خدا رحمت خدا و برکتهای او رحمت خدا بر تو ای خاتون من

وَابْنَةَ مَوْلَايَ وَعَلَىٰ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ

و دختر آقای من و بر روح تو و بدن تو گواهی دهم اینکه تو گذشتی بر حجتی روشن از

رَبِّكِ وَأَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللّٰهِ وَمَنْ جَفَاكِ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ

پروردگار خود و بدرستیکه کسیکه مسرور کرد ترا پس بتحقیق مسرور کرده رسول خدا را و کسیکه ستم کرد ترا پس بتحقیق ستم کرده رسول

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذَاكِ فَقَدْ آذَىٰ رَسُولَ اللّٰهِ وَمَنْ

خدا را رحمت خدا بر او و آل او باد و آنکه آزار کرده ترا بتحقیق آزار کرده فرستادهٔ خدا را و آنکه

وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللّٰهِ وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللّٰهِ

پیوسته ترا بتحقیق پیوسته رسول خدا را و آنکه بریده از تو بتحقیق بریده از رسول خدا

لِأَنَّكِ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوٰةِ

بجهت آنکه تو پاره تن اوئی و روح او آنچنانکه در میان دو پهلوی اوست چنانکه فرمود آنحضرت بر او بهترین رحمت

مشلول

جمادی الثانیه

وَأَكْمَلُ السَّلَامِ أَشْهَدُ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكِ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكِ

و کاملتر درودها گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او که من دوستم آنکه دوست داشت ترا و دشمنم آنکه دشمنی داشت

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكِ أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكِ وَبِأَبِيكِ وَبَعْلِكِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكِ

و جنگ دارم آنکه جنگ داشت ترا من ای خاتون من بتو و به پدر تو و شوهر تو و امامان از فرزندان تو

مُوقِنٌ وَبِوِلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ وَلِطَاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ وَالْحُكْمَ

یقین دارنده ام و بدوستی ایشان گرونده ام و بطاعت ایشان ملتزم گواهی میدهم اینکه دین دین ایشانست و حکم

حُكْمُهُمْ وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَعَوْا إِلَىٰ سَبِيلِ اللّٰهِ بِالْحِكْمَةِ وَ

داوری ایشانست و ایشان بتحقیق رسانیده اند از جانب خدا عز و جل و خوانده اند بسوی راه خدا بحکمت و

الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَصَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكِ وَ

پند نیکو نگرفت ایشان را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و رحمتهای خدا بر تو و

عَلَىٰ أَبِيكِ وَبَعْلِكِ وَذُرِّيَّتِكِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

بر پدر تو و شوهر تو و فرزندان تو پیشوایان پاکیزگان خدایا رحمت کن بر محمد و اهل

بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِّيقَةِ الْمَعْصُومَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ

خانهٔ او و رحمت فرست بر بریده شده از دنیا پاک بسیار راست گو بیگناه پرهیزکار پاکیزه

الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ الْمَغْصُوبَةِ حَقُّهَا

پسندیده پاک ره یافته ستمدیده غلبه شده غصب کرده شده حق او

الْمَمْنُوعَةِ إِرْثُهَا الْمَكْسُورِ ضِلْعُهَا الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا فَاطِمَةَ

باز داشته شده ارث او شکسته شده پهلوی او ستم کرده شده شوهر او کشته شده فرزند او فاطمه

بِنْتِ رَسُولِكَ وَبَضْعَةِ لَحْمِهِ وَصَمِيمِ قَلْبِهِ وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ وَالنُّخْبَةِ مِنْكَ

دختر رسول تو و پارهٔ گوشت پیغمبر و خالص دل او و پارهٔ جگر او و برگزیده از جانب تو

لَهُ وَالتُّحْفَةِ خَصَصْتَ بِهَا وَصِيَّهُ وَحَبِيبَةِ الْمُصْطَفَىٰ وَقَرِينَةِ الْمُرْتَضَىٰ

او را و تحفه مخصوص کردانیدی باو وصی خود و دوست او برگزیده شده و همسر او پسندیده شده

وَسَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَمُبَشِّرَةِ الْأَوْلِيَاءِ حَلِيفَةِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ وَتُفَّاحَةِ

و خاتون زنان و مژده دهندهٔ دوستان جانشین پرهیزکاری و زهد و میوهٔ

الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ الَّتِي شَرَّفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ وَسَلَلْتَ مِنْهَا

بوستان بهشت جاوید که شریف کردی جایگاه ولادت او را بزنان بهشت و بیرون آوردی از او

اعمال ماه

اَنْوارَ الْاَئِمَّةِ وَاَرْخَيْتَ دُونَها حِجابَ النُّبُوَّةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْها صَلٰوةً تَزيدُ

فى مَحَلِّها عِنْدَكَ وَشَرَفِها لَدَيْكَ وَمَنْزِلَتِها مِنْ رِضاكَ وَبَلِّغْها مِنّا تَحِيَّةً

وَسَلاماً وَاٰتِنا مِنْ لَدُنْكَ فى حُبِّها فَضْلاً وَاِحْساناً وَرَحْمَةً وَغُفْراناً

اِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَريمِ و سيّد طاوس ره گفته است كه نماز زيارت بكن و اگر توانى

نماز آنحضرت را بجا آورى و آن دو ركعتست در هر ركعت بعد

از فاتحه شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانى دو ركعت بكن

و در ركعت اوّل بعد از فاتحه يكمرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در ركعت دويم

يكمرتبه سوره قل يا ايّها الكافرون بخوان و بعد از نماز تسبيح آنحضرت را بگو

و اين دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنّى اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَبِاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَواتُكَ

عَلَيْهِمْ وَاَسْاَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظيمِ عَلَيْهِمُ الَّذى لا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِواكَ وَ

اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظيمٌ وَبِاَسْمآئِكَ الْحُسْنَى الَّتى اَمَرْتَنى اَنْ

اَدْعُوَكَ بِها وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذى اَمَرْتَ بِهِ اِبْرٰهيمَ اَنْ يَدْعُوَ بِهِ

الطَّيْرَ فَاَجابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظيمِ الَّذى قُلْتَ لِلنّارِ بِهِ كُونى بَرْداً وَسَلاماً عَلٰى

اِبْرٰهيمَ فَكانَتْ وَبِاَحَبِّ الْاَسْمآءِ اِلَيْكَ وَاَشْرَفِها وَاَعْظَمِها لَدَيْكَ وَاَسْرَعِها

اِجابَةً وَاَنْجَحِها طَلِبَةً وَبِما اَنْتَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ

جمادى الثّانيه

اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْاَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتى

اَنْزَلْتَها عَلٰى اَنْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْريةِ وَالْاِنْجيلِ

وَالزَّبُورِ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظيمِ فَاِنَّ فيهَا اسْمَكَ الْاَعْظَمَ وَبِما فيها مِنْ اَسْمآئِكَ

الْعُظْمٰى اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِمْ

وَمُحِبّيهِمْ وَعَنّى وَتَفْتَحَ اَبْوابَ السَّمآءِ لِدُعآئى وَتَرْفَعَهُ فى عِلِّيّينَ وَتَاْذَنَ

فى هٰذَا الْيَوْمِ وَفى هٰذِهِ السّاعَةِ بِفَرَجى وَاِعْطآءِ اَمَلى وَسُؤْلى فِى الدُّنْيا

وَالْاٰخِرَةِ يا مَنْ لا يَعْلَمُ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ اِلّا هُوَ يا مَنْ سَدَّ الْهَوآءَ

بِالسَّمآءِ وَكَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمآءِ وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْمآءِ يا مَنْ

سَمّٰى نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ الَّذى تُقْضٰى بِهِ حاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ اَسْاَلُكَ بِحَقِّ ذٰلِكَ

الْاِسْمِ فَلا شَفيعَ اَقْوٰى لى مِنْهُ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْضِىَ لى

حَوآئِجى وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِىِّ بْنِ مُوسٰى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ

وَعَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِىٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ لِاِذْنِكَ صَلَواتُكَ وَسَلامُكَ

دعا

در اعمال

وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَشْفَعُوا اِلَيْكَ وَتُشَفِّعُهُمْ فِيَّ وَلاَ تَرُدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ پس حاجتهای خود را طلب کن که بر آورده است انشاء الله تعالی

باب ۷ دهم

در اعمال هر ماهست بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه دویم و خواه سیم مستحبست که دعاهای منقوله را بخوانند و بهترین انها دعای هلال صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اینکه پنیر خوردن گفته اند مستحبست و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که نیکو لقمه است پنیر دهانرا شیرین و خوشبو میکند و اشتها طعام میاورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجت او رد نمیشود و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حقتعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نمی بیند در انماه امری را که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلم منقولست که چون ماه تازه در اید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلنا بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی انماه را از حقتعالی خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحبست که بعد از این دو رکعت این ایات را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلاَّ عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلاَ كَاشِفَ لَهُ اِلاَّ هُوَ وَاِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلاَ رَآدَّ لِفَضْلِهِ

مشلول

هر ماه است

يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَآءَ اللّٰهُ لاَ قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لاَ تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و بدانکه از جمله سنتهای مؤکده که حضرت رسول بران مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماه است و ان موافق مشهور پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ اخر ماه و چهارشنبهٔ اول از دههٔ میانه ماهست و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ اخر و پنجشنبهٔ اول از دههٔ میان و اول اشهر و بهتر است و سنن انحضرت الی واجباتست در فضیلت و تاکید و انحضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت پیش از نماز شام و دو رکعت و تره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر یک رکعتست و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح اینها متمم فریضه اند و در ثواب تاکید مثل اند و مانند فریضه اگر ترک کند مستحبست که قضا کنند و از برای ترک ان کفارهٔ نیست مگر از کند با جو برای نافلهٔ روز و یکمد از برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت دو برابر روزه واجبست که تمام ماه شب است و در دو ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنتست که قضا کنند و اگر در زمستان فوت شود باشد سنتست که در زمستان قضا کنند و اگر در شوال باشد بدل هر روز یکمد زر بدهند که بحساب زر ده دانگی سه بیستی و سه دینار باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان اخوط چهار ده عباسی یکبستی یا یکمد تصدق کنند که بحساب وسط صد و بوزن قدیم اصفهان باشد اگر صد دینار شاید بدهند احوط است و در هم دوازده هزار است

دعا

بیان اعمال

وبسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله مدتی
روزه سنت گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار نخواهد کرد ومدتی افطار کرد که
گمان کردند که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس مدتی روزهٔ حضرت داود علیه السلم
گرفت که یکروز روزه میداشت ویکروز افطار میفرمود پس در اخر عمر اکتفا نمود بروزه
سه روز در هر ماه بنحویکه گذشت تا انکه بر امتان اسان باشد متابعت انحضرت وفرمود
که این روزه ثوابش برابر است با روزهٔ تمام سال ووساوس شیطانی را از سینه برطرف میکند
راوی پرسید که کدام روزهاست فرمود که پنجشنبهٔ اول وچهارشنبهٔ اول دههٔ
دویم وپنجشنبهٔ اخر پرسید که چرا این روزهارا روزه میدارند فرمود برای
انکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که
در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب ودر روایت دیگر فرمود که پنجشنبه
را برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز برخدا عرض میکنند و
چهارشنبهٔ میان را برای این روزه میدارند که اتش جهنم در روز چهارشنبه خلق
شده است وروزه سپر اتش جهنم است بروایت دیگر هر عذاب که بر امتها گذشته
نازل شده است در چهارشنبهٔ میان ماه نازل شده است واگر در دههٔ اول دو
پنجشنبه بوده باشد پنجشنبهٔ اول را گرفتن بهتر است واگر میسر نشود پنجشنبهٔ دویم
را بگیرند واگر در دههٔ اخر دو پنجشنبه باشد موافق مشهور پنجشنبه دویم
افضل است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است ودر روایت دیگر وارد شده
است که پنجشنبهٔ اول بهتر است وبعضی حمل کرده اند بر صورتیکه محتمل باشد که
پنجشنبه دویم اول ماه دیگر باشد وبسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست
کسیکه در هر ماه این سه روز را روزه دارد باید که با هیچکس مجادله نکند وسفاهت و
تندخوئی وبیخردی نکند ومبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا واگر کسی با او سفاهت
وبیخردی کند درگذرد ومعارضه نکند واگر در این ایام روزه باشد ومخانهٔ برادر
مومن خود وارد شود واو تکلیف کند افطار کردن بهتر است از روزه داشتن
هفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم

مشلول

هر ماهست

منقولست در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که داخل شود بخانهٔ برادر مومن خود
وروزه باشد وافطار کند واظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد
حقتعالی ثواب روزهٔ یکسال برای او بنویسد واگر این سه روز را در اول ماه یا میان
ماه یا اخر ماه بعمل اورد خود ثبت فی الجمله متابعت سنت کرده است وثواب روزهٔ سال
مییابد چنانچه حقتعالی میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که
حسنهٔ بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر این واین مضمون در احادیث بسیار
وارد شده است اما بهتر انست که بنحوی باشد که اول مذکور شد وازجملهٔ روزهای
سنت هر ماه روزهٔ ایام البیض است یعنی سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم ماه
واحادیث در فضیلت این سه روز از طریق عامه وخاصه منقولست ودر بعضی
از روایات وارد شده است که چون حضرت ادم مرتکب ان مکروه شد در بهشت
واورا بزمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه خط سیاهی از
سر تا پای او مانده بود چون ملائکه این حالت را در او دیدند خروش بر اوردند و
گریستند واستغاثه کردند بدرگاه حقتعالی پس منادی از اسمان ندا کرد که امروز را
روزه بدار وان روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث ان سیاهی برطرف
شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را روزه بدار چون روزه داشت
تمام ان سیاهی برطرف شد بجز ثلث دیگر برطرف شد پس روز پانزدهم باز باو ندا
رسید چون روزه داشت تمام انسیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید از اسمان که ای ادم روزهٔ این
سه روز را برای تو وفرزندان تو مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان
باشد که در تمام عمر خود روزه باشد وابن بابویه گفته است که روزهٔ دو پنجشنبه
وچهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است ومنافات ندارد که هر دو سنت باشد
ودو پنجشنبهٔ اول واخر وچهارشنبهٔ میان بهتر باشد اما اکثر احادیث ایام
البیض از طرق عامه است وابن طاوس علیه الرحمه از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت
کرده است که جبرئیل بر من نازل شد وگفت بگو بعلی علیه السلم که روزه بدارد از هر ماه سه روز
تا نوشته شود برای تو بسبب روزهٔ روز اول روزهٔ ده هزار سال وبروزهٔ روز دوم

دعای

بیان زیارات

از آنحضرت منقولست که صلوات فرستید بر حضرت رسول در نزد قبر آنحضرت هر چند
صلوات مؤمنان هر جا که باشند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه
دارد که در نزدیک و دور نماز کنند و ثوابش را هدیهٔ روح مقدس آنحضرت کنند
و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و
بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز
چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول باید فرستاد حضرت فرمود که چنین میگوئی

السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا محمد بن
درود باد بر تو ای فرستادهٔ خدا و رحمت خدا و برکتهای او درود باد بر تو ای محمد پسر

عبد الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک
عبدالله درود باد بر تو ای بهترین خلق خدا درود باد بر تو ای دوست خدا درود باد بر تو

یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله اشهد انک رسول الله واشهد
ای برگزیدهٔ خدا درود باد بر تو ای امین خدا گواهی میدهم انکه تو فرستادهٔ خدائی و گواهی میدهم

انک محمد بن عبد الله واشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل
انکه تو محمد پسر عبدالله هستی و گواهی میدهم انکه تو بتحقیق نصیحت کردی مر امت خود را و جهاد کردی در راه

ربک وعبدته حتی اتاک الیقین فجزاک الله یا رسول الله افضل ما
پروردگار خود و پرستیدی او را تا آمد ترا مرگ پس پاداش دهد ترا خدا ای فرستادهٔ خدا بنکوترین پاداشی

جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد افضل ما صلیت
که پاداش داده خدا پیغمبری را از امتش خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد بهترین رحمت فرستادی

علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید و در روایت معتبر از حضرت صادق
بر ابرهیم و آل ابرهیم بدرستیکه تو ستوده شدهٔ بزرگواری

منقولست که هر که خواهد زیارت
کند قبر حضرت رسول و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای حجتهای خدا را
علیهم السلام را و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و
بیرون رود بصحرائی پس چهار رکعت نماز بکند اردنا هر سوره که میسر شود پس رو
بقبله بایستد و بگوید السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
درود باد بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکات او

توسل

زیارت حضرت رسول وائمه

السلام علیک ایها النبی المرسل والوصی المرتضی والسیدة الطاهرة الزهراء
درود باد بر تو ای پیغمبر فرستاده شده و بر جانشین پسندیده و بر خاتون پاکیزه درخشنده

والسبطان المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا
و دو نواده برگزیده و فرزندان که نشانها و امینان برگزیده

الیکم والی آبائکم وولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم ونصرتی
خود شما و پدران شما و فرزندان شما

لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم انی لمن
شما را مهیاست تا داوری کند خدا

القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة ولا ازعم الا ما
گویندگان فضل شما اقرار کننده ام برجعت شما منکر نیستم خدا را بتوانائی

شاء الله سبحان الله ذی الملک والملکوت یسبح الله باسمائه
خواهد خدا منزهست خدا صاحب پادشاهی و ملکوت

جمیع خلقه والسلام علی ارواحکم واجسادکم والسلام علیکم ورحمة
همهٔ خلق او و درود باد بر روحهای شما و جسدهای شما و درود باد بر شما و رحمت

الله وبرکاته و در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را در بام خانه
خدا و برکتهای او

خود بکن و زیارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها سابقا مذکور
شد و اما زیارت امام حسین علیه السلام بسندهای معتبر از سدیر صرافی منقولست که
گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود که چه مانع است ترا از آنکه زیارت کنی قبر امام
حسین علیه السلام را در هر هفته پنجشنبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان
من و آنحضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی بر بام خانهٔ خود پس ملتفت
میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو
بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگوئی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن
درود باد بر تو ای پدر بندهٔ خدا درود باد بر تو ای پسر

رسول الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته تا نوشته شود برای تو ثواب
فرستادهٔ خدا درود باد بر تو و رحمت خدا و برکتهای او

حجی و عمرهٔ [illegible]

باب زیارت

است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه زیارت میکنم و بسند صحیح از آن حضرت منقول
است که کسیکه ناحیه‌اش بعید و خانه‌اش دور باشد از ما پس بالا رود ببام خانهٔ خود
و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در
حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت
صادق علیه السلم که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم
فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن
یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من
بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از
موت من و کسیکه مرا زیارت کند بعد از موت من چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات

مؤلف گوید

من که این حدیث دلالت میکند بر آنکه در این زمانها حضرت صاحب
الامر علیه السلم را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت
بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصهٔ آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در
حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق علیه السلم بسدیر فرمود که بسیار زیارت
میکنی قبر امام حسین علیه السلم را گفت از بسیاری شغل مرا مقدور نمیشود فرمود که میخواهی
ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آن حضرت نوشته شود گفت بلی
فدایت شوم فرمود که غسل بکن در خانهٔ خود و بالا رو ببام خانهٔ خود و اشاره کن
بجانب آن حضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق علیه السلم و نزد آن
حضرت جماعتی از اصحاب بودند پس فرمود که ای حنان زیارت امام حسین علیه السلم
میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال یکمرتبه
گفت نه فرمود که چه بسیار جفا کار بد بسید و آقای خود گفت یا ابن رسول الله مانع
من کمی توشه و دوری مسافتست فرمود که میخواهی که شما را دلالت نمایم بر زیارتی که
مقبول باشد هر چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا ابن
رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاک ترین

جامها

توسل

حضرت رسول وائمه هدی

جامها خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانهٔ خود یا بر بصحرائی و رو بجانب قبر آن حضرت
کن السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی السَّلامُ
و بگو درود باد برتو ای صاحب اختیار من و پسر صاحب اختیار من وای آقای من و پسر آقای من درود باد
عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلَ ابْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدَ ابْنَ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلَیْکَ
برتو ای صاحب اختیار من ای کشته شده پسر کشته شده وای شهید پسر شهید درود باد برتو و
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَنَا زائِرُکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَوارِحی وَ
رحمت خدا و برکتهای من زیارت کننده ام ترا ای پسر فرستادهٔ خدا بدل خود و زبان خود و اعضای من و
اِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ
اگر چه زیارت نکرده ترا اگر نزدیک شوم و ببینم گنبد و بارگاه ترا پس بر تو باد درود ای وارث آدم برگزیدهٔ
اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ وَوارِثَ اِبْراهیمَ خَلیلِ اللهِ وَوارِثَ مُوسی کَلیمِ
خدا و وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابراهیم دوست خدا و وارث موسی هم سخن
اللهِ وَوارِثَ عیسی رُوحِ اللهِ وَکَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ
خدا و وارث عیسی روح خدا و کلمهٔ او و وارث محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستادهٔ او
وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَوَصِیِّ رَسُولِ اللهِ وَخَلیفَتِهِ وَوارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ
و وارث علی پادشاه مؤمنان و جانشین فرستاده خدا و جانشین او و وارث حسن پسر علی
وَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَجَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ فی هذِهِ السّاعَةِ
جانشین پادشاه مؤمنان نفرین کند خدا کشندگان ترا و تازه کند بر ایشان عذاب را در این ساعت
وَفی کُلِّ ساعَةٍ اَنَا یا سَیِّدی مُتَقَرِّبٌ اِلَی اللهِ جَلَّ وَعَزَّ وَاِلی جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ
و در هر ساعت من ای آقای من نزدیک میشوم بخدای جل و عز و بسوی جد تو فرستادهٔ خدا
وَاِلی اَبیکَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلی اَخیکَ الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ یا مَوْلایَ عَلَیْکَ سَلامُ
و بسوی پدر تو پادشاه مؤمنان و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد درود
اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ بِزِیارَتی لَکَ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَمیعِ جَوارِحی فَکُنْ یا
خدا و رحمت او و برکتهای او بوسیله زیارت ترا بدل خود و زبان خود و همه اعضای خود پس باش ای
سَیِّدی شَفیعی لِقَبُولِ ذلِکَ مِنّی وَاَنَا بِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکَ وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ
آقای من شفیع من برای پذیرفتن این زیارت از من و من بیزارم از دشمنان تو و به نفرین کردن ایشان
وَعَلَیْهِمْ اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ اَجْمَعینَ فَعَلَیْکَ صَلَواتُ اللهِ وَرِضْوانُهُ
و بر ایشان نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی شما همگی پس بر تو باد رحمتهای خدا و خوشنودیهای او

ورحمة

دعا

یا وجیها عند الله اشفع لنا
عند الله یا ابا عبد الله یا
جعفر بن محمد ایها الصادق
یا ابن رسول الله یا حجة الله
علی خلقه یا سیدنا ومولانا
انا توجهنا واستشفعنا

بیان زیارات

ورحمته پس اندکی میکردی بجانب چپ خود درود بگردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلم
که او نزد پای پدر خود مدفونست و سلام بکنی بر او مثل این سلام پس دعا
کنی و مطلبی حاجتها در دنیا و آخرت خود را این چهار رکعت نماز بکند که نماز زیارت
مشهد نمیشود باشی پس بعد نماز دو رکعت یا دو رکعت و بعضی هشت رکعت گفته‌اند و
میکنی بجانب قبر امام ابا عبد الله و بگو ... مولای وابن مولای وسیدی وابن سیدی و
علیه السلم و مینگی
ومودعك یا سیدی وابن سیدی یا علی بن الحسین مودعكم یا سادتی یا
وداع کننده‌ام ترا ای مولای من ... ای علی پسر حسین وداع میکنم شما را ای آقایان من ای
معشر الشهداء فعلیكم سلام الله ورحمته وبركاته ورضوانه مؤلف
گروه شهیدان پس بر شما باد سلام خدا ورحمت او وخوشنودی‌هاش
گوید

چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد بهتر آنست که هم زیارت
را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخوانند رو بقبله نیز بکنند و بخوانند تا آنکه بهمه احتمالات
عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین یا وارث در همه جا یا بن وارث
بخوانند تا از روایت سید عدالت و امامت خلاف نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده
و بدانکه این حدیث دلالت میکند بر اینکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت بعد
از زیارت باید کنند و احادیث بیشتر دلالت کرد بر آنکه پیش باید بکنند و در دور نشسته که
مخیر باشند و اگر این زیارت را کنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند و از این احادیث معلوم
شد که غسل از برای زیارت بعید مستحب است و از بعضی هم مفهوم شد که بی غسل نیز
میتوان کرد و از بعضی عموماً مستفاد میشود که بر هر حالی میتوان کرد چنانچه اکثر علما
گفته‌اند و اگر در بام خانه باشد اولی و افضل است و در حدیث معتبر
از حسین بن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلم عرض کرد که من بسیار
حضرت امام حسین علیه السلم را یاد میکنم در آن وقت چگونه بگویم فرمود که سه مرتبه
بگو صلی الله علیك یا ابا عبد الله که سلام بر آنحضرت میرسد از نزدیک و دور
و شیخ طوسی ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه علیهم السلم را از دور چنانچه

توسل

یا ابا الحسن یا علی بن موسی ایها الرضا
یا ابن رسول الله یا حجة الله علی خلقه
یا سیدنا ومولانا

ائمه هدی

از نزدیک ایشان زیارت اتیتك زائراً باشد نگویند قصدتك بقلبي زائراً اذ
میکنند اما در جائی که
پیاده نزا زیارت کننده بلکه بگویند اصلت کرده‌ام ترا بدل خود در زیارت کننده چون
عجزت عن حضور مشهدك ووجهت الیك سلامي لعلمي انه يبلغك
عاجز شده‌ام از حاضر شدن محل کشته شدن تو وبسوی تو فرستادم سلام خود را بجهت علم دارم که بتو میرسد سلام من بتو
صلى الله عليك فاشفع لي عند ربك جل وعز و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از
رحمت فرستد خدا بر تو پس شفیع شو برای من نزد پروردگار تو جل جلاله اکابر علما روایت کرده است از
ابو الحسن قادمی که گفت من بسیار بزیارت امام حسین علیه السلم میرفتم پس چند سال بیزی
کمی مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت
امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلم در خدمت آنحضرت بودند چون من بنزدیک ایشان
رسیدم امام حسین علیه السلم گفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون
ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که چرا ترک زیارت مثل حسین
میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و غیره مرا مانع شد از این سعادت کرید
حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و بانگشت شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره کن و بگو
السلام عليك وعلى جدك وابيك السلام عليك وعلى امك واخيك السلم
درود باد بر تو و بر جد تو و بر پدر تو درود باد بر تو و بر مادر تو و بر برادر تو درود باد
عليك وعلى الائمة من بنيك السلام عليك يا صاحب الدمعة الساكبة
بر تو و بر پیشوایان از پسران تو درود باد بر تو ای صاحب سرشك روان
السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة لقد اصبح كتاب الله فيك مهجوراً و
درود باد بر تو ای صاحب اندوه ثابت هر آینه گردیده کتاب خدا در تو متروک گذاشته شده و
رسول الله فيك مقهوراً السلام عليك ورحمة الله وبركاته السلام على انصار الله
فرستاده خدا در تو مغلوب گذاشته شده درود باد بر تو و رحمت خدا و برکتهای او درود باد بر یاری کنندگان خدا
وخلفائه السلام على امناء الله واحبائه السلم على محال معرفة الله ومعادن
و جانشینان خدا درود باد بر امینان خدا و دوستان خدا درود باد بر جایهای شناخت خدا و کانهای
حكمة الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذريته
حکمت خدا و نگاه دارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب خدا و جانشینان پیغمبر خدا و فرزندان

دعا

زیارت

رسول الله صلی الله علیه و آله و رحمة الله و برکاته پس هر حاجت که خواهی

فرستادهٔ خدا رحمت خدا براو و آل او و رحمت خدا و برکتهای او

از خدا سؤال کن

پس اگر چنین کنی زیارت تو از دور و نزدیک هر دو مقبولست و اما زیارت سائر ائمه علیهم السلام از نزدیک و دور بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا بمن تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که از ابخوانم هر گاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد

برسی بایست و بگو

گواهی میدهم اینکه نیست خدائی جز خدا یگانه است او نیست شریکی او را و گواهی میدهم

ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله

و باید که با غسل باشی پس

اینکه محمد صلی الله علیه و آله بندهٔ او و فرستادهٔ اوست

چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس راه برو با آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام شود پس بگو

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و موضع

درود باد بر شما ای خانوادهٔ پیغمبری و جایگاه

الرسالة و مختلف الملائکة و مهبط الوحی و معدن الرحمة و

رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی و کان رحمت و

خزان العلم و منتهی الحلم و اصول الکرم و قادة الامم و اولیاء النعم

خزینه داران علم و نهایت بردباری و بیخهای کرم و پیشروان امتها و دوستان نعمتها و

عناصر الابرار و دعائم الاخیار و ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب

بنیادهای نیکوان و ستونهای نیکان و امر و نهی کنندگان بندگان و رکنهای شهرها و درهای

الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة

ایمان و امینان خداوند و خلاصهٔ پیغمبران و برگزیدهٔ فرستاده شدگان و خویشان برگزیدهٔ

رب العالمین و رحمة الله و برکاته السلام علی ائمة الهدی و مصابیح

پروردگار جهانیان و رحمت خدا و برکتهای او درود باد بر پیشوایان راه یافتگان و چراغهای

توسل

جامعهٔ کبیر

الدجی و اعلام التقی و ذوی النهی و اولی الحجی و کهف الوری و ورثة الانبیاء و

تاریکی و نشانهای پرهیزکاری و صاحبان عقلها و صاحبان خردها و پناه خلق و وارث پیغمبران و

المثل الاعلی و الدعوة الحسنی و حجج الله علی اهل الدنیا و الآخرة و الاولی

مثل برتری و دعوت نیکوتر و حجتهای خدا بر اهل دنیا و آخرت و نخستین

و رحمة الله و برکاته السلام علی محال معرفة الله و مساکن برکة الله و معادن

و رحمت خدا و برکتهای او درود باد بر جایهای شناختن خدا و منزلها برکت خدا و کانها

حکمة الله و حفظة سر الله و حملة کتاب الله و اوصیاء نبی الله و ذریة رسول

حکمت خدا و نگاه دارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب خدا و جانشینان پیغمبر خدا و ذریهٔ رسول

الله صلی الله علیه و آله و رحمة الله و برکاته السلام علی الدعاة الی الله و

خدا رحمت فرستد خدا براو و آل او و رحمت خدا و برکتهای او درود بر خوانندگان بسوی خدا و

الادلاء علی مرضات الله و المستقرین فی امر الله و التامین فی محبة الله

راهنمایندگان بر خوشنودیهای خدا و قرار گیرندگان در کار خدا و کاملان در دوستی خدا

و المخلصین فی توحید الله و المظهرین لامر الله و نهیه و عباده المکرمین

و خالص شدگان در یگانگی خدا و آشکار کنندگان مرکار خدا و باز دارندگان و بندگان او گرامی شدگان

الذین لا یسبقونه بالقول و هم بامره یعملون و رحمة الله و برکاته

آنانکه پیشی نمیگیرند او را بگفتار و ایشان بفرمان او عمل میکنند و رحمت خدا و برکتهای او

السلام علی الائمة الدعاة و القادة الهداة و السادة الولاة و

درود باد بر پیشوایان دعوت کنندگان و پیش روان راه یافتگان و سرداران سالاران و

الذادة الحماة و اهل الذکر و اولی الامر و بقیة الله و خیرته و حزبه

منع کنندگان حمایت کنندگان و اهل ذکر و صاحب فرمان و باقی ماندگان خدا و برگزیدگان او و گروه او

و عیبة علمه و حجته و صراطه و نوره و رحمة الله و برکاته اشهد ان لا

و صندوق علم او و برهان او و راه او و روشنائی او و رحمت خدا و برکتهای او گواهی میدهم اینکه نیست

اله الا الله وحده لا شریک له کما شهد الله لنفسه و شهدت له

خدائی جز خدا یگانه نیست شریکی مر او را چنانکه گواهی داد خدا مر ذات خود را و گواهی دادند او را

الملائکة و اولوا العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم و اشهد ان

فرشتگان او و صاحبان دانش از خلق او نیست خدائی مگر او غالب درست کردار و گواهی دهم اینکه

بیان زیارت

محمدا عبده المنتجب ورسوله المرتضى ارسله بالهدى ودين الحق

ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون واشهد انكم الائمة الراشدون

المهديون المعصومون المكرمون المقربون المتقون الصادقون

المصطفون المطيعون لله القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون

بكرامته اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره و

اجتباكم بقدرته واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره و

ايدكم بروحه ورضيكم خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا

لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه

واركانا لتوحيده وشهداء على خلقه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده

وادلاء على صراطه عصمكم الله من الزلل وامنكم من الفتن وطهركم

من الدنس واذهب عنكم الرجس وطهركم تطهيرا فعظمتم جلاله و

اكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمتم ذكره ووكدتم ميثاقه واحكمتم

عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم الى سبيله بالحكمة

جامعه کبیر

والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته وصبرتم على ما اصابكم في

جنبه واقمتم الصلوة واتيتم الزكوة وامرتم بالمعروف ونهيتم عن

المنكر وجاهدتم في الله حق جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرائضه

واقمتم حدوده ونشرتم شرائع احكامه وسننتم سنته وصرتم في

ذلك منه الى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم من رسله من مضى

فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق

معكم وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم

واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وايات

الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من

والاكم فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب

الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم

السبيل الاعظم والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء

دار البقاء والرحمة الموصولة والاية المخزونة والامانة المحفوظة

بیان زیارت

والباب المبتلى به الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم يأتكم فقد هلك الى

الله تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون و

الى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك

من عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن

من لجا اليكم وسلم من صدقكم وهدى من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماويه

ومن خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم

في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما

بقى وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها

من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم

فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا

عليكم وما خصنا به من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية

لنا وكفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا

اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع

جامعهٔ کبیر

درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق و

لا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا

صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن

صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين

ذلك شهيد الا عرفهم جلالة امركم وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام

نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده و

كرامتكم عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامي واهلي و

مالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني مؤمن بكم وبما آمنتم به

كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم وبضلالة من خالفكم

موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم و

حرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مطيع لكم عارف

بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن

باياكم مصدق برجعتكم منتظر لامركم مرتقب لدولتكم آخذ

دوازده

زیارت

بقیة لکم عامل بامرکم مستجیر بکم زائر لکم عائذ بکم لائذ بقبورکم

مستشفع الی الله عز وجل بکم ومتقرب بکم الیه ومقدمکم امام

طلبتی وحوائجی وارادتی فی کل احوالی وامور مؤمن بسرکم وعلانیتکم و

شاهدکم وغائبکم واولکم وآخرکم ومفوض فی ذلک کله الیکم ومسلم

فیه معکم وقلبی لکم مسلم ورأیی لکم تبع ونصرتی لکم معدة حتی یحیی

الله تعالی دینه بکم ویردکم فی ایامه ویظهرکم لعدله ویمکنکم فی ارضه

فمعکم معکم لا مع عدوکم آمنت بکم وتولیت آخرکم بما تولیت به اولکم

وبرئت الی الله عز وجل من اعدائکم ومن الجبت والطاغوت و

الشیاطین وحزبهم الظالمین لکم والجاحدین لحقکم والمارقین من

ولایتکم والغاصبین لارثکم والشاکین فیکم والمنحرفین عنکم ومن کل

ولیجة دونکم وکل مطاع سواکم ومن الائمة الذین یدعون الی النار

فثبتنی الله ابدا ما حییت علی موالاتکم ومحبتکم ودینکم ووفقنی

لطاعتکم ورزقنی شفاعتکم وجعلنی من خیار موالیکم التابعین لما

جامعهٔ کبیره

دعوتم الیه وجعلنی ممن یقتص آثارکم ویسلک سبیلکم ویهتدی بهداکم

ویحشر فی زمرتکم ویکر فی رجعتکم ویملک فی دولتکم ویشرف فی عافیتکم

ویمکن فی ایامکم وتقر عینه غدا برؤیتکم بابی انتم وامی ونفسی

واهلی ومالی من اراد الله بدأ بکم ومن وحده قبل عنکم ومن قصده

توجه بکم موالی لا احصی ثناءکم ولا ابلغ من المدح کنهکم ومن

الوصف قدرکم وانتم نور الاخیار وهداة الابرار وحجج الجبار بکم

فتح الله وبکم یختم وبکم ینزل الغیث وبکم یمسک السماء ان تقع علی

الارض الا باذنه وبکم ینفس الهم وبکم یکشف الضر وعندکم ما

نزلت به رسله وهبطت به ملائکته والی جدکم بعث الروح الامین

واگر زیارت امیر المؤمنین ع باشد بجای الی جدکم بعث الروح الامین بگو والی اخیک بعث الروح الامین بگو

آتاکم الله ما لم یؤت احدا

من العالمین طأطأ کل شریف لشرفکم وبخع کل متکبر لطاعتکم وخضع کل

جبار لفضلکم وذل کل شیء لکم واشرقت الارض بنورکم وفاز

الفائزون بولایتکم بکم یسلک الی الرضوان وعلی من جحد ولایتکم

بیان زیارت

غضب الرحمن بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي ذكركم في الذاكرين

وأسماؤكم في الأسماء وأجسادكم في الأجساد وأرواحكم في الأرواح

وأنفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور فما أحلى

أسماءكم وأكرم أنفسكم وأعظم شأنكم وأجل خطركم وأوفى عهدكم

وأصدق وعدكم كلامكم نور وأمركم رشد ووصيتكم التقوى وفعلكم

الخير وعادتكم الإحسان وسجيتكم الكرم وشأنكم الحق والصدق

والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم إن ذكر الخير كنتم أوله

وأصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه بأبي أنتم وأمي ونفسي

كيف أصف حسن ثنائكم وأحصي جميل بلائكم وبكم أخرجنا الله من الذل

وفرج عنا غمرات الكروب وأنقذنا بكم من شفا جرف الهلكات ومن

النار بأبي أنتم وأمي ونفسي بموالاتكم علمنا الله معالم ديننا وأصلح

ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمت الكلمة وعظمت النعمة و

ائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل الطاعة المفترضة ولكم المودة

جامعه کبیره

الواجبة والدرجات الرفيعة والمقام المحمود والمكان المعلوم عند الله

عز وجل والجاه العظيم والشأن الكبير والشفاعة المقبولة ربنا آمنا

بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا

بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب سبحان ربنا

إن كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله إن بيني وبين الله عز وجل ذنوبا

لا يأتي عليها إلا رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم أمر خلقه و

قرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فإني لكم

مطيع من أطاعكم فقد أطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن أحبكم

فقد أحب الله ومن أبغضكم فقد أبغض الله اللهم إني لو وجدت شفعاء

أقرب إليك من محمد وأهل بيته الأخيار الأئمة الأبرار لجعلتهم شفعائي

فبحقهم الذي أوجبت لهم عليك أسألك أن تدخلني في جملة العارفين بهم

وبحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم إنك أرحم الراحمين وصلى الله

على محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل

امام دوازدهم

خلفه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله بجاهك وبحق جدك وبحق آبائك الطاهرين اللهم صل وسلم وزد وبارك على قمر الانام ونور الانوار وقائد الاخيار وسيد الابرار والطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر الملقب بالناصر السيد الاوجه الامام النبيه المدفون عند جدته وابيه الحيي الباقي عند العدو ابن الامام الازكى ابي جعفر محمد بن علي صلوات الله وسلامه

زيارت حضرت

مؤلف گوید که این زیارت کاملترین زیارات است نزدیک و دور و چون منظور عمده در این رساله زیارات معتبره است زیارات بعیده را ذکر نکردیم و چون این زیارت مشتملست بر مجملی از جمیع احادیثیکه در میان ائمه علیهم السلام وارد شده است اگر در هر هفته بلکه در هر روز این زیارت را بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند هو اولی فقیر مجملا ترجمه کرده و والد مرحوم ره مفصلا شرح نموده اند که معرفت ایشان بسیار نافع خواهد بود و عمده ارکان ایمان معرفت ایشان است علیهم السلام و زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و در اینمقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت آنحضرت علیه السلام ایراد مینمایم که امام خود را پیوسته یاد نمایند و از برکات عهد آنحضرت بهره مند گردند و سید ابن طاوس ره ذکر کرده که مستحب است که هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر علیه السلام را چنین زیارت کنند

اللهم بلغ مولاي صاحب الزمان
خدایا برسان صاحب اختیار مرا صاحب الزمان

صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض و
رحمتها خدا براو از همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه در مشرقهای زمین و

مغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حيهم وميتهم وعن والدي و
مغربهای آن و صحراهای آن و دریاهای آن و هموارهای آن و کوههای آن زندهٔ ایشان و مردهٔ ایشان و از پدر و مادر من و

ولدي وعني من الصلوات والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته ومنتهى
فرزندان من و از من از رحمتها و درودها بوزن عرش خدا و بمقدار سخنان خدا و غایت

رضاه وعدد ما احصاه كتابه واحاط به علمه اللهم اني اجدد له في هذا اليوم
خوشنودی او و بشماره آنچه شمرده است آنرا کتاب او و فرو گرفته است آنرا دانش او خدایا تازه میکنم برای او در این روز

وفي كل يوم عهدا وعقدا وبيعة له في رقبتي اللهم فكما شرفتني بهذا
و در هر روزی عهدی و عقدی و بیعتی برای او در گردن خودم خدایا پس همچنانکه مشرف گردانیدی مرا باین

التشريف وفضلتني بهذه الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة فصل على
شرافت و زیادتی دادی مرا باین زیادتی و مخصوص ساختی مرا باین نعمت پس رحمت کن بر

امام نهم

عليه الصلاة والسلام عليك يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها الجواد يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله بجاهك وبحق آبائك الطاهرين اللهم صل وسلم وزد وبارك على الصادق الصديق العالم الوثيق الحليم الشفيق الهادي الى الطريق الشفيع ... ومبلغ اعلام ... المدفون بارض ... الفضل الجميع الحسيب المنيع الرفيع ذي ... صاحب الشرف الى الحرف

صاحب الامر ع

مولاي وسيدي صاحب الزمان واجعلني من انصاره واشياعه والذابين
مولای من و آقای من صاحب الزمان و بگردان مرا از یاوران او و پیروان او و دفع کنندگان

عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه طائعا غير مكره في الصف الذي
از او و بگردان مرا از آنها که شهید شوند در پیش روی او از روی فرمانبرداری نه از روی اکراه در صفی که

نعت اهله في كتابك فقلت صفا كانهم بنيان مرصوص على طاعتك و
وصف کرده اهل آنرا در کتاب خود پس گفته صفها گویا ایشان بنیاد محکم اند بر فرمانبرداری تو و

طاعة رسولك وآله عليهم السلام اللهم هذه بيعة له في عنقي الى يوم
فرمانبرداری رسول تو و آل او بر ایشان باد درود خدایا این بیعتی است برای او در گردن من تا روز

القيمة و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و حقتعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است

اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي
خدایا ای پروردگار روشنی بزرگ و ای پروردگار کرسی

الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب
بلند و پروردگار دریای مملو و فرستنده توریة و انجیل و زبور و پروردگار

الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين والانبياء
سایه و باد گرم و فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

والمرسلين اللهم اني اسالك بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير وملكك
و رسولان خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بذات بزرگوار تو و بنور ذات روشن تو و پادشاهی تو

القديم يا حي يا قيوم اسالك باسمك الذي اشرقت به السموات والارضون
که دیرینه است ای زنده پاینده میخواهم از تو بنام تو که روشن شدند بآن آسمانها و زمینها

وباسمك الذي يصلح به الاولون والآخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا بعد كل
و بنام تو که شایسته میشوند بآن پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر

حي ويا حيا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي لا اله الا انت
زنده و ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردها و میراننده زندها ای زنده که نیست خدائی جز تو

بیان دعای

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلايَ الْاِمامَ الْهادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ
وَعَلىٰ آبائِهِ الطّاهِرينَ عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ في مَشارِقِ الْاَرْضِ وَ
مَغارِبِها سَهْلِها وَجَبَلِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَعَنّي وَعَنْ والِدَيَّ مِنَ الصَّلَواتِ
زِنَةَ عَرْشِ اللهِ وَمِدادَ كَلِماتِهِ وَما اَحْصاهُ عِلْمُهُ وَاَحاطَ بِهِ كِتابُهُ اَللّٰهُمَّ اِنّي
اُجَدِّدُ لَهُ في صَبيحَةِ يَوْمي هٰذا وَما عِشْتُ مِنْ اَيّامي عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً
لَهُ في عُنُقي لا اَحُولُ عَنْها وَلا اَزُولُ اَبَداً اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنْ اَنْصارِهِ وَ
اَعْوانِهِ وَالذّابّينَ عَنْهُ وَالْمُسارِعينَ اِلَيْهِ في قَضاءِ حَوائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلينَ
لِاَوامِرِهِ وَالْمُحامينَ عَنْهُ وَالسّابِقينَ اِلىٰ اِرادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ
يَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ حالَ بَيْني وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبادِكَ حَتْماً
فَاَخْرِجْني مِنْ قَبْري مُؤْتَزِراً كَفَني شاهِراً سَيْفي مُجَرِّداً قَناتي مُلَبِّياً
دَعْوَةَ الدّاعي فِي الْحاضِرِ وَالْبادي اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ وَ
الْغُرَّةَ الْحَميدَةَ وَاكْحُلْ ناظِري بِنَظْرَةٍ مِنّي اِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ
مَخْرَجَهُ وَاَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بي مَحَجَّتَهُ وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ وَاشْدُدْ

عهد نادر

اَزْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ وَاَحْيِ بِهِ عِبادَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ
الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ اَيْدِي النّاسِ فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنا
وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّىٰ بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتّىٰ لا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ
الْباطِلِ اِلّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ
مِنْ عِبادِكَ وَناصِراً لِمَنْ لا يَجِدُ لَهُ ناصِراً غَيْرَكَ وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ اَحْكامِ
كِتابِكَ وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدينَ اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ
مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلىٰ دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا
بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ
لَنا ظُهُورَهُ اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعيداً وَنَريٰهُ قَريباً بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی اَلْعَجَلَ اَلْعَجَلَ یا مَوْلایَ یا صاحِبَ
الزَّمانِ دعای ندبه که مشتملست بر عقاید حقّه و تأسّف بر غیبت حضرت قائم
علیه السّلام بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که مستحبست که این دعا را
در چهار عید بخوانند یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و
روز عید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَلَهُ الْحَمْدُ رَبِّ الْعالَمينَ وَصَلَّى
غدیر

بیان دعاء

الله على نبيه وآله وسلم تسليما اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك
في أوليائك الذين استخلصتهم لنفسك ودينك إذ اخترت لهم جزيل ما
عندك من النعيم المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال بعد أن شرطت
عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا
لك ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم
الذكر العلي والثناء الجلي وأهبطت عليهم ملائكتك وكرمتهم بوحيك
ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرائع إليك والوسيلة إلى رضوانك
فبعض أسكنته جنتك إلى أن أخرجته منها وبعض حملته في فلكك و
نجيته ومن آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا
وسألك لسان صدق في الآخرين فأجبته وجعلت ذلك عليا وبعض
كلمته من شجرة تكليما وجعلت له من أخيه ردءا ووزيرا وبعض
أولدته من غير أب وآتيته البينات وأيدته بروح القدس وكل
شرعت له شريعة ونهجت له منهاجا وتخيرت له أوصياء مستحفظا بعد

مبارکه ندبه

مستحفظ من مدة إلى مدة إقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا يزول
الحق عن مقره ويغلب الباطل على أهله ولا يقول أحد لولا أرسلت
إلينا رسولا منذرا وأقمت لنا علما هاديا فنتبع آياتك من قبل أن
نذل ونخزى إلى أن انتهيت بالأمر إلى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه
وآله فكان كما انتجبته سيد من خلقته وصفوة من اصطفيته وأفضل
من اجتبيته وأكرم من اعتمدته قدمته على أنبيائك وبعثته إلى
الثقلين من عبادك وأوطأته مشارقك ومغاربك وسخرت له البراق و
عرجت بروحه إلى سمائك وأودعته علم ما كان وما يكون إلى انقضاء خلقك
ثم نصرته بالرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك
ووعدته أن تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد
أن بوأته مبوأ صدق من أهله وجعلت له ولهم أول بيت وضع للناس
للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه آيات بينات مقام إبراهيم ومن
دخله كان آمنا وقلت إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و

دوازده

بیان دعا

یطهرکم تطهیرا وجعلت اجر محمد صلواتک علیه وآله مودتهم فی کتابک فقلت

پاک کردنی ... و گردانیدی مزد محمد را رحمتهای تو بر او و آل او دوستی ایشان در کتاب تو پس گفتی

قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی وقلت ما سئلتکم

بگو نمیخواهم از شما بران مزدی مگر دوستی شما را در نزدیکان من و گفتی آنچه خواستم از شما

من اجر فهو لکم وقلت ما اسئلکم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ

بران مزد پس آن برای شماست و گفتی نمیخواهم از شما بران هیچ مزدی مگر کسیکه خواهد که بگیرد

الی ربه سبیلا فکانوا هم السبیل الیک والمسلک الی رضوانک فلما

بسوی پروردگار خود راهی پس هستند ایشان راه وصول بتو و جاده بسوی خوشنودی تو پس چون

انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما وآلهما

بسر آمد روزگار او نصب کرد دوست خود علی پسر ابیطالب را رحمتهای خدا بران دو و آل آن دو

هادیا اذ کان هو المنذر ولکل قوم هاد فقال والملأ امامه من کنت

راهنما چه بود او بیم کننده و برای هر طائفه رهنما پس گفت و حال آنکه بود گروهی در پیش او هر که باشم

مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل

صاحب اختیار او پس علی صاحب اختیار اوست خدایا دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و یاری کن کسی را که یاری کند او را و وا گذار

من خذله وقال من کنت انا نبیه فعلی امیره وقال انا وعلی من شجرة

کسی را که وا گذارد او را و گفت هر که باشم من پیغمبر او پس علی پادشاه اوست و گفته است من و علی از یک درخت

واحدة وسائر الناس من شجر شتی واحله محل هرون من موسی فقال له

واحدیم و باقی آدمیان از درختهای مختلف و فرود آورد او را بجای هرون از موسی پس گفت مر او را

انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لا نبی بعدی وزوجه ابنته سیدة

تو نسبت بمن بمنزله هرونی از موسی مگر اینکه شان چنین است که نیست پیغمبری بعد از من و تزویج داد او را دختر خود خاتون

نساء العالمین واحل له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا

زنان جهانیان را و حلال کرد برای او از مسجد خود آنچه حلال کرد برای خود و بست درهای خانهها را مگر

بابه ثم اودعه علمه وحکمته فقال انا مدینة العلم وعلی بابها

در او را پس بودیعت نهاد نزد او دانش و حکمت خود را پس گفت منم شهر دانش و علی دروازه شهر است

فمن اراد المدینة فلیأتها من بابها ثم قال له انت اخی ووصیی و

پس هر که خواهد شهر دانش را پس باید بیاید از دروازه آن پس گفت برای او تو برادر منی و جانشین من و

امام

مبارکه ندبه

وارثی لحمک من لحمی ودمک من دمی وسلمک سلمی وحربک حربی والایمان

وارث من گوشت تو از گوشت منست و خون تو از خون منست و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و ایمان

مخالط لحمک ودمک کما خالط لحمی ودمی وانت غدا علی الحوض خلیفتی و

مخلوط است بگوشت تو و خون تو چنانچه مخلوط است بگوشت من و خون من و تو فردا بر حوض جانشین منی و

انت تقضی دینی وتنجز عداتی وشیعتک علی منابر من نور مبیضة

تو ادا میکنی قرض مرا و وفا میکنی وعدههای مرا و پیروان تو بر منبرها از نور باشند سفید کرده شده

وجوههم حولی فی الجنة وهم جیرانی ولولا انت یا علی لم یعرف المؤمنون

رویهای ایشان بگرد من در بهشت و ایشان همسایگان منند و اگر نبودی تو یا علی شناخته نمیشدند مؤمنان

بعدی وکان بعده هدی من الضلال ونورا من العمی وحبل الله المتین و

پس از من و بود بعد از او هدایت کننده از گمراهی و روشنی دهنده از کوری و ریسمان محکم خدا و

صراطه المستقیم لا یسبق بقرابة فی رحم ولا بسابقة فی دین ولا یلحق

راه او که راست است پیشی گرفته نشود بخویشی در خویشی و به پیشی گرفتن او را در دین و در رسیده نشود

فی منقبة من مناقبه یحذو حذو الرسول صلی الله علیهما وآلهما

در فضیلتی از فضائل او رفتار کرده مانند رفتار پیغمبر رحمت فرستد خدا بران دو و آل آن دو

ویقاتل علی التاویل ولا تاخذه فی دین الله لومة لائم قد وتر فیه صنادید

و کارزار کرد بر تاویل قرآن و فرا نگرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کنندهای و بتحقیق در راه خدا خون ریخت [illegible]

العرب وقتل ابطالهم وناوش ذؤبانهم فاودع قلوبهم احقادا بدریة و

عرب را و کشت دلیران عرب را و [illegible] پس امانت گذاشت در دلهای ایشان کینهها از بدر و

خیبریة وحنینیة وغیرهن فاضبت علی عداوته واکبت علی

خیبر و حنین و غیر اینها پس اقدام نمودند بر دشمنی او و هجوم کردند بر

مبارزته حتی قتل الناکثین والقاسطین والمارقین ولما قضی نحبه

مقاتله او تا آنکه کشت پیمان شکنان را و ستمکاران را و خوارج را و چون بپایان رسید نوبت او و

وقتله اشقی الاشقیاء من الاولین والآخرین یتبع اشقی الاولین لم یمتثل

و کشت او را بدبخت ترین بدبختان از پیشینیان و پسینیان پیروی نمود بدبخت ترین پیشینیان را بجا آورده نشد

امر الرسول صلی الله علیه وآله فی الهادین بعد الهادین والامة مصرة

فرمان پیغمبر رحمت کند خدا بر او و آل او در راه نمایان بعد از راه نمایان و امت پنهان کننده بودند

بیان دعاء

على ملة مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده الا القليل ممن
وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي واقصي من اقصي و
جرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة اذ كانت الارض لله يورثها من
يشاء من عباده والعاقبة للمتقين وسبحان ربنا ان كان وعد ربنا
لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الاطائب من
اهل بيت محمد وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون واياهم
فليندب النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون
ويضج الضاجون ويعج العاجون اين الحسن واين الحسين واين
ابناء الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق اين السبيل بعد
السبيل اين الخيرة بعد الخيرة اين الشموس الطالعة اين الاقمار
المنيرة اين الانجم الزاهرة اين اعلام الدين وقواعد العلم اين
بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة الهادية اين المعد لقطع
دابر الظلمة اين المنتظر لاقامة الامت والعوج اين المرتجى لازالة الجور

ندبہ مبارکہ

والعدوان اين المدخر لتجديد الفرائض والسنن اين المتخير لاعادة
الملة والشريعة اين المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده اين محيي معالم
الدين واهله اين قاصم شوكة المعتدين اين هادم ابنية الشرك والنفاق
اين مبيد اهل الفسوق والعصيان والطغيان اين حاصد فروع الغي والشقاق
اين طامس آثار الزيغ والاهواء اين قاطع حبائل الكذب والافتراء اين مبيد
العتاة والمردة اين مستاصل اهل العناد والتضليل والالحاد اين
معز الاولياء ومذل الاعداء اين جامع الكلم على التقوى اين باب الله
الذي منه يؤتى اين وجه الله الذي اليه يتوجه الاولياء اين السبب
المتصل بين اهل الارض والسماء اين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى
اين مؤلف شمل الصلاح والرضا اين الطالب بذحول الانبياء وابناء
الانبياء اين الطالب بدم المقتول بكربلا اين المنصور على من اعتدى
عليه وافترى اين المضطر الذي يجاب اذا دعا اين صدر الخلائق ذو
البر والتقوى اين ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى وابن خديجة

دوازده

باب دعا

الغرّاءِ وابنَ فاطمةَ الزهراءِ الكبرى بابي انتَ وامّي ونفسي لكَ الوقاءُ و

الحمى يا ابنَ السادةِ المقرّبينَ يا ابنَ النجباءِ الاكرمينَ يا ابنَ الهداةِ المهديّينَ

المهديّينَ يا ابنَ الخيرةِ المهذّبينَ يا ابنَ الغطارفةِ الانجبينَ يا ابنَ الخضارمةِ

المنتجبينَ يا ابنَ القماقمةِ الاكرمينَ يا ابنَ الاطائبِ المعظّمينَ المطهّرينَ يا ابنَ

البدورِ المنيرةِ يا ابنَ السُّرُجِ المضيئةِ يا ابنَ الشُّهُبِ الثاقبةِ يا ابنَ الانجمِ

الزاهرةِ يا ابنَ السُّبُلِ الواضحةِ يا ابنَ الاعلامِ اللائحةِ يا ابنَ العلومِ

الكاملةِ يا ابنَ السُّنَنِ المشهورةِ يا ابنَ المعالمِ المأثورةِ يا ابنَ المعجزاتِ

الموجودةِ يا ابنَ الدلائلِ المشهودةِ يا ابنَ الصراطِ المستقيمِ يا ابنَ النبأِ

العظيمِ يا ابنَ مَن هوَ في امِّ الكتابِ لدى اللهِ عليٌّ حكيمٌ يا ابنَ الآياتِ والبيّناتِ

يا ابنَ الدلائلِ الظاهراتِ يا ابنَ البراهينِ الواضحاتِ الباهراتِ يا ابنَ الحُجَجِ البالغاتِ

يا ابنَ النِّعَمِ السابغاتِ يا ابنَ طٰهٰ والمحكماتِ يا ابنَ يٰسٓ والذارياتِ يا ابنَ الطورِ

والعادياتِ يا ابنَ مَن دنى فتدلّى فكانَ قابَ قوسينِ اَو ادنى دُنُوّاً و

اقتراباً منَ العليِّ الاعلى ليتَ شِعري اينَ استقرّتْ بكَ النوى بل ايُّ

مبارکہ ندبہ

ارضٍ تُقِلُّكَ اَو ثرى اَبِرَضوى اَم غيرِها اَم ذي طوى عزيزٌ عليَّ اَن ارى الخلقَ

ولا تُرى ولا اَسمعُ لكَ حسيساً ولا نجوى عزيزٌ عليَّ اَن لا تُحيطَ بي دونَكَ

البلوى ولا ينالُكَ منّي ضجيجٌ ولا شكوى بنفسي انتَ من مُغيَّبٍ

لم يخلُ منّا بنفسي انتَ من نازحٍ ما نزحَ عنّا بنفسي انتَ اُمنيّةُ شائقٍ

يتمنّى من مؤمنٍ ومؤمنةٍ ذَكَرا فحنّا بنفسي انتَ من عقيدِ عزٍّ لا يُسامى بنفسي

انتَ من اثيلِ مجدٍ لا يُجارى بنفسي انتَ من تلادِ نِعَمٍ لا تُضاهى بنفسي انتَ من

نصيفِ شرفٍ لا يُساوى الى متى اَحارُ فيكَ يا مولايَ والى متى واَيَّ خطابٍ

اَصِفُ فيكَ واَيَّ نجوى عزيزٌ عليَّ اَن اُجابَ دونَكَ واُناغى عزيزٌ عليَّ اَن

اَبكيكَ ويخذُلَكَ الورى عزيزٌ عليَّ اَن يجريَ عليكَ دونَهم ما جرى هل

مِن معينٍ فاُطيلَ معهُ العويلَ والبكاءَ هل من جزوعٍ فاُساعدَ جزعَهُ اذا

خلا هل قذيتْ عينٌ فساعدتْها عيني على القذى هل اليكَ يا ابنَ احمدَ

سبيلٌ فتُلقى هل يتّصلُ يومُنا منكَ بعدَةٍ فنحظى متى نَرِدُ مناهلَكَ

الرويّةَ فنروى ومتى ننتقعُ من عذبِ مائكَ فقد طالَ الصدى متى نُغاديكَ

دوازده

بیان دعا

وَنُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّ عُيُونُنَا مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ النَّصْرِ تُرَى

شام کنم با تو پس روشن شود دیدهای ما که می‌بینی ما را و می‌بینیم ترا و بتحقیق افراشته باشی علم نصرت را نمایان باشی

أَتَرَانَا نَحُفُّ بِكَ وَأَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَذَقْتَ

آیا می‌بینی ما را که گرداگرد تو باشیم و تو پیشوا باشی تمام خلق را و بتحقیق پر کرده باشی زمین را از عدالت و چشانیده باشی

أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَأَبَرْتَ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ

دشمنانت را خواری و عقوبت و هلاک کرده باشی گردن کشان را و منکران حق را و بریده باشی بنیاد

الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَثَثْتَ أُصُولَ الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

متکبران را و برکنده باشی ریشهای ستمکاران را و ما گوئیم سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرَبِ وَالْبَلْوَى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى

خدایا توئی زایل کننده اندوهها و رنج و بسوی تو یاری میجویم پس نزد تو است یاری.

وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى

و توئی پروردگار آخرت و اینجهان پس بفریاد رس ای فریادرس فریاد طلبان بنده حقیر خود را که مبتلا شده

وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ

و بنما باو آقای او را ای سخت توانا و زایل کن از او بسبب او حزن و اندوه و سوزش را و سرد کن جوشش او را

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

ای آنکه بر عرش مستولیست و کسیکه بسوی او است بازگشت و غایت خدایا و مائیم بندهای تو

التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا

مشتاقان بسوی دوست تو که یاد آورنده است تو را و پیغمبر ترا که آفریدی او را برای ما نگهدارنده و پناه

وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ

و بر پا داشتی او را برای ما سبب قوام و پناه و گردانیدی او را برای مؤمنان از ما پیشوا پس برسان او را

مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا

از ما درود و سلام و زیاد کن بسبب آن برای ما ای پروردگار نوازش را و بگردان آرامگاه او را برای ما

مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا

آرامگاه و جایگاه و تمام کن نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش ما تا وارد کنی ما را

جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ

در بهشتهای خود و رفاقت کن با شهیدان از بندگان خالص تو خدایا رحمت فرست بر برهان خود و دوست خود

مبارکه ندبه

أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَصَلِّ عَلَى أَبِيهِ

فرمان تو و رحمت کن بر جد او محمد فرستاده تو آقای بزرگ و رحمت کن بر علی پدر او

السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ وَحَامِلِ اللِّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ

آقای شیر مثال و بردارنده بیرق در روز محشر و آب دهنده دوستان او از نهر کوثر

وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفِرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ

و پادشاه بر همه آدمیان و آنچنان کسیکه گروید باو پس بتحقیق بمراد رسید و هر که نگروید باو پس بتحقیق

خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ

مشرف شد بهلاکت و کفر و رحمت کند خدا بر او و بر برادر او و بر فرزندانشان که برکت داده شده‌اند و سفید

مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ وَعَلَى جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ

مادامیکه برآید آفتاب و مادامیکه روشنی دهد ماه و بر جدّه او که راستگوی بزرگوار است فاطمه

الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَرَةِ وَعَلَيْهِ

درخشنده که دختر محمد برگزیده است و بر آنکه برگزیدی از پدران نیکوکاران او و بر او

أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ

بهتر و کاملتر و تمامتر و همیشه‌تر و بیشتر و فراوان‌تر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود

وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ

و برگزیدگان تو از آفریدگان تو و رحمت فرست بر او رحمتی که نهایت نباشد از برای شمار و نه آخری

لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَدِلْ بِهِ

برای مدد آن و نه تمامی برای مدت آن خدایا بپادار بسبب او حق را و نابود گردان بسبب او باطل را و دولت کن باو

أَوْلِيَاءَكَ وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى

دوستان را و ذلیل کن بسبب او دشمنان را و پیوسته دار خدایا میان ما و میان او را پیوستگی که برساند بسوی

مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى

رفاقت پدران او و بگردان ما را از آنانکه فرا گیرند با دامان ایشان و آرام گیرند در سایه ایشان و یاری ده ما را بر

تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالِاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالِاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ

رسانیدن حقهای او بسوی او و کوشش کردن در فرمان برداری او و دوری کردن از نافرمانی او

وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ

و منت گذار بر ما بخوشنودی او و ببخش برای ما مهربانی و بخشش او را و دعای او و خیر او را آنچه برسیم

در بیان دعای ندبه

بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلٰوتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا

بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً وَاجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا

بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ

تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ وَانْظُرْ اِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا

تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاْسِهِ وَ

بِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سَائِغاً لَا ظَمَاَ بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاَمَّا طَرِيقِ صلوات

فرستادن بر ایشان شیخ طوسی ره بسند معتبر روایت کرده است که عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلم که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اوصیای آنحضرت علیهم السلم را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس من املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ

خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد چنانکه برداشت وحی ترا ورسانید پیغام ترا ورحمت کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بر محمد وآل محمد چنانچه حلال کرد حلال ترا وحرام کرد حرام ترا وآموزانید کتاب ترا ورحمت کن بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَآتَى الزَّكٰوةَ وَدَعَا اِلٰى دِينِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وآل محمد چنانکه بپا داشت نماز را وداد زکوة را وخواند مردم را بدین تو ورحمت کن بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وآل محمد چنانچه راست داشت وعده ترا وترسانید مردم را بوعید تو ورحمت کن بر محمد وآل محمد

مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَ

چنانچه آمرزیدی بان گناهان را وپوشانیدی بان عیبها را وگشودی بان اندوهها را و

و طریق صلوات

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَاَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ

وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَاَحْيَيْتَ

بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَاَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَضْعَفْتَ بِهِ الْاَمْوَالَ وَاَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْاَهْوَالِ وَكَسَرْتَ

بِهِ الْاَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْاَنَامَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ

الْاَدْيَانِ وَاَعْزَزْتَ بِهِ الْاِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْاَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَ

بر پادشاه مؤمنان علی پسر ابیطالب برادر پیغمبر تو ودوست او وجانشین او ووزیر او و

مُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي اِلٰى

شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي اُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ

الْفَجَرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ مِنْ مُوسٰى اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ

وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ

الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ

طریق صلوات

يا رب العالمين اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية حبيبة حبيبك و
نبيك و ام احبائك واصفيائك التي انتجبتها و فضلتها واخترتها على
نساء العالمين اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها واستخف بحقها و
كن الثائر اللهم بدم اولادها اللهم وكما جعلتها ام ائمة الهدى و
حليلة صاحب اللواء والكريمة عند الملأ الاعلى فصل عليها وعلى امها
خديجة الكبرى صلوة تكرم بها وجه ابيها محمد صلى الله عليه واله وتقر
بها اعين ذريتها وابلغهم عني في هذه الساعة افضل التحية والسلام
اللهم صل على الحسن والحسين عبديك وابني رسولك وسبطي
الرحمة وسيدي شباب اهل الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد
النبيين والمرسلين اللهم صل على الحسن بن علي سيد النبيين ووصي
امير المؤمنين السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد
الوصيين اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما و
مضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم

فرزندان براءة

صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية و
السلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة
وطريح الفجرة والسلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله
السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه
قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك
ومنجز ما وعدك من النصر والتاييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك
واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله مخلصا
حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك ولعن
الله امة البت عليك وابرء الى الله تعالى ممن اكذبك واستخف بحقك
واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن
الله خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن
الله من سبا نساءك انا الى الله منهم بريء وممن والاهم ومالاهم و
اعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى

صلوات

والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن و
و دستاویز محکم و برهان بر اهل دنیا و گواهی میدهم اینکه من بشما گرونده ام و

بمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي و
بمرتبه شما گرونده ام و مر شما را پیرونده ام بذات خودم و در احکام دین خودم و در خاتمهای کار خودم و

منقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين
بازگشت خودم در دنیا و آخرتم خدایا رحمت فرست بر علی پسر حسین آقای عبادت کنندگان

الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون
آنکه خالص گردانیدی او را از برای خودت و گردانیدی از او پیشوایان هدایت را آنانکه راه مینمایند

بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته
براستی و بحق میل میکنند برگزیدی او را از برای نفس خودت و پاک کردی او را از ناپاکی و اختیار کردی او را

وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد
و گردانیدی او را راه نماینده راه یافته خدایا پس رحمت فرست بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

من ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والآخرة انك
از فرزندان پیغمبران تا آنکه برسانی باو آنچه روشن شود باو چشم او در دنیا و آخرت بدرستیکه تو

عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد
غالب درست کردار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی شکافنده علم و پیشوای هدایت و پیشرو

اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته علما لعبادك و
اهل پرهیزکاری و برگزیده شده از بندگانت خدایا چنانچه گردانیدی او را نشانه برای بندگانت و

منارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت بطاعته
علامتی برای شهرهایت و محل ودیعت برای حکمت تو و تفسیر کننده برای وحی تو و امر کردی بفرمانبرداری او

وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت على احد
و ترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت کن بر او ای پروردگار بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين
از فرزندان پیغمبرانت و برگزیدگانت و فرستادگانت و امانت دارانت ای پروردگار جهانیان

اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق
خدایا رحمت کن بر جعفر پسر محمد راستگو خزینه دار دانش خواننده بسوی تو براستی

فرستادن برائمه

النور المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن
روشن هویدا خدایا چنانچه گردانیدی او را کان سخن خود و وحی خود و خزینه دار

علمك ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه
دانش خود و زبان یگانگی خود و خداوند فرمان خود و نگهدارنده دین خود پس رحمت کن بر او

افضل ما صليت على احد من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم
بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و برهانهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خدایا

صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين
رحمت کن بر امانت دار معتمد موسی پسر جعفر نیکوکار وفادار پاک پاکیزه روشن هویدا

المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه
کوشش نماینده با اخلاص شکیبا کننده بر آزارها در راه تو خدایا چنانچه رسانید از پدران خود

ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة و
آنچه سپرده شده از امر تو و نهی تو و برداشت براه راست و مشقت کشید از اهل غلبه و

الشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل
شدت در آنچه بود که میدید از نادانان قوم خود پروردگارا پس رحمت کن بر او بهتر

واكمل ما صليت على احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور
و کاملتر آنچه رحمت کردی بر یکی از آنانکه اطاعت کردند ترا و پند داده بندگانت را بدرستیکه تو آمرزنده

رحيم اللهم صل على علي بن موسى الذي ارتضيته ورضيت به من شئت
مهربانی خدایا رحمت کن بر علی پسر موسی آنکه پسندیدی او را و خوشنود کردی باو هر که را خواستی

من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا
از آفریدگانت خدایا چنانچه گردانیدی او را برهان بر خلق خود و برپا دارنده امر خود و یاری کننده

لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية و
مر دین خود و گواه بر بندگانت و چنانکه پند داد مر ایشان را در نهان و آشکار و

دعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه افضل ما
خواند بسوی راه تو بدانش و پند نیکو پس رحمت کن بر او بهتر آنچه

صليت على احد من اوليائك وخيرتك من خلقك انك جواد كريم
رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و برگزیده تو از آفریدگانت بدرستیکه تو بخشنده کریمی

عدیله

طریق صلوات فرستادن برائمه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسٰی عَلَمِ التُّقٰی وَنُورِ الْهُدٰی وَمَعْدِنِ
خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی پسر موسی نشانهٔ پرهیزکاری و نور هدایت و کان

الْوَفٰاءِ وَفَرْعِ الْاَزْکِیٰاءِ وَخَلِیفَةِ الْاَوْصِیٰاءِ وَاَمِینِکَ عَلٰی وَحْیِکَ اَللّٰهُمَّ
وفا و زادهٔ پاکان و جانشین وصیها و امانت دار تو بر وحی تو خدایا

وَکَمٰا هَدَیْتَ بِهِ مِنَ الضَّلاٰلَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَیْرَةِ وَاَرْشَدْتَ بِهِ
چنانکه هدایت نمودی بسبب او از گمراهی و رهانیدی بسبب او از سرگردانی و راه نمودی بسبب او

مَنِ اهْتَدٰی وَزَکَّیْتَ بِهِ مَنْ تَزَکّٰی فَصَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ مٰا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ
آنرا که راه یافت و پاک کردی بسبب او آنرا که پاک شد پس رحمت فرست بر او همانجه رحمت فرستادی بر یکی

مِنْ اَنْبِیٰائِکَ وَبَقِیَّةِ اَوْصِیٰائِکَ اِنَّکَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
از پیغمبرانت و باقیماندهٔ جانشینان تو بدرستیکه تو غالب درست کرداری خدایا رحمت کن

عَلٰی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِیِّ الْاَوْصِیٰاءِ وَاِمٰامِ الْاَتْقِیٰاءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّینِ وَ
بر علی پسر محمد جانشین جانشینان و پیشوای پرهیزکاران و جانشین پیشوایان دین و

الْحُجَّةِ عَلَی الْخَلاٰئِقِ اَجْمَعِینَ اَللّٰهُمَّ کَمٰا جَعَلْتَهُ نُوراً یَسْتَضِیءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ
برهان بر همه خلق خدایا چنانکه گردانیدی او را نوری که روشنی جویند بآن مؤمنان

فَبَشَّرَ بِالْجَزِیلِ مِنْ ثَوٰابِکَ وَاَنْذَرَ بِالْاَلِیمِ مِنْ عِقٰابِکَ وَحَذَّرَ بَاْسَکَ وَ
پس مژده داد بثواب از ثواب تو و ترسانید بدرد ناک از عقوبت تو و بیم داد از سختی گرفتن تو و

ذَکَّرَ بِآیٰاتِکَ وَاَحَلَّ حَلاٰلَکَ وَحَرَّمَ حَرٰامَکَ وَبَیَّنَ شَرٰائِعَکَ وَفَرٰائِضَکَ
یاد آوری کرد بنشانهای تو و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و ظاهر ساخت راههای دین ترا و واجبات ترا

وَحَضَّ عَلٰی عِبٰادَتِکَ وَاَمَرَ بِطٰاعَتِکَ وَنَهٰی عَنْ مَعْصِیَتِکَ فَصَلِّ عَلَیْهِ
و تحریص کرد بندگان عبادت ترا و امر فرمود بفرمان برداری تو و نهی کرد از نافرمانی تو پس رحمت فرست براو

اَفْضَلَ مٰا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیٰائِکَ وَذُرِّیَّةِ اَنْبِیٰائِکَ یٰا اِلٰهَ الْعٰالَمِینَ
همانجه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان تو و فرزندان پیغمبران تو ای خدای جهانیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَرِّ التَّقِیِّ الصّٰادِقِ الْوَفِیِّ النُّورِ
خدایا رحمت فرست بر حسن پسر علی نیکوی پرهیزکار راستگوی وفا کردار روشن

الْمُضِیءِ خٰازِنِ عِلْمِکَ وَالْمُذَکِّرِ بِتَوْحِیدِکَ وَوَلِیِّ اَمْرِکَ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّینِ
نور بخش خزینه دار دانش تو و یاد آورنده بتوحید تو و کارفرمای امر تو و جانشین پیشوایان دین

کبری

الْهُدٰاةِ الرّٰاشِدِینَ وَالْحُجَّةِ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیٰا فَصَلِّ عَلَیْهِ یٰا رَبِّ اَفْضَلَ مٰا
راه نمایان راه یافتگان و برهان بر اهل دنیا پس رحمت فرست براو ای پروردگار بهترین آنچه

صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَصْفِیٰائِکَ وَحُجَجِکَ وَاَوْلاٰدِ رُسُلِکَ یٰا اِلٰهَ الْعٰالَمِینَ
رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و برهانهای خود و فرزندان پیغمبران خود ای خدای جهانیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِیِّکَ وَابْنِ اَوْلِیٰائِکَ الَّذِینَ فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ
خدایا رحمت فرست بر دوست خود و پسر دوستان خود آنانکه واجب کردی طاعت ایشان را و واجب کردی

حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ
حق ایشان را و پاک کردی از ایشان پلیدی را و پاک کردی ایشان را پاک کردنی خدایا یاری ده او را و یاری جو

بِهِ لِدِینِکَ وَانْصُرْ بِهِ اَوْلِیٰائَکَ وَاَوْلِیٰائَهُ وَشِیعَتَهُ وَاَنْصٰارَهُ
باو مر دین خود را و یاری کن باو دوستان ترا و دوستان او را و پیروان او را و یاران او را

وَاجْعَلْنٰا مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ کُلِّ بٰاغٍ وَطٰاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِیعِ
و بگردان ما را از ایشان خدایا پناه ده او را از بدی هر ستمکاری و گردنکشی و از بدی همه

خَلْقِکَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ یَمِینِهِ وَعَنْ شِمٰالِهِ
آفریدگانت و نگاه دار او را از پیش او و از پس او و از جانب راست او و از جانب چپ او

وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ اَنْ یُوصَلَ اِلَیْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِیهِ رَسُولَکَ وَآلَ
و پاسبانی کن او را و بازدار او را از آنکه برسد باو بدی و نگاه دار در او پیغمبرت و آل

رَسُولِکَ وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَاَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نٰاصِرِیهِ وَاخْذُلْ خٰاذِلِیهِ
پیغمبرت و هویدا کن باو عدالت را و قوت ده او را بیاری و یاری کن یاری کنندگان او را و خوار کن وا گذارندگان او را

وَاقْصِمْ بِهِ جَبٰابِرَةَ الْکَفَرَةِ وَاقْتُلْ بِهِ الْکُفّٰارَ وَالْمُنٰافِقِینَ وَجَمِیعَ الْمُلْحِدِینَ
و در هم شکن باو ستمکاران کفار را و بکش باو کافران را و منافقان را و همهٔ بیدینان

حَیْثُ کٰانُوا فِی مَشٰارِقِ الْاَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا وَامْلَاْ بِهِ
هر جا که بوده باشند در مشرقهای زمین و در مغربهای زمین و خشکیهای آن و دریاهای آن و پر کن باو

الْاَرْضَ عَدْلاً وَاَظْهِرْ بِهِ دِینَ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلاٰمُ وَاجْعَلْنِی اَللّٰهُمَّ
زمین را از عدل و هویدا کن بسبب او دین پیغمبرت را بر او و آل او درود باد و بگردان مرا خدایا

مِنْ اَنْصٰارِهِ وَاَعْوٰانِهِ وَاَتْبٰاعِهِ وَشِیعَتِهِ وَاَرِنِی فِی آلِ مُحَمَّدٍ مٰا یَاْمُلُونَ
از یاران او و یاوران او و تابعان او و پیروان او و بنما مرا در آل محمد آنچه امید دارند

ذکر بیان

وَفِیْ عَدُوِّهِمْ مَا یَحْذَرُوْنَ اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِیْن

و درباره دشمن ایشان ازانچه میترسند ایمعبود سزاوار اجابت کن دعا مرا

باب دوازدهم

دربیان نمازهای واجبست که مخصوص بروزی وماهی نیست ونمازهای سنت که اختصاص بوقتی ندارد واعمالیکه بغیر ماههای عربی تعلق دارند ودران هشت فصل است **فصل اول** دربیان نماز آیاتست بدانکه این نماز واجبست نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کل بگیرند وخواه بعض ودر زلزله که زمین بلرزد ومشهور آنست که هر آیتیکه از جانب آسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار شدید که برخلاف عادت باشد خواه رنگین باشد وخواه نباشد وصاعقهای عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریکشدن هوا وامثال اینها واین قول اقوی است وکیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آیات بکنم بازلزله یا آیات میکنم یا ماگرفتن میکنم ادا ازجهت آنکه واجبست برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید وحمد ویک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد وسنتست که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد وسوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد واز رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید بعد از آن بسجده رود ودو سجده بجا آورد پس برخیزد ودیگر رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اول ودر سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید واگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند وبرکوع رود وبعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعادهٔ حمد نمیکند واگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خوانده اکتفا میکند وهمچنین در رکعت دوم بیک حمد وسوره چنین که تفریق کند اکتفا میتواند کرد وبهتر آنست که بطریق اول بکند وبعد حمد وده سوره بجا آورد اگر وقت تنگ نباشد واول وقت نماز کسوف وخسوف ابتدای گرفتن است وآخر وقت بقول مشهور ابتدای انجلی است وبعضی

کبری

نماز آیاتست

اظهر نزد هر دو جمعی از محققین آنستکه تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست ونماز زلزله وآیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداست واگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا کند آن نماز را مطلقا وجمعی گفته اند که بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد وعمل بمشهور احوطست واگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضا کسوفین واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد وجمعی گفته اند واجبست قضا مطلقا وقول اول اقوی وثانی احوطست ومستحب است که این نماز را بجماعت بجا آورند وطول بدهند بقدر زمان کسوف وخسوف وهرگاه از نماز فارغ شود وانجلا نشده باشد اشهر واقوی آنست که اعادهٔ نماز مستحبست وبعضی واجب دانسته اند ومستحبست خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت وبرابر ساختن رکوع وسجود با قرائت ومستحبست قنوت خواندن پیش از رکوع دوم وچهارم وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخوانند مناسب است اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها وزمین را ازانکه زایل شوند هر آینه اگر زایل شوند

اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا واز حضرت امام رضا

نگاه ندارد آن دو را هیچ کسی پس ازاو بدرستیکه خدا باشد بردبار آمرزنده

منقولست که هرکه در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود **فصل دویم** در نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم آید وآبها کم گردد وچشمها کم شود وکیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد وبجماعت بهتر کرده شود ودر قنوت طلب رحمت واستغفار از گناهان وطلب باران باید کرد وبهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفهٔ کاملهٔ است واکثر گفته اند که وقتش میان طلوع آفتاب است تا زوال وباید امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند وروز سیم ایشان را بیرون برد وبهتر آنستکه روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه وبصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه ووقار وموذنان عصاها بدست گرفته پیش روی امام بروند وچون امام

دعا

نماز استسقا

از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند بانکه جانب راست را بجانب چپ
ورد و جانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند و باواز بلند صد مرتبه الله اکبر
بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد و
صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و بعضی گفته
اند که مردم در ذکرها موافقت کنند با او نه در کشتن پس دو خطبه بخواند و
مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتر است و دور
نیست که اگر ذکرها را بعد از خطبه بخواند باز خوب باشد **فصل سیم** در بیان
نماز حضرت رسول است سید ابن طاوس ره بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلید
از نماز حضرت رسول ص شاید حضرت رسول ص نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز
آنحضرت را نکرده باشد راوی گفت پس این نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت
نماز میکنی در هر رکعت یکمرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس
در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و سر برداشتن و در سجده دوم
و سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و
سلام میگوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده
است و هر حاجت که بطلبی روا است لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا
و بعد از آن این دعا میخوانی — نیست خدائی جز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما پیشینیان نیست

اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا

خدائی جز خدا — خدای یگانه — و ما مر او را گردن نهندگانیم — نیست خدائی جز خدا — نمی پرستیم

ایاه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون لا اله الا الله وحده وحده

مگر او را — خالص کنندگانیم — مر او را دین — و اگر چه ناخوش دارند کافران — نیست خدائی جز خدا — یگانه — یگانه

انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و

بجا آورد وعده خود را — و یاری کرد بنده خود را — و غالب کرد لشکر خود را — و درهم شکست لشکرها را تنها — پس مر او راست پادشاهی و

له الحمد و هو علی کل شیء قدیر اللهم انت نور السموات و الارض و من

مر او راست حمد — و او بر همه چیزی — توانا است — خداوندا — توئی — نور آسمانها — و زمین — و آنچه

عشرات

نماز حضرت رسول

فیهن فلک الحمد و انت قیام السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت

در آنهاست پس مر تراست حمد — و توئی بپادارنده — آسمانها — و زمین — و آنچه در آنهاست پس مر تراست حمد و توئی

الحق و وعدک الحق و قولک الحق و انجازک حق و الجنة حق و النار حق اللهم

حق و وعده تو حق است — و گفتار تو راست است — و وفا کردن وعده تو حق است — و بهشت و جهنم حق است — خداوندا

لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و بک خاصمت و الیک حاکمت

مر ترا گردن نهادم — و بتو ایمان آوردم — و بر تو — توکل کردم — و بتو و امیگذارم ...

یا رب یا رب یا رب اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و اسررت و اعلنت انت

ای پروردگار من — بیامرز برای من آنچه پیش داشته ام و آنچه باز پس داشته ام — و پنهان داشته ام و آشکار کرده ام — توئی

الهی لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و ارحمنی و تب

خدای من — نیست خدائی مگر تو — رحمت فرست بر محمد — و آل محمد — و بیامرز مرا — و رحم کن مرا — و بپذیر

علی انک انت التواب الرحیم مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور
است و عامه و خاصه در کتب

بر من بدرستیکه توئی — پذیرنده توبه — مهربان

خود روایت کرده اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت
اختصاص معلوم نمیشود و ظاهرا در سایر ایام توان کرد **فصل چهارم** در بیان
نماز امیر المؤمنین علیه السلام است ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران رحمهم الله
بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که
چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند
مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند
که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده بوده و حاجتهای او بر آورده شود و در هر رکعت سوره
حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا بخواند که تسبیح آن حضرت است

سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان

پاکست آنکه بپایان نمیرسد نشانهای او — منزه است آنکه کم نمیشود خزینهای او — منزه است

من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان

آنکه نیست زوالی برای فخر او — منزه است آنکه بپایان نمیرسد آنچه نزد اوست — منزه است

نماز حضرت

دعا

مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا

انکه نیست بریدگی برای زمان او منزهست انکه نیست انباز کسیرا در کار او منزهست انکه نیست

إِلٰهَ غَيْرُهُ يَا مَنْ عَفَىٰ عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اَللّٰهُ

خدائی جز او دعا بخوانید ای انکه در گذرد از بدیها و مادادش نمیدهد بانها رحم کن بندهٔ خود را ای خدا

يَا اَللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ بِكَ

دریاب نفس مرا منم بندهٔ تو ای اقای من منم بندهٔ تو پیش روی تو ای پروردگار من بتو

إِلٰهِي بِكَيْنُونِيَّتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ

امده ام خدای من بودن تو ای امید گاه من ای بخشنده ای فریادرس بندهٔ خود بندهٔ خود نیست چاره مراو را

يَا مُنْتَهَىٰ رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ

ای اخر خواهش من ای رواکننده خون در رگهای من بندهٔ تو ای اقای من ای پادشاه من

أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَىٰ بِي عَنْ نَفْسِي وَ

ای خدا ای پروردگار بندهٔ خود نیست چاره مرا و نیست بی نیازی مرا از جان خود و

لَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا أَجِدُ مَنْ أُصَانِعُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ

نه قدرت دارم برای نفسم زیان را و نه سود را و نمی یابم کسیرا که رشوه دهم اورا بریده شد وسیلهٔ

الْخَدَائِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ

فریبها از من و زایل گشت هر گمان برده شده از من تنها گذاشته مرا روزگار بسوی تو برابستادم پیش

يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقَامَ يَا إِلٰهِي بِعِلْمِكَ هٰذَا كَانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ بِي وَ

روی تو در این جایگاه ای خدای من بدانش تو اینهمه که مذکور شد هست پس چگونه تو معامله کننده بمن و

لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي أَتَقُولُ نَعَمْ أَمْ تَقُولُ لَا فَإِنْ قُلْتَ لَا فَيَا

کاش دانستمی که چگونه جواب میگوئی دعای مرا ایا میگوئی بلی یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای

وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي

وای بر من ای فغان مرا ای بدبختی مرا

يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي إِلَىٰ مَنْ وَمِمَّنْ أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا أَوْ إِلَىٰ أَيِّ

ای خواری مرا بسوی که و از که یا نزد که یا چگونه یا چه چیز یا بسوی کدام

شَيْءٍ أَلْجَأُ وَمَنْ أَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

چیز پناه برم و بکه امیدوارم و که بخشش کند برمن بفضل خود هنگام که واگذاری مرا ای گشاینده امرزش

امیر المؤمنین

عشرا

وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَالرَّجَاءُ لَكَ فَطُوبَىٰ لِي أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا

و اگر بگوئی اری چنانکه گمان است بتو و امید بتو پس خوشا حال من منم نیک بخت و منم

الْمَسْعُودُ فَطُوبَىٰ لِي وَأَنَا الْمَرْحُومُ يَا مُتَرَحِّمُ يَا مُتَرَئِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا

سعادت یافته پس خوشا حال من و منم رحم کرده شده ای بخشنده ای مهربان ای مهربانی کننده ای جبر کننده ای

مُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ لَا عَمَلَ لِي مَعَ نَجَاحِ حَاجَتِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

ای پادشاه ای عدالت کننده نیست کرداری مرا با براوردن حاجت مرا سؤال میکنم از تو بنام تو که

جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَىٰ شَيْءٍ سِوَاكَ

گذاشتی اورا در پوشیدگی نهان تو و قرار گرفته نزد تو پس بیرون نمیرود از تو بسوی چیزی جز تو

اَللّٰهُمَّ بِهِ وَبِكَ وَبِكَ وَبِهِ فَإِنَّهُ أَجَلُّ وَأَشْرَفُ أَسْمَائِكَ لَا شَيْءَ لِي غَيْرُ

خدایا بان نام و بتو و بتو و بان نام پس بدرستیکه ان بزرگتر و شریفتر نامهای تست نیست چیزی مرا غیر

هٰذَا وَلَا أَحَدَ أَعْوَدُ عَلَيَّ مِنْكَ يَا كَيْنُونُ يَا مُكَوِّنُ يَا مَنْ عَرَّفَنِي نَفْسَهُ

این و نه کسی برگردنده تر بمن بمنفعت از تو ای موجود ای ایجاد کننده ای انکه شناسانید مرا نفس خود را

يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَيَا مَدْعُوُّ يَا مَسْؤُولُ

ای انکه فرمان داد مرا بطاعت خود ای انکه نهی نمود مرا از معصیت خود وای خوانده شده وای پرسیده شده

يَا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي أَوْصَيْتَنِي بِهَا وَلَمْ أُطِعْكَ وَ

ای طلب شده بسوی خود واگذاشتم وصیت ترا که وصیت کردی مرا بان و فرمان نبردم ترا و

لَوْ أَطَعْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ

اگر فرمان برده بودم ترا در انچه امر کردی مرا هر اینه کفایت کرده مرا انچه ایستادم نزد تو در ان و منم با وجود معصیت مر ترا

رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ يَا مُتَرَحِّمُ لِي أَعِذْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ

امیدوار پس حایل مشو میان من و میان انچه امید دارم ای رحم کننده مرا پناه ده مرا از پیش من

وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الْإِحَاطَةِ بِي اَللّٰهُمَّ

و از پشت من و از بالای من و از زیر من و از هر طرفی که فرو گرفته مرا خدایا

بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّي وَبِالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

بحرمت محمد اقای من و علی صاحب اختیار من و پیشوایان راه یافتگان بر ایشان باد درود

اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ

بگردان بر ما رحمتها خود را و مهربانی خود را و رحمت خود را و فراخ کن بر ما از روزی خود

وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوَائِجِنَا يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

و ادا کن از ما قرض را و تمام حاجتهای ما را ای خدا بدرستیکه تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی

چیزی توانائی

میان او و خدا نماند مگر آنکه آمرزیده شود **فصل پنجم** در

بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه است علیها السلام شیخ طوسی ره بسند معتبر از

حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که مادرم فاطمه زهرا سلام الله علیها

دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از سوره حمد صد

مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت

این دعا را سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ

میخواند منزهست خداوند غالب با رفعت بلند پایه منزهست خداوند بزرگوار بلند شد

الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ

بزرگ منزهست صاحب پادشاه فخر کننده دیرینه منزهست آنکه پوشید لباس نیکی و جمال را

سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ

منزهست آنکه پوشید رداء روشنائی و وقار را منزهست آنکه بیبیند اثر پای مورچه را در سنگ هموار منزهست

مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا لَا هٰكَذَا غَيْرُهُ و سید گفته

آنکه بیبند مرغ را در هوا منزهست آنکه چنین است چنین نیست غیر او است که در

روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از

هر نماز خوانده میشود بخوانند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و

شیخ در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته که چون سلام بگوئی تسبیح

فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که

سزاوار است برآنکس که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود زانوها و ذراعهای

خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه خود را بخاک برساند که جامه

در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در

سجده این يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلٰهٌ يُخْشَى

دعا بخواند ای آنکه نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکه نیست بالای او خدائی که ترسیده شود

يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ

يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا

كَرَماً وَجُوداً وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْواً وَصَفْحاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا پس بجای وافعل بی کذا و کذا حاجت خود را یاد کنند

فصل ششم در بیان کیفیت و فضیلت و

بعضی از احکام نماز حضرت جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواتر است و عامه و

خاصه بسندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان این نماز را مستحب میدانند

مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با امیر المؤمنین

علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صم نسبت داده اند و

بعد از نوافل شبانه روزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد

و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که چون جعفر طیار

برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی که

فتح خیبر بدست امیر المؤمنین علیه السلام شده بود حضرت رسول صم بقدر مسافت

یک میل باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت

افتاد شتابان بجانب آنحضرت دوید حضرت پای او را دربر گرفت و دست در گردن

گردن او آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را

ردیف خود ساخت چون براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی

بخشش نزدیک کنم نسبت بتو میخواهی اعطیه کرامت کنم میخواهی ترا برگزینم

مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر با و عطا خواهد فرمود جعفر گفت

بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را تعلیم او نمود و حضرت صادق

علیه السلام فرمود که صفتش اینست که آن چهار رکعت است بدو تشهد و دو سلام در

رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم سوره والعادیات

دعا

کیفیت نماز

و در رکعت سیم سورهٔ اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم سورهٔ قل هو الله احد و
در هر رکعت بعد از فراغ قرائت پانزده مرتبه میگوید سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید
و چون سر از رکوع بردارد ده مرتبه و در سجدهٔ اول ده مرتبه و بعد از سر
برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه
برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سیصد مرتبه شود
که هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول فرمود
که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر در هر دو
روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه
یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بکنی هر گناهی که در میان دو نماز کرده
آمرزیده شود و بروایت معتبر دیگر اگر بعدد کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بوده
باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و
بروایت دیگر هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی
سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و
کهنه و عمد و خطا ترا بیامرزد و اما دعاهائیکه در این نماز مستحب است که بخوانند
بسند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در سجدهٔ آخر نماز حضرت
جعفر [illegible] سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد
منزه است آنکه پوشید لباس عزت و وقار را منزه است آنکه مهربانی کرد به بزرگواری
و دیگر مرتبه سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء
و دیگر کرده باو منزه است آنکه نسزد منزه کردن مگر او را منزه است آنکه شماره کرده هر چیز را
علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی اسألک
دانش او منزه است خداوند منت و نعمت منزه است خداوند توانائی و [illegible] خدایا من سؤال میکنم ترا
بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک واسمک الاعظم وکلماتک
بمقامهای عزت از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو و بنام بزرگ تو و بسخنان تو

جعفر طیار

التامة التی تمت صدقا وعدلا صل علی محمد واهل بیته
تمامهای تو که تمام گردیدند براستی و عدل رحمت فرست بر محمد و اهل خانهٔ او
پس حاجت خود را ذکر کند و شیخ در مصباح سبحان ذی القدرة والکرم سبحان
ابن عمار روایت کرده است با این زیادتی منزه است خداوند توانائی و بخشش منزه است
ذی العز والفضل سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسألک
خداوند عزت و زیادتی منزه است خداوند قوت و نعمت خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا
تا آخر دعا و ایضا شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آورد پس این دعا خواند یا رب یا رب بقدر یک
نفس وفا کند یا رباه یا رباه بقدر یکنفس یا رب یا رب بقدر یکنفس یا الله
یا الله بقدر یکنفس یا رحیم یا رحیم بقدر یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه
یا ارحم الراحمین هفت اللهم انی افتتح القول بحمدک وانطق بالثناء
مرتبه پس این دعا را خواند خدایا بدرستیکه میگشایم [illegible] زبان گشاده ام بستایش تو و سخن میگویم بثنای
علیک وامجدک ولا غایة لمدحک واثنی علیک ومن یبلغ غایة ثنائک
بر تو و بزرگ میشمارم ترا و نیست نهایت مر مدح ترا و ثنا میکنم بر تو و کیست که برسد بنهایت ثنای تو
وامد مجدک وانی لخلیقتک کنه معرفة مجدک وای زمن لم تکن ممدوحا
و دراز نمائی بزرگی ترا و کجاست مر آفریدگان ترا حقیقت شناسائی بزرگواری تو و کدام زمانیکه نبوده تو مدح کرده شده
بفضلک موصوفا بمجدک عوادا علی المذنبین بحلمک تخلف سکان ارضک
بفضل تو وصف کرده شده ببزرگواری تو عود کننده بر گناهکاران بسبب بردباری تو جانشین شدند ساکنان زمین تو
عن طاعتک فکنت علیهم عطوفا بجودک جوادا بفضلک عوادا بکرمک
از فرمانبرداری تو پس هستی تو بر ایشان مهربان بسبب جود تو بخشش را بسبب زیادتی تو باز گردنده بکرم تو
یا لا اله الا انت المنان ذو الجلال والاکرام پس حضرت فرمود که ای مفضل
ای خدائیکه نیست خدائی بجز تو منت گذارنده صاحب بزرگواری و کرم هرگاه ترا حاجت ضروری بوده
باشد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده
میشود انشاء الله تعالی دعای دیگر بعد از این نماز بروایت شیخ و سید رحمة الله علیهما

علوی

نماز حضرت

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدّٰى بِهٖ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهٖ سُبْحَانَ

مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهٗ جَلَّ جَلَالُهٗ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهٖ

وَخَلَقَهٗ بِقُدْرَتِهٖ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ

بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ بَعْدَ

عُمْرٍ طَوِيلٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيمُ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ

الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ

الْاَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى يَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا وَدُودُ يَا شَكُورُ اَنْتَ اَبَرُّ بِي مِنْ اَبِي وَاُمِّي وَاَرْحَمُ

بِي مِنْ نَفْسِي وَمِنَ النَّاسِ اَجْمَعِينَ يَا كَرِيمُ يَا جَوَادُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ

الصَّلٰوةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَمَعْرُوفِكَ وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَ

مصری

جعفر طیار

جَائِزَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ وَقَدِيمِ غُفْرَانِكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

وَارْفَعْهَا فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَاجْعَلْ نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجَاءَ مَا

اَرْجُو مِنْكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَمَا جَمَعْتَ مِنْ

اَنْوَاعِ النَّعِيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ وَاجْعَلْ جَائِزَتِي مِنْكَ الْعَفْوَ مِنَ النَّارِ

وَغُفْرَانَ ذُنُوبِي وَذُنُوبِ وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَجَمِيعِ اِخْوَانِي وَاَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَاَنْ

تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَرْحَمَ صَرْخَتِي وَنِدَائِي وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا وَاَقْلِبْنِي

مُنْجِحًا مُفْلِحًا مَرْحُومًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي مَغْفُورًا لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَظِيمُ

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ يَا حَسَنَ

التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا نَفَّاحًا بِالْخَيْرَاتِ يَا

مُعْطِيَ الْمَسْئُولَاتِ يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَعْطِنِي سُؤْلِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ صَرْخَتِي وَتَضَرُّعِي وَ

نِدَائِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا لِدُنْيَايَ وَاٰخِرَتِي وَدِينِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ

علوی

احکام نماز

اَذکُروا اجعل لی فی ذلک الخیرة ولا تردّنی خائباً خاسراً وآوبنی مفلحاً

ذکر کنم و بگردان برای من در آن خیر را و باز مگردان مرا ناامید و زیانکار و بازگردان مرا کامیاب

منجحاً مستجاباً لی دعائی مغفوراً لی مرحوماً یا ارحم الراحمین یا محمّد یا ابا

رستگار اجابت کرده شده برای من دعای مرا آمرزیده شده برای من رحم کرده شده ای مهربانترین مهربانان ای محمّد ای پدر

القاسم یا رسول الله یا امیر المؤمنین انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف

قاسم ای فرستاده خدا ای امیر مؤمنان منم بنده شما و آزاد کرده شما عار ندارنده از بندگی شما

لا مستکبر بل خاضع ذلیل عبد مقرّ متمسّک بحبلکما معتصم من ذنوبی

نه گردن کشنده بلکه فروتنی کننده ام خوار بنده اقرار کننده چنگ زننده بریسمان شما چنگ زننده ام از گناهان خود

بولایتکما اتقرّب الی الله تعالی بکما واتوسّل الی الله بکما واقدّمکما

بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدای متعال بسبب شما و وسیله میجویم بسوی خدا بسبب شما و در پیش میدارم شما را

بین یدی حوائجی الی الله جلّ وعزّ فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من النّار

پیش روی حاجتهایم بسوی خدا عزّ وجلّ پس شفاعت کنید برای من در آزادی گردن من از آتش

وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللّهمّ فصلّ علی محمّد واله وتقبّل

و آمرزش گناهان من و پذیرفتن دعای من خدایا پس رحمت کن بر محمّد و آل او و بپذیر

دعائی واغفر لی یا ارحم الرّاحمین واما احکام این نماز در چند مقصد

دعای مرا و بیامرز مرا ای مهربانترین مهربانان ایراد مینمائیم **اوّل** بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که هر دو حساب شود و همچنین بنیّت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر اینمضمون وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیّت نماز جعفر بکنند و خالی از قوّتی نیست ولیکن احوط ترک است **دوّم** روایات وارد شده و اکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند که نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند **سیّم** حدیث صحیح وارد شده است که کسیکه دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد میتواند که پی آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را با هم بکند بهتر است **چهارم** روایت معتبر از حضرت

مصری

جعفر طیّار

قائم علیه السلام وارد شده است که کسیکه تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است و اگر بروایت عمل کنند ظاهراً بد نباشد **پنجم** خلافست در تعیین سوره‌ها که مستحب است در این نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اوّل اذا زلزلت و در رکعت دوّم والعادیات و در سیّم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد بخواند و ابن بابویه پیش در رکعت اوّل والعادیات و در رکعت دوّم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی در اوّل اذا زلزلت و در دوّم اذا جاء نصر الله و در سیّم انّا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایّها الکافرون قل هو الله هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد و ظاهراً همه خوبست اگرچه اوّل و سیّم افضل است **ششم** مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دوّم رکعت اوّل و سیّم را نشسته می خواند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن بر رکعت دیگر پیش از قرائت میخواند و عمل کردن بمشهور اولی است **هفتم** بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام کند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت **هشتم** مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت میباید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیّر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولی است

فصل هفتم در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز است

بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز خلاف است بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند نهم شباط است و مشهور میان علما آنست که اوّل انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمول است و این حقیر در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب و اضبط است و بحسب ظاهر اگر بنای اعمال این بگذارند ظاهراً بد نیست و امّا فضایل و اعمال این روز پس بسند معتبر از معلّی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام بود است منقول است که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود با معلی بن خنیس که ای معلی این روز را که نوروز است میشناسی گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند و در این روز هدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امری قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای سید و آقای من دانستن این را از برکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حقتعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و بپیغمبری و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و این اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای آبستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفهای زمین آفریده شده است و در این روز کشتی حضرت نوح علیه السلام بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت و این روزیست که حق تعالی حیوة بخشیده چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیک دفعه خداوند قهار همه را امر نمود بمردن تا آنکه استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبرهای خدا بر این استخوانها بگذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که بار نماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میگرداند پس حقتعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر این استخوانهای ایشان در همان جاهائیکه هستند پس چون چنین کرد همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و باین سبب سنت شد که در این روز آب بریکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین فرموده است در آنجائیکه فرموده **اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَ**

آیا ندیدی کسیرا که بیرون رفتند از خانهای خود و

هُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیَاهُمْ و مفسران گفته اند که

ایشان هزاران بودند از ترس مرگ پس گفت مر ایشان خدا که بمیرید پس زنده گردانید ایشانرا

آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و

فرمود که در این روز جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد یعنی نوروز موافق روزی بوده که بعثت و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابرهیم علیه السلام نیز در این روز بتهای کفار را شکست و اول اشاره است بآنکه سنی و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت او را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کفار را بزیر آورد و شکست پس مراد اینست که در شب این روز بوده است و فرمود که در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیرالمؤمنین علیه السلام و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنانست یعنی روز غدیر این روز بوده با آن روز که امر کرد صحابه را که بروند و بر علی سلام کنند و بگویند **اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ** این روز بوده و فرمود که در این روز حضرت

درود باد بر تو ای پادشاه مؤمنان

رسول حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را فرستاد بوادی جن تا که از ایشان بیعت برای او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت با امیرالمؤمنین علیه السلام برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سر کرده ایشان را که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم آل محمد صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد و در این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محلی است از محلات کوفه او را بردار خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست این روز را عجمان حفظ کردند و شما عربان حرمت آنرا رعایت کردند و شما عربان آنرا ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کردان و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلهای آنها فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد و در رکعت چهارم

علوی

اعمال روز

بعد از حمد ده مرتبه قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
الناس بخوان وبعد از نماز بسجدهٔ شکر برو واین دعا را بخوان خدایا رحمت فرست بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ الاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلٰى جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ
محمد جانشینان پسندیده کانند وبر همهٔ پیغمبران تو وفرستادگان تو بهترین

صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَ
رحمتهای تو وبرکت ده برایشان بهترین برکتهای خود ورحمت کن بر روحهای ایشان و

اَجْسَادِهِمْ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا
جسدهای ایشان خدایا برکت ده بر محمد وآل محمد وبرکت ده ما را در این روز

الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا
که زیادتی دادهٔ او را وبزرگ داشتهٔ او را وشرافت دادهٔ او را وبزرگ کردهٔ قدر او را خدایا برکت ده مرا در آنچه

اَعْطَيْتَنِي وَ... اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَشْكُرَ اَحَداً غَيْرَكَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا
نعمت دادهٔ بان بر من تا آنکه شکر نکنم کسی را غیر از تو وفراخی ده بر من در روزی من ای صاحب

الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ
بزرگی وکرم خدایا آنچه پنهان شود از من پس پنهان نکند از من یاری تو ونگهداشتن تو

وَمَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتّٰى لَا اَتَكَلَّفَ مَا لَا
وآنچه نیابم از چیزی پس نایاب مکن مرا یاری تو را بر آن تا آنکه رنج نکشم آنچه را که

اَحْتَاجُ اِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ چون چنین کنی گناهان بنجاه سالهٔ تو
حاجت نشوم بسوی او ای خداوند بزرگی وبزرگواری امرزیده شود وبسیار بگو یا ذا الجلال

وَالْاِكْرَامِ ودر غیر کتب مشهوره روایت کرده‌اند که وقت تحویل این دعا را بسیار
بخوانند وبعضی سیصد وشصت وشش مرتبه گفته‌اند یَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلٰى اَحْسَنِ
ای گرداننده سال را وحالها را بگردان حال ما را بهترین

الْحَالِ وبروایتی یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ
حالها ودیگر ای گرداننده دلها وچشمها ای تدبیر کننده شب وروز ای گرداننده

الْحَوْلِ وَالْاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلٰى اَحْسَنِ الْحَالِ وانچه بعضی روایت کرده‌اند
سال وحالها بگردان حال ما را بهترین حال که این دعا را نیز در روز نوروز

مصری

عید نو روز

بعد ایام اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ اَسْاَلُكَ خَيْرَهَا
سال بخوانند خدایا این سال تازه است وتوئی پادشاه دیرینه سؤال میکنم از تو

وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَاَسْتَكْفِيكَ مَؤُونَتَهَا
ونیکی آنچه در اوست وپناه میبرم بتو از بدی آن وبدی آنچه در اوست وطلب کفایت میکنم از تو مؤنهٔ او را

وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ واگرچه منعی در دعا نیست این دعا را اول
وشغل او را ای صاحب بزرگی وکرم خواندن هر چند بنازش کرده نشود چون سند

معتبر دارد بهتر است **فصل هشتم** در اعمال ماههای رومی بسند سید جلیل
علی بن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت
رسالت پناه داخل شد وبر ایشان سلام کرد وایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود
که میخواهید تعلیم نمایم شما را دعائیکه جبرئیل مرا تعلیم کرده است گفتند بلی یا رسول الله
فرمود باشید پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وسلمان فارسی ره ودیگران سؤال
نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین خطاب نمود وفرمود که در
نیسان رومی آب باران میگیری وسورهٔ فاتحة الکتاب وآیة الکرسی وقل هو الله
احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل یا ایها الکافرون هر یک را
هفتاد مرتبه میخوانی وبروایت دیگر سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه
میخوانی وهفتاد مرتبه الله اکبر وهفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی وهفتاد مرتبه
صلوات بر محمد وآل محمد میفرستی وهفت روز در بامداد وپیشین از آن می آشامی
بحق آن خداوندیکه مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است قسم یاد میکنم که جبرئیل
گفت که حق تعالی بر دارد از کسیکه این آب را بیاشامد هر درد را که در بدن او باشد وعافیت
بخشد او را وبیرون کند دردها از بدن او واستخوانهای او واگر در لوح درد برای
او مقدر شده باشد محو کند وبحق پروردگاریکه مرا بخلق بحق فرستاده اگر فرزند نداشته
باشد وفرزند خواهد اکر این آب را بیاشامد او را فرزند روزی کند و اگر
زن عقیم باشد وفرزند نیاورد واز این آب بیاشامد فرزند از او بوجود آید
واگر مرد وزن پسر خواهند یا دختر واز این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه

حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم
ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما یعنی حق تعالی می بخشد هر که را خواهد دختران
و هر که را خواهد پسران یا جفت میگرداند برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را
با ایشان عطا میکند و هر که را خواهد عقیم و بیفرزند میگرداند پس حضرت فرمود
که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد بقدرت
الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد
و چشمهای خود را باین آب بشوید باذن خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندان
را محکم کند و دهان را خوشبو گرداند و لعاب بن دندان را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه
و امتلا بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن
متأذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان
بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض
بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و
لال و کر و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند و دردیکه موجب افطار
روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین
متأذی نگردد پس حضرت رسالت پناه فرمود که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد
و بجمیع دردها که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت
بحق خداوندیکه ترا براستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند حق تعالی دلش را
مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان
او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی
از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و
خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از
عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد
مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبدالله بن عمر منتهی میشود و باین
سبب سندش ضعیفست و فقیر بخط شیخ شهید ره دیدم که این روایت را از حضرت امام

جعفر

جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود با همین خواص سورهها اما آیات اذکار را باین
روش روایت کرده است بخواند بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا
ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه میگوید و هفتاد مرتبه لا اله الا الله و
هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص مذکور است که
در زندان باشد و از آن بیاشامد از حبس نجات یابد بسرعت و بر طلب و غالب گردد و اکثر
این خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور و لفظ آب باران مطلق است اکثر منفعت دارد
خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر آن چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که بیاشامید آب باران را که بدن را پاک میکند و بیماریها
را دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب
عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام یعنی میفرستد
حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه
شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان
بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر آیت مجموع آن سورهها را و اذکار را هفتاد مرتبه
بخوانند و اگر برای آنها اگر بخوانند فائده اش عظیم و ثوابش بیشتر است و در لغت اهل
بغداد نیسان بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشود و ماه
نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هفتم حزیران السنه
حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهار
نوروز است و این سی روز است حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر
منقولست که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست
که حضرت موسی ع در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یکشب و یکروز سیصد هزار
کس ایشان مردند و باز بسند معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در
حزیران نزدیک میگرداند یعنی مرگ میشود در آن بسیار است و بدانکه ماههای نیشان بزرگ

ذکر بیان

افنا بیست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر کانون الاول
کانون الاخر شباط آذار نیسان ایار حزیران تموز اب ایلول و چهار ماه از
سی میگیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر غیر شباط را سی و یک میگیرند
و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت میگیرند و در سال چهارم که سال کبیسه
ایشانست بیست و نه میگیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الاول
که اول سال ایشانست در این سالها موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار
الانوار مذکور است و چون اینها همه در احادیث مذکور شده است مجملی از اینجا ایراد نمود

باب سیزدهم

در بیان احکام اموات است و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان آداب و احکام
حال احتضار و برداشتن میت است باید که چون در بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال
خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر گذشته ها نادم و پشیمان گردد و عازم
گردد که اگر زنده بماند عمر تکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند و حقوق خدا و
خلق و آنچه بر ذمهٔ او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد پس بعد از ثلث مال خود را وصیت
کند که بخویشان بی میراث و فقرا و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس ابراء ذمه از برادران
مؤمن بطلبند و هر که را غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان
التماس نماید که از او عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید که ایشان را
از او راضی کرده اند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد
از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصیتی برای اولاد صغیر خود تعیین کند
پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد شده است
که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین علیه السلام بر آن بنویسند
اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشند اما مؤمن را سنت است که کفن پیوسته با او باشد
که از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که کفنش با او باشد در نامه اش او را از

احکام اموات

غافلان نویسند و هر گاه که نظرش بر آن کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید
که در آن وقت امید و از برحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که در وقت مرگ
وصیت نیکو نکند نقصی است در عقل و مروت او گفتند یا رسول الله چگونه
وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید

اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ
خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین داننده نهان و آشکارا بخشنده مهربان
اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَ
بدرستیکه من پیمان محکم میکنم بسوی تو که شهادت میدهم اینکه نیست خدائی جز تو یگانهٔ تو نیست شریکی ترا و
اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ
بدرستیکه محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او بندهٔ تو و فرستادهٔ تو است و اینکه قیامت آینده است
لا رَيْبَ فِيها وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ
نیست شکی در آن و بدرستیکه تو برانگیزانی کسانی را که در گورها اند و بدرستیکه حساب حق است و آنکه بهشت حق است
وَما وَعَدَ اللّٰهُ فِيها مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكاحِ حَقٌّ وَاَنَّ
و آنچه وعده کرده خدا در آن از نعمتها از خوردنی و آشامیدنی و عقد نکاح حق است و آنکه
النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَما وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلامَ كَما شَرَعْتَ وَاَنَّ
آتش حق است و آنکه ایمان حق است و آنکه دین چنانچه وصف کردهٔ تو و بدرستیکه اسلام چنانچه وضع کردهٔ تو و آنکه
الْقَوْلَ كَما قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَاِنِّي
گفتار چنانست که گفتهٔ تو و آنکه قرآن چنانست که نازل کردهٔ تو و آنکه توئی خداوند حق ظاهر و من
اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دارِ الدُّنْيا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبّاً وَبِالْاِسْلامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ
عهد کردم بتو در سرای دنیا بدرستیکه من خشنودم بتو از روی پروردگاری و باسلام دین و بحضرت محمد
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ اِماماً وَبِالْقُرْآنِ كِتاباً وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ
رحمت فرستد خدا براو و آل او به پیغمبری و بعلی از روی امامت و بقرآن از روی کتاب و اینکه اهل خانهٔ
نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ اَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ
پیغمبر تو براو و بر ایشان درود باد از روی پیشوائی خدایا توئی معتمد من نزد

علوی

ذکر بیان

شِدَّتِی وَرَجَائِی عِنْدَ کُرْبَتِی وَعُدَّتِی عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتِی تَنْزِلُ بِی وَاَنْتَ وَلِیِّی

سختی من و امید من نزد سختی من و صاحب منی نزد کارهائی که فرود اید بمن و توئی صاحب اختیار من

فِی نِعْمَتِی وَاِلٰهِی وَاِلٰهُ اٰبَائِی صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَلَا تَکِلْنِی اِلٰی نَفْسِی طَرْفَةَ

در نعمت من و خدای من و خدای پدران من رحمت فرست بر محمد و آل او و وا مگذار مرا بسوی خودم بچشم بهم زدن

عَیْنٍ اَبَدًا وَآنِسْ فِی قَبْرِی وَحْشَتِی وَاجْعَلْ لِی عِنْدَكَ عَهْدًا یَوْمَ اَلْقَاكَ مَنْشُورًا

هرگز و انیس من باش در وحشت من قبر من و بگردان مرا نزد خود پیمانی دار روز یکه ملاقات کنم ترا بر اکنده

پس حضرت رسول فرمود که این عهد و پیمانیست با خدا در روز یکه بخواهد وصیت کند لازم و واجبست بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بمهر گواهان برساند تا در عیان کفر او بکذارند و چون آثار احتضار ظاهر شود این

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعْصِیَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّی

خدایا بیامرز مرا بسیاری از نافرمانی تو و قبول کن از من

دعا را مکرر بخواند

الْیَسِیرَ مِنْ طَاعَتِكَ

اندکی از فرمان برداری تو

تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و برادران مؤمن در اینحالت او را تنها نگذارند و نزد او قران و دعا بخوانند و سوره یس و والصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول و امامت ائمه هدی علیهم السلام بتفصیل و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حقه را مکرر تلقین او کنند که بگوید و بیاد او در آورند و اگر نتواند خواند نزد او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را بر او القا کنند که در اینوقت شیطان بر او دست یابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمه طیبه لا اله الا الله را بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را در هم میشکند و مونس مؤمن است در حال حیوة و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پاهای او را بجانب قبله

بکرداند

مصری

احکام اموات

بگردانند تا ملائکه رحمت باو رو آورند و در این وقت حایض و جنب نزد او نباشند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جایز است که بقدر ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بجائیکه همیشه نماز میکرده است یا بخوابانند او را بجای بوریا جا نماز یکه بر آن نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست شفا میابد و الا جانش باسانی بر میاید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او قران بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق علیه السلام در حال احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته بود هر که نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در این حال در نهایت ناتوانیست و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت باقر علیه السلام منقولست که هر که کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید و

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ

کلمات فرج اینست

نیست خدائی جز خدای بردبار کرامی نیست خدائی جز خدای بلندمرتبه

الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَ

بزرگ منزهست خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و

مَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و در

آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست

حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله این کلمات را تلقین کسی کردند چون آن شخص خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت

علوی

بیان

کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتواند برا و دست یافت پیر در انحال تلقین ایشان بکنند کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلم بیک یک را بخصوص تا از سخن گفتن باز ماند و ایضا سنتست که برای اسانی جان کندن این دعا را تلقین یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف

اوکنند

ای انکه میپذیرد اندک را · و در میگذرد از بسیار · بپذیر از من اندک را · و درگذر

عنی الکثیر انک انت العفو الرحیم و بروایت انک انت العفو الغفور

از من بسیار را · بدرستیکه توئی امرزنده مهربان · دیگر · بدرستیکه توئی درگذرنده امرزنده

و چون روح او مفارقت کند سنتست که دهانش را برهم گذارند و چانه اش را ببندند و چشمهایش را بهم اورند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و او را بجامه در شبی یا جامه بپوشانند و قران نزد او بخوانند و زود دفنش بردارند مگر بقدر جمع شدن مؤمنان اگر شبهه ای در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرگش بر ندارند و در حدیث از حضرت صادق علیه السلم منقولست که سزاوار است که برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب برند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون مؤمن را بقبر میگذارند او را ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشتست و اول عطائی که دادیم انها را که با جنازه تو امده اند امرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر انست که میامرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مومنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش امرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون اید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر انست برای کسیکه تشییع جنازه کند که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را بازبدوش راست بردارد پس از پیش جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را

کردیه

مصری

احکام اموات

که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پس جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجای آورد و اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکنند پس بپای راست پس بپای چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولیست و اگر هر دو را بعمل اورند بهتر است و افضل انست که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث انستکه اگر جنازه مؤمن باشد پیش از راه رفتن خوبست و در جنازه مخالف مذهب خوب نیست زیرا که ملئکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه هست و از حضرت رسول منقولست که هر که جنازه را ببیند و این دعا بخواند الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم

خدا بزرگتر است اینست انچه وعده کرده است ما را خدا · و رسولش · و راست فرموده خدا و رسولش · خدایا

زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت

بیفزا ما را ایمان · و گردن نهادن را · ستایش مختص خداست انچنانیکه عزیز است بتوانائی · و غلبه کرده بندگان را · بمرگ

هیچ ملکی در اسمان نماند مگر انکه گریه کنند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که در حال برداشتن جنازه این دعا را بخوانند بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و ال محمد

بنام خدا · و بخدا · خدایا · رحمت فرست بر محمد · و ال محمد

واغفر للمؤمنین والمؤمنات و منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلم

و بیامرز مردان گرونده · و زنان گرونده را

والصلوة هرگاه جنازه را میدیدند می گفتند

الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و زنان را تشییع جنازه سنت

ستایش مر خدا را که نگردانید مرا · از نسل شخصی که · هلاک شده است

نیست و بعضی گفته اند که جنازه را نیستانند بردن مکروه هست و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوبست و مکروه هست کسیرا که بجنازه حاضر شود خندیدن و خوض بباطل کردن

فصل دویم در غسل دادن میت

بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه

معوان

بیان غسل

معاقب میشوند و مشهور میان علما آنستکه ولایت بمعنی تعلق بوارث میت دارد و برخصت
او دیگری متوجه اینها نمیتواند شد و مردان وارثه اولی اند از زنان و شوهر اولیست از
دیگران و احوط آنستکه بضرورت خود غسل ندهند و غسل و نماز و سایر احکام میت
واجبست برای میت شیعهٔ اثنی عشری و در سنی و سایر فرق مخالف اختلافست و ظاهرا
واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهیدیکه در جهاد با امام زمان کشته شده باشد
و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند با جامهائی
که پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند که در هر جهاد حقیکه کشته شود چنین
است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنستکه هرگاه از میت عضوی
یافت شود که در آن استخوان باشد میشویند و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن
را در اینجا واجب دانسته اند و اگر نصفی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد و
احوط آنستکه اگر سینه و آنها نباشد باز چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای
میت را بیابند و عضویکه بی استخوان باشد مشهور آنستکه در لته میپیچند و دفن می
کنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از شکم بیافتد شود هرگاه چهار
ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند و کفن و دفن میکنند و بر او نماز نیست و
بعضی گفته اند که به سه جامه کفن میکنند و حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته
باشد مشهور آنستکه در لته می پیچند و دفن میکنند و در روایت در لته پیچیدن
مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده است در غسل و کفن نه
چهار ماه و این احوطست و اگر عضو استخوان داری از زنده بریده باشند احوط آنستکه
غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه ظاهر عدم وجوبست و اگر طفلی در شکم مادر مرده باشد
و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون میاورند و الا پاره پاره میکنند
و بیرون میاورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را می شکافند
از جانب چپ و طفل را بیرون میاورند و بهتر آنستکه شکمش را بدوزند و واجب
استکه مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول
اشهر و اقوی هر یک دیگر را غسل میتوانند داد و احوط آنستکه از زیر جامه غسل دهند

دادن میت است

نظر بعورت نکند و بهتر آنستکه بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جایز
آنستکه آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه آن کنیز در عدهٔ کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا
را اختلافست سیم جایز است که مرد اجنبی غسل دهد دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه
پسر سه ساله را برهنه و بعضی دختر پنج ساله را نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود
و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه و همچنین
است هرگاه زنی فوت شده باشد و ظاهر آنست که در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند
داد و اما احوط آنستکه تا ممکن باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهند و اما کیفیت غسل
بهتر آنستکه پیش از غسل کفن را مهیا کنند و اول حبره را و بعد از آن سرتاسری و بعد از آن
پیراهن را پهن کنند و نصف بالای پیراهن را برگردانند و لنگ را و بعد از آن ران پیچ را
بجای خود پهن کنند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت در وقت غسل بر روی
تخته یا غیره بخوابانند بهتر است و مستحبست که در وقت غسل دادن پای میت بسوی
قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید چنین
باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید رختهای او را بکنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند
و اگر خواهند لنگ ببندند و پیراهن را بکنند و بهر تقدیر واجبست که در وقت غسل
دادن عورت میت را بپوشانند مشهور آنستکه واجبست که اول ازالهٔ نجاست از بدن
میت بکنند و سنتست که بر کف دست پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ باشد
بشکافند و سنتست که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهند که برابر آسمان نباشد
و سنتست که دو نفر باشند غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحبست
که انگشتان میت را به آهستگی نرم کنند و اگر دشوار باشد و خون بسته باشد بگذارند
و واجبست که سه غسل دهند اول با آب سدر و بعد از آن آب کافور و بعد از آن
آب خالص و سنتست که اول دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشویند بنا بر بعضی
از روایات پس عورت میت را بشویند احوط آنستکه چون خواهند عورت را بشویند لته
بر دست ببندد که دستش بعورت نرسد و اگر بی لته بشوید بهتر است و سنتست
که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد تا

علوی

بیان غسل

خوب پاک شود پس دستش را بالای شکمش بگذارد و بنرمی و هموار پایین کشد که اگر فضله باشد
بیرون اید و اگر چیزی بیرون اید باز محل را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن
فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته اند که سنتست که سر و ریشش را پیش از
غسل بکف سدر بشوید پس سنتست که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی انکس که دست
بر میت میکذارد پس مرده میت را بوضو وضو دهند که ان باب خالص و بعضی واجب دانسته
اند و نیت کنند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس دو دستهایش را بشوید و سرش را
و پاهایش را مسح کنند پس ابتدا کنند بغسل و احوط انستکه اب ریزنده و گرداننده اگر دو
کس باشد هر دو نیت کنند و بهتر انستکه نیت هر مرتبه را در اول بکنند و از برای غسل کافور
و قراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم باب سدر
و کافور و قراح از جهت انکه واجبست بر او از برای خدا با قربة الی الله پس سر میت را
باب سدر میشوید و احوط انستکه اول بجانب راست سر اب بریزد و بعد از ان بجانب
چپ و سنتست که سر را و هر جانبی را سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند
و جانب راست را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید و هر سبو شیر اکه میریزد قطع بکند
تا بپا برساند و اگر انکه میت را میگرداند در هنگام اب ریختن دستی به پشت و شکم میت بمالد
هموار بکه اب خوب برسد بهتر است و دست میت را از پهلو جدا کند تا اب بزیر ان برسد و
چنان کند که اب بزیر لنگ عورت و سایر اعضا خوب جاری شود پس میت را بگرداند و بر پهلوی
راست بخواباند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در اب سدر
سنتی که معینست و مشهور انستکه حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید بهفت برگ سدر
باشد و بعضی یکرطل و بعضی یکرطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده
بوده باشد و گویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد
و احوط انستکه سدر را در اب غسل انقدر داخل بکنند که مضاف شود و اب بشر نگویند
و در بعضی روایات در شستن هر جانب شستن بنصف سر نیز وارد شده است و شاید
بدین باشد اگر چه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخواباند و ظرفها را میشوید که
اثر سدر از انها بر طرف شود و اندکی کافور بر اب ریزه میکنند و داخل اب میکنند و غسل

مصری

دادن میت

دهنده دستهای خود را تا مرفق میشوید و بهتر انستکه دست میت را نیز تا نصف ذراع
سه مرتبه با اب کافور بشوید و فرجش را نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو که ان را با دستمال
بر دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر انستکه در وقتیکه دست
بر شکم میکشد سر میت را بلند کند که فضلات از ان طرف بیرون نرود پس احتیاطا اب
ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهیم باب کافور از برای
انکه واجبست از برای رضای خدا پس سر را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید و در
هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر بکند و گرداننده بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میت را
بر پشت بخواباند و باز دست خود را تا مرفقین بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثری از
سدر و کافور در انها نماند و اگر سبوی دیگر برای اب قراح مهیا کند بهتر است و احوط
انستکه اب غسل قراح را از حوضیکه اب سدر و کافور در ان ریخته شده است برندارند
و از ابی بردارند که اینها مطلقا در ان داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه باب خالص بشوید استنجا با و فرج میت را نیز باب خالص سه مرتبه
بشوید و اگر در اینوقت نیز بار دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا
نیت کنند که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهت انکه واجبست قربة الی الله پس سر را
سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید که یک مرتبه
واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر انستکه گرداننده بمدارا در وقت اب ریختن دستی
بکشد بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت نمیکشد
چون از این هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری از پنبه
در دبرش داخل کند و همچنین در دهان و بینی او قدری پنبه داخل کند اگر خوف بیرون
امدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنتست که بدنش را بجامه خشک کند و بعد از
ان او را بر جامهای کفن بگذارد و سنتست که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی گرداند این
دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ عَبْدِکَ الْمُؤْمِنِ وَ قَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ

خداوندا بدرستیکه این بدن بندهٔ تواست که مؤمنست و بتحقیق که بیرون اوردهٔ روح را از ان

غسل دادن میت است

وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ واگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ

اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ واگر روحها بگوید بهتر است ودر رب عفوك عفوك

سایر احوال غسل مکرر بگوید

تا خدا او را بیامرزد وسنتست که هرچه از عیوب میت بر او ظاهر شود کسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد چنانکه از مادر متولد شده ومستحبست که غسل دهنده از جانب راست بایستد وگودالی در برابر قبله بکنند وتخت سراز بر باشد که آب غسل در آن گودال رود ومکروهست بچاهی که در آن بول وغایط کنند بریزند واگر چاهی باشد که کثافات خانه را در آن بریزند قصور ندارد ومکروهست میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حالت ضرورت ومکروهست که میت را در میان پاهای خود بگیرد وایضا مکروهست که ناخن میت را بگیرند یا موی او را بگیرند یا شانه کنند واگر بگیرد ناخن وموی را یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد وبا میت دفن کنند حتی منقولست که دندانی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام کنده شد بحضرت صادق علیه السلام داد وفرمود که با من دفن کن در قبر واگر سدر وکافور بهم نرسد بیک مرتبه بآب قراح غسل دهند واحوط آنست که سه مرتبه غسل دهند واگر پیش از دفن بهم رسد احوط آنست که مرتبه دیگر او را سه غسل دهند واگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را وظاهر آنست که یک تیمم کافیست وسه تیمم احوط است وبهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر وکافور وقراح از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا وتیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله وهمچنین قراح را وچون نیت کند دست خود را بر خاک زند وبر پیشانی میت کشد ودیگر بر پشت دست راست میت کشد بعد از آن بر پشت دست چپ واگر بعوض یک تیمم دو دهد یکی برای رو ویکی برای دستها خوبست واگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند وحنوط نکنند **فصل سیم** در کفن کردن میتست واجبست که میت را سه کفن کنند واکثر علما گفته اند که اول آنها لنگ

کفن کردن میت است

است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد وبعضی گفته اند که سنتست که سینه را بپوشد وتا پاها برسد ودوم پیراهنست وسیم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد وبعضی از علما گفته اند که پیراهن نیست ودو سرتاسری وجایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد واین قول اظهر است واحادیث معتبره بر این دلالت دارد واحوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند وبا ضرورت یک سرتاسری کافیست وباید که کفن حریر محض نبوده باشد واحوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد واحوط آنست که کفن از پوست نباشد وبهتر آنست که از پشم وموی نیز نبوده باشد ومستحبست که از پنبه سفید بوده باشد وسنت آنست که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد وآن جامهٔ بوده از یمن میاورده اند والحال معلوم نیست ودور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد وعلما گفته اند که سنتست که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند وبعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت وبهتر آنست که چنین کنند اگرچه مستندش بنظر نرسیده وسنتست که خرقهٔ طولانی که عرضش یک شبر ونیم وطولش اقلا سه ذرع ونیم باشد بذرع دست پاره کنند برای رانپیچ با آنکه سرانرا بشکافند وبر کمر میت به بندند وپنبه بسیار بر دبر وفرج میت بگذارند واگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند واگر بر پنبه قدری کافور بپاشند بهتر باشد وسر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند واز زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون آرند ومحکم بکشند که فرج او وپنبه که گذارده اند فرا گیرد وپاها را بهم آورند وآنها را بابک دیگر بان خرقه سخت ببندند وبپیچند تا زانوها وهر جا که منتهی شود دو سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند وسنتست که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بر دور سرش بگردانند وموافق مشهور بر زیر حنک بگردانند وسرهای عمامه را از هر دو طرف بدر آورند وبر سینه میت بیندازند چپ را بر جانب راست وراست را بر جانب چپ وبدل از عمامهٔ مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند ویا رچه بر سینهٔ زن ببندند که پستانهای او را بگیرد وبر پیشش گره زنند ومکروهست که کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تازه کنند آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست

علوی

بیان کفن

بربدن استین با استین باکی نیست اما تکمها و بندهایش را ببرند و سنتست که میت را کفن
کنند در پیراهنیکه در ان نماز میکرده و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند
شاید بهتر باشد و مستحبست که در جامهٔ که در ان احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند
مستحبست که خوش قماش باشد کفن و صاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که
نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که زینت ایشانست و با ان کفنها در قیامت مبعوث میشوند
و سنتست که در قیمت کفن مضایقه و مبصّری نکنند و کفن از مال ایشان حلال بی شبهه
باشد و سنتست موافق مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار با ئمه علیهم السلام بنویسند
و دعای جوشن و غیر ان در بعضی از روایات وارد شده است و سنتست که بتربت حضرت
امام حسین علیه السلام بنویسند و علما گفته اند که سنتست که کفن را بر ریسمانی که از ان
بر قبلا وردانند بدوزند و با دهان تر نکنند و سنتست که در وقتیکه غسل دهند
و خواهند که میت را کفن کنند کفن کننده دستهایش را تا دوش یا مرفق بشوید و بعد از
ان شروع کند در کفن کردن و واجبست حنوط کردن میت را بانکه بر هفت موضع
سجدهٔ او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشتهای ابهام پاها کافور بمالد اگر
چاندکی باشد و بهتر اینست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر گودال
پایین گردن و بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ ران و بند انگشتان
و سایر بندها را بمالند احوطست و بهتر انستکه کافور حنوط کافور خام جودانه باشد
و مقدارش بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقالست و بهتر از این انستکه سه
مثقال باشد و بهتر از این انستکه سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت
رسول که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر انستکه کافور غسل از این مقدار
نباشد و سنت مؤکد است که دو جریدهٔ تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است
که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمیکنند و بهتر انستکه چوب درخت خرما بوده باشد
و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود
چوب درخت انار و اگر هیچ نرسد هر چوب تری که خواهند و باید تر باشد و تازه از درخت
بریده باشند و چوب خشک هر چند از درخت خرما یا اماکن شریفه بریده باشند فائده

مصری

کردن میت است

نمیکند و باید هر یک بقدر یکشبر بوده باشد یا یک ذراع در سنت و بعضی گفته اند که بقدر
انهایه بپیچند تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بجنبر گردن
بگذارند و ملصق سازند ببدن و دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و سرتاسری بگذارند
و سر انرا نیز بجنبر گردن بگذارند و بعضی گفته اند که سنتست که بر جریدتین شهادتین
بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد و جریده نتوانند در کفن گذاشت در میان قبر اندازند
اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آمد در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از
اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد رختهای
او را تطهیر کنند و با نها کفن کنند و اگر انهم نباشد برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند
که از زکوة واجب کفن میت میتوان کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکد است که
مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن جامهٔ او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند
از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در خانهٔ موافق نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و
کفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجب
است و اگر از میت نجاستی بیرون اید بدن او را بشویند و اگر کفن الوده شده باشد تا در
قبر نگذاشته اند انرا میشویند و اگر بقبر برده اند مشهور انستکه ان موضع را مقراض
میکنند و کفن را از یکدیگر میکشند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که
اگر ممکن باشد شستن در او اندرون قبر بانکه طشت و افتابه ببرند و بشویند بهتر
است خصوصا هر گاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیرش لازم شده باشد و کفن را
نیز بان عنوان بشویند و این احوطست و جمعی گفته اند مکروهست کفن را با مقراض بریدن
و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن کردن نیز سنتست که پاهای میت بجانب
قبله باشد و کسیکه در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله
میکنند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را میشویند و اخر
بدن او و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل بسرشته بزنند تا بند شود و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست در حکم چنین کشتی که اول خونرا میشویند و اب بر ان

میریزند در غسل و دست بدنش عمامه اند بر جراحتها پنبه و کافور میگذارند
و محکم میبندند و هم چنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور
میپاشند بر موضع جراحت و پنبه بران میگذارند و بعد از ان سر را بخرقه میبندند
که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را میشویند و بعد
از ان بدن او و پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از ان سر را برروی گردن میگذارند و
در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و
رو یش را بجانب قبله میگردانند **فصل چهارم** در نماز میت است و این
نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد
از دیگران ساقط میشود و واجب است نماز بر هر شیعهٔ اثنی عشری که بالغ باشد بی خلاف
و اشهر و اقوی انست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهر
بعضی قریب انست که کفایت توان کرد و کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد شده بالمشابعه سنت
دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کافر و خوارج
و ناصبیان که عداوت اهل بیت علیهم السلام را داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام را
خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و آنها که خدا را جسم دانند
و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست ظاهر آنست که مخیر باشد میان آنکه نماز بکند یا نکند و چهار
تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و
سزاوارترین مردم بنماز بر میت وارث او است بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت
ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و بانفراد میتوان کرد و احوط آنست که تا توان از ایشان
رخصت گرفتن بی رخصت نکنند و شوهر از همهٔ خویشان اولیست نسبت بزن و مردان اولی اند
از زنان و وارث اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته
باشد مقدم دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با ماموم آن در یک
صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان
جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایض باشد سنتست که در صف
جدائی بایستد و واجبست نماز گذارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست

او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در منفرد آنست که از برابر
جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارت
از حدث شرط نیست و جنب و حایض میتوانند این نماز را بجا آورد و احوط آن
که سایر شروط نماز بودن را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت و غصبی
نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچیک در کار
نیست مگر غصبی چند که حرام باشد و ازالهٔ آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا
و حریر برای مردان و جامهٔ غصبی و سنتست که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته
باشد یا وقت تنگ باشد سنتست که تیمم کند و ظاهر بعضی آنست که بدون عذر نیز تیمم
سنتست و سنتست که پا برهنه از جنازه بیستد و نعلین نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها
در نیا باشد و نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد
و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت
است که پیشنماز برابر میان مرد بایستد و سینهٔ زن بنا بر مشهور و سنتست که کفش را
بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است
و واجبست که نیت کند و بهتر است چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم
از برای آنکه واجبست قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنتست که در هر تکبیر دستها را بر
دارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را
و اول مشهور است وجوب دعا در میان تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهر
آنست که دعا مخیر باشد و مشهور آنست **اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا**
که بعد از تکبیر اول اگر بگوید
رسول الله و بعد از **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و بعد **اللهم اغفر**
دویم ... سیم
للمؤمنین و المؤمنات و بعد از **اللهم اغفر لهذا المیت** و اگر زن باشد
چهارم ... **المیتة** بگوید و تکبیر
پنجم را بگوید و فارغ شود مجزیست و موافق مشهور آنست که چنین کند بعد از نیت بگوید

دعای نماز

الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان

خدا بزرگتر است گواهی میدهم اینکه نیست خدائی جز خدا یگانه است او نیست انبازی مراورا وگواهی میدهم اینکه

محمداً عبده ورسوله ارسله بالحق بشیراً ونذیراً بین یدی الساعة

محمد بندهٔ او وفرستادهٔ اوست فرستاد اورا براستی بشارت دهنده وبیم کننده میان این ساعت

پس بگوید الله اکبر اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد وآل

خدا بزرگتر است خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبرکت ده بر محمد وآل

محمد وارحم محمداً وآل محمد کافضل ما صلیت وبارکت وترحمت

محمد ورحم کن بر محمد وآل محمد مثل بهترین رحمت فرستادهٔ ومبارک کردهٔ ورحمت کردهٔ

علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید وصل علی جمیع الانبیاء والمرسلین

بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو ستودهٔ بزرگی ورحمت فرست بر همه پیغمبران وفرستادگان

پس بگوید الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات

خدا بزرگتر است خدایا بیامرز مردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان گردن نهنده وزنان گردن نهنده

الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات

زندگان از ایشان ومردها پیروی ده میان ما ومیان ایشان به نیکیها بدرستیکه تو اجابت کنندهٔ دعاهائی

انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک

بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی خدا بزرگتر است خدایا بدرستیکه این بندهٔ تواست وپسر بندهٔ تواست

وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً وانت

وپسر کنیز تو آمده نزد تو وتوئی بهترین نازل شده خدایا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکی را وتو

اعلم به منا اللهم ان کان محسناً فزد فی احسانه وان کان مسیئاً فتجاوز

داناتری بآن از ما خدایا اگر بوده باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او واگر بوده باشد بدکار پس درگذر از آن

عنه واغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهله فی

وبیامرز مراورا خدایا بگردان اورا نزد خود در اعلی علیین وخلیفه شو بر اهل او در

الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر وفارغ میشود

گذشتگان ورحم کن اورا برحمت خودت ای مهربان تر مهربانان خدا بزرگتر از هر چیز است واگر زن

باشد اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک نزلت بک و

باشد بگوید خدایا بدرستیکه این کنیز تست ودختر بندهٔ تست ودختر کنیز تواست آمده پیش تو و

میت

انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیراً وانت اعلم بها منا اللهم

توئی بهترین نازل کرده شده خدایا ما نمیدانیم از آن مگر خوبی وتو داناتری بآن از ما خدایا

ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها

اگر بوده باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکوئی آن واگر بوده باشد بدکار پس درگذر از آن

واغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهلها فی الغابرین

وبیامرز آنرا خدایا بگردان آنرا نزد خود در اعلی علیین وجانشین شو بر خانوادهٔ او در گذشتگان

وارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین واگر بعد از ینها تکبیر اشهد ان لا

ومهربانی کن اورا برحمت خود ای مهربان تر مهربانان این دعا بخواند خوبست گواهی میدهم اینکه نیست

اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله

خدائی جز خدای یگانه نیست انبازی مراورا وگواهی میدهم اینکه محمد بندهٔ او وفرستادهٔ اوست

اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات اللهم ان هذا

خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبیامرز مردان مؤمن وزنان مؤمنه را خدایا بدرستیکه این

المسجی قدامنا عبدک وابن عبدک وقد قبضت روحه الیک وقد احتاج

مرده بکفن پیچیده پیش ما بندهٔ تو وپسر بندهٔ تست وبتحقیق گرفتهٔ روح اورا بسوی تو وبتحقیق احتیاج دارد

الی رحمتک وانت غنی عن عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خیراً وانت

بسوی رحمت تو وتو بی نیازی از شکنجه کردن آن خدایا بدرستیکه ما نمیدانیم از ظاهر آن مگر نیکی وتوئی

اعلم بسریرته منا اللهم ان کان محسناً فزد فی احسانه وان کان مسیئاً

داناتر براز نهان او از ما خدایا اگر بوده است نیکوکار پس زیاد کن در نیکوئی آن واگر بوده است بدکار

فتجاوز عن سیئاته واگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتک وابنة

پس درگذر از گناهان او خدایا بدرستیکه این پیچیده شده بکفن پیش ما کنیز تست ودختر

عبدک وقد قبضت روحها الیک وقد احتاجت الی رحمتک وانت غنی

بندهٔ تست وبتحقیق گرفتهٔ روح او را بسوی خود وبتحقیق احتیاج دارد برحمت تو وتوئی بی نیاز

عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیراً وانت اعلم بسریرتها منا

از شکنجه آن خدایا بدرستیکه ما نمیدانیم از ظاهر آن مگر خوبی وتو داناتری براز نهان آن از ما

اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عن

خدایا اگر بوده نیکوکار پس بیفزا در نیکی کردن آن واگر بوده بدکار پس درگذر از

علوی

در نماز

سیئاتها بلکه موافق جمع بین الاحادیث بهتر است و اگر بعد از هر تکبیر اشهد ان لا اله الا الله
بدیهای ان | بعد از هر تکبیر این دعا را بخواند نیز خوبست | گواهی میدهم اینکه نیست خدائی جز خدا

وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد
یگانه نیست انبازی مراورا وگواهی میدهم اینکه محمد بندهٔ او وفرستادهٔ اوست خدایا رحمت کن بر محمد

وآل محمد وعلی الائمة الهداة واغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا
وآل محمد وبر پیشوایان راه یافتگان وبیامرز مارا وبرادران مارا آنانکه پیشی گرفته اند مارا

بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک غفور رحیم
بایمان ومگردان در دلهای ما غشی برای آنانکه ایمان آوردند پروردگارا بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی

اللهم اغفر لاحیائنا وامواتنا من المؤمنین والمؤمنات والف قلوبنا
خدایا بیامرز زندگان مارا ومردگان مارا از مردان مؤمن وزنان مؤمنه والفت ده دلهای مارا

علی قلوب اخیارنا واهدنا لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من
بردلهای برگزیدگان ما وراه نما مارا بانچه را اختلاف کرده شده در آن از حق برخصت تو بدرستیکه تو هدایت میکنی هر

تشاء الی صراط مستقیم اللهم عبدک ابن عبدک ابن امتک انت اعلم به
که خواهی بسوی راه راست خدایا بندهٔ تو پسر بندهٔ تو پسر کنیز تو تو داناتری بان

افتقر الی رحمتک واستغنیت عنه اللهم فتجاوز عن سیئاته وزد فی
محتاجست برحمت تو وبی‌نیازی تو ازان خدایا بیرون گذر از گناهان او وزیاد کن در

حسناته واغفر له وارحمه ونور له فی قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه
نیکیهای او وبیامرز اورا ومهربانی کن اورا وروشن کن برای او قبرشرا وبیاموز اورا برهانش را وملحق کن اورا بپیغمبرش

صلی الله علیه وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واگر زن باشد از اول این
رحمت فرستد خدا براو وآل او ومحروم نساز مارا مزد او وبآشوب میفکن مارا بعد از او | دعا میخواند تا انجا که

الی صراط مستقیم اللهم امتک ابنة عبدک ابنة امتک انت اعلم بها
است پس میگوید | خدایا کنیز تو دختر بندهٔ تو دختر کنیز تو تو داناتری بان

افتقرت الی رحمتک واستغنیت عنها اللهم فتجاوز عن سیئاتها وزد
محتاجست برحمت تو وبی‌نیازی تو ازان خدایا بیرون گذر از گناهان آن وزیاد کن

فی حسناتها واغفر لها وارحمها ونور لها فی قبرها ولقنها حجتها والحقها
در نیکیهای آن وبیامرز اورا ومهربانی کن اورا وروشن کن برای او گورشرا وبیاموز اورا برهانش را وملحق کن

بنبیها

مصری

میت است

بنبیها صلی الله علیه وآله ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنا بعدها ودر
بپیغمبران رحمت فرستد خدا براو وآل او ومحروم مگردان مارا از اجر آن وبآشوب میفکن مارا بعد از آن | روایتی

وارد شده است که بعد از ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
فارغ شدن از نماز بگوید | پروردگارا بده مارا در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی

وقنا عذاب النار واگر بر سنی وخلاف مذهب نماز کند بعض گویند بعد از تکبیر
ونگاه دار مارا از شکنجهٔ آتش | چهارم بلکه بعد از هر تکبیر او را لعنت ونفرین کند وبهتر

اینست که اللهم اخز عبدک فی عبادک وبلادک اللهم اصله حر
چنین کند | خدایا رسوا کن بنده خودرا در نزد بندگان خود وشهرهای خود خدایا برسان اورا گرمی

نارک اللهم اذقه اشد عذابک فانه کان یوالی اعدائک ویعادی
آتش جهنم خودرا خدایا بچشان اورا سخت‌تر عذابت را پس بدرستیکه او بوده دوست دارد دشمنان تورا ودشمن داشته

اولیائک ویبغض اهل بیت نبیک صلی الله علیه وآله واگر میت
دوستان تورا ودشمنی کرده خانوادهٔ پیغمبر ترا رحمت فرستد خدا براو وآل او | مستضعف باشد

که ضعیف العقل باشد وتمیز میان مذاهب نکند وباین سبب سنی باشد یا مخالف حق
باشد وعناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد باهلبیت علیهم السلام داشته باشد ویا
دشمنان ایشان بد اللهم اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک وقهم
نباشد در نماز بر او بگوید | خدایا بیامرز آنانرا که توبه کردند وپیروی کردند راه ترا ونگاهدار ایشانرا

عذاب الجحیم واگر مذهب میت اللهم ان هذه النفس انت احییتها و
از عذاب جهنم | معلوم نباشد بگوید | خدایا بدرستیکه این نفس را تو زنده کردی و

انت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع من احبت واگر طفل
تو میراندی | خدایا برگردان انرا بانچه دوست داشته ومحشور کن اورا با هر کس دوست دارد | نابالغ باشد

بگوید اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا ومشهور در بهان است که دعاها
خدایا بگردان اورا برای پدر ومادرش وبرای ما پیش فرستاده وزیادتی ومزد

تکبیر اول را میخوانند بنوعیکه گذشت وبعد دعاها را بعد از تکبیر چهارم میخوانند وبر سنی اگر
نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید وسنت است که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا

نماز

علوی

پیش نماز و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور انستکه اکر در مسجد نکنند بهتر است و بر یك جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز ان و در نیست کسیکه نماز نکرده باشد میتواند کرد و کسیکه در اثنای نماز برسد بقصد وجوب ملحق میشود و دعاها که خود را باید خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اکر چه جنازه را بردارند و اکر دور شود باید کرد تکبیرها را بی دعا پیاپی بکوید و اکر میت را بی نماز دفن کرده باشند احوط انستکه بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی کذشته باشد و همه وقت نماز جنازه میتوان کرد مکر انکه وقت حاضره تنك شود که حاضره را مقدم میدارد و بهتر انستکه با وسعت وقت نیز حاضره را اول مقدم دارد مکر انکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت

فصل پنجم در اداب دفن میت است

و اداب بعد از ان سنتست که تا میت را در قبر نکذارند ننشینند و واجبست که کفایة دفن کردن میت و قدر واجب انستکه میت را در کوی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او مستور کردد از مردم و جسد او از درندکان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحبست کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر کردن و سنتست کندن لحد از طرف قبله و مستحبست که انقدر فراخ باشد که کسی تواند در ان نشست و اکر زمین سست باشد و لحد نتوان کند بعضی کفته اند که مانند لحد بسازند و اکر نتوان قبر را شق کنند یا نکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند انقدر که توان نشست و دو طرف داشته باشد که خشت بروی ان توان کذاشت که خاك بر میت ریخته نشود و احوط انستکه در مانند سرداب تابوت و صندوقی نکذارند و بعضی که در دریا بمیرند اکر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خمی کذارند و سرش را ببندند و در دریا اندازند اکر ممکن باشد و الا او را سنکین کنند و رو بقبله بآب اندازند و چون جنازه نزدیك قبر رسد سنتست که او را نزدیك پای قبر بکذارند اکر مرد باشد و اکر زن باشد برابر قبله قبر بکذارند و مشهور انستکه زمانی میکذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند و مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و انچه در روایات معتبره وارد شده انستکه چون میت را بنزدیك قبر رسانی انرا

مصری

ناکاه بقبر مبر و کار را بر او سنکین مکن و پایین تر از قبر بقدر ذراع یا سه ذراع بکذار و ساعتی صبر کن تا تهیهٔ خود را بکیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست و دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنتست که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سرازیر بقبر برند و جمعی از علما کفته اند که زن را از پیش قبله میکیرند و بعرض بقبر می برند و سرازیر نمیکنند چنانکه در بعضی از روایات وارد شده است و سنت است کسیکه بقبر میرود که میت را بقبر کذارد بندهای قبا را بکشاید و بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یك کفش بپوشد یا زیاده خواه طاق باشد و خواه جفت و اکثر علما کفته اند که مکروهست که اکر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و انچه از احادیث ظاهر میشود انستکه پدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود و فرزند سایر اقارب باکی نیست و اکر میت زن بوده باشد احوط انست که محرم او را بقبر برد و اکر محرم نبوده باشد زن صالحه ببرد و اکر زن نبوده باشد مرد صالح ببرد و در رفتن و بیرون امدن سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت است که چون میت را نزدیك قبر بکذارد بکوید

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ

خدایا | بندهٔ تو | و پسر بندهٔ تو | و پسر کنیز تو | فرود امده بتو

وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون میت را بردارد بسم اللّٰه و باللّٰه و علی ملة رسول

و تو بهترین | منزول بهی | بنام خدا | و بخدا | و بر کیش | فرستادهٔ

که بقبر برد بکوید

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰى رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي

خدا رحمت خدا بر او و ال او خدایا بسوی رحمت تو امده است نه بسوی عذاب تو خدایا کشاده کن او را در

قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون

کور او و بیاموز او را حجتش را و ثابت کن او را بکفتار ثابت و نکاه دار ما را و او را از شکنجه

در قبر بکذارد سنتست که بندهای کفن را بکشاید و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین برساند و اکر زیر سرش را از خاك بلند کند بد نیست و خشتی بر پشتش بکذارد که بر پشت نیفتد و سنتست که مهری از تربت حضرت امام حسین علیه السلام در برابر روی او بکذارند و اکر تربت انحضرت در کفن نیز بکذارد بهتر است و بکوید اعوذ باللّٰه من

عليٌّ

آداب دفن

الشيطان الرجيم پس سورهٔ فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله

احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید بسم الله

و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله

اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه صلی

الله علیه و آله اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فاغفر

له و ارحمه و تجاوز عنه پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد عمله

و لقه منک رضوانا پس بگوید اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل

بک و انت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و الحقه

بنبیه و قه شر منکر و نکیر و ایضا بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله و

علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم عبدک و ابن عبدک نزل

بک و انت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه اللهم انا

لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به و بروایت معتبر دیگر بگوید اللهم ان عبدک

ابن عبدک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد

مصری

میت است

فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و الحقه بنبیه محمد صلی الله

علیه و آله و صالح شیعته و اهدنا و ایاه الی صراط مستقیم اللهم عفوک

عفوک و بروایت معتبر اللهم هذا عبدک فلان و بجای فلان نام او ابن عبدک

و دیگر باید بخواند و ابن امتک را بگوید

و قد نزل بک و انت خیر منزول به قد احتاج الی رحمتک اللهم و لا نعلم منه

الا خیرا و انت اعلم بسریرته و نحن الشهداء بعلانیته اللهم فجاف

الارض عن جنبیه و لقنه حجته و اجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه و اجعل

هذا القبر خیر بیت نزل فیه و صیره الی خیر مما کان فیه و وسع له فی

مدخله و آنس وحشته و اغفر ذنبه و لا تحرمنا اجره و لا تضلنا بعده

و سنت است که در اینجا عقائد حقه را تلقین او کند خصوصا ولایت ائمه معصومین علیهم السلام

را و بهتر آنست که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش چپ میت را و

او را حرکت دهد و تلقین کند و بگوید اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم یا فلان

ابن فلان و نام او و پدرش بگوید هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة

ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده

علوی

اداب دفن

ورسوله وسيد النبيين وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين وسيد

الوصيين وامام افترض الله طاعته على العالمين وان الحسن والحسين و

على بن الحسين ومحمد بن على وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى و

محمد بن على وعلى بن محمد والحسن بن على والقائم الحجة المهدى

صلوات الله عليهم ائمة المؤمنين وحجج الله على الخلق اجمعين وائمتك ائمة

هدى ابرار يا فلان بن فلان اذا اتاك الملكان المقربان رسولين من عند الله تبارك

وتعالى وسئلاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك

وعن ائمتك فلا تخف ولا تحزن وقل فى جوابهما الله جل جلاله ربى ومحمد

صلى الله عليه واله نبيى والاسلام دينى والقران كتابى والكعبة قبلتى

امير المؤمنين على بن ابى طالب امامى والحسن بن على المجتبى امامى والحسين بن

على الشهيد بكربلا امامى وعلى زين العابدين امامى ومحمد باقر علم النبيين

امامى وجعفر الصادق امامى وموسى الكاظم امامى وعلى الرضا امامى ومحمد الجواد امامى وعلى الهادى امامى والحسن العسكرى امامى

والحجة المنتظر امامى هؤلاء صلوات الله عليهم اجمعين ائمتى وسادتى

مصرى

ميت امت

وقادتى وشفعائى بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرء فى الدنيا والاخرة ثم اعلم

يا فلان بن فلان ان الله تبارك وتعالى نعم الرب وان محمدا صلى الله عليه و

اله نعم الرسول وان امير المؤمنين على بن ابى طالب واولاده الائمة الاحد

عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلى الله عليه واله حق وان الموت حق

وسؤال منكر ونكير فى القبر حق والبعث حق والنشور حق والصراط حق و

الميزان حق وتطاير الكتب حق والجنة حق والنار حق وان الساعة

اتية لا ريب فيها وان الله يبعث من فى القبور پس بگويد افهمت يا فلان در

حديث است كه ميت در جواب ميگويد فهمت پس بگويد ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط

مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك فى مستقر من رحمته پس بگويد اللهم

جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه منك برهانا اللهم

عفوك عفوك پس خشت بلحد بگذارد واجر بختهٔ بزرخوب بسته وخشت خام بهتر است

اگر خشت بزرگ باشد دو تا بگذارد و در رخنهٔ خشتها خشت ديگر

بگذارد يا بگل رخنه را بگيرد واگر خشتها كوچك باشد هر وقت هر رخنه برخنها را

محكم كند كه خاك بر ميت نريزد و بخواند اللهم صل وحدته وانس وحشته وامن

روعته چيدن خشتها بايد از جانب سر باشد

علوی مصری

روعته واسکن الیه من رحمتک رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک فانما
ترس اورا و ساکن کن بسوی او از رحمت خود رحمتیکه بی‌نیاز کند اورا از رحمت انکه سوای تست بدرستیکه جز این نیست

رحمتک للظالمین وبروایت رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک واحشره
رحمت تو برای ظالمانست / دیگر / رحمتی که بی‌نیاز کند اورا از رحمت انکه سوای تست و محشور کن اورا

مع من کان یتولاه و مکروهست فرش قبر بچوب تخته کردن یا میت را با تابوت
با انکه دوست داشت اورا

در قبر گذاردن مگر انکه زمین آب بر آورد یا نم بسیار
داشته باشد و چون از پیش انا لله وانا الیه راجعون والحمد لله رب
پای قبر بیرون اید بگوید / بدرستیکه ما ملک خدائیم و بسوی او بازگردندگانیم و حمد مخصوص خداست پروردگار

العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلا علیین واخلف علی عقبه فی
عالمیانست خدایا بلند کن مرتبه اورا در اعلا علیین و جانشین باش بر عقب او در

الغابرین وعندک نحتسبه یا رب العالمین پس سنتست که حاضران بپشت
باقی‌ماندگان و نزد تو حساب کنیم اورا ای پروردگار جهانیان / کف خاک در قبر بریزند و اگر

نشکم دست کفها را پر کنند و بریزند نیز خوبست و سنتست که سه مرتبه بریزند و در وقت
ریختن اللهم ایمانا بک وتصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا الله ورسوله
بگویند / خدایا ایمان اورده‌ایم بتو و باور دارنده‌ایم کتاب ترا این است انچه وعده داده خدا ما را و فرستاده

وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وما زادنا الا ایمانا
و راست گفته است خدا و رسول او خدایا بیفزا ما را از روی ایمان و نیفزود مگر ما را مگر گرویدن

وتسلیما و در حدیثست که هر که چنین کند و اید عای نماید خدا بعدد هر ذره
از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان میت خاک بر قبر
بریزند که مورث قساوت قلبست و دوری از رحمت الهی و سنتست که از غیر خاک قبر چیزی
نریزند که بار است میت و سنتست که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی
چهار انگشت گشاده و بعضی نیز وارد کرده‌اند و ظاهر اهر دو خوب باشد و دور نیست
یک شبر نیز مجوز باشد و مستحبست که قبر را چهار گوشه کنند و در وقتیز الهی نیست در خبر
لیست ... میکنند و بعد از ان اب بر قبر بریزند و در خبر است که تا

زیارت امام رضا

تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنتست که اب بریزند رو بقبله بایستند وابتدا از
پیش سر کنند و بریک جانب قبر بریزند تا پیش پا و بگردانند بجانب دیگر و بریزند تا پیش سر و
بعد از ان بر میان قبر بریزد و سنتست که اب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود
و مستحبست که بعد از اب ریختن دست بر قبر بنهند در حالتیکه انگشتان ایشان
گشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و رو بقبله باشند و
از بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند
اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد الیک روحه ولقه منک رضوانا
خدایا فراخ کن زمین را از دو پهلوی او و بالا ببر بسوی خود روح او و برسان او را از جانب خود خوشنودی

واسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه
و ساکن کن بقبر او از رحمت خود انچنان رحمتیکه بی‌نیاز شود بان از رحمت انکه سوای تست / سوره انا انزلناه

بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث بیاورند چنانچه
بسرخی نوشته شده است و سنتست که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از انکه
مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند ان تلقین که گذشت بار دیگر کند
و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین
را بکنند منکر بنکیر میگوید بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج نیست بپرسیدن پس
بر میگردند و سؤال نمیکنند و مکروهست عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بنا
ماندن و گچ مالیدن بر قبور مگر بر قبور انبیا و ائمه علیهم السلم و بعضی گفته‌اند که
قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروهست تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و
در خبر است که حضرت دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را
و مکروهست در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدیکه در انجا
مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلم
و بعضی استثنا کرده‌اند نقل بمقبره صلحا و علما و شهدا را نیز و مکروهست بر
روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور میشود و مشهور
انست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی انکه در قبر مال صاحب قیمتی

زیارت

امام رضا

آداب دفن میت است

افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند
دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم پاشیده باشد و مشهور آنست
که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه
حضرات ائمه معصومین علیهم السلم را و مشهور آنستکه جایز نیست گریبان چاک
کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر و بر ایشان جایز است بلکه از بعضی اخبار
ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصاً بر پدر و بعضی تجویز کرده اند از نان مطلقا و
احوط ترکست و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که
طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزند و بعضی از علما موافق روایتی قائل شده اند که زنیکه
موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی و بعضی گفته اند که نادر کفاره بر او نیست و در نیست که
سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند بریدن
در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قائل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنیکه موی
سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون برآید و بر مردیکه در مرگ فرزند
خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره یمین انشاء الله مذکور خواهد شد و بعضی
واجب نمیدانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را که صبر
کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بیحساب کرامت
فرماید و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا گناهانش
آمرزیده شود و هرگاه که آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان
او آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر
آورد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد

ما مال خداییم و بسوی او بازگردنده ایم و حمد

لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها

مخصوص پروردگار عالمیانست خدایا مزد بده مرا بر اندوه من و جانشین بده از برای من بهتر از آن

ثواب همان مصیبت را بار دیگر بآن داده میشود و سنتست که دیگران تعزیه ایشان بکنند
و ایشان را بصبر و شکیبائی امر کنند بیش از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است
و اقل تعزیه آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از

حضرت رسول که هر که صبر فرماید اندوه ناکی را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را
حله نیکوئی از حلهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر
فرماید حقتعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم
شود و فرمود که ثواب تعزیه و صبر فرمودن بهشت است و مستحبست که صاحب مصیبت
تغییر وضع خود بکند تا آنکه او را بشناسند و جایز است گریه و ندبه کردن که نیکیهای میت را
بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزهائی بد از برای میت اظهار
نکنند و بهتر آنستکه نوحه گر نیاورند و مستحبست که تا سه روز دیگران خصوصاً همسایگان
برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که
چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامهای رنگین نمیپوشد و زینت
نمیکند و سنت مؤکد است زیارت قبر مؤمنان خصوصاً خویشان و چون داخل قبرستان
شود السلام علی اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین انتم لنا فرط و نحن

بگوید درود باد بر اهل خانها از مؤمنان و مسلمانان شما از برای ما پیش روید و ما

انشاء الله بکم لاحقون و بروایتی السلم علی اهل الدیار من المسلمین و المؤمنین

اگر خواهد خدا بشما ملحق شونده ایم دیگر درود باد بر اهل خانها از مسلمانان و مؤمنان

رحم الله المستقدمین منا و المستاخرین و انا انشاء الله بکم لاحقون

رحمت کند خدا پیش رفتگان از ما و بعقب روندگان را و بدرستیکه ما اگر خواهد خدا بشما ملحق شوندگانیم

و بروایتی السلم علیکم اهل الدیار من قوم مؤمنین و رحمة الله و برکاته

دیگر درود باد بر شما ای اهل خانها از گروه مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او

انتم لنا سلف و نحن لکم تبع رحم الله المستقدمین منکم و المستاخرین

شما برای ما رفتید و ما شما را در پی آینده ایم رحمت کند خدا پیش رفتگان از شما را و بعقب ماندگان را

و انا لله و انا الیه راجعون و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر

و ما ملک خداییم و بسوی او برگردنده ایم

برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه
بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را
بیامرزد و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد

زیارت

آداب دفن

سنت است که این اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم و
دعا بخواند خدایا فراخ کن زمین را از پهلوهای ایشان و بالا ببر بسوی خود روحهای ایشان را و
لقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم
بیاموز ایشان را از جانب خود خوشنودی و ساکن کن بسوی ایشان از رحمت خود آنچه متصل میشود با تنهائی ایشان
وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر وبروایت معتبر اللهم ارحم
و انس بگیرد با آن ترس ایشان بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی دیگر این دعا بخواند خدایا رحم کن
غربته وصل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسکن الیه من
غریبی او را و سوی تنهائی او را و انس ده ترس او را و ایمنی ده ترس او را و ساکن کن بسوی او از
رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک والحقه بمن کان یتولاه
رحمت خود آنچه مستغنی گردد بآن از رحمت کسی که غیر از تست و ملحق ساز او را با آنکه باشد دوست او

وبروایت دیگر مستحب است که نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقول است که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنج شنبه و جمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت را یاد آورد که صعب ترین مصیبتها است در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او حبط میشود و نباید شیون و فریاد کنند و واویلاه و واثکلاه بگویند و در حدیث معتبر منقول است که هر که یک فرزند از او برود و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند از او بمانند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقول است که هر که را خدا دوست دارد بهترین فرزندان او را بگیرد و منقول است که ثواب مؤمن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر بکند و خواه صبر

امام رضا

میّت امت

نکنند و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام در وقت مصیبت این
دعا می خواند الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء
خواند سپاس مر خدا را که نگردانید مصیبت مرا در دین من و سپاس مر خدائی را که اگر خواهد
جعل مصیبتی اعظم مما کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان
میگردانید اندوه مرا بزرگتر از آنچه بود و سپاس مر خدا را بر امری که خواسته است که
یکون فکان و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر
بود پس باشد کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند

و احسان ایشان را چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که قروض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گردانند و حج و سایر عبادتی که از ایشان بعمل نیامده و فوت شده باشد سعی کنند باستیجار یا بتبرع بعمل آورند و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطیناک الکوثر میخواندند و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که بسا باشد که میت در تنگی و شدت بوده باشد و حقتعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو گویند که این فرج که ترا رو داده است بسبب نمازیست که فلان برادر مؤمن برای تو کرده راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوانم کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود و فرح می یابد بدعا و استغفار که برای او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که

هرکه از مسلمانان برای میتی عمل صالحی کند خدا ثواب آنرا مضاعف میگرداند و میت بآن عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی بنیت میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل را امر مینماید که با هفتاد هزار فرشته بنزد قبر او میروند که هر یک طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک با و میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمنست برای تو پس قبر او روشن میشود و حقتعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشاند و هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او اول فرزندی که از برای او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند سیم درختیکه بکارد و مردم از آن نفع یابند چهارم آبیکه جاری سازد پنجم چاهیکه حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم بآن عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن

باب چهاردهم

در احکام زکوة و خمس و اعتکافست و در آن سه فصل است **فصل اول** در زکوة است و آیات و احادیث در وجوب و عقاب ترک کنندگان بسیار است از آن جمله حقتعالی میفرماید وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی و آن کسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را از آن نمیدهند و در راه خدا صرف نمینمایند پس بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک در آن روزیکه سرخ کنند آن طلا و نقره را در آتش جهنم و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و بایشان گویند اینست مالهائیکه از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنرا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر کس که یک قیراطی از زکوة را که بیست و یک دینار است (؟) نه مؤمن است

و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حقتعالی فرموده است حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ یعنی تا وقتیکه بیاید احدی از ایشان مرگ گوید پروردگارا مرا برگردانید بدنیا شاید عمل شایسته بکنم در آن مالیکه بعد از خود گذاشته‌ام و از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین علیهم السلام بطرق صحیحه منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة آنرا ندهد حقتعالی او را در روز قیامت محشور خواهد نمود در زمین لغزنده که پا بند نشود بر آن و مسلط سازد بر آن مار بزرگی را که زهر شن از مارهای دیگر عظیم است در عقب او دود و او از وی گریزد تا چون یاور سد و داند که از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوقی گردد در گردن او و اینست معنی قول حقتعالی سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی بزودی طوق گردانند در گردن ایشان آن چیزرا که بخل ورزیدند در دنیا و در راه خدا ندادند در روز قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة آنرا ندهد حقتعالی حبس کند او را در صحرای لغزنده و پامال کنند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود و گزند او را بدندان و نیش هر صاحب زهری بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را نداده باشد آن قطعه‌های زمین را تا طبقه هفتم طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد حقتعالی آن مال را اژدهائی گرداند در گردن او که دماغش را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ شود و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نشود مگر بندادن زکوة و حقتعالی میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانه ایست که بروید از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حقتعالی مضاعف میگرداند باضعاف این از

بیان مجملی

برای هرکه خواهد روایات و اخبار در این باب بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسی که
ایمان بفرموده خدا و رسول داشته باشد کافیست **و اما اجناسیکه** در
آنها زکوة واجب میشود پس نه جنس است **اول** طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه
داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند و تغییر ندهند مقدار چهل یک از زکوة میباید داد
و بعد از آن هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک میباید داد **دویم** نقره است هرگاه
بدویست درهم برسد که بحساب دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر ده
دانکی و سکه داشته باشد و یکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل یک میباید بدهند
و همچنین هر چند چهل درهم زیاد شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک
از آن میباید داد **سیم** شتر است و نصاب از دوازده است اول پنج شتر است و در آن یک
گوسفند است دویم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سیم پانزده شتر است و در آن سه
گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در
آن پنج گوسفند است و گوسفندیکه دهند بهتر آنستکه هفت ماهه یا در هشت باشد
و کمتر نباشد اگر گوسفند دهند و اگر بز دهند یکساله یا در دوم باشد ششم بیست و
شش شتر است و در آن یک شتر است که باید شتر ماده یکساله یا در دوم بدهند و اگر نر
باشد شتر نر دوساله بدهند هفتم سی و شش است و باید شتر ماده دوساله
یا در سیم بدهند هشتم چهل و شش است و باید شتر ماده سه ساله یا در چهارم بدهند
نهم شصت و یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنجم بدهند دهم هفتاد و شش
است و باید دو شتر ماده دوساله یا در سیم بدهند یازدهم نود و یکست و باید دو شتر
ماده سه ساله یا در چهارم بدهند دوازدهم صد و بیست و یکست و هرچه زیاده
شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله میباید داد و در هر چهل شتر یکشتر ماده
دوساله میباید داد **چهارم** گاو است و در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یک
ساله یا در دوم و در هر چهل گاو یک گاو ماده دوساله یا در سیم میباید داد **پنجم**
گوسفند است و در چهل گوسفند یک گوسفند واجبست و در صد و بیست و یک گوسفند
دو گوسفند و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجبست و در سیصد و یک گوسفند

از زکوة

احوط آنستکه چهار گوسفند بدهند و چون بچهار صد برسد هر چه زیاده شود از
هر صد گوسفند یک گوسفند میدهند و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط
آنستکه در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشند زکوة
واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف مالک خورده باشد احوط آنستکه
اگر چریدن بیشتر باشد زکوة بدهند و بچهها تا شیر میخورند حساب نمیباید کرد بنابر مشهور
و احتیاط در آنستکه از روزیکه متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات هم
شرط است که سال بر آنها بگردد و سال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم داخل
شد زکوة واجب میشود و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشند پس اگر بار کشند
یا خیش کنند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را برسر هم حساب میکنند و گاو و گاومیش را
برسر هم حساب میکنند و شتر نر و ماده و لوک را برسر هم حساب میکنند **ششم و هفتم
و هشتم و نهم** گندم و جو و مویز و خرما است و شرط است که هر یک بنصاب برسد
و نصاب گندم و جو و مویز و خرما هر یک سیصد و هفت من و پنجاه درم است بسنگ تبریز
و انگور هرگاه هشتصد و بیست و یک من باشد احوط آنستکه زکوة بدهند و شرط است
که این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد از درو کردن
بخرد زکوة بر فروشنده واجبست و اگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر
واجبست و اگر زمین را بمضارعه بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا خمس مثلا زکوة حصه مالک
بر مالک واجبست و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی بنصاب رسیده
باشد پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب نشه خورده باشد
ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخ خورده باشد نیم ده یک میدهند
و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشند یازده
یک میدهند و احوط و اقوی آنستکه بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را
بدر نکنند در دادن زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت
غوره شدنست پس احوط آنستکه اول ارباب خبره را بیاورد که تخمین کنند
باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد که بان نسبت زکوة خواهم داد تا تخمین

بیان مجملی

از غوره و انگور حلال باشد یا آنکه آنچه بر دارد بکشد و حساب آنکه داد با آنچه
بر دارد عشر غوره بدهد و همچنین کند در جو وقتیکه دانه ببندد و بعضی از علما گفته
اند که زکوة واجبست در حبوب مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هرگاه
بنصاب جو و گندم برسند بهمان شرایط و مقداریکه گذشت و مشهور آنستکه زکوة اینها سنت
است و در مادیان که در علف مباح چرا کنند و سال بر او بگذرد زکوة سنتست هرگاه
پدر و مادرش عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگی و نیم میدهد و اگر یابو باشد
که یکی از پدر و مادرش عربی نباشد در سالی یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب
قائل شده اند و مشهور آنستکه سنتست و آن مالیستکه مالک شود آنرا بعنوان معاوضه
و در وقت مالک شدن قصد کسب و تجارت با آن داشته باشد و میباید که قیمت آن
بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال بر نصاب باقی باشد و در تمام سال از مایه کمتر نشود
که با تمام مایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنتست که زکوة
یک سال را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهد و اگر معاوضه کند
در اثنای سال بقصد تجارت خلافست و احوط آنستکه باز بدهد و سنتست که در وقت
درو کردن اگر فقرا حاضر باشند هر فقیر را دسته کند بدهد و همچنین وقتیکه درو کند
در آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت بدهد بزکوة حساب نکند و بعضی واجب
دانسته اند و احوط آنستکه ترک نکند و **اما مستحق زکوة** پس هشت طایفه اند
اول و دویم فقراء و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود و عیال
خود را نداشته باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود را بآن توانند
کرد و باید و احوط آنستکه صالح باشند و گدا و سائل بکف نباشند **سیم** کسیست که امام
علیه السلم نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهند و در این زمانها این نمیباشد
غالبا و همچنین **چهارم** که مؤلفة قلوبهم اند در این زمانها نمیباشند غالبا **پنجم** صرف
کردن در آزاد کردن بندگانست مثل آنکه اگر غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد
و آزاد شود و او عاجز باشد از دادن آن اگر از مال زکوة واجبست باید که قدری
از زکوة را بمال کتابت حساب کنند و الا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که بآقا

از زکوة

بدهد و آزاد شود یا غلامیکه از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و
آزاد کنند **ششم** قرضدارانند که قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده
باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد **هفتم** فی سبیل الله یعنی صرف در راههای
خدا مانند جهاد در سبیل الله و یاری حاجیان و زوار ائمه معصومین علیهم السلم
و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهادست در زمانیکه جهاد
حق باشد و این احوط است **هشتم** ابن السبیل است و آن کسیست که بغربت افتاده باشد
و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد اگرچه مالدار باشد و میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش
معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد
و احوط آنستکه اجتناب از کبایر کند خصوصا شراب خوردن دیگر شرطست که واجب النفقه
مالک نباشند مثل پدر و مادر و جد و جده هرچند بالا روند و فرزندان و فرزندان فرزندان
هرچند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنستکه زکوة را بخویشان بدهند غیر آنها
که مذکور شدند اگر شرایط را داشته باشند و غیر سید زکوة بسید نمیتواند داد و
سید زکوة خود را بسید و غیر سید هر دو میتواند داد و غیر سید احوط آنستکه
بشریک هم ندهد و بهتر آنستکه زکوة را نزد مجتهد یا عالمیکه مصارف زکوة را دانا
باشد ببرند که او بمصرف برساند در ذکر آنچه خمس در آن واجب است بدانکه خمس در هفت چیز
واجب میشود **اول** غنیمتیکه از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ کار باشد خواه در
بیرون **دویم** معادنست مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و
عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر رود پنجیک آنرا باید داد
و مشهور آنستکه نصاب ندارد و بعضی گفته اند که نصابش یک دینار است تا یک دینار نرسد
خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلا
است و اکثر متاخرین باین قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر چند کس شریک باشند
باید حصه هر یک بحد نصاب برسد **سیم** گنجست یعنی مالیکه در زمین پنهان کرده
باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در آنجا مسلمانی نباشد هرچند سکه
اسلام داشته باشد و یا در دار الاسلام بیابد سکه اسلام نداشته باشد و ...

در بیان خمس است

دینار یعنی به بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس از او بدهند و باقی از اوست و اگر نقره باشد بدویست درهم برسد که موافق زر ده دانگی دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد باید که قیمت آن بیکی از آن دو مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتیکه دلالت کند بر آنکه بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد میباید یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش بدهد و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق کردن و با امانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زمین بوده است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران باو رسیده باشد از اوست و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع نزدیک و دور اگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از اوست و باز احوط آنست که خمس از او بدهد و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم آن چیزی بیابد تعریف میکند بایع اگر نشان نداد از اوست و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا و باقی از اوست و باین ملحق کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست که تعریف باو بکند **چهارم** چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که نصابش یکدینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه در آورند همه را در نصاب با هم حساب میکنند هرچند در ما بین ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هریک میباید بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص در آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور است که حکم معدن دارد و احوط آنست که هر حال خمس از او بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند **پنجم** فاضل مؤنه سالیانه از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها

و مشهور

و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه که بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند اگر تنگ گرفته باشد از اهم بیرون میکند علی المشهور و احوط آنست که از هرچه زیاد آمده باشد بدهد بلکه مناسب احتیاط آنست که هرچه حاصل شود و خرج بکند زیادتی را روز بروز خمسش را بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارات رسول و ائمه علیهم السلام و امثال اینها [illegible] بدهد و وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلمه میکنند جمیع را بیرون میکنند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح ره قائل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی [illegible] که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد و عمل باین روایات احوط است **ششم** زمینیکه یهودیان و نصرانیان و مجوسان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن را صاحب ذمی میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرند [illegible] مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند [illegible] **هفتم** مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحبش را ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس آن را میدهند بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی از مخصوص سادات میدانند و بعضی گفته اند که بسادات نمیتوان داد و ظاهر اینست که بهر دو میتوان داد و اگر [illegible] بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را دانند و صاحبش را ندانند [illegible] است که بصاحبش [illegible] و اگر صاحب را دانند و مقدار را ندانند با صاحب میباید صلح کند و گفته اند که در این صورت خمس را بصاحبش میدهد و بعضی گفته اند که مقداری را که علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را دانند و صاحب را ندانند سعی میکنند تا صاحب را بهم رسانند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکنند و این صورت و صورت اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب پیدا شود خلافست که آیا باید بصاحب بدهد

در بیان

بانه واحوط است که بدهد اما اینست خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه
میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است حصه خدا و رسول و ذوی القربی که نصف خمس
است بعد از حضرت رسول صلعم از امام زمان علیه السلام است و نصف دیگر سه حصه میشود
که یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق
مشهور کسیست که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در
زکوة گذشت و در یتیم احوط آنستکه پریشان باشد و ابن سبیل را قدر ما یحتاج بدهند
خود در دوراند و از احادیث معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را
بخدمت آنحضرت میبرده اند و حضرت نصف را خود بر میداشته اند و نصف را باز بسه فرقه
سادات میداده اند که مذکور شد و هر یک بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده اند
و آنچه زیاد می آمده خود بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را میداده اند
و ایشان بمنزله عیال امام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنستکه حصه سادات را
بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر
خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلافست و مشهور آنستکه بعالم عادل باید داد
که بر سبیل تتمه باینهای آنحضرت بسادات بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد
خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید بدهد و الا از برای آنحضرت ضبط کند
و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند و خمس دهندگان
کمند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام اینحصه را بر شیعیان حلال کرده اند
این سخن بیوجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صحیح نرسیده است
که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که
هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت یعنی عثمان عمری و پسر او محمد و حسین بن روح
و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند
و بفرموده حضرت بمرده میدادند و ظاهر آنستکه در این زمان نیز نایب عام آنحضرت که علمای
ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات که عیال آنحضرتند برسانند و الا
باید که سادات که اشرف خلقند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس ذلیل تر

خمس است

باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض آن بایشان داده اند
بسبب اختلافیکه در میان علما بهم رسیده است بعضی از علمای عصر اغنیا را اجازت داده
اند بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه مبتلا شده اند و حقوق ایشان
و اجداد ایشان بر ذمه اغنیا میماند بر تقدیریکه ائمه بر ایشان رحم کرده باشند در زمانهای
تقیه و خوف و تعدیهائیکه از خلفای جور بر ایشان واقع میشده و حلال کرده باشند ایشان
چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطراب ببینند
و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال
آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس
برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم حضرت صادق علیه السلام فرمود که من میگیرم
خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای
آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلعم فرمود که هر که احسانی با احدی از
اهلبیت من بکند من مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود
حصه امام علیه السلام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه بدستش بعالم محدث
عادل برسد و بگمان فقیر همه خمس اینحکم را دارد

فصل سیم

در بیان فضیلت و
کیفیت اعتکافست و اعتکاف مکث است در مسجد جامع جهت عبادت و از سنت مؤکده است
بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه رمضان چنانکه حضرت سید
المرسلین صلعم همیشه در دهه آخر رمضان اعتکاف مینموده اند مگر یکسال که در آن جنگ
بدر واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای
سال گذشته و ده روز ادا و از آن حضرت صلعم منقولست که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان
برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره
دادن خود بغیر واجب میشود و اگر نذر بکند واجب شده است و نکرده است احوط آنستکه
پسر بزرگ قضا کند بعضی گفته اند بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود و بعضی گفته
اند روز سیم واجب میشود و هم چنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هر چه بالا
رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب

اعتکاف

یعنی در نگ

نیاید و این قول اقوی نیست و احوط آنست که در اول شبها مذکور بجای نیت بکند بقصد قربت و مستحبست که معتکف شرط کند بر پروردگار خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار نه مقید بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهر آ عارض و مانع اعم از عذر ضروریست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکافست و این دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغه نذر است و خالی از اشکالی نیست و فائده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد یا اگر چه در روز سیم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست **باب اقامه کردن اعتکاف** جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف صحیح نباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف در این باب بسیار است و مسجد مداین گویا در این زمانها معلوم نیست و مسجد بصره در این وقت در دریا بان واقعست و اعتکاف در آن مشکلست و گفته اند مراد بمسجد مکه و مدینه آن قدریست که در زمان حضرت رسول بوده نه آنچه بعد الحاق کرده اند و ظاهر آ در هر مسجد جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که در آنجا نماز جماعت کنند مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر با نجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند گو متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم اصفهان و سایر اینها مثل مسجد آقا نور و مسجد جا سا باد محل تامل است و احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه نباشد در غیر آن مساجد مخصوصه و اقع نسازند در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند و اگر بزرگتر شهر باشد احوط است و غایت احتیاط آنست که قصد کنند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر شرعیه و الا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرط است در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور آنست

مسجد — کردن در

که دو شب میان داخلند و بعضی گفته اند که شب اول نیز داخلست و ظاهر آنست که با لیالی اثنای نیت اعتکاف نکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند هم ماننست احتیاط است و شرطست در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب و خواه سنت یا بیرون سنت کسانی باشد که روزه ... بر او ... و مالک بنده و او احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان بی رخصت مهمان دار و عکس واقع نسازند و نیت از اعتکاف شرطست بقصد قربت کافی نیست و واجبست که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند مگر بضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر این مسجد کنند یا عیادت مؤمن یا حاضر شدن بر جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای تحصیل امر ضروری خود مانند بیت الخلاء رفتن و غسل جنابت کردن اگر ... غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر غسلهای مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نتوان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل اب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نباشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن اگر ... شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بیرون رود بجا نشیند تا بر گردد بمسجد و بهتر آنست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیک نزد بسمت مطلب برود و بیشتر از آنچه نزدیک تر بود اگر ... بسیار زیاد از ضرورت واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا میتوان کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهواً از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان بسیار بکشد و دیگر آنکه و او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبراً او را از مسجد بیرون برند و احوط آنست که جزء بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر آ اگر داخل مسجد باشد ضرری ندارد و بدانکه حرامست بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرامست بوسیدن بشهوت و دست برد بدن او را لمس کردن بشهوت و احوط اجتنابست از هر دو و اگر چه بشهوت نباشد و

زیارت حضرت

کیفیت اعتکاف

حرامست طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن باشد که از او منی اید بسبب
ان و احوط انستکه بعبث دست بر ذکر نمالد و حرامست بوی خوش کردن و کل
بوئیدن هر گلی باشد علی المشهور و باید که جدل و نزاع باکسی نکند و احوط انستکه
مباحثهٔ علمی نیز نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر برای ضرورت
خود و عیال خود و احوط انستکه وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط ان
استکه مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی عقد نکاح را و جمیع اینها که در اعتکاف
حرامست در روزها و شبها همه حرامست مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز
است نه در روز و هرچه روزه را باطل مینماید اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در
روز بفعل آورند و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را
واقع میتواند ساختن و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف باطل
میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف سنت
خلافست و احوط کفاره است اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط انستکه هرچه
روزه را باطل میکند اگر اینها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره
بنده ازاد کردنست اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین
را طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوطست بلکه اظهر است اگر
جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه رمضان واقع شود دو
کفاره میدهد یکی مرتبه و یکی مخیره و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع
شود باز دو کفاره میدهد و این بی وجه است و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از
جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره باینها واجب نمیشود و در بطلان
باستمنا و کفاره بسبب ان خلافست و احوط اتمامست و کفاره اگر در شب واقع
شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد
احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و باینقدر ضرور بود اکتفا کردیم

خاتمه

عبد العظیم

بیان کفارات

در بیان کفاراتست بدانکه کفاره بر دو نوع است **اول** کفارات احرام حج و عمره و اینها را در
رساله حج بیان کرده ام **و دوم** در سایر کفاراتست و اینها بسیار است بعضی متفق
علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را
باینکه بگیر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادت ابدی و محصلان نجات از عقوبات
اخروی بیان مینمایم **اول** کفاره افطار روزه ماه مبارک رمضانست و ان واجب میشود
بخوردن و اشامیدن چیزیکه خوردن یا اشامیدن ان متعارف و معتاد باشد اتفاقا و در غیر
معتاد خلافست و اشهر و اقوی وجوبست و بجماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی
الاقوی و بباقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت در
نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن نکرر ثانیه یا زیاده تا صبح علی
الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و طلب منی کردن و دست بازی
کردن و مکرر بزنی نگاه کردن تا منی بیاید علی الاحوط و قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و حقنه کردن
و شاعل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام
بنا بر قول بعضی و سر فرو بردن عمدا در اب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را عمدا
بعمل آورد و مسئله داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر
از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند خلافست و احوط کفاره است
و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده ازاد کردن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن
یا شصت مسکین طعام دادنست و بعضی بترتیب قائل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر
بنده ازاد کردن ان مقدم است و الا دو ماه روزه و اگر از این نیز عاجز باشد شصت
مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوطست و اگر افطار بحرام کرده باشد
مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب دانسته و زنا و لواطه بعضی از علما قائل شده
انند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول
احوطست **دوم** هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند
مشهور انستکه کفاره واجب است و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی انستکه کفاره
طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیر

در بیان کفارات است

میان این دو مبدا اند و بعضی کفارهٔ قسم و بعضی کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم میدانند
سیم کفارهٔ ظهار است که کسی با زن خود بگوید اَنتِ عَلَیَّ کَظَهرِ اُمّی یعنی تو بر من مانند
پشت مادرمی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن حایض
نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر
خواهد جماع کند باید که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره
بر او واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده آزاد کردنست و اگر عاجز شود
دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین اطعام کردن **چهارم**
کفارهٔ ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجهٔ دائمهٔ خود را چهار ماه یا زیاده وطی
نکند و زن او را نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی
کند و اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفارهٔ آن کفارهٔ قسم است که بعد
از این مذکور میشود انشاء الله **پنجم** کفارهٔ خلاف قسم است یا آنکه قسم خورد باسمای
مقدسهٔ خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعل آن
رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش آنست که یک بنده آزاد
کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از هر سه عاجز
شود سه روز پیاپی روزه بدارد **ششم** کفارهٔ مخالفت نذر است یا آنکه نذر کند
فعل امری اگر راجح باشد یا ترک امری اگر مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش
بعضی گفته اند مانند کفارهٔ قسم است و بعضی گفته اند که مانند کفارهٔ افطار ماه
رمضانست یک بنده آزاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن
و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش کفارهٔ افطار
ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفارهٔ قسم است
و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفارهٔ ماه رمضانست مطلقا **هفتم**
کفارهٔ عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک
کند امر غیر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت عهد نماید و در کفاره اش مانند
کفارهٔ نذر خلافست و احوط آنست که در نذر مذکور شد **هشتم** قسم خوردن

بعنوان برائت از خدا و رسول و ائمهٔ هدی علیهم السلام است و در حرام بودن چنین قسمی
خلافی نیست لیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی یا ذکر آن خلافست بعضی گفته اند که
کفاره اش کفارهٔ ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه روزه داشتن
و با عجز از آن شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین را طعام یا کسوه دهد
و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ
نذر است و ابن بابویه گفته است سه روز روزه بدارد و ده مسکین را طعام بدهد
و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که
صفار بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که مردی سوگند یاد کرد به برائت
از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفارهٔ او چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را
طعام میدهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند از خدا و بعضی از علما باین مضمون
قائل شده اند و خالی از قوتی نیست ایضاً خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل قسم
خوردنست یا برای مخالفت سوگند کردن و شاید که چنین سوگند یاد نکند و اگر
یاد کند بمحض سوگند عمل بقول اول کند اگرچه ظاهر آنست که عمل بروایت مجزی است
نهم بعضی از علما قائل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد
کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بنا بر قول بعضی و تخییر بر قول بعضی و بعضی
گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان
لازم است و احوط عمل بر اینست و بعضی [illegible] را الحاق کرده اند بر این
در وجوب کفاره **دهم** هرگاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی خود
را بخراشد یا مردی جامهٔ خود را در مرگ فرزند خود یا زوجهٔ خود چاک کند کفارهٔ
قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است و
احوط آنست هرچند وجوب ثابت نیست **یازدهم** مردی که زن یا متعه یا کنیز را
در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور
میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض
نیم اشرفی و در آخر حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است **دوازدهم**

دعای

در بیان

کسی که بخواب رود و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند که واجبست که
ان روز را روزه بدارد و اشهر استحبابست و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور
انستکه بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی
لازم دانسته اند کفاره ماه رمضان و این قول ضعیفست و اگر احوط انستکه یکروز قضا
بگیرد **سیزدهم** کفاره قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غالبا کشنده
باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود گو قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش انستکه
یک بنده ازاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین را طعام دهد **چهار**
دهم کفاره قتل خطاست که کسی را ابتدائی بکشد بانکه قصد کشتن نداشته باشد و
کاری بکند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند انکه طفلی را برای تادیب بزند و او
بمیرد یا تیری بسوی اهوئی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود یا در راه بر کسی بخورد
و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد و کاری بکند که ان سبب قتل شود مثل
انکه چاهی در راهی بکند و کسی در ان چاه بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد
و باعث قتل کسی شود مشهور انستکه کفاره لازم نمیشود هر چند دیه لازم
شود و کفاره بنده ازاد کردنست و بعد از عاجز شدن از ان دو ماه متوالی روزه
داشتن و بعد از عجز از ان شصت مسکین طعام دادن **پانزدهم** اگر کسی زنی
را در عدۀ دیگری تزویج کند میباید از ان زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما پنج
صاع ارد تصدق میکند و احوط انستکه اگر زن دیگری را عقد کند نیز این
کفاره بدهد یا پنج درهم تصدق کند **شانزدهم** کسی که مملوک خود را زیاده
از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند موافق بعضی از روایات که واجبست که
ان مملوک را بکفارۀ ان عمل ازاد کند و این احوطست و اگر او را بکشد بعمد کفارۀ جمع
میدهد و اگر بخطا بکشد کفارۀ قتل خطا میدهد و واجبست که قیمت ان غلام را
تصدق کند بنا بر مشهور **هفدهم** کسی که روزۀ ماه رمضان را افطار کند
بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر و اقوی انستکه قضا ساقط می شود
و برای هر روز یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند

دعا که میکند

کفارات است

و این چند ده گفته است احتیاطا هر دو را میکند و اگر در مابین دو رمضان از ارش برطرف
شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا انکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر
و اقوی انستکه بعد از ماه رمضان قضا میکند و هم برای هر روز یکمد یا دو مد میدهد
و بعضی کفاره را واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند که کفاره در صورتیست که عزم
بر قضا نداشته باشد و اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری
یا عذر دیگر عارض شود قضا بایدکرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است
هیجدهم نوادر کفارات است از حضرت صادق علیه السلم منقولست که کفاره عمل
سلطان قضا حوائج مومنانست و کفارۀ غیبت انستکه برای انشخص که او را غیبت
کرده است استغفار کند و کفارۀ مجلس انستکه چون از مجلس برخیزد بگوید سبحان
ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب

پروردگار تو پروردگار غالب از انچه وصف میکنند و درود بر فرستادگان و ستایش مر خدای پروردگار
منزه است

العالمین و کفارۀ خنده انستکه بگوید اللهم لا تمقتنی یعنی خداوندا مرا دشمن
مدار و بر من غضب مکن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه
جهانیان است
السلام منقولستکه هر کس بدیگری بگوید لا اب لک و لا ام لک یعنی تو را پدر مباد
یا تو را مادر مباد باید که چیزی تصدق کند و کسیکه بگوید بحق پدرم یا بجان مادرم
و پدرم کفاره اش انستکه بگوید لا اله الا الله و خلافست در این نوع از قسم مثل
بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهتست و احوط
ترکست **و اما احکام کفارات مذکوره** پس در چند فصل بیان
میشود **اول** هرگاه بنده باید ازاد کرد در کفارۀ قتل میباید ان بنده مومن باشد
و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت ایمانست و در کفاره قتل احوط انستکه
بالغ باشد و در غیر ان مرد و زن و بالغ و نابالغ مجزیست و باید که ان بنده کور و صاحب
خره و زمین گیر نباشد و مولا جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد
و بعضی گفته اند که باید خصی و لال و کر نباشد و ولد زنا نباشد و مشهور اجزاء است
و احوط ترکست و غلام گریخته را مشهور انستکه ازاد میتوان کرد تا علم بمرگش هم

در ذکر احکام کفارات مذکوره

نرسد و بعضی شرط کرده اند که خبری از ان برسد بعضی شرط کرده اند که ظن جنوه او
باشد **دویم** در کفارهٔ مرتبه تا از بنده ازاد کردن عاجز نشود بروزه منتقل
نمیشود و هر جا که روزهٔ دو ماه باشد میباید متوالی بگیرد و توالی بیک ماه و یکروز
که متصل بگیرد بعمل میاید باین معنی که اگر بعد از ان بدون عذر افطار کند نباید از سر
بگیرد و با تفریق جایز است بی عذر با حرامست اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش
از یکماه و یکروز بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و
نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام
میکند و هم چنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنا بر اقوی و هر جا که کفارهٔ دو
ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی
سیم هر جا که اطعام لازم شود مشهور انستکه هر یک را بقدر طعام بخورانند که
سیر شود و بهتر انستکه نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی
گفته اند که میباید که چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخورانند بقدری که سیر شود و احوط
اینست اگر چه اظهر انست که بیک وقت اکتفا توان کرد و اگر خواهند طعام را بمسکین می
توان داد و در مقدار ان خلافست بعضی یکمد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو
مد است و بهتر انست که با ان نان خورشی نیز بدهند چنانچه بعضی واجب دانسته اند
و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکنند و احوط انستکه حصهٔ اطفال
را بولی شرعی ایشان بدهند و اگر طعام خورانند ظاهر اصغیر و کبیر را باهم توانند ضم
کرد و اگر دو طفل را بجای یک مرد حساب کنند احوط است و در یک کفاره دو حصه
را بیک مسکین نمیتوان داد مگر انکه مستحق یافت نشود و احوط انستکه تا ممکن باشد
بغیر مؤمن ندهند و بیرنشان نسبیا بر نشان بدهند که مسکین بر او صادق باشد و مد
چهار یک صاعست و صاعی یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربعیست بنا بر مشهور
و چون در احادیث اختلاف در تحدید بصاع و مد هست احوط انست که بجای دو مد یکمن
شاه تقریبا بدهند **چهارم** در جائی که کسوه باید داد در زن پیراهن و مقنعه تا هم
مجزیست و در مرد بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم

میدانند و بهتر انستکه پیراهن و قبا بدهند یا قبا و یا بالاپوش و بهتر انستکه نو باشد و جامهٔ طفل
را بهتر انستکه بر خصی قبلی بر او بپوشانند **پنجم** هر گاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند
در روزه و بعد از ان قادر شود بر بنده ازاد کردن روزه او را مجزیست و بهتر انستکه ترک کند
روزه را و بنده ازاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه و یک روز روزه داشته باشد
و جمعی از اصحاب قائل شده اند که هر گاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد
از گرفتن ان هجده روز روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روز مدی از طعام میدهد
و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی انستکه از هر کفاره که عاجز شود استغفار
بدل او میشود مگر کفاره ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال
نمیشود و هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند
احوط انستکه تا کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام انها
و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میمانند قدری از احکام انها
را در این رساله کثیر الفائده ایراد نمود ملتمس از برادران ایمانی انستکه هرگاه از این رساله
منتفع گردند در حال حیات و بعد از ممات این شکسته بدعای رحمت و مغفرت این مستحق
دعا را یاد کنند و ختم بفضل الله سبحانه و تاییده فی شهر الله المعظم شهر رمضان
من سنه سبع و مائة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه الراجی رحمة الکریم
المنان فی محروسه اصبهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور الاشغال و اختلال الاحوال
و توزیع البال و الحمد لله اولا و اخرا و الصلوة علی سید المرسلین محمد و اله الاطهرین
الاقدسین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین

بسم الله تعالی شانه

قد انطبع الکتاب المستطاب المسمی بزاد المعاد فی مطبعة اصفهان صانها
الله عن الحدثان فی دار الطباعة المتعلقة بجناب جلالتماب الاجل الاکرم
الافخم الجالس علی سریر الاستقلال نائب الحکومة الکبری **آقای رکن الملک**
دام اجلاله العالی بمباشرة عالیجناب سلالة الاخیار آقا میرزا محمد ابراهیم سلمه الله

فی شهر شعبان المعظم فی سنه ۱۳۱۹ صورت اتمام پذیرفت

دعا

فهرست ادعیه که شیء المعاد شده از سجادیه آن
فهرست کندن جوزاد نوشته صحیفه و غیر

فهرست ادعیه صحیفه	در حمد خدای تعالی	در صلوة بر محمد و آل	در صلوة بر حمله عرش	در صلوة بر مصدقین رسل
بجهت خود و خویشان	دعای صبح و شام	دعای در مهمات	دعای پناه بردن	دعای اشتیاق
دعای پناه بردن بخدا	دعای حسن عاقبت	دعای اعتراف بگناه	دعای خواهش حاجتها	دعای شکوه ظالمان
دعای بیماری	دعای [illegible] از [illegible]	دعای شر شیطان	دعای رفع بلاها	دعای طلب باران
دعای خوش خلقی	دعای غمگینی کارها	دعای [illegible] بخششها	دعای طلب عافیت	دعای بجهت پدر و مادر
دعای بجهت اولاد	دعای بجهت همسایه و دوستان	دعای نگهبان سرحد	دعای ترس از خدا	دعای تنگی روزی
دعای پس دادن قرض	دعای بازگشت	دعای نماز شب	دعای استخاره	دعای مبتلا بگناه و دیگر بلیه
دعای رضا بقضا	دعای شنیدن رعد	دعای شکر گذاری	دعای عذر خواستن	دعای بخشیدن گناه
دعای یاد کردن مرگ	دعای شنیدن [illegible]	دعای ختم قرآن	دعای ماه دیدن	دعای دخول ماه رمضان
دعای وداع ماه رمضان	دعای عید فطر و جمعه	دعای روز عرفه	دعای عید قربان و جمعه	دعای دفع کید دشمنان